مؤمنان بود ونذیر کافران را واگر رسول علیه الصلوة والسلام را بیمار یا خشمگین بیند
دلیل کند که اهل آن دیار با حکام شریعت وسنتهای پیغمبری بجای آرند وخیراتها کنند
وروان رسول از ایشان راضی بود واگر بیند که مصطفی با بعضی از پیغمبران وی را بخواب
بیند دلیل کند که مراد خویش اندر دنیا بیابد واگر بخلاف این بیند دلیل کند که در دنیا
مقصود ومراد خویش بیابد واگر بیند که او پیغمبر شد دلیل کند کوی را رنج وسختی
رسد بمقدار مرتبت پیغمبری وازپس کارش نیکو کردد عبدالله عباس کوید که اگر کسی جنازهٔ
مصطفی علیه الصلوة والسلام درخواب بیند اندران دیار رنج ومصیبتی عظیم بود
واگر دید که پس جنازهٔ او همی رفت تا وی را در کور کنند دلیل کند او بهوا وبدعت باشد
ومایل مبتدعان بود واگر بیند که مصطفی را زیارت همی کند دلیل کند که نعمت ومال و
ولایت یابد واگر بیند که چون مصطفی را بخواب دید بروی فسوس کرد دلیل کند که کافر
شود قوله تعالی قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن مصطفی علیه الصلوة والسلام را در خواب
بر یازده روی تعبیر بود یکی رحمت باشد دوم نعمت سیوم عز چهارم بزرکی پنجم
دولت ششم ظفر هفتم سعادت هشتم ریاست نهم قوت اهل سنت وجماعت
دهم خیر دوجهانی یازدهم نیکوئی مردمان آن موضع ومقامی که در وی این خواب
دیده باشند: ابن [illegible]
وکرامت یابد [illegible]
آن [illegible]
بیند [illegible]
[illegible]

خیر و برکت پدید آید **امیر المؤمنین علی علیه السلام** ابن سیرین گوید اگر کسی علی ابن ابی
طالب علیه السلام بخواب بیند خوش طبع و گشاده روی دلیل کند که علم و کرامت و شجاعت
و هنرمندی یابد و اگر ویرا زنده در شهری بیند دلیل کند که عدل و انصاف و علم در میان
مردمان شهر پدید آید و جور و ظلم برخیزد و اهل بدعت در آنجا خوار گردد لیکن در میان
ایشان جنگ و خصومت بود **صحابه** ابن سیرین گوید اگر کسی از اصحابه پیغمبر علیه الصلوة
والسلام بخواب بیند دلیل کند که در راه دین و پرهیزکاری صادق باشد زیرا که پیغمبر
علیه الصلوة والسلام گفت اصحابی کالنجوم بایهم اقتدیتم اهتدیتم گفت یاران من چون
ستارگان اند هر که اقتدی کنند راه یابند **امام حسن و امام حسین** و اگر کسی امام حسن
و امام حسین علیهم السلام را بخواب بیند دلیل کند که وی را با کسی از بزرگان و مهتران
پیوستگی افتد و از آن کس خیر و راحت بیند و منفعت یابد و سرانجام شهید شود و اگر طلحه را رضی الله
عنه بیند دلیل کند که حج و غزا کند و اگر ابو هریره را یا انس را بیند دلیل کند که بسنتهای پیغمبر علیه
الصلوة والسلام راغب بود و علم شریعت دوست دارد و عمرش دراز بود و اگر سعد وقاص را
بیند دلیل کند که غزا را دوست دارد و اگر سلمان فارسی را بیند دلیل کند که حق تعالی ویرا
علم قرآن ارزانی دارد و عاقبتش محمود بود و اگر عبد الله عباس را بیند یا عبد الله مسعود را
دلیل کند که بکار دین مجتهد باشد و اگر بلال را بیند دلیل کند که امر معروف را بجای
آورد و بر سر ملا گوینده گردد و علی الجمله هر یکی را که از یاران رسول را بخواب بیند دلیل
کند که خیر و منفعت دنیا و آخرت وی را حاصل گردد زیرا که جمله حق اند و ناصح امت پیغمبر اند
علیه الصلوة والسلام و اگر کسی را از علما یا از حکما یا از زهاد بخواب بیند دلیل کند
که بکار خیر و طاعت توفیق یابد و علم حاصل کند بر قدر درجه آنکس که ویرا دیده باشد
زیرا که علما و حکما و اولیا میراث داران مصطفی اند علیه الصلوة والسلام و راه نماء
مسلمانان و اگر بشهری یا بمحلتی گروهی از حکما و علما بهم جمع آمده باشند بیند دلیل
کند که مردم آن موضع را نصرت بود بر جاهلان و بگفتار حق و بامر معروف و از پس
شرح تعبیر آن چیزها که در خواب دیده شود بر ترتیب حروف معجم بنسق در این

کتا

کتاب بیان کنیم چنانکه استخراج آنچه طالب بر خواندن و آموزنده خوار و آسان شود والله
التوفیق و علیه توکلت بالتحقیق **حرف الف از کتاب کامل التعبیر آبادانی** ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند که جایگاهی خراب آبادان همیکرد چون مسجد و مدرسه و خانقاه
و آنچه بدین ماند دلیل کند بر صلاح دین و مزد و ثواب آن جهانی که ویرا حاصل شود
و اگر بیند که زمینی خراب از بهر خود آبادان همیکرد چون سرا و دکان و آنچه
بدان ماند دلیل کند که خیر و فایده این جهانی یابد و اگر بیند که جایگاهی آبادان
بیفتاد و خراب شد دلیل کند که اهل آن جایگاه را بلا و مصیبت رسد جابر مغربی گوید
اگر کسی خویشتن را بخواب در جایگاهی آبادان مقیم بیند دلیل کند که خیر و صلاح
و منفعت یابد و بقدر آن آبادانی آن مقام که دیده باشد و اگر بر خلاف این بیند
دلیل بر شر و فساد و مضرت وی کند و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که
دیدن آبادانی در خواب بر چهار وجه بود یکی بر صلاح کارهای این جهان دوم
بر خیر و منفعت سیوم بر کامرانی چهارم بر گشایش کارهای بسته **آب** بدان که
زندگانی همه چیزها ست که در دنیا بود **قوله تعالی** وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ
ابن سیرین گوید اگر بیند که بر فراز آب همیرفت چون آب دریا و آب رودخانه و آنچه
بدان ماند دلیل کند بر قوت ایمان و دین داری و اعتقاد پاک وی و اگر بیند که آب
صافی و خوشگوار بسیار بخورد دلیل کند که عمرش دراز بود و معیشت وی خوش باشد
و اگر بیند که تیره باشد یا شور یا تلخ همی خورد بخلاف این باشد و اگر بیند که از دریا
آب خوش و صافی همی خورد دلیل کند که بر قدر آن وی را از پادشاه مال و نعمت حاصل
شود و اگر بیند که جمله آب دریا خورد دلیل کند که پادشاهی همه جهان بگیرد و علی الجمله
بقدر آن که آب از دریا خورده باشد ویرا بزرگی و مال و پادشاهی رسد چون آب روشن
و صافی باشد اما اگر آب تیره بود آنچه بدو رسد با رنج و سختی و ترس و بیم بود کرمانی
گوید اگر بیند که آب گرم همی خورد دلیل کند که بیماری و رنج همی کشد و اگر بیند که بر وی
آب گرم همی ریخت چنانکه وی خبر نداشت دلیل کند که بیمار گردد یا غمی سخت بدو

رسد واگر بیند که در آب بیفتاد دلیل کند که بغم و رنج گرفتار شود واگر بیند که آب را
بجامه و کاغذ برداشت دلیل کند که در مال و زن ننگی دنیا فریفته شود و مغرور واگر بیند که در
کاسهٔ آبگینه بجفت خویش آب داد دلیل کند که از کاسهٔ جوهر زنان باشد و آب که در
کاسه بود فرزند طفل باشد که در شکم مادر باشد واگر بیند که کاسه بشکست و آب
بریخت دلیل کند که جفت وی بمیرد و فرزندش بماند واگر بیند که آب بریخت و کاسه
تهی ماند دلیل کند که فرزندش بمیرد و جفت وی بماند واگر بیند که پی بها مردم را آب
همیداد دلیل کند که دنیا کارهای خیر و احسان کند و جایگاهی خراب بر دست
وی آبادان شود واگر بیند که در خانهٔ کاو آب ریخته بود درون شد دلیل کند که
غمگین و متفکر شود واگر بیند آب صافی و خوشگوار را بپیاله مانند سگی همی خورد
دلیل کند که زندگانی بخوشی و عشرت همی گذارد اما کاری کند که در دین مکروه بود
واگر بیند که آب را از جوی یا از رود همی ستد و همی خورد دلیل کند که بلا و فتنه بدو رسد
واگر بیند که آب را در مشک کرد و بمنزل خویش برد و آن آبش اندک اندک بمردمان
همی داد دلیل کند که مالی که جمع کرده بود سرانجام آن مال را اندک اندک بمردمان همی بخشد
و بخیرات همی خرج کند جابر مغربی گوید اگر بیند که آبها وقت زیادت گشته بود
دلیل کند که در آن سال فراخی و نعمت بود واگر آبها بسیار دید که بر زمین
که جمله را فرو میخورد دلیل کند که مردم عامه را سلامت بود و عافیت باشد **قوله تعالی**
وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ : واگر بیند که آبها از هوا بسر مردمان فرود آمد دلیل کند
که در آن سال نعمت و فراخی بود در آن دیار **قوله تعالی** أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا : واگر بیند
که در خانهٔ وی آب روان و صافی بود دلیل کند که نعمت و خوشی و معیشت باشد
واگر بیند که در خانهٔ وی آب تیره ایستاده است دلیل کند که بخلاف این بود دانیال
گوید که آب دادن باغ و کشت انجوبها و رودها دلیل کند که بر فال و رستگاری
از غم و اندوه و آب دادن مردمان دلیل کند که بر دین و دیانت و رستگاری و کردارهای
نیک و پسندیده واگر بیند که با آب اندر همی رفت و اندر آن وقت تن وی قوی بود دلیل

کند که

کند که شغلی صعب مشغول شود از قول رئیس و قولش اندر آن قول مقبول بود نه صاحب
کرای اندر آن کار ظاهر بشود واگر بیند که در آبی صافی رفت و تن وی پوشیده بود قوت
دین بود و توکل کردن بر ایزد تعالی و استقامت کار وی در دو جهان واگر بیند که بباغی
یا برزی همی بود دلیل کند که زن خواهد یا کنیزک همی خرد واگر کسی بیند که آب پاک کسی
بروی ریخت دلیل کند که از آن کس خیر و نعمت بدو رسد واگر بیند که آب چرکن
بروی ریخت تاویلش بخلاف این باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
گوید که آب اندر شدن بخواب معبران بر پنج وجه تعبیر کنند یکی یقین دوم قوت
سیوم کار دشوار چهارم قدیمی پنجم عمل رحمت رسش شهر و بدانکه تاویل آبها
را بحرف بی بیان کنیم و تاویل آب چاه و آب چشمه و آب جوی را بحرف جیم
و آب دریا را بحرف دال و آب رود را بحرف را و آب گل نیز را بحرف کاف
و هم بر این قیاس خوابهای دیگر بترتیب هر حرفی بموضعش اثبات نمائیم تا این قدر معلوم باشد
آب بینی دانیال گوید آب بینی در خواب دلیل بر فرزند کند اگر ببیند که از بینی آب بیر
ون همی آید دلیل کند که وی را فرزند آید واگر از بینی وی خلم فرود آید
همین دلیل کند کرمانی گوید اگر بیند که از بینی وی آب فرود آمد دلیل کند
که واش گذارده شود از رنج و غم و سختی باز رهد واگر بیمار بود شفا یابد ابن
سیرین گوید که اگر آب بینی در خواب فرزند بود لیکن اگر بیند که آب بینی بر اندام وی افتاد
دلیل کند که وی را ابر آید واگر بیند که بر زمین افتاد دلیل کند که وی را دختر آید واگر بیند که
آب بینی بر زن خویش افتاد دلیل کند که زن وی را آبستن کرده لیکن فرزند را بیفکند
اگر بیند که زنش بروی آب بینی افکند دلیل کند که بروی را پسری بیاید واگر بیند که آب
بینی در سرای همسایه افکند دلیل کند که با زن همسایه خیانت کند واگر بیند که آب بینی خویش
در بستر مردی افکند دلیل کند که با زنش خیانت کند حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام گوید که اگر آب بینی خویش همی خورد دلیل کند که مال خویش را بر عیال خود
هزینه کند واگر بیند که آب بینی زن خویش را همی خورد دلیل کند که بر قدر آن از مال

وی بجوید واکر بیند که آب بینی وی سیاه وتیره بود دلیل کند که ویرا از سبب فرزندان
اندوه ومصیبت رسد واکر بیند که آب بینی وی زرد بود دلیل کند که فرزندانش بیمار
شوند **آب تاختن** ابن سیرین کوید اکر کسی بیند که آب تاختن کند بجایکاهی
که موضع او نباشد اکر خداوند این خواب غمکین بود ووام دار دلیل کند که از غم فرج
یابد ووامش کذارده شود اکر خداوند این خواب توانکر باشد دلیل کند که در مالش
نقصان آید وبرقدر آب تاختن دانیال کوید اکر بیند که در جایکاهی مجهول آب تاختن
کند دلیل کند که اندر آن موضع زن خواهد یا کنیزک خرد واکر بیند که بجای آب تاختن خون
میرود دلیل کند که اورا فرزندی ناقص آفرینش بیاید واکر بیند که بجای آب تاختن دیم
میرود دلیل کند که ویرا فرزندی بیاید وبتن معلول بود وبعضی از معبران کفته اند
که آب تاختن مال حرام باشد اکر بیند که آب تاختن همی خورد دلیل کند که مال حرام
خورد کرمانی کوید که اکر بیند که اندر چاهی آب تاختن کرد دلیل کند که از کسی حلال مالی
حاصل کند واکر بیند که بر مصحفی آب تاختن کرد دلیل کند که مر ترا فرزندی اندکی
قرآن ظاهر خواند وعالم ودانا شود واکر بیند که برخی از آب تاختن بریخت
وبرخی باخویشتن بداشت دلیل کند که برخی از مال وی برود وبرخی از اندوه غم
از وی جدا شود واکر بیند که مردمان با آب تاختن وی مسح همی کردند دلیل کند
که ویرا فرزندی حاصل شود که وی عالم ودانا بود ومردمان متابع او شوند وجابر
مغربی کوید اکر بیند که در مسجدی آب تاختن همیکرد دلیل کند که مال خویش هزینه
نه بر وجه خویش ونه بجایکاه خویش کند واکر بیند که جامهٔ وی با آب تاختن آلوده
کشت دلیل کند که مال بر زن وفرزند خویش هزینه کند وخصومت کند بناحق بر خویشان
وبر تجارت زیان کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که آب تاختن در
خواب بر پنج وجه است مردم درویش را توانکری باشد وبنده را آزادی بود وبیماری را
درستی باشد واسیر را فرج بود ومسافران را باز آمدن باشد وعامل را معزولی بود وخلیفه
را مرک بود وقاضی را عزل بود وبازرکان را زیان بود بر تجارت اسمعیل اشعث کوید اکر

ببیند که

ببیند که در خانهٔ خویش بموضعش آب تاختن همیکرد دلیل کند که مال خویش بر عیال خود هزینه
کند ولیکن بدل آن باز یابد قوله تعالی وَمَا اَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ **آب خانه**
ابن سیرین کوید اکر کسی در خواب بیند که آبخانه همی ساخت دلیل کند که بجمع کردن
مال دنیا حریص وراغب کردد ونخواهد که از مال خویش چیزی هزینه کند وبعضی از
معبران کفته‌اند که دلیل کند که زن جادو به ویرا حاصل شود لیکن آن زن حرام خوار
وبی دیانت بود واکر بیند که در آبخانه بول یا غایط همیکرد دلیل کند که مال خویش هزینه
بموضع خویش کند واکر بیند که در آب خانه بیفتاد یا خویشتن در چاه آبخانه افتاد
دلیل کند که در جمع کردن مال غریق شود واکر بیند که کسی را در چاه آبخانه خویش افکند
دلیل کند که مال کسی بغصب بستاند واکر بیند که چون بیفتاد دست وپای وی
بشکست دلیل کند که بلائی سخت بدو رسد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
کوید که دیدن آبخانه در خواب بر پنج وجه بود یکی مال حرام باشد دوم عیش دو جهانی
سیوم خزینه چهارم کنج خانهٔ حرام وپنجم زن خادمه وحرام خوار **آبدستان**
ابن سیرین کوید آبدستان را در خواب دیدن خزینه دار وصاحب تدبیر باشد
اکر دخل وخرج بر دست او باشد واکر بیند که پادشاهی آبدستان بدو داد دلیل
کند که خزینه دار ومدبر آن پادشاه شود واکر او بکسی دهد همین تاویل بود کرمانی
کوید که آب دستان در خواب خادم باشد بقول خدای عز وجل يَطُوفُ عَلَيْهِمْ
وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ واکر بیند که آب دستان بشکست یا ضایع
شد دلیل کند که خادم وی از وی جدا شود واکر مرک بود واکر بیند که آفی واکر بیند
که از آب دستان آب همی خورد دلیل کند که ویرا فرزند صالح بیاید خاصه که آب
صافی بود وخوش طعم حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که دیدن آبدستان
در خواب پنج وجه بود یکی خادم باشد دوم خزینه دار سیوم مدبر کارها چهارم
فرزند پنجم روزی اندک از جایکاهی که امید ندارد **آبستنی** ابن سیرین کوید که
اکر بیند که آبستن شده است در خواب وبزرک شکم دلیل کند که مال ونعمت

دنیا حاصل شود واگر مرد بیند واگر زن و هرچند که شکم را بزرگتر بیند نعمت و مال دنیا
بیشتر باشد کرمانی گوید که اگر فرزند نابالغ خویشتن را آبستن بیند دلیل کند که اگر پسر بود
پدرش را نعمت و مال حاصل شود واگر بیننده خواب دختر بود مادرش را نعمت و مال
حاصل شود **آبکامه** ابن سیرین گوید که خوردن آبکامه در خواب دلیل بیماری و رنج
تن کند واگر بیند که آب کامه همی خورد دلیل کند که بر قدر آن ویرا بیماری حاصل آید
کرمانی گوید اگر بیند که آبکامه با نان همی خورد دلیل کند که غمگین و متفکر گردد از سبب کاری یا
با عیال خود خصومت کند واگر بیند که آبکامه بریخت و از وی هیچ نخورد دلیل کند که از غم و اندوه
فرج یابد واگر بیمار بود زود درست شود و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که خوردن آب
کامه در خواب بر پنج وجه بود یکی بیماری دوم غم بود و اندوه سوم خصومت چهارم لجاجت
کردن پنجم نانزل کاری با اهل و عیال خویش **آبگینه** دانیال گوید که آبگینه در خواب زن
بود واگر بیند که از آبگینه شراب همی خورد دلیل کند که زن همی خواهد و مال یابد واگر بیند که
در آبگینه بکسی شراب داد دلیل کند که از بهر کسی زن خواهد ابن سیرین گوید که اگر بیند که
آبگینه سفید داشت ونامش بالخابنشته بود دلیل کند که دولت دینی و دنیایی یابد
و حاجت وی روا گردد واگر بیند که بر آن آبگینه نام پادشاه نوشته بود اگر بیننده خواب
پادشاه بود دلیل کند که اجلش نزدیک آمده باشد واگر پادشاه نبود دلیل کند که بقدر و اندازه
وی خیر و خرمی یابد و جابر مغربی گوید که اگر بیند که آبگینه داشت و از دست وی بیفتاد
و بشکست دلیل کند که اگر زن دارد طلاق دهد واگر زن ندارد زنی از خویشتن بی
رحلت کند و بدانکه آبگینه که بتاویل بمنزلت خداوندگار بود و بعضی از معبران گفته اند
که آبگینه که در خواب بیند کارهای زنان گزارد و پیوسته با زنان ویرا مخالطت باشد
آبله ابن سیرین گوید که آبله در خواب زنان و مال بود واگر بیند که بر تن وی آبله بدید
آمده باشد دلیل کند که بقدر آن خواسته و مال وی را حاصل گردد کرمانی گوید اگر بیند
که تن وی آبله رسیده باشد دلیل کند که بر قدر آن مال حلال یابد واگر بیند که بر تن آبله
سیاه داشت دلیل کند که بر قدر آن مال حرام ویرا حاصل شود حضرت امام جعفر صادق

علیه السلام گوید که آبله بر تن بر تن دیدن بر پنج وجه دلیل کند یکی مالش زیاده شود
دوم زن خواهد سیوم پسرش آید چهارم حاجت وی روا شود پنجم از قهر و بیم
ایمن شود چون آبله را بکونه سپید بیند **آبنوس** ابن سیرین گوید که آبنوس دیدن
در خواب مردی باشد سخت اندر کار خویش و توانگر بود و اما سخت بخیل باشد
و از وی چیزی بکس نرسد کرمانی گوید که آبنوس در خواب زنی باشد هم بدین صفت
که یاد کرده شد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که آبنوس در خواب کنیزکی باشد هندو بدان
صفت که یاد کرده شد **آتش** دانیال گوید اگر کسی آتش بدود بخواب بیند دلیل
کند که بپادشاه نزدیک گردد و کار بسته بروی گشاده شود واگر بیند که ویرا در آتش
افکندند و آتش ویرا بسوخت دلیل کند که پادشاه ولایت بروی ستم کند و لیکن نود رستگاری
یابد و بشارتها و نیکوئی یابد چنانکه ایزد در کلام مجید یاد کرده **قوله تعالی** قُلنا یا
نارُ کونی بَرْداً وَسَلاماً عَلی اِبْرٰهیم واگر آتش ویرا بسوخت دلیل کند که ویرا بگرامیت
سفری پیش آید واگر سوزش آتش بیند یا تف ابن سیرین گوید دلیل کند که از علت
بیمار گردد واگر بیند که آتش برخی از اندام وی را بسوخت دلیل کند که بر قدر آن سوختگی
ویرا رنج و مضرت رسد واگر بیند که آتش در جامهای وی افتاد و جمله اندام وی را
بسوخت دلیل کند که در محنت و مصیبت عظیم گرفتار شود واگر بیند که آتش اندامش
بسوخت زبانه همی زد و آواز سهمگین از وی همی آمد دلیل کند که آن محنت و مصیبت
که بدو رسد از سبب پادشا بود واگر بیند که آن آتش که اندامش را بسوخت وی را زبانه و آواز
سهمگین نبود دلیل کند که آن محنت و مصیبت که بدو رسد از بیماری صعب باشد
چون برسام و طاعون و آبله و سرخجه و آنچه بدین ماند واگر بیند که از آن آتش فرا گرفت
دلیل کند که بر قدر آن وی را از پادشاه مال حرام رسد واگر بیند که از آن آتش را دود بود
دلیل کند که بر قدر آن ویرا از مال یتیمان بحرام حاصل شود واگر بیند که از آن آتش که بجست
شراره همی ریخت دلیل کند که از سبب آن مال که بدو رسد با وی جنگ و خصومت کنند
و دشنامش دهند واگر از آتش گرمی و تپش بر تن رسد دلیل کند که کسی از دور ویرا غیبت کند

واگر بیند که شعلهٔ آتش در دست داشت دلیل کند که از پادشاه خیر و لحیقی یابد که مهانی
گوید اگر بیند که شعلهٔ آتش بر مردمان همی انداخت دلیل کند که در میان مردم عداوت و دشمنی بود
واگر بازرگانی بیند که آتش در دکان و کالای وی افتاد دلیل کند که کالا که دارد با دو دهد یا آنچه بدرمی
ارزد به درم فروشد و بر کس شفقت نبرد واگر بیند که آتش در خانه کسی افتاد دلیل کند که پادشاه خدا
وند خانه را مصادره کند واگر بیند که در میان آتشی سخت بیفتاد دلیل کند که در جنگ و فتنه
و جور سلطان افتد واگر بیند که آتش جامهٔ وی را بسوخت دلیل کند که با خویشان و
بدان جنگ و خصومت کند و گفتگوی بود یا از سبب مال اندوهگین گردد واگر آتشی عظیم
در زمینی بیند دلیل کند که در آنجا فتنه و جنگ افتد واگر چیزی سوخته بیند دلیل کند
که از جهت زن وی را با کسی خصومت افتد واگر بیند که در شهری یا در کوچه یا سرای آتش در
افتاد چنانچه هر چه در آنجا بود جمله را بسوخت و آن آتش زبانه همی زند و آواز سهمگین همی داد دلیل
کند که در آن موضع جنگ و کارزار بود واگر آنجا موضع کارزار نباشد دلیل کند که بیماری
صعب افتد واگر بیند که آتش برخی از چیزها همی سوخت و برخی را همی کرد :::
و زبانه و آواز سهمگین برداشت دلیل کند که در آنجا از سبب پادشاه ترس و بیم افتد جابر مغربی
گوید که دیدن آتش در خواب اگر زبانه فروغ ندارد دلیل کند بر جنگ و کارزار در
اندران موضع واگر زبانه و فروغ دارد دلیل کند بر بیماری صعب واگر آتش تیز بود دلیل
بر خصومت کند واگر آتش با دود بود دلیل کند بر ترس و بیم بر کارها واگر بیند که آتشی
از آسمان بیفتاد در شهری یا محله یا سرائی را بسوخت دلیل کند که آن بلا و آفتها که
گفته شد بر اهل آن موضع صعبتر و سختتر بود واگر بیند که آواز سهمگین داشت
و زبانه همی زد و در جایگاهی افتاد ولیکن گزند و زیانی نمیکرد دلیل کند که در میان
اهل آن موضع گفتگو و خصومت افتد بر قال واگر بیند که از زیر زمین آتشی سهمگین
برآمد و سوی آسمان شد دلیل کند که اهل آن موضع با خدای عز و جل حرب همی
کند بدروغ و بهتان گفتن بقدر قوت آن آتش که دیده واگر بیند که آتشی از جائی
همیرفت و آن آتش هیچ گزندی نمیکرد و بوی نمی رسید بلکه منفعت زیرا که گوشت

بر آن

بر آن آتش همی پخت و می خورد دلیل کند که وی را کاری پدید آید که در آن نفعش بود واگر
درویش بود توانگر شود اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که آتشی از آسمان یا از هوا همی بارید
مانند باران دلیل کند که بلا و فتنه و خون ریختن بود از جهت پادشاه در آن موضع
زیرا که ایشان با یکدیگر جنگ و عداوت بود و بسیار مردم در آنجا کشته شوند واگر بیند
که آتشی از آسمان بیامد و چیزی را از خوردنی که ملک وی بود بسوخت از معنی
نان و گوشت و آنچه بدین ماند دلیل کند که هر طاعتی که کرده باشد خدای عز و جل
بکرم پذیرفته بود قوله تعالی يَقْرُبُونَ تَأْكُلُهُ النَّارُ : واگر بیند که از آسمان آتشی آمد
و کسی را بسوخت بیم عذاب خدای عز و جل باشد قوله تعالی عَذَابَ النَّارِ الَّتِي
كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ : و باشد که از پادشاه بیم بود واگر بیند که با آتشی بزرگ گرم همی شد
دلیل کند که با پادشاهی بزرگ نزدیکی کند واگر بیند که با آتش چیزی همی پخت دلیل کند
که شغل دینی و دنیائی وی تمام شود واگر بیند که آتشی از آسمان فرود آمد و کشتها
و نبات زمین را بسوخت دلیل که بدان دیار مرگ مفاجات پدید آید واگر بیند
که آتشی از زمین برآمد دلیل کند که در آن موضع دزدان غلبت کنند واگر بیند که
با آتشی بزرگ قبه یا منار بسوخت دلیل کند که پادشاه آن دیار هلاک شود و بعضی
از معبران گفته‌اند که اگر کسی بیند که آتشی از زیر برآمد و فروغ همی داد دلیل کند که در آن
موضع که آتش برآمد گنج بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که اگر بیند که پارهای
آتش همی خورد دلیل کند که مال یتیمان خورد قوله تعالی إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ
الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا : واگر بیند که از دهان
وی آتش بیرون می آید دلیل کند که سخن دروغ و بهتان گوید واگر بیند که بهر جائی
آتشهای سوزنده را همی کشت دلیل کند که بهر جائی میانجی کند میان رعیت
و مردم پادشاه واگر بیند که به پهلوی وی آتشی افروخته بود و وی را زیان نداشت دلیل کند
که بدو چیزی از نیکوئی رسد قوله تعالی أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ : واگر بیند که
بی هیزم آتشی عظیم همی سوخت دلیل کند که جنگ و فتنه بود در آن دیار قوله تعالی

كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ و اگر بیند که آتش در مردم همی زد دلیل کند که نصرت بود وی را بر ایشان و اگر بیند
که آتش بروی سوخت و آن آتش نور نداشت دلیل کند که از علت سرسام بیماری سخت بکشد
و اگر بیند که آن آتش را نور بود دلیل کند که کسی را از خویشان وی فرزندی بیاید که مردمان
بروی ثنا کنند و بزرگی و مال یابد بقدر نور آن آتش و اگر در دهکده آتش بیند دلیل کند بر بیماریهای
سخت چون سرسام و آبله و طاعون و مرگ مفاجات و اگر آتش با دود بیند دلیل کند که از پادشاه
بیم و ترس بود رسد و اگر در بازار بیند دلیل بر بد دینی و اگر در پای آتش افتاده بیند دلیل کند که از پادشاه اهل دیار را مصادره
و ظلم رسد و اگر در جامه کسی آتش افتاده باشد دلیل کند که آنکس را مصیبت و بیم و ترس باشد و اگر خویشتن
را بر آتش ایستاده بیند دلیل کند که وی را سختی و رنج رسد **قوله تعالی** وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وُقِفُوا عَلَى
النَّارِ **آتش افروختن** ابن سیرین گوید که آتشی افروخته بخواب پادشاه بود و قوت وی
و آتش بی دود و بی فروغ قوت باشد و خواسته و آتش با دود پادشاه ستمکر و غم و اندوه و زیان
بود و اگر بیند که آتش برافروخت تا گرم شود و یا کسی دیگر بدان گرم گردد دلیل کند که چیزی طلب
کند که از آن منفعت یابد و اگر بیند که آتش بر خیره برافروخت دلیل کند که بی سببی جنگ و
خصومت جوید و اگر بیند که آتشی برافروخت تا بریان کند بر قدر آن روزی بوی رسد
یا غم و اندوه بیند و اگر بیند که بر دیگ آتش برافروخت و بدیگ در گوشت بود یا چیزی دیگر
دلیل کند که کاری بسازد که بدان کار کدبانوی خانه بوی منفعت رسد و اگر در دیگ هیچ
طعام نباشد دلیل کند که از آن کار وی را غم و اندوه نرسد و اگر بیند که آتشی برافروخت
تا حلوا پزد دلیل کند که وی را سخنی نیکو گویند و اگر بیند که آتشی برافروخت از برای روشنائی
تا دلیل کند که کاتبی را بحجت و برهان روشن کرداند کرمانی گوید اگر بیند که در جایگاهی
آتش بفروخت تا اهل آن جایگاه را بسوزاند دلیل کند که اهل آن جایگاه را غیبت و
بدی گوید و اگر بیند که آتش در تنور یا در آتشدان همی افروخت دلیل کند که با مردمان
خویشان و اهل بیتش وی را جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که آتش خواست که بیفروزد
از بهر منفعت خویش را و آن آتش بر نیافروخت و روشنائی نمی داد دلیل کند که از علم
خویش برخورداری نیابد و اگر آنکس عالم باشد دلیل کند که وی را ببددینی منسوب

کنند

کنند و اگر بیند که آتشی افروخت و روشنائی همی داد دلیل کند که از علم خویش برخورداری
یابد و اگر این کس پادشاه بود عز و جاه و دولتش افزون شود و اگر بیند که آن آتش افروخت
بر مردم بیم هلاک وی باشد جابر مغربی گوید اگر بیند که در بیابان آتش همی افروخت که مردمان
از نور آن آتش در بیابان راه همی یافتند و هر کس بموضع و مقام خویش همی رفت دلیل
کند که مردمان از علم و دانش و حکمت وی بهره یابند و راه راست گیرند و اگر بیند که
آن آتش فرو مرد و نور وی زایل شد دلیل کند که احوال بروی متغیر گردد و باشد که از دنیا
رحلت کند و اگر بیند که آتش در بیابان افروخت هیچ نور نداشت دلیل کند که آن علمی که همی
داند بکس نیاموزد و اگر کسی از علمش منفعتی نرسد و اگر بیند که نور آن آتش که همی افروخت
نه بر راه راست میرفتند دلیل کند که علمش مردمان را براه ضلالت برد و اگر بیند که آتشی
در موضعی برافروخت تا آن موضع را بسوزد و آتش او را نسوخت و او بازرگان
بود دلیل کند که خرید و فروخت بنفاق کند و مالش حرام بود و اگر بیند که از خانهٔ همسایه آتش
همی برد دلیل کند که مال حرام بدو رسد **روشنائی آتش** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب
روشنائی آتش بیند چنانکه بدان روشنائی راه تواند رفتن. دلیل کند که راه هدی
یابد و بی غم نشود و اگر بیند که روشنائی با وی سخن گوید دلیل کند که راه راست
و علم و حکمت یابد و اگر روشنائی آتش را ایستاده دید دلیل کند که سبب دولت
وی بدان جای باشد و اگر اخگر افروخته دید دلیل کند که در آن دیار رایت
سلطان پدید آید و اگر بخانهٔ خویش اخگر افروخته دید چنانکه از نور وی خانه روشن
شده بود دلیل کند که کار وی بالا گیرد و دولتش زیاده گردد و اگر بیند که آن اخگر افروخته را
بکشت یا کسی دیگر وی را بکشت دلیل کند که در خاندان وی خصومت و داوری
پدید آید **آتش پرستیدن** دانیال گوید اگر بیند که آتش را همی پرستید و سجده همی کرد
دلیل کند که پادشاهی ستمکر را خدمت کند و اگر بیند که آتش را بوسه
همی داد و وی پرستید دلیل کند که دوست و هواخواه پادشاه ستمکر شود چنانکه
از وی نشکیبد و اگر بیند که تنور یا آتشدان یا چراغ را سجده همی کرد دلیل کند

کہ بخدمت زنان محتشم مشغول کردد کرمانی کوید کہ اکر بیند کہ آتش را بوسه همی دهد
دلیل کند کہ صاحب سر پادشاه شود و اکر بیند کہ درمیان آتش مراقبه همی کرد دلیل
کند که با پادشاه بطوع و رغبت بازرکانی کند ولیکن عاقبت کارش بر خطر باشد
خاصه کہ از آتش بر تن وی کزند رسد پس اکر آتش بر تن وی کزند رسد دلیل
کند که سلامت و خیر باشد وی را از پادشاه و اکر بیند که درمیان آتش در رفت دلیل
کند که بر قدر آن از پادشاه منفعت یابد و اکر بیند که آتش از روی یا از دست
یا انجامهٔ وی روشنایی همی داد چنانکه خلق از نور وی متحیر مانده بودند دلیل کند
که بر دشمن ظفر یابد هر چند که دشمن وی بزرك و با هیبت باشد و مرادات دو
جهانی بیابد قوله تعالی اُخْرُجْ یَدَکَ فِی جَیْبِکَ بَیْضَاءَ و این معجز موسی علیه السلام
بود با فرعون اسمعیل اشعث کوید اکر کسی بیند که آتش را همی پرستید دلیل کند که
غرضش از دین پادشاهی و رزم باشد و بعضی از معبران کفته اند هر که در خواب
بیند که آتش همی پرستد دلیل کند که پاذداری عوان کند و اکر بیند که آن آتش که
وی را همی پرستید اخکری بود دلیل کند که غرضش از دین جمع مال بود و مال بسیار
از حرام حاصل کند شرار آتش ابن سیرین کوید اکر کسی شرارهٔ آتش در خواب بیند
سخنی بد بود که بدو رسد و اکر بیند که شرارهای آتش بر وی همی افتد دلیل کند که بر قدر آن
از هر کس سخنهای مکروه شنود و اکر بیند که شرارهٔ آتش تن وی را همی سوخت دلیل کند
که سخنهای بد شنود چنانکه دلش از آن سوخته کردد و اکر بیند که بی قیاس شرارهای
آتش بر وی همی افتد دلیل کند که در محنت و عذابی سخت کرفتار شود کرمانی کوید
اکر بیند که در شهری یا در کوچهٔ شرارهای آتش همی افتد دلیل کند که جنك و فتنه در آن
موضع پدید آید و اکر بیند که شرارهای سخت بزرك بود دلیل کند که خدای عز و جل در آن
موضع عذاب فرستد قوله تعالی اِنَّهَا تَرْمِی بِشَرَرٍ کَالْقَصْرِ کَاَنَّهُ جِمَالَاتٌ صُفْرٌ
و اکر بیند که شرارهای آتش درمیان مردمان می افتد دلیل کند که مردم آن موضع را با یکدیکر
جنك و مناظره بود و آتش انداختن و بازی کردن با آتش سخن زشت کفتن بود جا بر مغربی

کوید

کوید اکر بیند که پارهٔ آتش درخشنده در دست داشت دلیل کند که در کار پادشاه مشتغل
شود و اکر بیند که پاره دود با آن آتش بود دلیل کند که در آن کار وی را ترس و بیم و خطر باشد و اکر
بیند که آن آتش در دست وی فرومرد دلیل کند که از خدمت پادشاه مالی حرام بدست آورده و
اکر بیند که از آن آتش پارهٔ مرده را همی سوخت دلیل کند که انکشتهای وی بر همان رنج و مضرت
رسد و انکه جا بدیش همه کس وی را دشمن دارد و اکر بیند که چیزی انخوینی با آتش همی پخت
و می خورد دلیل کند که سخنهای ناخوش شنود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن
آتش در خواب بر بیست و هفت وجه بود یکی فتنه باشد دوم کارزار سیوم فساد چهارم شغب
پنجم خصومت ششم سخنهای زشت هفتم منع ارکام هشتم خشم پادشاه نهم عقوبت
دهم نفاق یازدهم بی رایی دوازدهم علم و حکمت سیزدهم راه هدی چهاردهم
مصیبت پانزدهم ترس و بیم شانزدهم سوختن هفتدهم پادشاه هشتدهم طاعون
نوزدهم سرسام بیستم بلا بیست و یکم وبا بیست و دوم کشایش کارها بیست سیوم
نصیحت بیست و چهارم امینی بیست و پنجم مال حرام بیست و ششم روزی بیست و هفتم
منفعت آتشدان ابن سیرین کوید که آتشدان در خواب زنی بود که خدمت خانه
کند اما اکر آتشدان آهنین باشد دلیل کند که آن زن انخوی نیا و ندان خداوندخانه
بود و زن جلد و قوی باشد و اکر آتشدان سیمین یا زرین بود دلیل کند که آن زن از نسل
جهودان باشد و اکر آتشدان چوبین بود دلیل کند که آن زن از اهل نفاق باشد و اکر
آتشدان کلی بود دلیل کند که آن زن از اهل ستر و دین باشد و اکر آتشدان ازکج بود دلیل
کند که آن زن از اهل کردنکشان و مشرکان باشد حضرة امام جعفر صادق علیه السلام کوید که
دیدن آتشدان در خواب بر سه وجه بود یکی از آن زن خانه خانه باشد دوم کنیزك
سیوم حنوز خانه آتش زنه ابن سیرین کوید که آتش زنه و سنك آتش این هر دو انبان باشند
از ایشان یکی دلیر و قوی بود و دوم سخت دل باشد و این هر دو مردمان را بر شرف و کار
بزرك دارند کرمانی کوید اکر بیند که آتش زنه آتش بیرون آورد و از وی شمع یا چراغ بر
افروخت اکر بیننده خواب پادشاه بود دلیل کند که رعیت از عدل و داد و انصاف وی

راحت و آسایش یابند و اگر بیننده خواب عالم باشد دلیل کند که مردمان از عدل و
دانش وی بهره یابند و اگر بازرگان بود دلیل کند که از سیرت و کردار شر عدم خیر و راحت
رسد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید اگر بیند که آتش زنه آتش بیرون آورد دلیل
کند که مال حرام از جهت پادشاه حاصل آرد یا بشغل پادشاه مشغول شود و از رشوت
مال بدست آرد و اگر بیننده خواب بازرگان بود دلیل کند که از هر سبب مال حرام
حاصل کند و اگر بیند که از آتش زنه آتش نتوانست برافروختن دلیل کند که مال طلب کند
و نیابد **آتشکده** ابن سیرین گوید که آتشکده در خواب [illegible] دیدن جایگاه مکروه بود
بخصومت و جنگ و بیم و خطر بود از جهت پادشاه کرمانی گوید که آتش جایگاه مردم
احمق و جافی بود اگر بیند که در آتشکده رفت و از آنجا چیزی بوی رسید دلیل کند که بدان
مقدار مذلت و خواری بدو رسد ولیکن از بدی مردمان برهد و سرانجام پشیمانی خورد
آذرگون بدانکه آذرگون شکوفه نباتی بود و دیدنش در خواب دلیل کند بر رنج و بیماری
و اندوه آرد دانیال گوید که دیدن آرد در خواب مال و نعمت حلال بود که بی رنج بدو آید
و اگر بیند که از هوا بروی چون برف آرد بارید دلیل کند که بقدر آن وی را نعمت و مال
بی رنج و ذلت حاصل شود از آنجا که امید ندارد ابن سیرین گوید که آرد جو بتاویل
درستی دین باشد و آرد گندمین مالی بود از تجارت و فایده اش بسیار باشد و آرد
گاورسین مال اندک بود که وی را حاصل شود جابر مغربی گوید که آرد فروش در خواب
مردی بود که دین خویش را بدنیا بداده باشد **آردبیز** کرمانی گوید که آردبیز در خواب مردی
بود که در میان دوستان و خویشاوندان همی گردد ابن سیرین گوید که آردبیز در خواب
زنی بود فضول یا خادم بد و اگر بیند که آردبیزی نو بزرگ فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل کند
که زنی یا خادمی بدان نشان که گفتیم خدمت کار دوست وی گردد و بعضی از معبران گفتند
که مردی مصلح در خدمت وی مقیم شود و دوست و نیکخواه او گردد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
گوید که دیدن آردبیز در خواب بر چهار وجه بود مرد مصلح باشد دوم زن فضولی سوم خادم
چهارم منفعت اندک بود **آروغ** کرمانی گوید اگر بیند که در خواب وی را آروغ برآمد دلیل کند

که سخنی

که سخنی گوید که از آن سخن وی را الم حرجی بود و اگر بیند که با آروغ طعامی از گلویش برآمد دلیل
کند که اجلش نزدیک آمده باشد ابن سیرین گوید اگر بیند که آروغ ترش و ناخوش برآورد دلیل کند
که بهنگام خشم سخنی گوید که از آن زشت و ناپکار بگوید که از آن وی را عیب و ملالت رسد
و سرانجام گفته پشیمانی خورد **آزاد شدن** دانیال گوید اگر کسی بیند که او آزاد شد یا کسی وی را
آزاد کرد دلیل کند که اگر بیمار شود شفا یابد و اگر وام دار بود وامش گذارده شود و اگر حج ناکرده
بود حج کند اگر وی ره باشد رهائی یابد و اگر بنده آزاد گردد و اگر گناه کار باشد توبه کند و اگر
غمگین بود از غمها فرج یابد و اگر در زندان بود زود از زندان خلاص یابد و اگر با کسی جنگ
و خصومت کرده باشد آشتی کند و علی الجمله آزادی در خواب سخت پسندیده باشد **آستانه**
کرمانی گوید که آستانه بالائین در خواب کدخدای خانه بود و آستانه زیرین کدبانوی خانه
باشد اگر بیند که آستانه بالائین بیفتاد و خراب شد دلیل کند که کدخدای خانه بمیرد
و اگر بیند که آستانه زیرین بیفتاد و خراب شد یا بسوخت دلیل کند که کدبانوی خانه
از دنیا رحلت کند ابن سیرین گوید اگر بیند که خداوند خانه آستانه زیرین را با
آستانه نو بدل کرد دلیل کند که زن را طلاق دهد و زن دیگر بخواهد و اگر بیند که آستانه
بالائین را بکند دلیل کند که خویشتن را هلاک کند و اگر بیند که هر دو آستانه در خویش را
بکند و خراب کرد دلیل کند که کدخدای خانه و کدبانوی هر دو هلاک شوند **آسمان**
دانیال گوید اگر کسی بخواب بیند که خویشتن را در آسمان یکم دید دلیل کند که اجل وی
نزدیک آمده باشد و اگر خود را در آسمان دوم بیند دلیل کند که علم و دانش و حکمت
حاصل کند و اگر در آسمان سیوم بیند دلیل کند که عز و اقبال این جهانی یابد و اگر در
آسمان چهارم بیند دلیل کند که با پادشاه دوست و مقرب شود و اگر در آسمان پنجم
دلیل کند که هیبت و ترس و بیم باشد و اگر در آسمان ششم بیند دلیل کند که بخت و
دولت و نیکوئی یابد و اگر در آسمان هفتم بیند دلیل کند که مال و نعمت و اقبال و جاه
یابد و اگر بیند که بآسمان نخستین بر شد ولیکن در آن بسته دید دلیل کند که کارهای
وی از سبب مردی بزرگ بسته گردد و اگر بیند که در آسمان نیارست نگاه کردن و سر بکنده

بود دلیل کند که از دیدار بزرگی جدا ماند واگر بیند که فرشتگان از آسمان فرود آمدند و بر
وی بگذشتند دلیل کند که از علم وحکمت بروی گشاده شود ابن سیرین گوید اگر بیند که
در آسمان است پی آنکه بر شد خود را در آنجا بیند دلیل کند که سفری عظیم کند که دران سفر وی را
عز و مرتبت دنیا وآخرت بود واگر بیند که بر پهلوی آسمان همی بر زند همین دلیل کند واگر
بیند که همچنان راست همی رفت تا بآسمان رسید دلیل کند که مضرت ورنج بیند واگر
بیند که بآسمان رفت بدان نیت که بزمین نیاید دلیل کند که وقت اجلش نزدیک آمده
باشد واگر بیند که دست وی بآسمان همی رسید یا بدست آسمان را همی بساوید دلیل
کند که بزرگی وپادشاهی یابد وکاری بزرگوار طلب کند وبیابد واگر بیند که از آسمان بانگ
منادی همی شنید دلیل خیر بود واگر بیند که مرغ از آسمان با وی سخن همی گفت دلیل گشاده ما نشاد
شود کرمانی گوید اگر بیند که در آسمان بنیادی است چنانکه مردمان را در زمین بنیاد
بود دلیل کند که بمیرد واگر بیند که بنیادی چون بناهای دنیا از خشت یا از گچ کرده شود دلیل
کند که خداوند این خواب در دنیا مغرور گشته باشد واگر بیند که از آسمان انگبین همی
بارید دلیل کند که مردمان را خیر ونعمت وغنیمت بود واگر بیند که از آسمان ریگ
یا خاک همراه بارید اگر اندک بارید دلیل نیک بود واگر بسیار بارید علامت بد باشد
واگر بیند که از آسمان آتش یا کژدم یا مار یا سنگ همی بارید دلیل کند بر عذاب خدای
عز وجل اندران دیار واگر بیند که خود را از آسمان فرو آویخت دلیل کند که کار وی بلند
شود جابر مغربی گوید اگر بیند که بالای هفتم آسمان شد بجایگاهی که وهم آنجا نگنجد و
فرود نه آمد دلیل کند که اجل وی نزدیک آمده باشد وخاتمت وی پسندیده باشد
واگر از آنجا فرود آمد وخداوند خواب مستور بود ومصلح دلیل کند که در زهد وراه
دین یگانه ومشهور شود واگر خداوند خواب مصلح ومستور نباشد دلیل کند که تو به
کند یا هلاک شود واگر بیند که از آسمان بر زمین آمد بعد از آنکه در آنجا مقیم بود دلیل
کند که اندر درد وبیماری بر طرف مرگ رسد بعد از آن شفا یابد واز آن بیماری رسته شود و
اگر بیند که ویرا در میان آسمان وزمین بنیادی بود سبز مانند جنه یا کوشکه چون از سنگ

وگچ

۱۰

وگچ دلیل کند که وفاتش نزدیک آمده بود واگر از سنگ وگچ کرده باشد دلیل کند که خداوند این
خواب در امل وعمل خویش مغرور گشته بود واگر بیند که در آسمان درها گشاده شد دلیل کند که
دران سال دعاها مستجاب بود وباران بسیار بارد وآبها فراوان بود قوله تعالی فَفَتَحْنَا
أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ واگر
بیند که در آسمان دری از بهر وی یا از بهر مردم آن دیار گشاده شد دلیل کند بروی بر خیر
ونعمت مردمان خاصه که تا گشادن آن در اثر خیر ظاهر بیند واگر بیند که از آسمان بنفشه
دلیل کند که ایزد تعالی بر وی بخشم بود حضرة امام جعفر صادق علیه السلام گوید اگر بیند
که آسمان بگونه سبز بود دلیل کند که دران دیار نعمت وفراخی باشد واگر بیند که آسمان
زرد شد دلیل کند که دران دیار رنج وبیماری بود واگر بیند که آسمان سرخ بود دلیل کند که
دران دیار جنگ وخون ریختن بسیار بود واگر بیند که آسمان سیاه بود دلیل کند که
دران قحط وتنگی بود واگر بیند که آسمان بزیر آمد دلیل کند که دران دیار بلا وفتنه عظیم
باشد واگر بیند که آسمان روشن تر از آن بود که بود دلیل کند که ویرا از حق عز وجل بد
شنائی بود بر دین ودیانت بیقین واگر بیند که آسمان را بروی گشاده شد دلیل کند
که در ... ی بروی گشاده کرد د حکیم وعالم شود واز دست وی روزی بسیار بمردم
رسد واگر بیند که در آسمان علامتهای سرخ بود بکردار عمودها دلیل کند که پادشا
هان آن دیار را قوت ونصرت باشد واگر بیند که آسمان را همی پرستید دلیل کند
که بیدین وگمراه بود اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که آسمان چون باران
سنگ همی بارید دلیل کند که بلا وسختی وعذاب بر اهل آن دیار رسد
قوله تعالی وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ واگر بیند که از آسمان گندم
وارد همی بارید دلیل کند که اندران سال نعمتهای گوناگون بی قیاس بود وخلق را
کسب وایمنی ومعیشت بود آسمانه ابن سیرین گوید اگر آسمانه خانه وی بیند
که بلند شد دلیل کند که بقدر بلندی آن شرف ومنزلت یابد واگر بیند که آسمانه اش
بیفتاد وخراب شد دلیل کند که از شرف ومنزلت بیفتد وبنزدیک مردمان

خوار و فرومانده شود واگر بیند که آسمانهٔ خانه‌اش آب صافی چون باران همی بارید
دلیل کند که بر قدر آن مال و نعمت یابد واگر بیند که آسمانهٔ خانه بروی مار یا کژدم همی
افتاد دلیل کند که از پادشاه یا از کسی که از وی بزرگتر بود بر قدر آن غم و اندوه رسد
کرمانی گوید اگر بیند که آسمانهٔ خانه بروی بیفتاد و در زیر آن گرفتار شد دلیل کند
که وی را بیم هلاک بود قوله تعالی فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ ؛ واگر بیند که آسمانهٔ
خانهٔ وی برنگها ملوّن و آراسته و منقّش بود دلیل کند که بزینت و آرایش دنیا مشغول
گردد **آسیاب** دانیال گوید که اگر بیند که در آسیاب غلّه برد و آرد همی کرد دلیل کند که
از خداوند آسیاب بدو خیر و منفعت رسد و باشد که آن خیر و نفعت بخداوند
آسیاب واگردد واگر بیند که سنگ آسیاب بشکست و از کار بیفتاد دلیل کند که خداوند
آسیاب هلاک شود واگر بیند که سنگ آسیاب بشکافت یا خللی در وی آمد دلیل
کند که در معیشت خداوند آسیاب سستی و خلل در آید واگر بیند که سنگ آسیاب
را کسی بدزدید دلیل کند که خداوند آسیاب بیمار شود و منفعت وی بمضرّت گردد
واگر بیند که آسیاب بیفتاد دلیل کند که خداوندش هلاک شود یا احوال وی دشوار
گردد ابن سیرین گوید دیدن آسیاب در خواب جنگ و خصومت باشد واگر خود را
در آسیاب بیند دلیل بر جنگ و خصومت کند امّا اگر آسیاب ملک وی بود آسان
تر بود واگر بیند که در آسیاب غلّه نداشت لیکن نگاه میکرد که آسیاب نیک
همی گشت دلیل کند که بسفر شود واگر در آسیاب غلّه تر داشت دلیل کند که وی را منفعت و کسب نیک
بود کرمانی گوید اگر بیند که سنگ آسیاب از آهن یا از مس یا از برنج بود این جمله دلیل کند بر جنگ
و خصومت و کارزار واگر بیند که سنگ آسیاب از آبگینه بود دلیل کند که وی را با کسی جنگ و کارزار سخت
بیفتد واگر بیند که آسیاب را بدست همی گرداند دلیل کند که وی را انبازی بود سخت دل
و از سبب آن انباز کارش بنظام نباشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که آسیاب
را دیدن بخواب بر پنج وجه بود یکی پادشاه ، دوم رئیس ترک ، سیوم توانگری ، چهارم مرد
دلیر و جلد ، پنجم خوانسالاری پادشاه ، و دیدن جای آسیاب بخواب جایگاه رئیس

بزرگ باشد واگر بیند که آسیاب الخراب همی کرد دلیل کند که اندران جهت که آسیاب منسوب
بود خلل افتد و بدان که آسیابان در خواب کسی بود که زور آوری اهل خانه را سبب او باشد
که همی گردد و چیزی بدست همی آرد که تا اهل خانه بدان معیشت کنند ابن سیرین گوید که دیدن
آسیابان چون پیر بود مردی باشد که از دست وی بمهمان روزی رسد و چون جوان
بود بتاویل نیک باشد واگر خر آسیاب بود و بیند که با ستر آرد همی کرد و آرد نیک فرو می آمد
دلیل کند که آسیابان با دولت و اقبال بود واگر پیر بود واگر جوان حکمش برابر باشد واگر بوقت
گردانیدن آسیاب بانگ تنک آسیاب همی شنید دلیل کند که کار وی قوی شود ؛
آشتی ابن سیرین گوید اگر بیند که در خواب با کسی آشتی کرد دلیل کند که عمرش دراز
شود واگر بیند که در آشتی کسی را بفساد دین خواند دلیل کند که وی را بصلاح دین و راه
خیر خواند واگر بیند که در خشم کسی را بصلاح دین خواند دلیل کند که وی را بفساد و راه
شر خواند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که اگر کسی آشتی کند در خواب دلیل کند
بر سه وجه یکی بر درازی عمر ، دوم بر قوّت دین داری ، سیوم بر سیرت و اعتقاد پسندیده
در آغوش گرفتن کرمانی گوید اگر کسی بیند که معروفی را در آغوش گرفت دلیل کند که اگر
آنکس مستور و مصلح بود از وی بخیر دینی یابد واگر آنکس مصلح و مستور نبود از وی
منفعت دنیائی یابد واگر آنکس مجهول بود دلیل کند که از کسی بیگانه وی را خیری رسد
بدان سان که یاد کرده شد واگر بیند که زنی را در آغوش گرفت دلیل کند که عمر وی دراز
بود ابن سیرین گوید اگر بیند که پیری در آغوش گرفت دلیل کند که خواستار و محبّ
دنیا باشد واگر بیند که کودکی در آغوش گرفت دلیل کند که محبّ و خواستار فرزند شود
واگر بیند که شیری را در آغوش گرفت دلیل کند که با دشمن صلح کند **آفتاب** دانیال گوید
که آفتاب را در خواب پادشاه بزرگوار یا خلیفه بود واگر بیند که آفتاب با آسمان
فرا گرفت و یا وی را بملک خویش کرد دلیل کند که پادشاهی و بزرگی یابد و یا دوست
و مقرّب پادشاه شود واگر بیند که خود آفتاب شد دلیل کند که پادشاه شود
بر قدر روشنائی آفتاب اگر اهل باشد واگر اهل نباشد بر قدر همّت و کسب

واصل خویش بزرگی وحشمت یابد واگر بیند که با آفتاب جنگ ونبرد بود دلیل
کند که پادشاه بروی جنگ وخصومت کند واگر بیند که بجایگاه آفتاب یا بجایگاه
ماه مقیم شد دلیل کند که پادشاه گردد ومملکت بروی قرار گیرد واگر بیند که نور از آفتاب
بستد دلیل کند که ملکت از پادشاهی بزرگوار بستاند واگر بیند که آفتاب را فرا
گرفت لیکن نه از آسمان ونور وشعاع نداشت ونیز تیره وباریک هم نبود دلیل
کند که از غمها فرج یابد واگر بیند که آفتاب تیره وباریک بود وبجایگاه خویش نبود
دلیل کند که پادشاه محتاج کارهای وی شود ابن سیرین گوید که آفتاب در خواب
پادشاه بزرگوار بود وماه وزیر باشد وزهره زن پادشاه وعطارد دبیر پادشاه بود و
مریخ پهلوان پادشاه بود وزحل صاحب عذاب پادشاه بود ومشتری خزینه دار
وامین پادشاه باشد وستارگان معروف محتشمان پادشاه باشد وستارگان
دیگر لشکر او بود وجابر مغربی گوید که آفتاب در خواب پدر بود وماه مادر بود وستارگان
دیگر لشکر باشند چنانکه خدای عزوجل در کلام قدیم در قصهٔ یوسف یاد کرده است
قوله تعالی إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ
پس اگر زیادت ونقصان در ماه وآفتاب بیند وستارگان دلیل کند آن مادر
وپدر وبرادران وی واگر بیند که آفتاب روشن وپاکیزه برآمد ودر خانهٔ وی
بتافت دلیل کند که از خویشاوندان خود زن خواهد واگر بیند که ابر یا چیزی دیگر
نور آفتاب را بپوشانید دلیل کند که حال بر پادشاه متغیر گردد واحوالش بد شود
خاصه که بیند که آفتاب منکسف شد واگر بیند که آفتاب از زیر که روشن گشت دلیل
کند که پادشاه بیمار شود واز بیماری به گردد واگر بیند که بر جرم آفتاب رسنی یا
رشتهٔ فرو هشته بود واو دست بدان رسن زد دلیل کند که از پادشاه وی را قوت ویاری
باشد واگر بیند که آن رسن را وی بفتاد دلیل کند که از بزرگی ومنزلت بیفتد واگر بیند
که آفتاب وماه را سجده کرد دلیل کند که گناه وخطائی از وی صادر شود واگر بیند که ماه و
آفتاب وجمله ستارگان بیکجائی بهم جمع شدند واو جمله را بگرفت ونور ایشان بستد

دلیل کند که پادشاهی جهان بگیرد ومملکت عالم بروی راست شود وپادشاهان جمله
مطیع وفرمان بردار وی گردند واگر بیند که آفتاب وماه وجمله ستارگان را بگرفت
وهمه تیره وسیاه بودند دلیل کند که بیننده این خواب هلاک گردد خاصه که ظالم
وستمگر باشد کرمانی گوید اگر بیند که میان آفتاب نقطهٔ سیاه بود دلیل کند که
پادشاه از جهت ملک دل مشغول بود واگر بیند که دو آفتاب با یکدیگر جنگ وخصومت
بود دلیل کند که دو پادشاه با یکدیگر جنگ وخصومت بود واگر بیند که آفتاب بر زمین بود
وهیچ نور نداشت دلیل کند که پادشاه آن دیار از مملکت معزول گردد واگر آفتاب را بدست
خویش دید سیاه گشته دلیل کند که پادشاه را غمی بزرگ رسد واو را نیز از آن بهره
باشد واگر بیند که آفتاب در سوراخی شد وناپدید گشت دلیل کند که پادشاه از دنیا
رحلت کند ومردم عام را غم واندوه بود واگر بیند که ابر آفتاب وستارگان بپوشانید
دلیل کند که پادشاه ولشکرش از پیش دشمن بهزیمت شدند واگر بیند که آفتاب
همی پرستید دلیل کند که با پادشاه بزرگ نزدیک ومقرب شود اسمعیل اشعث
گوید اگر بیند که بر فلک نشست وروی با آفتاب کرد پس دیگر بار روی از آفتاب
بگردانید دلیل کند که این کس سخت کافر بوده باشد پس مسلمان شود وسرانجام هم
کافر شود واگر بیند که آفتاب بلرزید دلیل کند که پادشاه آن دیار رنج وآفتی رسد
از جایگاهی که امید ندارد واگر بیند که آفتاب با وی سخن همی گفت دلیل کند که
از پادشاه جاه وبزرگی یابد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که آفتاب را
معبران بر هشت وجه تعبیر کنند یکی خلیفه دوم سلطان بزرگ سیوم رئیس
چهارم عالم بزرگ پنجم عدل ششم پدر هفتم زن وزن را شوی هشتم کار
روشن واگر بیند که آفتاب وی را سجده کردی دلیل کند که سلطان وی را بنواند
ومقرب خویش کند وکار وی بالا گیرد وعدل وانصاف وی را ومردمان آن دیار
از سلطان وی را پدید آید وبدانکه شعاع آفتاب بخواب دیدن بضد این
باشد که گفتیم **آفتابه** ابن سیرین گوید که آفتابه در خواب زن خادمه بود یا

کنیزك که حوایج خانه بدو تسلیم کند وبعضی از معبّران کفته اند که آفتابه خادمی بود
که آن قوم بطاعت کرایند واز معصیت پرهیز کنند واکر بیند که آفتابه نو داشت یا کسی
بدو داد دلیل کند که ویرا خادمه یا کنیزکی حاصل شود وبدان صفت که کفتیم واکر
بیند که وی بشکست دلیل کند که خادمه یا کنیزك وی یا بیمار شود یا بمیرد واکر بیند
که آفتابه وی ضایع شد دلیل کند که خادمه یا کنیزك وی بکریزد یا از وجدا شود بهر وجه
که باشد حضرة امام جعفر صادق علیه السلم کوید که آفتابه در خواب بر نه وجه باشد
یکی زن باشد دوم خادم سیوم کنیزك چهارم قوام دین پنجم صلاح تن ششم
عمر دراز هفتم مال ونعمت هشتم خیر وبرکت نهم از جهت زنان آلج بدانکه آلج را
بتازی زعرور خوانند اکر بیند که آلج همی خورد دلیل کند که بقدر آن را رنج وبیماری رسد
کرمانی کوید که آلج داشت وبکسی داد یا ویرا از خانه بیرون ریخت واز وی نخورد دلیل
کند که رنج وبیماری ایمن شود وعلی الجمله در خوردن آلج هیچ خیر نباشد آماس
ابن سیرین کوید که دیدن آماس در خواب مال بود واکر بیند که اماسی بدید آمده
بود دلیل کند که بقدر آن ویرا حاصل شود خاصه که بیند که آماس ریم بسیار
جمع شده باشد کرمانی کوید اکر بیند که بر تن وی آماس بود چنانکه دلیل کند که آن
قدر مال حلال بدو رسد واکر آماس چنان بود که ویرا رنج نماید دلیل بر مال حرام
کند حضرة امام جعفر صادق علیه السلم کوید که دیدن آماس بر تن دلیل پنج وجه
کند یکی مالش زیادت شود دوم زن خواهد سیوم بر شر آید چهارم حاجت
وی روا شود وپنجم ایمن کردد اکر همه تن خویش را آماسیده بیند دلیل کند که پنج
چیز که یاد کرده شد کسی ویرا حاصل شود آهك دانیال کوید اکر بیند که آهك
موی از تن خویش بسترد دلیل کند که اکر مال دارد بقدر آن موی ویرا مال
حاصل شود واکر غمکین باشد از غمها فرج یابد واکر شرف وبزرکی دارد از وی
زایل شود واکر وام دارد وام کزارده شود ابن سیرین کوید که آهك کردن توان که آنرا
زیادتی مال باشد ودرویشان را کزاردن وام بود وکافران را نشان مسلمانی باشد حضرت

امام جعفر صادق علیه السلم کوید که آهك دیدن در خواب بر سه وجه است یکی چیز بد باشد
دوم سخنهای ناخوش سیوم کارهای دشوار چون سخت بد باشد وعمارت کردن
آهك بد بود آهن ابن سیرین کوید که آهن معول بخواب دیدن خادم بود واکر نه
معول بود چیزی بود از متاع دنیا که بدو رسد وبر قدر آهن اکر بیند که خانه وی آهنین
بود یا آهن بساید در موضع خویش نهاده دید دلیل کند که زندکانی وعمر وی دراز بود واکر
بیند که کسی آهن بوی داد دلیل کند که از متاع دنیا بر قدر آهن کسی چیزی بدو بخشد کرمانی
کوید هر آهن که کسی در خواب بیند که آن بسبب سلاح داد دلیل منسوب بپادشاه باشد چنانکه
خدای عز وجل در کلام مجید کفت قوله تعالی وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ
واکر بیند که آهن همی کند یا از شك بیرون همی آورد دلیل کند که ویرا سختی پیش آید قوله
تعالی قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا أَوْ خَلْقًا مِمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ جابر مغربی کوید اکر
کسی بخواب بیند که آهنکری همی کرد واین اهل این کار بود دلیل کند که با کسی ویرا کفت
وکوی وخصومت باشد واکر آهنکر بود دلیل بر خیر ومنفعت کند وبعضی از معبّران
کفته اند که آهنکر بتاویل پادشاه بزرك وداد کر باشد ابن سیرین کوید که دیدن آهنکر
چون معروف نبود پادشاه باشد واکر معروف بود تاویل نیك وبد آنچه دیده باشد با منکر
باز کردد واکر بیند که آهن با مس همی کداخت دلیل کند که این کس مردمان را غیبت کند
وزشتی کوید حضرة امام جعفر صادق علیه السلم کوید هر چیزی که از آهن بخواب بیند
از سوزن تا سندان همه منفعت وقوت وولایت وتوانائی وظفر یافتن بود آهو
کرمانی کوید اکر بیند که آهوئی را فرا کرفت دلیل کند که کنیزك خوب روی او را حاصل
شود واکر بیند که کلوی آهو را ببرید دلیل کند که دوشیزکی کنیزك را ببرد واکر بیند که آهو را
از سوی قفا کلو ببرید دلیل کند که با کنیزکی بخلاف شریعت مجامعت کند واکر بیند
که پوست آهو را بکند دلیل کند که با زنی غریب زنا کند واکر بیند که کوشت آهو همی
خورد دلیل کند که زنی خوب روی ویرا بقدر آن مال حاصل شود واکر بیند که پوست آهو
یا کوشت یا پیه وی داد دلیل کند که از زن بدو مالی رسد واکر بیند که آهو را بکشت

دلیل کند که از قبل زن اندوه کین شود ابن سیرین گوید اگر بیند که بی آنکه شکار کرد آهو را
بزد بیفکند دلیل کند که زنی یا کنیزکی را دوشیزگی ببرد و اگر بیند که آهو را بوقت شکار نه
بیفکند دلیل کند که غنیمت یابد و اگر بیند که آهو در خانهٔ او بمرد دلیل کند که از جهت فرزند
غم و اندوه بدو رسد و اگر بیند که آهو بتیر یا بسنگ بزد دلیل کند که زنی را بزبان ناسزا
گوید جابر مغربی گوید اگر بیند که بچهٔ آهو فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که ویرا از کنیزکی
فرزندی خوبروی بیاید حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن آهو در خواب
بچهار وجه بود یکی زن باشد دوم کنیزک سیوم فرزند چهارم منفعت از زنان بود
آواز ابن سیرین گوید که چون آواز مرد بلند باشد در خواب دلیل کند که در میان
مردمان بزرگی یابد اگر کسی بیند که آوازش بلند گشته بود دلیل کند که بر قدر آن نام
و بانگش بلند گردد و اگر بیند که آوازش ضعیف گشته بود دلیل کند که نام و بانگش
ضعیف گردد چنانکه کس یاد او نکند کرمانی گوید که بلندی آواز مردان را دلیل کند
بر شرف و بلندی نام اما زنان را نیک نباشد و تاویلش بخلاف آواز مردان باشد
آویختن دانیال گوید که اگر کسی بیند که پادشاه ویرا بفرمود آویختن دلیل کند
که از پادشاه حشمت و جاه و منزلت بزرگ یابد و لیکن در دینش خلل و نقصانی افتد
و اگر بیند که در هنگام بر آویختن مردمان بروی نظاره همی کردند دلیل کند که بر چندان
مردم ویرا مهتری و فرمان روائی بود و اگر بیند که گروهی جمع شدند و ویرا بیاویختند دلیل
کند که بر آن گروه مهتر و فرمان روا گردد و بزرگی یابد و اگر بیند که کنده بپری مجهول دنیا یابد
ابن سیرین گوید اگر بیند که خویشتن را خود تنها بیاویخت دلیل کند که بر اهل بیت
و خویشان خود مهتر و فرمان روا شود خاصه چون بیند که خویشان در وی نظاره
همی بودند و اگر بیند که خویشتن را بیاویخت و لیکن هیچکس در وی نگاه نمی کرد بلکه
خویشتن را آویخته همی دید دلیل کند که خواهد بر خویشان خود مهتری کند و لیکن
کس مطیع وی نشود جابر مغربی گوید اگر بیند که چون ویرا آویخته بود ریسمان برید و
او بیفتاد دلیل کند که از بزرگی و حرمت و جاه بیفتد آیینه ابن سیرین گوید که آینه در

خواب جاه و ولایت بود که آینه داشت یا کسی آینه بدو داد که بر قدر بزرگی و روشنائی
آینه جاه و ولایت و نعمت یابد و اگر بیند که آینه بکسی داد دلیل کند که مال و کالای
خویش پیش کسی بودیعت نهد و اگر بیند که در آینهٔ سیمین نگاه همی کرد دلیل کند که از
مردمان بحرمت و جاه خویش کراهیت بیند زیرا که در سیمین نگاه چیزی نبود
کرمانی گوید اگر مردی بیند که در آینهٔ آهنین همی نگرید دلیل کند که اگر زن وی حامله
بود پسری آید که بهمه چیزها مانند پدر باشد و اگر زن آبستن نشود فرزندش نیاید
دلیل کند که شوهرش طلاق دهد و بعد از آن شوهرش زن دیگر بخواهد و او
شوهر دیگر کند و اگر پسری بیند که در آینه نگاه همی کرد دلیل کند که ویرا برادری
بیاید و اگر دختری نگاه کند که ویرا خواهری بیاید و اگر پادشاهی نگاه کند یا عاملی
دلیل کند که معزول گردد و ولایت از دست بشود و کسی دیگر بجای او بنشیند
جابر مغربی گوید که روی نیکو بخواب در آینه دیدن بشارت و شادی بود و روی
زشت دیدن غم و اندوه و مصیبت باشد و بدانکه آینه افروز در خواب چون معروف
نبود پادشاه باشد و اگر معروف بود تعبیر نیک و بد آنچه دیده باشد با آینه افروز باز گردد
حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن آینه بخواب بر شش وجه بود یکی
زن باشد دوم پسر سیوم جاه و فرمان روائی چهارم یار پنجم انباز ششم کار روشن هم
او گوید اگر مرد عرب آینه بدو داد و در روی همی نگرید دلیل کند که بدیدار دوستی غایب
شادمانه شود ابر دانیال گوید ابر بر شش نوع است ابر سپید و سیاه و زرد و سرخ و
ابر بارنده و ابر نابارنده و هر یکی را تعبیر دیگرگون است اگر کسی خویشتن را زیر ابر سفید
بارنده بیند دلیل کند که خدای عز و جل ویرا علم و حکمت ارزانی دارد و مردمان را از علم
و خیر منفعت رسد و اگر بیند که زیر ابر تند بود دلیل کند که بیمار شود و بعضی از معبران
گفته اند که زنی بخواهد و از و رنج و اندوه و غم کشد و اگر بیند که زیر ابر سرخ بود دلیل
کند که در محنت و بلا گرفتار شود زیرا که بر قومی که خدای عز و جل عذاب فرستادی
نخست ابر سرخ بر فراز آن دیار ظاهر شدی و اگر بیند که ابر بر فراز سروی راست

بایستاد دلیل کند که بقدر خویش فرمان روایی یابد واگر بیند که ابر بر سر وی همی گذشت
دلیل کند که ویرا با کسی که نیکوخواه و نیک عهد بود صحبت افتد و مرادش از وی حاصل گردد
ابن سیرین گوید اگر بیند که ابر را در هوا همی راند دلیل کند که وی را با علما و حکما صحبت افتد
واگر این خواب پادشاه بیند دلیل کند که در ولایت خویش رسولان و صاحب خبران
فرستد واگر بیند که ابر در خانهٔ وی درآمد دلیل کند که یا عالمی و یا حاکمی در خانهٔ او بمهمان
آید واگر بیند که ابر را از هوا بگرفت و بر زمین آورد دلیل کند که کارش نیکو گردد و بزرگی و ریاست
و علم حاصل کند واگر بیند که ابر وی را سایه همی کرد دلیل کند که در آن سال خیر و نعمت بسیار یابد
قوله تعالی وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ : اگر بیند که از ابر جامه دوخت و در پوشید دلیل
کند که چندان علم حاصل کند که کس را نبود واگر بیند که ابر جهان را بپوشید و هیچ باران
نبود دلیل بد باشد کرمانی گوید اگر بیند که ابر را جمع کرد یا برداشت یا بخورد دلیل
کند که حکمت و دانش یابد واگر بیند که در میان ابر شد و از وی چیزی نتوانست فرا
گرفتن و جمع کردن دلیل کند که در میان حکما شود ولیکن از حکمت چیزی حاصل
کردن نتواند واگر بیند که بر فراز ابر نشست دلیل کند که بغایت علم و حکمت
رسد و در دانش کامل و یگانه شود جابر مغربی گوید که اگر بیند که ابر را همی خورد دلیل
کند که معیشت وی از حکمت باشد واگر بیند که ابر سیاه و سهمگین بر فراز موضعی
گسترده شد دلیل خشم و عذاب خدای تعالی بود اندر آن موضع پس هر که را در آن
ابر نزدیک باشد در عذاب خدای تعالی نزدیک باشد واگر با ابر باران بیند دلیل
کند بر رحمت و خیرات واگر بیند که از ابر باران همی خورد دلیل کند که بقدر وی
را رحمت و خیرات رسد واگر با ابر و باران رعد سخت بیند دلیل کند بر تبهکاری
وی از دعای مادر و پدر و یا از دعای مسلمانان واگر با رعد برق بیند این دلیلها بهتر
و قوی تر باشد واگر با ابر عذاب رعد و برق بیند عذاب قوی و سخت تر باشد واگر
با ابر صاعقه باشد عذاب صعب تر و قوی تر بود واگر بیند که بر ابر کوشکی یا قبهٔ
بنا کرد دلیل کند که از حکمت علمهای نیک وی را حاصل شود و مهمان را از آن راحت و

فایده بود واگر بیند که در خانه و جایگاه نشستن و مجامش ابر گسترده شده است دلیل
کند که فرزندان و اهل بیتش را حکمت و دانش حاصل شود بقدر بینی و حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن ابر بخواب بر نه وجه است یکی حکمت باشد دوم ریاست
وسیوم پادشاهی چهارم رحمت پنجم پرهیزکاری ششم عذاب هفتم قحط هشتم بلا نهم فتنه
اسمعیل اشعث گوید ابر سیاه بخواب ترس و بیم و سختی باشد و ابر باران برکت و خیر و
فراخی بود و نیز غم و اندوه باشد و اما آن ابر که از کنار دریا آرند بتازی ویرا اسفنج گویند دیدن
وی در خواب غنیمت باشد بقدر آنچه دیده بود ابرو ابن سیرین گوید که ابروها دیدن در خواب
زینت دین باشد اگر بیند که ابروهاش تمام بود چنانکه هیچ نقصانی در و نبود دلیل کند که زینت دین
بود بتمام و کمال بود واگر بیند که ابروهاش فرو ریخت تاویلش بخلاف باشد کرمانی گوید اگر
بیند که ابرو نداشت یا موی ابروش فرو ریخت دلیل کند که آهنگ چیزی کند که از آن چیز بد
نامی و فساد دین ویرا حاصل شود واگر بخلاف این بیند دلیل کند که قصد چیزی کند که
از آن چیز وی را نیکنامی و خیر و صلاح دین حاصل آید واگر بیند که ابروهاش سفید گشته بود
دلیل کند که حلم و آهستگی وی زیادت شود لیکن مالش بزیان آید جابر مغربی گوید اگر یک
ابروی خویشتن را ریخته دید و یک ابروی دیگر را کنده دلیل کند که مال و جاه وی
بنقصان افتد و بعضی گفته اند که دلیل بر نقصان زینت دین وی کند ابریشم
بدانکه تاویل ابریشم همچون تاویل قز بود و شرح وی را بحرف قاف بیان قربان
کرده شد ابلیس دانیال گوید که دیدن ابلیس لعنة الله بخواب دشمنی باشد بد دین
و دروغ زن و فریبنده و بی شرم و بی حفاظ و ستیزه کش و نومید از نیکی و مردمان را
بدی آموز و بر شر و فساد دلیل کند اگر بیند که با ابلیس در جنگ و نبرد بود و او را
قهر کرد دلیل کند که ویرا و صلاح میل بود واگر بیند که ابلیس بر وی غلبت کرد دلیل
کند که براه شر و فساد مایل شود و آن کند که خلاف شرع و راه دین بود ابن سیرین
گوید که اگر بیند که ابلیس با وی سخن همی گفت دلیل کند که ویرا از راه بگرداند و از طاعت
باز دارد واگر بیند که ابلیس ویرا نصیحت همی کرد و آن وی را خوش آمد دلیل کند

کاندراه شر ابلیس وی را بتن مضرت رسد واگر بیند که ابلیس دست وی بگرفت
واورا بجائی همی برد واو گفت لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم دلیل کند که بگناه
بزرگ مبتلا گردد وبعد ازان بنصیحت
غل نهاده بود دلیل کند که اهل دین وصلاح شادی رسد واگر
ومردمان مصلح را قوت بود کرمانی گوید اگر بیند که ابلیس را مطیع شد
دلیل کند که بهوای واگر بیند که ابلیس ویرا چیزی عطا داد اگر آن
چیز نیک بود دلیل کند که مال حرام یابد واگر بد بود دلیل بر فساد دین کند واگر بیند
که ابلیس خرم وشادمانه بود دلیل کند که میان مردمان بفساد قوی گردد واگر بیند که
ابلیس را خواست که بشمشیر بزند وهلاک کند واو بگریخت دلیل کند که ولایتی
بدست آرد ودر وی داد وعدل وانصاف کند واگر بیند که ابلیس را بکشت دلیل
کند که نفس خویش را قهر کند وراه صلاح ورزد ارزیز ابن سیرین گوید اگر بیند که
ارزیز بسیار داشت دلیل کند که بر قدر آن وی را چیزی از متاع دنیا حاصل شود و
اگر ارزیز آلتها بود چون کاسه وطبق وآنچه بدین ماند وداند که ملک اوست دلیل
کند که بر قدر آن ویرا خدمتکاری چابک باشد کرمانی گوید اگر بیند که ارزیز همی گداخت
دلیل کند که در زبان مردم افتد به بدی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن
ارزیز در خواب بر سه وجه بود یکی منفعت باشد دوم خدمتکار سیوم متاع خانه
ارش ابن سیرین گوید اگر بیند که جامه ارش یا زمین یا چیزی دیگر بارش همی پیمود
دلیل کند که سفر رود ودر خور قیمت آنچه همی پیمود وی را سود ومنفعت باشد جابر
مغربی گوید اگر بیند که رسن یا جامه پشمین یا پنبه همی پیمود دلیل کند که بسفر شود
وبر قدر آن مال حلال بدست آرد واگر بیند که آنچه همی پیمود از قزین یا ابریشمین بود
دلیل کند که در سفر بقدر آن مال الحرام بدست آرد اره ابن سیرین گوید که باره
درختی را ببرید دلیل کند که از صحبت مردی که تعلق بدان درخت دارد مفا
رقت جوید واورا بیازارد چنانکه شرح تاویل هر درختی را بحرف دال بیان
کردم

بکردیم واگر بیند که فرزند خویش یا برادر یا خواهر خویش را باره بدو پاره ببرید دلیل
کند که مانند آن وی را فرزندی دیگر بیاید یا برادری یا خواهری کرمانی گوید اگر بیند
که اره فرا گرفت یا بخرید یا کسی بدو داد دلیل کند که اگر پسر دارد وی را پسری دیگر
بیاید واگر دختر دارد دختری دیگر بیاید واگر فرزندان ندارد وچهارپای دارد دلیل
کند که چهارپای همچنان ویرا حاصل شود واگر چهارپای نیز ندارد آن چیز که دارد مثل آن
وی را حاصل شود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که اره دیدن در خواب بر سه
وجه بود یکی فرزند باشد دوم خواهر ویا برادر سیوم انباز ایزار ابن سیرین گوید که
ایزار در خواب زن باشد واگر کسی بیند که ایزار در میان بست دلیل کند که زن خواهد
یا کنیزک خرد واگر بیند که ایزار او ضایع شد دلیل کند که از زن جدا گردد واگر بیند
که ایزارش بدرید دلیل نقصان وعیب زن باشد واگر بیند که ایزارش باتش بسوخت
دلیل آفت وبیماری زن بود جابر مغربی گوید اگر بیند که ایزار پشمین یا پنبه داشت دلیل کند که
ویرا زنی ستیزه ودین دار بود واگر بیند که ایزار کهن وچرکن داشت تاویل این بخلاف
آن بود واگر بیند که ایزار قزین یا ابریشمین داشت دلیل کند که ویرا زنی معطره متکبر باشد
از حال بگشتن دانیال گوید اگر بیند که او پیغمبری شد از جمله پیغمبران چنانکه خلق را
بخدای همی خواند وراه توحید همی نمود دلیل کند که نخست در محنت وبلای دنیا
مبتلا شود وبعد از آن ظفر وکفایت یابد واگر بیند که زاهد یا مصلح شد همین دلیل
کند لیکن محنت وبلای در دنیا کمتر از آن بود واگر بیند که او محتشم وتوانگر شد نعمت
دنیا بروی فراخ گردد اما دین وی تباه شود کرمانی گوید اگر بیند که نام وی متغیر
شد چنانکه وی را بنام نیک خوانند چون محمد ومحمود وسعد وسعید وصالح وعلی
وآنچه بدین ماند دلیل کند که مردمان ویرا بذکر خیر ونیکوئی وی را یاد کنند واگر
بخلاف این بیند مردمان ویرا بذکر شر وبدی یاد کنند واگر بیند که او پادشاه یا امیر
یا قاضی شد ودر شغل خویش عدل وانصاف نگاه داشت دلیل بخیر ونیکوئی
کند واگر بخلاف این بیند دلیل بر شر وبدی کند جابر مغربی گوید اگر بیند که از حال

صلاح بحال فساد بدل شود دلیل کند بر نحیسه و ادباری وی و اگر بخلاف این
بیند سعد و اقبال دین و دنیاء وی باشد **اژدها** ابن سیرین گوید اگر اژدها
را بخواب دیدن دشمن بزرگ بود و اندر دشمنی سخت قوی باشد چنانکه با بزرگان
و معتبران دشمنی کند اگر بیند که اژدهائی داشت دلیل کند که بکسی از بزرگان
بپیوندد و اگر بیند که با اژدها جنگ و نبرد همی کرد و بر وی چیره شد دلیل کند که با دشمن
وی را جنگ و خصومت افتد و سرانجام دشمن را قهر کند و اگر بیند که اژدها را
بکشت و از گوشت وی بخورد دلیل کند که بر دشمن ظفر یابد و مال بستاند و هزیمت کند جابر
مغربی گوید اگر بیند که اژدها وی فرو خورد دلیل کند که بیم آن شود که دشمن وی را هلاک
کند و اگر بیند که بر پشت اژدها نشسته بود و اژدها وی را مطیع و فرمان بر بود دلیل کند
که دشمنی بزرگ وی را مطیع و فرمان بر شود و کارهایش بنظام شود **اسپندان**
کرمانی گوید که اسپندان در خواب غم و اندوه باشد اگر بیند که اسپندان همی خورد
دلیل کند که بر قدر آن غم و اندوه بدو رسد و اگر بیند که کسی اسپندان بدو داد
دلیل کند که غمی از آنکس بر دل وی حاصل شود و اگر بیند که اسپندان او بکسی داد
غمی از او بر دل آنکس حاصل شود اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که اسپندان داشت
ولیکن از آن نخورد و وی را بکسی داد و یا از خانه بیرون افکند دلیل کند که وی را
غم و اندوهی برسد **اسپ** دانیال گوید که اسپ تازی بخواب بزرگی و عزت و
دولت باشد اگر بیند که اسپی تازی نشسته بود و آن اسپ مطیع و فرمان
بر وی بود دلیل کند که عزت و بزرگی و دولت یابد بر قدر نیکوئی و قیمت اسپ
و اگر بیند که اسپی فرا گرفت که نه تازی بود و یا کسی بدو داد و از آن پس بر وی نشست
دلیل کند که بزرگی و شرف یابد لیکن کمتر از آنکه در تاویل اسپ تازی گفتیم و اگر بیند
که از آن اسپ چیزی کم بود یعنی زین یا نمد زین یا لگام یا رکاب یا آنچه بدین ماند
دلیل کند که بر قدر آن از بزرگی شرف وی نقصان شود و اگر بیند که اسپ او را دنب
انبوه و دراز بود دلیل کند که بر قدر آن وی را چاکران و خادمان باشد و اگر بیند

که دنب

که دُنب اسپ وی بریده بود دلیل کند که وی را چاکران و خادمان نباشد و اگر بیند که
چیزی از اندام اسپ وی ناقص بود دلیل کند که بعد از آن از عزّ و شرف وی نقصان
باشد و اگر بیند که با اسپ جنگ و نبرد همی کرد و اسپ غالب بود و فرمان بر وی
نمی شد دلیل کند که معصیت و گناه کند ابن سیرین گوید اگر بیند که بر اسپ برهنه نشسته
بود دلیل کند که معصیت و گناه بیشتر کند و اگر اسپ آنکسی دیگر باشد آنچه گفتیم خداوند
اسپ را بود و اگر اسپ برهنه بود ولیکن مطیع وی باشد دلیل کند بر اندک مایه و بزرگی
و شرف وی و اگر بیند که بر اسپ برهنه نشسته بود و آن اسپ بر بام خانه و یا بر
دیوار ایستاده بود دلیل کند که آنچه گفتیم از گناه بتر و صعب تر باشد و اگر بیند که
بر اسپی نشسته بود و آن اسپ در هوا همی پرید دلیل کند وی را شرف و بزرگی بود در
دین و دنیا و باشد که خداوندش سفر کند کرمانی گوید اگر بیند که بر اسپ ابلق نشسته
بود دلیل کند که بکاری کند بر وی گواهی دهند و اگر بیند که بر اسپ سیاه نشسته بود
دلیل کند که از کاری که کند وی را مال و مهتری شود و اگر بیند که بر اسپ کمیت بود دلیل
کند از پادشاه قوت و شادی و بزرگی یابد و اگر بیند که بر اسپ اشقر بود دلیل کند
که رواج دین و حرمت وی از پادشاه و اگر بیند که بر اسپ زرده بود دلیل کند که اندک
بیماری یابد و بر اسپ سمند همین تاویل بود و اگر بیند که بر اسپ جرمه بود دلیل کند
که بر خیر و صلاح کارهای وی بود و اگر بیند که بر اسپ سپس بود دلیل کند که زن خواهد
و اگر بیند که بر اسپ فرود آمد دلیل کند که از شرف و بزرگی بیفتد و اگر بیند که از اسپ برهنه
فرود آمد دلیل کند که از معصیت و گناه باز گردد و اگر بیند که بر اسپ نشسته بود و
سلاح تمام پوشیده داشت دلیل کند که شرف و بزرگی یابد چنانکه کس وی را از آن مانع
نبود و دشمن بر وی ظفر یابد و اگر بیند که اسپ را همی تاخت تا جنگ کند دلیل کند
که گناهی از وی در وجود آید یا بترس و بیمی بدو رسد بر قدر تاختن اسپ و اگر
بیند که بر اسپ نشسته بود اسپ وی را در مسجد برد یا صومعه دلیل کند که هیچ خیر اندرین
نبود مگر که بیند که اسپ وی را از این جامها بیرون آورد و اگر بیند که اسپ وی مراغم

همی کرد دلیل کند که مال و دولت یابد و اگر بیند که اسب با وی سخن گفت دلیل کند که
کاری کند که مردم را از آن شگفت آید و اگر بیند که اسب بیگانه در سرای وی آمد یا در کوچهٔ
وی دلیل کند که مردی شریف بامداد در سرای وی یا در کوچهاش آید قدر قیمت اسب و
در آنجا مقام سازد و اگر بیند که اسبی از سرای وی یا از کوچهاش برون رود دلیل کند که
مردی شریف و نامدار از سرای یا از کوچهاش غایب گردد یا بمیرد جابر مغربی گوید اگر بیند
اگر بیند که اسبی مادیان فرا گرفت یا بدو داد و بروی نشست دلیل کند که زن بخواهد که بروی
مبارک باشد و اگر بیند که آن مادیان بگونه سیاه بود دلیل کند که آن زن شریف و نامدار
باشد و اگر آن مادیان ابلق بود دلیل کند که آن زن را با مادر و پدر از نیک نسل نباشد
و اگر بیند که آن مادیان دیزه بود دلیل کند که آن زن را زشت روی باشد و اگر آن مادیان
جرمه بود دلیل کند که آن زن را خوب روی و با جمال باشد و اگر آن مادیان سبز رنگ بود
دلیل کند که آن زن دین دار بود و پرهیزکار و اگر اشقر باشد دلیل کند که آن زن عزیز و خداوند
جاه باشد و اگر کمیت بود دلیل کند که آن زن معاشر و دوست باشد و آن مادیان اگر
کره داشت دلیل کند که زن را فرزند باشد چنانکه اگر کره نر بود دلیل کند که آن زن را پسر باشد
و اگر کرهٔ او ماده بود آن زن را دختر باشد و اگر بیند که گوشت اسب همی خورد دلیل کند که از پادشاه
وی را چیزی رسد و نزدیک مردمان منزلت و جاه یابد و اگر بیند که شیر اسب همی خورد دلیل کند
که از پادشاه چیزی بدو رسد و پادشاه وی را خواستار شود و بخویشتن نزدیک کند و اگر
بیند که در پس کسی بر اسب نشسته بود دلیل کند که آن مرد که او در پس وی بود وی را پیوند
باشد در دین یا در دنیا یا تابع آن مرد بود یا انباز وی شود و اگر بیند که در پس وی کسی
بیگانه بر اسب نشسته بود دلیل کند که آنکس تابع وی شود و اگر بیند و اگر بیند که اسپان
پیرامن سرای یا کوچه دوند دلیل کند که در آن موضع باران بارد یا سیلابی روان شود
اسمعیل اشعث گوید که اگر بیند که بر اسبی در هوا نشسته بود دلیل کند که زنی توانگر با صلاح
بزنی خواهد و اگر اهل او باشد با چنین کس وی را صحبت افتد و از و منفعت و
خیر یابد و اگر بیند که کسی در پس وی بر اسب نشسته بود دلیل کند که کسی در طلب

عمل و شغل وی باشد و اگر بیند که اسب با وی سخن گفت دلیل کند که در عمل خویش قرار
گیرد و اگر بیند که گوش اسب وی بریده بود دلیل کند که بخشهای مهتران از وی بریده
شود و اگر بیند که اسب وی بنشاط همی رفت و بانگ همی داشت دلیل کند که کارش بلند گردد
و نام و آوازهٔ وی در آن دیار گسترده شود و اگر بیند که اسب وی بسر در آمد و زود برخاست
دلیل کند که در بعضی از شغل وی خلل افتد و دیگر باره بصلاح آید و اگر بیند که اسبی خرید
بی دست و بروی نشست دلیل کند که زنی بی اصل را بزنی بخواهد و اگر با اسب بهوا بر شد
و بعد از آن از هوا فرود آمد دلیل کند که بر دست پادشاه هلاک شود و اگر بیند که اسب وی را
لگد زد یا بگزید دلیل کند که عیالش بهانه مشغول گردد و اگر بیند که از مادیان خویش همی شیر
دوشید دلیل کند که بر قدر آن از عیال خویش مال یابد و اگر بیند که کسی اسب وی را
بدزدید بیم آن بود که عیالش هلاک شود و اگر بیند که اسب وی را گم شد دلیل کند زن را
طلاق دهد و اگر بیند که اسپی ببها بخرید دلیل کند که زن خواهد یا کنیزکی خرد و اگر
بیند که اسب خویش را بفروخت دلیل کند که عز و جاه وی کم شود یا عیالش از وی جدا
گردد و اگر بیند که اسب باز گونه نشسته بود دلیل کند که از وی بقصد کاری منکر پدید آید
که در آن وی را مضرت و ملامت باشد جاحظ معبر گوید که اسب در خواب هوای
نفس بینندهٔ خواب بود اگر اسب خویش را حرون و سرکش بیند دلیل کند که هوای
نفس وی را حرون و سرکش بود و اگر اسب خویش را مطیع و فرمان بر بیند دلیل کند
که هوای نفس او مطیع و فرمان بر وی باشد و اگر اسب وی تازی بود دلیل کند که هوای
نفس وی صعب تر باشد بر نیکی و بدی و بدانکه هر اندامی از اندامهای اسب بتاویل نشانه
بود از پادشاه چون پادشاه خویش را بر اسب ببیند و اسب مردم عامه عز و بخت بود
خاصه کسی را که هر روز بر افزون باشد اگر بیند که اسبی نامعروف از محلتی بیرون آید
دلیل کند که یکی از بزرگان آن محلت از دنیا بیرون رود خالد اصفهانی گوید که اسب بالائی
در خواب بخت مرد باشد هر چند که بالائی فرمان بردار تر بخت او مطیع تر باشد اگر
بیند که اسب بالائی در شهری یا در دهی یا در سرای شد دلیل کند که مردی غریب عجمی

اندر لشکر پدید آید و اگر بیند که بر اسب دراز دنب نشسته بود دلیل کند که ویرا طبع و حاشیه زیادت
شود بمقدار درازی دنب اسب و اگر بخلاف این بیند دلیل کند که حال بروی بد شود و
عبس بروی تنگ کردد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن اسپ بخواب
بر پنج وجه بود یکی عز باشد دوم مرتبت سیوم فرمان روائی چهارم بزرگی پنجم خیر و برکت
چنانکه رسول علیه الصلوة و السلام کفت الخیر معقود فی نواصی الخیل والبرکة الی یوم القیمة
والذل فی اذناب البقر اگر بیند که بوزینه بر اسب وی نشسته بود دلیل کند که جهودی
با زن وی فساد کند و اگر بیند که کیی بر اسب وی نشسته بود دلیل کند که مغنی با زن
وی فساد کند **استر** ابن سیرین کوید که استر در خواب دیدن چون مطیع نبود
مردی باشد بدخو و چون مطیع بود نیک باشد اگر بیند که بر استری بی زین نشسته بود
و ندانست که آن استر از آن کیست دلیل کند که به سفر رود و اگر استر نر بود سفرش دراز
تر و صعب تر بود و اگر بیند که بر استر خویش نشسته بود چون سفر کند با سود و منفعت
آید اگر بیند که بر استر زین پالان یا عماری نهاده بود دلیل کند که جفت وی نازاینده
باشد خاصه که داند که استر ملک وی بود یا کسی بوی بخشیده بود کرمانی کوید اگر بیند
که بر استری ماده سیاه رنگ بلند بالا نشسته بود دلیل کند که زنی خواهد که خداوند
مال و حرمت و حشمت بود و اگر استر بگونه سپید بیند آن زن که خواهد با جمال و
خوبروی بود و اگر استر بگونه سبز رنگ بود دلیل کند که آن زن دین دار و با دیانت
و پرهیزکار بود و اگر استر بگونه سرخ بود دلیل کند که آن زن معاشر و کشاده روی
بود و اگر استر بگونه زرد بود یا اشقر باشد دلیل کند که آن زن بیمارکین و زرد روی و غم
خواره بود و اگر استر برهنه باشد و آرام کرده بود دلیل کند بر مردی ضعیف که بحسب
نو بود و اگر بیند که استری ماده داشت و بر وی کشتن بر افکند دلیل کند که مال و نعمت
بروی زیادت شود و اگر بیند که استر نر یا ماده بزاد دلیل کند که بر ضعف [مهر]
دشمن و بدخواه جابر مغربی کوید که استر ماده در خواب زنی مولازاده و اگر استر
نر باشد سفر بود و بعضی از استادان این صناعت کفته‌اند استر مرد باشد و استر

ماده

ماده زن اگر بیند که از کسی استر ماده بخرید دلیل کند که کنیزکی بخرد و اگر بیند که استری
ماده بفروخت دلیل کند که کنیزکی بفروشد و یا از کنیزک جدا شود و اگر بیند که بر
استر ماده نشسته بود دلیل کند که زنی بخواهد که هرگز ویرا فرزند نیاید و اگر بیند که
بر استر نر نشسته بود دلیل کند که عمر وی دراز شود و مرادهای وی حاصل اید
و اگر بیند که استری از پس وی همی دوید دلیل کند که ویرا غمی رسد اسمعیل اشعث
کوید که اگر بیند که استرش نوحه همی کرد دلیل کند بر اندید زیادتی مال وی از جهت زن
و اگر بیند که استر با وی سخن کفت دلیل کند که ویرا کاری عجب تنش اید که مردمان را
از آن کار شکفت آید و اگر بیند که استری بکشت دلیل کند که مال یابد و اگر بیند که استر
وی بمرد یا ضایع شد اگر استر ماده بود دلیل کند که از زن یا کنیزک جدا ماند و
اگر استر نر بود دلیل کند که از صحبت مردی بزرک جدا ماند و بدانکه کوشت استر
مال بود و پوست وی هم نعمت و مال بود و بعضی از معبران کفته‌اند که کوشت
استر بیماری بود و اگر بیند که شیر استر همی خورد دلیل کند که بر دشواری کار
ترس و بیم بدان قدر که از شیر وی خورده باشد حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام کوید که دیدن استر در خواب بر پنج وجه بود یکی سفر باشد دوم زندکانی
دراز سیوم ظفر یافتن بر مرد بدخو چهارم جمال و آرایش پنجم مرد احمق باشد
و استر ماده زن نازاینده بود و استر کره منفعت و یافتن مراد باشد **استخوان**
ابن سیرین کوید که استخوان در خواب مالی بود که مردم بدان معیشت کنند
اگر بیند که استخوانی فرا کرفت که بر آن استخوان کوشت بود دلیل کند که بقدر آن
کوشت خیر و مال یابد و اگر بیند که استخوان بی کوشت فرا کرفت یا کسی بدو داد
دلیل کند که اندکی خیر بوی رسد و اگر بیند که او بکسی استخوان داد دلیل کند که از او
بدان کس خیر رسد کرمانی کوید اگر بیند که استخوان کسی را که شکسته بود همی
بپیوست دلیل کند که بزرکی و صناعت‌های کوناکون یابد و کردار نیک کند و بعضی از
معبران کفته‌اند که کار بی نوای کسی از وبا نوا کردد حضرة امام جعفر صادق علیه السلام

کویدکه دیدن استخوان بخواب بر هفت وجه بود یکی اصل مال باشد دوم خویشاوندان
سیوم فرزندان چهارم قیم خانه پنجم مال ششم برادران هفتم یاران وانبازان
استغفار کردن بدانکه استغفار کردن استغفر الله کفتن باشد ومعنی وی بفارسی آمرزش
خواستن بود از خدای عز وجل ابن سیرین کوید اکر بیند که بخواب استغفار همی کرد دلیل
کند که ایزد تعالی مال وفرزندان ارزانی دارد چنانکه در کلام مجید خویش یاد کرده است
قوله تعالی اَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ اِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ
يُمْدِدْكُمْ بِاَمْوَالٍ وَبَنِينَ حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که استغفار کردن در خواب
بر چهار وجه بود یکی مال باشد دوم فرزندان سیوم آمرزش از حق تعالی چهارم توبه
کردن از کناه اسطرلاب کرمانی کوید اسطرلاب بتاویل اصحاب سلطان باشد
ومهتر وبزرک اکر بیند که اسطرلاب داشت یا بخرید یا کسی بدو داد دلیل کند که از اصحاب
سلطان شود وانسلطان جاه ومنزلت یابد وبر سر قومی مهتر کردد واکر بیند که
اسطرلاب ضایع شد یا شکست دلیل کند که جاه ومنزلتش بنزدیک سلطان نبود
جابر مغربی کوید اکر بیند که در اسطرلاب بآفتاب یا ستاره نکاه همی کرد دلیل کند
که بشغل سلطان یا بشغل امیران وی مشغول کردد واز ایشان خیر ومنفعت یابد و
بعضی از معبران کفته که اسطرلاب دیدن بخواب مردی بود که وی را ثبات وعزم وحزم نباشد
و در کارها پاینده نبود اسفاناج ابن سیرین کوید که دیدن اسفاناج در خواب دلیل
کند بر غم واندیشه خوردن وی دلیل کند بر مضرت ونقصان مال اما اکر بیند که بکوشت
بخته بود یا بخایه وروغن واز وی همی خورد دلیل کند بر خیر ومنفعت وبر قدر آن که خورده باشد
اشتر ابن سیرین کوید اکر کسی خویشتن را بر اشتری مجهول بیند که بشتاب همی
رفت دلیل کند که زود بسفر شود واکر بیند که بر اشتر جولان همی کرد دلیل کند که غمکین
ومتفکر کردد واکر بیند که از اشتر فرود آمد دلیل کند که بیمار شود وبعد از ان شفا یابد
واکر بیند که بر اشتری نشسته بود وراه کم کرد واشتر را همی راند ونمیدانست که راه راست
کجاست دلیل کند [illegible] که در کارهای خویش فرو ماند و هیچ

تدبیر

تدبیر کار خویش نتوانست ساخت واکر بیند که ماده اشتری یافت دلیل کند که زن خواهد
واکر با بچه بود آن زن که بخواهد وی را بچه بود واکر بیند که اشتری از پس وی همی دوید
دلیل کند که غمکین شود واکر بیند که اشتر روی از وی بکردانید ومطیع وی نشد دلیل کند
که اندوهکین شود دانیال کوید اکر بیند بر اشتر مست وخشم آلود نشسته بود دلیل کند
که مردی بزرک غلبت کند واکر بیند که با اشتری بختی جنک ونبرد همی کرد دلیل کند
که با مردی عجمی که دشمنش بود وی را جنک ونبرد افتد واکر بیند که جنک با اشتر جمازه
میکرد دلیل کند که با مردی عربی که دشمنش باشد وی را جنک وخصومت افتد
واکر بیند که رمه اشتران را همی چرانید ودانست که آن اشتران ملک وی بود دلیل
کند که او را ولایتی بود ومردم آن ولایت فرمان روا شود واکر بیند که اشتری را همی دوشید دلیل کند
که از پادشاه مال یابد بر قدر آن شیر که دوشیده باشد واکر بیند که بجای شیر که همی
دوشید از پستان شتر خون آمد دلیل کند که آن مال که بدو رسد حرام بود
یا رشوت بود واکر بیند که ماده اشتری کسی بدو بخشید یا از کسی بها بخرید دلیل
کند که زن خواهد یا کنیزک خرد واکر بیند که ماده اشتری که ماده که ملک وی بود بکریخت
یا دزدش برد دلیل کند که از زن جدا شود یا در میان جنک وخصومت ومفارقت
افتد واکر بیند که ماده اشترش بیفتاد وبمرد دلیل کند که زنش بمیرد واکر بیند که
اشتری بچه آورد دلیل کند که زن وی فرزند آورد ومالش زیادت شود وبر امید
که دارد برسد واکر بیند که کوشت اشتر همی خورد دلیل کند که بیمار شود کرمانی کوید
اکر بیند که کسی بسیار کوشت اشتر بدو داد دلیل کند که مال یابد بر قدر کوشت واکر
بیند که اشتر را قربان همیکرد وکوشت وی بهر کس همی داد دلیل کند که مردی بزرک از
آنجا که قربان همیکرد بمیرد واکر بیند که اشتری مجهول اندر پس وی همی آمد دلیل کند
که کرسنه ومتفکر شود واکر بیند که اشتری را قهر کرد وزبون خویش کردانید دلیل کند
که دشمنش را مقهور وزبون کرداند واکر بیند که رمه اشتران در نشیبی یا دید همی جمع همی

شد دلیل کند که در آنجا دشمن جمع شود یا سیل در آنجا خرابی کند یا بیماری اندر مردم آن
موضع مستولی گردد و اگر بیند که از اشتران بار گندم یا جو برداشت دلیل کند که از آن دشمن
یا از آن سیل در آنجا خیر و برکت و فراخی بود جابر مغربی گوید اگر بیند که بر اشتری نشسته بود
دلیل کند که بسفر شود و اگر بیند که اشتر وی بختی بود دلیل کند که سفرش دورتر و صعبتر باشد
و اگر بیند که بر اشتر یکباره نشست دلیل کند که اندوهگین شود و اگر بیند که از اشتری مجهول
فرود آمد دلیل کند که رنج از وی زایل شود و اگر بیند که از اندام اشتر وی خون فراوان شد
دلیل کند که سعادت و نعمت دنیا یابد بر قدر آن خون و اگر بیند که مهار اشتری همی کشید
دلیل کند که با مردی فرمان بردار وی را خصومتی افتد و اگر بیند که بیابان اشتر بسیار یافت
دلیل کند که بنیکی و فرمان روایی یابد و اگر بیند که دو اشتر یافت دلیل کند که مال یابد و اگر
بیند که کسی وی را اشتری داد دلیل کند که قدر و قیمت آن اشتر از کسی منفعت یابد و اگر
بیند قومی اشتری بکشتند و پوست وی را بانبازی قسمت کردند دلیل کند که مردی بزرگ
در آن دیار بمیرد و مال وی را قسمت کنند بمیراث اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که اشتران
بسیار داشت و دانست که آن جمله ملک وی است اگر اشتران اعرابی بود دلیل کند که در
دیار عرب پادشاه شود و اگر اشتران اعجمی بود دلیل کند که در دیار عجم پادشاه گردد و
اگر اشتران بختی بود دلیل کند که بر دشمنان ظفر یابد و ایشان را قهر کند و اگر زنی بیند
که بر اشتری نشسته بود و بهر جا که خواست می رفت دلیل کند که آن زن شوی کند و شوهرش
مطیع و فرمان بر وی شود و اگر بیند که اشتری را بخورد دلیل کند که از پادشاه بنیکی و مال
و نعمت یابد و بدانکه پوست اشتر فایده و مال دنیا باشد و بعضی از معبران گفتند که میراث
بود و اگر بیند که اشتر با وی سخن گفت دلیل کند که خبر نیکی بر وی رسد چنانکه مردمان را
از آن شگفت آید حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که اشتر در خواب برده
وجه بود یکی پادشاه عجمی شد دوم امیر سیوم مرد مؤمن چهارم سیل پنجم فتنه و جنگ
ششم آبادانی هفتم زن هشتم حج نهم نعمت دهم مال و اشتر عربی دلیل بر مردم

عرکنند

عرب کند و اشتر عجمی دلیل بر مردم عجم کند و بدانکه اشتربانی بتاویل خداوندی و تدبیر
و ولایت باشد و راست کننده کارها و تیمار دارنده **اشتر مرغ** ابن سیرین گوید که نر
اشترمرغ در خواب مرد بیابانی بود و اشترمرغ ماده زن بیابانی باشد اگر بیند که اشتر
مرغی ماده فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل کند که زنی بدان صفت که گفتیم بخواهد یا
کنیزکی بدان صفت بخرد و اگر بیند که بر اشتر مرغی نشسته بود دلیل کند که بسفر بیابان
شود و بعضی از معبران گفتند که بر مرد بیابانی غالب شود و بکاری بزرگوار رسد کرمانی
گوید اگر بیند که اشترمرغی را بکشت دلیل کند که بر مرد بیابانی دست یابد و او را قهر
کند و اگر بیند که خایه اشترمرغ یا پر یا استخوان وی داشت دلیل کند که از مردی
بیابانی بر قدر آن وی را مال حاصل شود و اگر بیند که بچه اشترمرغ داشت دلیل
کند که فرزند مرد بیابانی وی را حاصل شود جابر مغربی گوید اگر بیند که بر اشترمرغی
بنشست و آن مرغ وی را مطیع بود و او را بهوا برد و دیگر باره بر زمین آمد دلیل
کند که با مردی بیابانی بسفر دور شود و دیگر باره از آن سفر با سود و منفعت باز آید
و اگر بخلاف این بیند دلیل بد باشد **اشتر غاز** ابن سیرین گوید اشتر غاز در خواب
غم و اندوه بود اگر بیند که اشتر غاز را فرا گرفت یا کسی بوی داد و از وی همی خورد دلیل کند
که بر قدر آن غم و اندوه خورد و اگر بیند که وی را بکسی داد یا بفروخت دلیل کند که از غم و اندوه
رسته گردد و اگر بیند که اشتر غاز داشت و بخورد و اشتر همی داد دلیل کند که از بهر اشتر
خویش اندوهگین شود **اشک** کرمانی گوید اگر بیند که اشک از چشم وی همی بارید
دلیل کند که شادی و خرمی یابد و اگر بیند که اشک گرم همی بارید دلیل کند که غمگین
و مستمند شود و اگر بیند که آب گرفتن بر روی اشک بود دلیل کند که وی را بسخن
طعنه زنند و اگر بیند که در چشم وی بجای اشک گرد و خاک جمع شده بود دلیل
کند که بر قدر آن مالی حلال بی رنج بدو رسد و اگر بیند که اشک بر روی او فرود می
آمد دلیل کند که مال خویش را هزینه کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
گوید که اشک آمدن از چشم بر سه وجه بود یکی شادی و خرمی باشد دوم غم

واندوه سیوم نعمت باشد: اشنان ابن سیرین کوید که دیدن اشنان درخواب
دلیل کند بر غم واندوه وخوردن وی دلیل بر بیماری کند اصلع بدانکه اصلع بتازی دع
سر بود ابن سیرین کوید اکر کسی اصلع را بخواب بیند که بر سر وی موی رسته بیند دلیل
کند که وی را مالی اندک حاصل شود واکر بیند که او اصلع شد دلیل کند که از غم واندوه
رسته کردد اما اکر زنی بیند که وی اصلع شد دلیل کند که زینت وآرایش وی بنقصان
شود کرمانی کوید که اصلعی دیدن بخواب با زرکان را فائده بود وپیشکار ملک وصناعت
وی باشد وپادشاه را تفکر بوده وزنان را نقصان وزینت ایشان افروشه:
ابن سیرین کوید که افروشه آن بهتر بود که در وی زعفران نباشد وچون اندك
بیند سخن لطیف خوش باشد وچون بسیار بود مالی بیند که برنج وسختی بدست
آرد اکر بیند که اندك افروشه کسی بدو داد وبخورد دلیل کند که از آنکس سخن لطیف
وخوش شنود چنانکه موافق طبع او باشد واکر بیند که افروشه بسیار داشت دلیل
کند که از آنکس بر قدر آن وی را مالی برنج وسختی حاصل شود حضرة امام جعفر صادق علیه السلام
کوید که خوردن افروشه درخواب بر سه وجه بود یکی سخنی لطیف وخوش دوم مال
ونعمت سیوم یافتن مرادی دردادادد: افرد کرمانی کوید که خوردن افرد در
خواب دلیل بر غم واندوه کند اکر بیند که افرد همی خورد دلیل کند که بر قدر آن وی را
غم واندوه رسد واکر از وی نخورد هیچ اندوهی بدو نرسد جابر مغربی کوید که خوردن
افرد درخواب دلیل بر جنك وخصومت کند اکر بیند که افرد همی خورد دلیل کند که با کسی
ویرا جنك وخصومت افتد وعلی الجمله هیچ خیر در خوردن افرد نباشد افسون ابن
سیرین کوید افسون خوردن درخواب فریفتن مردم بود مکر آن فسون که بنامهای
خدای عز وجل وبآیت قرآن بود وچون افسون کرد وبیند که از آن افسون
ویرا یا کسی شفا وراحت بدید آمد دلیل کند که از رنج وغمها فرج یابد وبکام دل رسد
واکر بر خلاف این بیند دلیل کند بر غم واندوه کرمانی کوید که افسون کردن بخواب
کار باطل بود چون بوقت افسون ذکر خدای عز وجل را بکوید واکر افسون

بقران

بقرآن ونامهای خدای تعالی کند دلیل آن بود که کاری کند وراستی وآنان ویرا خیر
وصلاح دوجهانی رسد افیون ابن سیرین کوید که دیدن افیون درخواب
دلیل بر غم واندیشه کند وخوردن وی دلیل بر رنج واندوه ومعصیت کند
اله دانیال کوید که اله درخواب پادشاهی قوی با هیبت بود وستمکر چنانکه
همه کس از وی همی ترسند اکر بیند که اله را فرا کرفت یا کسی باو داد وآن اله فرمان
بردو مطیع وی بود دلیل کند که بنزد پادشاه خاص ومقرب شود واکر بیند که
اله وی را بکرفت ودر هوا برد دلیل کند که بفرمان پادشاه سفری دور بکند
وبزرکی ونامودی یابد ابن سیرین کوید اکر بیند که اله بکوچه فرود آمد دلیل
کند که بهمان کوچه پادشاه فرود آید واکر بیند که مردم آن کوچه را اله بکشتند
دلیل کند که پادشاه از مملکت معزول شود یا هلاك کردد واکر بیند که اله وی را
بر کرفت دلیل کند که در پناه پادشاه شود واکر بیند که از دهان چیزی براورد
وبدو داد دلیل کند که بر قدر آن چیزی از پادشاه عطا یابد واکر بیند که اله از دست
وی برید وپشت چیزی از بروی در دست وی ماند دلیل کند که پادشاه بروی
خشم کیرد واورا از پیش دور فرماید کردن وچیزی از مال وی بستاند کرمانی
کوید اکر بیند که اله از بهر وی شکار همی کرفت دلیل کند که مال وخزانه پادشاه
وعاملان وی بفرمان او باشد واکر بیند که اله ویرا بمنقار یا بچنکال بزد دلیل
کند که ویرا با پادشاه جنك وخصومت بود واکر بیند که از کوشت اله بخورد
یا از پر وی بکند بر قدر آن از پادشاه مال ونعمت یابد واکر بیند که بر سر وی
اله نشسته بود دلیل کند که ویرا بسری آید وپادشاه زمانه شود حضرة امام
جعفر صادق علیه السلام که دیدن اله درخواب بر دو وجه بود یکی پادشاه ظالم
وستمکر وخونخوار بود ودوم عالم بی دیانت وحیلتی وبعضی از معبران
کویند اکر کسی بیند که اله داشت دلیل کند که عمر وی دراز باشد آلو ابن سیرین
کوید آلوی سرخ وسیاه چون بوقت وی بیند دلیل کند بر مال وخواسته

والوي نند دليل بر بيماري كند اگر بيند كه آلو سرخ ويا سياه بود فرا گرفت يا كسي
بدو داد وبطعم شيرين بود وبخورد دليل كند كه بر قدر آن مال وخواسته يابد و اگر علط
بيند ٢٣٢ واگر بيند كه آلوي زرد بخورد خاصه كه وقتش نبود دليل بر غم واندوه وخصومت
كند واگر بطعم ترش باشد بدتر بود **امامي** ابن سيرين گويد اگر بيند كه در
پيش قومي امامي كرد وامام نبود دليل كند كه بر آن قوم مهتر گردد وجمله فرمان بر
وتابع وي شوند چنانكه ماموهان تابع امام باشند واگر بيند كه جماعتي انبوه در
نماز بودند ووي را گفتند كه ما را امامي كن پادشاه فرمود كه ايشان را امامي كن واو
در پيش رفت وامامي كرد دليل كند كه بر آن ديار امير وفرمان روا شود وبفرمان شان
ويا بفرمان پادشاه وبا ايشان عدل وراستي كند بقدر راستي قبله وتمام كردن
نماز بركوع وسجود واگر بيند كه از نماز چيزي نقصان كرد دليل كند كه بر ايشان جور و
ظلم كند بقدر آنچه در نماز نقصان كرده باشد كرماني گويد اگر بيند كه امامي كرد
وليكن نشسته بود دليل كند كه بيمار گردد واگر به پهلو خسپيده بود در نماز چيزي نخواند
دليل كند كه زود بميرد وآن قوم بروي نماز كنند واگر امامي را بخواب ديد دليل
كند كه شرف ومنزلت يابد برقدر شرف ومنزلت امام واگر بيند كه امام را ولايتي
همي داد يا با امام در خانه رفت يا امام وي را چيزي ببخشيد يا با وي عتابي كرد
يا با وي سخني لطيف ونيكو گفت اين جمله دليل بر شرف وبزرگي كند واگر بيند كه با
امام طعام همي خورد بر قدر آن غم واندوه بدو رسد جابر مغربي گويد اگر بيند كه
با امام بر چهارپاي نشسته بود دليل كند كه با دولت وولايت با وي شريك باشد
واگر بيند كه از پس امام همي رفت واقتدا بدان امام كرد بدين ودنيا همچنين
بود واگر بيند كه امام در سراي شد يا در مسجدي يا در دهي يا در شهري دليل كند
كه مصيبتي باهل آن جايگاه رسد اسمعيل اشعث گويد هرچه امام بخواب در
خويشتن زيادت بيند در ولايت وبزرگي وي زيادت گردد وهرچه در ذات
كم بيند از زيادت ونقصان در مال ونعمت وي زيادت يا نقصان شود حضرت

امام جعفر صادق عليه السلام گويد امامي كردن در خواب بر شش وجه بود يكي فرمان
روائي دوم پادشاهي بعدل وانصاف سيوم زيادت علما چهارم قصد كردن بكار
خير پنجم منفعت ششم ايمني از دشمنان واگر بيند كه امامي زنان همي كرد دليل
كند كه بر گروهي ضعيفان والي گردد واگر بيند كه امامي از آسمان فرود آمد وقومي
را امامي كرد دليل كند كه رحمت باشد از اهل آن زمين واگر بيند كه بر مرده امامي
همي كرد دليل كه از پادشاهي فرمان روائي يابد **امرود** ابن سيرين گويد كه
خوردن امرود بوقتش چون سبز وشيرين بود مال حلال باشد واگر بگونه زرد باشد
بيماري بود اگر بيند كه امرود همي خورد زرد بود دليل كند كه بيمار گردد خاصه نه بهنگام
وي بود واگر امرود بگونه سرخ بود يا سبز چون بطعم شيرين بود مال وخواسته
باشد واگر ترش وناخوش بود غم واندوه باشد كرماني گويد امرود سبز وشيرين
خوردن بوقتش يافتن مراد بود وآن امرود كه بهنگام خوردن گلو را بگيرد خوردن
چيزي بود كه در آن شبهت باشد حضرت امام جعفر صادق عليه السلام گويد كه خوردن
امرود در خواب بر پنج وجه بود يكي مال حلال باشد دوم توانگري سيوم زن چهارم
يافتن مراد پنجم منفعت واگر بيند كه شاه امرود همي خورد دليل كند كه از مردي بزرگوار
منفعت يابد بر قدر آنكه خورده باشد **انار** دانيال گويد كه اصل انار بخواب مال بود
ليكن بر قدر همت مردم خاصه كه بوقت خويش باشد واگر نه بوقت خويش بود بد باشد
واگر بيند كه انار از درخت ببريد وبخورد دليل كند كه از زني با جمال منفعت يابد
ابن سيرين گويد كه انار شيرين بخواب زني بود يا مال جمع كرده وبعضي از معبران
گفتند كه يك انار شيرين خوردن در خواب هزار درم بود كه بيابد وانار ترش
غم واندوه باشد وانار كه ندانند كه ترش است يا شيرين دليل تعبير ترش چون انار
شيرين جابر مغربي گويد اگر كسي بيند كه انار شيرين بوقت خويش همي خورد
~~اگر كسي بيند كه~~ دليل كند كه هزار دينار يا كمترش پنجاه دينار بود
~~انار شيرين~~ كه بيابد وباشد كه آنچه دينار گفتيم درم يابد پس معبر بايد كه بقدر همت

و بزرکی مردم تاویل کند و اکر بیند که انار بر مستان همیخورد و از درخت وی بکند
و بخورد دلیل کند که بعد دهر چیزی که کفتیم ویرا چوبی بزنند و بهمه حال انار ترش خوردن
بوقت و بی وقت بد باشد و حکم انار ترش شیرین میانه بود کرمانی کوید اکر کسی
بیند که بوقت خویش انار شیرین خورد اکر با بزرکان بود دلیل کند که با بزرکان نیکیش روا
کردد و اکر مسافر بود دلیل کند که سفرش مبارك بود و با سود و منفعت باز کردد و اکر انار
بی وقت خورد بد بود و اکر بیند که دانهای انار یافت یا کسی بدو داد دلیل کند که بر قدر آن
ویرا زیان رسد و اکر بوقت بود همچنین سبیل و اکر بیند که انار شیرین با پوست و
پیه وی همی خورد دلیل کند که از نعمت خویش برخورداری یابد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
کوید که خوردن انار شیرین در خواب بر سه وجه بود یکی مال جمع کرده باشد دوم زن
پارسا سیوم شهر آبادان و انار ترش غم و اندوه بود اسمعیل اشعث کوید که یك انار دیدن
بخواب پادشاه ولایت را شهری و رئیس را یك دیه باشد و بازرکان را ده هزار درم باشد
و مردم بازاری را هزار درم باشد و مردم درویش را از یکدرم تا ده درم باشد
انجیر ابن سیرین کوید که خوردن انجیر اکر بوقتش بود و اکر بی وقت بد باشد و اکر
انجیر همی خورد یا جمع همی کرد یا کسی بدو بخشید دلیل کند که بر قدر آن غم و اندوه و اندیشه
بد و رسد و باشد که بر کاری که همی کند پشیمانی خورد کرمانی کوید انجیر زرد خوردن بخواب
دلیل بر بیماری کند و انجیر سیاه دلیل بر غم و اندوه کند و انجیر سبز بام خوردن بوقتش
چون طعم شیرین بود زیانی ندارد **انجیل** ابن سیرین کوید اکر کسی بخواب بیند
که انجیل همی خواند دلیل کند که از حق بباطل فریفته کردد و خودرای شود کرمانی کوید که
اکر بیند که انجیل از کتاب همی خواند دلیل کند که از کسانی که بر ملت عیسی باشند
اندك مایه خیر بدو رسد و اکر از ظاهر خواند دلیل کند که از حق بباطل کراید و دوست
داد ترسایان شود **انداختن** ابن سیرین کوید اکر بیند که کسی را بینداخت دلیل
کند که بر خصم چیره کردد و اکر بیند که کسی ویرا بینداخت دلیل کند که خصم بر وی
چیره کردد و اکر بیند که بر کسی سنك انداخت دلیل کند که سخنی سخت بکسی کوید و بعضی

از معبران دلیل کند ویرا نزتا یا به کناهی تهمت کنند و اکر بیند که درست بر دشمن انداخت
یا بکسی دیکر کرمانی کوید اکر بیند که بر کسی سنك انداخت دلیل کند که سخنی سخت بکسی
کوید و بعضی از معبران کفته اند که اکر بیند که بر کسی شکر یا مایید یا بادام یا فندق یا آنچه بدین ماند
بینداخت اکر آنکس معروف بود دلیل کند که اندازه صلت و عطا یابد و اکر مجهول بود
اندازه بکسی صلت و عطا و رشوت باید دادن و اکر بیند که از این خوردنیها که کفتیم سوی
چهارپایان انداخت که دلیل کند که مال خویش بجاهلان هزینه کند **اندامها** ابن
سیرین کوید که اکر بیند که اندامهای تن وی افزون و زیادت شد دلیل کند که خویشان
و اهل بیتش بر زیادت شوند و او در موضع خویش مقیم بود و اکر بیند که اندامهایش
بریده شد و از تن وی بیفتاد دلیل کند بسفر شود و خویشان وی هر یکی در جایکاهی
از یکدیکر پراکنده شود و اکر بیند که اندامهای خویشتن را همی برید و از تن جدا کرد
دلیل کند که خویشان و اهل بیت خویش را در شهرها پراکنده کند کرمانی کوید اکر بیند
که پاره کوشت از اندامش کسی برید دلیل کند که آنکس را زو خیر و منفعت رسد و اکر بیند
که اندامی از تن وی جدا شد دلیل کند که کسی از خویشان وی بغربت افتد و اکر بیند که اندامهایش
آزرده بود دلیل کند بیمار شود و اکر بیند که مرغی از اندام وی پاره کوشت ببرد دلیل کند
که کسی از مال وی چیزی برون بستاند و اکر بیند که کوشت از اندام خویش همی برید و در پیش
آن مرغ همی افکند دلیل کند که از مال خویش چیزی بکسی بخشد جابر مغربی کوید اکر
بیند که اندامی از تن وی با او سخن کفت دلیل کند که در میان خلق رسوا کردد **قوله تعالی**
قَالُوا أَنطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنطَقَ كُلَّ شَيْءٍ و اکر بیند که با نکبی از اندامهای خویش
راه همی رفت دلیل کند که کاری کند که بر آن اعتماد دارد اکر بیند که اندامی از اندامهای
وی تباه کشت دلیل کند که بر راه راست نبود و ام فضل کوید که رسول علیه الصلوة
والسلام را کفت یا رسول الله خوابی منکر دیده ام او کفت چه دیدی کفت بخواب
دیدم که پاره از اندامهای تو باز بریدند و در کنار من نهادند رسول علیه الصلوة
والسلام کفت که نیك دیدی فاطمه را پسری آید و در کنار تو بزرك شود بعد ازان

فاطمه چین را نزاد وعدکناد او بزرك شد دادش بر ورد **انکبین** کرمانی کوید که انکبین
درخواب غنیمت باشد وانما لها ونیك بود واز کوهها زیرا که دروی درمان آ ست
ابن سیرین کوید که انکبین مردم عامه را روزی اندك باشد وشهد روزی بسیار
بود چنانکه حق تعالی در کلام قدیم خویش یاد کرده است فیه شفاء للناس حضرت امام
جعفر صادق علیه السلم کوید که خوردن انکبین درخواب دلیل بر پنج کند یکی روزی
حلال دوم منفعت سیوم کام دل یافتن وترنکبین روزی باشد که بی منت بدو رسد
قوله تعالی وانزلنا علیکم المن والسلوی ؛ **انکشت** ابن سیرین کوید که پنج انکشت دست
راست در تاویل پنج نماز بود وپنج انکشت دست چپ فرزندان برادر بود چنان
دان که انکشت مهین دلیل نماز بامداد کند وانکشت سبابه درخواب دلیل بر نماز
پیشین کند وانکشت میان دلیل بر نماز دیگر کند وانکشت پس میان دلیل بر نماز شام کند
وانکشت کوچك دلیل بر نماز خفتن کند پس زیادتی نقصان وصلاح وفساد انکشتان
دست راست دلیل بر زیادتی ونقصان وصلاح وفساد نمازهای پنجکانه کند اکر
بیند که پنج انکشت دست راست نداشت دلیل کند که پنج نماز نکند واکر بیند که پنج انکشت
دست چپ نداشت دلیل کند که فرزندان برادرش از دنیا رحلت کنند واکر
بیند که یك انکشت از دست چپ وی ببریدن دلیل کند که فرزند برادرش هلاك
شود وبعضی کفته اند که فرزند برادرش را مصیبت رسد کرمانی کوید که اکر بیند که انکشتانش را
بهم اندك کذاشته داشت دلیل کند که شکست شود اکر بیند که انکشتان را باهم دیکر
جمع همی آورد دلیل کند که کار برادران وفرزندان را بصلاح آرد واکر بیند که انکشتان را
بکرد ارهشت درهم بسته بود دلیل کند که کارها بروی بسته کردد وبر اهل بیت وی
جابر مغربی کوید اکر بیند که انکشت مهین وی بریده است دلیل کند که قوت ومال شریر ود
واکر بیند که انکشت خدای خوان او بریده است دلیل کند که نماز کم کند واکر بیند که انکشت
میان او بریده است دلیل کند که از شهر وی پادشاه یا عالمی یا مردی بزرك بمیرد واکر بیند که
انکشت پس میان وی بریده است دلیل کند که وی را بمال زیان افتد واکر بیند که

انکشت

انکشت کوچك وی بریده است دلیل کند که فرزند نا ده وی بمیرد اسمعیل اشعث کوید که
انکشتان پای درخواب دیدن دلیل کند بر انکشت وآرایش چون انکشتان پای را قوی
ودرست بیند دلیل کند که کار کدخدائی وی ساخته شود واکر بخلاف این بیند کار وی
ساخته بود واکر بیند که انکشتان پای وی را آفتی رسد چنانکه رفتن نمی توانست دلیل
کند که وی را غمی سخت پیش آید از سبب رفتن مال وی واو طالان مناظره بود واکر
انکشتان دست وپای وی را کج بیند دلیل کند که کار وی باژکونه شود حضرت امام
جعفر صادق علیه السلم کوید که دیدن انکشتان درخواب بر شش وجه بود یکی فرزندان
باشد دوم برادرزادکان سیوم خادمان چهارم یاران پنجم قوت ششم پنج
نماز ؛ اکر بیند که انکشتان وی بیفتاد یا بریده شد دلیل کند که این کسان
که کفتیم وی را مفارقت افتد واکر بیند که انکشت وی بشکست دلیل کند که یکی
از اهل بیت بمیرد وخلف اصفهانی کوید اکر بیند که از انکشت مهین شیر همی آمد
وانکشت خدای خوان وی خون همی آمد دلیل کند که انکس با مادر زن خویش فساد
کند واکر بیند که واکر بیند که از انکشت مهین واز انکشت خدای خوان وی
خون همی آمد دلیل کند که با مادر خویش فساد کند واکر بیند که از انکشت وی طراکی
بیامد دلیل کند که در میان خویشاوندان وی کفتکوی رود **انکشتری** دانیال
کوید چون نقش وصانع انکشتری معروف بود دلیل کند که از خدا اونکش بدو خیر و
نیکی رسد واکر بیند که انکشتری کسی بوی داد تا چیزها بدان مهر کند دلیل کند که از آنچه
لایق او بود برخی بیابد یعنی اکر پادشاه بود پادشاهی یابد واکر توانکر بود مال یابد بر
قدر قیمت انکشتری اکر بیند که در مسجد یا در نماز یا در غزا کسی انکشتری بوی داد اکر انکس
زاهد بود وعابد دلیل کند که نصیب وی زهد وعبادت باشد واکر پادشاه بود نصیب
وی ملکت باشد واکر توانکر بود نصیب وی مال بود واکر غازی بود نصیب وی غزا
بود واکر بازرکان بود نصیب بوی نفع وتجارت بود وصنعتهای دیکر هم بدین قیاس بود
واکر بیند که انکشتری خویش سلطان بدو داد دلیل کند که از ملکت سلطان بهره

بدو رسد یا بخویشان وی ابن سیرین کوید اگر بیند که انکشتری وی ضایع شد یا
دزد انکشتری وی را بدزدید دلیل کند که در کارهایش کوفت و دشواری پدید آید و اگر
بیند که نکین انکشتری وی ضایع شد دلیل کند که در برخی از کارهای وی خلل افتد و اگر
بیند که انکشتری وی بشکست و ضایع شد و نکین وی بماند دلیل کند که بزرکی و جاه
وی بشود ولیکن آب روی و هیبتش برجای بود و اگر بیند که نکین انکشتری وی
بشکست دلیل کند که آب روی و هیبتش بود و بزرکی و جاه وی بماند و اگر بیند که
انکشتری خود را بکسی بخشید دلیل کند که آنچه دارد از ملك و مال وی برخی بکسی بخشید
و اگر بیند که انکشتری خویش را بها بکسی بفروخت و بها بستد دلیل کند که آنچه دارد جمله را
بفروشد و هزینه کند و اگر بها نستد از آنچه دارد برخی بفروشد و هزینه کند و اگر پادشاه
بیند که انکشتری وی ضایع شد دلیل کند که ملکت از دست وی بشود کرمانی کوید
اگر بیند که انکشتری وی از زر بود دلیل کند که آنچه دارد مکروه و حرام باشد و اگر بیند
که صناعت انکشتری وی ناپسندیده است دلیل کند که اعمالی که دارد برخی بشود و پادشاه
بروی خشم کیرد و انکشتری وی اگر از سیم بود دلیل کند که آنچه دارد پسندیده و حلال باشد
و اگر انکشتری وی از آهن بود دلیل کند که آنچه دارد اندك و حقیر باشد و اگر بیند که انکشتری
وی از هفت جوش یا از سپیدروی بود دلیل کند همچنان که آهنین در کفتیم و اگر انکشتری
وی از ارزیز بود بدتر باشد و حقیرتر از آنچه بود که یاد کرده شد جابر مغربی کوید اگر بیند
که در انکشت وی انکشتری بود از آهن دلیل کند که قوت و توانائی یابد و اگر بیند که بر
نخست یا از مس دلیل کند که از مردمان بی اصل منفعت یابد و اگر بیند که انکشتری وی از
زر است دلیل کند که مال حرام یابد و بوی نماند و از مردمان ملامتش رسد و اگر بیند که
انکشتری وی از سیم است دلیل کند که از جائی چیزی بدو رسد و اگر بیند که از بلور است
دلیل کند که از مردمان عام چیزی بدو رسد و اگر بیند که از یشم است دلیل کند که
اندك مایه چیزی بدو رسد و اگر بیند که از ارزیز است دلیل کند که حال وی ضعیف
شود و بنزدیك مردمان خوار کردد و اگر بیند که انکشتری خویش بنزدیك کسی امانت

نهاد

نهاد یا ویرا ببخشید پس آنکس انکشتری وی هم بدو رد کرد دلیل کند که زنی بنکاح بخواهد
و بعد از آن اجابتش نکنند و زن را بدو نهند و اگر بیند که انکشتری خویش را بشکست
دلیل کند که در میان او و عیالش جدائی افتد و اگر بیند که انکشتری که دو نکین داشت بیافت
یا کسی بدو داد و بیند که دو نکین موافق یکدیکرند دلیل کند که آنجائی بزرکی و فرمان روائی
یابد و مال و نعمت از آنجا حاصل کند و اگر بیند که هر دو نکین خلاف یکدیکرند دلیل کند که
خداوند انکشتری غلام باره بود و دوبیتی باره و اگر بیند که از آن دو نکین یکی بیفتاد و یکی
بماند دلیل کند که از آن دو عمل از یکی توبه کند و اگر بیند که انکشتری را مهر کرد یا نامه دلیل کند که
چیزی پنهان بدو رسد و اگر بیند که نامه کشاده را مهر کرد دلیل کند که چیزی آشکارا بدو رسد
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که انکشتری سیمین دادن در خواب بر پنج وجه
بود یکی ملکت باشد دوم زن سیوم فرزند چهارم مال و انکشتری زرین دیدن در خواب
بر سه وجه باشد یکی جور پادشاه دوم بدعت از ظالمان سیوم خیانت از بازاریان
اما انکشتری زرین زنان را نیك بود اگر بیند که انکشتری با نکین از وی ضایع شد
دلیل کند که حشمت و جاه از وی بشود انکور یا فرزندش بمیرد یا مالش ضایع کردد
و اگر والی باشد معزول شود و اگر زن باشد شوهرش را بمیرد یا فرزندش انکور دانیال
کوید که خوردن انکور بسیار بوقتش غم و اندوه بود و بغیر وقتش بیماری و ترس و بیم باشد
و بعضی از معتبران کفته اند که بعدد هر دانه که خورده بود رنج چوب یا تازیانه بر تن وی زنند
و خوردن انکور سپید بوقتش نعمت و خیر دنیا بود که بدو رسد پس از آنکه امید
دارد و بغیر وقتش دلیل کند که چون از دهان خداوند خواب سخن خیر بیرون
آید دلیلش از تعبیر خیر و مال الحلال بود انکور سرخ همین دلیل کند و اگر بیرون آید
دلیلش از تعبیر شر و مال الحرام باشد کرمانی کوید که انکور سیاه بوقتش نیك بود و بغیر
وقتش غم و اندوه و بیماری باشد و دانهای انکور سیاه چون بغیر وقتش خورید
تازیانه بود و انکور سپید بوقتش مال فراخ و نعمت بود و بغیر وقتش غم و اندیشه باشد
ابن سیرین کوید که انکور سپید بوقت خویش خوردن دلیل کند بر نم و باران و انکور سیاه

بوقت خویش خوردن دلیل بر غم و اندیشه کند و انکور سپید بوقت خویش خوردن
دلیل بر مال حلال کند و انکور طایفی بوقت خویش خوردن دلیل بر مالی کند که بدشواری
بدست آرد و انکور سرخ بوقتش خوردن دلیل بر منفعت اندک کند و اصل آن جمله آنست
که هر انکوری که پوست وی سخت‌تر بود دلیلش آنست که مال بدشواری یابد و هر انکوری
که آب وی روشن بیند دلیل بر مالی حلال کند و هر انکوری که آب وی تیره بیند دلیل بر مالی
حرام کند و هر انکور که بدیدار سرخ‌تر دلیل بر عز و جاه کند و هر انکوری که بدیدار سیاه‌تر بود
دلیل کند که غم و اندوهش بیشتر باشد و هر انکوری که شیرین‌تر بیند دلیل کند که منفعت و مال و
عز وی بیشتر باشد جابر مغربی کوید اکر بیند که انکور در معصره چوبین همی فشرد دلیل
کند که خدمت پادشاهی ستمکر کند و اکر بیند که آن معصره از خشت و کل بود دلیل کند
که خدمت پادشاه عادل کند و اکر آن معصره از خشت پخته و کچ و یا از آهک و سنک بود دلیل
کند که خدمت پادشاهی با هیبت و با سیاست کند و اکر بیند که در طشت انکور همی فشرد
دلیل کند که خدمت زنی بزرک کند و اکر بیند که انکور در کاسه همی فشرد دلیل کند که خدمت کسی
خسیس طبع و دون همت کند و اکر بیند که انکور و شیره وی در خنبها جمع همی کرد دلیل
کند که مال بسیار از سبب پادشاه وی را حاصل کند و اکر بیند که انکور در معصره با عیال و اهل
بیت خود همی فشرد دلیل کند که خدمت پادشاهی کند چنانکه جمله اهل بیت وی را از آن پادشاه
منفعت رسد و مردمان بروی حسد برند و اکر بیند که خواب در خور خدمت پادشاه
نبود دلیل کند که کار وی از سبب مردی بزرکوار ساخته کردد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
کوید که انکور سپید و سیاه بوقت خویش و بغیر وقت خویش بر سه وجه بود یکی فرزند
باشد دوم علم فرایض سیوم مال بود و فشردن انکور در خواب هم بر سه وجه بود
یکی مال بود با خیر و برکت دوم فراخی سیوم از قحط و بلا رستن باشد قوله تعالی
عَامٌ فِیهِ یُغَاثُ النَّاسُ وَفِیهِ یَعْصِرُونَ : **افتادن** ابن سیرین کوید اکر کسی بیند
که بروی در آید بد باشد خاصه در جنک و خصومت دلیل کند که آن دشمن بروی ظفر
یابد و اکر بیند که از جایکاهی بلند بزیر افتاد چنانکه از کوه یا از بام یا از دیوار یا از درخت

وانچه بدین ماند دلیل کند که کاری که اندرو بود تمام بر نشود و بمقصود نرسد و مرادش بر نیاید
چنانکه او خواهد کرمانی کوید اکر بیند در خواب که از جایکاهی بلند بزیر افتاد دلیل کند
که از آن امیدی که داده از آن نومید شود و اکر بیند که از سر کوه بزیر افتاد دلیل کند که حال
وی بد شود و بر قدر آن از افتادن بر تن وی رنج رسد اکر بیند که زخمی بر تن وی رسید
و بیفتاد و خون از اندام وی روان شد دلیل کند که بر قدر آن رنجی که از آن زخم بدو رسید
وی را زیانی افتد و اکر بیند که پایش بلغزید و بیفتاد و رنجی بدو رسید دلیل همچنین
بود که یاد کرده شد و اکر رنجی بدو نرسید آسانتر باشد و اکر بیند که از آسمان خانه کژدم
و مار و یا کزنده بیفتاد دلیل کند که از پادشاه یا از کسی که از وی بزرکتر بود وی را غم و اندوهی
رسد و اکر بیند که بام خانه یا دیوار بروی بیفتاد دلیل کند که مال بسیار بدو رسد از آنجا
که امید نداد سپری شد حرف الف از کتاب کامل التعبیر بحمد الله و منه و حسن توفیقه

حرف بی از کتاب کامل التعبیر

باتیله ابن سیرین کوید که باتیله در خواب
کدبانوی خانه بود و اکر بیند که باتیله بخرید یا کسی بدو داد دلیل کند که در خانه کدبانوی ستیره
صالحه بیاورد و اکر بیند که باتیله داشت و بشکست یا ضایع شد دلیل کند که کدبانوی
خانه از دنیا رحلت کند یا از خانه جدا شود بهر وجهی که باشد کرمانی کوید اکر بیند که در
باتیله چیزی بود از شیرینی یا از خوردنیهای لطیف دلیل کند که از بانوی خانه وی را خیر
و منفعت رسد و اکر بخلاف این بیند دلیل کند که از بانوی وی را شر و مضرت رسد
بادام ابن سیرین کوید که بادام در خواب نعمت و روزی بود که بخصومت بدست
آید اکر بیند که بادام فرا کرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که بر قدر آن وی را نعمت و روزی
بخصومت فرا رسد و بعضی از معبران کفته‌اند که او بتاویل علم و شفا و راحت بود
چون مغز بادام بیند کرمانی کوید اکر بیند که بادام با پوست داشت دلیل کند
که از مردی بخیل چیزی برنج و سختی بدو رسد و اکر بیند که بسیار بادام با پوست داشت
دلیل کند که با کسی وی را خصومت و داوری بود و اکر بیند که مغز بادام تلخ بود دلیل کند
که از مردی بخیل جفا یابد و اکر بیند که از مغز بادام روغن بیرون آورد دلیل کند که

اندر دي بخيل بر قدر آن وي را منفعت بود جابر مغربي كويد كه ديدن بادام درخواب
مال ونعمت باشد امّا اكر بادام با پوست بيند دليل كند كه آن مال برنج وسختي بدست
آيد وچون بادام بي پوست بيند دليل كند كه آن مال بخواري وآساني بدست آورد
حضرة امام جعفر صادق عليه السّلام كويد كه بادام درخواب بر دو وجه بود يكي مال نهان
كرده باشد دوّم شفا وراحت بود **باد** ابن سيرين كويد اكر بيند كه بادي سخت همي
جست دليل كند كه مردم آن ديار را ترس وبيم بود واكر بيند كه باد چنان سخت بود
كه درختان را همي كند وخرابيها همي كرد دليل كند كه اهل آن ديار را بلا ومصيبت رسد
از علّتهائي طاعون وآبله وسرخچه وآنچه بدين ماند كرماني كويد كه باد سموم را ديدن
بخواب دليل بيماري سوزنده كند بدان ديار وباد زمهرير دليل بيماريهاي
سرد كند وباد معتدل ديدن دليل بر تن درستي اهل آن ديار كند وبر معيشت
وكسب ايشان واكر بيند كه باد ويرا از جايكاهي بجائي همي برد دليل كند كه سفري دور
كند ودران سفر جاه وبزركي يابد بر قدر آنكه ويرا باد از زمين برهوا برده باشد
واكر بيند كه با باد كرد وتاريكي بود دليل كند بر ترس وبيم واندیشهٔ مردمان آن دياد
جابر مغربي كويد اكر بيند كه بادي سخت وي را سوي آسمان برد دليل كند كه اجل
وي نزد آمده باشد واكر بيند كه باد ويرا ديكر بار از آسمان بزمين آورد دليل
كند كه بيمار شود واز ان بيماري شفا يابد حضرة امام جعفر صادق عليه السّلم كويد كه
ديدن باد بخواب بر نه وجه بود يكي بشارت باشد دوّم فرمان روائي سيوم مال
چهارم مرك پنجم عذاب ششم كشتن هفتم بيماري هشتم شفا نهم راحت واكر بيند
كه بر باد نشسته بود دليل كند كه بزركي وفرمان روائي يابد اهل الاشمغث كويد اكر بيند
كه باد مغرب نرم همي جست دليل كند كه دران ديار خير وتندرستي بود واكر بيند كه باد
مشرق نرم همي جست همين دليل كند واكر بيند كه باد جنوب نرم همي جست دليل
كند كه مردم آن ديار را مال ونعمت زيادت شود واكر بيند كه باد شمال نرم همي جست دليل
كند بر شفا وراحت مردم آن ديار واكر بخلاف اين بيند دليل خير نباشد واكر

ببيند

ببيند كه بانك باد همي شنود دليل كند كه خبر پادشاه بزرك بدان ولايت كسترده شود
واكر بيند كه باد مردم آن ديار را بر كرفت ودرهوا برد دليل كند كه آن مردمان شرف
وبزركي يابند **باد رها كردن مردم** ابن سيرين كويد اكر كسي بيند كه درميان جمع مردم
باد رها كرد چنانكه مردمان آواز آن بشنيدند دليل كند كه سخني زشت بكويد كه
مردمان بر او افسوس كنند وبدان سخن در زبان مردم افتد ورسوا شود واكر
بيند كه باد نرم رها كرد چنانكه آواز آن كس نشنيد الّا او دليل كند كه سخني زشت
بكويد وليكن آن سخن درميان مردم ظاهر نكردد ورسوا نشود واكر اين خواب
مردي بيند بيند ويرا خرّمي وشادي بود كرماني كويد اكر بيند كه كسي باد رها
كرد با بانك وبوي كنده دليل كند كه او كاري كند كه مردمان بروي شناعت
وبدان كار رويرا ملامت كنند وبدي او كويند واكر بيند كه بانك بود دليل بوي
نداشت دليل كند كه از كاري بي فائده جدا كردد وخيرش دران بود واكر بيند
كه بقصد باد رها ميكرد ومردمان بروي همي خنديدند دليل كند كه كار اين جهان
بروي سخت كردد وليكن ويرا از مردمان ملامت وزشت نامي بود واكر بيند
كه بي خواست وي باد ازوي بجست ومردمان همي خنديدند واو شرم همي داشت
دليل كند كه بي مراد وي شغل ومعيشت وي ساخته شود وحضرة امام جعفر
صادق عليه السّلم كويد كه باد رها كردن مردم درخواب بر سه وجه بود يكي سخن زشت
باشد دوّم شناعت كردن كاري كه بدان ويرا ملامت كنند چهارم رسوائي بود
واكر بيند كه كسي عمدا باد رها همي كرد دليل كند بر بددینی وبدمذهبي **بادروك**
بدانكه بادروك كونه از ترها بود ابن سيرين كويد اكر بيند كه بادروك همي خورد
دليل كند كه حاجت وي روا شود وبكام دل برسد زيرا كه پيغمبر صلّى الله عليه وآله وسلّم
كفت مَا أَطْيَبَكَ وَمَا أَطْيَبَ رَائِحَتَكَ يعني چه خوشي تو وچه خوش است بوي
تو حضرة امام جعفر صادق عليه السّلم كويد كه خوردن بادروك درخواب بر سه
وجه بود يكي حاجت روائي بود دوّم بكام دل رسيدن سيوم ديدار غايب

دیدن : **بادریه** بدانکه باد ریه مهره دوك بود کرمانی کوید کر اکر زنی بیند که باد
ریه بیافت یا کسی بدو داد اکر آن زن آبستن بود دلیل کند که دختری بزاید واکر
مادرش آبستن بود دلیل کند که مادرش دختری بزاید واکر کسی که از خویشان وی
آبستن بود دختری آرد جابر مغربی کوید اکر مردی بیند بادریسه بخرید یا کسی
بدو داد دلیل کند که کنیزك خرد یا خادمه بدست آرد واکر زن بیند که بادریسه
اندوك وی بیفتاد دلیل کند که مهرش از شوی بریده شود یا دختری بمیرد
یا کارش باطل کردد **پادشاه** ابن سیرین کوید کردواذده چیز است که آن چیزها
بینندهٔ خواب را دلیلست بر پادشاهی یکی آنکه پیغمبر علیه الصلوة والسلام را
امام کند دوم آنکه علم پیغمبر بدست دارد سیوم آنکه طبل پیغمبر پیش وی زنند
چهارم آنکه بر منبر پیغمبر خطبه کند پنجم آنکه جامهٔ پیغمبر پوشیده دارد ششم آنکه انکشتری وی
بانکشت دارد هفتم آنکه بیند که چشم وی آفتاب کشت یا ماه هشتم آنکه بیند که چشم وی
روی کشته باشد نهم آنکه بیند که جسم وی دیوار شهری کشته باشد دهم آنکه بیند که چشم وی محراب
مسجد جامع کشته باشد یازدهم آنکه بیند که پادشاهی مرده انکشتری خویش بدو رسد دوازدهم آنکه
چشم وی کاوی کشته باشد یا کرکسی یا عقابی یا بازی این جمله دلیل بر یافتن پادشاهی و سلطنت
کند دانیال کوید اکر بیند که پادشاه مردمان را خلعت و کلاهی داد دلیل کند که مردمان
خویش رئیس و والی بر کمارد واکر بیند که بر سر پادشاه کلاهی بود بزرك و پاکیزه دلیل
کند بر شرف واقبال وصلاح کار و درازی عمر وی واکر بیند که بر سر پادشاه کلاهی چرکن
و دریده بود بخلاف این باشد که یاد کرده شد واکر بیند که بر سر پادشاه دستار بود چنانکه
در روزکار پیغمبر ما علیه الصلوة والسلام بر سر یاران وی بود دلیل کند که پادشاه دین دار
و عابد و عادل و با ورع و با دیانت باشد واکر بیند که پادشاه بادر ابکرفت و باد بفرمان
وی شد دلیل کند که ملکت جهان بکیرد و پادشاهی جهان بروی راست شود واکر بیند
که او پادشاه شد دلیل کند که توانکر کردد واکر بیند که پادشاه بند کواد در سرائی یا در کوچهٔ
در آمد که بیداری در آمدن وی در آنجا منکر بود دلیل کند که اهل آن دیار را غم و اندوه

وصیبت رسد از سبب پادشاه **قوله تعالی** إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا
واکر در آمدن وی آنجا به بیداری منکر نبود هیچ مضرت و زیان باهل آن موضع
نرسد واکر کسی بیند که پادشاهی بزرکوار بر مایدهٔ طعام همی خورد دلیل کند که از وی خیر
و بزرکی یابد واکر پادشاه بیند که سرائی که آرامکاه وی بود و سقف آن خراب شد
دلیل کند که در پادشاهی وی خلل و نقصان افتد کرمانی کوید اکر پادشاهی بیند که
بمرد و وقتش نکردند و بر وی کس نکریست و کفن وی نساختند و نیز نه شسته و
جنازه بر نداشته دلیل کند که برخی از سرای وی خراب شود و باشد که متفکر و رنجور
دل کردد از مردمان خویش واکر بیند که در جنك و خصومت پادشاه را غلبت کرد
دلیل کند که حاجتی که دارد روا شود و بمقصود برسد واکر پادشاهی که کعبه سرای او
بود و یا سرای او کعبه شده بود دلیل کند که هرکز مملکت وی را زوال نباشد اکر پادشاهی
مردی نیك یا زنی نیك مرده را بخواب بیند که زنده شده بود و بر وی سلام کرد آن
دلیل بشارت ایمنی باشد پادشاه را زیرا که مرده بسرای راستی است جز راست
نکوید و سلام کردن ایمنی است چنانکه خدای عز و جل در کلام قدیم خویش کفته است
قوله تعالی سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ : واکر پادشاهی بیند که
رسن در دست داشت یا دست بر وی زد دلیل کند که به نیکوئی حال دو جهانی
قوله تعالی وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمِيعًا : جابر مغربی کوید اکر کسی مقرب پادشاهی
بود در خواب بیند که نزدیك پادشاه بودی دلیل کند که بمقدار نزدیکی وی از آن
خواب بهره و نصیب یابد واکر پادشاهی اندر لباس یا در کوش یا در سرای یا
در مسجد یا در چیزی که بدو منسوب باشد زیادتی و نیکوئی بیند دلیل کند که
آن زیادت در پادشاهی و بزرکی و ولایت و عز و جاه و خدم و حشم و مال وی باشد
واکر نقصانی بیند تاویلش بخلاف این باشد واکر بیند که پادشاهی بروی خشم
بود دلیل کند که پادشاهی بروی دایم نماند واکر پادشاهی را بیند که بزمین فرو شد
دلیل کند که در رنج و سختی کرفتار شود و بعضی کفته اند که پادشاهی بروی قرار

کیرد اگر کسی بیند که بدر سرای پادشاه آمد شد همی کرد دلیل کند که از مردم پادشاه
پناه و منزلت بیفزاید حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید اگر کسی پادشاه را شا
دمانه و کشاده روی بخواب بیند دلیل کند کار بسته وی کشاده کردد و اگر کسی
وزیر پادشاه بخواب بیند دلیل کند که کاری که کند زود بصلاح آید و اگر حاجب
پادشاه را بیند دلیل کند که از شغلها فروماند و سرانجام بمراد رسد و اگر ندیم پادشاه
را بیند دلیل کند که ویرا از کسی ملامت رسد و اگر صاحب شرطه پادشاه را
بیند دلیل کند که دشمنان بروی غلبه کنند و اگر نقیب پادشاه را بیند دلیل کند از
جائی صلت و عطا یابد و اگر مصلحان پادشاه را بیند دلیل کند که شغل وی بصلاح
آید و اگر عوانان پادشاه را بیند دلیل کند که [illegible] از مردم خاندان خویش نکوئی
و یاری یابد و اگر وکیل پادشاه را بیند دلیل کند که ناکسی ویرا ملامت کند و یا
از شغلی درون عاجز کردد و اگر پرده دار پادشاه را بیند دلیل کند که کار بسته وی
کشاده کردد و اگر مقرعه زن پادشاه را بیند دلیل کند که کسی ویرا وعده کند بدروغ
و اگر زندانی پادشاه را بیند دلیل کند که غمگین و مستمند شود و اگر جلاد پادشاه را
بیند دلیل کند که مراد وی زود حاصل شود و اگر دبیر پادشاه را بیند دلیل کند که از
دانا و آگاهی بیابد و اگر سلاحدار پادشاه را بیند دلیل کند که کار وی قوی کردد و
اگر پاسبان پادشاه بیند دلیل کند که آنچه همی جوید بیابد و اگر علمدار پادشاه را بیند
دلیل کند که چیزی شنود که از آن شادمانه کردد و اگر شرابدار پادشاه را بیند دلیل کند
که از نیکی منفعت یابد و اگر رکابدار پادشاه را بیند دلیل کند که دروغ بحاصل شود
و اگر غاشیه دار پادشاه را بیند ویرا غم و اندوه رسد و اگر جامه دار پادشاه را بیند
دلیل کند که کار وی نیکو شود و اگر دوات دار پادشاه بیند دلیل کند که از زبان وی
چیزی حاصل شود و اگر خوانسالار پادشاه را بیند دلیل کند که کاری کند که از آن
وی را رنج و ملامت رسد اسمعیل اشعث کوید اگر بیند که پادشاهی بشهری در آمد و بر
پادشاه اهل آن شهر غلبه کرد دلیل کند که رنج و نقصانی بر اهل آن شهر بدید

آید و اگر بیند که پادشاهی پای برکرسی پادشاهی بنهاد دلیل کند که مملکت ویرا از وی بستانند
و اگر بیند که پادشاهی در خانه وی بخفت دلیل کند که پادشاه را بدو حاجت افتد
و کار ش فرماید کردن **بادنجان** ابن سیرین کوید که بادنجان خوردن بخواب اگر
بوقتش بود و اگر بی وقت و اگر پخته باشد و اگر خام غم و اندوه و تفکر بدان قدر که خورده
باشد و حکم دلیل بتر و خشک وی یکسان بود کرمانی کوید اگر بیند که بسیار بادنجان
داشت و لیکن جمله را بخشید یا بفروخت و یا از منزل خویش جمله بیرون افکند و
البته از وی هیچ نخورد دلیل کند که از غم و اندوه رسته کردد **باد** ابن سیرین کوید
اگر بیند که بر پشت بار سبک داشت دلیل کند که بر قدر جنس آن بار وی را خیر و منفعت
رسد و اگر بیند که بر پشت بار کران داشت دلیل کند که معصیت و کناه بسیار کند
چنانکه ایزد عزّ و جلّ در کلام قدیم یاد کرده است: **قوله تعالی** لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً
يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۝ کرمانی کوید اگر بیند که بسیار بارها داشت و دانست که آن بارها
ملک اوست دلیل کند که بر قدر جنس وی را منفعت و نیکی رسد یا مضرت
و بدی و اگر بیند که آن بارها که او داشت ملک وی نبود دلیل کند که خیر و شر
آن بخداوند باز کردد **باران** دانیال کوید که باران در خواب رحمت و خیر بود
از حق تعالی بر بندکان چون باران عام باشد یعنی که بهمه جای بارد **قوله عزّ و جلّ**
وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ: و نیز چون باران بوقتی
بارد که مردمان دوست دارند پسندیده باشد و چون بوقتی بارد که مردمان بر
خواهند بد بود و اما اگر باران خاص باشد چنانکه بیند که بسرای یا در کوچه باران
سخت همی بارد که جز از آنجا بجای دیکر نبارد اینچنین باران دلیل کند که رنج
و بیماری بر اهل آن موضع و بلا و سختی بدینسان رسد اگر بیند که باران آهسته
بارید دلیل کند که خیر و منفعت آن موضع و اگر بیند که اول سال یا اول ماه باران
بارید دلیل کند که همان سال یا همان ماه فراخی و خیر و نعمت باشد و اگر بیند
که باران تیز و سخت همی بارید دلیل کند که فتنه و عذاب اندران دیار و اگر بیماری

بیند که باران خرد همی بارید دلیل کند که از بیماری شفا یابد و اگر بیند که بادی سخت
قوی و بیم همی آمد دلیل کند که دران بیماری هلاك شود ابن سیرین گوید اگر کسی بیند
که بارانی سخت نه بوقت خویش بارید دلیل کند که اندران دیار از لشکر رنج و بلا رسد
و اگر بیند که باب باران مسح همیکرد دلیل کند که از ترس و بیم ایمن شود و اگر بیند که باران
بر سروی همی بارید و جامه اش تر گشت دلیل کند که بر قدر تری آن جامه منفعت یابد و اگر بیند
که بسفری بیرون همی رفت و باران بروی همی بارید دلیل کند که بسفر شود و با سود و منفعت
باز آید و اگر بیند که باران بر سر مردمان چون طوفان همی بارید دلیل کند که دران دیار
مرگ مفاجات پدید آید و اگر بیند که از هر قطرهٔ باران آوازی همی آمد دلیل کند که عز و جاه
وی زیادت شود و نام و بانگش دران دیار منتشر شود و اگر بیند که بارانی عظیم
همی بارید چنانکه بجای جویها روان شد و از آن جویها همی گذشت چنانکه هیچ
زیان بدو نمیرسید دلیل کند که با پادشاه تعصب کند و شر وی از خویشان باز دارد
و اگر بیند که از آن جویها گذشتن نمی توانست دلیل کند که شر پادشاه از خویشتن
دفع کند نتواند و اگر بیند که از هوا آب همی آمد نه بکردار باران دلیل کند که در آنجا
عذاب خدائی و بیماری حاصل شود کرمانی گوید که اگر بیند که بجای باران از آسمان
انگبین همی بارید دلیل کند که غنیمت و نعمت در آن دیار بسیار بود و هر چیزی که بیند
که از آسمان همی بارید دلیل تعبیرش از نوع آن چیز باید کردن یا شرح تعبیر آن از اینك بود
بداند زیرا که شرح هر چیزی در اول حرف وی بموضعش بیان کرده شد و اگر بیند که از
آب باران همی خورد و آبش روشن و صافی بود دلیل کند که بر قدر آن خیر و راحت بوی رسد
و اگر بیند که آب باران تیره و ناخوش بود و از وی همی خورد دلیل کند که بر قدر آن رنج
و بیماری کشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن باران بخواب بر دوازده
وجه بود یکی رحمت بود دوم برکت سیوم فریاد خواستن چهارم درد و بیماری
پنجم بلا ششم کارزار هفتم خون ریختن هشتم فتنه نهم قحط دهم ایمان یازدهم
کفر دوازدهم دروغ گفتن : باران ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند

کبرتن

کبرتن بارانی بود و او در خدمت پادشاه باشد دلیل کند که نام نیك و مدح و ثنایش
بنزدیك مردمان خاص کرده و اگر در خدمت پادشاه نبود دلیل کند که کارهای دنیا وی
بروی جمع گردد و اگر بارانی انجامهٔ خز و دیبا بود دلیل کند که کارهایش مکروه کند اگر
چه وی برادران آفرین مدح و ثنا کنند و اگر بارانی وی انجامهٔ برد بود دلیل کند که
وی را فایدهٔ دین و دنیا حاصل شود کرمانی گوید اگر بارانی وی از پشم بود یا از کتان
یا از پنبه و بگونه سبز باشد دلیل سخت نیك بود زیرا که صلاح دین و دنیا وی
حاصل شود و اگر بگونه سرخ بود یا سیاه دلیل کند که هم بخیر و نیکی بود لیکن کمتر از آن
بود و اگر بگونه زرد بود دلیل بر رنج و بیماری تن کند و اگر بگونه کبود بود دلیل کند بر
معصیت و گناه و اگر سفید بگونه بود دلیل بر خیر و منفعت کند که بدو رسد بارو ابن
سیرین گوید که باروی شهر و قلعه و دیه دلیل بر پادشاه با نوالی کند و بعضی از
معبران گفتند که باروی شهر دلیل بر پادشاه کند و باروی قلعه دلیل بر خداوند قلعه
کند و باروی دیه دلیل بر خداوند دیه کند و اگر بیند که باروی شهر بلند و قوی شد دلیل
کند بر قوت و نیکوئی احوال پادشاه و اگر بیند که باروی شهر بیفتاد و خراب شد
اگر جمله افتاد دلیل بر هلاك پادشاه کند و اگر برخی از وی بیفتاد دلیل بر هلاك
والی کند و اگر بیند که باروی را نو کردند اگر جمله را نو کرده بیند دلیل کند که پادشاهی
نو دران شهر مقیم کند و اگر برخی از باروی شهر نو کرده بیند دلیل کند که والی
نو دران شهر مقیم گردد کرمانی گوید که بارو آنچه بنزدیك دروازهٔ شهر بود پادشاه
بود و آنچه بجانب راست بود و آنچه بجانب چپ بود والی باشد و آنچه از دور
بود تاویلش عیش خوش و ایمنی باشد و آنچه در پیش شهر بود زن باشد و بر نیك و بد و
زیادت و نقصان که در بارو بیند درین پنجگانه بود که یاد کرده شد باز ابن سیرین
گوید اگر بیند که بازی فرا گرفت یا کسی بدو داد و آن باز مطیع و فرمان بردی بود
یعنی که از دستش بپرید و بانگش کرد دیگر باره بیامد و بر دست وی نشست چون
بنشست در خواب باز سفید دلیل کند بر بزرگی جاه و منزلت وی بیند اگر بیند

که بازی سپید نیکو بر دستش نشسته بود دلیل کند که از پادشاه قدر و بزرگی یابد
واگر بیند که باز از دست وی بپرید و رشتهٔ وی پایش در دست او بماند دلیل
کند که بزرگی و منزلت از وی زایل گردد و اندکی مال بر وی بماند واگر بیند که باز از
دست وی بپرید و یا بیفتاد و بمرد دلیل کند که از منزلت و بزرگی بدرویشی و بیچارگی
افتد کرمانی گوید اگر کسی بیند که بازی سفید بیافت اگر از مردمان پادشاه بود
دلیل کند که از پادشاه ولایت و بزرگی یابد واگر از رعیت بود مال بسیار حاصل
کند واگر بیند که بازی کسی بدو بخشید دلیل کند که فرزندی خوب روی ویرا
بیاید واگر بیند که بازی بگریخت و در خانهٔ زنی شد و زیر دامن آن زن نهان شد
دلیل کند که آن را پسری خوب روی بیاید واگر بیند که بازی بر بام وی بنشست
دلیل کند که ویرا با پادشاه صحبت افتد و از و خیر و منفعت یابد واگر بیند که پای
آن باز زنگ از زرین یا سیمین بود دلیل کند که آن زن را دختری آید جابر مغربی گوید
اگر کسی بیند که بازی بیافت و وی را بکشت دلیل کند که اگر آنکس مردم پادشاه بود از
عمل معزول گردد واگر از مردم پادشاه نبود ویرا غمی رسد از جهت اهل بیت واگر
بیند که باز از دست وی بپرید و باز نیامد دلیل کند که اگر این خواب پادشاه
دیده باشد مملکت از وی بشود واگر باز بیامد و بر دست وی بنشست تاویلش
بخلاف این بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که چون باز مطیع بود دلیل
تاویلش بر پنج وجه باشد یکی رامش دوم شادی سیوم بشارت چهارم فرمان
روایی پنجم یافت مال بقدر قیمت باز از دو هزار درم تا ده هزار درم خاصه
چون باز سپید و مطیع باشد و چون باز مطیع نبود تاویلش بر چهار وجه بود یکی پادشاه
ستمگر بود دوم حاکمی که میل کند سیوم فقیه خاین بی امانت چهارم پسری که فرمان
پدر و مادر نبرد والله اعلم **بازو** ابن سیرین گوید که بازو در خواب برادر باشد
یا فرزند یا دوست معتمد یا انباز اگر بیند که بازوی دراز و قوی شد دلیل کند
که ویرا قوت بود و فایده از برادر یا از فرزند یا از انباز یا دوست معتمد واگر بخلاف

این بیند

این بیند دلیل کند که هیچ فایده و قوتی ویرا از ایشان نبود واگر بیند که بازوی وی بیفتاد
یا کسی ببرید دلیل کند که برادر یا فرزند یا انباز یا دوست معتمد وی از دنیا رحلت
کند یا فراقت وی جوید حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن بازو
در خواب بر شش وجه بود یکی برادر باشد دوم فرزند سیوم انباز چهارم دوست
پنجم پسر عم ششم همسایه **بازوبند** کرمانی گوید اگر بیند که بازوبند زرین در بازو داشت
دلیل کند که از برادر یا از آنکسان که بیش از این صفت کردیم ویرا غم و کراهیت رسد و
اگر بازوبند سیمین بود از رنج و غمش اندک مایه باشد و بعضی از معبران گفته اند اگر بیند
که بازوبند سیمین در بازو داشت دلیل کند که دختر خود را یا دختر برادر خود را
بشوهر دهد واگر این خواب زن بیند دلیل کند که ویرا مال و زینت و آرایش بود واگر
بازوبند مسین یا آهنین بود دلیل برخورداری و فرومایگی کند جابر مغربی گوید اگر کسی
بیند که بازوبند آهنین در بازو داشت دلیل کند که ویرا از برادر یا آنکسان که صفت
کردیم قوت و یاری بود واگر بیند که بازوبند وی بشکست و ضایع شد تاویلش
بخلاف این باشد **پاسداشتن** ابن سیرین گوید که پاسداشتن بخواب اندر دو وجه
بود اگر بیند که پاس اهل صلاح دارد دلیل خیر و نیکی دو جهانی کند واگر پاس اهل فساد
دارد دلیل بر شر و مضرت دو جهانی کند واگر بیند که در سرای پادشاه پاسبانی میکرد
دلیل کند که از پادشاه خیر و منفعتی بدو رسد واگر بیند که قومی را پاس همی داشت اگر
آن قوم اهل ورع و دین باشد دلیل کند که از ایشان خیر و منفعت دینی بدو رسد واگر
اهل مال و نعمت باشند منفعت و مال بدو رسد از ایشان و بدانکه پاسبان در تاویل
خداوند قدر و ولایت باشد و بیدار دارندهٔ کارها و مدبر کسانی بود که ایشان را پاس همی
داشت **پاشنه** ابن سیرین گوید که درستی و قوت پاشنه دلیل بر نظام کار و کسب
مردم کند اگر بیند که پاشنهٔ وی بشکست دلیل کند که بکاری مشغول گردد که از آن
کار ویرا ندامت و پشیمانی ویرا کمتر بود جابر مغربی گوید اگر بیند که پاشنهٔ خود را
بکارد همی برید و گوشت ویرا در خورد ددکان همی داد دلیل کند که آنچه بکسب خویش

حاصل کرده بود در خورد دشمنان دهد و اگر بیند که با شئه وی بیفتاد دلیل کند که
وی را کار و کسب نباشد و درویش و بیچاره کردد **باطیه** کرمانی کوید که باطیه در
خواب کنیزک فربه بود که با وی عشرت کند و از وی کام دل یابد اگر بیند که باطیه بود
پاکیزه داشت یا کسی بدو داد دلیل کند اگر اهل آن بود کنیزکی خوب روی فربه وی را
حاصل شود و اگر اهل آن نباشد دلیل کند که با چنین کنیزکی وی را صحبت افتد و اگر بیند
که باطیه وی بشکست دلیل کند که کنیزک وی هلاک شود و اگر بیند که باطیه وی ضایع
شد ~~ضایع شد~~ دلیل کند که آن کنیزک از وی بکریزد **باغ** دانیال کوید که دیدن باغ در خواب
زن بود اگر بیند که باغ را همی آب داد دلیل کند که با جفت خویش مجامعت کند
و اگر بیند که باغ وی خشک شده بود دلیل کند که جفت وی از مجامعت معزول
شود اگر بیند که هرچند باغ را آب میداد و تر نمی شد دلیل کند که جفتش از جماع سیر
شود و اگر بیند که در باغ خویش گل و ریحان همی کشت دلیل کند که وی را فرزندی
صالح بیاید و اگر بیند که در باغ خویش درخت شفتالو همی کشت دلیل کند که وی
را فرزندی بیاید که علم و ادب نود بیاموزد ابن سیرین کوید و اگر بیند که از باغش
ریحان و بکمال رسیده بود و نسیم بویش بمشام همی رسید دلیل کند که وی را فرزندی
بود دلیر و دانا و هنرمند زیرا که کمال ریحان دلیل کند بر دلیری و هنر فرزند و بویش
دلیل کند بر دانش و ادراک وی اگر باغ خویش سبز و آبادان بیند چنانکه در وی
آب روان و کوشک بود و بر درون میوه های بسیار و او با جفت خویش در آن
باغ تماشا کند دلیل آن است که عاقبتش محمود بود و ایزد تعالی وی را بهشت خویش
کرامت کند و اگر بخلاف این بیند علامت بد باشد و اگر بیند که در باغی آبادان بود
و از میوهٔ درختان او همی خورد دلیل کند که زنی توانکر بزنی خواهد و از وی مال و نعمت
یابد و کارش بنظام شود و اگر بیند که برونکار خزان در باغی مجهول شد و اندران
باغ از درختان برکها همی ریخت و باغ و درختان جمله مجهول بودند دلیل کند که
رنج و غمی عظیم بدو رسد و اگر بیند که در باغی کوشکها بود و سبزهٔ درختان بسیار

و آب روان

آب روان و زنی خوب روی وی را بخواند دلیل کند که شهید کردد و از اهل بهشت باشد
و اگر بیند که باغی داشت یا کسی بدو داد و میوهٔ آن باغ همی خورد دلیل کند که زنی مال
دار بخواهد و از مال وی همی خورد و اگر بیند که در باغی میوه از درخت بلند بر وی همی افتد
دلیل کند که با مردی شریف وی را خصومت افتد و ظفر خداوند خواب را بود و اگر بیند که در باغ
بر فراز درختی خفته بود دلیل کند که نسل و فرزندان وی بسیار شوند کرمانی کوید که باغ
در خواب مردی بزرکوار با مال و جمال بود و اگر بوقت بهار یا تابستان باغی بیند
سبز و خرم کشته بود و در و میوه ها رسیده و کلها و ریاحین شکفته و جویهای آب روان و
او در میان باغ نشسته دلیل کند که مرگ وی بر شهادت بود زیرا که آن صفت بهشت است
و بوقت تابستان باغی بیند معروف یا مجهول که میوه های شیرین بود و برکها از درختان
وی فرو ریخته چنانکه جمله درختان از برک و میوه خالی بودند دلیل کند که وی را با پادشاهی
صحبت افتد که آن پادشاه از خدم و حشم خویش تهی مانده بود و اگر بیند که باغی بتابستان
سبز کشته و پرمیوه بود و آب رود بیامد و آن باغ را از اصل بر کند و خراب کرد دلیل کند
که پادشاه آن دیار را بیم هلاک بود یا بسبب سلطانی بزرک از پادشاهی معزول کردد و اگر
بیند که آتش بیامد و درختان باغ را بسوخت دلیل کند که پادشاه را مرگ مفاجات بود
و اگر بیند که در باغی شد و در آنجا شیران دید دلیل کند که پادشاه آن دیار بر دشمنان
ظفر یابد و اگر در آن باغ کرکان و نخجیر دید دلیل کند که پادشاه آن دیار ظالم و ستمکر بود
و اگر در آن باغ کوسفندان دید دلیل کند که پادشاه را نعمت و مال بسیار شود
اما باشد و اگر در آنجا اسپان دید دلیل کند که پادشاه را هیبت و قوت عظیم
باشد و اگر در همه آن باغ پرندکان دید دلیل کند که لشکر پادشاه بی عهد و وفا باشند
و بر ایشان اعتماد نباشد و اگر بیند که از آن باغ میوه ها جمع کرد و بخانه برد دلیل کند
بر قدر آن از پادشاه وی را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که از آنجا هیزم جمع همی
کرد و بخانه برد دلیل کند که بر رنج و سختی وی را از پادشاه منفعتی رسد بجا بو معربی
کوید که اصل باغ شغل مردم بود بقدر همت وی اگر در خواب باغی آراسته و سبز

کر بقدر آن کی غندان از پادشاه مال و نعمت حاصل شود و اگر در آنجا کاو و خران دید دلیل کند ع

کشته دید دلیل کند که کارش نیکو شود و شغل وی را آراسته کردد و اکر باغی را از سبزه
و میوه خالی دید دلیل کند که کار وی بد کردد و اکر باغ خرم و آراسته دید و کسی وی را
کفت که این باغ فلانست و او میوه از باغ همی خورد دلیل کند که بر قدر آن از خداوند
منفعت بیند و اکر بجایکاهی باغی نو دید که هرکز در آنجا باغ ندیده بود دلیل
کند که در آنجا و آن دیار پادشاهی نو جدید آید و اکر بوقت بهار یا تابستان باغی
خراب دید چنانکه در وی هیچ سبزه و برك درختان نبود دلیل کند که پادشاه
برعیت خویش جور و ستم کند و اکر بیند که بدست خویش باغی نو بکشت
و باغی دیکر بر آمد دلیل کند که زنی توانکر را بزنی کند و از آن زن وی را مال و نعمت و
فرزندان بود و اکر در باغ بوقت خویش انکورها دید آویخته دلیل کند که مال و
منزلت یابد بقدر همت خویش و بحکایت آورده اند که مردی بخدمت سلیمان
بن داود علیهم السلام رفت و کفت ای پیغمبر خدای تعالی در خواب باغی را دیدم
آراسته و در وی میوهای بسیار و در میان آن باغ خوکی را دیدم بزرك نشسته
مرا کفتند که این باغ ملك این خوك است از آن درماندم و بسی دران باغ
خوکان بسیار دیدم و کفتند و میوهای این باغ بفرمان این خوك میخورند
سلیمان علیه السلام جواب داد که آن خوك بزرك پادشاهی بود ظالم و آن
خوکان دانشمند حرام خواره باشند که مطیع و فرمان بر آن پادشاه ظالم
شوند و دین را بدنیا بفروشند و بعلم و راه شریعت کار نکنند و از عذاب و عقوبت
حق تعالی نترسند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن باغ بخواب
بر هفت وجه باشد یکی زن باشد ⁘ دوم فرزند ⁘ سیوم عیش خوش ⁘ چهارم مال ⁘
پنجم بلندی ⁘ ششم شادی ⁘ هفتم کنیزك ⁘ و بدانکه باغبان در خواب قیم زنان باشد
و اکر بیند که باغبانی باغبانی همیکرد دلیل کند که زنان محتشم کند و بشغل ایشان
مشتغل شود و با ایشان سازکاری و مداومت کند و بعضی از معبران کفتند که
دیدن باغبان بخواب بر سه وجه بود یکی خدای سرای باشد ⁘ دوم قیم زن ⁘ سیوم

فرزند

فرزند قرة العين باشد **بافتن** ابن سیرین کوید که بافتن در خواب سفر بود و بافنده
مسافر باشد اکر بیند که جامه یا چیزی دیکر همی بافت دلیل کند که بسفر رود و باشد که بافتن
جامه در تاویل کاری بود یا خصومتی باشد و چون بیند که جامه را ببرید دلیل کند
که آن کار یا آن خصومت را بریده شود و بریدن آن هم از سبب سفر باشد و
همچنین اکر بیند که رسن و ریسمان را تاب همی داد دلیل کند که بسفر شود کرمانی کوید که
چیزی را با رشته همی پیمود دلیل کند که بسفر شود و اکر بیند که بجای ابریشم ریسمان
یا کتان همی بافت دلیل بد باشد زیرا که نشان بی امانی و خیانت بود و اکر بیند که جامه
را تمام بیافت و ببرید دلیل کند که بسفر شود و کار وی تمام کردد و اکر تمام نبافت دلیل
کند که وی را کار تمام نشود جابر مغربی کوید اکر بیند که با فنکی همیکرد دلیل کند که وی را
با مردمان خصومت افتد و حالش نیکو شود ولیکن وی را از مردمان سرزنش و
ملامت رسد از خصومت کردن **باقلی** ابن سیرین کوید که باقلی در خواب
خوردن اکر بوقت بود و اکر بی وقت و اکر پخته و اکر خام این جمله دلیل بر غم و اندوه
خورد بدان قدر که خورده باشد یا دیده بود و حکم دلیل تر و خشك وی یکسان
بود و نخورده بود غم و اندوه کمتر باشد کرمانی کوید اکر کسی بیند که باقلی بوی
داد و از و بخورد دلیل کند که آنکس اندوهکین شود و باشد که با وی خصومت
کند و بعضی از معبران کفتند که اکر بیند که باقلی داشت و بکسی داد یا از
آن خانه بیرون ریخت و از وی هیچ نخورد و از دیدن آن وی را مضرتی نرسد
خاصه چون بوقت وی باشد **بالا شدن** ابن سیرین کوید اکر کسی بر کوه
یا بر پشته یا بر بام یا بر سر کوه یا بر کوهك و غیر آن بر بالا همی شد دلیل کند که آنچه
همی جوید بیابد و حاجتش روا کردد و بعضی از معبران کفتند که اکر بیند که بر
پایه نردبان بالا همی شد دلیل کند که در دین شرف و منزلت یابد خاصه که نردبان
از کل کرده بود و اکر بیند که نردبان از سنك و کچ کرده باشد دلیل کند که در دین وی بناهی
باشد کرمانی کوید اکر بیند که بر نردبان بالا همی شد که آن نردبان و از سنك و کچ کرده

[illegible]

۵۱

بود دلیل کند که شرف و منزلت آن جهانی بیابد و اگر بیند که بآسمان بالا همی شد و بزمین آمد
دلیل کند که نعوذ هلاک شود و اگر بیند که از آسمان بزمین آمد دلیل کند که سخت بیمار شود
و بعد از آن شفا یابد حضرة امام جعفر صادق علیه السلم گوید که بالا شدن بخواب بر پنج
وجه بود یکی آنکه حاجت وی روا شود دوم آنکه زن خواهد سیوم مرتبت یابد چهارم
مراد برسد پنجم کار وی بالا گیرد. **پالان** ابن سیرین گوید که پالان دیدن بخواب زن
بود اگر بیند که پالان داشت یا از کسی بها بخرید دلیل کند که زن خواهد یا کنیزک
خرد و اگر بیند که پالان بر پشت داشت مطیع و فرمان بردار زن شود و باشد که طلاقش
دهد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که پالانی پاکیزه و نرم و نو داشت زنی ستیزه و خوبروی
و سازگار بخواهد و از وی خیر و راحت بیند و اگر بر خلاف این بیند بر عکس این باشد
بالش ابن سیرین گوید که بالش در خواب خادم بیننده خواب بود اگر بیند که بالشی نو
و پاکیزه که بگونه سبز بود و فراگرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که وی را خدمتکاری مصلح
دین دار و پارسا بود و اگر بیند که بالش وی چرکن و کهنه و زرد یا سیاه بود تاویلش
بخلاف این بود و اگر بیند که بالش وی بدرید یا بسوخت یا از وی ضایع شد دلیل
کند که خدمتکارش از پیش وی بگریزد یا رنج و بلایی بدو رسد که بدان سبب از
وی جدا شود کرمانی گوید اگر بیند که کسی از خانه وی بالش وی را بدزدید دلیل کند
که کسی از پس زن وی همی گردد که وی را بفریبد یا از پس کنیزک وی و بعضی از
معبران گفته اند که دلیل کند که کسی در آن خانه بمیرد و اگر مردی بیند که بالشهای
بسیار یافت بر قدر آن کنیزکان و خادمان وی را حاصل شود و اگر بیند که آتش
بیفتاد و بالشهای وی را بسوخت کنیزکان و خادمان وی هلاک شوند یا بگریزند
حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن بالش در خواب بر پنج بود یکی
خادم دوم کنیزک سیوم ریاست چهارم دین پاک پنجم پرهیز و عدل. **بام** ابن سیرین
گوید که اگر بیند که بر بام خانه مجهول بود دلیل کند که زنی بخواهد بر قدر بلندی
آن بام و اگر بام آن خانه معروف بود دلیل کند که شرف و بزرگی یابد و کارش

بنظام

بنظام شود جابر مغربی گوید اگر بیند که بر بام پادشاه بود و از پادشاه بزرگی
و منزلت یابد و باشد که کنیزکی بوی بخشند و اگر بیند که آن بام که بر وی بود سوی هوا
بالا همی شد دلیل کند که بسفر رود و در آن سفر جاه و بزرگی یابد و اگر بیند که [illegible]
بام که بر وی بود بیفتاد جاه و بزرگی وی زایل شود و اندوهگین بشود **بانگ کردن جانوران**
ابن سیرین گوید که بانگ داشتن مردم در خواب غم و مصیبت بود در آن موضع که
بانگ همی دارند بر قدر آن بانگ و اگر بیند که کسی وی را بانگ همی کرد از جای دور اگر جواب
دهد دلیل کند که نود بمیرد و اگر جواب ندهد بیمار گردد و اگر بیند که بانگ گریستن شنید
شادمانه شود و اگر بیند که بانگ خندیدن همی شنید خبر مصیبت مهتری ظالم شنود و اگر
بیند که بانگ ناله و فریاد همی شنید خبری ناخوش شنود و اگر بانگ زاری حاجت
وی روا شود و بر دشمن ظفر یابد و اگر بانگ دشنام شنید کراهیتی بدو رسد
و بعد از آن ظفر یابد کرمانی گوید که اگر بیند که اسپ بانگ همی کرد دلیل کند که
از کسی وی را بشارت رسد و بعضی از معبران گفته اند که کراهیتی بدو رسد
بی خلاف از بهر آنکه بهایم دروغ نگوید اگر بیند که خر بانگ همی داد از دشمن
یا از کسی جاهل بانگ و شناعت شنود **قوله تعالی** إِنَّ أَنكَرَ الْأَصْوَاتِ
لَصَوْتُ الْحَمِيرِ و اگر بیند که اشتر بانگ همی کرد از دشمن وی را بیم و ترس باشد
اگر بیند که گاو بانگ همی کرد دلیل کند بر فتنه و غم که بدو رسد و اگر بیند که شتر
بانگ همی کرد بحج رود یا بغزا یا ببازرگانی و در آن سفر وی سود و منفعت یابد
و اگر بیند که گوسفند بانگ همیکرد از مردی بزرگوار خیر و نیکویی بیند و اگر بیند
که بزغاله بانگ همیکرد دلیل بر شادی و نعمت کند و اگر بیند که آهو بانگ همی کرد
دلیل کند که کنیزک خوب روی وی را حاصل شود و اگر بیند که شیر بانگ همیکرد
بیم و ترس بود که از پادشاه بدو رسد و اگر بیند که پلنگ بانگ همی کرد دشمن بر وی
چیره شود و اگر بیند که خرس بانگ همی کرد جنگ و خصومت کند و اگر بیند که یوز بانگ
همی کرد دلیل آفت دشمن کند و اگر بیند که گرگ بانگ همیکرد دلیل بر خشم امیر کند

واگر بیند که سگ بانگ همیکرد دلیل بر دشنام و پشیمانی و گفتگوی کند واگر بیند که
خوک همیکرد بر دشمن ظفر یابد واگر بیند که شغال بانگ همیکرد دلیل بر غم و اندیشه
کند از جهت زنان واگر بیند که روباه بانگ همیکرد دلیل کند که مردی دروغ زن
با وی مکر و حیلت کند واگر بیند که گربه بانگ همیکرد دلیل کند که وی را از دزد ترس و بیم
بود واگر بیند که موش بانگ همیکرد اندر دکان وی را زیانی رسد واگر بیند که شتر مرغ
بانگ همیکرد دلیل کند که خادمی دلیر بیابد واگر کرکس بانگ همیکرد از خبر مردی بزرگوار
اندوهگین شود واگر بیند که آل بانگ همیکرد خبر پادشاه شنود واگر بیند که باز و شاهین
بانگ همیکرد خبر مهمان پادشاه شنود و بانگ چرخ همین دلیل کند اگر بیند که زغن
بانگ همیکرد خبر سرهنگان پادشاه شنود واگر بیند که خروس بانگ همیکرد خبر مرد
سخن دان و جوان مرد شنود واگر بیند که کلازه بانگ همیکرد خبری پوشیده شنود
واگر بیند که کبوتر بانگ همیکرد خبری زنی شریفه شنود واگر بیند که جغد بانگ همیکرد
خبر اندوه و مصیبت شنود بانگ بوم همین دلیل باشد واگر بیند که فاخته بانگ همی
کرد خبر دروغ شنود واگر بیند که تذرو بانگ همی کرد خبر زنی با جمال شنود واگر بیند
که طاووس بانگ همیکرد خبر پادشاه عجمی شنود واگر بیند که کلنگ بانگ همیکرد
خبر مردی غریب و درویش شنود واگر بیند که لقلق بانگ همیکرد خبر مرد بزرگ دهقان
شنود و از آن خرم شود واگر بیند که کبک بانگ همی کرد خبر زنی خوب روی شنود و
اگر بیند که ماکیان بانگ همیکرد خبری مردی دلیر و حرام خواره شنود واگر بیند که
بنجشک بانگ همیکرد خبر خوش شنود واگر بیند که بلبل یا هزار دستان بانگ همیکرد
خبر مطربی یا نوحه گری شنود بانگ سار همین دلیل کند واگر بیند که مرغ آبی بانگ همی
کرد غم و اندوهی بدو رسد اگر بیند که بط بانگ همی کرد خبر مصیبت کسی از اهل بیت شنود
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید بانگ مرغان شنیدن در خواب همه نیکو بود
مگر مرغ آبی که بانگ ایشان غم و اندوه و مصیبت و گریستن باشد بانگ بچگان
مرغان ماتم و گریستن بود بانگ مار ترس و بیم بود از دشمن و بعد از آن دلیل ظفر بر دشمن

بانگ

بانگ زنبور و مگس و ملخ هم دلیل ترس و بیم کند بانگ و رعد دلیل بر عذاب خدای تعالی کند
که در آن موضع فرود آید جابر مغربی گوید اگر بیند که از زمین یا آسمان یا از هوا بانگی سهمناک
همی آید خبر غم و اندوه و نقصان پادشاه بود هر چند بانگ سخت تر شنود آن خبر صعب
تر باشد چنین گوید که مردی پیش ابن سیرین آمد و گفت بخواب دیدم که جنبنده با من
سخن گفت ابن سیرین گفت ای فلان ترا اجل نزدیک آمده است قوله عز و جل
وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ إِنَّ النَّاسَ چون
یک هفته بر آمد آن مرد از دنیا رحلت کرد بانگ نماز ابن سیرین گوید هر بنده مؤمن
که مستور بود در جایگاه معروف بانگ نماز دهد دلیل کند که بحج رود قوله عز و جل
وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا واگر بانگ نماز در جایگاهی مجهول دهد مکروه
دهد و ناپسندیده بود واگر این خواب مردی فاسق بیند دلیل کند که وی را بدزدی گیرند
اگر بانگ نماز بر مناره دهد یا بر در مسجد دلیل کند که آنکس مردمان را بخدای عز و جل
میخواند واگر بیند که بر بستر خفته بود و بانگ نمازی کرد دلیل کند که از جفت حلال
خود نشکیبد واگر بیند که بانگ نماز بر در خانه خویش می کرد و بزودی بمیرد واگر بیند که
بانگ نماز داد در میان سرای خویش همی داد فرزندش یا خواهرش بمیرد واگر بیند که بانگ
نماز بر بام صفه خویش همی داد پدرش یا عمش بمیرد واگر بیند که بانگ نماز بر بام هم
سایه میداد دلیل کند که با زن همسایه خیانت اندیشد واگر بیند که بانگ نماز بر در
سرای پادشاهی میکرد مردم پادشاه وی را بدزدی بگیرند و بعضی از معبران گفته‌اند
که پادشاه را سخنی حق گوید واگر بیند که بانگ نماز در بازار میداد مفلس و درویش
گردد و بعضی گفته‌اند که دلیل کند که کسی از اهل وی هلاک شود واگر بیند که بانگ
نماز در چاه یا در دابه میداد زندیق یا منافق بود واگر بیند که بانگ نماز بر در کوچه
میداد دلیل جاسوس باشد کرمانی گوید اگر بیند که مرد با جفت خود بانگ نماز
میدادند و نماز کردند و بزودی هلاک شوند اگر بیند که کلمهای بانگ نماز زیادت
و نقصان می گفت بر مردمان ستم و بیداد کند واگر بیند که کودکی بانگ نماز همیداد

آن خرابی باشد وما درو پدر وی را از دروغ کفتن اکر بیند که بانک نماز در کرمابه میداد دلیل
کند که بد باشد ویرا در دین و دنیا واکر بیند که بانک نماز در قافله یا در لشکر کاهی میداد
دلیل کند که این خواب بد باشد از بهر آنکه اینکس طلایه دار باشد واکر زندانی بیند که بانک نماز
میداد و قامت کرد از زندان رهائی یابد اکر بیند که بانک نماز بلهو و بازی میداد اجل وی
نزدیک آمده باشد جابر مغربی کوید اکر بیند که در صحرا بانک نماز میداد دلیل کند که هلاک
شود اکر بیند که بر سر کوی بانک نماز همیداد با پادشاه سخن راست کوید و بخدای خواند
اکر بیند که بر مناره بانک نماز میداد بزرکی و فرمان روائی یابد واکر بیند که در کنج خانه
بانک نماز میداد در کار حق خیانت کند اکر بیند که در محراب بانک نماز میداد بسفری
شود و بسلامت بمراد باز آید واکر بیند که در سردابه بانک نماز میداد دلیل کند که
بسفری دور شود و در آن سفر رنج و بلا کشد و دیر بماند واکر بیند که در میان کوهی بانک
نماز میداد دلیل که در میان کروهی ستمکاره کرفتار شود و با وی خیانت کنند واکر
بیند که بر کرسی یا بر تختی بطریق لهو و بازی بانک نماز میداد دلیل کند که ویرا عقل زایل
شود واکر بیند که بانک نماز همی شنید دلیل کند که بکارهای طاعت کاهل شود و کسی
ویرا بحق بخواند واکر بیند که بانک قامت می شود و بر کارهای خیر توفیق یابد ؛
حضرة امام جعفر صادق علیه السلام کوید که بانک نماز دادن در خواب بر دوازده وجه
بود یکی حج باشد ؛ دوم سخن حق بود ؛ سیوم فرمان روائی ؛ چهارم بزرکی ؛ پنجم ریاست ؛
ششم سفر ؛ هفتم مرک ؛ هشتم بریدن دست ؛ نهم مفلسی ؛ دهم خیانت ؛ یازدهم جاسوسی ؛ دوازدهم
بددینی و منافقی باشد ؛ پای ؛ ابن سیرین کوید که یکباره پای بخواب دیدن سخن
خوش و لطیف باشد یا بوسه باشد که بفرزندی یا بعیال یا بدوستی دهد واکر بپای
بیند نعمت و مال دنیا بر قدر آن ویرا حاصل شود و کار وی بنظام کردد واکر بیند که
پای بسیار داشت و جمله را بخشید یا از و ضایع شد دلیل کند که مال و نعمتی
که دارد جمله را هزینه کند و یا از وی ضایع شود ؛ پای ؛ دانیال کوید که اکر کسی بیند
که یک پای ویرا بریده بود یا شکسته دلیل کند که نیمه از مال وی بشود و اکر هر دو پای

بریده یا شکسته بیند دلیل کند که جمله مالش برود یا بمیرد و بعضی از معبران کفتند
که اکر کسی هر دو پای خود را بریده بیند دلیل کند بسفر شود واکر بیند که پای وی آهنین
بود یا مسین دلیل کند که عمرش دراز بود و مالش باقی ماند واکر بیند که پایش از آبکینه
بود دلیل کند که عمرش زود سپری شود و مالش پایدار نباشد زیرا که آبکینه را بقا
و قوت نبود واکر بیند که پایش لنک شده بود یا مبتلا بوده دلیل کند که بر سستی و ضعف
حال وی بآنچه طلب کند از خیر و شر ابن سیرین کوید اکر کسی مستور و صالح بیند
که پای [illegible] وی لنک شده بود بر زیادتی دین وی قوله عز و جل وَلَا عَلَى
الْأَعْرَجِ حَرَجٌ ؛ واکر بیند که پایهای وی برسن بسته بود دلیل کند که از کسی بدو
منفعت رسد واکر بیند که یکپایش بریده بود و بچوب همی رفت اعتماد بر کسانی
کند که از ایشان وفا نیاید واکر عامل پادشاه بیند که هر دو پای وی بریده بود
از عمل معزول کردد و مال وی تلف شود واکر بیند که پای وی آهنین بود و کعبش
سیمین قوت و مالش زیادت شود واکر بیند که پایش سیمین بود و کعبش زرین
همین دلیل بود واکر بیند که پای وی دردمند بود وی را زیانی رسد واکر بیند
که پایهای وی بستونی بسته بود دلیل بد باشد واکر بیند که پایهای وی بر درختی
بسته بود دلیل بد نباشد زیرا که درخت بود و ستون چون مرده از آن سبب که ستون
بریده است واکر بیند که پای وی در دام یا تله کرفتار شده بود یا در جائی فرو رفته
بود دلیل کند که در مکر و حیلتی کرفتار شود و بر قدر آنچه پای وی در آنجا سخت
شده باشد واکر بیند که پای وی در جایکاهی آماس یا در کل بلغزید دلیل کند که
از کار دین و دنیا باز ماند یا سخنی دشوار کسی بدو کوید که از آن رنجور دل شود
واکر بیند که پای بر ستور همی جنبانید دلیل کند که بغایت طلب از کار کسی همی
جوید کرمانی کوید که هر دو پای بتاویل مادر و پدر باشد آسان رفتن و قوت پایها
دلیل بر آسانی کوید و قوت احوال مادر و پدر و ضعف پای و نقصانی که در پایها
بیند دلیل کند که بر ضعف احوال مادر و پدر واکر بیند که پایهای بسیار داشت

اگر مسافر بود دلیل کند که بسفر رود واگر درویش بود توانگر گردد واگر مردی بیند که هر دو پا را

بحنا خضاب کرده دلیل کند که زن خواهد واگر این خواب زن بیند دلیل کند که بمیرد و بدانکه

دیدن پیش پای در خواب زینت مرد باشد ومال وطاعتها کرده باشد جابر مغربی گوید

اگر کسی بیند که پای او چون پای شتر بود یا چون پای گاو دلیل کند که قوت که قوت ومالش

زیاد شود واگر پای خود را چون پای اسب یا چون پای خر بیند عز وجاه وی افزون

گردد کارش بنظام شود واگر بیند پای خود را چون پای ددگان بیند چیزی حرام حاصل

کند واگر پای خود را چون چنگال مرغان بیند دلیل کند بر قوت کسب ومعیشت وی

ونیز بر دشمنان ظفر یابد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن پای در خواب

بر هفت وجه بود یکی عیش باشد دوم عمر سیوم سعی کردن چهارم طلب مال پنجم قوت ششم

سفر هفتم زن وبدان که پای کوفتن در خواب غم ومصیبت باشد **پای ابرنجن** ابن سیرین

گوید اگر مردی بیند که در پای وی ابرنجن بود دلیل کند که سختی ورنج وترس بوی رسد

وباشد که بزندانش کنند واگر پیچیده باشد بتر بود وبند بر پای وی نهند خاصه که پای

ابرنجن زرین بود واگر سیمین بود آن رنج وسختی بروی کمتر بود کرمانی گوید که پای

ابرنجن زنان را شوهر باشد وایشانرا نیك بود زیرا که بر ایشان پوشیدن چیزهای

زرین حلال است وبر مردم حرام واگر بیند که پای ابرنجن از پای بیرون افکند یا از

وی ضایع شد دلیل کند که رنج وسختی از وی جدا شود واگر بیند که پای ابرنجن را

بکسی فروخت یا بکسی بخشید دلیل کند که آنکس از وی رنجور گردد **پای بند**

ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر پای وی بند نهاده بود دلیل کند که او ترسیده وبرو

آسان شود واگر بیند که در پای وی دو بند نهاده بود یا بیشتر ترس وبیمش از سبب

پادشاه بود وبعضی از معبران گفتند که زنی بخواهد ودران موضع مقیم گردد واگر

بیند که بر پای او بند بود واو در مسجد بود دلیل کند که ویرا در دین ثبات باشد یا در

نماز یا در غزا یا در کاری که دران صلاح دین باشد کرمانی گوید اگر در خواب

بر پای خویش بند بیند واورا در بیداری عزم سفر بود دلیل کند که دران سفر دیر ماند

وباشد

وباشد که در آنجا مقیم شود واگر بیند که بر پای اسپ وی بند است یا اشکال همین دلیل

کند واگر بیند که در شهر خویش بکوچه در بند است ودران کوچه زن خواهد ودر آنجا

مقیم شود وهر چند بر پای بند قوی تر ومحکم تر بیند اقامتش در آنجا بیشتر بود واگر

بندش فراخ بود بهتر از آنکه تنك باشد واگر بیند که پای بندش از سیم بود دلیل

باشد بر مقیم شدن وی از بهر زن واگر بیند که بندش از زر بود دلیل مقیم شدن

باشد از بهر مال واگر بیند که بندش از مس بود دلیل مقیم شدن وی از بهر زن واگر

بیند که بندش از روی بود دلیل مقیم شدن باشد از بهر مال واگر بیند که بندش از مس

بود دلیل مقیم شدن باشد از بهر مال واگر بندش از مس بود دلیل مقیم شدن باشد

از بهر متاع دنیا واگر بیند که بندش از آهن بود دلیل کند بر آن چیزها که از نخست یاد

کرده شد واگر بیند که از رسن بود مقیم شدن وی از بهر دین باشد واگر بیند که از چوب

بود مقیم شدنش از بهر فساد دین بود جابر مغربی گوید اگر بیماری بیند که بر پای

وی بند بود بیماری بروی دراز گردد وهمچنین اگر کسی در زندان یا در بلایی باشد

وبیند که در پای وی بند بود از آن بلا رستگاری نیابد واگر پادشاه بیند که بر پای

وی بند بود دلیل کند که پادشاهی بروی پاینده بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

گوید که دیدن پای بند در خواب بر سه وجه بود یکی ایستادگی باشد در دین دوم

زن خواستن سیوم از سفر باز ایستادن وعلی الجمله هر کس که در خواب بیند که در

پای وی بند است دلیل کند که اگر در نیکی بود آن نیکی بروی پاینده بماند واگر در بدی

بود هم چنان **پای تاوه** ابن سیرین گوید که پای تاوه در خواب چون نهاده بند

مال باشد وچون بر پای تاوه بر پای پیچیده است چنانکه مسافران وآهنگ

بیابان کرد چنانکه با وی هیچ رفیق وتوشه بود واندنیا رحلت کند واگر بیند که پای

تاوه خویش را فروخت یا بکسی بخشید یا ضایع شد دلیل کند که مال وی ضایع

شود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن پای تاوه در خواب بر سه

وجه باشد یکی مال وخواسته باشد دوم سفر سیوم مرك باشد کسی اگر پای

بپيچد ببند وبتنهائي بود دربيابان **پاچه** كرماني كويد اكر بيند كه درخواب
پاچهٔ كوسفند همي خورد دليل كند كه خيري ونعمتي بروي رسد بقدر آنكه خورده باشد
واكر بيند كه پاچهٔ كاو بخورد دران سال وي نعمت وفراخي بود بر اندازهٔ خوردن وي جابر
مغربي كويد كه خوردن پاچه درخواب دليل كند بر خوردن مال يتيمان بقدر آنچه خورده باشد
خاصه كه بيند كه خام همي خورد **پايداني كردن** ابن سيرين كويد اكر درخواب بيند كه كسي را
پايداني همي كرد دليل كند كه دركار آنكس باوي مقيم وپاينده باشد وازوجدا نشود حضرت
امام جعفر صادق عليه السلم كويد كه پايداني كردن درخواب برسه وجه بود يكي مقيم شدن با آنكس
كه پايداني او كرد درخواب دوم عناد كردن باوي سيوم خير ومنفعتي بدو رسانيدن
واكر بيند كه از پايداني كيني بيرون آمد دليل تاويلش برآوردهٔ اين بود كه ياد كرده شد
ببر ابن سيرين كويد كه ديدن اوجانوري بود از جملهٔ ددكان واو دشمن شير
باشد وديدن او درخواب دشمني قوي ودليرونام بردار بود وليكن كريم ومهربان
باشد اكر بيند كه با ببر درجنك بود ووي را قهر كرد دليل كند كه بر دشمن چيره كردد
واكر بيند كه ببر وي را قهر كرد دليل كند كه دشمن بروي ظفر يابد واكر بيند كه
ببر از وي ترسان بود وهمي كريخت از دشمن ايمن شود كرماني كويد كه پوست
واستخوان وموي ببر درخواب ديدن مال ومنفعت باشد كه از دشمن بدو رسد
بر قدر آنچه درخواب يافته باشد واكر بيند كه بر ببر نشسته بود وآن ببر مطيع وفرمان
بروي بود دليل كند كه دشمن مطيع وي شود **بت** ابن سيرين كويد كه بت را همي
پرستيد دليل كند كه بر خداي عز وجل دروغ كويد وبراه باطل بود واكر بيند آن بت را
مي پرستيد از چوب بود دليل كند كه منافقي كند با مردي منافق دردين وي واكر
بيند كه آن بت از سيم بود دليل كند كه از بهر هواي نفس تقرب كند بزني كه بدو ميل
دارد واكر بيند كه آن بت از زر بود دليل كند كه بكار مكروه وجمع مال بود واكر
بيند كه آن بت از مس يا از آهن يا از ارزيز بود دليل كند كه غرضش از دين طلب
دنيا ومتاع وي بود كرماني كويد كه آن بت اكر از جوهر بيند دليل كند كه غرضش

ازدين پادشاهي وحشم وخدم باشد واكر بيند كه آن بت از جواهر دون بود
دليل كند كه غرضش ازدين جمع كردن مال حرام بود واكر بيند كه در بت خانه بود از عقل
ودانش خود فرو ماند ومتحير شود حضرت امام جعفر صادق عليه السلم كويد كه
ديدن بت بخواب برسه وجه بود يكي دروغ وباطل باشد دوم مردم مكار ومنافق
سيوم زن مفسد وفريبنده **بخشش كردن** ابن سيرين كويد اكر بيند كه مال خويش
را بكار صلاح وخير بخشش ميكرد دليل كند كه فرزند خود را زن خواهد يا كسي
از خويشان خود زن دهد ومال خويش برايشان بخش كند واكر بيند كه مال خويش
بكار فساد وشر بخشش ميكرد دليل كند كه بفساد وحرام كرايد واكر بيند كه مال خويش بر مسكينان
بخشش ميكرد دليل كند كه حالش آكنده كردد بمرك ونندكاني كرماني كويد اكر بيند كه مال
كسي را بخشش ميكرد برضاي خداوندش دليل خير وشر آن بخداوندش باز كردد به
فساد وصلاح **بخور** ابن سيرين كويد كه بخور كردن درخواب بتاويل مال باشد از مردي
بزركوار اكر بيند كه از بويهاي خوش چيزي بخور كرد دليل كند كه بر قدر آن وي را از
مردي بزركوار مال حاصل شود جابر مغربي كويد كه بخوري كه آن خوش
بوي تر بود منفعت وخير خداوند خواب را بيشتر حاصل شود واكر بخور خوشبوي
نبود تاويلش بخلاف اين باشد حضرت امام جعفر صادق عليه السلم كويد كه بخور
كردن درخواب برسه وجه باشد يكي مال بود دوم عيش خوش سيوم نام نيكو
پر ابن سيرين كويد كه اكر كسي بيند كه وي را پرها بود چون پر مرغان دليل كند كه
وي را خير وبهتري باشد وبر قدر پرها وبعضي از معبران كفته اند كه پر قوت وپناه بود
كرماني كويد اكر بيند كه پرها داشت ببريد دليل كند كه بسفري رود وكارش نيك
شود واكر بيند كه با خويشتن پر مرغ داشت دليل كند كه بر قدر آن وي خير ومنفعت
حاصل شود واكر بيند كه پرهاي وي بيفتاد از بزركي وجاه بيفتد ومالش نقصان
پذيرد **پر بهن** ابن سيرين كويد كه ديدن پربهن بخواب دليل بر انديشه وغم
كند وخوردنش دليل مضرت بود **بربط** ابن سيرين كويد كه بربط درخواب

لهو و باطل دنیا بود و سخن دروغ و محال اگر بیند که بربط همی رود دلیل کند که سخن
دروغ گوید و کسی را بدروغ مدح و ستایش کند و اگر بیند که کسی پیش وی بربط همی
زند دلیل کند که باطل و سخن محال بدو دهد و اگر بیند که با بربط چنگ و چغانه و
نای بود این جمله دلیل بر غم و مصیبتی بزرگ کند که باهل آن موضع رسد و اگر بیند
که بربط را بشکست یا بیفکند دلیل کند که از دروغ و باطل گفتن توبه کند و اگر بربط را
بیند که بربط همی دلیل امر کش بود کرمانی گوید اگر بیند که بربط استاد وار همی زد چنانکه
رسم بود و او بربط زدن نداند اگر بیننده خواب عالم باشد دلیل کند که مردمان علم گوید
و شرح نیکو بیان کند چنانکه همه کس را خوش آید و باشد که از سه گونه علم گوید چنانکه تفسیر
و فقه و قصص و اگر این کس جاهل باشد شغلی کند که از آن شغل وی را از ملامت و سرزنش
رسد و اگر بیند که بانگ بربط می شنید خبر زنی بزرگ بشنود و با آن زن وی را دوستی افتد
برجستن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از جائی بجائی همی جست دلیل کند که از حال
بحال بگردد و اگر بجائی دور همی جست دلیل کند که بسفر دور شود و اگر بیند که بهنگام جستن
عصا در دست داشت از حال بحال گردد و اعتمادش بر مردی قوی گردد کرمانی گوید اگر بیند
که از جوئی یا از جاهی همی جست از حال بد بحال نیک گردد و از غم و اندوه رسته شود و اگر
بیند که بجائی که میخواست همی جست دلیل کند که بر قوت و توانائی وی بوقت گشتن
از حال بحال و اگر بخلاف این بیند حاجتی که جوید روا نشود جابر مغربی گوید
اگر بیند که از جایگاهی پلید بجایگاهی پاکیزه بجست از راه فساد بصلاح آید و اگر
بخلاف این بیند از حال صلاح بحال فساد شود **بردار کردن** ابن سیرین گوید که روزی
مردی پیش من آمد و گفت که در خواب مردی را دیدم که دو دست وی را ببریدند
و مردی دیگر را دیدم که بر دار کردند گفتم اگر این خواب را راست میگوئی امروز امیر شهر
را معزول کنند و امیری دیگر را بر جائی او بنشانند پس همان روز امیر شهر را معزول
کردند و امیری دیگر بجای او بنشست کرمانی گوید اگر کسی بیند که وی را بر دار
کردند و مردمان در و نظاره کردند دلیل کند که بر هم چندان مردم مهتر گردد و اگر

کسی بنظارهٔ او نبود شرف و بزرگی یابد ولیکن در راه دین مدبر و فاسق بود و اگر بیند
که او گوشت کسی بردار کرده بود و همی خورد مال حرام از مال مردی بزرگ که بر مردم
مسلط بود بدان قدر وی را حاصل شود و خاصه اگر بیند که آن را اثری باشد و اگر
آن را اثری نبود مردم محتشم را غیبت کند و اگر بیند که وی را بردار کردند و خون از تن
وی روان شد دلیل کند که او غیبت مردم و گناه کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
گوید که بردار کردن بخواب بر چهار وجه بود یکی مهتری دوم مال سیوم بزرگی چهارم
غیبت کردن مردمان **بُرد** ابن سیرین گوید که بهترین جامها که بخواب بینند از پنبه
برد و بر گونه سبز و سپید باشد و اگر بیند که جامهٔ بُرد نو پوشیده داشت دلیل کند
که بر قدر فراخی و بزرگی آن جامه خیر و نیکی بیند و اگر بیند که آن جامه کهنه و شکسته
داشت و بگونه سیاه یا کبود بود تاویلش بخلاف آن بود که یاد کرده شد کرمانی
گوید که بُرد فروش در خواب مردی باشد که دین بر دنیا اختیار کرده بود چون بُردهاش
از پنبه بود و اگر برد وی ابریشم باشد دلیل کند که برد فروش در خواب مردی باشد که
طالب دین و دنیا بود **پرده** ابن سیرین گوید چون در خواب پرده بر در آویخته بیند
اگر شک بود و اگر بسته غم و اندوه سخت بود و خداوندش را و ترس و بیم عظیم لیکن
سرانجام ایمن شود و از غمها برهد و اگر پرده بر در سرای بزرگ بیند یا بر در مسجد
یا در میان بازار دلیل کند که غم و اندوه و ترس عظیم تر باشد کرمانی گوید چون پرده
آویخته بیند دلیل کند که غم و اندوه کمتر باشد و اگر بیند که پرده ضایع شد دلیل کند
که خداوندش از غم و اندوه فرج یابد و از ترس و بیم ایمن گردد و چون پرده معروف
نبود تاویلش بتر و دشوار تر باشد جابر مغربی گوید که پردهٔ نو دعیت غم و اندوه بود
پادشاه را نیک باشد و پردهٔ کهن بخلاف این بود که یاد کرده شد **پرده داری کردن**
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که پرده داری میکرد دلیل بود بر حاجتی که دارد زود
روا شود و عز و جاه وی زیاده گردد از مردی بزرگوار و بکام دل رسد جابر مغربی
گوید اگر بیند که پرده داری پادشاهی مصلح و عادل همی کرد دلیل کند که بصلاح و خیر

کراید و مالی حلال یابد و اگر بیند که پرده داری پادشاهی مفسد و ظالم همی کرد
دلیل کند که بفساد گراید و مال حرام یابد **پرستو** ابن سیرین گوید اگر بیند که پرستو داشت
یا کسی بوی داد دلیل کند که با کسی که از وی جدا شده باشد موافقت کند و در مقامش
قرار گیرند و اگر بیند که پرستو را بکشت و یا از دست بیفکند از کسی که با وی موافقت
داشت جدائی جوید و از صحبتش منقطع شود کرمانی گوید که دیدن پرستو بخواب
مردی توانگر و بخرد بود و اگر پرستو ماده باشد زن توانگر و بخرد بود و اگر بیند که
پرستو از دست وی بپرید دلیل کند که از مردی توانگر که با وی پیوند دارد جدا شود و اگر
بیند که پرستو در دست وی بمرد دلیل کند که یار او بمیرد و رنج و سختی بیند و اندوهگین
شود جابر مغربی گوید اگر بیند که پرستو فرا گرفت دلیل کند که از غم و رنج یابد و از
ترس و بیم ایمن گردد و کارهای دشوار برو آسان گردد **برف** ابن سیرین گوید
که برف دیدن در خواب غم و اندوه و رنج و عذاب بود مگر اندک دیده باشد
و بوقت خویش باده و اگر بزمستان برف بیند یا بجایگاهی که پیوسته در آنجا برف باشد
دلیل کند که اهل آن موضع را نعمت و فراخی بود و اگر بخلاف این بیند دلیل کند که اهل
آن موضع را غم و عذاب رسد جابر مغربی گوید که دیدن برف بخواب لشکری فرمتی
باشد خاصه که با برف باد بیند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید برف دیدن
بخواب بر شش وجه بود یکی روزی فراخ دوم زندگانی سیوم مال چهارم از بلا نجات
پنجم لشکر ششم بیماری اگر بیند که بتابستان برف جمع همی کرد دلیل کند که مال حلال جمع
کند و اگر بزمستان بود عیش خوش گذراند و منفعت یابد کرمانی گوید که برف بخواب
در دیار سردسیر دلیل بخیر و نیکوئی باشد و در دیار گرمسیر قحط و بینوائی و غم و اندوه بود
و اگر بیند که برف همی خورد اگر این خواب بزمستان بیند بهتر از آن بود که بتابستان
برق ابن سیرین گوید که برق در خواب خزانه دار پادشاه بزرگ باشد و بعضی از معبران
گفته اند که برق وعده کردن بود بنیکی مرد طامع را بطبع وی اگر بیند که برق از ابر یا از هوا
فرا گرفت دلیل کند که کاری طلب کند که در آن نیکی و خیر بود و اگر بیند که برق همی کند خشنیه

دران سال

دران سال نعمت فراخ بود خاصه که با وی باد آهسته همی جست حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام گوید که دیدن برق در خواب بر پنج وجه بود یکی خزانه داری پادشاه
دوم وعده بد سیوم عتاب چهارم رحمت پنجم راه راست **برگستوان**
ابن سیرین گوید که برگستوان دیدن بخواب استواری و محکمی کار بود اگر بیند
که بر اسپی نشسته بود که آن اسپ برگستوان داشت بر دشمن ظفر یابد و کارهاش
محکم و استوار شود چنانکه هیچ خللی در کار وی نیاید و خصمان را قهر کند جابر مغربی
گوید اگر بیند که اسپ وی برگستوان پوشیده داشت و در میان رزم نیک همی دوید
دلیل کند که کارهای وی بمراد وی تمام شود و بحسب با او مساعد او شود و هیچ
دشمن بر او ظفر نیابد و اگر بیند که برگستوان از اسپ وی بیفتاد یا ضایع شد
تاویلش بخلاف این بود که یاد کرده شد **برنج** ابن سیرین گوید که برنج در خواب
مال بود که برنج وی را حاصل شود بدان قدر که دیده باشد کرمانی گوید اگر بیند که برنج
پخته همی خورد دلیل کند که همه حاجتهای وی روا شود و خیر و نیکی بدو رسد و اگر بیند
که برنج بگوشت پخته همی خورد آنچه گفتیم بهتر و بیشتر باشد و همچنین برنج بشیر سخت
نیک باشد و اگر بیند که برنج بدوغ پخته همی خورد دلیل غم و اندوه بود حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن برنج بخواب بر سه وجه بود یکی مال
دوم حاجت روائی سیوم خیر و منفعت که بدو رسد از آنجا که امید ندارد خاصه که برنج
بگوشت پخته خورد **پرنده** ابن سیرین گوید اگر بیند که پرنده داشت و از دست وی
بپرید و دیگر باره بدست وی دلیل کند که حاجت وی روا شود زیرا که چون پرنده از دست
بشد و باز آمد دلیل خیر کند و اگر باز نیامد تاویلش بخلاف این باشد و تاویل هر پرنده که
بیند در او احرف نامش بیان کرده شد **پرنیان** بدانکه تاویل پرنیان چون تاویل دیبا
باشد و شرح وی در حرف دال بیان کرده شود **بره** ابن سیرین گوید اگر بره نر بود و اگر
ماده فرزند باشد و اگر بیند که بره فرا گرفت یا کسی بدو بخشید دلیل کند که وی را
فرزندی آید که بروی مبارک بود و اگر بیند که آن بره را بکشت یا ببرد دلیل کند که آن

فرزند بمیرد و اگر بیند که از گوشت آن بره بخورد وی را از سبب فرزند غم و اندوه رسد
کرمانی گوید که دیدن بره بخواب خیر و مال بود برقدر بزرگی و کوچکی آن و اگر بیند که بره داشت
وی را مال و غنیمت رسد برقدر آن و اگر بیند که بره بکشت نه از بهر گوشت وی دلیل کند
که وی را مصیبتی رسد بسبب فرزند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن بره در
در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم مال حلال سیوم معیشت چهارم غم و اندوه بود
خاصه چون بمیرد **برهنگی** ابن سیرین گوید اگر کسی خویشتن را برهنه بیند در خواب
چنانکه از مردمان شرم دارد و پوشش طلب کند دلیلش آن است که راز وی آشکارا شود
و در میان مردم رسوا شود و اگر بیند و اگر بیند که برهنه بود و از مردمان شرم نمی داشت و
پوشش طلب نمیکرد دلیلش آن است که حج کند و اگر بیننده خواب مردی مستور و صالح بود
گناهش عفو کرده و چون کودک نوزاده بیگناه شود و اگر خداوند خواب مستور و صلح نباشد
وی را دلیل بد بود کرمانی گوید اگر کسی در خواب خویشتن را برهنه بیند و داند که در کار خیر
مشغول بوده است دلیل خیر باشد و بر دشمن ظفر یابد و اگر بخلاف این بود دلیل بد باشد و اگر
کسی خویشتن را برهنه بیند و در طلب دنیا باشد دلیل بر غم و اندوه کند و اگر بیند
که ازاری در میان بسته داشت در ساعت و عبادت مجتهد شود جابر مغربی گوید برهنگی
در خواب محنت و رسوائی باشد چون جمله تن را برهنه بیند اما اگر عورت را پوشیده
بیند مردم صالح را نیك بود و فاسق را بد باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید
که برهنگی بخواب مردم مستور و مصلح را خیر و برکت و نیکوئی بود و مردم مفسد را بدی
و رسوائی و بی حرمتی باشد **پروانه** ابن سیرین گوید که بخواب مردی ضعیف و نادان
بود که خویشتن را از نادانی و هلاکت افکند اگر بیند که پروانه را فرا گرفت دلیل
کند که وی را با مردی ضعیف و نادان صحبت افتد کرمانی گوید اگر بیند که پروانه
از پس پشت وی در پرید و این کس وی را در خواب بگرفت دلیل کند که با کنیزك
دوشیزه دست آن فرزند هلاك شود **بروت** بدانکه بروت بپارسی سبلت
باشد ابن سیرین گوید که دیدن وی در خواب دلیل بر هیبت مرد کند اگر بیند

که کسی

که کسی بمقراض بروت وی را چنانکه عادت است بیاراست دلیل کند که وی را هیچ مضرتی از دیدن
آن خواب نرسد و اگر بیند که وی را از بن ببرید یا بسترد دلیل کند بر نقصان هیبت وی
کرمانی گوید اگر کسی که بروت وی سخت دراز شده بود دلیل کند که وی را قوتی باشد و اگر بیند
که کسی بروت وی برکند دلیل کند که کسی وی را خصومت کند و اگر بیند که بروتش سفید
گشته بود دلیل کند که از ناکردنی باز ایستد و اگر زنی بیند که وی را بروت بود و اگر دراز
بیند غم و اندوهش رسد و اگر اندك بیند دلیل کند که بعز و جاه و مراد رسد
بروج دانیال گوید که دیدن اسد و حمل و قوس در خواب دیدار سپهسالاران پادشاه
بود و دیدن سرطان و عقرب و حوت دیدار صاحب شرط و شرابدار پادشاه باشد
و دیدن ثور و سنبله و جدی دیدار پیر و وزیر پادشاه بود و دیدن جوزا و میزان و دلو
دیدار قاضی و صاحب تدبیر پادشاه بود ابن سیرین گوید اگر کسی حمل را بخواب
بیند با مردی محتشم وی را کاری افتد و حاجت وی روا کند و اگر ثور را بیند با مردی
جاهل و نادان وی را کاری افتد و حاجت وی دیر روا شود و اگر جوزا را بیند وی
را با مردی دانا و فصیح زبان کاری افتد و حاجتش روا بشود و اگر سرطان را بیند
وی را با مردی بی اصل کاری افتد و حاجتش روا نشود و اگر اسد را بیند وی را با پادشاه
یا با مردی بزرگوار کاری افتد و حاجتش روا شود و بزرگی و جاه یابد و اگر سنبله
را بیند وی را با مردی کشاورز و بی وفا کاری افتد و مقصودش برنیاید و اگر
میزان را بیند وی را با مردی عالم یا قاضی کاری افتد و هر وعده که گوید وفا کند
و حاجت وی روا شود و اگر عقرب را بیند وی را با مردی نامصلح یا زنی بدکاره کاری
افتد و حاجت وی روا نکرده و غمگین و مستمند شود و اگر قوس را بیند وی را با مردی
سالار و مهتر و غازی کاری افتد و حاجت وی روا گردد و اگر دلو را بیند وی را با مردی
نه درویش و نه توانگر کاری افتد و حاجت وی روا شود و خلق وی را دوست دارند و اگر حوت
را بیند وی را با مردی غریب و نیك رای و ساده دل و مهربان و کم سخن کاری افتد
و حاجت وی روا شود **پری** بدانکه دیدار پری معبران را خلافست بعضی گفته اند

زنی بمکر و حیلت بدست آرد و اگر بیند که مرغ بچه بریان همی خورد دلیل کند که مال اندك از
جهت زنی از مکر و حیلت بدست آرد و اگر بیند که ماهی شور بریان همی خورد دلیل کند که
بسفر شود اندر طلب علم یا در صحبت مهتری مایل گردد چون خداوند خواب مستور باشد
و اگر مفسد بود دلیل کند بر رنج و غم و اندوه و دشمنی و ماهی بریان چون تازه بود بهتر از ماهی
شور باشد و ماهی بزرگ بهتر از ماهی خرد بود تا این قدر معلوم باشد و بدانکه بریان فروش
در تاویل مردی بود که بسبب وی دیگران فراغ روزی کنند **بزاز** بدانکه بزاز بفارسی جامه
فروش بود و دیدنش در خواب مردی عظیم خطرناك باشد زیرا که بهای جامه درم و دینار
باشد که ستاند و تاویل درم و دینار چون در خواب بیند سخن مکروه و اندیشه بود و در وی
هیچ خیری نباشد لیکن اگر بهای جامه جز درم و دینار چیزی دیگر ستاند نیك دیدنش
دلیل بر نوع آن خیر کند که ستده باشد کرمانی گوید اگر کسی بخواب بیند که بزازی همی
کرد و بهای کالای خویش درم و دینار نمی ستد دلیل کند که او مردی با شرف و جاه بود
و مردمان محتشم وی را دوست دارند و اگر بیند که بهای کالای خویش درم و دینار
می ستد دلیل کند که وی را اندوه و زیان رسد و اگر بیند که کالای دیگر بعوض کالای
خویش بستد دلیل کند که وی را نیك باشد و مرادش حاصل شود حضرة امام جعفر صادق
علیه السلام گوید که دیدن بزاز در خواب زینت دنیا باشد **بز** ابن سیرین گوید که بز نر در
خواب مردی بزرگ بود در کار دنیا و ماده بز در خواب زنی بود هم بدین نشان اگر بیند که بز نری را
مجهول بکشت دلیل کند که بر مردی بزرگ ظفر یابد و اگر بیند که پوست وی را بکند و از گوشت
جدا کرد دلیل کند که مالش را بستاند و برهنه کند و اگر بیند که از گوشت وی بخورد دلیل
کند که از مال وی بخورد و اگر بیند که بر وی بنشست و از هر جانب که خواست وی را همی راند
دلیل کند که بر مردی بزرگ مکر و حیلت کند و از هر سو که خواهد وی را همی گرداند و اگر بیند
که بز نر وی را از خویشتن بیفکند و دیگر بخفت دلیل کند که آن مرد وی را از حرمت و جاه بیفکند
و بر وی قاهر گردد و اگر بیند که هر دو سروی بز نر را بشکست دلیل کند که آن مرد را از عملش منع
کنند و اگر بیند که سروهای بز نر دراز شد و قوی گشت یا در عدد زیادت گشت دلیل کند

که آن مرد

که آن مرد در عملش مهتر و قوی شود و بر وی ظفر یابد و اگر بیند که پشم وی زیادت
شد دلیل کند که مالش زیادت شود و اگر بیند که از پشم وی بستد دلیل کند که بر قدرش
از مال آن فرزند بستاند و اگر بیند که ماده بزی بیافت و یا کسی بدو بخشید
دلیل کند که زنی بخواهد کرمانی گوید که اگر بیند که ماده بزی بخرید دلیل کند که کنیزکی
بخرد و اگر بیند که ماده بز را بدوشید و از شیر وی بخورد دلیل کند که از آن زن مال یابد
و برقدر آن شیر از مالش بخورد و اگر بیند که ماده بز را بکشت یا از گوشت وی بخورد
دلیل کند که از آن حاجت وی روا شود و اگر بیند که ماده بز را بکشت نه از بهر آنکه از گوشت
وی بخورد دلیل کند که آن زن را بنکاح بخواهد و اگر بیند که از ماده بزی از خانه وی
بیرون شد دلیل کند که زن را طلاق دهد و اگر بیند که رمه بزان در خانه داشت
یا بجایی و دانست که آن جمله ملك اوست دلیل کند که برقدر آن وی را مال و غنیمت
رسد و اگر بیند که رمه بز و گوسفند را در صحرا همی چرانید و بهر جا که خواست همی خورد دلیل
کند که ولایتی که از عرب و عجم بود بر وی رسد زیرا که هر بز که در آن رمه برنگ زرد و سیاه
بود دلیل کند بر ولایت عرب جابر مغربی گوید اگر بیند که از گوشت ماده بز همی خورد دلیل
کند که اندك مایه بتن رنجور گردد و زود عافیت یابد و بدانکه شیر و پشم و پوست بز خیر و
مال بود که بدو رسد و اگر بیند که کسی بزغاله بدو بخشید یا بیافت یا بخرید دلیل کند که
وی را فرزندی نیکو روی مبارك حاصل شود و اگر بیند که بزغاله را بکشت دلیل کند که
فرزند وی هلاك شود و اگر بیند که از گوشت بزغاله بخورد دلیل کند که اندکی مال از فرزند
مرده بدو رسد حضرة امام جعفر صادق علیه السلام گوید که بز نر در خواب مقدم لشکر بود
و اگر بیند بز نری بیافت و بر وی بنشست دلیل کند که اگر سپاهی بود که مقدم لشکر شود
و اگر از مردم عامه بود دلیل کند که با مردی که مقدم لشکر بود وی را صحبت افتد و توانگر
شود و خبر است از امیر المؤمنین علی علیه السلام که او گفت که از پیغمبر علیه الصلوة والسلام
شنیدم که گفت هر که بز نر را بخواب بیند که بخرد و گوشت وی بگیرد و بخانه برد چهل سال
درویشی از وی دور باشد و بدانکه بز فروش مردی باشد که مردان و زنان بهم جمع کند

کبری بخواب دوستی عزیز بود و بعضی از معبران گفتند که دشمن باشد و بعضی گفتند که
بخت بود و کامروائی بدان کار که باشد و ابو هریره روایت کند از رسول علیه الصلوة والسلم
که گفت دیدار پری بخواب دولت و بزرگی بود و دست در دست پری نهادن و با وی سخن
گفتن قوت و خرمی باشد ابن سیرین گوید که پری خویش را بخواب دیدن که خوب روی و
شادمانه بود دلیل کند که عز و دولت یابد و اگر ویرا زشت روی و غمگین بیند دلیل بر غم و
اندوه کند و اگر پری خویش را مرده بیند کار رهائی گشوده شود و اگر بیند که با پری خویش
جنگ همی کرد دلیل کند که بخت و دولت باشد و آنچه کافر دید او ایشان دیدار دشمن
و اندوه و اد بار بود و دانیال گوید اگر کسی خویشتن را در میان پریان بیند دلیل کند
که بسفر شود و آن سفر ویرا مبارک باشد و اگر بیند که پری ویرا برگرفت و همی برد
عز و جاه و بزرگی یابد و اگر بیند که پری را از کوزن بیند لخت از عز و جاه و بزرگی بیفتد و اگر
بیند که پریان با وی بلطافت سخن همی گفتند دلیل کند که کارش نیکو گردد و اگر پری را بجامه
نیکو بیند حالش نیکو گردد و اگر بخلاف این بیند حالش بد شود و اگر بیند که پری ویرا
چیزی داد از نقد و سیم و جامه و آنچه بدین ماند دلیل کند که دولت و اقبالش زیادت گردد
جابر مغربی گوید اگر پری را بیمار یا مرده بیند دلیل کند که حال وی بد گردد و اگر بیند که
پادشاه پریان ویرا بنواخت و عطا داد دولت و اقبال یابد و پادشاه خاص و مقرب
شود و اگر بیند که پری که خویشتن را بنمود و گاه خود را پنهان همی داشت دلیل کند
که زنی بر وی مکر و حیلت سازد و اگر بیند که در خانهای پری شد و ایشان را همی دید
دلیل کند که بغربت افتد و شهرهای نادیده بیند و اگر پری ویرا برگرفت و با خود همی
برد دلیل کند که حاجت وی روا شود از آنجا که امید ندارد حضرت امام جعفر
صادق علیه السلم گوید که دیدن پری در خواب بر پنج وجه بود یکی دوستی عزیز باشد
و اگر پری مسلمان بود و آنچه کافر بود دشمن باشد و دوم بخت بود سیوم کامرانی بدان کار که باشد و چهارم دولت و بزرگی بود و پنجم اخبار دروغ و کارهای
باطل و معکوس باشد **پریدن** دانیال گوید اگر کسی بیند که چون مرغ از جائی بجائی

همی پرید

همی پرید دلیل کند که بسفر شود و باندازه بلندی پریدن وی از زمین شرف و بلندی یابد
و اگر بیند که بسوی آسمان در هوا همی رفت و همی پرید دلیل کند که نفع وی را مضرتی رسد و
اگر بیند که چندان پرید که در آسمان شد دلیل کند که بغایت بود مضرت که بدو رسد و اگر
بیند که در آسمان ناپدید شد و از آنجا بر زمین فرو نیامد دلیل کند که زود از دنیا رحلت
کند ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از جانب قبله پرید و با جای خویش آمد دلیل کند
که از سفر زود باز آید و با منفعت بسیار بخانهٔ خویش آید خاصه که بیند که پرها داشت
و اگر بیند که بی پر همی پرید دلیل کند که از حال خویش بگردد و اگر بیند که پرهای بسیار
داشت چنانکه مرغان را بود دلیل کند که عز و جاه وی زیادت شود و اگر بیند که از بام
خویش ببام دیگری همی پرید دلیل کند که زن را طلاق دهد و زنی دیگر کند یا کنیزکی
بخرد کرمانی گوید اگر بیند که تا بعیان آسمان بپرید دلیل کند که حج کند و اگر بیند
که از سرای خویش بسرای مجهول پرید دلیل کند که اجل وی نزدیک آمده بود و توبه
بایدش کردن و اگر بیند که ویرا پرها بود و لیکن بخلاف پر مرغان دلیل کند که
بیمار شود چنانکه بحرف مرگ رسد و سرانجام خدای عز و جل وی را شفا دهد
و اگر بیند که از جائی بجائی همی جست سفر نزدیک کند حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم گوید که پریدن بخواب بر پنج وجه بود یکی سفر باشد و دوم حج و سیوم
شرف و بزرگی و چهارم تغییر حال و پنجم بیماری و مرگ **بریان** ابن سیرین گوید
که بریان در خواب خداوند سخن بود و فراخی در طلب روزی تا آنروزی بدو باز
گردد یا بغیرش و گوشت پخته بتاویل بهتر از گوشت بریان باشد کرمانی گوید اگر
کسی بریان از گوشت گوسفند خورد دلیل کند که بقدر آن مالی برنج و سختی بدست
آرد و اگر بیند که بریان از گوشت گاو خورد دلیل کند که امان باشد ویرا از ترس و بیم
اندران سال و اگر بیند که بره بریان یا بزغالهٔ بریان همی خورد دلیل کند که ویرا پسری
آید جابر مغربی گوید اگر بیند که سر بریان همی خورد دلیل کند که از مهتری بقدر آن
ویرا خیر و منفعت رسد و اگر بیند که مرغان بریان همی خورد دلیل کند که مال از جهت

بزماورد كرماني كويد كه بزماورد خوردن بخواب مالي باشد جمع كرده اكر بيند كه بزماورد
داشت وازوي همي خورد دليل كند كه بقدر آن مال را جمع كند وبعضي از معبران كفته اند كه بر
قدر آن مالي جمع كرده وي را حاصل شود جابر مغربي كويد كه بزماورد خوردن بخواب دليل
بر خير ومنفعت كند چون بطعم خوش وبچاشني باشد واكر بطعم ناخوش بود دليل كند بر غم
واندیشه ÷ برزقطونه ابن سيرين كويد كه ديدن برزقطونه بخواب دليل بر غم واندیشه كند وخور
دن وي دليل بر نقصان مال كند بر قدر آنكه خورده باشد بساط بدانكه بساط بيارني
هم شادروان بود وهم ستردني اكر بيند كه بساطي بكسترد وبروي بنشست دليل كند كه روزي
بروي فراخ شود واكر بيند كه بساط را اندر نوشت دليل كند كه روزي بروي تنك كردد واكر
بيند كه پادشاهي بساط باز نكند دليل كند كه ملك دنيا بروي فراخ كردد وعمرش دراز شود
جابر مغربي كويد كه اكر بيند كه بساطي داشت نو وپاكيزه وبزرك وفراخ دليل كند كه نعمت ومال
وي را اسباب بود ودر روزي بروي كشاده كردد چون بساط وي كسترده باشد واكر بيند كه
بساط خويش را بفروخت يا بكسي داد دليل كند كه نعمت وي بنقصان آيد واكر بيند كه
بساط وي بسوخت دليل كند كه در روزي بروي بسته كردد واحوالش بد شود حضرت امام
جعفر صادق عليه السلام كويد كه ديدن بساط در خواب چون بزرك ونو باشد بر شش وجه بود
يكي عز وجاه باشد ÷ دوم بزركي ÷ سيوم مرتبت ÷ چهارم نعمت ومال ÷ پنجم عمر دراز ÷ ششم
ثنا به قدار بزركي بساط وبدان كه بساط فروش چون بها بستاند مردي بود دين را بدنيا
كزيده باشد واكر بها نستاند خلاف اين باشد بستر ابن سيرين كويد كه بستر در خواب
زن بود خداوند بستر از نيك وبد وزيادت ونقصان دليل اين تعلق بزن دارد اكر
بيند كه بستري خريد يا بستري بدل كرد يا از آن بستر به بستري ديكر شد دليل كند
كه زني ديكر بخواهد وباشد كه زن نخستين را طلاق دهد واكر بيند كه بستر وي
از حال خود متغير شده بود دليل كند كه زن وي بميرد واكر بيند كه از بستر خويش به
بستري ديكر شد دليل كند كه جفت وي از حال بحالي بكردد واكر بيند كه با بستر
وي بستري ديكر خواست همچنان يا بهتر از آن يا كمتر از آن دليل كند كه زني ديكر

بخواهد

بخواهد وزن نخستين را طلاق دهد واكر بيند كه بستر خويش را بفروخت يا در
نوشت وبكوشه بنهاد دليل كند كه زن را طلاق دهد يا از پيش وي غايب شود
يا از ايشان يكي بميرد كرماني كويد اكر كسي خود را در بستري مجهول بيند وجايكاه
مجهول دليل كند كه بر قدر وقيمت بستر وي را زميني بود اكر بيند كه بستر وي بر تختي
مجهول كسترده بود واو بروي نشسته بود دليل كند كه منزلت وبزركي يابد ودشمنان را
قهر كند جابر مغربي كويد كه بستر در خواب ولايت دين آساني قوله تعالى مُتَّكِئِينَ
عَلَىٰ فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ ÷ واكر بيند كه بستر را از در خانه بيرون برد وبعد از آن
در خانه آورد دليل كند كه در ميان او وعيالش طلاق رجعي واقع شود اكر خويشتن را
بر چهار بستر بيك جاي افكنده بيند دليل كند كه بشمار هر بستري زني بخواهد
يا كنيزكي بخرد واكر بستر خويش را در چاهي بيند يا در مغاكي كه از آنجا وي را بيرون
نتواند آوردن دليل كند كه زنش هلاك شود واكر خويشتن را در بستري نرم خفته
بيند دليل كند كه سال بروي مبارك وموافق بود واكر بيند كه بستر وي از پشم آكنده
بود دليل كند كه زني توانكر بخواهد واكر بيند كه بستر وي دريده بود يا سوخته
يابد وپاره شده دليل كند كه مرك عيال وي باشد ليكن عيالش را دين وديانت
وشرم نباشد واكر بيند كه بستر وي ابريشمين بود دليل كند كه زني بخواهد كه دين
وي بفساد بود واكر بيند كه بستر خويش را از آنجايي بجايي ديكر بكردانيد دليل كند
كه از زن جدا كردد واكر بيند كه بستري ابريشمين به بستر كرباسين بدل كرد دليل كند
كه زن فاسقه را دست بدارد وزن پارسا وستيزه بخواهد واكر بيند كه موش
بستر وي سوراخ كرده بود دليل كند كه ميان زن خويش وكسي بيكانه قلطباني كند وبه
فساد رضا دهد واكر بيند كه بستري در هوا معلق افكنده بود دليل كند كه وي بميرد واكر
بيند كه بستر وي از هوا بر زمين افتاد دليل كند كه زن وي بيمار شود واز بيماري شفا يابد واكر
بيند كه بستر وي در جايكاهي بلند كسترده بود دليل كند كه شغل وي بالا كيرد واقبال ودولت
يابد دانيال كويد اكر بستر خويش را بكونه سبز بيند دليل كند كه زني خواهد پارسا و

دين دار واكر بستر خويش را بكونه سرخ بيند دليل كند كه آن زن بفساد مشغول باشد
واكر بكونه سفيد بيند دليل كند كه آن زن بد خوي وناسازكار بود واكر بيند كه بستري كهن بود
ونو شد دليل كند كه زن وي از خلق بد بخلق نيك باز آيد واكر بخلاف اين بيند دليل
كند كه زن وي از خلق نيك بخلق بد شود واكر بيند كه بستر وي بكونه سرخ كشت دليل
كند كه زن وي از صلاح بفساد مايل شود واكر بخلاف اين بيند زنش از فساد به
صلاح آيد واكر بيند كه بستر سرخ وي بكونه سپيد كشت وباز زرد شد دليل كند كه زن وي
آنكاه توبه كند وبيمار كردد چنانكه وي را بيم مرك باشد واكر بيند كه بستري نو داشت و
در زير وي بالش نهاده بود دليل كند زني جوان بخواهد يا كنيزك وخادمان واكر بستر
خويش بالشها نهاده بيند هم دليل خادمان باشد قوله عز وجل وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ ÷
اكر بيند كه بستري يافت بجايي مجهول دليل كند كه زميني بخرد ودر وي كشاورزي كند
وبعضي از معبران كفته اند كه ميراث يابد واكر بيند كه بر بستري خفته بود دليل كند كه راحت
وآساني يابد واكر بيند كه بستري داشت در هوا واو در وي خفته بود دليل كند كه از سبب
زن جاه وبزركي يابد واكر بيند كه بستر وي دريده بود دليل كند كه زن وي نابكار باشد
وبعضي كفته اند كه زن وي بميرد واكر بيند كه آتش در بستر وي افتاد وبسوخت دليل كند كه
زن را طلاق دهد يا زنش هلاك شود حضرت امام جعفر صادق عليه السلام كويد كه ديدن بستر
در خواب بر چهار وجه بود يكي زن باشد ÷ ودوم كنيزك ÷ وسيوم ولايت ÷ وچهارم منفعت
ومعيشت وآساني ÷ پست اكر بيند كه پست داشت يا پست خورد دليل كه بر قدر
آن غم واندوهش رسد واكر بيند كه پست بكسي داد يا بفروخت دليل كند كه از وي بدان
كس غم واندوه رسد جابر مغربي كويد اكر بيند كه پست داشت وجاي را از خانه بيرون
ريخت يا بكسي بخشيد واز وي هيچ نخورد دليل كند كه از غم واندوه رسته كردد بستان
افروز ابن سيرين كويد كه ديدن بستان افروز بخواب شادي بود وليكن بدين بد باشد
واكر بيند كه بستان افروز فرا كرفت يا كسي بوي داد دليل كند كه شاد وخرم كردد واكر بيند كه
او بكسي بستان افروز داد دليل كه وي را شادمانه كرداند كرماني كويد كه بستان افروز

بخواب چون

بخواب چون بوقت وي بيند مهتري بود بزرك وبعضي از معبران كفته اند كه زني با
زادكان توانكر بود با جمال ومال وخوش طبع واكر بيند كه بستان افروز بوضعش همي
همي كرد دليل كند كه وي را با مهتري بزرك يا با زني بدان صفت كه كفتيم دوستي
ومصاحبت افتد واكر بيند كه وي را از زمين بر كند دليل كند كه از صحبت چنانكس كه
كفتيم وي را مفارقت افتد پستان ابن سيرين كويد كه پستان در خواب دختر
بود وآنچه در وي بيند از نيك وبد وصلاح وفساد حكم دليل آن جمله بر دختران كند اكر بيند
كه از پستانش شير روان شد دليل كند كه بر دخترش نعمت وروزي فراخ بود ومال حلال يابد واكر بيند
كه بدل شير از پستانش خون روان شد دليل كند كه مالي حرام يابد وروزي بروي تنك شود واكر
زني بيند كه پستان وي بيش از اندازه فرود آويخته شد دليل كند كه وي را دختري آيد واكر مردي
بيند كه در پستان وي شير جمع شد چون زن بنا دارد دليل كند دليل كند كه زن خواهد وفرزندش
آيد واكر زن دارد توانكر كردد واكر اين خواب كنده پيري بيند دليل بر دروغي وي كند واكر اين
خواب زن جوان بيند دليل كند كه عمرش دراز بود واكر اين خواب را دختري بيند دوشيزه
دليل كند كه شوي ستاند واكر اين خواب را دختر خردمند بيند دليل كند كه بميرد كرماني كويد اكر
مردي بيند كه بستان زني همي مكيد دليل كند كه بيمار شود وزن وي آبستن بود دليل كند كه
وي را پسري آيد واكر بيند زني از ايشان مرد شير همي خورد دليل كند كه دنيا بروي بسته شود
جابر مغربي كويد كه پستان مرد در خواب زن وي باشد وپستان زن دختر وي اكر زني
پستان خويش را بريده بيند دليل كند كه دخترش بميرد واكر مردي پستان خويش را بريده
بيند دليل كند كه زنش بميرد واكر زني بيند كه در زير پستان وي پستاني ديكر بر آمده است
دليل كند كه دختريش آيد واكر بيند كه دو پستانش بزرك شده باشد دليل كند كه احوال
فرزندانش نيكو شود يا دختر را بشوهر دهد واكر بيند كه از هر دو پستان خويش شير همي خورد
دليل كند كه ميراث دختران يابد واكر بيند كه از ايشان كسي شير همي خورد دليل كند
كه وي را ملامت وغم رسد واكر بيند كه از پستان وي شير زرد شكم او فرو مي شد دليل
كند كه وي را غم وزيان رسد واكر بيند كه يك پستانش بآتش بسوخت دليل

کند که دخترش با شغلی رسد از پادشاه و اگر بیند که در تن وی پستانها بود دلیل کند که از
اهل و فرزندانش بسیار باشد و اگر اهل بیت ندارد مالش زیادت شود بملامت
مردمان و اگر بیند که وی را پستان آویخته بودند دلیل کند که وی را از حرام پسری آید حضرت
امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن پستان بخواب بر پنج وجه بود یکی فرزندان خرد
مند باشد دوم دختران سیوم خادمان و چهارم دوستان و پنجم برادران
پستان بند ابن سیرین گوید که پستان بند بخواب دیدن زنان را عز و مرتبت
و کامرانی و کام روایی باشد و مردم را زخم تازیانه خورند و اگر زنی بیند که پستان بند
نو و پاکیزه داشت دلیل کند که عز و مرتبت یابد و بکام دل رسد و اگر مردی بیند که او پستان
بند داشت دلیل کند که او زخم تازیانه خورد کرمانی گوید اگر زنی بیند که او پستان بند
داشت دلیل کند که مال و نعمت یابد و از دولت شادمانه شود و اگر مردی بیند که او
پستان بند داشت دلیل کند که وی را خذلان بود از یاران و بمقصود و بکام دل نرسد
و کارش بنظام نشود **پشت** ابن سیرین گوید که پشت در خواب مردی بود که از وکسی
را پناه و قوت و پایی باشد چنانکه بنده را خواجه پشت و پناه است یا رعیت پناه
شاه و بعضی از معبران گفتند که پشت پا درد بود و اگر بیند که پشت وی بشکست
دلیل کند که آنکس که پشت و پناه وی بود از دنیا رحلت کند و اگر بیند که زخمی بر پشت
وی رسید دلیل کند که رنج و آفتی بدان کس رسد که وی پناه وی باشد کرمانی گوید که
مهرهای پشت قوت فرزند مردم باشد و هر صلاح و فسادی که در مهرهای پشت بیند تاویل
آن بقوت فرزندان بیننده خواب رسد اگر بیند که پشت وی درست و قوی
بود دلیل کند که وی را فرزندی بتن قوی و عاقل و دانا آید و اگر بیند که چیزی بر پشت
گرفت دلیل کند بر قدر گرانی آن چیز رنج و غمی بدو رسد و اگر بیند که مرده را
بپشت گرفت دلیل کند که مونت کسان آن مرده بروی باشد و اگر بیند که پشت
دست وی هر دو برگشت دلیل کند که حال وی بد شود جابر مغربی گوید که پشت
دشمن را بخواب دیدن ایمنی باشد از شر دشمن و دیدن پشت بر زن

برگشتن دنیا باشد اسمعیل اشعث گوید که پشت بخواب برادر بود و اگر بیند
که پشت وی بشکست دلیل کند که برادرش بمیرد و اگر بیند که میان پشت وی
درد همی کرد دلیل کند که از برادر یا از مهتری وی را غم رسد و اگر بیند که از سبب علتی
پشت وی را داغ کردند دلیل کند بر صلاح دین و دنیای وی اگر بیند که پشت
بدیوار باز نهاد دلیل کند که بسفر شود و مال حاصل کند حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم گوید که دیدن پشت در خواب بر دوازده وجه بود یکی قوت باشد
دوم برادر سیوم یار چهارم پادشاه پنجم وزیر ششم صحت هفتم پدر هشتم مادر
نهم پسر دهم مال یازدهم یاری دادن دوازدهم جد یعنی پدر پدر و بعضی
از معبران گفتند که دیدن پشت کافران ایمان باشد و فاسق را توبه و جادو را
اسلام و منافق را اخلاص **پشته** ابن سیرین گوید اگر بیند که در میان
هامون پشته بود یا کوه دلیل کند بر مردی بزرگوار که شرف و منزلت وی بر قدر
فراخی آن زمین بود که پیرامن آن کوه بود و اگر بیند که بر سر آن پشته مقیم شد
و بایستاد دلیل کند که بنزدیک مردی بزرگوار شود و از وی مال و حرمت یابد بر
قدر بلندی آن پشته بیند و اگر آن پشته ملك و موضع اوست دلیل کند که مردی
بزرگوار را قهر کند و نعمت و ملك و مال وی بستاند و بجایگاهش مقیم شود و
اگر بیند که چوبی از آن پشته ملك اوست دلیل کند که بر قدر آن بزرگی و مال و نعمت
یابد و اگر بیند که از سر آن پشته بیفتاد یا کسی وی را بزیر انداخت دلیل کند بر
مضرت و کم حرمتی وی از سبب مردی بزرگوار و اگر بیند که بدشواری بدان پشته
بالا همی شد دلیل کند که غم و رنج بدو رسد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
گوید که دیدن پشته بخواب بر چهار وجه بود یکی بلندی باشد دوم مال سیوم
قوت چهارم نومیدی **پشم** ابن سیرین گوید که پشم در خواب از همه وجهی
مالی حلال و روزی بود و پشم که یافته بود بهتر و نیکوتر باشد اگر بیند که پشم داشت
یا کسی بدو داد یا بخرید و در موضع خویش بود دلیل کند که بر قدر آن وی را مال حلال

حاصل شود **قوله تعالی** وَمِنْ أَصْوَافِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَمَتَاعًا إِلَىٰ
حِينٍ کرمانی گوید اگر بیند که پشم در خواب از خویشتن دور همی انداخت دلیل
کند که مال خویش را تلف کند و اگر بیند که پشم را همی سوخت دلیل کند که مال خویش نیز
کند و اگر بیند که بر تن وی جامه پشمین بود دلیل کند که مال بسیار وی را حاصل آید و اگر بیند
که بر پشم خسبیده بود دلیل کند که از سبب زنان وی را مال بسیار حاصل شود و اگر بیند که بستری
از پشم یا از پنبه بخرید دلیل کند که زنی توانگر بخواهد جابر مغربی گوید که پشم اشتر در خواب
مال بود از رعیت یا پادشاه و بعضی از معبران گفتند که میراث باشد **پشه** ابن سیرین
گوید که پشه در خواب مردی ضعیف و خوار و ناکس بود یا کاری اندك و
حقیر باشد اگر بیند که پشه جنگ همی کرد دلیل کند که با مردی ضعیف جنگ و خصومت
کند یا کاری حقیر کند و اگر بیند که پشه در گلوی وی فرو شد دلیل کند که با مردی حقیر
بکاری مشغول شود و از وی اندك چیزی بدو رسد و اگر بیند که پشگان بسیار بر تن
وی جمع شدند و تنش را همی گزیدند دلیل کند که در دهان مردم عوام افتد و یابند
که وی را از ایشان مضرت رسد زیرا که پشه خون مردم مکد و خون بهم تاویل مال
بود و اگر بیند که پشه در گوش یا در بینی وی شد و از وی برا رنج و گزند رسید
دلیل کند که از مردی ضعیف و ناکس رنجی بدو رسد کرمانی گوید که اگر بیند که پشگان
بخانه وی در آمدند دلیل کند که غمگین و مستمند شود و اگر بیند که پشگان بقیاس
غلبه کردند و در خانه اش جمع شدند دلیل کند که بر دشمنان ضعیف که وی را باشد
ظفر یابد و اگر بیند که در بینی وی شد و بیرون نیامد دلیل کند که در محنت و
بلایی گرفتار شود **بط** ابن سیرین گوید بط در خواب مال و نعمت بود بدان قدر
که دیده باشد خاصه در ملك خانه خویش بیند و اگر بیند که بطان بسیار در سرای
یا در کوچه بانگ همی داشتند دلیل کند که مصیبت و اندوه اندران موضع و اگر بیند که
بط با وی سخن گفت دلیل کند که از سبب زنی توانگر سفر کند و در آن سفر بزرگی یابد
کرمانی گوید که بط بخواب مردی باشد از اهل بیت بزرگ با مال و حشم بسیار اگر

بیند که از اندام بط چیزی یافت دلیل کند که بر قدر آن از مردی بدین صفت که گفته شد خیری
یابد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که بط سپید بخواب مال بود یا زن توانگر و بط
سیاه کنیزك باشد اگر بیند که بط را بکشت و از گوشت وی بخورد دلیل کند که مال آن زن را
میراث ستاند و هزینه کند **بغل** ابن سیرین گوید که بغل بتاویل یافتن مال باشد
با ملامت و زشتی که بدو باز گردد و موی بغل دلیل کند بر مراد کرمانی گوید اگر کسی بیند که
دستها بزیر بغل داشت دلیل کند بر یافتن مراد و قهر کردن دشمن خویش **قوله تعالی**
وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ و بعضی از معبران گفتند اگر ریشی و خستگی و نقصان
در بغل بیند دلیل کند بر نایافتن مراد و غالب شدن دشمن روی جابر مغربی گوید
اگر کسی بیند که از بغل وی بوی گند همی آمد دلیل کند که مال حرام یابد و اگر بخلاف
این بیند دلیل کند که انحلال برنج و سختی بدست آرد و اگر بیند که از زیر بغل وی
عرق روان شد دلیل کند بر قدر آن که از مال وی نقصان شود **بقال** ابن سیرین گوید
که بقالی کردن در خواب جهد کردن بود در کارها و چیزی بحاصل آوردن از بهر معیشت اگر
بیند که بقالی همی کرد دلیل کند که بکار و کسب دنیا مشتغل گردد و بر قدر آن چیزها
که از متاع بقالی وی را حاصل بود منفعتی یابد کرمانی گوید اگر بیند که متاعهای بقالی
را بزر و درم همی فروخت دلیل کند بر غم و اندوه زیرا که زر و درم بتاویل غم و
اندوه باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که بقالی کردن در خواب بر سه
وجه بود یکی در کسب جهد کردن و کارهای دنیا دوم منفعت سیوم غم و اندوه چون
بیند که متاعها بسیم و زر همی فروخت **بلایکتینی** ابن سیرین گوید اگر بیند که بلایکتینی
در دست داشت دلیل کند که وی را از کسی قوت و یاری بود و اگر بیند که بلایکتینی
کسی را بزد دلیل کند که از وی بدان کس چیزی رسد و اگر بیند که بلایکتینی وی بشکست
یا ضایع شد دلیل کند که از کسی وی را قوت و یاری نبود و اگر بیند که بلایکتینی وی
آهنین بود دلیل کند که وی را قوت از پادشاهان بود جابر مغربی گوید که بلایکتینی بیند
از چوب و قوی است دلیل کند بر قوت و استواری کار وی و اگر بیند که از چوب

سُخت ونرم است تاویلش بخلاف این بود **پلاس** کرمانی کوید که پلاس درخواب مردی
مصلح وکزیده بود واز درویشان پارسا ودین دار چنانکه همه اقوال با امانت وصیانت
باشد اکر بیند که پلاسی پوشیده بود دلیل کند که با چنین مردی ویرا صحبت افتد وازو
خیر ومنفعتی آخرتی یابد وبعضی از معبران کفتند که پلاس مالی حلال بود اکر بیند که بسیار
پلاس داشت دلیل کند که برقدر آن وی را مال ونعمتی حلال حاصل کردد ابن سیرین کوید اکر
مردی بخواب بیند که پلاسی نو بیافت دلیل کند که زنی پارسا وتوانکر را بخواهد واکر این
خواب زن بیند دلیل کند که شوهری مصلح وتوانکر بخواهد وازو خیر ومنفعت یابد واکر کسی
بیند که پلاسی نو بها بخرید دلیل کند که کنیزکی پارسا وستیزه بخرد وازو منفعت وخیر یابد
بلبل کرمانی کوید که بلبل بخواب فرزند کوچک وغلام بود وآواز شنیدن وی کلام خوش
وسخن شیرین باشد اکر بیند که بلبلی فراکرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که غلام وی را
فرزند آید واکر بیند که بلبل از دست وی ضایع شد دلیل کند که فرزند غلام وی ضایع شود
واکر بیند که بلبل در دست وی برد دلیل کند که فرزند غلامش هلاک شود جابر مغربی کوید
اکر بیند که بسیار بلبل داشت دلیل کند که برقدر آن غلام خرد وغلام نادکان وی را
حاصل شود واکر بیند که بلبل را بکشت وکوشت وی همی خورد دلیل کند که غلامی وی
هلاک شود وازو میراث یابد **بلبله** کرمانی کوید که بلبله درخواب کنیزک باشد وابن
سیرین کوید که زن بود واکر بیند که بلبله بخرید یا کسی بدو داد دلیل کند که زن خواهد
یا کنیزک خرد واکر بیند که از آن بلبله آب همی خورد دلیل کند که با آن زن جفت
کند واکر بیند که آن بلبله بشکست دلیل کند که آن زن بمیرد وحکایت کنند از ابو
خلد که او کفت که پیش محمد بن سیرین بودم مردی بیامد واز وی پرسید که بخواب
دیدم که از بلبله آب همی خوردم واین بلبله را دو سر بود از یکی آب خوش همی خوردم
واز دیکر آب تلخ شور همی خوردم ابن سیرین کفت تو زن داری وزنت خواهر دارد
تو هر دو را بکار همی داری توبه کن وان خدای عز وجل بترس مرد کفت چنین است که
تو کفتی توبه کردم وبخدای بازکشتم **بلسک** کرمانی کوید که بلسک درخواب

خدمتکاری

خدمتکاری خانه بود اکر بیند که بر بلسک کوشت بریان همی خورد دلیل کند که
برقدر آن کوشت از خدمتکار خانه بدو چیزی رسد واکر بیند که بلسک وی
بشکست یا ضایع شد دلیل کند که خدمتکاران از انجا جدا شوند جابر مغربی
کوید اکر بیند بلسک آهنین بود دلیل کند که از خدمتکاران خانه اصل وی
ترسا بوده باشد واکر بیند که بلسک مسین بود دلیل کند که آن خدمتکار را
اصل جهود بوده باشد واکر بلسک سیمین بود دلیل کند که آن خدمتکار را اصل
مسلمان بوده باشد واکر چوبین بود اصل وی کبر بوده باشد واکر زرین بود آن
خدمتکار را نسل از پادشاهان بوده باشد **بلغم** ابن سیرین کوید که بلغم درخواب
مالی باشد جمع کرده بکار صلاح آن مال هزینه کند واکر بیند که آن بلغم را بجایکاه
چرکین انداخت تاویلش بخلاف این بود واکر بیند که بلغم سپید از کلو برآمد
وبر جایکاهی پاکیزه انداخت دلیل کند که مال جمع کرده بود بصلاح آن مال بخیر کند
کرمانی کوید که اکر بیماری بیند که بلغم برافکند دلیل کند از بیماری شفا یابد واکر
بیند که بلغم سیاه برافکند دلیل کند که بد باشد واکر بیند که بلغم خون آلوده بود دلیل
کند بر نقصان مال وی جابر مغربی کوید اکر بیند بلغم باندرون خانهٔ خویش افکند
دلیل کند که مال خویش با عیال خود هزینه کند اکر بیند که برون خانهٔ خویش افکند دلیل کند
که مال بیکانکان هزینه کند واکر بیند که بلغم در مسجد افکند دلیل کند که مال خویش
بر وجه وجایکاه هزینه کند **برک درخت** ابن سیرین کوید که برک درخت
دیدن درخواب خلق وخوی بینندهٔ خواب بود خاصه که بهنکاه وی بیند اکر کسی
بیند که برک درخت تازه بوقت خویش از درخت فراکرفت یا کسی بدو داد دلیل
کند که بینندهٔ خواب خوش خوی ونیکو خلق باشد واکر کسی بیند که از درخت برک تازه فرا
کرفت دلیل کند که برقدر آن وی را درم حاصل شود جابر مغربی کوید که برک درختان میوهٔ
شیرین دلیل بر خلق وخوی خوش کند وبرک درختان میوهٔ ترش دلیل بر خلق و
خوی ناخوش کند وبرک درختان خاردار دلیل بر خلق وخوی بد کند وبرک درختان

کو بار نیارد دلیل بر درم ودینار کند وبعضی از معبران کفتند که برک درختان میوه دلیل بر درم
کند **پلنک** ابن سیرین کوید که پلنک درخواب دشمنی بود قوی وتوانا اکر بیند که با پلنک
جنک ونبرد همی کرد دلیل که با دشمن وی را جنک وخصومت بود وازیشان ظفر
آن را بود که او چیره وغالب باشد یعنی اکر پلنک غالب تر بود دشمن بروی ظفر یابد و
اکر او بپلنک قهر کند بر دشمن ظفر یابد واکر بیند واکر بیند که کوشت پلنک همی خورد دلیل
کند که از جنکی عظیم نام برداری شرف وبزرکی یابد کرمانی کوید که اکر بیند بر پلنک
نشسته بود دلیل شرف وبزرکواری عظیم یابد وبر دشمن قاهر بود واکر بیند که با
پلنک جنک همی کرد هر دو بر یکدیکر ظفر نیافتند دلیل کند که از پادشاه ترسی عظیم
بروی افتد یا بیماری صعب بکشد وبعد از آن شفا یابد واکر بیند که شیر پلنک
را همی خورد دلیل کند که از دشمن ترسی عظیم بدو رسد وسرانجام از آن ترس ایمن
شود واکر بیند که پوست پلنک یا موی یا استخوانش فراکرفت یا کسی بدو داد
دلیل کند که برقدر آن از مال دشمن وی را حاصل شود واکر بیند که پلنکی را بکشت دلیل
کند که از اهل اسلام روی بکرداند ودر وی هیچ خیر نباشد حضرة امام جعفر صادق
علیه السلام کوید که دیدن پلنک درخواب بر سه وجه بود یکی دشمن قوی باشد دوم
مال یافتن از دشمن وسیوم ترس عظیم از پادشاه **بلور** بدانکه بلور بخواب
زنی بی اصل بود واکر بیند که بلور داشت یا کسی بدو داد دلیل کند زن بی اصل را
بزن کند واکر بیند که بلوری داشت واز وی ضایع شد دلیل کند که زن را
طلاق دهد ویا از دید از وی غایب شود واکر بیند که بسیار بلور داشت دلیل
کند برقدر آن ویرا مال از سبب زنان حاصل شود جابر مغربی کوید که اکر کسی
بیند که بلور همی فروخت دلیل کند که دلالهٔ زنان بی اصل کند واکر بیند که بعضی
از آن بلورها که همی فروخت سوراخ داشت وبعضی نداشت دلیل کند که دلالهٔ
زنان بیوه ودختران دوشیزهٔ بی اصل کند **بلوط** ابن سیرین کوید که
بلوط درخواب روزی حلال بود از قومی برقدر آن که خورده باشد اکر بیند که

درخانهٔ

درخانهٔ وی انبارهای بلوط بود دلیل کند که مال ونعمت ویرا بدان سال وی را حاصل
شود [illegible] چون داند که بلوط ملک وی است واکر بیند که درخانهٔ وی بلوط از آن
کسان بود دلیل کند که اندر آن سال مردمان در پیش وی امانتهای بسیار نهند حضرة
امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن بلوط درخواب بر سه وجه بود یکی روزی حلال
باشد دوم منفعت وسیوم معیشت نیکو **پلیته** کرمانی کوید که پلیته افروخته
درخواب کارفرمایی بود که مردم در پیش وی شوند وپیرامن وی کردند وخدمتش
کنند وپلیته کافروخته نباشد دلیل کند که تاویلش بخلاف این بود وچون بیند
که پلیته تمام سوخته شد دلیل کند که کارفرمای آن نیابد وزود هلاک شود جابر مغربی کوید
کوید که پلیته افروخته مردمی باشد که خیر ومنفعتش بمردمان رسد وپلیته ناافروخته
را تاویل بخلاف این باشد **بناکوش** ابن سیرین کوید که بناکوش دیدن بخواب
پسری مبارک وخوب روی بود وهر دو بناکوش دو پسر باشند بدان صفت که
یاد کرده می شد کرمانی کوید که دیدن بناکوش بخواب دلیل برقدر جاه ودین کند
وزیادتی ونقصان دیدن بناکوش تاویل دلیل بر زیادتی ونقصان قدر وجاه و
دین خداوند خواب کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن بناکوش
درخواب بر چهار وجه بود یکی پسری خوب روی باشد دوم قدر وجاه سیوم
دین وچهارم منفعت از سبب فرزند **پنبه** ابن سیرین کوید که پنبه درخواب
مالی حلال بود برقدر آنچه دیده باشد از اندک وبسیار وهمچنین پنبه دانه مال
بود که ویرا آسان بدست آید بی آنکه رنج وعلتی بدو رسد حضرة امام جعفر
صادق علیه السلام کوید که دیدن پنبه دانه بخواب بر سه وجه بود یکی مال حلال بود و
دوم منفعت وسیوم ستر بود وبدانکه پنبه زن درخواب مردی بود با خصومت
وبیهوده کوی چون مستور نباشد واکر [illegible] مستور بود مردی بود
بکار آینده مر معیشت **بنجشک** دانیال کوید بنجشک درخواب مردی بزرک
با قدر وجاه بود اکر بیند که ویرا بدام یا بحیلتی بکرفت دلیل کند که با مردی بدان

صفت که گفته شد مکر سازد و وی را قهر کند و اگر بنجشک ماده بود دلیل کند که زنی زفت را
که با قدر و جاه بود قهر کند یا برادر و یا شوهر وی را و اگر بیند که بنجشک را بکشت دلیل
کند که بر آن مرد که صفت وی گفته شد ظفر یابد و اگر بیند که از گوشت وی همی خورد دلیل
کند که از مال آن مرد بدان قدر که از گوشت وی خورده باشد بدو رسد و اگر بیند که بنجشک
را از لانهٔ وی بیرون آورد دلیل کند که از خانهٔ کسان چیزی بیرون آرد و از آن بدو رنج و ملامت
رسد ابن سیرین گوید اگر بیند که بچگان بنجشک را شکار همی کرد و گردن ایشان همی
شکست و ایشان را در انبانی میکرد دلیل کند که معلم کودکان کند و ایشان را از
زخم چوب همی شکند و اگر بیند که بنجشک سرخ بیافت دلیل کند که زنی خوب روی را
بزن کند یا کنیزکی با جمال بخرد و اگر بیند که بنجشک زرد بیافت دلیل کند که زنی
زرد روی و بیمار کن بزنی کند و بعضی از معبران گفته اند که بنجشک یافتن بخواب
فرزند بود یا غلام که وی را حاصل شود و اگر بیند که بنجشک کور را بیافت دلیل کند
که با مردی هوادار بد فعل دوستی کند و بعضی از معبران گفته اند که اگر کسی بیند
که بنجشکی بیافت دلیل کند که اگر درویش بود شش درم سیم بیابد و اگر توان
گر بود شش هزار درم سیم بیابد و خانهٔ بنجشکان دیدن در خواب دلیل خرمی وی
کند و اگر بیند که بچگان بنجشک را از لانه بیرون آورد دلیل کند که وی را فرزندان
باشد از حلال و حرام و اگر بیند که بانگ بنجشک را همی شنید دلیل کند که سخنهائی
شنود که از آن وی را شگفت آید و بعضی گفته اند که آواز بنجشکان شنیدن در خواب
تسبیح کردن باشد و اگر بیند که بنجشکان بی قیاس وی را حاصل شد دلیل کند که بر
سر قومی سروری کند و مال بسیار یابد کرمانی گوید که بنجشک بخواب چون
بیند فرزند باشد و اگر بسیار بیند مال باشد و اگر بیند که بنجشک داشت یا کسی
بدو بخشید دلیل کند که فرزندش آید و اگر بیند که بنجشکان بسیار بر امن وی بانگ
همی داشتند دلیل کند که با مردمان غوغا وی را کاری افتد و اگر بیند که بنجشکی
در دهان نهاد و وی فرو خورد دلیل کند که وی را فرزندی آید و اگر بیند که بنجشکان

بسیار وی را کسی بخشید دلیل کند که بر قدر آن مال یابد و اگر بیند که بنجشکی را بکشت
یا در دست وی بمرد دلیل کند که زیانی بدو رسد یا فرزندش هلاک شود و اگر بیند که
خانهٔ بنجشکی فرا گرفت دلیل کند که وی را فرزندی آید زفت و بزرگ اندام حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن بنجشکان بخواب بر نه وجه بود: یکی پادشاه باشد
دوم والی: سیوم مردی بزرگ و نفت: چهارم غلام خوب روی: پنجم قاضی: ششم
بازرگانی: هفتم مرد راه زن: هشتم مرد با خصومت و بعث: نهم مردی بود بجماع کردن
مولع حکایت کند از ابو خلد که او گفت که پیش محمد بن سیرین بودم مردی بیامد و او را گفت
بخواب دیدم که در آستین بنجشکان داشتم یکان یکان بیرون می آوردم و می کشتم هر
چند بنجشک میکشتم شهادت می آوردم و یرا در چاه همی انداختم تاویل این چه باشد
ابن سیرین ویرا گفت که خانه کجا داری گفت بفلان کوچه گفت یکساعت بنشین ابن سیرین
در زمان پیش پادشاه رفت و او را آگاه کرد و مردمان پادشاه را در خانهٔ این مرد برد و در آنجا
بجستند چاهی یافتند و قریب بنجاه مرد کشته را در آن چاه افکنده بود پس بدانشد
که این مرد طرار است مردمان را بحیلت بخانه همی برد مال ایشان ستدی و ایشان را میکشت
و در آن چاه همی انداخت پس مردمان پادشاه آن مرد را بفرمود کشتن و از تعبیر کردن ابن
سیرین بشگفت ماند و بدانکه بنجشک سقا در خواب کودک خرد باشد و تاویلش از
نیک و بد بر کودک خرد افتد تا این قدر معلوم باشد **بند دادن** ابن سیرین گوید که اگر
کسی بیند که مردی مصلح وی را بنید داد که در آن پند صلاح دین و رستگاری آخرت
بود دلیل کند بر بشارتی که در آن ویرا خیرات دین و دنیا باشد و اگر بر خلاف این بیند
دلیل کند بر فساد و تباهی کار دین و دنیائی وی جابر مغربی گوید که پند دادن در خواب
کار بود زیرا که در آن صلاح دین بود پند دهندهٔ فرشتهٔ مقرب باشد که بشارت دهد
خداوند خواب را بخیرات که بدان خواهد رسیدن تا شکر آن بجای آورد و پند
دادن که در آن فساد دین بود و پند دهنده دیو بسته بود پس او را توبه باید کردن
و بخدای بازگشتن تا ویرا از شر و فساد این دیو نگاه دارد تا از عذاب خدای

دسته شود **بند** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بند آهنین داشت در گردن
یعنی غل و پای بند بر پا نهاد داشت دلیل کند که کافر بود و دعوی مسلمانی بدروغ کند و
اگر بیند که بند آهنین بر دستها داشت دلیل کند که بخیل بود و خیرش بکس نرسد و بعضی
از معبران گفته اند که چون مرد مصلح بر دستهای خویش بند بیند دلیل کند که از کارهای
شر و ناسزا دست بدارد و اگر بند از چوب بیند اینک گفتیم کمتر و آسانتر بود
کرمانی گوید اگر کسی بیند که در گردن خویش بند چوبین داشت دلیل کند که
امانتی در گردن وی باشد و این امانت را نمی گذارد و اگر بند چوبین در پای خود
بیند دلیل کند که بر صلاح و آرامیدن وی و طاعت حق تعالی و اگر این کس در سفر بود
بسلامت باز آید و اگر بیند که بند گردنش از سیم بود دلیل کند که سبب رنج و آفتش
از زن باشد و اگر بیند که بندش از زر بود دلیل کند که سبب رنج و آفتش از جهت مال
بود و اگر بیند که بندش از مس بود دلیل کند که سبب رنج و آفتش از جهت کسب
و معیشت دنیا باشد و اگر بیند که بند را بشکست بیم خلل باشد در دین وی خلاصه
که بند بر دستهای وی بوده باشد و اگر بیند که بند از پای وی برداشت دلیل کند
که برنج از عمل پادشاه خلاص یابد و اگر بر پای خویش کنده نهاده بیند دلیل کند
که ویرا با مردی منافق صحبت افتد و اگر پای خویش را برسن بسته بیند دلیل کند
که از کسی بوی منفعت رسد دانیال گوید اگر امیری بیند که بر پای خویش بند
آهنین داشت دلیل کند که از ولایت خویش بسفر بود و در آن سفر دیر بماند و اگر بیند
که بند بر هر دو پایش نهاده بود دلیل کند که ولایت کند و اگر چهار بند بیند بر پای خویش
دلیل کند که ویرا چهار دبیر باشد و اگر بیند که بند از پای وی برداشتند دلیل کند که
از غمها فرج یابد و اگر امیری بیند که بر پای وی بند برنجین بود دلیل کند که از ترسایان
ویرا منفعت رسد و اگر بیند که بند وی مسین بود دلیل کند که از جهودان وی
را منفعت رسد و بعضی از معبران گفته اند که کار وی آسان شود و اگر بیند که
بند وی سیمین بود دلیل کند که زن بنکاه بخواهد یا بزنی عاشق شود و اگر بیند

که بند وی زرین بود دلیل کند که بسفر شود یا بیمار گردد و اگر بیند که بند وی چوبین
بود دلیل کند که منافق بود و اگر بیند که بند وی آهنین بود دلیل کند که سفر دور کند
و اگر بیند که بند وی از رسن بود دلیل که اگر مصلح بود زن خواهد و اگر مفسد بود بحرام
گراید جابر مغربی گوید که بند بر پای نهادن در خواب ثبات باشد در دین از قول
پیغمبر علیه الصلوة والسلام که گفت **خبر** احب القید فی النوم ولا احب الغل
لان القید ثبات فی الدین: یعنی دوست دارم پای بند را و غل را دوست
ندارم زیرا که پای بند پایندگی باشد در دین حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
گوید که دیدن بند در خواب بر چهار وجه بود یکی کفر باشد دوم نفاق سیوم بخل
چهارم از معصیت دست بداشتن و بعضی از معبران گفته اند که غل بدست اما
پادشاه ظالم را کوتاه دستی باشد از ظلم **بنده** ابن سیرین گوید اگر بندهٔ نابالغ
بود و بخواب بیند که بالغ شد دلیل کند که آزاد گردد و اگر کسی بیند که گردن بنده
خود بزد دلیل کند که آزاد گردد و اگر بیند که بندهٔ خویش آزاد کرد دلیل کند که بزودی
بمیرد و اگر بیند که بندهٔ خداوندش وی را بفروخت دلیل کند که کارهای وی فرو بسته
شود کرمانی گوید اگر بیند که بندهٔ را بخرید دلیل کند که مستمند و غمگین گردد و اگر بیند
که بندهٔ بفروخت دلیل کند که شادمانه و خرم شود **بنفشه** ابن سیرین گوید که چون بنفشه
بخواب بر درخت خویش بیند بوقت وی دلیل که از زنی یا از کنیزکی خیری بدو رسد
یا ویرا فرزندی حاصل شود و چون ویرا از درختی جدا بکند دلیل کند بر غم و اندوه
کرمانی گوید اگر زنی بیند که بنفشه از درختش بکسست و بشوهر خویش داد دلیل
کند که شوهرش وی را طلاق دهد و اگر بیند که بنفشه را از درختش بکسست و بغلام
خویش داد دلیل کند که غلام وی بگریزد و اگر بیند که دستهٔ بنفشه کسی بدو داد دلیل
کند که در میانشان مفارقت افتد جابر مغربی گوید که درخت بنفشه در خواب
کنیزکی بود بدخوی و ناسازکار **بنیاد نهادن** ابن سیرین گوید بنیاد که بخواب بنهد
فائدهٔ دنیا بود خاص و عام را بقدر آنچه دیده باشد اگر بیند که بنیاد نهاد در

جایگاهی مجهول که نداند که آن جایگاه آن کیست دلیل کند که شیفته و ضایع بود
در دین و دنیا و اگر بیند که بنیاد در زمینی که آن ملک وی بود دلیل کند که فایده و روزی
حلال یابد کرمانی گوید که بنیاد از خشت پخته و گچ نهاد دلیل کند که وی را مالی حرام
حاصل شود و اگر بیند که بنیاد از خشت خام و گل نهاد دلیل کند که مال حلال یابد و اگر از خشت
خام بنیادی در هوا عالی بر شده بیند دلیل کند بر کارهای نیک دانیال گوید اگر بیند
که دیوار را بنیادی از خشت خام بر آورد دلیل کند که بزرگ همت باشد در کار دین اگر
بیند که از گچ و خشت پخته بر آورد دلیل کند که بزرگ همت باشد در کار دنیا و اگر بیند
که از سنگ و آهک بر آورد دلیل کند که در امل و کارهای دنیا مغرور گشته باشد و اگر بیننده
خواب بنا بود و مزد ستاند دلیل کند که منفعت از جنس یابد و اگر بیند که بنیاد دیواری
از خشت پخته بر آورد دلیل کند که منفعت از پادشاه یابد و اگر بیند که از خشت خام و گل
بر آورد دلیل کند که منفعت از مردم یابد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که اگر
بیند که شهری را بنیاد کرد دلیل کند که خلقی را در پناه خویش گیرد و اگر بیند که قلعه را
بنا کرد دلیل کند که از شر دشمنان ایمن شود و اگر بیند که کوشکی را بنا کرد دلیل کند
که مشغول در کار دنیا بود نه در راه دین و اگر بیند که سرائی را بنا کرد و در وی نشست دلیل
کند که نفع و خیرات یابد و اگر بیند که مسجدی بنا کرد دلیل کند که قومی را بکاری
صلاح جمع آرد و اگر بیند که مناره را بنا کرد دلیل کند که نام وی بخیرات منتشر گردد
و اگر بیند که طراری بنا کرد دلیل کند که زن خواهد و اگر بیند که دکانی را بنا کرد دلیل
کند که در رنج و غم گرفتار شود و اگر بیند که آسیابی بنا کرد دلیل کند دلیل کند هم
بر غم و اندیشه و اگر بیند که باغی را بنا کرد دلیل کند که زنی توانگر و پارسا را هم بزن کند
و اگر بیند که گورستانی را بنا کرد دلیل کند که بشغل آخرت مشغول گردد و اگر بیند که قبه
بنا کرد دلیل کند که بزرگی و منزلت جوید و بدان که هر بنیادی را که بیند که آن را
تمام کرد دلیل کند که کارش در دین و دنیا تمام گردد و مرادش بتمامی حاصل شود
و اگر تمام نکرد دلیل کند که کارش ناتمام بود بر قدر آن **پنیر** ابن سیرین

گوید که پنیر مال و روزی بود خداوند خود را بر قدر آنچه دیده باشد و پنیر تر بهتر و پسندیده تر
از پنیر خشک بوده باشد کرمانی گوید که پنیر خشک روزی اندک بود که در دست
بیننده خواب را حاصل شود و پنیر تر مال بسیار بود که در حضر وی را بدست آید
جابر مغربی گوید که پنیر تر نعمت و مال بود خداوند خواب را که آسان بدست آید
و پنیر خشک سفر باشد با اندکی منفعت و اگر بیند که نان و پنیر همی خورد دلیل
کند که در سفر وی را اندک مایه مالی با غم و اندوه حاصل شود و بعضی از معبران
گفته‌اند که علتی بدو رسد ولیکن از آن علت زود باز رهد **پنبه** بدان که استادان
این صناعت را در تاویل پنبه خلاف است بعضی از معبران گفته‌اند که دیدن
پنبه در خواب سفری بود دراز و با غم و اندوه و رنج تن و بعضی گفته‌اند که مهتری بزرگ
بود که از وی خیر و منفعت یابد و ثنای نیکو و بعضی گفته‌اند که فرزند باشد و بعضی
گفته‌اند که بیماری بود اما آنکسان که حکم بیماری کردند گفته‌اند او بگونه زرد است و
میوه که بگونه زرد بود دلیل بر بیماری کند و آنان گفته‌اند که سفری دراز است با غم
و اندوه و رنج تن بدان معنی که بخبر آمده است که جبرئیل علیه السلام با آدم بوقت
بیرون آمد از بهشت پنبه داد پس حکم کردند بسفر دراز با غم و اندوه و رنج تن زیرا
که سفر آدم از بهشت بدنیا بود با چندان غم و رنج و اندوه که بدو رسید و آنان
که حکم او بفرزند کردند بدان معنی گفته‌اند که چون آدم علیه السلام بدنیا آمد
و آنان به بخورد از خوردن او منی وی زیادت گشت زیرا که از میوه‌های بهشت
بود لاجرم چندان فرزندان از او بوجود آمدند و آنان که گفته‌اند که از مهتری بزرگ
خیر و منفعت و ثنای نیکو یابد بدان معنی گفته‌اند که دهنده آن به جبرئیل بود
و ستاننده آن آدم و از بوی خوش وی بنای نیکو بود پس چنان دان که هر
جوابی که استادان تاویل کردند از گزاف نگفته‌اند بلکه از اصول گفته‌اند و نیز
حکم تاویل خوابها تمام ظاهر کردند تا کتابها در آن دراز نشود کرمانی گوید
که پنبه در خواب بیماری بود خاصه که نه بوقت وی بینند و هر چه بگونه زردتر باشد

بیماری صعب‌تر بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن پنبه در خواب
چون بوقت وی بیند و بگونه سبز بود تاویل فرزند باشد و چون نه بوقت وی
بیند و بگونه زرد بود بیماری بود **بهار** ابن سیرین گوید که فصل بهار در خواب
پادشاه بود اگر بیند که فصل بهار بود و هوا نامعتدل بود یعنی گرم بود یا سرد چنانکه
از گرمی یا سردی مردمان را مضرت و زیان رسد دلیل کند که اهل آن دیار را از پادشاه
رنج و زیان رسد و اگر بیند که هوا معتدل بود و جهان خرم گشته از گل و شکوفه و ریاحین
و مردم را رنج و مضرت نبود دلیل کند که اهل آن دیار از پادشاه خیر و راحت رسد
و چنان دان که فصل بهار را بوقت خویش بهتر بود که بیند زیرا که چون بهار بوقت خویش
بیند بدان نشان گفته شد دلیل کند که عز و جاه و دولتش بر زیادت شود و مردم عالم
را از پادشاه قوت و نصرت باشد و عدل و انصاف پادشاه بر زیادت بود و تاویل
فصل پائیز هم برین سان بود که یاد کرده شد **بهشت** ابن سیرین گوید که بهشت
خرمی و مژده باشد از خدای عز و جل بخیرات **قوله تعالی** ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ
و اگر بیند که از میوه‌های بهشت فرا گرفت یا کسی بدو داد و بخورد دلیل کند که بقدر
آن خیر و نیکی یابد و اگر بیند که میوه بهشت فرا گرفت و در آنجا بخورد دلیل کند
که علم و صیرت دین داند و سودش ندارد و اگر بیند که با حوران بهشت همی بود دلیل
کند که کارهای نیکی بر وی آسان شود و اگر بیند که در بهشت مقیم شد دلیل کند
که دنیا با نعمت و اقبال بود تا بوقت مرگ و اگر بیند که خواست که در بهشت شود
ولیکن وی را نگذاشتند دلیل کند که در دنیا میلش بفساد و عصیان بود و اگر بیند
که در بهشت از برابر وی بسته شد دلیل کند که پدر و مادر از وی ناخشنود بود و اگر
بیند که بنزدیک بهشت شد و با نکرهید دلیل کند که بیمار گردد و بحال مرگ و بعد از آن
شفا یابد و اگر بیند که فرشتگان دست وی بگرفتند که در بهشت رود و او نرفت دلیل
کند که از راه دین باز داشته بود و اگر بیند که کسی وی را گفت که اندر بهشت شو دلیل
کند که میراث یابد و اگر بیند که شمشیر کشیده اندر بهشت شد دلیل کند که امر معروف

کند و اگر بیند که در بهشت بزیر درخت طوبی نشست دلیل کند که مرادهای دو جهان
بیابد **قوله تعالی** طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ و اگر بیند که در بهشت شراب یا شیر
یا شامید دلیل کند که از علم و حکمت غنی گردد و اگر بیند که از خوردن نعمتهای
بهشت وی را منع همی کردند دلیل کند که تباهی دین وی باشد **قوله تعالی** وَمَن
يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ و اگر بیند که از میوه‌های بهشت بکسی
داد دلیل کند که آن کس را از علم وی بهره بود و اگر بیند که در بهشت آتش انداخت
دلیل کند که از باغ کسی چیزی حرام بخورد و اگر بیند که کوشکی از کوشکهای
بهشت بدو دادند دلیل کند که ولایتی یابد یا کنیزکی بزن کند جابر مغربی گوید
اگر بیند که رضوان در برابر وی خرم و شادمانه بود دلیل کند که وی را خرمی و شادی بود
و نعمت یابد **قوله تعالی** سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ و اگر
بیند که بر جایگاهی بلند و نیکو بود بر صورت بهشت و او را بهشت پنداشت دلیل کند
که او با پادشاهی عادل پیوسته شود یا با توانگری سخی یا با عالمی بزرگوار و اگر بیند
که سوی بهشت همی رفت دلیل کند که بر راه حق پیوسته باشد حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام گوید که دیدن بهشت در خواب بر نه وجه بود یکی علم باشد دوم
زهد باشد و سوم منت چهارم شادی پنجم بشارت ششم ایمنی هفتم خیر
هشتم برکت نهم سعادت پس چون بخواب در بهشت بود دلیل کند که آرزوی
دو جهانی بتمامی بیابد و بر دست وی خیرات بسیار رود اما چون مصلح بود
به بیماری یا به بلائی مبتلا گردد چنانکه بهشت وی را واجب شود بر این دعوی
اسم و عالم گردد چنانکه از علمش مسلمانان را منفعت رسد **پهلو** ابن سیرین
گوید که پهلو در خواب زن بود اگر بیند که پهلوی چپ وی آماسیده داشت دلیل کند
که جفت وی آبستن شود و اگر بیند که هر دو پهلوی وی آماسیده بود دلیل کند که عیال
و کنیزکی وی آبستن شود و اگر بیند که پهلوی وی سوراخ شده و پاره گوشت خون
آلود از پهلوی وی بیفتاد دلیل کند که عیالش بچه بی هنگام بیفکند و اگر بیند که

هردو دست وي بر سينه نهاده بود دليل كند كه ويرا غمي بزرك پيش آيد كرماني كويد
اكر كسي بيند كه استخوانهاي پهلويش شكسته بود دليل كند كه از جهت بد معاد و يا
از جهت عيال غم خورد واكر بيند كه پوست پهلوي چپ وي جدا شد وبيفتاد دليل
كند كه مال برود وعيالش هلاك شود واكر بيند كه پهلوي وي بند شده بود دليل كند كه
عيالش رنجور شود واكر بيند كه پهلوي وي سوراخ شد واز وي مرواري ياكوهر بيفتاد
دليل كند كه فرزندي عالم يا پارسا بيايد واكر بيند كه هردو پهلوي وي در هم آمد
دليل كند كه ويرا غم واندوهي رسد واكر بيند كه پهلوي وي بزرك شده بود دليل كند بر
درستي وقوت احوال عيال وي واكر بيند كه پهلوي وي كوچك وضعيف شده بود
تاويلش بخلاف آن باشد كه ياد كرديم جابر مغربي كويد كه پهلوها ديدن در خواب دليل
بر زنان كند زيرا كه آفريده از پهلوي فرزند بس هر دو نوش كي در خواب اندر پهلو بيند
دليل كند كه آن برزن افتد واكر بيند كه وي را پهلوهاي بسيار بود دليل كند كه بر قدر
آن ويرا از زنان وكنيزكان بود واكر بيند كه از پهلوي وي ماري بيرون آمد دليل كند
كه ويرا فرزندي بيايد حضرت امام جعفر صادق عليه السلام كويد كه ديدن پهلو در خواب
بر پنج وجه بود يكي زن باشد دوم دختر سوم كنيزك چهارم خادم پنجم پيرزني كه در
خانه بود بوتيمار ابن سيرين كويد كه بوتيمار بخواب مال وروزي حلال بود
كه از زن بدو رسد واكر بوتيماري را بيند كه بكرفت يا كسي بدو داد دليل كند كه قدر
بزركي وفربهي وي از زن مال وروزي يابد واكر بيند كه وي را بكشت واز كوشت
وي بخورد دليل كند كه بر قدر آن از مال زن بخورد كرماني كويد كه ديدن بوتيمار دليل
بر زني كند از خويشان وي اكر بيند كه بوتيمار را بكرفت دليل كند كه از خويشان
خود زني خواهد واز وي منفعت يابد بوريا ابن سيرين كويد كه اكر كسي بيند
كه بخواب بوريا كند سفله وخسيس بود ومبتلا كردد بزني بي اصل وضعيف
بود واز هر دمان وي را بدان شغل ملامت وسرزنش بود واكر بيند كه بوريا
تمام ببافت وسيري شد دليل كند كه شغل خويش را تمام كند واكر بيند كه از بوريا

انارهاي

انارهاي خانه همي بافت دليل كند كه بكدخدائي خويش مشغول شود واكر بيند كه بوريا
بهر كسي ديكر همي بافت دليل كند كه بشغل كسي ديكر مشغول كردد يعني كدخدائي
وشغل زنان چنانكه ياد كرديم جابر مغربي كويد اكر بيند كه بوريا داشت يا كسي بدو
داد دليل كند كه از زني ويرا منفعت رسد بر قدر بزركي وكوچكي بوريا حضرت
امام جعفر صادق عليه السلام كويد كه ديدن بوريا بخواب بر سه وجه بود يكي منفعت
اندك دوم خواستار زن شدن سوم بكدخدائي خويش مشغول شدن بوزنه
ابن سيرين كويد كه بوزنه در خواب دشمن ملعون بود وفريبنده واكر بيند كه بوزنه
نشسته بود وآن بوزنه مطيع وفرمان بردار وي بود دليل كند كه بر دشمن چيره كردد
وويرا قهر كند واكر بيند كه با وي نبرد همي كرد وبر وي چيره شد دليل كند كه
بيمار كردد واز بيماري شفا يابد واكر بيند كه بوزنه بر وي چيره شد دليل كند كه از
بيماري شفا نيابد يا عيبي در تن وي پديد آيد كه آن عيب هرگز از وي زايل
نشود كرماني كويد اكر بيند كه بوزنه را بكشت دليل كند كه دشمن را قهر كند واكر
بيند كه از كوشت وي بخورد دليل كند كه بيمار شود يا در رنج ومحنتي كرفتار شود
واكر بيند كه كسي بوزنه را بدو بخشيد دليل كند كه كسي دشمن ويرا ظاهر كند وبدو
نمايد جابر مغربي كويد اكر كسي بيند كه بوزنه را بكشت دليل كند كه بيمار شود و
بعد از آن درست كردد واكر بيند كه بوزنه بر اسب وي نشسته بود دليل كند كه
جهودي با زن وي فساد كند دانيال كويد كه بوزنه نر مردي مفسد وفريبنده
بود وبوزنه ماده زن مفسد وجادو باشد اكر بيند كه بوزنه ماده داشت يا كسي
بدو داد دليل كند كه زني بخواهد بدان صفت كه كفته شد واكر بيند كه بوزنه را
بكشت دليل كند كه از زن مفسده جدا كردد واكر بيند كه بوزنه در خانه وي
آمد دليل كند كه اندران خانه زني ويرا جادوئي كند واكر بيند كه بوزنه با وي
سخن كفت دليل كند كه زن با وي در اندرباني كند واكر بيند كه بوزنه نر بخانه وي
در آمد دليل كند كه مردي مفسد بخانه وي در آيد وافسانها وجادوئي كند اندر

عيال وي تا ويرا بر هيد واكر بيند كه بوزنه وي را بكزيد دليل كند كه بيمار شود يا از عيال
خويش دشنام شنود وسخن زشت واكر بيند كه بوزنه را چيزي داد يا بخورد دليل كند
كه مال خويش بر اهل بيت خود هزينه كند پوست دانيال كويد كه پوست تن مردم در خواب
آرايش وكدخدائي مردم باشد ابن سيرين كويد كه پوست تن مردم ستر وبركت بود
در مال اكر كسي پوست تن خويش را بر خاسته بيند واوفتاده دليل كند كه ستر وي كشاده
شود ومالش تلف كردد وآب روي وي بشود واكر پوست خويش را سياه وكبود بيند
دليل كند كه غم واندوهش رسد واكر بيند كه پوست پايش سياه وروشن بود دليل كند
كه كار وي ساخته شود كرماني كويد كه ديدن پوست جمله چهارپايان بخواب فايده ومال
بود وپوست شتر ميراث باشد از مردي بزرك وپوست كوسفند روزي وفراخي و
عيش بود وپوست درخت روزي بود صاحبش را اكر پوست درخت تير بشد خدا
وندش روزه دار بود واكر بيند كه پوست از مسلوخ باز ميكرد دليل كند كه از آنكس
كه بدان كشته منسوب بود مال ستاند ومنفعت يابد واكر بيند كه سراي را بنا كرد
از بهر پوست باز كردن دليل كند كه اكر آنكس قصاب باشد اندر سراي وي ديوار
نهند واكر معلم بود وبر كودكان ستم كند بزخم چوب جابر مغربي كويد اكر بيند
كه بخواب پوست همي كرد دليل كند كه آن كس شغلهاي كهن وتباه شده را بصلاح
آرد از جهت پادشاه وغير وي يا ميانجي پادشاه كند از جهت اميران وبزركان كه
پادشاه وشغلهاي ايشان پوستين ابن سيرين كويد اكر كسي در خواب بر خويشتن
پوستين بيند ووقت زمستان بود دليل كند كه چيزي بدو رسد كه بدان معيشت
كند واكر وقت تابستان بود دليل كند كه چيزي بدو رسد وليكن سرانجام غمكين
ومستمند شود كرماني كويد اكر كسي بيند كه پوستين كوسفند يا بره يا بزغاله
پوشيده داشت دليل كند كه زني توانكر را بزن كند واز وي خير ومنفعت يابد واكر
بيند كه پوستين روباه نو پوشيده داشت دليل كند كه زن ناپارسا وفريبنده را
بزن خواهد واكر بيند كه پوستين سمور پوشيده داشت دليل كند كه زن بخواهد

كه بكار دين

كه بكار دين سست بود واكر بيند كه پوستين خركوش پوشيده داشت دليل كند كه زني بدو
شوم را بزن خواهد واكر بيند كه پوستين سنجاب پوشيده داشت دليل كند كه زني بدخوي
ناسازكار را بزن كند واكر بيند كه پوستين كربه پوشيده داشت دليل كند كه زني
را بزن خواهد كه او دزد بود واكر بيند كه پوستين وشق پوشيده بود دليل كند كه زني توانكر
ومتكبر را بزن خواهد واكر بيند كه پوستين خنك پوشيده داشت دليل كند كه
زني محتشم ومالدار را بزن خواهد واكر بيند كه پوستين حواصل پوشيده بود دليل
كند كه زني اصيل دين دار را بزن خواهد واكر بيند كه پوستين موش پوشيده بود دليل
كند كه زني بيند كار وناشايست را بزن خواهد واكر بيند كه پوستين وي دريده يا سوخته
بود دليل كند كه بر غم واندوه ونقصان مال بوسه دادن ابن سيرين كويد اكر
بيند كه كسي را بوسه همي داد دليل كند كه آنكس را خير ومنفعت رسد يا آنكس را دوست
وخواستار شود واكر بيند كه كسي را معروف وي را بوسه همي داد دليل كند كه آن
كس خير ومنفعتي بدو رسد واكر آنكس كه مجهول بود انجائي كه طمع ندارد خير ومنفعتي
بدو رسد كرماني كويد اكر بيند كه مردي بشهوت بوسه همي داد دليل كند كه با ميكدي
كه داده برسد وبر دشمن ظفر يابد واكر بيند كه بوسه بي شهوت همي داد
دليل كند كه از بهر مردي خيري كند يا وي را بدعاي خير ياد داده واكر بيند كه
مرده بوسه همي داد دليل كند كه از مال يا از علم آن مرده چيزي بدو رسد واكر بيند
كه كنده پيري را بوسه همي داد دليل كند كه طالب دنيا شود واكر بخلاف اين بيند دليل
كند كه از دنيا مقصود وكام دل بيابد حضرت امام جعفر صادق عليه السلام كويد كه بوسه
دادن دليل بر چهار وجه بود يكي خير ومنفعت باشد دوم حاجت روايي سيوم
بر دشمن ظفر يافتن وچهارم سخن خوش شنيدن بوق ابن سيرين كويد اكر
بيند كه در خواب بوق همي زد واو بوق زدن داند دليل كند كه هر كس را از نهان
كار خويش را آكاهي دهد واكر بيند كه بوق زدن نداند دليل كند كه در كاري بود كه
دران كار راه نبرد كرماني كويد اكر كسي بيند كه در خواب بوق همي زد دليل كند

که درمیان مهتران دروغ کوید وآن دروغ را بسو کند راست کند وسرانجام ظاهر
شود که کفتار وی دروغ بود پس شرمسار و خجل کردد جابر مغربی کوید که بوق زدن بتاویل
مردم را مصیبت باشد وزنان را رسوایی ظاهر شدن وازایشان حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام کوید که بوق زدن درخواب برچهار وجه بود یکی خبر مکروه باشد دوم
سخن دروغ بر اندازه بانك وی وسیوم ظاهر شدن راز خویش وچهارم مصیبت بود
بول ابن سیرین کوید که بول بخواب پادشاه بود یا مردی بزرکوار که مردمان بسبب
وبرادهای خویش برسند ودلیل کند که ازچنین مردم مقصود که دارد حاصل شود
کرمانی کوید که بول بتاویل نیکویی بود اکر بیند که بر بول بکذشت دلیل کند که ویرا از
پادشاه عز وجاه بود وکام دل بیابد اکر بیند که بنیاد بول همی نهاد وعمارتش همیکرد
دلیل کند که ولایت وپادشاهی یابد ومال بسیار دویرا جمع شود قوله تعالی
وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ : حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
کوید که دیدن بول درخواب برچهار وجه بود یکی مردی بود که مردمان را بکار آید و
حاجتهای هرکس روا کند دوم پادشاه وسیوم نیکویی وکامرانی دریافتن وچهارم
مال بسیار حاصل شدن واکر بیند که بول بیفتاد وخراب شد دلیل کند بر هلاك ونقصان
آن چیزها که بیان کرده شد بوم ابن سیرین کوید که بوم مرد دزد ناپاك ونابکار وحسود
بود چنانکه آویزد در مردم بهرچیزی وخصومت کند اکر بیند که با بوم جنگ همی کرد دلیل
کند که وی را با چنین مردی خصومت کند وبهرحال دیدن بوم نامبارك باشد جابر
مغربی کوید اکر کسی بیند که بومی داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که با مردی دزد وحسود
ویرا صحبت ودوستی افتد واکر بیند که بومی را بکشت دلیل کند که مردی دزد قهر کند
وبروی چیره کردد واکر بیند که ازکوشت بوم همی خورد دلیل کند که بقدر آن اموال مردی
دزد وی را حاصل شود واکر بیند که بچه بوم داشت دلیل کند که ویرا غلام کوچك
دزد یا شاکردی خرد بود بویها ابن سیرین کوید که بویهای خوش دلیل کند
بر ثنای نیکو ومدح وستایش خداوند خواب را بویهای ناخوش درخواب

دلیل کند

دلیل کند بر خلاف این که کفتیم واکر بخواب بوی خوش بسیار بیند دلیل کند بر
مرك وی که مرده را از حنوط وبوی خوش کردن وناکزیر بود کرمانی کوید اکر
کسی بیند که وی را خوشبوی کرده دلیل کند که ویرا بنزدیك مردمان ثنا وستایش
کند ونیکی وی را منتشر کرداند اکر بخلاف این بیند دلیل کند که ویرا پیش مردمان
عیب ونکوهش کند ونام وی بزشتی منتشر کرداند درمیان مردمان آرزو باد
پی ابن سیرین کوید که پی درخواب جمع کننده حال کار وی باشد واکر بیند که پی
از اندام وی خشك یا کسسته کشت دلیل کند که دوستی که جمع کار وحال اش از و
باشد وازوی غایب شود یا ازدنیا رحلت کند واکر بیند که جمله پیهای تن وی
خشك شدند دلیل کند ازجمله دوستان خویش مفارقت جوید کرمانی کوید که پیهای
تن دلیل بر خویشان واهل بیت وی کنند اکر بیند که پیهای تن وی قوی ودرست بند
دلیل کند که خویشان واهل بیت وی را احوال قوی ونیکو بود واکر بیند که بخلاف
این بود دلیل کند که احوال خویشان واهل بیت او بد وضعیف شد بیابان
دانیال کوید که بیابان درخواب قسمت وروزی بود برقدر بزرکی وفراخی وی اکر بیند
که دربیابان شما بود دلیل کند که ازکسب خویش نعمت ومال بسیار حاصل کند واکر
بیند که با کاروان یا با کروهی دربیابان همی کشت دلیل کند که مال ونعمت بروی از سفر
جمع کند ودر خیرات بروی کشاده کردد ابن سیرین کوید اکر کسی بیند که از بیابان بیرون
آمد دلیل کند که ازغم واندوه رسته کردد واکر بیند که دربیابان شد دلیل کند که غمکین ومستمند
شود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که بیابان درخواب برچهار وجه بود یکی قسمت
وروزی دوم تحیر وسرکشتکی سیوم عنا ورنج چهارم مخاطره مکر که ازوی زود بیرون
آید پیاز کرمانی کوید که پیاز دیدن درخواب مال حرام بود وکفتار زشت ونا
خوش اکر بیننده خواب مصلح ومستور بود بجهد خویشتن را ازخوردن آن دور
کند واکر بیننده خواب مصلح ومستور باشد دلیل کند که مال حرام جمع آورد وپیوسته
درپس وی سخنهای زشت کویند خاصه چون پیاز خام خورد واکر پیاز پخته خورد

دلیل کند که سرانجام ازحرام خوردن توبه کند وبخدای بازکردد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
کوید که دیدن پیاز درخواب برسه وجه بود یکی مال حرام باشد ودوم غیبت وسخن زشت
وسیوم پشیمانی درکارها پیاله ابن سیرین کوید که پیاله درخواب کنیزکی بود که باوی
عشرت وخفت وخیز کند اکر بیند که از پیاله آب یا جلاب همی خورد دلیل کند
که با کنیزکی بحلال جمع شود وآن کنیزك ازوی فرزندی مصلح بیاید واکر بیند که آن آب یا
جلاب را از پیاله بریخت دلیل کند که فرزندش بمیرد واکر بیند که از پیاله سنکی یا پیند
یا چیزی که مستی کند همی خورد تاویلش بخلاف این باشد حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام کوید که دیدن پیاله درخواب بردو وجه بود یکی کنیزك باشد دوم خادمی
که مشرف هو یج خانه باشد بیت المعمور بدانکه بیت المعمور خانه بود در آسمان
چهارم برابر کعبه واو حجکاه فرشتکان بود ابن سیرین کوید که اکر کسی بیند که در
بیت المعمور شد دلیل کند که درمیان خلق با مامی یا بعلم ظاهر کردد وحج کند واز
شر دشمن ایمنی یابد واکر بیت المعمور بزمین بیند دلیل کند که با پادشاه عادل
پیوسته کردد واکر بیند که در بیت المعمور مقام ساخت یا بخفت دلیل کند که اجل
وی نزدیك آمده باشد واکر بیند که پیرامن بیت المعمور طواف همی کرد دلیل کند
که ازدنیا رحلت کند واکر بیت المعمور را بکردار مسجد دید ودروی دو رکعت نماز کرد دلیل
کند که همه حاجتهای وی روا کردد کرمانی کوید اکر بیند که اززمین تا بیت المعمور راه کشاده
بود دلیل کند که از زبان سالار مردمان حج وعمره بسیار کند واکر بیت المعمور را آراسته
دید وفرشتکان را درانجا آمد شد می کنند دلیل کند که کار علما واهل دین بنظام
شود وعز وجاه وبزرکی یابد پیراهن دانیال کوید که پیراهن سپید درخواب دین
بود وبعضی ازمعبران کفته اند که پیراهن زن باشد ابن سیرین کوید که پیراهن درکار
وحال پوشنده وی باشد ودر کسب ومعیشت اکر بیند که پیراهنی نو وباریك
وفراخ پوشیده بود دلیل کند که بر صلاح کار وخوبی احوال وی واکر بخلاف این بیند
دلیل کند بر فساد کار وبدی احوال واکر بیند که برخی از پیراهن وی دریده یا سوخته

بود حکم

بود حکم تاویلش میانه بود در نیکی وبدی واکر بیند که پیراهن وی کهن وچرکین ودریده
شده بود دلیل کند بر درویشی وبیچارکی ورنج وغمی سخت که بدو رسد وهرچند که
پیراهن کهنه تر ودون تر بیند رنج وبلا ومصیبت بیشتر بود وباشد که خداوندش
هلاك شود ومالش در دنیا بفساد شود چنانکه ویرا نه مال بود ونه کار وکسب
ومعیشت دنیا واکر بیند که پیراهن خویش بدو داد وآن پیراهن را در پوشید
دلیل کند که پادشاهی ازوی بستانند کرمانی کوید اکر کسی بیند که پیراهن سپید
نو پوشیده داشت ودر زیر وی پیراهن کهنه وچرکین بود دلیل کند که بظاهر نیك بود
وبباطن بد واکر بیند که پیراهن ازتوری پوشیده داشت دلیل کند که منافق بود واکر بیند
که پیراهن وشلوار ودستار جمله کهنه وچرکین داشت دلیل کند که اکر توانکر بود درویش
شود واکر درویش بود درغم واندوه کرفتار شود جابر مغربی کوید اکر کسی بیند
که پیراهن نو پوشیده داشت دلیل کند که کارش خوب کردد واکر بیند که پیراهن
فراخ پوشیده داشت دلیل کند که عیش بروی فراخ شود واکر بخلاف این بیند عیش
بروی تنك کردد واکر بیند که پیراهن دریده داشت دلیل کند که رازش آشکارا شود
واکر بیند که پیراهن دراز پوشیده داشت دلیل کند که کارش بدرازی برآید واکر کوتاه
بود بخلاف این بود واکر بیند که پیراهن بی کریبان وبی آستین یکدرز پوشیده داشت
دلیل کند که اجل وی نزدیك آمده باشد واکر بیند که کریبان پیراهن وی ازسوی
پس دریده بود دلیل کند که تهمت کنند وی را بدروغ قوله عز وعلا وَإِنْ كَانَ
قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ : واکر بیند که کسی پیراهن داد وآن پیراهن بروی
فرومالید دلیل کند که آنکس پرغم شود وانجایکاهی وی را بشاشتی آید قوله تعالی
اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَٰذَا فَأَلْقُوهُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي : واکر بیند که پیراهن خون آلود در دست
وی بود دلیل کند که روزکاری دراز درغم واندوه بماند قوله تعالی وَجَاءُوا عَلَىٰ
قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ واکر بیند که پیراهن پاره پاره پوشیده است دلیل کند که کارش
پراکنده شود وراز وی آشکارا شود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که

دیدن پیراهن در خواب چون نو و فراخ بود بر شش وجه باشد یکی دیدن مردم دین دار
دوم ستر و سیوم عیش خوش و چهارم ریاست و پنجم رامش و خرمی و ششم بشارت بود
پیرایه ابن سیرین گوید که پیرایهٔ زنان دلیل کند بر مال و زینت زن و کنیزک بر قدر
قیمت پیرایه که دیده باشد کرمانی گوید اگر بیند که پیرایهٔ آراسته بجواهر پوشیده داشت
دلیل کند که بر قدر آن ویرا مال و خواسته حاصل شود و اگر بیند که پیرایهٔ وی ضایع
شد دلیل کند که وی را غم و اندوه و زیانی رسد و اگر دید بیند که وی پیرایهٔ پوشیده
داشت دلیل کند که غمگین و اندوهگین شود پیروزه ابن سیرین گوید که پیروزه در
خواب ظفر بود و قوت و حاجت روائی و اگر بیند که پیروزه داشت یا بخرید یا کسی
بوی داد دلیل کند که حاجتهای وی روا شود و بر دشمنان ظفر یابد و اگر بیند که
پیروزه از وی ضایع شد دلیل کند که تاویلش بخلاف این باشد جابر مغربی
گوید که اگر بیند که پیروزه بخروار داشت دلیل کند که بر قدر آن وی را مال و خواسته
شود و بزرگی و شرف یابد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن پیروزه
در خواب بر چهار وجه بود یکی ظفر یافتن دوم حاجت روائی سیوم قوت چهارم ولایت
پیری ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که پیر شد و محاسن وی سپید گشت دلیل
کند که عز و بزرگی یابد و اگر پیری مجهول را بیند دلیل کند که از دوست بزرگی یابد
و مرادهاش حاصل شود و از غمها رسته گردد و اگر پیری معروف را بیند اگر خرم و گشاده
روی بود دلیل کند که از وی چیزی بدو رسد اگر وی را غمگین و ترش روی بیند تاویلش
بخلاف این باشد جابر مغربی گوید اگر بیند که او جوان شد دلیل کند که عز و بزرگی
وی نقصان شود و در دنیا مغرور گردد و اگر جوانی یا کودکی بیند که او پیر شد تاویلش
بخلاف این باشد و بکار آخرت مشتغل گردد پیسی ابن سیرین گوید که پیسی
در خواب مال و توانگری باشد اگر بیند که تن وی پیس گشت دلیل کند که بر قدر آن
وی را مال و نعمت حاصل شود و بعضی از معبران گفته اند که پیسی در خواب میراث
بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید دیدن پیسی در خواب بر پنج وجه

بود اول مال دوم میراث سیوم منفعت چهارم ثواب از ایزد عز و جل پنجم
پدید آمدن کار مشکل جابر مغربی گوید که اگر بیند که با مردی پیس وی را دوستی و
صحبت بود اگر آن مرد مصلح بود دلیل کند که از کسی ویرا منفعتی آخرتی باشد و
اگر آن مرد مفسد و بخیل بود دلیل کند که از کسی ویرا از حرام منفعتی رسد
پیشانی ابن سیرین گوید که پیشانی در خواب قدر و جاه مردم بود زیرا که موضع
سجده گاه ایزد تعالی است و بعضی گفته اند که پیشانی دلیل بر فرزندی کند که از اهل
بیت او توانگر گردد و اگر بیند که بر پیشانی وی نشان سجده باشد دلیل کند که
خداوندش در باک دینی و پرهیزکاری مشغول شود و اگر بیند که کسی زخمش بر پیشانی
وی زد و خون از وی روان شد دلیل کند که قدر و جاهش زیادت شود و اگر بیند
که پیشانی وی کوچک شد تاویلش بخلاف این باشد و اگر بیند که پیشانی وی
از گونه بگشت دلیل کند که زیانی بدو رسد و اگر بیند که بر پیشانی او موی رسته بود
دلیل کند که وام دار شود و اگر بیند که آن موی بگونه سرخ باشد دلیل کند که وامش
از جهت عیال باشد و اگر بیند که پیشانی وی آماس داشت دلیل کند که مالش
زیادت شود و اگر بیند که حدادی یا کژدم یا چیزی از گزندگان پیشانی وی بگزند دلیل
کند که بر قدر آن وی را از دشمن گزندی و زیانی افتد جابر مغربی گوید که اگر بیند که
بر پیشانی یک چشم داشت و بدو نیک همی دید دلیل کند که بکار و کد خدائی خویش
بیدار بود و اگر بیند که بر پیشانی بسیار چشمها داشت دلیل کند که آنچه گفتم بیشتر و قوی
تر باشد و اگر بیند که بر پیشانی وی خطی سبز نوشته بود دلیل کند که ویرا فرزندی آید که
عالم و پارسا بود و اگر بیند که بر پیشانی وی آیت رحمت از قرآن نوشته بود دلیل کند
که عاقبتش محمود باشد و مرگ بر شهادت بود و اگر آیت عذاب بیند تاویلش
بخلاف این باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن پیشانی در
خواب بر شش وجه بود یکی جاه و قدر باشد دوم عز و بزرگی سیوم فرزند توانگر چهارم
معیشت پنجم ریاست ششم جود و نیکوئی باشد والله اعلم پیشی گرفتن ابن سیرین

گوید اگر بیند که بر کاری پیشی گرفت بر کسی آن دینی بود چنانکه در عاقبت یا حج و غزا
و احسان و آنچه بدین ماند دلیل کند که در آخرت رستگاری یابد و نزد خدای تعالی
ویرا کرامت و ثواب بود و حاجتی که دارد از حق تعالی روا شود و اگر بیند که بکار دنیائی
بر کسی پیشی گرفت دلیل کند که عز و اقبال یابد و کارهای وی بنظام شود و نعمت و
مال یابد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید پیشی گرفتن در خواب و کارهای
خیر و صلاح دلیل بر خیر و صلاح دو جهانی کند و در کارهای شر و فساد دلیل بر شر
و فساد دو جهانی کند پیشه ابن سیرین گوید اگر بیند که پیشهٔ خود رها کرد
و پیشهٔ دیگر بهتر از آن مشغول شد دلیل کند که کار و احوالش بهتر گردد و در کسب و کار
وی برکات پدید آید و اگر بخلاف این بیند دلیل کند که کار و احوالش بتر شود و اگر
بیند که پیشهای گوناگون همی کرد اگر آن پیشها نیک آید دلیل بر خیر کند و آن پیشها
بد باشد دلیل بر شر کند و اگر برخی از آن پیشها نیک بود و برخی بد نگاه کند که
کدام قوی تر باشد حکم بر آن کند و بدانکه حکم تاویل هر پیشه در اول حرف وی بیان
کردیم چنانکه آهنگری در حرف الف و دودگری را در حرف دال و جولاهی در
حرف جیم و پیشهای دیگر قیاس هم بدین سان بود که یاد کرده شد اینقدر معلوم باشد
بیشه ابن سیرین گوید که بیشه بخواب زنی بود بیابانی و اگر بیند که در بیشه شدی
آن بیشه را سبز دید و در وی درختان میوه دار خاصه بوقت وی و از میوههای
این بیشه همی خورد دلیل کند که زنی خواهد که اصل وی بیابانی بود یا کنزکی خرد که
در بیابان پرورده باشد و از آن زن ویرا خیر و منفعت رسد و اگر آن بیشه را از
سبزه و میوهها خالی دید تاویلش بخلاف این باشد و اگر بیند که در آن بیشه درختان
خاردار بسیار باشد و از آن خارها ویرا گزند رسد دلیل کند که ویرا غم و اندوه و ملامت
رسد از سبب زنان حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن بیشه در خواب
بر چهار وجه بود یکی زنی بیابانی باشد دوم کنیزک سیوم منفعت اندک
و چهارم غم و اندوه و ملامت پیچ اگر بیند که مصحف قرآن را بفروخت دلیل

کند که دین بنزدیک او [illegible] حقیر و خوار بود و اگر بیند که بندهٔ خویش را
بفروخت دلیل کند که کار بروی تنگ آید و ستمکر شود و اگر بیند که زن خویش را
بفروخت دلیل کند که حرمت و بزرگی از وی زایل شود از هر گونه که باشد و زشت نام
گردد مگر آنکه بجز این زن که بفروخت ویرا زنی دیگر باشد و اگر چنین بود برخی از اینکه
گفتم از وی زایل گردد و بعد از آن کارش دیگر باره بصلاح آید کرمانی گوید که هر چیزی
که در دین عزیز بود در فروختن آن خواب بد باشد و خریدن وی نیک و بدانکه
بیاع در خواب مرد بزرگ خطر و بسیار خطر پیشه بود انکه بهای آنچه فروخته شد
نستاند و اگر بهای آنچه فروخته شد بستاند تاویلش بخلاف این باشد پیغمبر
بدانکه تاویل پیغمبران را علیهم السلام بتمامی در فصل ثانی زدهم بترتیب و نظام
یاد کردیم تا اینقدر معلوم بوده باشد پیکان ابن سیرین گوید اگر بیند که پیکان
تیز داشت یا بیافت یا بخرید یا کسی بدو بخشید دلیل کند که وجه دستکاری
بدو رسد جابر مغربی گوید که دیدن پیکان خواب قوت بود در سختی که
بینندهٔ خواب یا خصم گوید خاصه که پیکانش پولاد و روشن باشد و اگر
شکسته یا زنگ گرفته بود دلیل کند که تاویلش بخلاف این باشد پیکر ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند که ویرا پیکری بود و از وی ضایع شد و یا از دست وی بیفتاد
و بشکست دلیل کند که زن را طلاق دهد یا از دنیا رحلت کند زن او و اگر
بیند که پیکری چهرهٔ خویش را بر صورتی دیگر دلیل کند که احوالش بگردد بمحل
آن چیز که خود را دیده بود کرمانی گوید اگر پیکر خویش را بصورت زشت بدل
گشته بیند از هر کدام جنس که باشد دلیل کند که حال بروی متغیر شود و اگر
بیند بحال صورت خویش باز گشت دلیل کند که توبه کند و بخدای باز گردد
و اگر پیکر خویش را باژگونه بیند دلیل کند که همه کس روی بگردانند و او را جفا
کنند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که پیکر آدمی یا پیکر جانوری دیگر همی کرد دلیل
کند که بد مذهب و دروغ زن بود یا در صفات عز و جل چیزی گوید و اگر بیند

کرپکر چیزي بکونۀ دیکر که نه از جنس وي بود بکشت دلیل کند که خداوند خواب را
کاري شکفت یا کاري صعب بدید آید که دران متحیر فروماند وبدانکه صورت در
خواب اکر مردي بود بر خداي عز وجل دروغ **پیل** ابن سیرین کوید که فرق نیست بنزدیك
معبران هیچ روي میان خواب روز و خواب دیدن شب الا در پیل ابن سیرین کوید
کا اکر کسی بشب در خواب بیند که بر پیل نشسته است دلیل کند که زن خواهد یا
بکاري بزرك برسد واکر این خواب بروز بیند دلیل کند که زن را طلاق دهد یا کنیزك
بفروشد واکر بیند که پیل را از انجاي برکرفت دلیل کند که بعز و منزلت بزرك برسد و
میراث یابد واکر بیند که پیل را بکشت دلیل کند که پادشاهي بزرك بر دست وي کشته
شود یا حصاري محکم ستاند واکر بیند که پیل پاي بر سر وي نهاد و او را بکشت دلیل
کند که بهلاك نزدیك کردد و حالش بد شود واکر بیند که بر پیلي نشسته بود وآن پیل
را دوست داشت دلیل کند که از خدمت پادشاه دیار خویش بخدمت پادشاهي
دیکر شود کرماني کوید اکر بیند که پیلي که سلاح پوشیده داشت او بر وي نشسته بود و
آن پیل مطیع وفرمان بردار وي بود دلیل کند که پادشاه عجم شود یا پادشاه عجمي را
قهر کند واکر بیند که از کوشت پیل همي خورد دلیل کند که بر قدر آن از پادشاه عجمي ویرا
مال ونعمت بود واکر بیند که از استخوان پیل یا از موي یا از پوست وي چیزي با
خویشتن داشت دلیل هم بر نعمت ومال کند که از پادشاه بدو رسد واکر
بیند که بهنکام رزم بر پشت نشسته بود دلیل کند که دشمني بزرك را قهر کند و بعضی
از معبران کفتند که دشمن وي را قهر کند و برین قول دلیل آورند قصه اصحاب الفیل
را واکر بیند که از پشت پیل بیفتاد دلیل کند که در بلا و سختي افتد واکر بیند که پیل
در میان جنك بیفتاد و بمرد دلیل کند که پادشاه آن دیار بهلاك شود جابر مغربي
کوید اکر بیند که از بهر تماشا بر پیل نشسته بود وآن پیل بر او قاهر بود دلیل کند که زني
عجمي را بنکاه بخواهد وآن زن بر وي قاهر باشد واکر بخلاف این بیند دلیل کند
که بر آن زن قاهر بود واکر بیند پیلي سلاح پوشیده داشت از آن شهر بشهري دیکر

هیرفت دلیل کند که ملکت پادشاه دیکر افتد و پادشاهي آن دیار وا از انجا بدیار
دیکر شود واکر بیند که پیل را بکشت دلیل کند که مردي عجمي نفت بزرك را قهر کند
واکر بیند که پیل را سر نبود دلیل کند که این چیزها که کفتیم سخت تر و قوي تر باشد واکر
بیند که پیل ویرا زیر پاي افکند و خواست که ویرا هلاك کند دلیل کند که پادشاه
بروي ستم وبیداد کند وویرا برنجاند حضرة امام جعفر صادق علیه السلم کوید که پیل
دیدن در خواب بر شش وجه بود یکي پادشاه عجمي. دوم مرد غلامباره. سیوم
مکار. چهارم مرد با قوت وهیبت. پنجم مرد محسود وخون خواره. ششم جنك
وخصومت. **پیلکوش** بدانکه پیلکوش نباتي بود که برکهاي وي سخت بزرك
باشد وشکوفه زرد دارد ودیدنش در خواب زني بود خادمه وبي اصل ودون
همت اکر بیند که پیلکوش داشت یا کسي بدو داد دلیل کند که زني خادمه بدان
بدان صفت که کفتیم ویرا حاصل شود واکر بیند که پیلکوش همي خورد دلیل کند که با
چنین زن ویرا الفت وخیز بود **پیلور** ابن سیرین کوید که پیلور در خواب
مانند طبیب وفقیه بود زیرا که طبیب بیمار انرا معالجت کند وفقیه مردمانرا
راه دین نماید وپیلور داروها فروشد واذین سبب مردمان خیر وراحت کند
پس ازین سبب تعبیرش دلیل بر خیر وسعادت کند جابر مغربي کوید اکر کسي بخواب
بیند پیلوري همیکرد دلیل کند که بهمه کسي ازو خیر ومنفعت دیني ودنیائي وي
رسد ونامش بنیکي دران دیار منتشر شود **پیل** ابن سیرین کوید که پیل
در خواب خادمي بود آنرا که نخواهد بدو کار کند پس اکر بدو کار کند بریده شدن آن
کار باشد واو طالب وي بود کرماني کوید که پیل در خواب خادمي بود دلیل که کار بستر کند
وسخن بنفاق کوید وبعضي کفتند که پیل کاري بود که رنج وعنا حاصل شود **بیماري**
ابن سیرین کوید که اکر کسي بیند که بیمار شده است دلیل کند که دین وي بفساد بود
وکفتار وي با مردمان بنفاق بود وبعضي کفتند که دران سال بمیرد واکر بیماري
بیند که تندرست شده بود ودرون خانه خویش بود وبا کسي سخن نمیکفت دلیل

کند که بیماري بروي دراز شود و بر خطر بود و باشد که بمیرد واما اکر بیند که با مردمان مجالست
میکرد وسخن میکفت دلیل کند که از بیماري زود درست کردد و شفا یابد کرماني کوید که
اکر بیند که بیمار و برهنه بود دلیل کند که زود بمیرد وعلي الجمله هر کس که بخواب بیمار بیند دلیل
کند دلیل کند که آنکس فاسق باشد وبعضي از معبران کفتند که وي را غم واندوه رسد
از قبیل سلطان یا از قبیل عیال جابر مغربي کوید بیماریهاي کوناکون در خواب دیدن
دلیل کند بر خوار داشتن فریضها وسنتها وناکذاردن حق کسي بر وي واجب شود
حضرة امام جعفر صادق علیه السلم کوید اکر کسي بخواب بیند که بیمار بود واز علت
خویش همي نالد دلیل کند که بقضاي عز وجل راضي نباشد ووجهي دیکر آنست که
اکر از علت همي نالید امین کردد واکر قانع و راضي باشد وصبر کند و شکر بجاي آورد و
اکر بیند که بیمار و برهنه بود دلیل کند که اجل وي نزدیك آمده باشد **قوله تعالی** لقد
جئتمونا فرادی کما خلقناکم اول مرة. **پیمانه** ابن سیرین کوید که پیمانه در
خواب نظام کار و انصاف وراستي بود با مردمان خاصه چون پیمانه راست باشد
وبعضي از معبران کفتند که پیمانه بتاویل میانجي بود واکر بیند که پیمانه فرا کرفت یا
کسي بدو داد دلیل آن بود که باید که انصاف وراستي کند در معاملت با مردمان
وآنچه ستاند ودهد باید که حق باشد تا کارش بنظام کردد واکر بیند که پیمانه بشکست
یا بسوخت دلیل کند که خداوندش را بیم مرك باشد کرماني کوید که پیمانه چیزي
را همي پیمود اکر اهل علم بود دلیل کند که قاضي کردد واکر اهل علم نبود دلیل کند که
از بهر داوري بقاضي محتاج شود وبدانکه پیمانه اکر بخواب بیند هر چه باشد راست
کوي ومنصف وداد دهنده مردمان **بیني** دانیال کوید که بیني در خواب جاه و
منزلت خداوندش باشد از هر زیادت ونقصاني که در بیني خویش بیند دلیل
کند که بر قدر ومنزلت او واکر بیند که بیني وي بلند کشته بود دلیل کند که بر قدر آن جاه
ومنزلت وي بلند شود واکر بیند که بیني وي کوتاه کشته بود دلیل تاویلش بخلاف
این باشد واکر بیند که بیني وي افتاده بود دلیل کند که از جاه ومنزلت بیفتد و

فرماید کرده واکر بیند که سوراخ بیني وي تنك شده معیشت بروي تنك کردد و
اکر بیند که سوراخ بیني وي فراخ شده بود تاویلش بخلاف این باشد ابن سیرین
کوید اکر کسي بیند که مغزش از بیني فرود آمد دلیل کند که از مهتري منفعت یابد
واکر بیند که از بیني وي جانوري فرود آمد چون کرم ومکس وماننده آن دلیل کند
که ویرا فرزند آید واکر بیند که در بیني وي سوراخ است و مهار در وي کرده دلیل کند
که مردمان را تواضع کند یا با زني بزرك جمع شود وا از نعمال ونعمت یابد واکر بیند
که سر بیني وي بسته بود چنانکه دم زدن نتواند دلیل کند که کار وي بسته کردد واکر بیند
سخن بر بیني همي کوید دلیل کند که دولتش زایل شود واکر بیند که پوست سر بیني وي رفته
بود دلیل کند که زیانش رسد کرماني کوید اکر کسي بیند که معبر را کوید که بخواب دیدم که از
بیني من خون افتد تاویلش آن است که مال بسیار یابد واکر بیند که از بیني من خون رفت
تاویلش آن است که مالش برود زیرا که معبر باید که تاویل بر لفظ کوینده کند ولفظ سائل را بفال
نکه دارد اکر بیند که هر دو سوراخ بیني وي یکي کشته بود دلیل کند که با زني عاقله جمع شود
واکر بیند که سر بیني وي بریده بود دلیل کند که فرزند خویش را حسنه کند وبعضي کفته اند
که جاه ومنزلت وي بنقصان شود جابر مغربي کوید که آنچه در بیني وي بکراهیت
شود خشم وکینه باشد واکر بیند که از بیني وي خون همي آمد چنانکه جامه وتن وي
از آن خون آلوده کشت دلیل کند که مال حرام بدو رسد خاصه که خون سیاه
وتنك باشد واکر خون ستبر واندك بود دلیل کند که ویرا فرزندي از شکم مادر بیفتد
وبعضي از معبران کفتند که درویش بود واکر بیند که خون بیرون آمد که جامه وتن
وي آلوده نکشت دلیل کند که فرزند یا زن خویش را از خانه بیرون کند یا بدیشان
کزند رساند واکر بیند که بیني وي بزمین افتاد دلیل کند که ویرا دختري آید و
اکر بیند که بیني خویش را مي شست دلیل کند که مردي زن وي را بفریبد واکر
بیند که از بیني وي جمنده یا مرغي بیرون آمد دلیل کند که چهارپایي که دارد بچه آرد
وبعضي از معبران کفتند که خون آمدن از بیني چیزي بود که از پادشاه یا از رئیس

آن دیار بدو رسد اسمعیل اشعث کوید اکر بینی خود را بر مثال خرطومی بزرک کشته
بیند یا زیادت یا کمتر از آن دلیل کند که بر قدر آن قدرت جاه وی بیفزاید وجاه و
قوت خویشان وپیوستکان وی واکر بیند که در بینی وی بوی خوش رفت دلیل
کند که ویرا فرزند مصلح بود واکر بیند که در بینی وی بوی ناخوش رفت تاویلش
بخلاف این باشد که یاد کرده شد جاحظ معبّر کوید اکر کسی بیند که بینی نداشت
دلیل کند که کسی از خویشان وی بمیرد واکر بیند که ویرا ده بینی بود دلیل کند که در میان
او وعیالش خلاف افتد واکر بیند که بوی خوش ببینی وی فرا داشت دلیل کند
که از کسی ویرا منفعت وآسانی رسد واکر بیند که خواب زن بود دلیل کند که پسری
مصلح بیاورد واکر بیند که کسی بوی ناخوش ببینی وی فرا داشت دلیل کند که از کسی خشم
فرو خورد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که دیدن بینی در خواب بر پنج وجه یکی
عز باشد دوم بزرکی سیوم مال چهارم فرزند پنجم عیش خوش **بیه** ابن سیرین
کوید اکر کسی بیند که پیه همی خورد دلیل کند که خیر ومنفعت وفراخی یابد واکر بیند که
پیه کوسفند داشت وازو همی خورد دلیل کند که بر قدر آن ویرا مال ونعمت حلال بود
واکر بیند که پیه جانوری همی خورد که کوشت آن حلال بود دلیل کند که بر قدر آن ویرا مال
حلال حاصل شود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که دیدن پیه در خواب بر سه
وجه بود یکی نعمت وفراخی باشد دوم مال ومنفعت سیوم کشایش کارهای بسته
بیهوشی کرمانی کوید اکر کسی در خواب بیند که بیهوش کشت چنانکه عقل از
وی زایل شد دلیل کند که کاری وی را پیش آید که در آن کشته ومتحیّر شود ولیکن
سرانجام کارش محمود باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که بیهوشی
در خواب بر دو وجه بود یکی دشواری کارها دوم تحیّر وکشتکی والله اعلم
حرف تا از کتاب کامل التعبیر **تاب دادن** ابن سیرین کوید اکر
کسی بخواب بیند که رسن یا ریسمان را تاب همی داد دلیل کند که بسفر رود وسفرش
بر قدر درازی وکوتاهی آن رسن یا ریسمان بود یعنی اکر رسن دراز بود سفر دور

کند واکر رسن یا ریسمان کوتاه بود سفرش نزدیکتر باشد واکر بیند که از بهر چیزی دوختن
رشته را تاب داد دلیل کند که از بهر مصلحت کاری کند یا از بهر راحت نفس ریاضت
کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که دیدن رسن وریسمان را تاب دادن
در خواب بر سه وجه باشد یکی سفر وتحویل دوم ریاضت نفس سیوم کشایش
کارهای فروبسته **تابستان** ابن سیرین کوید که تابستان در خواب پادشاه بود
اکر بخواب بیند که تابستان بود وکرمای سخت چنانکه مردمان را از کرما افتان زیان بود
دلیل کند که اهل آن دیار را از پادشاه زیان رسد واکر بیند که هوا سخت کرم نبود وافتاب
کس را زیان نمیداد دلیل کند که اهل آن دیار را از پادشاه خیر وسلامت رسد
وچنان دان که تابستان بوقت خویش بهتر که بیند کرمانی کوید اکر کسی در خواب
تابستان بیند بوقت خویش چنانکه جهان خرّم کشته بود ومیوها رسیده باشد
وبر درختان میوها بسیار بود دلیل کند که عز ودولت واقبالش بر زیادت شود وکار
وی بر مراد ساخته کردد ومردم عامه را از پادشاه نصرت وقوت بود وعدل وانصاف
پادشاه بر زیادت بود واکر تابستان نه بوقت خویش بیند وسبزه نباشد ومیوها
بر درختان کم بیند تاویلش بخلاف این باشد که یاد کرده شد **تابوت** ابن
سیرین کوید که تابوت بخواب زن بود وبعضی از معبّران کفته‌اند که تابوت نو و
بزرک عز وجاه باشد واکر بیند که تابوت نو وبزرک فرا کرفت یا بخرید یا کسی
بدو داد دلیل کند که بر قدر آن عز وجاه وبزرکی یابد یا زن کند واکر بیند که تابوت
وی بشکست یا ضایع شد یا بسوخت دلیل کند که عز وجاه وی کم شود ورنجور
واکردد یا زن وی از دنیا رحلت کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که تابوت
دیدن در خواب بر سه وجه بود یکی عز وجاه باشد دوم مرتبت سیوم زن
وبدانکه تابوت مرده را بخواب دیدن دلیل بر ستر وصلاح وکارهای پوشیده
کند **تاج** ابن سیرین کوید تاج در خواب پادشاهان را بود ملک وولایت وزنان
را شوهر باشد ومردم عامه را نیکوئی حال بود واکر بیند که در سر تاج داشت

از در مرصّع بجواهر دلیل کند که بزرکی ومنزلتی عظیم یابد ولیکن در دیدن راه شریعت
ضعیف بود واکر این خواب زن بیند شوهری کند که خداوند حشمت وجاه بود
در شغل دنیا کرمانی کوید که اکر بیند که پادشاه تاج بر سر وی نهاد دلیل کند که ویرا
از پادشاه بزرکی وفرمان روائی بود بر قدر وقیمت تاج وبر قدر وکوهرهائی که در آنجا
مرصّع کرده باشد واکر بیند که تاجی کم بها ودون پادشاه بدو داد وخویشتن بر سر
خود نهاد دلیل کند که خدمتی حقیر پادشاه بدو دهد جابر مغربی کوید که کسی درویش
بیند که تاج بر سر نهاد دلیل کند که زنی خوب روی وتوانکر بزن بخواهد وازو
مال ونعمت وکام دل یابد واکر بیند که تاج از سر وی بیفتاد دلیل کند که زن را طلاق
دهد واکر بیند که کسی تاج از سر وی بر کرفت دلیل کند که زن از وی جدا شود و
او را نخواهد واکر بیند که تاج از سر وی بیفتاد وبشکست دلیل کند که زن وی بمیرد
یا کسی [illegible] از اهل بیت او هلاک شود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
کوید که اکر زنی بیند که تاج بر سر داشت وشوهر نداده دلیل کند که شوهر خواهد واکر
شوهر داده دلیل کند که بر سر زنان مهتر شود واکر زنی بیند که تاج از سر وی بر کرفتند
دلیل کند که شوهرش زنی دیکر بخواهد واکر بیند که تاج از سر وی بیفتاد دلیل کند که
شوهرش طلاق دهد واکر بیند که تاج مرصّع بر کوهرها بر سر پادشاه نهاد دلیل کند
که از پادشاه شرف وبزرکی یابد **تاراج** ابن سیرین کوید اکر بیند که مال ونعمت کسی
را بتاراج برد دلیل کند که آنکس را از وی غم واندوه وزیان رسد اکر بیند که مال ونعمت وی
را بتاراج برد دلیل کند که وی را از آنکس غم واندوه رسد بر قدر آن مالی که از وی برده
باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که تاراج بخواب دلیل بر چهار
وجه کند یکی شغب باشد دوم زیان سیوم غم واندوه چهارم نرخ ارزان شدن
مکر که غنیمت باشد **تاریکی** ابن سیرین کوید که تاریکی در خواب ضلالت در راه
دین اکر بیند که تاریکی فرا کرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که بر قدر آن کمراهی وضلالت
یابد در دین واکر بیند که در تاریکی بروشنائی بدل شد دلیل کند که توبه کند و

راه دین بروی کشاده کردد کرمانی کوید که اکر بیند که بتاریکی بود وباز بروشنائی
شد وباز بتاریکی شد دلیل کند که منافق بود **قوله تعالی** وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا
جابر مغربی کوید که تاریکی بخواب غم واندوه بود واکر بیند که هوا سخت تاریک
شد دلیل کند که مردم آن دیار را غم واندوه پیش آید وکارهاشان بسته کردد واکر
بیند که هوا روشن بود وازناکاه ابر پدید آمد دلیل کند که در آن دیار مرک مفاجات
پدید آید حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که تاریکی بخواب دیدن
بر پنج وجه بود یکی کفر باشد دوم تحیّر سیوم فرو بستن کار چهارم بدعت
پنجم در ضلالت افتادن اسمعیل اشعث کوید اکر کسی بیند که از تاریکی بروشنائی
بیرون آمد دلیل کند که از تاریکی ودرویشی بتوانکری افتد واز غم واندوه باز
رهد وکارهای بسته بروی کشاده کردد واز راه بدعت وضلالت دور باشد
تازیانه دانیال کوید اکر کسی بیند که تازیانه بخط کرده داشت دلیل کند که کارش
بر مراد ونظام او باشد واکر بیند که تازیانه او بخط کرده نبود دلیل کند بر شرف
وبزرکی بر قدر تازیانه وبعضی کفته‌اند که تازیانه در خواب دلیل مال اندک کند
از بسیار بر قدر خواب بیننده واکر بیند که دوال از تازیانه وی بکسست و
بیفتاد ویا دوال شراز چوب جدا شد دلیل کند که بزرکی ومالش از وی جدا شود
ابن سیرین کوید اکر بیند که کسی را بتازیانه زد دلیل کند که در کار مشتغل کردد که از
بدانکس فائده رسد واکر بیند که تازیانه را از دست بینداخت دلیل کند که ترک آن
کار که در دست دارد بکوید واکر بیند که چون بتازیانه ویرا بزد خون از تن وی
جدا شد دلیل کند که سخنهای ناخوش شنود واکر خون از تن وی نرفت دلیل کند
که بی‌تازیانه ~~ویرا بزد خون از تن وی جدا شد دلیل کند~~ درمی یابد کرمانی کوید اکر
بیند که کسی ویرا بتازیانه بزد دلیل کند که بر قدر آن مال حلال یابد واکر بیند که از زخم تازیانه
بر تن وی بماند دلیل کند که از کسی سخنهای سرد وناخوش شنود واکر بیند که کسی
ویرا بتازیانه زد وندانست که ویرا که زد دلیل کند که ناکهان مال یابد بر قدر آن جابر

مغربي کويد که اکر بخواب به بيند که در دست تازيانهٔ نيکو داشت چنانکه علاقهٔ وي
ابريشمين بود دليل کند که ويرا فرزندي آيد واکر تازيانه از چوب کوهي بيند بي علاقه
دليل کند بر قوت وعمل وي واکر تازيانه از چرم يا از دوال بود دليل کند که خير ومنفعت
بدو رسد واکر بيند که تازيانه در دست وي بشکست دليل کند که فرزند ويرا اجل فرا
رسد يا از کار خويش معزول کردد واکر بيند که بر اسب نشسته بود وبتازيانه ويرا همي زد
دليل کند که بجاي کسي کاري کند وآن کار را بروي منت نهد واکر بيند که بر پشت
تاوه کسي تازيانه زد وانجايکاه زخم خون برآمد دليل کند که آنکس مال حرام يابد ويا
زننده ويرا متهم کند بکناهي واکر بر پشت خويش زخم تازيانه ديد وندانست که
وي را کو ويرا کرزد دليل کند که شغل دنيائي وي وديني وي نيك بود واکر بيند که تازيانه
بر کسي زد چنانکه تازيانه پاره پاره کشت دليل کند که اهل وي متفرق کردند و
کو بيند که بي اندازه وشمار کسي را تازيانه زد دليل کند که ويرا غم واندوه وزيان رسد
اسمعيل اشعث کويد اکر کسي درخواب بدست خود تازيانه کوتاه کرد وآن تازيانه
در دست وي بود ودراز کشت دليل کند که زبان وي بر خصم دراز کردد واورا غلبه کند
واکر دراز نديد وکوتاه شد دليل کند که دشمن بروي غلبه کند وبروي چيره کردد حضرت
امام جعفر صادق عليه السلم کويد که زدن تازيانه درخواب دليل کند بر پنج وجه يکي
شفاعت باشد دوم جدا کردن سيوم بيان شدن کار مشکل چهارم سفر ومفارقت
پنجم بزرکي ومال خواسته **تاوه** ابن سيرين کويد که تاوه درخواب خدمتکار خانه
بود که خواهد که آنچه کدخداي خانه دارد جمله بر عيال خويش وبر مهمان ديکر هزينه کند
اکر بيند که تاوهٔ نو داشت يا کسي بدو داد دليل کند که خدمتکاري مصلح بدانسان که کفته
شد وي حاصل شود بر قدر بزرکي وکوچکي تاوه واکر بيند که تاوهٔ او بشکست دليل
کند که خدمتکار خانهٔ وي هلاك شود يا از وي جدا کردد جابر مغربي کويد که در تاوه چيزي
همي پخت دليل کند که کارهاي مشکل مهيا وخوب کردد واکر بيند که در تاوه چيزي همي خورد
دليل کند که از آن خدمتکار بدو خير ومنفعت رسد بر قدر آن خوردني واکر خوردني

ترش وناخوش بود دليل بر غم واندوه کند **تب** ابن سيرين کويد اکر کسي درخواب
بيند که ويرا تب کرفته بود دليل کند که در کاري باشد که فساد دين او اندران باشد واکر
بيند که ويرا تب پيوسته بود چنانکه يکزمان ازوي رها نميکرد دليل کند که پيوسته در فساد وکناه
مشتغل باشد وتوبه بايدش کردن از کناه تا از عقوبت خداي عز وجل ايمن شود کرماني
کويد اکر کسي بيند که ويرا تب بدرد از کرفت دليل کند که تندرست باشد وعمرش دراز
بود واکر بيند که ويرا تب اندکي بود تاويلش بخلاف اين باشد **تبر** ابن سيرين کويد
که تبر درخواب خدمتکاري بود که بخواهد که کاري کند واکر ويرا کاري فرمايند خواهد
که آن را کاستي کند تا نفرمايندش جابر مغربي کويد که تبر درخواب مردي ترسنده بود
که ياري خواهد از مردي منافق ودرميان مردم کينه وجدائي افکند وجنك و
خصومت انکيزد واکر بيند که تبري داشت يا کسي بدو داد دليل کند که با مردي بدان
صفت که کفتيم ويرا صحبت ودوستي افتد واکر بيند که تبر وي بشکست يا ضايع
شد دليل کند که آن مرد را اجل فرا رسد يا از صحبت وي جدا شود **تبيره**
بدانکه تبيره بپارسي طبل بود وديدنش درخواب کلام باطل وچيزي مکروه ودروغ بود و
کاري بيداد وروشن واين جمله دليل بر زننده کند ابن سيرين کويد که اکر بيند که با تبيره ناي
زند وپاي کوبند دليل کند بر غم واندوه ومصيبت واکر بيند که او تبيره بتنها همي زد دليل
کند که کلام باطل کويد يا کاري کند روشن وپيدا ويا خبري باشد معروف ومشهور که بدو رسد
وبعضي از معبران کفتند که تبيره در تاويل او از خوش بود وليکن باطل باشد کرماني کويد
اکر کسي بيند بخواب تبيره همي زد دليل کند که کارهاي باطل کند يا شناعت وقهر
وغلبت که آن کارها را هيچ اصلي نبود يا با مردمان هر سخني کويد يا وعده که کند جمله دروغ
وخلاف باشد حضرة امام جعفر صادق عليه السلم کويد اکر بيند که بخواب تبيره همي
زد دليل کند که کاري خواهد کردن بنادانی که عاقبت آن کار ظاهر شود که باطل است
وبدانکه تبيره زدن يعني طبال مردم مفتعل بود که دروغ شيرين کويد وسخن آدمي
در ظاهر اما در باطن از پس مردمان غيبت کند وسخنهاي زشت کويند **تتماج**

ابن سيرين کويد اکر بيند که تتماج بکوشت بره يا کوشت کوسفند وماست شيرين
همي خورد دليل کند که بر قدر آن ويرا از مردمان سپاهي منفعت وخير بود واکر بيند
واکر بيند که بکوشت کاو يا خرکوش وکشك ترش يا ماست ترش وآنچه بدين ماند
تتماج همي خورد دليل کند که از مردمان سفله ودون وي را اندك مايه خير ومنفعت
رسد جابر مغربي کويد که تتماج که بکوشت خرکوش وچيزي ترش بيند واز وي
همي خورد دليل بر غم واندوه کند **تخت** ابن سيرين کويد که اکر کسي بيند که بر تخت
نشسته بود وبران تخت چيزي کسترده نبود دليل کند که سفر شود واکر بيند که بر تختي
خفته بود وبران بر زبروي چيزي کسترده بود دليل کند که بزرکي يابد بر قدر بزرکي وقيمت
تخت ودشمنان را قهر کند اما از دين غافل باشد واکر اهل افساد بود دليل کند که
بر دارش کنند خاصه که خود را خفته بيند واکر بيند که تخت بشکست واو بيفتاد
دليل کند که از جاه وبزرکي بيفتد واحوالش بد کردد حضرة امام جعفر صادق
عليه السلم کويد که ديدن تخت بخواب بر هفت وجه بود يکي عز وبزرکي باشد دوم
سفر سيوم مرتبت چهارم بلندي پنجم ولايت ششم قدر وجاه هفتم عالي شدن
کار والله اعلم **تخم کشتن** ابن سيرين کويد اکر کسي بيند که درخواب تخم همي
کشت وبارش همي کرد دليل کند که شرف وبزرکي يابد واکر از بار آنچه کشته همي خورد
بهتر ونيکوتر باشد واکر بيند که از آنچه کشت ويرا چيزي حاصل نشد وندانند که بارش
چيست وچکونه است وبسيار يا اندك است دليل کند بر غم واندوه واندیشه کرماني
کويد که بيند که کندم همي کشت دليل کند که ويرا از پادشاهي خير ونيکي رسد واکر بيند که جو
همي کشت دليل کند که ويرا مال همي جمع شود واکر بيند که کاورس همي کشت دليل
بر مال اندك کند واکر بيند که عدس وباقلا ونخود ولوبيا وآنها که در ديك بکار شود
همي کشت دليل بر غم واندوه کند دانيال کويد اکر بيند که در زمين خويش تخم همي کشت
دليل کند که زن خواهد يا کارش ساخته شود ويا نارکاني وي روا شود واکر زمين خويش
را ناکشته بيند دليل کند که وي را از شغل يا نارکاني زيان رسد يا با کسي خصومت

کند واکر بيند که بجايي مجهول همي کشت وبر آمد دليل کند که غزا کند وبروي آسان
شود وچيزهايش زيادت شود واکر بيند که بملك خاص خويش کشت بر آمده بود دليل
کند که وي نعمت ومال وفراخي بود واکر بيند که جو يا کندم يا درخت در زمين خويش
همي کشت دليل کند که عز وجاه وي زيادت شود ونصرة يابد بقدر آنچه کشته باشد حضرة
امام جعفر صادق عليه السلم کويد که تخم کشتن درخواب بر چهار نوع بود يکي جاه وبزرکي
دوم خير ومنفعت سيوم زن کردن چهارم کسب وبازارکاني بود **تخمه** ابن سيرين کويد
که اکر کسي بخواب بيند که ويرا تخمه بود دليل کند که ربا خورد وفساد کند پس از کناهان ويرا
توبه بايد کردن تا از عقوبت خداي تعالى رسته شود وعلى الجمله تخمه درخواب سخت بد بود وهيچ
خير در وي نباشد حضرت امام جعفر صادق عليه السلم کويد که تخمه درخواب بر چهار وجه بود
يکي ربا خوردن دوم فساد کردن سيوم مال حرام چهارم تابع هواء نفس بودن
تخمها کرماني کويد تخمها آنچه بطعم تلخ وناخوش وتيز باشد چون بخواب بيند
جمله غم واندوه باشد خاصه خوردن آن که ترو صعب تر باشد وتخمها که بطعم شيرين
وخوش باشند خوردن آن درخواب منفعت اندك باشد جابر مغربي
کويد که ديدن تخمها وخوردن شان درخواب نيک باشد مکر آن تخم که پوسيده
بود يا کرم خورده باشد **تذرو** ابن سيرين کويد که تذرو درخواب مرد غدار بود
وتذرو ماده فريبنده بود وبعضي از معبران کفتند که تذرو مال حرام بود که بحيلت
بدست آرد اکر بيند که با تذرو در نبرد بود دليل کند که با کسي غدار وي خصومت
افتد واکر بيند که تذرو ماده وي را حاصل شد دليل کند که زني بخواهد که
اندر وهيچ خير نبود واکر خانهٔ تذرو بيند دليل کند که زني خوبروي وپاکيزه را
بزني خواهد بر قدر سپيدي وپاکيزکي آن خايه کرماني کويد اکر بيند که کوشت
تذرو همي خورد دليل کند که زني توانکر مال دار خواهد واکر بيند که تذروي بخانه
داشت وبمرد دليل کند که زن وي بميرد يا از سبب زنان وي مصيبتي رسد واکر
بيند که تذروي از خانهٔ وي بپريد دليل کند که زن را طلاق دهد جابر مغربي کويد

که تذرو در خواب زن پارسا بود با مال و جمال اگر بیند که تذرو یافت یا بگرفت دلیل
کند که زنی خواهد بدان صفت که یاد کرده شد و اگر بیند که تذروی در کنار وی بخفت
دلیل کند که با عیال وی کسی دیگر سازد و وی را همی فرسرید حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم گوید که تذرو در خواب بر چهار وجه بود یکی زن پارسا دوم مال الحرام سیوم معیشت
چهارم کام دل جستن **ترازو** ابن سیرین گوید که ترازو در خواب قاضی بود اگر
بیند که ترازوی نو و راست داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که اندران موضع قاضی باشد
راست و فقیه و پاک دین و بدانکه کفهٔ ترازو سمع قاضی بود و درمهائی که در کفه باشد خصومتها
باشد که بنزد قاضی کنند و سنگهای ترازو عدل و داد بود که قاضی در میان خصمان میکند
بوقت خصومت پس چون بیند که ترازو بهنگام راست ایستاده بود چنانکه هیچ میل نداشت
دلیل کند که قاضی در وقت حکومت راست و منصف و دادگر باشد و البته هیچ میل
نکند و اگر بیند که ترازو راست نبود دلیل کند که قاضی راست و منصف و دادگر نباشد
و البته در وقت حکومت میل و محابا کند کرمانی گوید اگر کسی بیند که عمود ترازو بشکست
دلیل کند که قاضی آن دیار بمیرد و اگر بیند که سنگهای ترازو زیادت و نقصان بود دلیل
کند که در عدل و انصاف دادن قاضی خلل و نقصان بود جابر مغربی گوید که نگو
کردن ترازو بخواب رستن قاضی باشد از عذاب دوزخ بدان عدل که همی
کند و بدانکه ترازو کرپادشاه عادل و دادگر بود و ترازوی راست قاضی بود یا وزیر
عادل حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که ترازوی قیامت را چون کسی بخواب
بیند معبران بر شش وجه تعبیر کنند یکی قاضی دوم عالم سیوم فقیه چهارم
میانجی پنجم حکم راست ششم حکم کرد اگر بیند که کردارهای نیکی وی در ترازوی قیامت
بیشتر از کردار بدی وی بود دلیل کند که بهشت یابد و از عقوبت خدای عز و جل رسته
کرد د **قوله تعالی** فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ اگر بخلاف
این بیند دلیل کند که مستوجب عقوبت دوزخ بود **قوله تعالی** وَمَنْ خَفَّتْ
مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ **ترب**

کرمانی

کرمانی گوید که ترب در خواب غم و اندیشه بود خاصه که خورند اگر بیند که ترب
همی خورد دلیل کند که بر قدر آن غم و اندیشه بدو رسد و اگر بیند که ترب کسی بدو دا د
دلیل کند که از آنکس غم و اندیشه بر دل وی رسد و اگر بیند که ترب را بکسی داد یا از
خانه بیرون افکند و از وی هیچ نخورد دلیل کند که از غم و اندیشه رسته گردد **تربد**
ابن سیرین گوید که تربد در خواب دلیل بر غم و اندیشه کند و خوردن وی دلیل
بر زیان مال کند بقدر آن که خورده باشد **ترخون** ابن سیرین گوید ترخون در خواب
مرد بدگوهر بدکردار بود زیرا که اصل وی سپند است که سپند بر که تیز بیا غاشد
و رفتکاری رها کنند تا طبع و طعم وی انتحال گردد بعد از آن وی را بکار برند چون
برآید ترخون باشد اگر بیند که ترخون داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که با چنین
مرد وی را زیان و مضرت افتد و اگر بیند که ترخون را بکسی داد یا از خانه بیرون
افکند دلیل کند که از صحبت چنین مرد مفارقت جوید و از وی دور شود **ترسا**
کرمانی گوید اگر مؤمنی بیند که ترسا شد دلیل کند که او بر راه بدعت و هوا و گمراهی
بود و هیچ گونه میل و اعتقادش در راه دین و اسلام نباشد جابر مغربی گوید اگر
ترسائی را بخواب بیند و خداوند خواب بر کسی خصومتی دارد یا با کسی دشمنی دارد
دلیل کند که بر وی ظفر یابد زیرا که ترسائی بود و مشتق از نصرت است و اگر ترسائی
بیند که او مسلمان شدی دلیل کند که نود مسلمان شود یا بمیرد حضرت امام جعفر
صادق علیه السلم گوید که اگر کسی بیند که زنشت و خاست وی با ترسایان بود دلیل
کند که دوست دار و هواخواه ایشان باشد و اعتقادش در دین اسلام ضعیف
بود **ترسیدن** ابن سیرین گوید که ترسیدن در خواب ایمنی باشد که اندران
هیچ منفعت نبود و هر که در خواب همی ترسد و ترساننده را نه بیند دلیل کند که از
ترس و بیم ایمن گردد و باشد که بر دشمن ظفر یابد و اگر ترساننده را بیند و شناسد
دلیل کند که مکروهی از آن ترساننده بدو رسد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
گوید که ترسیدن بخواب نصرة باشد چنانکه پیغمبر علیه الصلوة والسلام خبر

[illegible]
نُصِرْتُ بِالرُّعْبِ یعنی که نصرت یافتم بترسانیدن و اگر بیند که از ددان یا از
جانوری گزنده همی ترسید دلیل کند که از آن کسی که با ایشان منسوب
باشد وی را مضرت و زیانی رسد **ترشی** ابن سیرین گوید که ترشیها
خوردن در خواب جمله غم و اندیشه بود خاصه میوها اگر بیند چیزی ترش
کسی بدو داد دلیل کند که از آنکس غم و اندوه بدو رسد و اگر بیند که چیزی ترش
او بکسی داد دلیل کند که از سببش غم و اندوه بدانکس رسد و علی الجمله خوردن
ترشیها بخواب هیچ چیزی نبود **ترف** ابن سیرین گوید که ترف دیدن بخواب
غم و اندوه و اندیشه باشد اگر بیند که ترف همی خورد دلیل کند که غم و اندوه وی
صعبتر باشد کرمانی گوید اگر کسی بیند بخواب که ترف همی خورد دلیل کند که وام
دار شود و از سبب وام غمگین و مستمند شود زیرا که بطعم سخت ترش است
و بدیدار تیره جابر مغربی گوید که دیدن ترف در خواب مال اندک بود و خوردن
وی غم و اندوه **ترکهار** ابن سیرین گوید که ترکهار در خواب کنیزکی بود
کشاده روی اگر بیند که داشت یا کسی بدو بخشید یا بخرید دلیل کند که کنیزکی
کشاده روی بخرد یا کسی بدو عطا دهد و اگر بیند که ترکهار از وی ضایع شد
دلیل کند که آن کنیزک بگریزد یا بمیرد کرمانی گوید اگر بیند که ترکهار چیزی شیرین
همی خورد دلیل کند که از آن کنیزک خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که چیزی ترش
همی خورد تاویلش بخلاف این باشد جابر مغربی گوید اگر بیند که ترکهار چیزی
شیرین همی خورد دلیل کند که وی را فرزندی مصلح بیاید که از و شادمان شود
و اگر بخلاف این بیند وی را فرزندی آید که از و غمگین و مستمند شود **ترنج** دانیال گوید
که ترنج اگرچه بگونه زرد است بوی خوش دارد و طعم نیکو و بدیدار پاکیزه است و از
میوهای بهشت است لاجرم دیدن وی در خواب نیکست ابن سیرین گوید اگر کسی
ترنج یاد و یا سه بیند دلیلش بخلاف این باشد و اگر بسیار بود نعمت و مال حلال بود
بر قدر آنچه دیده باشد و ترنج سبز بهتر بود تا ویل از ترنج زرد کرمانی گوید که

ترنج

ترنج بخواب مردی بود توانگر و با جمال و پسندیده و بر مردمان نزدیک و مردمان وی
را دوست دارند و ثنا گویند اگر بیند که ترنجی داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که با چنین
مردی صحبت افتد و اگر ترنج در کنار خویش دلیل کند که وی را فرزندی خوب روی
بیاید و اگر بیند که ترنج را بخورد دلیل کند که از مال فرزند یا از مال مردی بزرگ وی را
بهره رسد و اگر بیند که ترنج بکرباس در بپیچید و پنهان کرد دلیل کند که فرزندش از دنیا رحلت
کند و اگر بیند که در خانه بسیار ترنج داشت چنانکه خانه از آن ترنجها بوی گرفته
بود دلیل کند که مال بسیار یابد و ثنای نیکو یا میراث یابد جابر مغربی گوید اگر بیند
که ترنجی داشت و از وی بوی ناخوش همی آمد دلیل کند که وی را فرزندی بدخوی و ناسا
زگار بود و اگر بیند که ترنجی داشت و بکسی بخشید دلیل کند که در خوی کسب خیر و احسان
کند و اگر بیند که ترنجی خرید و در آستین نهاد دلیل کند که وی را از کنیزک فرزندی
آید و اگر بیند که آن ترنج از آستین وی بیفتاد دلیل کند وی را فرزندی ناتمام حال
شود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن ترنج در خواب بر چهار وجه
بود یکی زن نیکوروی دوم کنیزک پاک دین سیوم دوست توانگر و با جمال چهارم
فرزند شریف و صالح **ترنگبین** ابن سیرین گوید که ترنگبین خوردن در خواب
روزی حلال بود بی منت کسی **قوله تعالی** وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ كُلُوا
مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ اگر بیند که بسیار ترنگبین داشت یا کسی بدو داد
دلیل کند که مال بسیار و روزی حلال وی را حاصل شود و از آنجا که امید ندارد و کارها
یش بنظام گردد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که ترنگبین خوردن در
خواب بر سه وجه بود یکی مال و روزی حلال بی منت خلق دوم فراخی عیش
و گشایش کارها سیوم کام دل یافتن **تره دوغ** ابن سیرین گوید که خوردن
تره دوغ در خواب دلیل بر غم و اندوه کند بر قدر آنچه خورده باشد **تره** ابن سیرین
گوید که ترها آنچه بطعم شیرین و خوش بود دلیل بر خیر و منفعت کند و آنچه بطعم تلخ
و ناخوش بود دلیل بر شر و مضرت کند خوردن آن کرمانی گوید اگر کسی بخواب

بیند که تره فروشی همیکرد دلیل نیک بود زیرا که بدست وی کاری رود که خاص وعام را
دران صلاح وخیر باشد بقیاس بریکی که دران صلاح خلق بود بدانکه تره خوردن
بخواب بهنگام آن بهتر بود جابر مغربی کوید که از ترهاآنچه وی را نشناسد وجایگاه
رستن وی نداند جمله غم واندوه ورنج بود وخداوند تره بوسته خداوند اندوه وغم باشد
وبدان قدر که درخواب دیده باشد وتره فروش را بخواب دیدن غم واندوه باشد
بمقدار تره حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که تره‌ها خوردن بخواب بیماری و
مفلسی وغم واندوه باشد **تریاک** ابن سیرین کوید که اگر کسی بیند که تریاک از بهر
بیماری همی خورد دلیل کند کاز رنج واندوه باز رهد کارهای بسته بروی کشاده کردد واگر
بخلاف این بیند دلیل بر غم واندیشه ونقصان کند **تزویج کردن** بدانکه تزویج بپارسی
زن خواستن مرد بود وشوی کردن زن باشد ابن سیرین کوید اگر بیند که زن خواست
دلیل کند که بزرکی وشرف یابد بقدر آن زن واگر غرب بود زنی توانکر را بزنی بخواهد
واگر بیند که زن را طلاق داد دلیل کند که بزرکی وشرف از وی زایل شود واگر بیند زن
مرده را بزنی خواست وبا وی جمع شد دلیل کند کاز مال وملک آن زن چیزی وی را
حاصل شود واگر باآن زن جمع نشد دلیل کند که چیزی اندک از مالش وی را حاصل شود واگر
زنی بیند که مردی مرد وی بزن کرد ودر سرای زن با وی جمع شد دلیل کند که مال زن
بنقصان شود یا حال بروی متغیر کردد واگر بیند که زن خواست ولیکن زن را ندید
ونامش ندانست جز آن که وی را داماد میکفتند دلیل کند که اجلش نزدیک آمده بود
واگر زن بیند که در سرای مجهول که آن سرای آن مرده بود با وی جمع شد دلیل کند که زن بمیرد
واگر آن سرای معروف بود دلیل کند بر نقصانی مال وی کرمانی کوید اگر زنی که وی
را شوی بود بیند که شوهری دیکر بخواست دلیل کند که خیر ومنفعت زیادت شود واگر
مردی بیند که وی را زن بود وبیند که زنی دیکر [illegible] بخواست دلیل کند که بزرکی
وشرف یابد واگر بیند که چهار زن یا بیشتر بیکبار بخواست دلیل کند بر زیادتی شرف
وبزرکواری وی واگر بیند که عروسی خواست کردن وعروس خویش را ندید و

نشناخت وی را یکبار بیم مرگ بود وبعضی کفتند که مردی بر دست وی هلاک شود
واگر بیند بیمار بود وزنی مجهول بخواست دلیل کند که بمیرد وبعد مرکش حال نیکو بود و
اکر زنی بیمار بیند که شوهری بس مجهول بخواست دلیل کند که از بیماری به شود وبدو
خیر ونیکی رسد واگر مردی بیند که دختری بیر مجهول را بزنی بخواست تا خواهرش را
دلیل کند که خیر بسیار بدو رسد واگر بیند که زن وی شوهری بخواست یا کسی از بهر وی
بیند که زن وی شوهری بخواست وآن شوهر وی را بخانه برد دلیل کند که مال وملک
بسیار از این مرد بدان شوهر وی رسد واگر بیند که این شوی را که زن خواست بخانه
شوهر خویش آورد دلیل کند که شوهرش را از آن شوی که خواست مال ونعمت حاصل
شود واگر بیند که زنی نابکار را بزنی بخواست وبا وی جمع شد دلیل کند که بر قدر
جمال آن زن کاری دشوار بر وی خواهد وآسان شود واگر با وی جمع نشد آنچه کفتیم
کمتر باشد جابر مغربی کوید اگر بیند که دختری دوشیزه بزنی خواست ودوشیزکی
وی ببستد دلیل کند که اندران سال زنی یا کنیزکی وی را حاصل شود واز پادشاه
خیر ونیکی بیند واگر بیند که بحرام دوشیزکی دختری ببستد دلیل کند که مال حرام بدست
آرد وحضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که تزویج کردن درخواب بر چهار وجه بود
یکی بزرکی بود؛ دوم زیادتی مال؛ سیوم رامش وکام؛ چهارم خرمی وشادمانی باشد؛
تسبیح کردن ابن سیرین کوید تسبیح کردن بخواب مطیع بودن باشد اگر بیند که تسبیح همی
کرد دلیل کند که مطیع بود فرمان حق را جل وعلا واز غم واندوه فرج یابد واگر بیند که با خویش
تسبیح داشت دلیل کند که غم واندوهی بروی رسد ولیکن وی را اندران اجر وثواب بود
واگر بیند که با تسبیح شکر خدای عز وجل همیکرد دلیل کند که در دین قوی بود ومال وجاه
ونعمت یابد واکر این خواب والی بیند دلیل کند که ولایتی آبادان وی را حاصل شود
قوله تعالی لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ؛ **تشت** کرمانی کوید که تشت درخواب
زن خادمه بود وابن سیرین کوید که تشت درخواب کنیزکی بود که حوائج خانه
بدو تسلیم کنند اگر بیند که تشتی فرا کرفت یا بخرید یا کسی بدو داد دلیل کند

که زنی خادمه بخانه آرد یا کنیزکی بخرد واگر بیند که تشت بشکست یا ضایع شد
دلیل کند که آن زن یا کنیزک بکریزد یا از دنیا رحلت کند وبدانکه صبی تاویل همچو
تشت بود کرمانی کوید اگر بیند که تشتی خرید دلیل کند که زن خادمه را بزنی خواهد
یا کنیزک خادمه بخرد وبا وی خفت وخیز ومعاشرت کند حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام کوید که دیدن تشت درخواب بر سه وجه بود یکی خادمه دوم کنیزک
سیوم منفعت از زنان بود **تشنگی** ابن سیرین کوید که سیرابی بهتر از تشنگی بود
درخواب اگر بیند که سخت تشنه شده بود وآب نمی یافت دلیل کند که رنج وبلا بوی
رسد از بهر دین یا از بهر دنیا واگر بیند که دران تشنگی آب بیافت یا کسی بدو داد
وبخورد دلیل کند که از آن رنج وبلا رسته شود وسرانجام بمراد رسد جابر مغربی
کوید که تشنگی درخواب فساد باشد اندر دین آنکس را که خویشتن را تشنه بیند
واگر بیند که اندران تشنگی آب بیافت وبخورد دلیل کند که سرانجام توبه کند وبخدای
باز کردد ومصلح وپارسا شود **تعوید** ابن سیرین کوید اگر کسی بیند که با خویشتن؛
تعوید همیداشت از نامهای خداوند عز وجل دلیل کند که از غم وسختی وفرج او
یابد واگر وامدار بود وامش کزارده شود واگر بیمار بود شفا یابد واگر زندانی بود
رهائی یابد واگر در سفر بود بسلامت بخانه خویش باز رسد کرمانی کوید اگر کسی
بیند که تعوید همی نوشت وبکسان عطا همیداد دلیل کند که از وی بدیشان منفعت
دینی رسد واگر بیند که تعوید همی نوشت وهمی فروخت دلیل کند که اندوهگین ومتفکر
شود **تغاره** بدانکه دیدن تغاره درخواب زنی بود غمکسار اهل خاندان وی که
اهل این خانه را بصلاح دارد وراه خیر آموزد واز شر وفساد وکناه توبه فرماید کردن
کرمانی کوید اگر بیند که تغاره وی بشکست یا ضایع شد دلیل کند که آن زن از خانه
وی جدا کردد یا از دنیا رحلت کند وبعضی معبران کفتند که تغاره کنیزکی خادمه بود
تفشله بدانکه بپارسی عدس ببرک بخته باشد واو دلیل غم واندوه بود ابن سیرین
کوید اگر بیند که درخواب تفشله همی خورد دلیل کند که وی را غم واندوه رسد که باکسی

وی را خصومت وکفتکوی شود وبدان سبب رنجور دل کردد وعلی الجمله تفشله
خوردن هیچ خیری نبود جز غم ورنج واندوه دل **تکبیر کردن** ابن سیرین کوید اگر کسی
درخواب بیند که تکبیر همی کرد دلیل کند که از شر دشمن ایمن شود ودر خیرات بروی
کشاده کردد وکارهایش بنظام کردد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که
تکبیر کردن درخواب بر چهار وجه بود یکی ایمنی از شر دشمن؛ دوم رستکاری از بلا
وفتنه؛ سیوم خیر وبرکت؛ چهارم کشایش کارهای بسته؛ **تکرک** کرمانی میکوید
که تکرک درخواب عذاب وتنکی ونیاز بود مکر که اندک مایه دیده بود واگر بیند که بوقت
خویش تکرک بیاید چنانکه باندازه بود دلیل کند که اهل آن موضع را بر قدر آن عذاب
وتنکی وغم ونیاز بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن تکرک
درخواب بر پنج وجه بود یکی بلا دوم خصومت؛ سیوم لشکر؛ چهارم قحط پنجم
بی نمازی؛ **تل** بدانکه تل بپارسی پشته بود شرح تعبیر آن بحرف پی کفته شد
باب پشته **تمام کارها** ابن سیرین کوید که هر که بخواب بیند که کارهای دنیای وی
بنظام کشت وبر شغلهای خویش توانا وکامکار شد دلیل کند که احوالش تغیر
شود **قوله تعالی** حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ؛ دلیل
کند بر تغیر حالش وافتادن کارش در دنیا یا شتابنده بود بر سد که عمرش سپری
شود یا بیداد کر بود که از وی انتقام کشند وهر که در بیداری خویش را چنین بیند
در عز ومهتری وقدر وجاه او از مردمان میانه بود وچنین کس صالح بود
در دین ودنیا ومتواضع وسپاس دارنده وخیر ونعمتش بر زیادت بود وخصلتها
نیکو وافعال خویش دلیل کند بر درازی عمر وی ونیکوئی احوال عاقبتش **تن**
ابن سیرین کوید که همه تن مردم درخواب دلیل بر عمر وزندکانی ومعیشت باشد وهر
زیادت ونقصان که در تن بیند دلیل بر عیش ومعیشت کند اگر بیند که تنش لاغر ونحیف
شد دلیل کند که بر درویشی وبستکی کارهایش واگر بخلاف این بیند دلیل کند بر
توانکری وکشایش کارهایش واگر بیند که از تن وی رشته برون آمد ودراز همی شد

دلیل کند که زندگانی و عیش بفراخی گذراند و مالش زیادت گردد و اگر بیند که آن رشته
گسسته شد تاویلش بخلاف این باشد و اگر بیند که تن او آهنین بود یا مسین دلیل کند
که عمرش دراز باشد و نعمت دنیا بروی فراخ گردد و اگر بیند که تن وی از آبگینه بود دلیل کند که
اجلش نزدیک آمده باشد کرمانی گوید اگر بیند که تن درست و قوی است دلیل کند بر
نظام کار و کسب و پوشیدگی راز وی و اگر بیند که تن وی سست و ضعیف است
دلیل کند بر بی نوائی کار وی و آشکارا شدن راز حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
گوید که اگر کسی بر تن خویش زیادتی بیند دلیل کند بر قوت و توانگری و ظفر یافتن و نیکنامی
و اگر کسی در تن خویش نقصانی بیند دلیلش بخلاف این باشد و اگر بیند که همه تن وی
آماسیده بود دلیل کند که بیمار گردد تندر بدانکه تندر بتازی رعد باشد و دیدن وی
در خواب ترس بود از عامل یا از عوان پادشاه ابن سیرین اگر بیند که با غریدن تندر
باران بود دلیل کند که مردم را ترس و بیم کمتر بود و نعمت و خیر فراوان باشد و اگر بیند
که باران اندک بارد و تندر سخت غرد دلیل کند بر ستمکاری بیننده خواب از دعا
بد مادر و پدر کرمانی گوید که غریدن رعد اندک و باریدن باران اندک دلیل
کند بر ستمکاری اهل اسلام از دعاء بد زاهدان و صالحان حضرت امام
جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن تندر را معبّران بر پنج وجه بود یکی عذاب
دوّم حکمت سیوم رحمت چهارم صولت پنجم خشم پادشاه اگر بیند که آواز
تندر با وقت باریدن باران همی کند دلیل کند که در آن دیار خیر و برکت و فراخی
بدید آید و اگر بیند که باران برق و برف و رعد بود دلیل کند که از پادشاه مردم
آن دیار را ترس و بیم بود و اگر بیند که باران ژاله همی بارید دلیل کند که در آن دیار فتنه
و عذاب و هلاک بود جابر مغربی گوید اگر بیند که تندر سخت بغرید دلیل کند که
بانگ و هیبت پادشاه در آن دیار گسترده شود و اگر بیند که هم تندر و هم برف
و هوا تاریک بود دلیل کند که پادشاهی ستمکاره در آن دیار بدید آید
تندیسها ابن سیرین گوید که تندیسها از نشانهٔ ایشان بر زمین افتد چون

بخواب بیند غم و اندوه باشد خاصه که بگونه سیاه بود و آنچه بر دیوار نگاشته بیند
یا بر خانه چون بگونه سیاه باشد تاویلش نیکو بود حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم گوید که تندیسها دیدن در خواب بر سه وجه باشد یکی غم و اندوه دوّم
نقصان قدر و جاه سیوم بی امانتی در کارها تنگی ابن سیرین گوید اگر بیند که
از تنگی بفراخی شد دلیل کند که کارهای بسته بروی گشاده شود و اگر بیند که از
دری تنگ بجایگاهی فراخ بیرون شد یا از جایگاه بیم بجایگاهی ایمنی شد دلیل
کند که کارهایش بنظام شود و از رنج و سختی براحت و آسانی افتد و اگر بخلاف
این بیند بد باشد جابر مغربی گوید اگر بیند که در جایگاهی تنگ گرفتار شده بود دلیل
کند که در کاری دشوار افتد و رستگاری نیابد و اگر بیند که در آنجا تنگی طعام بود
دلیل کند که عیش و روزی بروی تنگ گردد و علی الجمله تنگی همه چیزی در خواب
تنگ باشد تنور ابن سیرین گوید که تنور بخواب مهتری بود و کدخدائی خانه و
بعضی از معبّران گفته‌اند که کدبانوی باشد که تنور درست و بسلامت است دلیل کند
بر درستی و نظام کار کدخدائی خانه و اگر بیند که تنور بیفتاد و بشکست و یا خراب شد
دلیل کند بر بیماری و رنج و آفت کدخدای و بدی احوال وی و اگر بیند که در تنور
نان همی پخت دلیل کند که بر قدر آن نانها وی را روزی حلال حاصل شود و کار وی نیکو
گردد کرمانی گوید اگر در تنور لختی آتش دید بی روشنائی لیکن بر فراز تنور شعاع همی
تافت و هیچ دود نبود دلیل کند که بسفر بیت المقدس رود یا حج کند قوله عزّ و جلّ
مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ یعنی مکه یا بیت المقدس و بعضی
از معبّران گفته‌اند که آنکس را خیر و منفعت رسد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
گوید که دیدن تنور بخواب بر ده وجه بود یکی مهتر سرای باشد دوّم مردی که
باشغل و هول و بشغب بود توبره ابن سیرین گوید توبره در خواب خیر و
منفعت باشد خاصه که نو باشد و اگر بیند که توبرهٔ داشت یا کسی بدو داد دلیل
کند که از کسی خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که توبرهٔ وی ضایع شد تاویلش

بخلاف این باشد توبه کردن ابن سیرین گوید کسی بخواب بیند که توبه کرد دلیل
کند که از همهٔ گناه و معصیت پشیمان شود و بخدای باز گردد و کارهای
خیر کند و رضای خدای عزّ و جلّ جوید و کارهائی کند که در آن خوشنودی
خلق و خدای بود و دست از دنیا باز دارد و طلب آخرت کند حضرة امام جعفر
صادق علیه السلم گوید که توبه کردن بخواب بر چهار وجه بود یکی پشیمانی از گناه
دوّم رضای ایزد عزّ و علا جستن سیوم راه آخرت جستن چهارم سعادت
جاودانی یافتن توتیا کرمانی گوید توتیا در خواب مال بود اگر بیند که توتیا
در چشم کشید و مقصودش از توتیا اصلاح و روشنائی چشم بود دلیل کند که صلاح دین
جوید و اگر مقصود وی بخلاف این باشد دلیل کند که خود را بنفاق بدین داری بمردمان
ظاهر کند تا مدح و ثنایش کنند جابر مغربی گوید اگر بیند که کسی توتیا بدو داد دلیل کند
که بر قدر آن وی را مال حاصل شود و اگر بیند که توتیا را همی خورد دلیل کند که غمگین
و مستمند شود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که اگر بیند که توتیا در زیر
بغل از بهر کند همی مالید دلیل کند که کاری کند که در آن وی را مدح و ثنا و نام نیک باشد تود
بدانکه تود شیرین خوردن در خواب روزی بود و خوردن جز تود غم و اندیشه باشد
ابن سیرین گوید که اگر بیند که تود شیرین بهنگام خویش همی خورد دلیل کند که بر قدر آن از
کسب خویش روزی یابد و اگر این خواب نه بهنگام تود بیند دلیل کند بر غم و اندیشه
کرمانی گوید اگر بیند که تود شیرین همیخورد دلیل کند که از مردی جوانمرد صلت و عطا
یابد و اگر بیند که جز تود همی خورد دلیل کند که غمگین و متفکر شود و حضرت امام
جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن تود بخواب بر سه وجه بود یکی مال دوّم منفعه
از کسب خویش سیوم منازعت و از قبل زن توریت ابن سیرین گوید اگر بخواب
بیند که توریت همی خواند دلیل کند که وی را قوتی بدید آید از مردمان دیرینه یا از مردمان
محتشم و از دوستان بدو خیر و نیکی رسد و اگر بیند که توریت بظاهر همی خواند دلیل
کند که با کسی خصومت کند بر حق و بروی ظفر یابد و مرادش حاصل گردد و کارهای

او بنظام شود و اگر بیند که کسی وی را توریت تعلیم همیکرد دلیل کند که از آن کس بدو خیر
و نیکی رسد تیر دانیال گوید که تیر در خواب سخنی راست بود از کسی بمردم رسد
و بعضی از معبّران گفته‌اند که غیبت بود اگر بیند که کسی بروی تیر همی انداخت
دلیل کند که سخنی بدو فرستد برسول خاصه چون بیند که بغرض انداخت و اگر
بیند که تیر بی غرض انداخت دلیل کند که نامه بدانکس فرستد حرف جیم
از کتاب کامل التعبیر چادر ابن سیرین گوید که چادر در خواب
ستر پوش زن بود اگر بیند که چون زنان چادر پوشیده داشت دلیل کند که کاری
کند که در آن خیر و ستر بود لیکن مردمان از وی آن کار را مکروه دارند و اگر زن
بیند که در چادر وی بدرید یا بسوخت دلیل کند که ستر وی دریده شود کرمانی
گوید که چادر گوید بستر بخواب دیدن زن مرد بود اگر بیند که چادر نو فرا گرفت
یا کسی بدو داد دلیل کند که زن خواهد و اگر بیند که چادر نو بخرید دلیل کند که
کنیزکی خرد چنانکه وی را از و فرزندی بود و اگر این خواب زن بیند دلیل
کند که شوی خواهد و اگر زنی بیند که چادر بستر وی بسوخت دلیل کند که
شوهر وی بمرد یا طلاقش دهد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که
چادر دیدن در خواب بر سه وجه بود یکی قدر و جاه باشد دوّم زن باشد و زن را
شوی سیم کدخدای سرای بود جادوئی ابن سیرین گوید که جادوئی دیدن
در خواب هرزه و باطل بود از کارها اگر بیند که کسی را جادو همی کرد دلیل کند که
از بهر وی کاری کند هرزه و باطل و بعضی از معبّران گفته‌اند که جادوئی فتنه بود
آنکس را که از بهر وی کنند جابر مغربی گوید که جادوئی کردن از بهر کسی تعاهد کردن
بود بدروغ که مردمان بدان می فریبد و بدانکه جادو در خواب دشمن فریبنده
بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که جادوئی بخواب دیدن بر شش
وجه بود یکی فتنه باشد دوّم فریب سیوم مکر چهارم سگالش پنجم باطل
و دروغ ششم کاری که آن را اصلی نباشد چهارپای دشتی ابن سیرین گوید

که اگر کسی بیند که چهارپای دشتی را فرا گرفت وآن چهارپای مطیع و
فرمان بروی شد دلیل کند که بر قدر قیمت آن چهارپای بیابانی مردی
بیابانی وی را مطیع شود در همه کاری واگر بیند که رمه از چهارپای دشتی
در پیش وی حاضر شدند بطوع ورغبت خویش مطیع وفرمان بردار شدند دلیل
کند که گروهی از کسان که مسکن ایشان بود بطوع ورغبت خویش بیش وی
آیند ودر کارهای دینی ودنیائی مطیع وفرمان بروی شدند کرمانی گوید اگر
بیند که چهارپایان دشتی را همی پرستید دلیل کند که مردمان جاهل ونادان را
خدمت کند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که او چهارپای شده بود دلیل کند
که عقل از وی زایل گردد واگر بیند که چهارپای با او سخن گفت دلیل کند که بزرگی
یابد واگر بیند که گوشت چهارپای همی خورد دلیل کند که بر قدر آن مال ونعمت یابد :
جاروب ابن سیرین گوید که جاروب نرم بخواب خادم خدمتکاران بود وجاروب
درشت خادمی بود که تقاضای چیزها که با مردم باشد اگر بیند که خانه بجاروب همی رفت
دلیل کند که مالش ضایع شود واگر بیند که خانه کسی رفت دلیل کند که مال کسی برود
خاصه که بیند که آن خاک رفته را بخانه خویش همی آورد حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام گوید که جاروب دیدن بخواب بر سه وجه بود یکی خادم دوم منفعت که از
خادم بدو رسد سوم متقاضی چیزهای که با مردمان بود : جام کرمانی گوید اگر بیند
که جامی پر آب یا جلاب فرا گرفت یا کسی بدو داد واز وی هیچ نخورد دلیل کند که زن خواهد
یا کنیزک خرد وفرزندی بارسا وبر اباید واز وی راحت وخیر یابد واگر بیند که آب آن جام را
بریخت وجام بماند دلیل کند که فرزندش بمیرد وزن وی را بماند واگر بیند که جام بشکست
وآب نماند بریخت دلیل کند که زن وفرزندش هر دو بمیرند واگر بیند که در جام سنگینه بود
بود واز وی هیچ نخورد دلیل کند که وی را فرزندی مفسد وبدکردار باید واز وی محنت
وبدی بیند جابر مغربی گوید اگر بیند که در خانه وی جامها در دیوار نشانده بود
دلیل کند که بر قدر آن زنان وکنیزکان باشد چنانکه اگر جامها سپید یا سبز بیند

دلیل کند که آن زنان [redacted] مصلح ودیندار باشند واگر جامها سرخ دید
دلیل کند که آن زن معاشر باشد واگر جامها زرد دید دلیل کند که آن زنان زرد
روی وبیمارگون باشند واگر جامها کبود دید دلیل کند که زنان مصیبت زده واندوه
گین باشند جامه دانیال گوید که جامه مردم در خواب کار وکسب وی باشد
واگر جامه خود را نیکو بیند دلیل کند که کار وکسبش نیکو بود واگر بد بیند کارش
بد شود واگر بر خویشتن جامه سیاه بیند وعرف پادشاه بود دلیل کند که وی را نیک
باشد واگر رعیت بود دلیل کند که وی را غم واندوه رسد وجامه زرد بیماری بود و
جامه سبز خرمی وتوفیق طاعت باشد زیرا که جامه بهشتیان است قوله تعالی
عالیهم ثیاب سندس خضر واستبرق وجامه سپید شسته ساختگی کار مردم
بود وجامه کبود مصیبت باشد وجامه سوخته زیان بود از سبب پادشاه بر قدر
سوختگی وی وجامه دریده آشکارا شدن راز بود وجامه پشمین ونمدین وپلاس
وابریشمین ابن جمله دلیل بر مال فخواسته باشد که خداوند خواب را حاصل شود و
جامه مرقع دلیل کند بر درویشی وتنگدستی بود وجامه چرکین از هر نوع که باشد دلیل
بر غم واندوه کند وجامه کاغذین ملامت وشناعت بود وجامه که از پوست
چهارپایان بیند دلیل بر خیر ومنفعت کند که بدو رسد وجامه بی درز که بکردار کفن
پوشیده بیند دلیل کند که شغلهای دینی وی تمام شود وعمرش بآخر آمده بود واگر
جامه خز پوشیده بیند دلیل کند که عمر وجاه یابد ابن سیرین گوید اگر بیند که جامه مهتری
پوشیده داشت دلیل کند که کارش بلند گردد واگر بیند که جامه وزیری پوشیده داشت
دلیل کند که منفعت بسیار یابد ولیکن از خلق ملامتش بود واگر بیند که جامه
حاجبی پوشیده داشت کند که از عطای بزرگان محروم ماند واگر بیند که جامه
عوامی پوشیده داشت دلیل کند که منفعت یابد واگر بیند که جامه صاحب دیوانی
داشت دلیل کند که با کسی ظالم وستمگر دوستی کند واگر بیند که جامه عالمی پوشیده
داشت دلیل کند که امانت بر دست وزبان وی روان گردد واگر بیند که جامه

وی صوفی پوشیده داشت دلیل کند که دین بروی زیادت شود ودنیا بنقصان و
اگر بیند که جامه زاهدی پوشیده داشت دلیل کند که از دنیا اعراض کند وترک جهان
بگوید واگر بیند که جامه بازارگانی پوشیده داشت دلیل کند که کار وی در کسب دنیا
روان گردد واگر بیند که جامه مردی مصلح پوشیده دلیل کند که منفعت دینی یابد
وشغل وی بصلاح آید واگر بیند که جامه مردی مفسد پوشیده داشت دلیل کند
که هم از مردمان اهل فساد وی را غم وزیان رسد واگر بیند که جامه مزدوری یا کارگری
پوشیده داشت دلیل کند که رنجور تن ومتفکر شود واگر بیند که جامه برشکی پوشیده
داشت واگر بیند که جامه ورزشکاری داشت دلیل کند که کار وی قوی گردد ودر میان
خلق بنیکی معروف شود واگر بیند که جامه مردی که مخالف دین بود پوشیده داشت
دلیل کند بر فساد دین وهلاک وی واگر بیند که جامه جهودی پوشیده داشت
دلیل کند بمکر وحیلت کسی را هلاک کند وسرانجام کارش بد بود وبیمار گردد
واگر بیند که جامه ترسائی پوشیده داشت دلیل کند که از بد کاری خویش از دوست
ودشمن ایمن نباشد واگر بیند که جامه کشتی پوشیده داشت دلیل کند که صاحب
بدعت بود ومیلش بکافری باشد واگر بیند که جامه مغنی پوشیده داشت دلیل کند
که صحبت وی با بددینان وجاهلان بود واگر بیند که جامه مردی مبارز پوشیده داشت
دلیل کند که وی را با کسی عداوت افتد وجنگ ورزم واگر بیند که جامه مرتبتی پوشیده
داشت دلیل کند که آنکس بدو عطائی پوشیده داشت دلیل کند که باز ستانند واگر بیند
که جامه بت پرستی پوشیده داشت دلیل کند که بخدمت پادشاه مشغول شود
یا بخدمت مردی بزرگوار واگر بیند که جامه زنی پوشیده داشت دلیل کند که حقیر
وخوار وفرومایه شود واگر بیند که جامه دیوانه پوشیده داشت دلیل کند که از مهتر
خویش دور شود واگر بیند که جامه مردی زندانی پوشیده داشت دلیل کند که غمگین
ومستمند شود از سبب کاری واگر بیند که جامه حمالی پوشیده داشت دلیل
کند که بخدمت مردی سفله ودون همت مشغول شود واگر بیند که جامه کشتیبان

پوشیده داشت دلیل کند که وی را از سلطان بیم هلاک بود واگر بیند که جامه گاوبان یا
شتربانی پوشیده داشت دلیل کند که وی را از سلطان بیم هلاک بود ودر میان قوم
خویش سخن رسوا گردد واگر بیند که جامه شبانی پوشیده داشت دلیل کند که از کسی صلح
روزی اجلال یابد واگر بیند که جامه قصابی پوشیده داشت دلیل کند که وی را غم واندوه
وزیان رسد واگر بیند که جامه مخنثی پوشیده داشت دلیل کند که زنی را بنکاح بخواهد
واگر بیند که جامه باژگونه پوشیده داشت دلیل کند که با زن صحبت نه براه راست کند
کرمانی گوید که بهترین جامها که در خواب بیند جامه سپید ونو وباریک وفراخ بود که قصار
نکرده باشند وجامه که سخت تنگ باشد بد باشد زیرا که علامت ضعف دین بود
وجامه انجامه که از کشته بود وجامه زربفت زن خردمند وکنیزک بافرهنگ
باشد وجامه برد مخطط منفعت وخیر ونیکی باشد وجامه دشتی که بجهول بود زخم
تازیانه بود یا غمی سخت باشد جابر مغربی گوید که معبران تاویل جامه از دو گونه گفته اند
بعضی گفته اند که تاویلش تعلق بدین دارد وبعضی گفته اند که بدنیا پس چون جامه سپید
بود ونو وباریک وفراخ بیند هم دین را نیک بود وهم دنیا را واگر جامه کهن وبه
ستر وشک بیند از هر دو قول هم دین را بود وهم دنیا را زیرا که یک قول ضعف دین
باشد ویک قول درویشی وبیچارگی بود وچون جامه چرکین ودریده بیند فساد
دین باشد بیک قول ویک قول فساد دنیا وجامه سرخ زنان را نیک بود ودر دنیا و
مردان را هم نیک باشد اگر تخفیف یا ازار یا نهالی بود زیرا که دلیل بر خرمی کند خداوندش
در دنیا اگر پیراهن بود یا ازار پای یا قبا یا طیلسان یا دستار این جمله مردان را غم واندوه
باشد یا جنگ وخصومت وسختی وجامه زرد زنان را ومردان را بیماری بود
وبعضی از معبران گفته اند که اگر زنی بیند که جامه زرد پوشیده داشت دلیل کند اگر
شوهر ندارد شوهر خواهد واگر شوهر دارد بیمار شود وجامه سبز در خواب دیدن
زنان ومردان را در دین باشد واگر بر زنده بیند صلاح دین بود واگر بر مرده بیند رستگار
ونیکوئی حال مرده باشد وجامه سیاه کسی را نیک بود که پیوسته به پوشیدن سیاه بود

اما کسی را که به بیداری سفید پوشد دیدن آن نیک نباشد بهر دو قول یعنی نه در
دین و نه در دنیا و بعضی گفتند که جامهٔ سیاه رعیت را غم بود و پادشاه و قاضی و خطیب را
نیک باشد و جامهٔ کبود بهتان و غم و مصیبت بود و جامهٔ چرکن از هر رنگی که باشد غم
و اندیشه بود پس اگر بیند که جامهٔ پوشیده داشت از هر رنگی یعنی سپید و سرخ و سبز
و زرد و آنچه بدین ماند دلیل کند که از پادشاه یا از والی آن ولایت سختی سخت شود
که وی را خوش بیاید پس اگر بیند که جامهٔ پوشیده داشت دلیل کند بر صلاح حال وی
خاصه که جامه سپید و فراخ باشد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که بروی جامهٔ بود که
پیشش اندر تنگی باشد و پیشش از یک تنگ دلیل کند که با اهل دین و دنیا بدارا زندگی
کند و اگر بیند که جامهٔ خود را همی خورد دلیل کند که از مال خویش هزینه بسیار کند و اگر
بیند که جامهٔ تر پوشیده داشت دلیل کند که در سفر دیر بماند یا از بهر کاری وی را بزندان کنند
و اگر بیند که جامهٔ وی را بستدند یا ضایع شد و اگر او برهنه ماند دلیل کند که قدر و جاه او بشود
و بچشم مردمان حقیر و خوار گردد و اگر بیند که جامهٔ خود را بدرید دلیل کند که با اهل بیت
خویش خصومت کند و اگر بیند که کسی جامهٔ وی را بدرید دلیل کند که از وی اندوهگین
شود و اگر بیند که جامهٔ دریده در وی پوشانیدند دلیل کند که از سبب کاری که اندر
دست غمخواره گردد و اگر بیند که جامهٔ خویش یا جامهٔ اهل خود را رفو کرد دلیل کند که
با کسی از خویش و نزدیکان و یا اولیای وی خصومت افتد یا با دوستی که در وی خیری نباشد
و اگر بیند که جامهٔ وی را کسی ببرد و او را برهنه باند دلیل کند که از حرمت و منزلت بیفتد اگر بیند
که جامهٔ در نوشته را باز کرد دلیل کند که بسفر شود و اگر بیند که جامه باز کرده را در نوشت
دلیل کند که غایبش از سفر باز آید و اگر مردی بیند که جامهٔ زنان پوشیده داشت دلیل
کند که مالش بزیادت شود اما ترس و بیمی عظیم بدو رسد و بعضی گفتند که وی را
غم و اندوه و کم حرمتی رسد و اگر زنی بیند که جامهٔ مردان پوشیده داشت دلیل
کند که خیر و نعمت بدو رسد و بدانکه جامه بافتن در خواب سفر باشد بر قدر
درازی و کوتاهی جامه اگر بیند که جامه را تمام کرد دلیل کند که از غم و اندوه باز

رهد خلف اصفهانی گوید که بهترین جامهای برد که در خواب بیند آنست که از
پنبه بود که اندرو قز یا ابریشم نباشد زیرا که خالص بود هم دین را نیک باشد و هم
دنیا را و جامهٔ عتابی که از پنبه و ابریشم بود و جامهٔ خز این هر دو دلیل بر مال حرام
و فساد دین کند و جامهٔ دیبا و حریر و آنچه از ابریشم باشد مردان را بد باشد
و زنان را نیک زیرا که پوشیدن جامهای ابریشمین زنان را حلالست و مردان
را حرام و بدانکه جامهٔ کهنه فروشد وی را نیک بود و آن کس که خرد وی را بد باشد
و آنکس که از تن بیرون کند وی را نیک بود و آنکس که در پوشد وی را بد باشد جاحظ
معبر گوید اگر بیند که جامهٔ شسته پوشیده بود دلیل کند که تایب شود و از گناهان
کرده پشیمان شود و اگر بیند که جامهٔ چرکن پوشیده داشت دلیل کند که درویش
و اندوهگین و بیچاره گردد و اگر بیند که جامهٔ رنگین پوشیده داشت اگر سپاهی
بود یا زن وی را نیک باشد و اگر بخلاف این بود نیک نباشد و اگر بیند و اگر
بیند که جامهٔ باژگونه پوشیده بود دلیل کند که وی را منکر پدید آید حضرت
امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن جامهٔ نو پوشیده در خواب بر چهار
وجه باشد یکی زن باشد ٭ دوم پادشاه ٭ سیوم مال و نعمت ٭ چهارم منفعت و
زنان را شوهر باشد ٭ و تاویل جامهای رنگین چنان بود که پیش از این یاد کرده شد
همو گوید اگر بیند که کسی جامه از تن وی بیرون کرد اگر خدمتکار پادشاه بود
دلیل کند که از خدمت وی بیرون آید و اگر در خدمت پادشاه نبود دلیل
کند که زن را طلاق دهد و اگر بیند که جامهٔ خویش را بمقراض ببرید دلیل کند که
خیر بدو رسد و اگر بیند که دندان جامهٔ او را بر کندند دلیل کند که فسادی در میان
زنان وی افتد **جامهٔ خواب** ابن سیرین گوید که جامهٔ خواب بتاویل زن
باشد اگر بیند که جامهٔ خوابش بگونه سپید بود دلیل کند که عیالش ستیره و امانت
دار بود و از وی خشنود و اگر بیند که جامهٔ خوابش بگونه سرخ بود دلیل کند که
عیالش معاشر بود و باشد که از وی شادی یابد و اگر بیند که بگونه سبز بود دلیل

کند که عیالش دینا و صالحه باشد و اگر بیند که بگونه سیاه بود دلیل کند که وی را
از عیالش رنج و غم و اندوه رسد از ناسازکاری و بعضی از معبران گفتند که دیدن
جامه خواب سیاه پادشاه را نیک بود و رعیت را بد باشد و اگر بگونه کبود بود دلیل
کند که وی را از سبب عیال مصیبت رسد و اگر بیند که جامه خوابش چرکن و کهنه و دریده
بود دلیل کند که عیالش چرکن و پلید و ناسازکار بود و اگر بیند که جامه خوابش ضایع
شد یا کسی آن را بدزدید دلیل کند که زن را طلاق دهد یا از وی مفارقت جوید و
اگر بیند که جامه خوابش بسوخت دلیل کند که عیالش از دنیا رحلت کند حضرت
امام جعفر صادق علیه السلم گوید که جامه خواب در خواب دلیل بر سه وجه کند یکی زن
بود ٭ دوم راحت و آسانی ٭ سیوم رنج و اندوه و مصیبت باشد ٭ **جان** ابن سیرین گوید
که جان بخواب فرزند یا عیال موافق اگر بیند که جان از تن وی جدا همی شد دلیل
کند که فرزند یا عیالش از دنیا رحلت پس اگر این هر دو بشود دلیل کند که مال از دست
وی بشود و اگر مال نیز هم نباشد بیم بود که هلاک شود و اگر جان خویش بصورت مردی نیکو
بیند دلیل کند که وی را فرزندی آید حکیم و دانا و حال وی نیکو گردد و اگر فرزندش نیاید
دلیل کند که بخدمت پادشاهی خوش و جوانمرد پیوندد و حالش نیک گردد و اگر جان
خود را بصورت مردی زشت بیند دلیل کند تاویلش بخلاف این باشد که یاد کرده
شد و بخبر آمده است که مردی پیش رسول علیه الصلوة والسلام رفت و گفت یا رسول
الله در خواب چنان دیدم که جان از تن من بیرون آمد و مرا دنبال گرفت و بعد
از آن بآسمان رفت رسول علیه الصلوة والسلام گفت که وصیت کن که جان تو به
مکان خود رسید پس هم در زمان آن مرد از دنیا رحلت کرد کرمانی گوید اگر کسی
در خواب جان خود بیند دلیل کند که بکاری مخاطره مشغول شود که در آن کار وی
را بیم جان بود و اگر بیند که جان از کف وی بآسمان شد دلیل کند که زود بمیرد و اگر
بیند که جان بگونه زرد بود دلیل کند که در بیماری صعب بمیرد و اگر بیند که بگونه سرخ بود
هم دلیل کند بر بدی و اگر بیند که بگونه سپید بود دلیل کند بر عاقبتش که محمود بود

و رستگاری یابد و اگر بگونه سیاه بود دلیل کند که مستوجب عذاب و عقوبت خدای
عز و جل باشد زیرا که جان مشرکان و بددینان بدین صفت بود جابر مغربی گوید که
اگر بیند که مرده جان همیکند و خویشان بروی نوحه و زاری همیکردند دلیل کند که اهل
بیت آن مرده را غم و اندوه رسد و اگر خویشان وی آهسته همی گریستند دلیل کند که
خویشان وی را شادی و خرمی بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که چون
مرده بخواب جان کند دلیل کند که جانش در عذاب و عقوبت باشد **چاه**
ابن سیرین گوید که اصل چاه در تاویل زن بود اگر بیند که چاهی همیکند دلیل کند که زن خواهد و اگر
بیند که در کندن چاه کسی با وی یاری همیکرد دلیل کند که میان او و میان این متوسط
باشد و خواهد که بمکر و حیلت آن زن را بزن وی دهد زیرا که کندن چاه مکر و حیلت
بود و نیز مردمان مثل زنند که فلان چاه فلان میکند یعنی با وی بدی و مکر خواهد کردن
و آب چاه مال زن بود اگر بیند که کسی چاه کند و آب بر نیامد دلیل کند که زن درویش را بزنی
خواهد و اگر بیند که آب برآمد دلیل کند که زنی را بزنی خواهد که بر قدر آن آب وی را
نعمت و مال بود و اگر بیند که از آنچاهی آب خورد که آن چاه از خشت پخته برآورده بود دلیل
کند که بر قدر آن از مال زن بخورد و آن زن را با پادشاه پیوستگی باشد و اگر آن چاه از
خشت خام برآورده بود دلیل کند که آن زن از مردمان عامه باشد و اگر آن چاه از
سنگ برآورده بود دلیل کند که آن زن از مهتران بزرگ باشد و اگر آن چاه از چوب
برآورده بود دلیل کند که آن زن از مردمان لاف زن و دروغ گوی باشد کرمانی گوید اگر
بیند که آب چاه خورد و بطعم خوش بود دلیل کند که مال زن بطوع و رغبت او خورد
و اگر آب شور یا تلخ بود دلیل کند که مال زن بکراهیت ستاند و اگر آب چاه گرم بود
دلیل کند که از جهت مال زن جفا یابد و دلیل بیماری وی باشد و اگر آب چاه نه
خنک و خوش بود دلیل کند که از زن بدو خیر و نیکی رسد و اگر آب چاه بسیار بود دلیل
کند که زن جوانمرد و سخی باشد و اگر آب چاه اندک بود دلیل کند که زن بخیل باشد
و اگر بیند که چاه کند و آب رود برآمد دلیل کند که زن بیمار گردد و مال خویش به بیماری

بكار برد واكر بيند كه از چاه آب سياه برآمد يا كبود دليل كند كه غم واندوه وبلا رسد واكر
آب سپيد وپاكيزه وخوش برآمد دليل كند كه ميراث يابد واكر بيند كه آب چاه بقعر چاه
فرو رفت وهيچ نماند دليل كند كه زن هلاك شود ومالش تلف شود واكر بيند كه چاه
بزمين فرو رفت هم دليل هلاك زن باشد كرماني اكر بيند كه دلو بچاه فرو هشت تا آب
برآورد پس رسن بكسست ودلو در چاه افتاد دليل كند كه ويرا فرزندي آيد ناتمام ودر خبر
آمده است كه از عبد الله بن عباس رضي الله عنه مردي پرسيد كه بخواب ديدم كه
دلو را بچاه فرو هشتم تا آب برآرم بدو پاره كشت از آن دو بهره برآوردم ويك بهره در چاه
بماند عبد الله كفت تو از عيال خويش غايب بودي ترا فرزندي آمد شش ماهه وويرا
دفن كردند آن مرد را از وي عجب آمد كفت تو چكونه دانستي كه من غايب بودم واز خانه
من چون خبر يافتي عبد الله كفت اصل چاه زن است ودلو فرزند كه تا مادر نه ماه
جدا شود تو كفتي كه دو بهره برآوردم ويك بهره بماند از نه ماه دو بهره بركيري شش ماه
باشد مرد از كفتار عبد الله خيره فروماند دانيال كويد اكر كسي بيند كه بجايكاهي معروف
درخواب چاه همي كند دليل كند كه بر كسان خويش مكر وحيلت سازد واكر بيند
كه چاه بجايكاهي مجهول همي كند دليل كند كه بر مردمان بيكانه مكر وحيلت وخيانت
سازد واين تا آن وقت بود كه بكند در چاه آب برنيايد چون بيند كه آب برآمد وروان
كشت تاويل حكم چاه معبران بر نكاه كنند واكر بيند كه اين چاه از بهر كسي ديكر ميكند
دليل كند كه بمكر وحيلت مال جمع كند خاصه كه چاه او كنده باشد واكر از آنكه چاه كند
بدو منفعت رسد بر قدر آنكه آب بركشند پس اكر بيند كه بدلو آب همي كشيد
از چاه وآب را در خنب يا در سبوي ومانندش همي ريخت دليل كند كه آن مال را
كه حاصل كرده بود نيك نكاه دارد واكر آن آب را بركشيد وبر زمين همي ريخت ويرا
كنده همي كرد دليل كند كه آن مال را كه حاصل كرده بود هزينه كند واكر بيند كه اندر چاه
بيفتاد دليل كند كه اندر مكر وحيلت افتد واكر بيند كه باغ را آب همي داد دليل كند كه
از مالي كه حاصل كرد زن خواهد يا كنيزك خرد وچون در آن باغ ميوه بيند دليل كند كه

وي را

ويرا فرزند آيد وبعضي كفته اند كه اكر باغ را از چاه آب دهد دليل كند كه با جفت خويش
مجامعت كند واكر بيند كه آب از سر چاه برآمد وروان شد دليل كند كه زني توانكر
وغني بخواهد كه از آن زن وي را نعمت ومال بسيار حاصل شود خاصه كه آب چاه
خوش باشد حضرت امام جعفر صادق عليه السلام كويد كه ديدن چاه بخواب بر شش
وجه بود يكي زن باشد دوم تزويج سيوم عالم چهارم مردي بزركوار پنجم ملك ششم
مكر وحيلت وبدانكه چاه كن بتاويل خداوند مكر وحيلت بود **جبه** ابن سيرين
كويد كه جبه درخواب زن مرد بود اكر بيند كه جبه نو وفراخ وپاكيزه وسپيد داشت
دليل كند كه جفتش سازكار ونيك راي وخوب سيرت باشد واكر بخلاف اين بيند
دليل كند كه جفتش با وي بد راي وناسازكار بود واكر بيند كه جبه اش بدريد
يا بسوخت دليل كند بر زوال عيش وجدائي ايشان از يكديكر حضرت امام
جعفر صادق عليه السلام كويد كه ديدن جبه بخواب زمستان بهتر بود واو بر چهار وجه
بود يكي زن مرد باشد دوم قوت سيوم شادي چهارم منفعت بود وجبه كهن
ودريده دليل كند بر غم واندوه خاصه كه چركن باشد جابر مغربي كويد اكر بيند
كه جبه نو داشت يا كسي بدو داد اكر بكونه سبز بود دليل كند كه زني ستيزه وپاك
دين بخواهد واكر بكونه سپيد بود دليل كند كه آن زن پارسا وبا امانت بود واكر بكونه
سرخ بود دليل كند كه آن زن معاشر بود واكر بكونه زرد باشد دليل كند كه آن زن
بيمار كن وزرد روي باشد واكر بكونه سياه وكبود بود آن زن اندوهكين ومتفكر باشد وبا
وي سازكاري كم كند **چتر** ابن سيرين كويد اكر بيند كه چتر از سر وي چتر همي بردند
دليل كند كه اكر اهل بود پادشاهي يابد واكر اهل نبود از پادشاهي بزركي يابد واكر بيند
كه او چتر پادشاهي داشت دليل كند كه مقرب پادشاه شود حضرت امام جعفر
صادق عليه السلام كويد كه ديدن چتر درخواب بر هفت وجه بود يكي سلطانيت دوم
عز سيوم مرتبت چهارم رياست پنجم رفعت ششم ولايت هفتم صحبت داشتن
با مهتران وبزركان **چراغ** كرماني كويد كه چراغ درخواب خادم خانه بود و

بعضي از معبران كفته اند كه كدبانوي خانه باشد اكر بيند كه در خانه وي چراغي پاكيزه وروشن
بود دليل كند بر صلاح احوال الخادم اهل خانه وي واكر بيند كه چراغ وي تاريك همي
سوخت دليل كند بر بدي احوال وبيماري كدبانوي خانه وي واكر بيند كه از آتش زنه چراغ
افروخت دليل كند كه اكر زن دارد فرزندش آيد واكر عزب بود زن كند يا
كنيزك خرد واكر بسفر غايبي دارد بسلامت باز آيد ابن سيرين كويد اكر در شهر
خويش چراغ روشن بسيار بيند دليل كند كه پادشاه شهر عادل شود وقاضي
منصف كردد ودانشمندان شهر زاهد شوند ومردم اين شهر را عروسي ومهماني
ورامش ونشاط بسيار بود اسمعيل اشعث كويد اكر كسي بيند كه چراغي روشن
در دست داشت دليل كند كه ويرا فرزندي آيد يا عز ودولت يابد واكر بيننده
خواب فاسق بود دليل كند كه بخداي باز كردد واكر بيننده خواب مشرك بود دليل
كند كه هدايت يابد واكر مسلمان بود دليل كند كه توفيق طاعت يابد **قوله عز
وعلا** وَسِرَاجًا مُنِيرًا وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ واكر بيند كه چراغ بمرد دليل كند كه فرزندش
بميرد يا عز ودولت وي بنقصان شود ويا توفيق طاعت نيابد واكر هر دو دست
خويش چراغهاي روشن بيند دليل كند كه بكارهاي خير توفيق يابد ومراد ديني و
دنيائي وي حاصل كردد واكر بيند كه در دست يكي چراغدان داشت كه در وي دو سوراخ
بود ودو فتيله افروخته بود دليل كند كه وي را يك شكم دو فرزند بيايد حضرت امام
جعفر صادق عليه السلام كويد كه ديدن چراغ درخواب بر چهارده وجه بود يكي پادشاه
دوم قاضي سيوم فرزند چهارم عروسي پنجم ولايت ششم مهتري هفتم سراي هشتم شادي
نهم علم دهم توانكري يازدهم عيش خوش دوازدهم كنيزك سيزدهم منفعت چهاردهم
دليل بچيزي نيكو بكند **چراغ پايه** ابن سيرين كويد كه چراغپايه ديدن درخواب
خدمتكار خانه باشد اكر بيند كه چراغ پايه داشت يا كسي بدو داد دليل كند كه خدمتكاري
ويرا حاصل شود كرماني كويد كه چراغ پايه زن خادمه بود اكر آهنين بيند واكر برنجين
واكر مسين چون نو وپاكيزه بيند دليل كند كه خادمه نيك ونغز وخوش طبع ومهربان

وشفقت باشد

وشفقت باشد واكر زنك كرفته وچركن وزشت بيند تاويلش بخلاف اين باشد
كه ياد كرده شد واكر بيند كه چراغ پايه بيفتاد وبشكست دليل كند كه آن زن خادمه
از دنيا رحلت كند واكر بيند كه چراغ پايه زرين بود يا سيمين دليل كند كه آن زن
متكبره وخويشتن بين بود ودين وي ضعيف باشد واكر بيند كه چراغ پايه وي
چوبين بود دليل كند كه آن زن خادمه سفله ودون همت باشد وبر قول وي اعتماد
نبود وامانت نكاه ندارد **چراغ دان** ابن سيرين كويد كه چراغدان بخواب زن
بود وبعضي از معبران كفته اند كه خدمتكار خانه باشد وفتيله چراغ دان كار فرمايي
بود كه پيرامن مردمان همي كردد وخدمت ايشان هميكند كرماني كويد كه چراغ دان
آهنين بود دليل كند كه اصل آن خدمتكار ترسا بوده باشد واكر بيند كه چراغدان
مسين بود دليل كند كه اصل وي جهود بوده باشد واكر بيند كه چراغدان سفالين بود
دليل كند كه اصل وي مسلمان بوده باشد واكر بيند كه چراغدان برنجين بود دليل كند
كه اصل آن خدمتكار مغني بوده باشد واكر بيند كه چراغ دان از دست وي بيفتاد
وبشكست دليل كند كه زن وي يا خدمتكار خانه بميرد **چرغ** ابن سيرين كويد
كه چرغ درخواب پادشاه بود واكر بيند كه وحشي بود فرزندي باشد كه بحد بلوغ و
مردي نرسد واكر بيند كه چرغي فرا كرفت وبدو شكار همي كرد دليل كند كه پادشاه
بروي ستم وبيداد كند واكر بيند كه چرغ پادشاه بدو داد وبدو شكار هميكرد دليل كند كه
در خدمت پادشاه حرمت وبزركي يابد وبر ديكران ستم وبيداد كند واكر بيند كه
چرغي از بهر خويش شكار هميكرد واو آن چرغ را بكرفت دليل كند كه بر مهتري بزرك
مسلط شود واكر بيند كه چرغي را فرا كرفت وآن چرغ شكار نمي كرد دليل كند كه
ويرا فرزندي آيد واكر بيند كه از كوشت آن هميخورد دليل كند كه فرزندش بزرك
شود واز ورنج وبدي بيند بقدر آن كوشت كه خورده باشد كرماني كويد كه چرغ بخواب
مردي بزركوار بود كه هيبت وسياست دارد اكر بيند كه در خانه وي چرغ بيكبار يا دو بار
بانك كرد دليل كند كه زيانش رسد واكر بيند كه سه بار بانك كرد هيچ زيانش نبود و

بعضی از معبّران گفتند که چرغ بخواب مردی دزد بود که کارها بشب کند **چرک** ابن سیرین گوید که هر چرک که در خواب بر جامه بیند تاویلش گناه و فساد بیننده خواب بود بقدر آن چرک که بر جامه دیده باشد پس اگر همه جامه را بچرک آلوده بیند دلیل کند که گناه و فساد بیشتر و قوی تر باشد پس اگر بیند که چرک جامهٔ وی بچیزی از متاع دنیا بوده باشد دلیل کند بر تباهی دین و دنیای وی بر قدر آن چرک و اگر بیند که چرک جامهٔ وی از سبب مردگان بوده باشد دلیل کند بر فساد دین و صلاح دنیائی وی کرمانی گوید که چرک بینندهٔ خواب بر تن بیند یا سر و موی جمله غم و اندوه و تفکر باشد و علی الجمله در دیدن چرک خیر و منفعت نبود جز که رنج و مضرّت بود **جزع** ابن سیرین گوید که سنگ جزع در خواب زنی بود مختلف و مولازاده اگر بیند که سنگ داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که زنی بدین صفت که گفتیم بخواهد و اگر بیند که جزع از وی ضایع شد دلیل کند که زن وی بمیرد یا طلاق دهد جابر مغربی گوید اگر جزع بگونه سپید و روشن بود دلیل کند که آن زن تیره و خوب روی و با امانت باشد و اگر بیند که بگونه سیاه فام و تیره بود دلیل کند که تاویلش بخلاف این باشد و اگر آن جزع بگونه زرد بود دلیل کند که آن زن زرد روی و بیمارگن باشد **جستن** ابن سیرین گوید اگر بیند که از جایگاهی بجایگاهی بجست دلیل کند که از حالی بحالی دیگر گردد و اگر جستن وی دور باشد دلیل کند که سفری دور کند و اگر بیند که چوبی یا نیم نیزه بدست داشت و بدان از جائی بجای همی جست دلیل کند که بر مردی قوی اعتماد کند یا او را یاری دهد بکاری تا او کار را بمراد او کرد اند و اگر بیند که از دیواری فرو جست دلیل کند که بر مردی که بدو امید داشت که یاریش دهد در کاری نومید گردد کرمانی گوید اگر بیند که از بام تا بام همی جست دلیل کند که زن را بگذارد و طلب زنی دیگر کند و اگر بیند که از بام فرو جست و بر ستور نشست دلیل کند که هلاک شود و اگر بیند که بر بامی بجست و خانه بزیر پایش فرو رفت دلیل کند که عیال او هلاک شود و اگر بیند که از پشت ستور بجست و بخانهٔ خویش در آمد دلیل کند که زنی که از وی

جدا گشته باشد پیش وی آید و اگر بیند که از زمین سوی هوا بر جست و روی بقبله آورد و بعد از آن خود را در حرم دید یا در مکه یا در مدینه این جمله دلیل حج کردن باشد و اگر بیند که از سرای مجهول بر اشتری بجست دلیل کند که هلاک شود و اگر بیند که باز گونه همی جست و معلق می زد دلیل کند که کار روی باز گونه شود و عیش بروی تباه گردد و اگر بیند که بر هوا بجست و مرغی را بگرفت دلیل کند که زن خویش را بگذارد و زنی دیگر جوید و اگر بیند که بچوب یا بعصی یا بچیزی کند که از جای بجای همی جست دلیل کند که مراد وی حاصل شود و جابر مغربی گوید اگر بیند که از چوبی یا از کندهٔ بیرون جست دلیل کند که از رنج و اندیشه برهد بمراد دل و کارش بنظام شود **چشم** ابن سیرین گوید که چشم سیاه در خواب دین مرد بود و بینائی که بدان راه هدای بیند یا راه ضلالت و چشم ازرق بدعت باشد و چشم شهلا فرزند بود و بعضی از معبّران گفتند که یک چشم بخواب فرزندی باشد و هر دو چشم دین بود اگر بیند که او نابینا شده است دلیل کند که از دین اسلام و راه هدی گم شده باشد یا فرزندی وی بمیرد و اگر بیند که یک چشم وی کور شده است دلیل کند که نیمهٔ دین وی شده باشد یا گناهی بزرگ کرده بود یک دست یا یک پای یا یک اندام از اندامهای تن او دلیل کند که مصیبتی در نفس وی رسد که در روزگار وی یا در کار برادر وانباز وی و اگر بیند که چشمهای وی درد همی کرد دلیل کند که تباهی نفس خویش جوید کرمانی گوید که اگر بیند که در چشم کشید و مقصودش از آن صلاح چشم بود دلیل کند که صلاح دین جوید و اگر مقصودش از آن سرمه کشیدن آرایش بود دلیل کند که خویشتن را بدین داری و دیانت بمردمان همی نماید بچشم مردم عزیز شود و اگر بیند که کسی سرمه بدو داد یا در چشم کشید دلیل کند که بر قدر آن مال یابد و اگر بیند که روشنائی چشم وی ضعیف بود و کمتر از آن باشد که مردمان گمان برند دلیل کند که در راه دین بظاهر و باطن دروغ زن و منافق بود و اگر بیند که بر تن وی چشمهای بسیار است و بدان چشمها همه چیزی را بجان همی بیند دلیل کند که بر زیادتی صلاح دین وی و بجای آوردن سنت و فرایض راه شریعت و اگر کسی میل در چشم وی را بکند دلیل

کند که آن چیز که چشمش بدان روشن است از فرزند و مال و سرای و باغ و آنچه بدین ماند از نظر وی غایب شود چنانکه هرگزش نه بیند جابر مغربی گوید اگر بیند که چشم وی از آهن بهست دلیل کند که پردهٔ وی دریده شود و اگر بیند که هر دو چشم وی آماسیده بود چنانکه چشمها را باز کردن هیچ نتوانست دلیل کند که با مردمان مخالف صحبت دارد و اگر بینائی چشم را ضعیف بیند دلیل کند که بطاعت کردن وی را تقصیر افتد و اگر هر دو چشم خویش را کنده بیند دلیل کند که از دیدار شریعت بی بهره گردد و اگر بیند که میان روی وی یک چشم است دلیل کند که بر زبان وی ناسازها رود در باب دین و اگر کسی چشمها روشن بود و مردمان پندارند که وی شب کور است دلیل کند که باطن وی در دین بهتر از ظاهر باشد و اگر شب کور بود و مردمان پندارند که او بیناست دلیل کند که ظاهر وی در دین بهتر از باطن باشد و اگر بیند که چشم کسی که سیاه بود ازرق شد دلیل باشد **قوله تعالی** وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا ؛ و اگر بیند که هر دو چشم وی سپید شد و دیگر باره سیاه گشت دلیل کند که بیمار شود یا با کسی خیانت کند و اگر بیند که هر دو چشم وی سیاه شد چنانکه هیچ سپیدی نداشت دلیل کند که آنکس مغرور گردد و اگر بیند که چشم وی را آفتی رسید دلیل کند که فرزندش را زیان رسد و اگر بیند که کسی دست فراز کرد و یک چشم وی بکند دلیل کند که فرزند وی را کسی از نه ببرد و اگر بیند که کسی چشم وی را بگرفت یا ببست دلیل کند که از کسی زیان بوی رسد یا گناهی کند و اگر بیند که از دیدهٔ وی خون همی رفت دلیل کند که از جهت فرزند غم خورد یا مالش برود اسمعیل اشعث گوید اگر مردی بیند که چشم او گوش گشت و گوش چشم دلیل کند که زن خواهد که ویرا دختر بود و با هر دو مجامعت کند و اگر بکف خویش بیند دلیل کند که مال یابد و اگر بیند که در چشم وی سفیدی بود دلیل کند که وی را غم و اندوه رسد **قوله عزّ و جلّ** وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ ؛ چنین گوید که مردی پیش دانیال حکیم آمد و گفت که بخواب چنان دیدم که چشم راست من چپ را همی داد دانیال گفت ای مرد از خدای

بترس و توبه کن و با زن همسایه خیانت مکن تا از عقوبت خدای رسته گردی مرد گفت توبه کردم که دیگر این فعل نکنم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن بخواب چشم بر هفت وجه بود یکی روشنائی باشد ؛ دوم دین ؛ سوم اسلام ؛ چهارم فرزند ؛ پنجم مال ؛ ششم علم ؛ هفتم زیادتی در مال و دین ؛ **چشمهٔ آب** ابن سیرین گوید که چشمهٔ آب در خواب مهتری بود جوانمرد و بخشنده چون آب وی خوش طعم و خوش بوی و روان بود بشهری یا بکوچهٔ هر کجا آب آن چشمه رسید دلیل کند که در آنجا غم و بیماری و مصیبت نبود و اگر بیند که از آن چشمه مسح کرد دلیل کند که از غمها فرج یابد و اگر بیند که آب آن چشمه زیادت شد دلیل کند که جاه و بزرگی و مهتری و جوانمردی که در آن دیار زیادت شود و اگر بیند که آب آن چشمه نقصان شد تاویلش بخلاف این باشد که یاد کرده شد و اگر بیند که آب آن چشمه خشک شد دلیل کند که مهتری و جوانمردی در آن دیار یا ندنیا رحلت کند کرمانی گوید که اگر بیند که در خانه یا در دکان وی چشمهٔ آب روان بدید آید بجایگاهی که ممکن بود دلیل کند که وی را و اهل خاندان وی را غم و اندوه و گریستن باشد بر قدر قوت آن چشمه و اگر بیند که آب آن چشمه تیره و ناخوش بود دلیل کند که غم و اندوهش صعبتر بود و اگر بیند که در آن چشمه دست و روی همی شست دلیل کند که اگر بنده بود آزاد گردد و اگر غمگین بود از غمها فرج یابد و اگر ترسنده باشد ایمن گردد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دار بود وامش گذارده شود و اگر گناه بود توبه کند و اگر حج ناکرده بود حج کند جابر مغربی گوید که آب چشمه در خواب دلیل کند بر عمر بینندهٔ خواب بدان قدر که در چشمهٔ آب بیند خاصه که دست بدان آب برد و آب ایستاده بتاویل ضعیف تر از آب روان باشد و بعضی از معبّران گفتند که آب چشمه چون ایستاده بود دلیل بر خیر و علم و صلاح کند چون روان بود دلیل بر غم و اندوه و مصیبت کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن چشمهٔ آب در خواب بر پنج وجه بود یکی مهتری و جوانمردی باشد ؛ دوم غم و اندوه ؛ سوم مصیبت ؛ چهارم

بیماری بجنجم عمر و زند کافی؛ **چغانه** ابن سیرین گوید که چغانه در خواب باطل
و دروغ بود اگر بیند که چغانه همیزد دلیل کند که سخن دروغ و باطل گوید و از آن پس وی را
غم و مصیبت رسد و اگر بیند که پادشاهی وی را چغانه داد دلیل کند که از پادشاه جاه و
بزرگی یابد اگر اهل آن بود و اگر اهل آن نبود از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیند که چغانه
را بشکست یا بیفکند دلیل کند که از دروغ باطل گفتن توبه کند و اگر بیند که کسی چغانه
میزد و او سماع میکرد دلیل کند که مستمع کلام باطل و دروغ شود کرمانی گوید که اگر
کسی بیند که چغانه استاد و او همیزد چنانکه رسم بود و او چغانه زدن نداند اگر بیننده
خواب عالم بود دلیل کند که مردمان را علم گوید و شرح آن نیکو بیان کند چنانکه همه
کس را خوش آید و باشد که سه گونه علم بگوید علم تفسیر و علم فقه و قصص و اگر
این کس جاهل بود و شغلی کند که از آن شغل وی را از خلق ملامت و سرزنش بود و اگر
بیند که با چغانه چنگ و نای و رقص بود این جمله دلیل کند بر غم و اندوه و مصیبت
جغد ابن سیرین گوید که جغد در خواب مرد دزد و نابکار و حسود بود و حرام
خوار چنانکه در مردم او بر هر چیزی خصومت کند و اگر بیند که با جغد جنگ و
نبرد همی کرد دلیل کند که وی با چنین مردی خصومت افتد و بهر حالی دیدن جغد
نامبارک و شوم بود کرمانی گوید اگر در خواب بانک جغد شنود دلیل کند که
اندر آنجا نوحه و شیون باشد بر قدر بانک وی و اگر بیند که بچه جغد را بگرفت یا کسی
بدو داد دلیل بر غم و اندوه کند و بعضی از معبران گفتند که بچه جغد فرزند ناخلف
و شوم باشد و اگر بیند که گوشت جغد همیخورد کند از مردی دزد و نابکار بر قدر
آن بخورد **چغر** بدانکه چغر بپارسی وزغ باشد تاویلش را بعد از این بحرف
واو بباب وزغ بیان کنیم **چغندر** ابن سیرین گوید چغندر در خواب غم و اندوه
بود اگر کسی بیند که چغندر همی خورد دلیل کند که بر قدر آن غم و اندوه بدو رسد و اگر بیند
که چغندر را از خانه بیرون افکند یا بکسی داد دلیل کند که از غم و اندوه رسته گردد کرمانی گوید
که چغندر بخواب منفعت اندک بود از جهت زنان و پخته وی بهتر از خام او باشد

اگر بیند که چغندر پخته همیخورد دلیل کند که بر قدر آن از زنان منفعت یابد **چک**
ابن سیرین گوید اگر بیند که چک مهر کرده کسی بدو داد یا مهر کرده بیافت دلیل کند که مال
و نعمت یابد و اگر بیند که کسی بر وی چک یا خط قباله همی نوشت دلیل کند که حجامت کند
و اگر بیند که از بهر کسی چک همی نوشت دلیل کند که آن کس حجامت کند جابر مغربی
گوید اگر بیند که چکی مهر کرده داشت و مهر از وی برگرفت دلیل کند که در مال وی نقصان
آید و اگر بیند که آن چک از وی ضایع گشت یا بسوخت دلیل کند که مال وی ضایع شود
چکاوک بدانکه چکاوک را بتازی قبره خوانند و تاویلش در خواب فرزند غلام
بود اگر بیند که چکاوک فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که غلامش را فرزندی آید
چنانکه اگر چکاوک نر بود غلامش را پسر آید و اگر چکاوک ماده باشد غلامش را دختر
آید کرمانی گوید که چکاوک بخواب مردی بود شیرین سخن و غریب و آمیزنده با مردمان
و کم آزار و چرب زبان اگر بیند که کسی چکاوکی وی را عطا داد یا بگرفت دلیل کند که با چنین
مردی که صفت کردیم وی را صحبت و دوستی افتد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
گوید که دیدن چکاوک در خواب بر سه وجه بود یکی غلام خرد باشد دوم فرزند غلام
سوم مردی غریب کم آزار شیرین سخن و با مردمان آمیزنده باشد چنانکه صفت
کردیم **جگر** ابن سیرین گوید که جگر در خواب مال نهان کرده بود اگر بیند که جگر مردم
همیخورد دلیل کند که مال کسی که نهان کرده بود بیابد و هزینه کند و اگر بیند که جگر پخته
و بریان کرده وی را حاصل شد یا جگر خام دلیل کند که گنج یابد و اگر بیند که جگر گاو و گوسفند
دلیل کند بر مال و نعمت بدان قدر که جگر دیده باشد و بعضی از معبران گفتند که جگر
دلیل بر فرزندان کند چنانکه رسول علیه الصلوة فرمود: اَوْلَادُنَا اَكْبَادُنَا: کرمانی گوید
که بیرون آمدن جگر آشکارا شدن وی مال نهان کرده بود و جگرهای بسیار اگر
پخته و اگر خام دلیل کند که بر گنجهای و علمهای غیب کند حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام گوید که دیدن جگر در خواب بر سه وجه بود یکی مال دوم فرزند و سوم دوست
که بجای فرزند باشد و اگر بیند که جگرهای مردمان از خانه بیرون همی بردند

یا بادیهی بیرون آورد یا آتش از جگرها همی سوخت دلیل کند که آن گنج که بدو رسد پادشاه
جمله را بستاند و اگر بیند خواب عالم بود علمهای که جمله آموخته بود جمله را فراموش کند
جلاب ابن سیرین گوید که جلاب خوردن در خواب مال و دین پاک بود و اگر بیند
که کسی جلاب بدو داد و بخورد دلیل کند که بر قدر آن وی را از کسی مال حاصل شود
از حلال و نیز دلیل کند که دین و اعتقاد پاک دارد و اگر بیند که او جلاب بکسی داد دلیل کند
که از او خیر و منفعت رسد و اگر بیند که جلاب بخورد و بر زمین بریخت تاویلش بخلاف این
باشد که یاد کرده شد **جماع کردن** دانیال گوید که جماع کردن در خواب روا شدن حاجت
بود خاصه که بیند که منی از وی جدا شد اگر بیند که با کسی جماع کرد دلیل کند که از آن کس
نیکی یابد و حاجتش روا شود و اگر بیند که کسی با وی جماع همیکرد دلیل کند که از غمها
فرج یابد و اگر بیند که زنی معروف پیش وی آمد و با او جمع شد دلیل کند که خاندان
او توانگر شود و اگر بیند که با زن خویش مجامعت همیکرد چنانکه زن از بالا بود و او از زیر
دلیل کند که زنی دیگر خواهد و از او خیر و شادمانی بیند ابن سیرین گوید اگر بیند که
زن خویش یا با زن دیگران از سوی پس مجامعت کرد دلیل کند که آن مرد مبتدع
باشد و طلب کاری کند که آن کار ناسزا بود و در آن وی را مصلحت نباشد دست
پیغمبر علیه الصلوة والسلام نگاه نداده و اگر بیند که با مادر خویش یا با خواهر یا با کسی که
بر وی حرام بود مجامعت کرد دلیل کند اگر زنده باشد مهر و شفقت خویشاوندی
از ایشان بریده شود و اگر مرده باشد دلیل بر غم و اندوه کند و بعضی از معبران
گفتند که اگر زنده باشد دلیل کند که از آنکس خیر و نیکوئی بیند و نیز باشد که
خدای عز و جل وی را حج روزی کند و اگر بیند که با زن خویش مجامعت کرد دلیل
کند اگر زنش زنده بود از او خیر و نیکی یابد و اگر زنش مرده بود غمگین و مستمند شود
و اگر بیند که با زن مرده که بیگانه بود مجامعت کرد دلیل کند که کاری را که از آن نومید
گشته باشد بتمامی بیابد و اگر بیند که با مردی مجهول جوان مجامعت همیکرد و در
میان شان خصومت بود دلیل کند که آن مرد از وی خیر و نیکی یابد و اگر از مرد

معروف بود بر وی ظفر یابد و اگر بیند که آن مرد که با وی جماع کرد پیر بود دلیل کند
که آن خیر و نیکی از بخت خویش بیابد کرمانی گوید اگر بیند که دختری را دوشیزگی
برد دلیل کند که در آن سال زنی بخواهد یا کنیزک بخرد و اگر بیند که بحرم پادشاهی در شد
و آنجا مجامعت کرد دلیل کند که وی را از آنجا خیر و منفعت رسد و اگر بیند که با چارپائی
معروف مجامعت کرد دلیل کند که خیری بدو رسد که در روی را هیچ حق نباشد
و اگر بیند که با چارپائی مجهول مجامعت کرد دلیل کند که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که
ددی از جمله ددگان مجامعت کرد دلیل کند که بر دشمن غالب و کارش بالا گیرد و حاجتش روا
شود و بعضی گفتند که از پادشاه ترس و بیم بدو رسد و اگر بیند که با مرغی مجامعت کرد دلیل
کند که بر کسی که بدان مرغ منسوب بود ظفر یابد و اگر بیند که با کسی که ترسا بود یا
جهود یا گبر مجامعت کرد دلیل کند که کارهای دنیائی وی بنظام شود و اگر مردی سخت
پیر که وی را شهوت زنان نبود در خواب بیند که قوت شهوت بر وی غالب شود چنانکه
بگاه جوانی دلیل کند که اگر طالب دین بود در طلب راه دین سخت راغب باشد و اگر
طالب دنیا بود در طلب راه دنیا سخت راغب باشد و اگر این خواب که گفتیم بدین
صفت کنده پیری بیند همین دلیل کند که یاد کرده شد و اگر بیند که با زن روسپی جماع
کرد دلیل کند که او طالب دنیا باشد مال حرام یابد و اگر این خواب مردی مستور بیند
دلیل کند که عالم و حکیم گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که با شتر مجامعت کرد دلیل
کند که از سختیها برهد و بر دشمنان ظفر یابد و کارش بالا گیرد و نام و بانگش بلند شود
و اگر بیند که با پادشاهی مجامعت کرد دلیل کند که با وی محرم و نزدیک گردد و اگر بیند
که با زن پادشاه مجامعت کرد دلیل کند که از او منفعت بسیار یابد و اگر بیند که با زن
حایض مجامعت کرد دلیل کند که کار وی بد شود و بعضی از معبران گفتند که کار دنیا بر وی
آسان شود اما در دین ضعیف بود و اگر بیند که زن مرده مجامعت کرد دلیل کند که
با کسان مرده وی را پیوند و صلت باشد و آن زن اگر زنده بود دلیل کند که از خویشان وی دوری
و فساد وقت جوید اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که با کنیزکی جماع کرد دلیل کند که

از پادشاه خیری بدو رسد و اگر بیند که با مادر خویش جماع کرد دلیل کند که نیکی بوی رساند و اگر با مردی جوان معروف جماع کرد دلیل کند که از وی خیر بدان مرد رسد و اگر با مردی جوان مجهول جماع کرد دلیل کند که مال و نعمت یابد و اگر بیند که با خادمان پادشاه جماع کرد دلیل کند که از پادشاه حاجت وی روا شود و اگر بیند که با مردی مرده جماع کرد دلیل که خیراتی یا دعائی از بهر بکند و اگر زنی بیند که با وی زنی جماع کرد دلیل کند که از وی نیکی یابد و حاجتش از آن کنند روا شود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که جماع کردن بخواب که در وی غسل واجب آید تاویلش نباشد اگر بیند که با مردی جوان جماع کرد دلیل کند که آن مرد وی را بکاری یاری دهد و اگر بیند که با مردی جوان مجهول جماع کرد دلیل کند که بر دشمنان ظفر یابد **جنازه** ابن سیرین گوید اگر بیند جنازه را همی برند دلیل کند که خداوند جنازه را بر چندان مردم که از پس جنازه وی بود ندا و فرمان بود و لیکن قهر و ظلم کند و اگر بیند که او بمرد و وی را بر جنازه نهادند و حمالان جنازه را برکردن گرفتند و خلق بسیار از پس جنازه اش برفتند دلیل کند که شرف و بزرگی یابد و لیکن دین وی تباه بود اما بسیار مردمان را قهر کند و بر چندان مردم که در پس جنازه وی همی رفتند وی را امر و فرمان بود و اگر بیند که جنازه مرده را برداشت و همی برد دلیل کند که بخدمت پادشاه پیوندد و از وی خیر و نیکی یابد و اگر بیند که قومی از پس جنازه در هوا همی شدند دلیل کند که مردی بزرگوار از آن شهر اندر سفر بمیرد و اگر خویشتن را بر جنازه بیند چنانکه آن جنازه بر زمین همی رفت دلیل کند که بسفر شود و اگر زنی بیند که او بمرد و وی را بر جنازه نهادند و همی بردند دلیل کند که شوی دارد و دین وی تباه شود کرمانی گوید اگر بیند که زنده را بر جنازه همی بردند و در پس جنازه وی کسی نبود دلیل کند که بنقصان عز و جاه و بستگی کار وی و اگر بیند که در پس جنازه وی مردمان بسیار بودند تاویلش بخلاف این بود که یاد کرده شد و اگر بیند که مرده را بر جنازه نهادند و خلق بسیار در پس جنازه وی همی رفتند دلیل کند که آنکس بقدر همت خویش ولایت و فرمان روائی یابد و اگر بیند که آن مرده بر جنازه گران بود دلیل کند که بر مردمان قهر کند

وستم و اگر بر جنازه سبک بود دلیل کند که بر خلق سبکباری کند و حالش نیکو گردد و اگر بیند که جنازه بیفتاد یا کسانی که جنازه وی را همی بردند او را بیفکندند دلیل کند که از عز و جاه بیفتد و کارهایش بسته گردد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن جنازه در خواب بر سه وجه بود یکی بزرگی باشد دوم ولایت سوم عز و جاه خاصه که مرده بر جنازه سبک بود **جُنُب** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب خویشتن را جنب بیند دلیل کند که در کارهای حرام آشفته و کشته شده باشد و بعضی از معبران گفته اند که سفر کند و از آن سفر مرادش بر نیاید و کار وی تباه شود و اگر بیند که خویشتن را از جنابت بشست و جامه بپوشید دلیل کند که سرانجام از آن کار رسته شود و حالش مستقیم گردد و مرادش برآید و کارهای بسته بروی گشاده گردد و اگر بیند که خویشتن را از جنابت تمام نشست دلیل کند که آنچه مرادش بود تمام بر نیاید کرمانی گوید که اگر کسی خود را جنب و برهنه بیند دلیل کند که در کار خویش عاجز و متحیر گردد و کارها بروی راست گردد و از محنت و بلا باز رهد و اگر بیند که خویشتن در گرمابه بشست و جامه پاکیزه در پوشید دلیل کند که بخدای باز گردد و توبه کند **چنگال** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب خود را چنگال بیند مانند چنگال مرغان دلیل کند که ویرا قوت بود در کسب و معیشت و دشمنان را قهر کند و اگر بیند که چنگال زغنی در دست داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که بر قدر و قیمت آن مرغ خیر و منفعتی بدو رسد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن چنگال در خواب بر سه وجه بود یکی قوت و توانائی باشد در کارها دوم معیشت سوم کسب کردن باشد **چنگاله** بدان چنگاله را بتازی مغلاق خوانند و دیدن وی در خواب مردی بدکردار و عذاب کننده بود و اگر بیند که چنگاله داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که با مردی بدان صفت که گفته شد وی را صحبت دوستی افتد و اگر بیند که چنگالها اندام ویرا بخست دلیل کند که از مردی بدکردار وی را مضرت و زیان رسد و اگر بیند که چنگاله از وی ضایع شد یا بخشید دلیل کند که از صحبت مردی بدکردار

جدا شود و ترک وی بگوید **چنگ** ابن سیرین گوید که چنگ زدن در خواب سخن دروغ و باطل بود و اگر بیند که چنگ همی زد دلیل کند که سخن دروغ و باطل گوید و از آن سخن ویرا غم و اندوه رسد و اگر بیند که پادشاه وی را چنگ داد دلیل کند که از پادشاه جاه و بزرگی یابد اگر اهل آن بود و اگر اهل آن نباشد از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیند که چنگ را بشکست یا بیفکند دلیل کند که از دروغ و باطل گفتن توبه کند و اگر بیند که کسی چنگ همی زد و او سماع میکرد دلیل کند که مستمع کلام دروغ و باطل باشد و بعضی از معبران گفته اند که چنگ زدن در خواب دلیل کند بر زیادتی عمر کرمانی گوید اگر کسی بیند که چنگ همی زد دلیل کند که با زنی بزرگ از زنان مهتران پیوسته شود و از وی عز و جاه یابد هم بمال و هم بسخن روائی و سرانجام آن زن ویرا اجابت کند و بخویشتن بپذیرد یا بنکاح ویرا بخواهد و اگر بیند که با چنگ و چغانه و نای در رقص بود این جمله دلیل بر غم و مصیبت کند جابر مغربی گوید که اگر بیماری بیند که چنگ یا چغانه همی زد دلیل کند که بمیرد **جنگ کردن** ابن سیرین گوید که جنگ کردن مردم با مردم یا حیوانی دیگر چون هر دو از یک جنس باشند آنکه بر وی غلبت کرد دلیل کند که آنکه غالب بود بر دشمنان ظفر **جهود** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که او جهود گشت دلیل کند که او براه بدعت بود و گفته اند جهودان را نفرت و هدی بقول ایشان راست دارد کرمانی گوید اگر مردی بیند که جهود گشت و هواخواه آن کیش بود که بدو گرونده باشد و بر خدای عز و جل دروغ و بهتان گوید و دیگر باره بیند که از آن کیش برگشت و مسلمان شد دلیل کند که گناهی بزرگ از وی بوجود آید و سرانجام از آن گناه توبه کند و بخدای باز گردد و اگر بیند که نداند که بر کدام دین است و نداند که نماز از سوی کدام قبله کند و او در راه دین عاجز و متحیر و گشته بود دلیل کند که همه دینها را منکر بود و بحقیقت کم راهی و بیدینی بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که اگر کسی بخواب جهودی را بیند دلیل کند که کاری مشکل خداوند خواب را ظاهر شود و حجت وی بیان گردد و بر مخالف دین و شریعت و سنت دست یابد زیرا که یهودی مشتق است از هدی و اگر مغنی را بخواب بیند دلیل کند که خداوند

خواب اندر کارهای دنیا فریفته شود و غافل بود از کار آخرت و شتابنده بود اندر کارهای باطل جابر مغربی گوید اگر جهودی بخواب بیند که مسلمان شد دلیل کند که زود بمیرد یا مسلمان شود **جو** ابن سیرین گوید که جو تر یا خشک یا پخته همی خورد دلیل کند که چیزی اندک بدو رسد و اگر بیند که کسی جو بدو بخشید دلیل کند که بر قدر آن خیر و نیکی بدو رسد و تندرست باشد و اگر بیند که جو در زمین همی کشت دلیل کند که بر قدر آن ویرا مال جمع شود و کاری که از وی خدای تعالی خشنود شود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید دیدن جو بخواب مال بسیار باشد و آسان بدست آید و بدانکه جوفروش در خواب مردی بود که دنیا را بر دین اختیار کرده باشد **جوالدوز** ابن سیرین گوید که جوالدوز بخواب مردی بود که کارهای مردمان بهم پیوندد خاصه کارهای کوچک را اگر بیند که جوالدوز فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که وی را صحبت افتد با مردی بدان صفت که گفتیم و اگر بیند که جوالدوزی بشکست یا ضایع شد دلیل کند بر هلاک آن مرد که پیش از این صفت کرده شد **جوان** ابن سیرین گوید اگر بیند که جوان شد و محاسن وی سیاه گشت دلیل کند که خوار و فرومایه شود اگر جوانی مجهول را در خواب بیند دلیل کند که از دشمن خواری یابد و مرادش حاصل نشود و اندوهگین گردد و اگر جوانی بیند که برگشته بود دلیل کند که حرمت و حشمت وی زیادت شود و زنان نیز درین معنی همچون مردان باشند جابر مغربی گوید اگر جوانی بخواب بیند که برگشته بود دلیل کند که علم و ادب آموزد و شرح جوانی را بتمامی در حرف میم بباب مرد بیان کنیم **چوب** کرمانی گوید که چوب در خواب نفاق بود در دین و بعضی از معبران گفته اند که چوب در خواب مردی بود که در وی نفاقی باشد اگر کسی بیند که با خویشتن چوب داشت دلیل کند که اندر دین نفاق کند و اگر بیند که کسی آشنا بوی چوب داد دلیل کند که آنکس در راه دین با وی نفاق کند و اگر بیند که کسی بیگانه بوی چوب داد دلیل کند که او با کسی در راه دین نفاق کند دانیال گوید چوب در خواب چون چوب راست بود نیک باشد و اگر کج بود و سوختن را شاید مردم منافق و دروغ زن باشد **چوبک** ابن سیرین گوید که چوبک

در خواب خادمی باشد از شمار زنان اگر بیند که جورب نو از پشم یا از ریسمان پوشیده
داشت دلیل کند که وی را خادمی بود اصیل و از وی برخوردار شود و اگر بیند که جوربش چینی
یا نقش و نگار پوشیده داشت دلیل کند کنیزکی خوبروی بخرد یا عروسی با جمال بخواهد و اگر
بیند که جوربش زرد بود دلیل کند که خادم وی بیمار گردد باشد و اگر بیند که جوربش سرخ
بود دلیل کند که خادم وی شوخ و بیشرم بود و اگر بیند که جوربش سیاه بود دلیل کند که اگر
بیننده خواب مصلح بود ویرا نیک باشد و اگر مفسد بود وی را دلیل کند بد باشد و اگر بیند
که جوربش کهنه بود و چرکن و کوتاه دلیل کند که خادم ویرا متهم کنند بفسادی و اگر بیند که جوربش
ضایع شد یا بسوخت این جمله دلیل بر هلاک خادم وی کنند و بعضی از معبران گفتند
که جورب خواسته بود و اگر جورب را خوشبوی دید دلیل کند که زکوة مال بدهد و اگر بر خلاف این باشد
دلیل کند که زکوة ندهد و زبان مردم بوی دراز شود کرمانی گوید اگر بیند که جورب وی از پوست
بود نگاه کنند که از کدام پوست اگر از پوست شتر بود دلیل کند که خادم وی بلند همت و از
اصل بزرگ باشد و اگر از پوست گوسفند بود دلیل کند که خادم وی را از اصل مردم عامه
و اگر از پوست اسپ بود دلیل کند که خادم دلیل کند که خادم وی از اصل مهتران شاه
بود و اگر از پوست نخجیران بود دلیل کند که خادم وی از مردمان بیابانی بود جابر مغربی گوید
اگر کسی بیند که جورب در پای پوشیده داشت دلیل کند که مال خویش را نیک نگاه دارد
و اگر در پای پوشیده نداشت تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که جورب پاکیزه و سپید
در پای داشت دلیل کند که زکوة مال خویش داده باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
گوید که جورب نگاه دار پای باشد و پای مال مرد بود و نگاه دار مالش زکوة بود و اگر
بیند که از جورب بوی خوش آید دلیل کند که مردم در زندگانی وی مدح و ثنا کنند
و اگر بر خلاف این بیند دلیل کند که بر وی نفرین و ملامت کنند و اگر بیند که جورب از وی
ضایع شد دلیل کند که زکوة مال ندهد و مالش ضایع گردد و اگر بیند که جورب وی
بخواست همین دلیل کند **جوشن** ابن سیرین گوید که پوشیدن جوشن در خواب
بندگی و پشت و پناه بود بر قدر نیکی و پاکیزگی وی و اگر بیند که جوشن داشت

دلیل کند که ایمن باشد وی و اهل بیتش را از دشمنان پراکنده و اگر بیند که جوشن پوشیده داشت
دلیل کند که حصار تن وی بود از بدی حاسدان و دشمنان چنانکه هیچ کس بروی ظفر نیابد
کرمانی گوید اگر بیند که با جوشن سلیح تمام پوشیده داشت دلیل کند که از مکر دوست
و منافق و از شر عامه گردد و بعضی از معبران گفته‌اند که جوشن در خواب زیادتی دین وی بود
از گوناگون معصیتها پس هر که جوشن پوشیده داشت در حفظ خدای عز و جل باشد
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن جوشن بر شش وجه بود یکی بزرگی باشد
دوم پناه سوم قوت چهارم مال پنجم زندگانی ششم زیادتی در دین و دیدن جوشن کرد
در خواب مونس مردم باشد **چوگان** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که چوگان در دست
داشت و بدو گوی همی زد دلیل کند که آنچه همی جوید بیابد و کارش راست شود و قدر و
منزلت یابد اما در دین گزاردن ارکان شریعت سست باشد کرمانی گوید که چوگان
بخواب در دست پادشاه بود و گوی همی زند دلیل کند که بر دشمنان ظفر یابد و چوگان
و چوگان چون در دست مردم عامه بود دلیل کند که وی را با کسی جنگ و خصومت
افتد و سخن زشت شنود از قبیل زن یا در سفر یا در مناظره و یا خصومت کردن در کار
دین و جدل کردن زیرا که معبران گوی بخواب دیدن را دل مردم نهند و چوگان دیدن را
زنان مردم تا اینقدر معلوم باشد **جولاهه** ابن سیرین گوید که جولاهه در خواب
مرد نیک بود یا مسافری که در عالم همی گردد و نیز باشد که چون جولاهه همی بیند که جامه همی بافت با کسی ویرا
جنگ و خصومت بود زیرا که کرباس بافتن بتاویل خصومت باشد و بافتن و رستن همه چیزی
سفر بود کرمانی گوید که بافتن جامه در خواب سفر باشد بر قدر درازی و کوتاهی جامه اگر بیند
که جامه را تمام بیافت دلیل کند که از غم و اندوه رسته شود و اگر بخلاف این بود اندوهگین
شود **جوهری** بدانکه جوهری لفظ تازیست و بپارسی ویرا گوهر فروش گویند ابن
سیرین گوید اگر بیند که گوهر و مروارید و آنچه بدان ماند همی افروخت و آن جوهر ملک
وی بود دلیل کند که خداوند علم و دین بود و نیز با همه کس نیکی و احسان کند و اگر خداوند
دین نباشد دلیل کند که خداوندش غلامان شود و بر قدر گوهرهای وی مال و نعمتش

بحاصل شود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید اگر کسی مصلح و مستور بود
و بیند که جوهرها همی فروخت دلیل کند که بر قدر آن ویرا علم دین حاصل شود و اگر خداوند
خواب مصلح نباشد دلیل کند که بر قدر آن ویرا مالی حرام حاصل آید **جوی** دانیال گوید که
چون جوی آب خوش طعم و صافی و پاکیزه بود دلیلش در تعبیر زندگانی خوش باشد اگر
بیند که جوئی بدین صفت که گفتیم آب همی خورد آب جوی مجهول بود یعنی وی را آشنا
و دوستداری ویرا ندیده بود و این کس در سفر باشد یا در جایگاهی بیگانه دلیل کند که در
کاری مشغول مجهول گردد و عمر خویش در آن میگذارد بمقدار آنچه آب از آن جوی خورده
باشد و اگر آب آن جوی شور و یا تلخ و ناخوش بود دلیل کند بر تلخی و ناخوشی معیشت
و زندگانی وی ابن سیرین گوید که اصل جوی در تاویل وکیل بود که مقرب پادشاه باشد اگر
کسی آب جوی صافی و روان بیند دلیل کند که کار وی روان گردد و اگر آب جوی را تیره
و ایستاده بیند دلیل کند که کار وی ایستاده و بی نظام بود و بر کدام جای که جوی دید
تاویلش وکیل آن ناحیت باشد و هر زیادت و نقصان که در آب جوی بیند بوکیل باز گردد
و اگر بیند که بر تختی نشسته بود و در زیر آن تخت جویهای روان بود و ندانند که ویرا بر آن
تخت که نشاند دلیل کند که دولت و اقبال روی بدو نهد و مال و نعمت بسیار وی را
حاصل شود و احوال جهانی ویرا خوب گردد قوله تعالی تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاؤُنَ و اگر بیند که خویشتن را جوی آب صافی بشست دلیل
کند که از غمها فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دار بود وامش گزارده شود و اگر
بنده بود آزاد گردد و اگر در سفر بود زود بمقام خویش باز رسد جابر مغربی گوید که جوی در تاویل
مردی باشد بر قدر آن جوی که دیده بود و اگر بیند که آب از جوی برداشت دلیل کند
که بر قدر آن از مردی محتشم مال و نعمت یابد و جوی خرد زندگانی بود **حرف حا**
از کتاب کامل التعبیر **حبر** ابن سیرین گوید که حبر در خواب طلب
کردن معیشت و یافتن مراد بود و اگر بیند که حبر ساخت یا بخرید یا کسی بدو داد
دلیل کند که بر قدر آن معیشت بروی فراخ گردد و مرادش حاصل شود و اگر بیند که

حبر بریخت یا از وی ضایع شد دلیل کند بخلاف این کرمانی گوید اگر بیند
که حبر با جامه او بریخت دلیل کند که ویرا زیانی رسد لیکن اگر دبیر بود زیانش ندارد و
اگر بیند که بحبر چیزی همی نوشت اگر آنچه نبشت از قرآن و نامهای خدای عز و جل باشد
دلیل بر خیر و صلاح باشد و اگر بخلاف این بود دلیل بر شر و فساد کند **جبها**
ابن سیرین گوید که جبها خوردن بخواب اگر از بهر بیماری خورد و بیند که از خوردن آن
ویرا شفا و راحت بود دلیل بر خیر و منفعت و گشایش کار کند و اگر بیند که ویرا در
خوردن آن شفا و راحت نبود تاویلش بخلاف این بود **حجامت کردن** ابن
سیرین گوید که حجامی بیگانه در جایگاهی بیگانه ویرا حجامت کرد دلیل کند که بر خویشتن
کتابی نویسد بشرط امانت در کردن کند و اگر بیند که او کسی را حجامت کرد و آنکس
دوست و آشنای وی بود امانتش در کردن کند یا امانتی بدو سپارد و اگر آنکس دشمن
وی بود از شر او ایمن گردد و بر وی ظفر یابد و اگر آنکس بیگانه و جوان بود همین دلیل
کند و اگر آنکس بیگانه بود و پیر دلیل کند که عز و جاه و بزرگی یابد کرمانی گوید اگر بیند
که پیری را حجامت همی کرد دلیل کند که کارش نیکو شود و اگر بیند که پادشاهی را حجامت
همی کرد دلیل کند که بر پادشاه ظفر یابد و اگر بیند که جوانی را حجامت همی کرد دلیل
کند که دشمن بروی ظفر یابد و اگر بیند که حجامت کرد و خون از وی بیرون نیامد
دلیل کند که چیزی بجایگاهی نهد و بازش نیابد و اگر بیند که خون از وی بیرون آمد
دلیل کند که از بیماری در آن سال سلامتی یابد و اگر بیند که شیشه بشکست دلیل
کند که زنش بمیرد یا زن را طلاق دهد جابر مغربی گوید که حجام بربخت بیننده
خواب بود و حجام جوان دشمن او باشد اگر بیند که حجامی میکرد و شیشه بر
نها د و خون برگرفت معبر باید که نیک نگاه کند و بپرسد اگر داند که سایل خداوند
قلمست دلیل کند مستوفی دیوان شود یا دبیر پادشاه گردد و اگر داند که خداوند
قلم نیست دلیل کند که در نامها غرقه گردد و بر وی چک و قباله نویسند و درستی کنند
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که حجامت کردن بخواب دلیل بر

هفت وجه کند یکی امانت از کردن بیرون کردن؛ دوم کتاب شروط خاندان؛
سوم ولایت یافتن؛ چهارم رشد شدن؛ پنجم با دبیران صحبت داشتن؛ ششم سنت
پیغمبر علیه الصلوة والسلام نگاه داشتن؛ هفتم اگر عامل بود معزول گردد؛ خاصه چون
بیند که حجام جوان بود اگر حجام پیر باشد دلیل کند که از علت رسته گردد و بعضی از معبران
گفته‌اند که اگر حجام جوان بود دلیل کند که بدروغ بروی گواهی دهند که از آن ویرا بیم کشتن
بود و بدانکه حجام در خواب کاتب خراج بود یا محاسب یا نماینده باشد و بعضی از معبران
گفته‌اند که مردی بود که کار مردمان بر دست وی گشاده **حج کردن** ابن سیرین گوید اگر
بخواب بیند که بحج همیرفت دلیل کند که خدای عز و جل وی را حج روزی کند و اگر
بیمار بیند عافیت یابد و اگر وام دار بیند وامش گزارده شود و اگر بیم و ترس دارد
ایمن گردد و اگر درویش بود توانگر شود و اگر در سفر باشد بسلامت و عافیت باز جای خود
شود و اگر بیند که بحج همیرفت و حج از وی فوت شد دلیل کند که عمرش دراز بود و
کارش بنظام گردد و اگر بیند که طواف خانهٔ کعبه همیکرد دلیل کند که از امامی فایده بدو
رسد و کارش نیکو شود کرمانی گوید اگر بیند که در حرم لبیک همیزد دلیل کند که از شر
دشمن ایمن گردد و اگر بیند که حج بروی واجب شد ولیکن قصد حج نمیکرد دلیل کند که
اندر امانت خیانت کند و نعمت خدای را شکر نکند و اگر بیند که پنداشت
که روزه فرواست دلیل کند که با کسی که بخشم بود آشتی کند و اگر بیند که در کعبه
نماز همی کرد دلیل کند که از مهتران و بزرگان کارش بنظام گردد حضرت امام جعفر
صادق علیه السلم گوید که حج کردن بخواب بر هفت وجه بود یکی تزویج باشد؛
دوم کنیزک خریدن؛ سیوم زیارت پادشاه داد گر کردن؛ چهارم نیکوئی با مردم؛ پنجم
سعی کردن در کار خیر؛ ششم مزد و ثواب یافتن؛ هفتم زیارت اهل علم کردن؛
حجر الاسود ابن سیرین گوید اگر بیند که دست بر حجر الاسود همی مالید و اقتدا همی کرد
بامام داد دلیل کند که از اهل حجاز وی را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که حجر الاسود
را از کعبه بر کند دلیل کند که بد مذهب و ناپاک بود و اگر بیند که حجر الاسود را بانجای

نهاد

نهاد دلیل کند که با راه صلاح باز آید و اگر بیند که از آب زمزم همیخورد دلیل کند که
چیزی گم شده را زود باز یابد کرمانی گوید اگر بیند که حجر الاسود را بوسه تد و روی بر وی
همی مالید دلیل کند که وی را خیر و دینی و صلاح زیادت شود و میل بخیرات ورواه ثواب کند
و صحبت با علما و اهل دین کند **حد زدن** ابن سیرین گوید که حد زدن در خواب
دلیل بر فراهم آوردن کارهای زیان کند اگر بیند که وی را حد همی زدند دلیل کند
که بقدر آن از کارهای زنان بهم آید و اگر بیند که وی را حد همیزد تاویلش بخلاف این
بود جابر مغربی گوید اگر بیند که کسی از بهر گناهی حد همی زدند خداوند خواب مصلح
بود دلیل کند که بشغل دنیا مشغول شده باشد و سرانجام پشیمانی خورد و اگر خداوند
مفسد بود دلیل بر رنج و اندوه کند **حربه** بدانکه حربه بتازی نیزه کوتاه بود
اگر بیند که حربهٔ کوتاه در دست داشت دلیل کند که ویرا فرزندی آید و اگر زن
ندارد دلیل کند که چیزی بدو رسد و اگر بیند که با حربه سلیح تمام پوشیده داشت دلیل
کند که بزرگی و جاه یابد و اگر بیند که پادشاه حربه بدو داد دلیل کند که از پادشاه خیر
بدو رسد کرمانی گوید اگر بیند که حربهٔ خویش بکسی داد دلیل کند که از وی بدانکس خیری
رسد و اگر بیند که حربه در دست وی بشکست خاصه بهنگام کارزار دلیل کند که از دشمن
بدو مضرت و گزند رسد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن حربه
در خواب بر شش وجه بود یکی حجت باشد؛ دوم ولادت؛ سوم عمر دراز؛ چهارم
ظفر یافتن؛ پنجم ریاست؛ ششم منفعت بود؛ **حرم** بدانکه حرم بتازی جایگاه
آزرم و ایمنی بود ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در حرم کعبه بود دلیل کند که از آفتهای
دنیائی ایمن باشد و ایزد تعالی وی را حج روزی کند کرمانی گوید اگر بیند که در حرم پادشاه
یا در حرم مردی بزرگوار درون شد دلیل کند که از شر پادشاه ایمن بود و باشد که
چیزی بدو رسد از پادشاه و بعضی از معبران گفته‌اند که وی را حاجت افتد با اهل
آن حرم و اگر بیند که پادشاه در حرم خویش ویرا خواند و در آنجا مقیم شد دلیل
کند که در کارهای پادشاه پیوندد حضرة امام جعفر صادق علیه السلم گوید اگر کسی

بیند که در حرم پادشاهی عادل درون شد دلیل کند که از وی کارهای حاصل آید که از آن
ویرا نیکنامی بود و اگر بیند که در حرم پادشاهی ظالم درون شد دلیل کند که کارهای کند که از آن
ویرا بدنامی باشد **حریر** بدانکه حریر بفارسی پرنیان بود و معنا و تاویل حریر و دیبا یکسان
بود و شرح وی بحرف دال بباب دیبا بیان کنیم تا معلوم شود **حساب** ابن سیرین گوید
اگر بیند که با کسی حساب همیکرد دلیل کند که اندر محنت و عذاب افتد و خود را بکاری
کند چنانکه عرب مثل زده است الحساب عند الشدد یعنی شمار نزد خرمن گاه است و پیغمبر
صلی الله علیه و سلم گفت من نوقش الحساب عذب کرمانی گوید که اگر کسی بیند که حق تعالی در قیامت
با وی حساب همیکرد و حساب با وی خوار و آسان بود دلیل کند بر رستگاری و خیر و اگر
بخلاف این بیند دلیل بد باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که حساب قیامت
را بخواب دیدن بر شش وجه بود یکی عذاب باشد از پادشاهی؛ دوم مشغولی؛ سوم سختی
و رنج؛ چهارم حالی بد؛ پنجم اندوه و عنا؛ ششم عمر کوتاه؛ **حصار** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب
بیند که بحصاری اندر شد دلیل کند که از شر دشمن ایمن گردد و اگر بیند که از حصار
بیرون آمد یا کسی ویرا از حصار بیرون کرد دلیل کند که دشمن بر وی ظفر یابد و وی را قهر کند
کرمانی گوید اگر بیند که در حصاری بود محکم و آن حصار ملک وی بود دلیل کند که
از شر دشمنان و بدخواهان ایمن باشد و کارهای وی بنظام گردد جابر مغربی گوید اگر
کسی خود را در حصاری بیند و نعمت و روزی در آنجا بر وی فراخ بود دلیل کند بر خیر
و صلاح دین وی و اگر بخلاف این بیند دلیل کند بر تباهی دین وی و بستگی کارهایش **حصیر**
ابن سیرین گوید اگر بیند که حصیر همی بافت دلیل کند که عاشق و مبتلا شود و اگر بیند که حصیر
داشت یا کسی بدو داد دلیل کند بر قدر پاکیزگی و بزرگی آن خیر وی را از زنی خیر و منفعت رسد
و اگر بیند که حصیر دون و کم بها یافت آن زن درویش بی اصل بود و اگر چنانکه حصیر
قیمتی پاکیزه یافت آن زن محتشم و اصلی بود جابر مغربی گوید اگر بیند که حصیرها یافت
و فروخت دلیل کند که ویرا غم و اندوه رسد و اگر بیند که بعطا بر مردمان داد دلیل کند
که از وی بر مردمان خیر و منفعت رسد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که

دیدن حصیر

دیدن حصیر در خواب بر سه وجه بود یکی زن باشد؛ دوم منفعت باشد؛ بقدر قیمت
حصیر؛ سوم خواستاری کردن که از آن ویرا ملامت رسد و بدنامی حاصل شود والله
اعلم؛ **حقنه کردن** ابن سیرین گوید که حقنه کردن در خواب در خشم شدن باشد
از حالی بحالی بدرجه که از صعبی خشم بخویشتن شود و بعضی از معبران گفته‌اند که
حقنه کردن بخواب عیش و روزی تنگ شدن باشد جابر مغربی گوید که حقنه کردن
در خواب دلیل کند بر بازگشتن اندر کارها بخداوندی که صلاح آن بدو باز گردد
حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که اگر کسی بیند که ویرا حقنه کردند و از آن حقنه
بدو رنج و گزند رسد دلیل کند بر بدی احوال وی و اگر بخلاف این بیند دلیل بر
منفعت و خیر احوال کند **حقه** ابن سیرین گوید که حقه در خواب زن بود
یا کنیزک اگر بیند که حقهٔ نو فرا گرفت یا بخرید یا کسی بدو داد دلیل کند که زن خواهد یا
کنیزکی بخرد و اگر بیند که حقهٔ وی بشکست یا ضایع شد دلیل کند که زن از وی جدا شود اگر
بمرگ بود یا بزندگانی جابر مغربی گوید اگر بیند که حقه داشت بزرگ و بنگار کرده و پاکیزه
دلیل کند که زن توانگر خوب روی را بزنی کند و از وی خیر و منفعت بیند و اگر بخلاف
این بیند دلیل کند که زن درویش زشت روی را بزنی کند یا کنیزکی بخرد بدین صفت
که یاد کردیم **حکمت خواندن** ابن سیرین گوید اگر بخواب بیند که علم حکمت را همیخواند
دلیل کند که بمصحف قران کند و خدای عز و جل ویرا قرآن و صلاح دینی کرامت کند
و اگر بیند که کتابی در علم حکمت بخرید دلیل کند که مصحف قرآن بخرد و اگر بیند که کتاب حکمت را
را بسوخت دلیل کند بر فساد و تباهی دین وی کرمانی گوید اگر بیند که ورقهای کتاب حکمت
همی درید دلیل کند که نمازها بگذارد و اگر بیند که نبشتهٔ کتاب حکمت را بزبان همی
سترد دلیل کند که در هوس آن بود که علم حکمت را بتمامی حفظ کند و اندرین علم
یگانه شود **حلاج** ابن سیرین گوید که حلاج بخواب مردی بود که بر دست وی کارهای
مردمان گشاده گردد اگر بیند که حلاجی همیکرد دلیل کند که وی را بدان مردی بدین صفت
که گفتیم صحبت افتد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که حلاجی

کردن بخواب بر دو وجه بود یکی منفعت دوم کشایش کارهای فرو بسته

حلیت بدانکه حلیت بفارسی انکژد بود ودیدن وی بخواب دلیل کند بر غم واندوه وخوردن وی دلیل کند بر بیماری **حلوا** ابن سیرین کوید که حلوا در خواب مالی باشد که بدست ومعاملت پادشاه کذشته باشد وحرام کشته وحلوای خشک دلیل بمال کند وبر اندوه از جهت زردی زعفران که اندرو باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که حلوا مال بسیار بود ودین خالص ویک لقمه از حلوا بوسه باشد که بفرزند دهد یا بخویشاوندان یا بدوستی ویک لقمه بوزینه سخن لطیف باشد درمعیشت وحلوا که درو مغز بادام یا مغز کوز بود کار مرد بخیل ببود رسد بر قدر آن حلوا که خورده باشد جابر مغربی که حلوا خوردن درخواب دلیل کند بر قدر آن ویرا مال و روزی حلال حاصل شود چون دران زعفران نبود واکر بکوفته سپید نباشد بهتر بود وبدانکه حلوا فروش بخواب مردی لطیف زبان خوش طبع بود **حمال** ابن سیرین کوید که حمال درخواب بتاویل اندر خداوند جاه مخطر باشد اکر بیند که بر پشت یا بر کتف باری سبک داشت وآن بار ملک وی بود دلیل کند که بر قدر بخیدن باروی را خیر ومنفعت رسد واکر بیند که بر پشت یا بر کتف بار کران داشت چنانکه از کرانی آن ویرا کزند ورنج رسد دلیل کند که معصیت وکناه بسیار کند **قوله تعالی** لِیَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ کَامِلَةً یَوْمَ الْقِیٰمَةِ جابر مغربی کوید اکر کسی بیند که حمالی از بهر دیکران همی کرد بی کری دلیل کند که با مردمان خیر واحسان کند و خیر وشر آن بتاویل بخداوند آن باز کردد واکر حمالی بکری همیکرد دلیل بر غم واندوه کند خاصه که بار وی کران بود واز کرانی باروی را کزند ورنج رسد **حنا** کرمانی کوید اکر بیند که بر دست وپای حنا همی نهاد دلیل کند که خویشاوندان واهل بیت خویش را بیاراید وبزین کرداند لیکن در دین ویرا کراهیت بود وبعضی کفتند که حال خویشان واهل بیت را پوشیده کرداند واکر آن خواب کسی بیند که ویرا حنا بستن نشاید دلیل کند که غم واندوه بدو رسد لیکن زود از آن فرج یابد حضرت امام جعفر

صادق علیه السلم کوید که حنا بستن درخواب دلیل بر سه وجه کند یکی آرایش خویشان بود دوم پوشیدن ستر اهل بیت سیوم غم واندوه **حنوط** بدانکه حنوط خوشبوی بود که بر مرده پراکنند ابن سیرین کوید اکر کسی مفسد بیند که حنوط بروی پراکندند دلیل کند که تایب شود بخدای عز وجل باز کردد واکر این خواب کسی مصلح بیند دلیل کند که از غمها فرج یابد واز ترس وبیم ایمن شود و کارهای دینی ودنیائی وی بصلاح آید کرمانی کوید که حنوط خوشبوی کردن مردم بستایش بود با خطر از بهر آنکه درخانه درون نباشد وبعضی از معبران کفتند که نیکنامی بود با خویشان واهل بیت بر اندازه بوی حنوط **حوض** ابن سیرین کوید که اصل حوض درخواب عالم بود اکر بیند که از حوض آب صافی همیخورد دلیل کند که بر قدر آن آب که خورد از علم بهره یابد واکر بیند که خویشتن را باب حوض همی شست دلیل کند که توفیق طاعت یابد واز کناه وعصیان باز ایستد واکر بیند که تمام آب حوض را فرو خورد آن آب ویرا خوش آمد دلیل کند که عمر خویش را بسلامت وعافیت بکذراند ومالش زیادت شود واکر اهل علم بود علمش زیادت کردد کرمانی کوید اکر بیند که تن جامه خویش را بحوض شست دلیل کند که اهل بیت وی توبه کنند وبصیرت راه دین کرایند واکر بیند که جامه خویش را بحوض همیشست وپلیدی از جامه وی در زیر آب ظاهر نمیشد دلیل کند که بعلم کار نکند وسرانجام بعلم بدوی میان خلق آشکارا شود واکر بیند که آب حوض زیادت همیشد بی آنکه بیند که آب از جائی درحوض همی آمد دلیل کند که مال وعلم وی بر قدر آن زیادت شود واکر بیند که بکناره حوض سبزه رسته بود وپیرامن وی درختان سبز بود دلیل کند که از علم خویش منفعت کیرد ودیکران از علم وی منفعت یابند خاصه که داند که حوض ملک اوست واکر حوض ملک وی نباشد وآن عامه مسلمانان بود دلیل کند که زیادت ونقصان وی بعلماء آنجا وآن جایکاه باز کردد یا کسی که مهتر بود دران جا واکر بیند که آب حوض تیره وتلخ وناخوش بود دلیل کند بر غم واندوه جابر مغربی کوید اکر بیند که آب حوض

همچنین دلیل کند که مال یابد از مردی توانکر وعاقبت کار وی محمود باشد ومال حاصل کند بمقدار بزرکی حوض حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که دیدن حوض درخواب بر چهار وجه بود یکی مردم با منفعت بود دوم مردی توانکر باشد سیوم مال جمع کرده چهارم عالمی که از علم وی مردم را نفع بود **حوض کوثر** ابن سیرین کوید اکر کسی بیند که قیامت برخاست وخلق نزدیک حوض کوثر طلب همیکردند دلیل کند که پادشاهی آنجا در برآید که درمیان خلق عدل وانصاف دهد واکر بیند که از حوض کوثر یکجام آب بخورد دلیل کند که مرک وی بر مسلمانی بود واکر بیند که پیرامن کوثر همیکشت وآب همیخواست ووی منع کردند وآب ندادند دلیل کند که کین یاران پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم بود واکر بیند که پیغمبر ویرا از حوض کوثر آب داد وبخورد دلیل کند که از شفاعت وی بهره یابد کرمانی کوید اکر بیند که نامش درحوض کوثر نوشته بود وجامی بستد واز آن حوض آب همیخورد دلیل کند که ویرا عالمی بزرک وسخی بصحبت افتد واز آن عالم ویرا فائده ومنفعت دوجهانی بود وخیرات وحسنات بسیار از آن عالم بدو رسد جابر مغربی کوید اکر کسی بیند که از حوض کوثر آب همیخورد ولیکن آب وی تیره وتلخ وناخوش بود دلیل کند که بیننده خواب منافق بود واورا درقرآن واخبار پیغمبر هیچ اعتقادی نباشد ودین اسلام بنزدیک وی حقیر وخوار واکر بیند که حوض کوثر بدان صفت بود که در اخبار آمده است واو جمله آب کوثر را بخورد دلیل کند که ویرا نزدیک خدای عز وجل قدر ومحلی بود واز جمله بزرکان اهل دین باشد **حیض** ابن سیرین کوید که حیض مردان را بقا باشد درمعصیت وزنان را زیادتی مال بود اکر مردی بیند که او حایض شد دلیل کند که بفساد وحرام کراید وبعضی از معبران کفتند که دلیل بر اندوه وسختی کند واکر زنکی بیند که او حایض شد دلیل کند که ~~[illegible]~~ کارهای دنیا بروی فرو بندد واکر مستور بود دلیل کند که کارهای دین ودنیا بروی کشاده کردد کرمانی کوید که اکر بیند با زنی حایض جماع کرد دلیل کند که کارهای دنیا بروی آسان

از نخ کوید

کردد وهمه شغلها بمراد وی باشد وبعضی کفتند که کار بروی دشوار وبد شود **حرف خا از کتاب کامل التعبیر** **خاج** ابن سیرین کوید اکر کسی بیند که خاج را بخرید یا کسی بدو داد دلیل کند که دردین وی خلل باشد ومیلش بکافری بود واکر بیند که خاج درکردن داشت دلیل کند که اعتقادش دردین اسلام درست نباشد واکر بیند که خاج را همی پرستید دلیل کند که خدای عز وجل شریک وانباز کوید وترک دین اسلام کفته باشد کرمانی کوید اکر بیند که کسی خاج بدو داد واو آن خاج را بشکست یا ازخانه بیرون افکند دلیل کند که از دین اسلام دردلش محکم واستوار بود وکافران را سخت دشمن دارد واکر بیند که خاج را بوسه همیداد وکرامی همیداشت تاویلش نه بخلاف این بود که یاد کرده شد **خار** ابن سیرین کوید که دیدن خار درخواب وام بود اکر بیند که خار در انجام وی شد یا کسی خار در اندام وی زد دلیل کند که از کسی وام ستاند بر قدر رنج زخم خار واز آنکس سخن تلخ وناخوش شنود و اکر بیند که او خار در اندام کسی زد دلیل کند که کسی وام دهد واورا سخن تلخ و ناخوش کوید کرمانی کوید اکر بیند که بسیار خار داشت واندامش را از آن خارها کزند نرسید دلیل کند که بسیار وام دارد وجمله را بکذارد چنانکه رنجی بدو رسد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که خار درخواب بر سه وجه بود یکی وام باشد دوم دشنام وسخن زشت سیوم دشواری کارها **خارپشت** جابر مغربی کوید که خارپشت درخواب دشمنی بود زشت دیدار بدخوی اکر بیند که خارپشت را بکشت دلیل کند که دشمنی را قهر کند واکر بیند که از کوشت خارپشت بخورد دلیل کند که بر قدر آن از مال دشمن بخورد واکر بیند که خارپشت ویرا بکزید یا اندام وی را بخست دلیل کند که بر قدر رنجی که از وی بدان رسید از دشمن ویرا کزند ومضرت رسد خاصه که بیند که از آن زخم خون همی رفت **خارش تن** ابن سیرین کوید اکر بیند که وی را خارش تن بدید آمد دلیل کند که طلب خویشاوندان کند واز ایشان تن رنج وغمان رسد

کرمانی گوید که خارش تن دلیل بر انجستن خویشان و اهل بیت و رنج و غمان
کشیدن ایشان حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید اگر بیند که وی را
از خارش اندامهای تن رنج و گزند رسید دلیل کند که ویرا از خویشان رنج و مضرت
رسد و اگر بر خلاف این بیند دلیل کند که وی را هیچ رنجی و مضرتی نرسد **خاشاک**
ابن سیرین گوید که خاشاک دیدن در خواب بتاویل خواسته و فراخی بود مردم عام
را اگر بیند که در خانهٔ وی خاشاک بسیار بود یا او در میان خاشاک مقیم شد
دلیل کند که بقدر آن وی را مال و نعمت حاصل شود و اگر بیند که آن خاشاک را از
خانه بیرون انداخت دلیل کند که مال خود بخیره تلف کند و اگر بیند که خاشاک
وی را باد ببرد یا آتش بسوخت دلیل کند که پادشاه مال ویرا بستاند و اگر بیند
که خاشاک در زیر دیگ یا تنور بسوخت دلیل کند که مال خویش را هزینه کرمانی
گوید اگر بیند که از صحرا خاشاک را جمع همیکرد و بخانه همی آورد دلیل کند که مردم آن
موضع را از پادشاه بر قدر آن خیر و منفعت رسد **خاک** ابن سیرین گوید دیدن
خاک در خواب از اندک و بسیار درم بود اگر بیند که در خانه اش خاک بود دلیل
کند که بقدر آن بروی بی رنج مال و درم حاصل شود و اگر بیند که خاک در خانه همی کشید دلیل
کند که برنج و تعب مال و درم حاصل کند و اگر بیند که بر خاک همی رفت یا خاک همیخورد
یا خاک جمع همیکرد دلیل کند که مال خویش را هزینه کند و اگر بیند که خاک را از دست
همی افشاند دلیل کند که بر قدر آن از مالش ضایع شود و بکاهد و بعضی از معبران
گفته اند که از مال تهی دست بماند و اگر بیند که بروی گرد و خاک نشسته است دلیل کند
که ویرا مال و درم بر قدر آن حاصل شود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که
دیدن خاک در خواب بر پنج وجه بود یکی مال باشد دوم منفعت سیوم شغل
دنیا چهارم فایده از قبل پادشاه یا از قبل رئیس پنجم فایده از قبل زن **خاکستر**
ابن سیرین گوید که خاکستر باطل است از قبل سلطان که بکس باقی نماند اگر بیند که ویرا
خاکستر حاصل شد یا خاکستر را جمع کرد دلیل کند که مال باطل از سلطان جمع کند و باقی

نماند و بعضی از معبران گفته اند که کلامی باطل جمع کند و علمی که در وی هیچ منفعت و
خیری نباشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن خاکستر در خواب
بر نه وجه بود یکی علم ناپذیرفته بود دوم مال حرام سیوم کلام باطل چهارم خصومت
پنجم فسق ششم مکر هفتم حسرت هشتم پشیمانی نهم کاری که اندر آن خیری نبود
چنانکه خدای عز و جل در کلام قدیم یاد کرده است **قوله عز و علا** مَثَلُ الَّذِينَ
كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ
خامه بدانکه خامه بپارسی قلم باشد ابن سیرین گوید اگر قلمی فرا گرفت یا کسی بوی
داد دلیل کند که علم بیاموزد و کارش راست شود و مرادش بر آید و اگر بیند که بقلم
چیزی همی نبشت اگر آن چیز سخن و صلاح خیر بود دلیل کند بر خیر و صلاح
و اگر آن چیز سخن و فساد و شر بود دلیل بر شر و فساد کند و اگر بیند که بدو قلم
همی نبشت اگر ویرا غایبی بسفر بود دلیل کند که بزودی غایبش باز آید کرمانی گوید
اگر کسی در دست خویش قلم نبشتن بیند اگر اهل علم بود دلیل کند که خدای عز و جل
ویرا علم ارزانی داده و اگر اهل علم نبود دلیل کند که با علما و خداوندان علم ویرا
صحبت افتد و اگر بیند که بقلم چیزی همی نبشت و نبشته را همی خواند اگر انکس این
بود دلیل مرگ وی بود **قوله عز و جل** اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ حَسِيبًا
و اگر آنچه نبشت سخن خیر و موافق شرع بود دلیل کند که عز و جاه یابد و اگر بیند که قلم
بدست وی خشک است دلیل کند که کسی بروی بزبان جرگی کند و اگر بیند که قلم
در دست وی بشکست و پاره پاره شد دلیل کند که اگر عالم باشد حرمتش بکاهد
و کارش بینوا گردد و اگر بیند که بقلم شکسته چیزی نبشت نیک باشد و اگر بیند که آنچه
نبشت از شمار حساب بایان بود یا از شمار بزرگان بگوهر و صورت و طبع و قوت
تاویل کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن قلم بخواب بر هفت
وجه بود یکی حکمت باشد دوم فرمان سیوم علم چهارم فرمنک پنجم ولایت ششم
راست شدن خبرها هفتم کار و کام و فراوان چنانکه بیند **خانه** ابن سیرین گوید

که خانهٔ مفرد در خواب زن بود اگر بیند که خانه یا ستون خانه را از جای برداشت دلیل
کند که زنی بخواهد با مروت و کرم و موعش بر کرهن کیرد و باشد که زن وی آبستن
گردد و اگر بیند که در خانهٔ نو درون شد دلیل کند که زن خواهد و توانگر شود و اگر بیند
که بخانهٔ مفرد بگچ اندوده باز داشته است و نداند که آن خانه خداوند کیست دلیل
کند که از دنیا رحلت کند و اگر بیند که در خانهٔ گریخته بود و در خانه را غلق کرده بودند
بروی و آن خانه بخانهای دیگر پیوسته بود دلیل کند که از رنج و اندوه باز رهد
و اگر بیمار بود عافیت یابد و اگر بیند که در خانهٔ خویش بشکست دلیل کند که از کسی
وی را مالی رسد کرمانی گوید اگر بیند که خانه بروی افتاد یا دیوار خانه بروی افتاد
دلیل کند که مال بسیار بوی رسد و اگر بیند که خانه اش بی سبب خراب شد دلیل مال و
درم بود که وی را حاصل شود و اگر بیند که خانه اش فراختر و بزرگتر از آن شد که بود
دلیل کند که نعمت و مال دنیا بروی فراخ گردد و اگر بخلاف این بیند نعمت بروی
تنگ شود و اگر بیند که در خانهٔ وی آهنین بود دلیل کند که توانگر گردد و اگر در خانهٔ
سیمین بود توبه باید کردن وی را از گناه **قوله تعالی** لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَٰنِ لِبُيُوتِهِمْ
سُقُفًا مِنْ فِضَّةٍ و اگر توانگر بود نعمتش زیادت شود و اگر بیند که پیرامن خانهٔ
وی هیچ خانه نیست دلیل کند که کار او تباه شود **خانی** ابن سیرین گوید که
خانی در خواب غم و اندوه باشد زیرا که از خانی از بالا بزیر شدن باید اگر بیند که در خانی
فرو میشد دلیل کند که غمگین و مستمند شود و اگر بیند که در آن خانی غسل کرد دلیل
کند که از غمها فرج یابد کرمانی گوید اگر بیند که در سرائی یا در کوچه بوی خانیها
بدید آمد دلیل کند که اندر آنجا غم و اندوه و مصیبت افتد چنانکه بسیار بگریند و
زاری کنند **خالینک** بدانکه خالینک بتازی مطرقه بود و او دلیل بتاویل
بر مهتری قوی کند اگر بیند که خالینکی داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که با مهتری
قوی ویرا صحبت افتد و از وی خیر و منفعت یابد اگر کسی بیند که کسی را بخالینک
بزد دلیل کند که بر شاه مهتری قوی را قهر کند یا برنجاند و اگر بیند که خالینک

وی ضایع شد دلیل کند که از صحبت مهتری قوی جدا شود کرمانی گوید اگر بیند
که خالینک بر سندان همی زد آهنگر نباشد دلیل کند که در میان دو مهتر بزرگ سخن
چینی کند و دشمنی افکند **خایه** دانیال گوید که دیدن خایهٔ مرغ در خواب کنیزک
بود **قوله عز و جل** كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ اگر بیند که ماکیانی در پیش وی خایه کرد دلیل
کند که ویرا از زنی دون یا کنیزکی فرزند آید و اگر خایه مجهول بیند یعنی نداند که چه چیز است
دلیل کند که زنی خواهد با جمال بر قدر سپیدی و پاکیزگی آن خایه که دیده بود و اگر بیند که آن
خایه پخته همی خورد دلیل کند که برنج و تعب مالی را بدست آرد و اگر بیند که خایهٔ نیم پخته همی
آشامید دلیل کند که زنی بخواهد و روزگاری در آن زن با وی بماند و اگر بیند که خایهٔ خام
همیخورد دلیل کند که مال حرام خورد و رنج و غمی سخت بدو رسد و اگر بیند که خایه با پوست همی
خورد دلیل کند که مال کسان خورد و اگر بیند که پوست خایه همی خورد و درونش بگذاشت
دلیل کند که مال مردگان خورد یا کفن مردگان ستاند کرمانی گوید اگر بیند که خویشتن
خایه همیکرد دلیل کند که چند زن بخواهد و بر جماع حریص شود و اگر بیند که بر خایه نشست چنانکه
مرغ بر خایه نشیند دلیل کند که نشست و خاست وی با زنان بود و اگر بگاه آن خایه بچه آورد
دلیل کند که فرزندان یا از زنان وی را فایده رسد و اگر بیند که او بجای فرزند خایه آورد
دلیل کند که فرزندی آرد کافر **قوله عز و جل** يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ
و اگر بیند که خایه در زیر مرغ نهاد و مرغ از آن خایه بیرون آورد دلیل کند که کار مرده او زنده
کرد و بعضی گفتند که فرزندی مؤمن او را بیاید و اگر این خواب معلمی بیند دلیل کند
که کودکان را قرآن آموزد و اگر بیند که خایه را نشکست دلیل کند که دختری را دوشیزگی
ببرد و اگر بیند که خایه را شکستن نتوانست دلیل کند که دوشیزگی شدن نتواند و اگر
بیند که جانها بسیار داشت دلیل کند که بر قدر آن ویرا از فساد حاصل شود و بدانکه
خایهٔ بط فرزند بود بچاره و درویش و خایهٔ بنجشک دلیل بر خیر و خرمی کند و تاویل خایهٔ
مرغان دیگر را بموضعش بیان کرده شود تا اینقدر معلوم باشد چنانکه خایهٔ طاوس بحرف
طا و خایهٔ کبک را بحرف کاف باب کبک و خایهٔ مرغان را هم بدین سان بحرف نام آن

مرغ طلب بایدکردن تا این حال برخوانندگان کتاب پوشیده نباشد ابن سیرین گوید که
خایهٔ مردم درخواب قوت وی باشد یا فرزندوی اگر بیند اگر بیند که هردو خایهٔ وی بزرگ
شد دلیل کند که قوت و فرزند و مالش زیادت شود و اگر هردو خایهٔ خویش را کوچک
بیند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که هردو خایهٔ وی بریده است دلیل کند که دشمنان
بروی ظفر یابند و اگر بیند که خایهٔ چپ را بیرون کشید و بیفکند دلیل کند که فرزندش
هلاک شود و اگر بیند که خایهٔ خویش بطوع و رغبت خویش بکسی بخشید دلیل کند که
ویرا فرزندی بود حرامزاده که نسب وی از کسی دیگر باشد و اگر بیند که خایهاش آماسیده
بود دلیل کند که مال بسیاد یابد ولیکن بیم از دشمنان بود ویرا و اگر بیند که خایهاش چنان
دراز شد که ویرا بر زمین همی کشید دلیل کند که مال بسیاری ویرا جمع شود و اگر بیند که
خایهٔ خویش بکسی بخشید و آنکس نیز خایهٔ خویش بدو بخشید دلیل کند که هردو با زنان یکدیگر
بحرام فساد کنند و اگر بیند که خایهٔ خویش پوست باز کند دلیل کند که کسی فرزندی
را ستم و بیداد کند و اگر بیند که خایهٔ اش را کسی چنان بگرفت که از هوش برفت دلیل کند
که خبر مرگ فرزند خویش شنود و اگر ویرا فرزند نبود دلیل کند که حرمت و جاهش کمتر شود
و اگر بیند که بن خایهٔ وی را بگرفتند دلیل کند که قوت وی بریده گردد و اندوهگین شود
و اگر بیند که خایهای خویش بریسمان یا بچیزی دیگر بسته بود دلیل کند که کارها بروی بسته
گردد جابر مغربی گوید که خایهٔ مردم دیدن درخواب دلیل کند بر باز داشتن شر دشمنان
از خویشتن و اگر بیند که اندر خایهٔ وی خلل و نقصانی بود دلیل کند که دشمن بروی چیره شود
حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن خایهٔ مردم درخواب بر هفت وجه بود
یکی فرزند باشد دوم اهل بیت سوم مال چهارم عز پنجم بزرگی ششم طلب حاجت
هفتم کرو یافتن و هم او گوید خایهٔ مرغان آبی دیدن بخواب بر چهار وجه بود یکی مراد
یافتن باشد دوم زن سوم کنیزک چهارم فرزند خبه کردن ابن سیرین گوید
اگر بخواب بیند که کسی ویرا خبه کرده بود دلیل کند که آنکس بعمگین و مستمند شود یا کسی ویرا
معزول کند و از شرف و بزرگی و اگر بیند که وی کسی را خبه کرد دلیل کند که آنکس غمگین

ومستمند

ومستمند کرد و یا آنکس وی را از شرف و بزرگی معزول کند و بعضی گفتند که خبه کردن
شك کردن عیش بود ختنه کردن ابن سیرین گوید اگر بخواب بیند که ختنه کرد دلیل
کند که سنتی بجای آرد که آن سنت وی را از گناهان پاك گرداند و ختنه کردن بخواب
سنت بجای آوردن بود و نقصان کردن ختنه زیادتی مال دنیا بود نه بر راه سنت و اگر
بیند که بهنگام ختنه خون از وی بیرون آمد دلیل کند بر آن سنت ثابت شود و از گناه توبه
کند و اگر بیند که چون ختنه کرد در شکل ختنه کاه نظر همیکرد دلیل بر غم و اندوه کند و خذلان
کرمانی گوید اگر بیند که او را ختنه کردند و او ختنه کرده بود دلیل کند که از گناهان پاك گردد
و اگر بیند که او ختنه کرده نیست دلیل کند که مسلمانی و طریق سنت را در پس پشت انداخته
بود ولیکن مالش بسیار شود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که ختنه کردن
درخواب بر پنج وجه بود یکی سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بجای داشتن دوم فرزند
سوم نیکوئی چهارم رامش پنجم جدائی از زن و فرزند خدای بدانکه تاویل دیدن
خدای عز و جل در اول فصل شاه نیز هم بتمامی بیان کنیم تا این قدر معلوم باشد
خرابی بدانکه خرابی بفارسی ویرانی بود شرح تاویل وی را در حرف واو بباب ویرانی
بیان کنیم خربزه ابن سیرین گوید که خربزه زرد بخواب بیماری بود و آنچه سبز شیرین بود
عافیت و منفعت باشد چون بوقتش بیند و آنچه سبز بود ولیکن شیرین نباشد
بهتر از زرد بود و آنچه خردتر بود بهتر از بزرگ باشد و خوردنش زیانی ندارد کرمانی
گوید که خربزهٔ سبز فام شیرین چون بیند که بوقتش همی خورد دلیل کند که بر قدر آنکه
خورده باشد و غم و اندوه از وی زایل شود و بدان قدر که مانده باشد و اگر بیند
که اندر پیش وی بسیار خربزه نهاده بود دلیل کند که در اندوه و غمی گرفتار بود که آن را
علاج نداند جابر مغربی گوید که چون خربزه بوقت خویش بیند نیز بیند با منفعت
و عیش خوش و خربزه دیدن بخواب زن با منفعت باشد و عیش خوش بود و
تاویل خربزهٔ هندو همچون تاویل خربزهٔ سبز فام بود چنانکه یاد کرده شد خاصه
که بطعم شیرین باشد که بهتر بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن خربزه

درخواب بر پنج وجه بود یکی بیماری باشد دوم زن سوم غلام چهارم منفعت
پنجم عیش خوش خاصه که شیرین باشد خرچنگ ابن سیرین گوید که خرچنگ
درخواب مردی بود بدخوی و دون همت و کینه دار اگر بیند که خرچنگی فرا گرفت دلیل
کند که با کسی بدخوی دون همت کینه دار روی را مصاحبت باشد و از وی اندك مایه خیر بر صاحب حال
شود و اگر بیند که خرچنگی را بکشت یا از خویشتن دور بیفکند دلیل کند که از کسی بدخوی
دون همت جدا گردد و ترك صحبتش بگوید و اگر بیند که گوشت خرچنگ را همی خورد دلیل کند که
بقدر آن از جایگاهی دور وی را مالی حاصل شود از شغلی دون یا از کسی دون و
فرومایه کرمانی گوید اگر کسی بیند که خرچنگی داشت دلیل کند که دوستی یابد بد طبع
سازگار که از وی نیکوئی یابد و اگر بیند که گوشت خرچنگ همی خورد دلیل کند که بدان
قدر ویرا از آن دوست مال حاصل شود خر دانیال گوید که دیدن خر در خواب
بخت و بزرگواری مردم بود و نیکی و بدی خر بر بخت بینندهٔ خواب دلیل کند اگر
بیند که خری ملك وی شد یا در موضعش فراز آمد و او را بگرفت و ببست
دلیل کند که خدای عز و جل در خیرات بر روی گشاده گرداند و از غم و اندیشه وی
را رستگاری دهد و اگر خران بسیار بیند خیرات نعمت و مالش بیشتر باشد و بهترین
خر که درخواب بیند آنست که فرمان بردار و مطیع باشد ابن سیرین گوید اگر بیند که بر خر سپید
نشسته بود دلیل کند که عز و جاه دنیا یابد و اگر بیند که بر خر سیاه نشسته بود دلیل کند
که بزرگی و مهتری یابد و اگر بیند که بر خری سبز رنگ نشسته بود دلیل کند که زهد و ورع و خیر
آن جهانی بیابد و اگر بیند که بر خری سرخ نشسته بود دلیل کند که راحت و عیش این جهانی
یابد و اگر بیند که بر خری زرد فام نشسته بود دلیل کند که بیمار شود و اگر بیند که خر وی ماده
و آبستن بود دلیل کند بر امید واری و زیادتی خیر و خرمی وی و اگر بیند که گوشت خر را
همی خورد دلیل کند که از تجارت نعمت و مال بدست آورد و اگر بیند که خر خویش را بکشت
و از گوشت وی بخورد دلیل کند که مال خویش هزینه کند و اگر بیند که آن خر که بروی
نشسته بود در زیر وی بمرد و از وی بیفتاد دلیل کند که بزودی بمیرد و اگر بیند که خر وی بمرد

چنانك

چنانکه بوقت مرگش او بر نشسته بود دلیل کند که حال معیشت بروی تباه شود و اگر بیند که از
خر خویش بیفتاد دلیل کند که از کسی ویرا زیان رسد و مضرت و اگر بیند که از خر فرود آمد
چنانکه دیگر باره بروی ننشست دلیل کند که جمله مال خویش بر خیر هزینه کند و اگر بیند که از بهر
کاری فرود دیگر باره بروی نشست دلیل کند که کار و حالتی که طلب کند ویرا نبود مهیا و تمام نگردد
و اگر بیند که خر خویش با خر دیگر بدل کرد دلیل کند که حالش متغیر گردد کرمانی گوید اگر بیند که
شیر خر همی خورد دلیل کند که بیمار گردد و سرانجام زود شفا یابد و اگر بیند که خری را بخرید و بهای
وی نداد دلیل کند که خیر بیند از سبب سخنی که با بزرگی گوید و اگر بیند که خر وی یک چشم
داشت یا چشم ضعیف بود دلیل کند که بر شوربختی کار وی در طلب معیشت و اگر بیند
که خرش هر دو چشم نداشت دلیل کند که مالی که دارد ضایع کند و اگر بیند که دست خرش
دراز و بسیار بود دلیل کند که او را تبع بسیار بود و اگر بیند که خر وی بمرد و او بر خر
دیگر بنشست یا خر خویش را بفروخت و خری دیگر بخرید دلیل کند که معیشت وی از
حال بحال گردد و اگر بیند که خر وی استری شد دلیل کند که حال معیشت وی از سفر باشد
و اگر بیند که خر وی اسبی شد دلیل کند که مال و نعمت و نعمت وی از سلطان بود ولیکن
بظلم و بیداد و اگر بیند که با گوسفندی شد دلیل کند که مال و نعمت وی از جایگاه
حلال بود و اگر بیند که مرغی شد دلیل کند که حال معیشت وی از تجبری بود که دلیلش
در تاویل تعلق بدان مرغ دارد و اگر بیند که گربه شد دلیل کند که مال و نعمت وی از
دزدی بود و اگر بیند که با نخچیری شد دلیل کند که کسب و مال وی حلال نبود اگر
بیند که خر وی را دزد ببرد دلیل کند که زنش فساد کند و او طلاقش دهد و اگر بیند که
خر وی سخت قوی است و بار نیك تواند برد دلیل کند که کسب و مال دنیا بروی آسان گردد
و اگر بخلاف این بیند کسب مال دنیا بروی دشوار گردد و اگر بیند که خروار بار گران
بر خر نهاده بود و او بالای بار نشسته دلیل کند که چنان توانگر گردد که نداند مالش چند است
و اگر بیند که با خر مجامعت کرد دلیل کند که مرادها برسد و اگر بیند که خر با وی مجامعت
کرد دلیل کند که توانگر گردد و مال بیقیاس جمع کند و اگر بیند که خر ویرا در پشت گرفت و

بر بالا برد یا از آب بکند باشد دلیل کند بر قوت حال و بزرگی و غایت بخت و اقبال
وی و تاویل ماده خر همچنین باشد و بعضی از معبران گفتند که ماده خر زنی بود یا کنیزک و
بدانکه خران هیچ بد نباشد مگر بانگ ایشان اما بانگ خر هیچ خیری نبود چنانکه خدای عز
وجل در قرآن مجید یاد کرده است قوله تعالی اِنَّ اَنْكَرَ الْاَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ
جابر مغربی گوید اگر بیند که بر خری نشسته بود و آن خر زیر وی بانگ همی داشت دلیل
کند که عیالش بدخو و مشنع بود و اگر بیند که خر فرو از سفتاد دلیل کند که آنکس بمیرد و اگر خر
بیند و بداند آن خر کیست دلیل کند که بمال خویش راه راندند و اگر بیند که خر خویش را
بخر دیگر بدل کرد اگر خر وی بهتر از آن خر بود دلیل کند که حال وی بروی بد شود و مالش نقصان
آید و اگر خر بهتر ازین خر بود دلیل کند که حال نیک شود و مالش افزون گردد و اگر بیند
که خر خویش را باسپی یا باستری بدل داد دلیل کند که مالش بشود و بعد از آن از پادشاه
خیر بسیار بدو رسد و اگر بیند که خر خویش را ببنده بدل کرد دلیل کند که از پادشاهی ظالم
ستمگر خیری بدو رسد و اگر بیند که خر خویش را بگوسفندی بدل کرد دلیل کند که فراخی نعمت
و غنیمت بدو رسد و اگر بیند که وی را بمرغی بدل کرد دلیل کند که بر قدر و قیمت آن مرغ خیری
بدو رسد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن خر در خواب بر ده وجه بود
یکی بخت باشد دوم ذلت سوم فرمان روایی چهارم ریاست پنجم مال ششم آن یا کنیزک
هفتم شادی و عز هشتم اقبال نهم بزرگواری دهم مرتبت و بدانکه خربنده در خواب
خداوند تدبیر و ولایت باشد و راست کننده کارها و تیمار دارنده معیشت خر وحشی
بدانکه خر وحشی گورخر بود ابن سیرین گوید اگر گورخر بیند که بدو فرا رسد دلیل کند که غنیمتی بدو
رسد و اگر بیند که بر گورخری نشسته بود و آن گور مطیع و فرمان بردار بود چنانکه بهر جا که
میخواست وی را همی برد دلیل کند که عاصی و گناه کار بود و مفارقت رای اهل اسلام
جوید از سبب خوار داشتن دین و اگر بیند که با وی جنگ و نبرد همی کرد یا سر از وی
کشیده همی داشت دلیل کند بر سختی کار و غم و رنجی که بدو رسد و اگر بیند که گورخری بشکار
بگرفت دلیل کند که خیر و منفعت بدو رسد بر قدر بزرگی و فربهی وی و اگر بیند که در

گورخر با یکدیگر جنگ همی کردند دلیل کند که از بهر وی دو مرد فاسق با یکدیگر خصومت کنند
و اگر بیند که گورخری را بخانه آورد دلیل کند که فاسقی بخانه آورد کرمانی گوید که دیدن
خرگور بخواب مردم جاهل و احمق بود چنانکه او را خرد و فهم و علم و فرهنگ نباشد
قوله تعالی اُولٰئِكَ كَالْاَنْعَامِ بَلْ هُمْ اَضَلُّ و اگر بیند که گورخر همی خورد دلیل کند که مال بسیار
یابد و اگر بیند که بر گورخری نشسته بود و از وی بیفتاد دلیل کند که کاری طلب کند که نیابد و
اگر بیند که بر گورخری نشسته بود دلیل کند که مالی بی اندازه یابد و اگر بیند که وی خر شد روزی
بروی فراخ شود و لیکن دین وی را زیان دارد جابر مغربی گوید که دیدن پوست
و گوشت و موی گورخر در خواب غنیمت و مال بود و بعضی از معبران گفتند که پوست
گورخر عز و جاه بود اگر بیند که سر گورخر بیافت دلیل کند که هزار درم سیم بیابد یا با
مهتری بزرگ وی را صحبت افتد و از آن مهتر وی را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که
شیر گورخر همی خورد دلیل کند که عبادت بسیار کند و راه دین ورزد و سیرت صلاح دوست
دارد و اگر بیند که گورخران از پیش وی همی گریخت دلیل کند که از گروه مسلمانان مفارقت
جوید و براه فساد گراید خردل ابن سیرین گوید که دیدن خردل در خواب دلیل
بر غم و اندیشه کند و خوردن وی دلیل بر نقصان مال کند یا بر رنج و بیماری جابر مغربی
گوید که خوردن خردل دلیل بر خصومت و گفتگوی کند و بعضی از معبران گفتند که
دلیل بر رنج و مصیبت کند خرس ابن سیرین گوید که خرس در خواب دشمن
فرومایه و احمق و دزد بود اگر بیند که بر خرس نشسته بود دلیل کند که از پادشاه جوانی
یابد و اگر بیند که خرس را بکشت دلیل کند که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که از گوشت
وی همی خورد و پوستش با خویشتن همی داشت دلیل کند که بر قدر آنکه از گوشت او
خورده باشد از مال دشمن حاصل کند و اگر بیند که شیر خرس همی خورد دلیل کند که ترسی
هم بدو رسد کرمانی گوید که خرس در خواب مردم شوم و بدبخت و دیوانه بود و اگر خرس ماده
باشد زنی بود بدین صفت که یاد کردیم اگر بیند که خرس ماده را بگرفت دلیل کند که زنی
بنکاح بخواهد بدین سان که گفتیم و اگر بیند که خرس بخانه وی درآمد اگر ماده بود زن بود که

بخواهد و اگر نر بود دلیل کند که مردی بدان صفت که گفتیم بخانه وی درآید و اگر بیند که
بر خرس نشست یا وی را بکشت دلیل کند که بر دشمن ظفر یابد خرگاه ابن سیرین گوید
اگر کسی بیند که در خرگاهی نشسته است دلیل کند که از متاع دنیا چیزی یابد یا زن خواهد
خاصه که داند که خرگاه ملک او بود یا خداوندش را همی شناسد اگر بیند که خداوند خرگاه
را بحنا خضاب همی کرد دلیل کند که اندر طلب معیشت رنجور گردد و اگر خداوند خرگاه
نشناسد و خرگاه بگونه سبز یا سپید بود دلیل کند بر خیر و نیکی کرمانی گوید اگر بیند که
در گاهی مجهول که بگونه سبز بود نشسته بود دلیل کند که شهید گردد و اگر خرگاه معروف
بود یا ملک وی باشد دلیل کند که دیندار و پارسا باشد و اگر بیند که خرگاه بگونه
سپید باشد دلیل کند بر مال و منفعت و اگر بگونه سرخ بود دلیل کند بلهو و عشرت دنیا
مشغول باشد و اگر خرگاه بگونه کبود دلیل کند بر اندوه و مصیبت و اگر خرگاه بگونه سیاه
بود دلیل بر منفعت اندک کند خاصه که خرگاه ملک وی باشد و اگر خرگاه ملک وی
نبود تاویل آنچه گفتیم از خیر و شر خداوند خرگاه را بود خرگوش ابن سیرین گوید که
خرگوش در خواب زن بد باشد اگر بیند که خرگوش را بگرفت یا کسی بدو عطا داد
دلیل کند که زنی بد بخواهد یا کنیزکی بد بخرد یا کسی بدو بخشد و اگر بیند که پوستین
خرگوش پوشیده داشت یا گوشت وی همی خورد دلیل کند که چیزی اندک از زنی بدو رسد
و اگر بیند که بچه خرگوش را بیافت دلیل کند که وی را حالی پیش آید که در آن وی را خیری
نبود جز رنج و اندوه و بعضی گفتند که رنج و اندوه وی را از فرزند بود جابر مغربی گوید که خرگوش
در خواب زن بارسا و خاموش بود اگر کسی در خانه خویش خرگوش بیند دلیل کند که
زنی بدان صفت بخواهد و پوست و استخوان و موی وی در خواب منفعت بود
و مال اندک اگر بیند که خرگوش وی بمرد یا وی را بکشت دلیل کند که از سبب عیال وی
را مصیبت رسد و اگر بیند که خرگوش با وی سخن گفت دلیل کند که با زن چنان
سازگار بود که مردمان را از آن شگفت آید و اگر بیند که گردن خرگوش را سوی قفا در پیچید
چنانکه خبه شد دلیل کند که زن با غلام بازی کند خرما ابن سیرین گوید که خرما در

خواب دانسته و مال بود اگر بیند که خرما را همی خورد دلیل کند که اگر اهل علم
بود علمش زیادت شود و اگر بازرگان بود مالش زیادت شود و اگر بیند که خرما را
بخورد و دانه اش بیرون انداخت اگر اهل علم بود دلیل کند که آنچه بر احکام شریعت است بکار
برد و آنچه خلاف شریعت است بکار نداد و اگر بازرگان بود غش و خیانت از خویشتن
دور کند و بعضی از معبران گفتند که اگر خرما خورد دلیل کند که میراث یابد و اگر بیند که
خرمای نارسیده از درخت برید دلیل کند که وی را فرزند بود و اگر بیند که خرمای نارسیده
بخورد دلیل کند که میراث فرزند یابد و اگر بیند که آن خرمای نارسیده در دست
وی پخته و نیک گشت دلیل کند که از فرزند منفعت و شادی بیند و کدخدایی کند و اگر
بیند که آب خرما بخورد دلیل کند که میراث یابد و اگر بیند که در سرای وی خرمابنی بود
چنانکه بار بسیار داشت دلیل کند که با کسی که اصلی بود دوستی کند بنکاح و از وی برخورداری
یابد و اگر بیند که آن خرمابن خشک شد دلیل کند که در میان ایشان جدایی افتد
و اگر بیند که در سرای وی خرمای خشک بود و آن خرمابن سبز گشت دلیل
کند که در خانه اش مردی بیمار بود و آن بیمار زود شفا یابد و اگر بیند که آن خرما
بن را ببرید دلیل کند که کسی از اهل بیت وی بیمار گردد کرمانی گوید اگر کسی بیند
که خرمای تازه داشت دلیل کند که بر قدر خرما نعمت و مال برنج و سختی بدست
آرد و بعضی از معبران گفتند که خرما منفعت و شادی بود که از جهت مهتری بدو
رسد اگر بیند که در خانه و منزل خویش بسیار خرما داشت دلیل کند که بر قدر خرما
از عقار و ملک خویش مال و نعمت بحاصل کند و اگر بیند که خرمای تازه یا خشک
همی خورد دلیل کند که حلاوت ایمان بیابد و کارش بنظام شود و اگر بیند که خرمابن
خویشتن را همی برید دلیل کند که از آن کار که دوست بریده گردد و بخصومت
یا بغیر خصومت جابر مغربی گوید اگر بیند که خرما از دست کسی فرا گرفت دلیل
کند که زنی توانگر را بخواهد و بعضی از معبران گفتند که مال یابد و اگر بیند
که از خرمابنی انگور سیاه فرا گرفت دلیل کند که وی را از کنیزکی هندو فرزندی

آید واکر بیند که از خرما بنی خشك خرمای تازه فراکرفت دلیل کند که
از مردی منافق شنود وبعضی کفتند که از مردی جاهل سخنی شنود مفید شنود واکر
ونداین خواب غمکین بود از غمها فرج یابد **قوله تعالی** بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطْ
عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که دیدن خرما
درخواب مال حلال بود ازجهت رئیسی کریم وسخی وپاك دین ودیدن بر بخواب
دیدن پاك باشد ومالی حلال ودیدن خرمای تازه روشنایی چشم ومالی حلال
وفرزند نیك باشد چنین کوید که مردی نزدیك ابن سیرین آمد وکفت بخواب
دیدم که بودر سرای سلطان چهل خرما یافتم ابن سیرین کفت ترا بودر سرای سلطان
چهل چوب بزنند دیکر روز وی را چهل چوب بزدند سال دیکر همین مرد نزدیك
ابن سیرین آمد وکفت درخواب چهل خرما یافتن بر در سرای سلطان ابن سیرین
کفت چهل هزار درم بیابی آن مرد کفت پارسال مرا تعبیر کونه دیکر کردی وامسال بخلاف
آن تعبیر میکنی ابن سیرین کفت که از بهر آن که پارسال که تو آن خواب را دیده بودی
وقت خزان بود ودرختان خشك شده بودند اکنون وقت بهاراست ودرختان بربارند
ناچار کی تعبیر تو بخلاف آن بود پس بعد یك هفته چهل هزار درم بیافت وتعبیر
آن خوابش درست کشت **خرمن** ابن سیرین کوید که خرمن غله درخواب مردی
باشد که برنج وتعب مال جمع کند واز آن پس آن مال بکرفت هزینه کند بازن خویش
اکر بیند که کشته درده خرمن کرد دلیل کند که برنج وتعب مال را جمع کند کرمانی
کوید اکر بیند که خرمنی غله بخرید یا کسی بدو داد دلیل کند که زن خواهد بدان
صفت که یاد کرده شد وبعضی کفتند که دلیل کند که با مردی وی را صحبت افتد
که آن مرد برنج وتعب مال را جمع کند **خرنوب** ابن سیرین کوید که خرنوب درخواب
مالی بود که برنج بدست آید اکر بیند که خرنوب همی خورد دلیل کند که بر قدر آن از مال
خویش که برنج حاصل کرده بود برعیال خویش هزینه کند اکر بیند که خرنوب از درخت
جمع همیکرد دلیل کند که از مردی بخیل بر قدر آن وی را مالی از کسب خویش حاصل

..بیند که خرنوب را بآتش همی سوخت دلیل کند که پادشاه مال وی را بستاند
[redacted] والله اعلم **خروس** ابن سیرین کوید اکر بیند که خروسی
داشت ودانست که ملك اوست دلیل کند که مردی عجمی را که بنده زاده بود
وقهر کند که خروس را بکشت دلیل کند که بر بنده ظفر یابد واکر بیند که با خروس جنك
همیکرد دلیل کند که با مردی عجمی ویرا جنك وخصومت افتد واکر بیند که از آن
خروس بروی کزندی آمد دلیل کند که از آن مرد عجمی وی را کزند رسد واکر بیند
که بچه خروس بیافت یا کسی بدو بخشید دلیل کند که غلامی کوچك یا پسری وی
را حاصل شود از کنیزك واکر بیند که بانك خروس همی شنید دلیل کند که راه خیرات
ونیکی کزیند که تعبیر بیشتر بنده وبنده زاده افتد واکر بیند که خروسی بر روی
همی جست دلیل کند که وی را از کسی غم واندوه رسد وخایه خروس درخواب غلام
خرد بود واکر بیند که کسی ویرا خروس بچه بداد دلیل کند که غلامی کسی بدو بخشد
جابر مغربی کوید اکر کسی بیند که خروس داشت دلیل کند که او را پسری آید
یا مؤذن صحبت افتد چنانکه رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است **خبر**
الدِّيكُ صَدِيقِي وَهُوَ يَدْعُو إِلَى الصَّلَوٰةِ یعنی خروس دوست من است وا و
مردم را بنماز میخواند حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید اکر کسی بیند که خروسی
بیافت دلیل کند که بر مهتر زاده اصلی نیك دست یابد ووی را غلبت کند واکر بیند
که خروسی را بکشت دلیل کند که بر مهتری یا بر مؤذنی دست یابد واو را قهر کند
خرید وفروخت کردن ابن سیرین کوید که خرید وفروخت کردن درخواب نیك
نباشد زیرا که خرید وفروخت کالا وغیرش بزر ودرم کنند بتاویل نیك نباشد اکر بیند
که کسی معروف وی را بخرید دلیل کند که در زیر منت آنکس بود واکر بیند که کسی وی
را بفروخت دلیل کند که کارش شوریده کردد کرمانی کوید که خرید وفروخت کردن چون
بزر ودرم کنند وبکالا کنند دلیل کند که بر قدر وقیمت آن کالا چیزی بدو رسد
واکر خرید وفروخت بزر ودرم کنند فروشنده را بد بود زیرا که بهای کالا از زر ودرم ستانند

ونزو ودرم کرتاویل غم واندوه بود **خز** ابن سیرین کوید که جامه خز دید
از جامه ودستار وقبا وکلاه وآنچه بدین ماند جمله مردان را ناپسندیده ودر زنان هیچ
ومضرتی نباشد خداوندش را چون بروی صورتها نبود اما اکر بروی صورتها بود دلیل
کند بر غم وبدبختی ودلیل الحزن از هر رنکی که بیند سبز بهتر وموافقتر بود درراه دین ضر
امام جعفر صادق علیه السلم کوید که جامه خز دیدن بخواب چون نو وپاکیزه بود کسی را
که سزای خز بود دلیل برنج وجه بود یکی مال باشد دوم منفعت وخیر وبرکت سوم عز
وجاه چهارم مرتبت براندازه قیمت جامه وبر قدر خداوند خواب بیم ریاست باشد
کرمانی کوید که پوشیدن جامه خز درخواب دلیل بر مال الحرام کند اکر بیند که جامه خز پوشیده
داشت دلیل کند که بر قدر فراخی ونیکی ونوی آن جامه مال حرام یابد یا دین وی به
فساد بود زیرا که آنچه از ابریشم باشد مردان بد بود وزنان را نیك باشد وبدانکه خز
فروش مردی باشد که دنیا را بر دین اختیار کرده بود **خستکی** ابن سیرین کوید اکر
بیند که تن وی کسی را بخست واز آن خستکی خون بیرون آمد دلیل کند که خسته
کننده وی را سخن راست کوید چنانکه جوابش باز نتواند داد وخیره فرومانده واکر
بیند که خون از جراحت او بیرون آمد دلیل کند که خسته کننده وی بسخن دروغ ومحال
بکیرد کرمانی کوید اکر بیند که کسی ویرا بتیغی بزد وبدو نیمه کرد دلیل کند که در پیش وی سخن
بد کوید ودروطعنه زند وداد وی ندهد واکر کسی بر تن خویش بسیار خستکی بیند
دلیل کند که از پادشاه منفعت یابد جابر مغربی کوید اکر کسی بر تن خویش جراحت
تازه بیند دلیل کند که ویرا بال زیانی رسد یا از کناه توبه کند حضرت اما م
جعفر صادق علیه السلم کوید که دیدن خستکی درخواب بر سه وجه بود یکی مال باشد
دوم منفعت سوم سخنهای ناخوش وراست **خشت** ابن سیرین کوید که
خشت خام درخواب مال مجموع بود چنانکه درتاویل هر خشتی هزار درم باشد اکر
بیند که خشت همی زد وخشت وی خشك کشت دلیل کند که بر قدر آن ویرا مال
حاصل شود واکر بیند که خشتی در دست فرا کرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که

هزار درم سیم یابد یا کسی هزار درم بدو دهد واکر بیند که بسیار خشت داشت
دلیل کند که بر قدر آن مال ونعمت بسیار ویرا حاصل شود کرمانی کوید اکر بیند
که خشت را از دیوار همی تراشید دلیل کند که مال خداوند دیوار ببرد واکر بیند که خشت
را پاره پاره کرد ویراکند دلیل کند که مال خویش را بخیر هزینه جابر مغربی کوید
که خشت پخته بد بود زیرا که در وی آتش رسیده است پس از این سبب دلیل بر غم
واندوه کند وبنا ها که از خشت پخته وکچ کنند هم بد باشد **خشم کرفتن** ابن
سیرین کوید اکر بیند که خشم کرفت بر کسی از بهر خدای عز وجل دلیل کند که کردار
خیر ونیکی کند واکر بیند که خشم وی از بهر دنیا بود دلیل کند که راه دین را حقیر وخوار
دارد وبدنیا مغرور کشته بود کرمانی کوید اکر بیند که پادشاه بروی خشم کرفت دلیل کند
که از پادشاه وی را رنج وزیان رسد واکر بیند که پدر وی یا مادر بروی خشم کرفتند دلیل
کند که از جایکاهی بلند بیفتد **قوله تعالی** وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ
خصومت کردن ابن سیرین کوید اکر بیند که با کسی خصومت همیکرد وبروی
غالب شد دلیل کند که سرانجام این نیك شود وبر دشمن ظفر یابد واکر بیند که آنکس
بروی غالب شد تاویلش بخلاف این بود کرمانی کوید اکر بیند که با والی آن ولایت
خصومت همی کرد وبروی غالب شد دلیل کند که از والی بدو خیر رسد ومنفعت
واکر بخلاف این بود دلیل کند که از والی ویرا رنج وزیان رسد واکر بیند که با پادشاه
بخصومت رفت دلیل کند که از پادشاه روا کردد جابر مغربی کوید اکر بیند که
با مردمان بی سببی خصومت همی کرد مردمان را همی رنجانید دلیل کند که مردمان
از زبان وی اندوهکین ورنجور دل شوند زیرا که وی آزار مردمان را بجوید :
خصی کردن بدانکه خصی بتازی آنکس را کویند که خایه اش کنده بود ابن سیرین
کوید اکر بیند که خویشتن را خصی کرد یا کسی دیکر وی را خصی کرد دلیل
کند که هنکام مردی ونبرد زبون بود وخوار وفرومایه بود ولیکن بکارهای دین و
بطاعتها راغب کردد وبعضی از معتبران کفتند دلیل کند که فرزندش بمیرد وبعد

ازان فرزندش نباید لیکن توانکر شود واکر کسی مجهولرا بعضی ببیند که از وی پسندیده
وصالح بود وسخنهایش موافق علم وحکمت بود دلیل کند که آن خصی فرشته بود
از فرشتکان که ویرا براه صلاح وخیر خواهد وبترساند یا بخیراتی ویرا مژده دهد
زیرا که فرشتکانرا شهوت مردی نیست واکر بیند که در کلامش علم وحکمت نباشد
آن کس فرشته نبود وآن خصی که دید معروف بود آنچه دید از نیك وبد دلیل کند
که تاویلش بروی باشد کرمانی کوید اکر کسی بیند که خایکان وی را ببریده شد یا بیفتاد
دلیل کند که دشمنان بروی ظفر یابند وبعضی از معبران کفتند که بریدن خایکان در
خواب دلیل کند بر بیدد دختران یعنی ویرا ازان دختر نباشد زیرا که خایکان
در تاویل دلیل بر دختران کند واکر بیند که خایکان خود را بکشید وبکست دلیل کند
دلیل کند که فرزندش بمیرد یا فرزندش نیاید واکر بیند که خایکان خویش را بیرون آورد
وبعطا بکسی داد دلیل کند که فرزندان ویرا بکسی دیکر منسوب کنند جابر مغربی
کوید اکر بیند که با مردی خصی صحبت کرد دلیل کند که با مردی بی‌حزم وبی ادب و
درویش صحبت کند واکر بیند که بسببی ویرا خصی شد دلیل کند که او را ضعف
وخواری وزیان رسد واکر بیند که قضیبش از بن بریده بود دلیل کند که نامش از
میان مردمان بریده کردد ونقصان جاه وی باشد یا فرزندش بمیرد خاصه که قضیب
با جایکاهش بریده باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که دیدن خصی
در خواب بر سه وجه بود یکی مردم زاهد باشد دوم دیدن فرشته سوم عبادت
کردن بود : خضاب کردن دانیال کوید که خضاب کردن ریش پوشش کارها
باشد اکر بیند که سر وریش را خضاب همی کرد وخضابش رنك نکرفت دلیل
کند که ظاهر حال بمردم نماید واکر بیند که خضابش رنك کرفت دلیل کند که حالش
چنان شود که او خواهد وکارهایش پوشیده کردد خاصه چون بیننده خواب
خضاب بکار ندارد ودر بیداری خضاب کردن منکر بود ابن سیرین کوید اکر بیند
که خضاب بچیزهایی همیکرد که مردم بدان منکر بودند یعنی بکل یا بکچ یا بخمیر

یا آنچه بدین ماند دلیل کند که حال خویش بچیزهای محال وکارهای ناپسندیده
دهد واکر بیند که خضابش رنك نیکو کرفت دلیل کند که حالش پوشیده کردد واکر بیند
که دست وپای خویش را بحنا خضاب همیکرد دلیل کند که مالش آنچه در دست
وی نبود بدید آید واکر بیند که هر دو دست وپای خویش را خضاب همیکرد دلیل کند که
فرزندان یا برادران خویش را بیازاید یا کسی که خلاف شرع وسیرت دین بود
کرمانی کوید اکر بیند که کف دستهای خویش را خضاب همیکرد دلیل کند که اندر طلب
معیشت رنجور کردد واکر بیند که هر دو دست خویش را بخضاب بکار همیکرد
دلیل کند که خداوند مکر وحیلت بود در کسب وعمل خویش واکر بیند که نقش دست یا
وی بهم در پیچید دلیل کند که وی را عزیزی بمیرد یا خویشتن هلاك شود واکر بیند که
دست وپایها را همچون زنان خضاب کرد دلیل کند که در ترس وبیم عظیم افتد واکر
خواب زن بیند ویرا خرمی وشادی باشد زیرا که سیرت ایشان است که دستها
وپایها را بحنا خضاب کنند واکر بیند که هر دو دست وی بنقش بود دلیل کند که
بکاه نفقات وکسب کردن مکر وحیلت کند اسمعیل اشعث کوید اکر مردی
بیند که دست وپایهای خویش را بحنا خضاب کرد دلیل کند که کاری کند
که مردمان بروی افسوس کنند وبخندند واکر بیند که سر انکشتان خضاب
کرد دلیل کند که تسبیح کند واکر بیند که هر دو دست را بخضاب نقش همیکرد
دلیل کند که با دوستان مکر وحیلت سازد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
کوید که خضاب کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی قوت کار ناشایست
وبی حاصل بود دوم آرایش حال دنیا سوم طلب کردن جاه دنیا بنزدیك مردمان
چهارم معروف شدن بدروغ کفتن : خطبه کردن ابن سیرین کوید
اکر بیند که بر سر منبر خطبه همیخواند واو از اهل آن بود که خطابت را شاید دلیل
کند که بزرکی وعز وجاه یابد واکر اهل آن نبود که خطابت را شاید دلیل کند که اکر
در سفر باشد بیم بود که بسلامت باز نیاید واکر توانکر بود بیم است که درویش کردد

واکر درویش باشد بیم بود که در رنج وغم کرفتار شود واکر جاهل بود بیم است که میان
مردمان حقیر وخوار شود ودر زبان خلق به بدی بیفتد واکر بیند که بدینی خطبه همی
خواند دلیل کند که مسلمان شود یا بمیرد کرمانی کوید اکر بیند که پادشاهی بر منبر خطبه
همیخواند اکر پادشاه مصلح بود دلیل کند که عدل وداد کند ورعیت را خشنود کرداند واکر
پادشاه مفسد بود دلیل کند که تایب شود واکر بیند که زنی بر منبر خطبه همی خواند
واندران خطبه مردمان را پند همیداد بیم است که شوهر آن زن فضیحت ورسوا کردد
جابر مغربی کوید اکر کسی بیند که در میان مردم خطبه تزویج همی خواند دلیل کند که در
میان مردمان خیر وصلاح بدید آید وبا همه کس خیرات واحسان کند وشغلهای
مصلحت بجا آرد خطمی ابن سیرین کوید که خطمی بوقت وی دلیل منفعت
اندك کند وبوقتش دلیل بر غم واندوه کند وخوردن وی دلیل بر مضرت
ونقصان مال کند وشستن بدو دلیل بر توبه کردن وپاکدینی کند خفتن
ابن سیرین کوید که خفتن در خواب مرده را وکسی را که ترسنده بود رستکاری
وراحت باشد اکر کسی بیند که بر تختی خفته است بر بستری نیکو دلیل کند که بزرکی
یابد اما از راه دین وپرهیزکاری بیخبر باشد زیرا که خواب غفلت بود در راه دین واکر بیند که در جایکاهی
دون بر بستری چرکن خفته بود دلیل کند بر حقارت وخواری وبیچارکی وی کرمانی کوید که
خواب ترسنده را ایمنی بود ومرد مهموم وکاری وبیمار را شفا وزندانی را فرج بود از زندان
جابر مغربی کوید اکر کسی بیند که در میان مردکان خفته بود وکسی ویرا بیدار نکردی دلیل کند که در
میان مردمان بکار نیك شهره شود قوله تعالی وتحسبهم ایقاظا وهم رقود خلال
کردن ابن سیرین کوید که خلال کردن در خواب نیك نباشد زیرا که دندانها در خواب
اهل بیت بود وخلال ماننده جاروب باشد که مال اهل بیت وخلال ماننده جاروب باشد
که مال اهل بیت را همی روبد واموال ایشان را نقصان همی کند پس هر که بیند که در خواب خلال
کند بر قدر آنکه بخلال از دندانها بیرون آید از مال اهل بیت وخویشان نقصان شود وایشان
را بناحق مضرت رسانند واز ظالمان دور شود جابر مغربی کوید اکر بیند که آنچه از

میان دندانها بخلال بیرون آورد وبکسی داد دلیل کند که از اهل بیت خویش چیزی
بناحق بستاند وبکسی دهد خلعت ابن سیرین کوید که خلعت دیدن در خواب چون
پاکیزه ونیکو بود دلیل کند بر عز یافتن وبزرکی ومرتبت وریاست وملکت وزن وکنیزك
وحکم تاویلش بر قدر قیمت خلعت وهمت دهنده بود کرمانی کوید اکر بیند که پادشاهی
بدو خلعت داد دلیل کند که از پادشاه بر قدر آن مال وبزرکی یابد واکر بیند که عالمی ویرا
خلعت داد دلیل کند که علم ودانش ازان عالم ویرا حاصل شود حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم کوید اکر کسی بیند که عالمی خلعت داد جامه کرباسین بود وبکونه سپید یا سبز دلیل
کند که عز وجاه دینی بیابد واکر بیند که خلعت وی دیبا یا جامه ابریشمین بود دلیل کند
که دنیائی بیابد خلقان بدانکه خلقان بتازی جامه کهنه را خوانند وپوشیدن
وی بخواب غم واندوه واندیشه بود ودرویشی که بمردم دیر بماند ابن سیرین کوید اکر
بیند که خلقان از تن خود بیرون کرد دلیل کند که از غم واندوه ودرویشی ازوی دور
شود وهر چیز کهنه دیدن بخواب نیك بود مکر موزه که کهنه از نو به باشد کرمانی کوید
اکر کسی در خواب خلقان فروشی کند بد باشد هم بکفتار وهم بدیدار از بهر آنکه
تجارت کردن بجامه چرکن دریده نیک باشد اما اکر جامهای نو خرد وفروشد نیك بود و
او را در تجارت آن خیر ومنفعت باشد وحکمش در تاویل چون حکم ثیاب بود چنانکه
پیش ازین یاد کرده شد اسمعیل اشعث کوید که جامهای کهنه فروختن نیك بود وخریدن
آن بد باشد وخلقان فروش مردی بود که بدی از خویشتن دور کند خلم
دانیال کوید که خلم در خواب فرزند بود اکر بیند که از بینی وی خلم بیرون آمد
دلیل کند که ویرا فرزندی آید کرمانی کوید اکر بیند که از بینی وی خلم فرو آمد دلیل
کند که وامش کذارده شود واز غم واندوه باز رهد ابن سیرین کوید
دلیل بر فرزند کند اکر بیند که خلم بر جامه وی افتاد
واکر بیند که خلم بر زمین افتاد دلیل کند که وی
خویش را افکند دلیل کند که زن

زنش بروي خلم افكند دليل كند كه وي را پسر آيد اگر بيند كه خلم در سراي همسايه افكند دليل كند كه با زن آن همسايه فساد كند واگر بيند كه خلم بر بستر مردي افكند دليل كند كه با زنش فساد كند كه خلم بخورد دليل كند كه مال زن بخورد **خليفه**
ابن سيرين گويد اگر بيند كه خليفه با وي كشاده روي بود وخوش طبع وبتلطف با وي سخن هميگفت دليل كند كه خيرات ديني ودنيائي بدو رسد واگر بيند كه خليفه ويرا كاري فرمود از كارهاي خاص خويش دليل كند كه عز وبزرگي ومنزلت يابد هم ديني ودنيائي واگر بيند كه خليفه وي را امير كرد در ولايتي از ولايت مسلمانان دليل [illegible] بعد از روزگاري شرف وبزرگي يابد وخداوند جاه وقدر گردد پس اگر بيند كه در سراي خليفه شد دليل كند كه از خاصان ومقربان خليفه گردد واگر بيند كه خليفه وي را از متاع دنيا چيزي بخشيد دليل كند كه منزلت وبزرگي يابد ودر ميان بزرگان نامدار گردد اگر بيند كه خليفه با وي سخن حكمت عتاب هميكرد دليل كند كه كارش بصلاح آيد وحالش خوب گردد هم نزديك پادشاه وهم نزديك خليفه وبزرگان كرماني گويد اگر بيند كه خليفه با وي خصومت هميكرد از بهر كاري كه بشرع تعلق دارد دليل كند كه حاجتي كه دارد روا گردد وظفر يابد واگر بيند كه بر در سراي خليفه مخالفت كند دليل كند كه دشمن بر وي ظفر يابد وگزندي بدو رساند واگر بيند كه در بستر وجايگاه خليفه ا نخفته است وآن بهتر بخليفه معروف بود دليل كند كه خليفه ويرا نيني دهد يا كنيزك يا مالي كه با زن خويش آن را هزينه كند واگر بستر بخليفه معروف نبود دليل كند كه خليفه ويرا والي كند در ولايت خويش وبقدر بستر ولايت اندر يا در خويش ولايت بدو سپارد واگر بيند كه بر اسپ در پس خليفه نشسته بود پادشاهي ويرا با او شريك گردد واگر بيند كه در پيش خليفه يا در پهلوي او [illegible] كه در شغلهاي خليفه مقدم او باشد واگر بيند كه خليفه با وي ترش [illegible] كند كه در دين وي فساد وخلل باشد جابر مغربي گويد [illegible] شد دليل كند كه خيري بدو رسد

بمصيبتي صعب كه او را بيفتد يا كاريش پيش آيد كه دشمنان بروي فسوس كنند وحقير وخوار گردد واگر بيند كه خليفه ويرا شمشير داد يا خلعت بپوشانيد دليل كند كه بزرگي وپادشاهي يابد واگر بيند كه خليفه ويرا بكاري خير وكرامت يابد حضرة امام جعفر صادق عليه السلم گويد اگر كسي خليفه مرده را زنده بيند كه خرم وشادمان بود وبا وي بتلطف سخن هميكرد دليل كند كه مرادهاي وي حاصل شود وعز ودولت يابد واگر خليفه را اندوهگين بيند دليل كند كه بخلاف اين بود كه ياد كرده شد **خُم** ابن سيرين گويد كه خم در خواب زني بود كه فائده خانه از قبل وي باشد اگر بيند كه خمي نو بخريد يا كسي بدو بخشيد دليل كند كه زني [illegible] كه از قبل آن زن بدو خير وفائده رسد بر قدر نيكوئي وبزرگي خم كرماني گويد [illegible] سنگي بتاويل ا يا فتن سختي بود وخم آب كه در خانه باشد زن [illegible] خانه وي خمي پر آب بود چنانكه مردمان از وي آب همي خوردند دليل كند [illegible] نيكوئيهاي خير هزينه كند وخم سركه دليل بر مردي پرهيزكار بود وخم [illegible] روغن دليل كند بر زيادتي مال وخم انگبين دليل كند بر زيادتي مال وخم انگبين دليل كند بر نعمت و[illegible] وخم آبكامه دليل كند بر مردي بيمار بزرد تعب دليل كند بر مردي فرو مايه وچركين وبدانكه خم [illegible] خواب ديدن دليل بر سلطانيست بزرگ كند وبياست واصحاب سلطان **خمير** ابن سيرين گويد كه سرشتن آرد چون بتاويل ديني دين باشد وسرشتن آرد كه بدين مالي بود از تجارت سودش بسيار باشد واين آنوقت بود كه بيند كه خميرش برخاسته باشد واگر بيند كه خمير وي برخاسته نبود فساد وزيان باشد ورسته آرد كاورس منفعت اندك بود كرماني گويد اگر بيند كه خمير را فرا گرفت يا بخريد يا كسي بدو داد اگر خمير جوين بود دليل كند بر درستي وضايع دين وي واگر خمير گندمين باشد دليل كند بر قدر آن مالي حلال ويرا از تجارت رسد واگر خمير كاورسين بود دليل كند كه منفعت اندك بود حضرة امام جعفر صادق عليه السلم گويد كه ديدن خمير در خواب بر سه وجه بود يكي زيادتي در دين ومال دوم منفعت سوم روزي حلال باشد **خمبره** بدانكه در خمبره سه قول است وبعضي از معبران گفتند كه او زن بود

وبعضي گفتند كه او خادمه بود كه سخن راست گويد وبعضي گفتند كه او رسولي ثقت بود كه متاع مردمان را از شهري بشهري ميكرداند كرماني گويد اگر بيند كه خمبره آبگينه در دست اوست دليل كند كه زن را طلاق دهد جابر مغربي گويد اگر بيند كه خمبره داشت يا كسي بدو داد دليل كند كه زني خادمه را يا كنيزكي بر قدر خمبره ويرا حاصل شود يا با زني خادمه ويرا صحبت افتد واز او منفعت يابد واگر بيند كه خمبره وي ضايع شد تاويلش بخلاف اين بود **خنجر** بدانكه خنجر را بفارسي دشنه خوانند اما نزديك اهل عجم معروفست از دشنه از اين سبب ويرا بفارسي دشنه خوانند وبحرف خا ويرا بيان كنيم اگر بيند كه خنجر در دست داشت دليل كند كه ويرا با كسي جنگ وعداوت بود واگر بيند كه خنجر وي بشكست يا ضايع شد دليل كند كه آن جنگ وعداوت از ميانشان برخيزد و آشتي كنند جابر مغربي گويد اگر كسي بيند كه خنجري آميخته در دست داشت با سلاحي ديگر دليل كند كه ويرا از كسي قوتي بود بدانكه غرضش بود واگر با خنجر سلاحي ديگر داشت دليل كند كه بر دشمن ظفر يابد وكارهايش بنظام شود **خنديدن** ابن سيرين گويد كه خنديدن در خواب غم واندوه بود اگر بيند كه بقهقهه همي خنديد دليل كند كه سخت اندوهگين شود قوله تعالى فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا واگر بيند كه آهسته همي خنديد دليل كند كه اندك چيزي اندوهگين شود كرماني گويد كه خنديدن آهسته در خواب بشارت بود و يافتن مراد قوله تعالى فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا حضرت امام جعفر صادق عليه السلم گويد كه خنديدن آهسته بخواب فرزند بخت بود قوله تعالى فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وخنديدن بقهقهه غم واندوه ومصيبت بود وشگفت آمدن از كار ايزدي قوله تعالى أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ وَتَضْحَكُونَ **خوان** بدانكه خوان بتازي مايده بود وديدنش در خواب غنيمت حاضر باشد ابن سيرين گويد اگر بيند كه خواني داشت وبروي نانها بود واز وي همي خوردند دليل كند كه بر قدر آن غنيمت ومال يابد كرماني گويد كه برداشتن خوان از پيش چون طعام خورده وفرمان بر طاعت شد اما بنفس خويش خطر كرده بود زيرا كه از دو گونه باشد يا وعده را وفا كند يا هلاك شود جابر مغربي گويد

كه خوان آراسته بتاويل مردي شريف بود وبسياري نان بر خوان دليل كند بر بسياري دوستان واندكي نان بر خوان دليل كند بر اندكي دوستان وبعضي از معبران گفتند كه خوان آراسته دين باشد وبرداشتن خوان چون طعام نخورده باشد دليل كند كه سيري شدن عمر بود وبسيار خوردن طعام بر خوان دليل كند بر بسياري عمر واگر بيند كه بر خوان از هر گونه طعام بود دليل كند كه آن روزي باشد كه بدو وفرزندان وي باز گردد قوله تعالى أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ وبعضي گفتند كه رامش وعز وشادي ويرا حاصل شود وكارش بنظام گردد حضرت امام جعفر صادق عليه السلم گويد كه ديدن خوان آراسته در خواب بر پنج وجه بود يكي غنيمت حاضر باشد دوم مردي شريف سوم دين چهارم نظام كارها پنجم عز وخرمي باشد **خود** ابن سيرين گويد [illegible] خود در خواب چيزي بود كه بدو خويشتن را بمكر نگاه دارد ليكن اگر [illegible] بر سر بيند دليل كند بر عز وجاه وي بر قدر درشتي خود واگر بيند كه خود [illegible] برداشت دليل كند كه عز وجاه وي كمتر گردد كرماني گويد اگر كسي بيند كه خود بر سر داشت دليل كند كه وي را فرزند آيد زيرا كه خود همچون تاج دليل كند بر زيادت ونقصان كه در خود بيند دليل بر فرزند بود جابر مغربي گويد اگر كسي خود پولاد روشن بر سر بيند دليل كند كه از مهتري قوت وحشمت يابد واگر بيند كه خود خويش كسي عطا داد دليل كند كه قوت وحشمت آنكس را بود واگر بيند كه كسي خود از سر وي برداشت دليل كند كه حال وي ضعيف شود واگر بيند كه خود وي بشكست يا ضايع شد دليل كند كه قوت وعز وجاه وي زايل گردد وحضرت امام جعفر صادق عليه السلم گويد كه ديدن خود در خواب بر پنج وجه بود يكي قوت باشد دوم مال و بزرگي سوم فرزندان چهارم بقا ونيكوئي حال پنجم چيزي كه خويشتن را بدو بمكر وحيلت نگاه دارند **خورش** ابن سيرين گويد كه هر خورشي كه در خواب بطعم وبوي خوش وپاكيزه بود دليل كند كه خير ونيكي وآنچه بخلاف اين بيند دليل كند بر شر وبدي واگر بيند كه سير وپياز وگندنا مانند اين چيزها ميخورد جمله بر بدي احوال

وتباهي كار وزشت نامي دليل كند بر مالي كه اندران خير وبركت نبود هرچيزي كه بطعم وبوي ناخوش بود دليلش همچنين بود واكر خورش تلخ وناخوش خورد دليل بر درويشي وبيچارگي كند واكر بيند كه سبوس آرد همي خورد دليل هم بر درويشي وبيچارگي كند كرماني كويد كه خورش چون بطعم شيرين بود دليل كند بر خير وشادي وخرمي وچون بطعم تلخ باشد يا شور يا ترش بود دليل كند بر رنج واندوه بدان قدر كه خورده باشد وعلى الجمله هر خوردني كه بطعم وبوي خوش باشد خوردن بخواب دشمني ضعيف بدحال بود وابدا آنكه خورد فروش بتاويل خداوند سخن باشد **خرزه** ابن سيرين كويد كه خرزه بخواب دشمني ضعيف بدحال بود واكر بيند كه خرزه را كوفت دليل كند كه با دشمني ضعيف ويرا صحبت افتد واكر بيند كه خرزه را بكشت دليل كند كه آن دشمن را قهر كند واكر بيند كه خرزه را بخورد دليل كند كه مال آن دشمن خورد كرماني كويد اكر كسي بخواب خرزه بيند وكمان برد كه آن كژدمست دليل كند كه او دشمني بود كه [illegible] كه او كمان برد **خوشه** ابن سيرين كويد كه خوشه غله بخواب [illegible] تازه بود فرزندان باشد وبركت بسيار وفراخي وزيادتي [illegible] خشك بيند فرزندي بود كه عمرش دراز باشد اما دليل قحط وتنكي بود [illegible] خرما وخوشه انكور هم تازه بهتر بود خاصه كه بوقت خويش بيند كرماني كويد اكر بيند كه خوشه تر همي خورد دليل كند كه دران سال ويرا فراخي بسيار بود اكر بيند كه خوشه زرد وخشك شده باشد دليل كند كه دران سال قحط ونياز بود حضرت امام جعفر صادق عليه السلام كويد كه ديدن خوشه بخواب چون سبز بود دليل بر فرزندان بود ونعمت وخرمي وبركت **قوله تعالى** سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ واكر خوشه خشك بود دليل كند كه قحط وتنكي بود **خوك** ابن سيرين كويد كه خوك دشتي در خواب مردي بود بقوت وتوانكر ليكن دون همت وبيخبر وخوك خانكي مردي بود فراخ دل وليكن پليد وبدفعل وبددين وبدديانت باشد اكر بيند كه در جايكاهي خوكان را نكاه همي داشت ورها نميكرد كه پراكنده شوند دليل كند كه مالي بسيار از حرام جمع كند كرماني

كويد

كويد كه مخالطت كردن با خوك در خواب دنيا را نيك بود ودين را بد باشد وديدن بچه وي در خواب غم واندوه بود وخوردن شير وي در خواب مصيبت باشد وغم واندوه از جهت مال بر قدر آنچه خورده باشد واكر بيند كه كوشت خوك را همي خورد دليل كند كه مال حرام وربا خورد واكر بيند كه خوكان را از انجايي بجايي همي برد دليل كند كه احوال دنيايي ويرا نيك بود واحوال دين بد باشد واكر بيند كه در ميان خوكان همي رفت وميكرديد دليل كند كه خرم شود از سبب مالي كه ويرا از ظلم حاصل شود واكر بيند كه در ميان خوكان نشسته بود دليل كند كه بر دشمن غالب شود وبزركي از جهان يابد واكر بيند كه خوكي از پيش وي در آمد واز پس پشت وي بيرون شد دليل كند كه مرادي پديد وبدحاصل يابد واكر بيند كه پوست خوك يافت يا كسي بوي داد دليل كند كه مالي حرام يابد واكر بيند كه ميان خوكان بود دليل كند كه بر كروهي بدفعل وبددين وبددیانت مهتر وفرمان روا شود جابر مغربي كويد اكر بيند كه با خوكي دشتي جنك ونبرد هميكرد دليل كند كه با مردي دون ستمكر ويرا جنك وخصومت باشد وظفر آن بود كه غالب تر بود واكر بيند كه موي خوك يا پوست يا استخوان وي داشت دليل كند كه بر قدر آن مال حرام يابد واكر بيند كه خوكان را همي خرانيد دليل كند كه ميلش با مردي چند دون ستمكر بود **خون** ابن سيرين كويد اكر بيند كه بي جراحت خون از تن وي روان شد دليل كند كه اكر بيند رشوت ستاننده بود رشوت ستاند واكر رشوت ستاننده نبود زيانش افتد واكر بيند كه بر تن وي جراحت بود واز ان جراحتها خون همي رفت دليل كند كه ويرا غم واندوه وزيان حاصل شود واكر بيند كه كسي ويرا بشمشير زد وانجايكاه زخم خون روان شد دليل كند كه كسي بروي زبان بحق دراز كند كه ويرا دران ثواب بود واكر بيند كه از جايكاه زخم خون بيرون آمد اكر زننده بروي فرارسد دليل كند كه زننده بروي زبان دراز كند كه ويرا از بزه برهاند واز ان ثواب يابد بر قدر آنكه خون از تن وي بيرون آيد زيرا كه اكر خون بيرون آيد وجامه وي را آلوده نكند بزه باشد واكر خون بيرون

آيد وجامه وتن را آلوده كند مال حرام بود كرماني كويد اكر بيند كه خون همي خورد دليل كند كه مال حرام خورد يا خون بناحق كند واكر زننده مجهول بود واندامي از اندامهايش ببرد چنانكه آن اندام از تن او جدا نشود دليل كند كه زننده سفر كند واكر بيند كه بر تن وي سولخي بود كه از و خون يا ريم روان شد وجامه وتن وي را آلوده كرد دليل كند كه بر قدر آن ويرا مال حرام حاصل آيد واكر بيند كه آن خون از زخم جراحت آمد وآن جراحت تازه بود دليل كند كه در مالش نقصان آيد يا از كسي سخني سخت بشنود ودران ويرا ثواب بود زيرا كه آن خون بزه وكناه بود كه از تن وي جدا هميشود واكر بيند كه از قضيبش خون بيرون آمد دليل كند كه ويرا فرزندي از سلم مادر بيفتد واكر بيند كه از مقعدش خون بيرون آمد چنانكه پيش آلوده كرد دليل كند كه بر قدر آن مال حرام ويرا حاصل كردد واكر بيند كه از بن دندانش خون بيرون آمد دليل كند كه از خويشان خويش غم واندوه بدو رسد جابر مغربي كويد اكر بيند كه كسي اندر چاه خون افتاد دليل كند كه بخون ناحق مبتلا كردد واكر بيند كه در شهري يا در كوچه خون همي رفت دليل كند كه خون بسيار مردم اندر انجا ريخته شود واكر بيند كه از ناودانها خون بسيار همي رفت دليل كند بر خون ريختن بسيار اندران موضع دانيال كويد اكر بيند كه خون بسيار از بيني فرود آمد وقوت ضعيف نشد دليل كند بر يافتن مال حرام خاصه كه جامه وي بخون آلوده كردد واكر بيند كه خون اندكي فرود آمد وليكن قوت ضعيف باشد وجامه وي بخون آلوده نكشت دليل كند بر درويشي ونقصان مال وي واكر بيند كه قوت با تن وي آمد دليل بر يافتن مال حرام كند **خيار** ابن سيرين كويد كه خيار سبز چون بوقت خويش بيند دليل كند كه سخن نيكو شنود يا زني بود كه بدو رغبت كند اكر بيند كه از ان خيار بخورد دليل كند كه مرادش از ان زن حاصل شود وحكم خيار بادرنك هم بدين قياس بود كرماني كويد اكر كسي بيند كه خيار همي خورد دليل كند كه در كار همي كوشد وپشيماني خورد و بدانكه خيار خوردن چون نه بوقت باشد غم واندوه بود واما خوردن خيار بادرنك

چون زرد

وبار [illegible] وديدن **درخت خار** دليل كند بر مردمان منافق كه ويرا نه دين بود و نه دنيا وبعضي كفتند كه مردي بدكردار كه شرا و بمردمان همي رسد وديدن **درخت زردآلو** دليل كند بر مردي بيمار كه هيچكس را از و منفعت نباشد وديدن **درخت زيتون** دليل كند بر مرد مبارك وميمون ومنفعتش بخويشان وي همي رسد وبدو ستان وديدن **درخت چنار** دليل كند بر مردي كه خداوند اصل ونسب و مال اندك دارد ونيكويي كمتر كند وديدن **درخت سرو** دليل كند بر مردي عجمي وتيز طبع وديدن **درخت شمشاد** دليل كند بر مردي راست سخن و تيمار كن وديدن **درخت سنجد** دليل كند بر مردي سبكروح ومحتشم ولطيف سخن ومردم نواز وديدن **درخت شفتالو** دليل كند بر مردي تيز دولت ومحتشم ليكن زود هلاك شود وثابت نبود وديدن **درخت عناب** دليل كند بر مردي بزركوار ليكن خداوند شرم بود وديدن **درخت عود** دليل كند بر مردي نيكوي روي ولطيف زبان وخوش طبع وتوانكر وديدن **درخت فستق** دليل كند بر مردي غني وتوانكر اما بخيل بود وديدن **درخت فندق** دليل كند بر مردي غريب وسخت اما لهو وطرب را دوست دارد وخيرش كمتر بود وديدن **درخت كرو** دليل كند بر مردي عالم يا طبيب ويا فرهنك وديدن **درخت بلوط** دليل كند بر مردي بي خير ومنافق با اهل خويش وديدن **درخت كل** دليل كند بر مردي شادكام وسخن روا وديدن **درخت كلنار** دليل كند بر مردي كم خير اما حليم وآهسته بود وديدن **درخت كنار** دليل كند بر مردي شريف وكريم وجوانمرد وبعضي كفته‌اند كه دليل بر مال فرزند بود وديدن **درخت كوز** دليل كند بر مردي عجمي كه او با مردمان بخيلي كند ويا اهل خويش سخي باشد واكر بيند كه او بالاي درخت كوز بود دليل كند كه با مردي عجمي بزرك اندام بپيوندد وديدن **درخت كرومندي** دليل كند بر مردي جادو يا منجم ودروغ زن وديدن **درخت ليمو** دليل كند بر مردي كران طبع

وبا مردمان ناسازکار بود دیدن **درخت مورد** دلیل کند بر مردی غنی وفاضل و
توانکر ودیدن **درخت نارنج** دلیل کند بر مردی کران طبع وبا مردمان ناسازکار
وتیمارکن ودیدن **درخت نی** دلیل کند بر مردی بدخوی وسخن چین و هر درختی
که میوه دار بود دلیل کند بر نعمت مرد بر قیاس میوهٔ وی پس چون بیند که اندر درخت میوه دار
میوه همی خورد دلیل کند که ازان مرد بر قدر آن وی را فایده ومال بود وبعضی از معبران
کفته‌اند که دیدن درخت در خواب زن بود چنانکه در سرای پادشاه بود یعنی خدمت
کار یا آشنا یا کنیزک وآنچه بدین ماند واکر درختانی بیند که ساق ندارد یعنی چون خیار
وخربزه آنچه بدین ماند دلیل آن است که دون دون باشد و هر درختی که او خار دارد و مردی
بدخوی بود وناسازکار و هر درختی که در مسجد وصومعه بیند دلیل بر مردی دین دار کند
کرمانی کوید که برک وبیخ درختان دلیل کند بر زکوة خداوندش در دین اکر بیند که بیخهای
درخت قوی بود دلیل کند که زکوة مال بتمام وکمال بدهد واکر بخلاف این بیند دلیل
کند که زکوة مال ندهد وپوست درخت دلیل کند بر روزهٔ خداوندش اکر بیند که پوست
درخت سبز وقوی بود دلیل کند که خداوندش روزه دار باشد وشاخ درختان دلیل
کند بر برادران وخویشان وی واکر بیند که شاخها درخت بسیار وانبوه بود دلیل کند
که خویشان واهل بیتش بسیار باشد وبرک درخت دلیل کند بر خوش طبعی خداوندش
اکر بیند که درخت برکهای بسیار دارد دلیل کند که خداوندش خوش طبع ولطیف
بود واکر برکهای اندک دارد تاویلش بخلاف این باشد ومیوهٔ درخت دلیل
کند بر پرهیزکاری خداوندش در دین اکر بیند که درخت میوهای بسیار دارد دلیل
کند که خداوندش پرهیزکار ودین دار بود واکر بیند که درختی را ببرید یا بیفتاد دلیل
کند بر هلاک خداوندش یا دلیل کند که حال وی متغیر شود جابر مغربی کوید که هر درختی
که بوی خوش دارد ومیوهایش پاکیزه وخوش طعم بود دلیل کند با مردی مصلح وپاک
دین وبا دیانت و هر درختی که بوی ناخوش دارد ومیوهاش بطعم ناخوش بود ویا نیز
خار دارد دلیل کند بر مرد مفسد وبی دیانت باشد و هر درختی بیند که بموضعش نشانده

بود دلیل

بود دلیل کند بر مردی غریب که در آن دیار آمده باشد واکر بیند که در سرای وی درختان
کونا کون بود چنانکه از درون وبیرون وبالا وزیر درختان بیند از هر نوعی ونیز بدان
درختان سبزها بیند دلیل کند که در سرای مصیبت بود که مردمان کونا کون از خرد و
بزرک در آنجا آمد وشد کنند واکر بیند که در سرای خویش درختی همی نشاند دلیل کند که
در خور میوهٔ آن درخت دامادی آرد واکر بیند که در سرای خویش تخم همی کشت دلیل کند
که بر قدر جوهر آن تخم چیزی بدو رسد واکر بیند که در زمین بیکانه درختی همی نشاند دلیل
کند که بر مردمان بزرک ویرا صحبت افتد واز وی شرف وبزرکی یابد واکر بیند که بر
درختی بلند بالا شد دلیل کند که کار وی بلند کردد واکر بیند که از درخت بیفتاد
وپای وی بشکست دلیل کند که در بلای عظیم افتد اسمعیل اشعث کوید اکر بیند
که برک درختان را جمع همیکرد دلیل کند که ویرا فرزندان ونسل بسیار شود واکر
بیند که بر درختی بود وازان درخت میوه همی ستد ومیخورد دلیل کند که بر قدر آن
مالی بدو رسد یا سخنی شنود که ازان شاد شود مکر که درختی بود که دلیل آن در
تاویل مکروه باشد چون خربزه وزند آلو وآنچه بدین ماند چنانکه دلیل هریک پیش ازین
یاد کردیم واکر درختان بسیار بیند که جملا نمیوه بار دارند ودانند که آن درختان جمله
ملک اوست دلیل کند که ویرا بزرکی وظفر وعمر دراز بود واکر بیند که درخت را همی
برید دلیل کند که سخت بیمار کردد یا کسی از اهل وی بمیرد واکر بیند که در وقت خزان
در باغی مجهول همیکردید ومی‌بیند که برکهای درختان همی افتد دلیل کند که در غم و
اندوه کرفتار شود واکر بیند که درخت با او سخن همیکفت یا آنچه موافق او بود دلیل
کند که کاری کند که مردمان ازان بشکفت مانند واکر بیند که درخت را از
جای برکند دلیل کند که بیمار شود یا ازان موضع که آن درخت را از جای کند کسی
کسی از خویشان وی بمیرد حافظ معبر کوید که درختان خشک شده یا بریده در
خواب مردمان بد دین باشند که از مسلمانی خبر ندارند واکر بیند که درخت بار ندارد
دلیل کند که زن بود وچون درخت معروف بود دین بود وا بقیاس چون

محرابی باشد اندر مسجد وساق آن درخت ایمان باشد ویرا وبیخش رکوع
بود وآب نماز وی باشد وشاخ برادر او بود وپوست روزی او باشد وبرک
خوبی وزیبائی او بود ومیوه بر غیر او باشد و هر درختی که نیکوتر بیند دلیل کند که دین
وی نیکوتر باشد وهر چه اندر درخت خشک بیند نقصان دین او باشد واکر بیند که در زیر
سایهٔ درختی نشسته بود یا خفته دلیل کند که در پناه مردی بود که بدان مرد منسوب باشد
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن درختان در خواب بر ده وجه بود یکی
پادشاه باشد دوم زن سوم بازرکان چهارم مرد مبارز پنجم عالم ششم مؤمن هفتم کافر
هشتم عوان نهم خصومت وجنک دهم منافق هم او کوید که دیدن درخت انکور بخواب
بر پنج وجه بود یکی منفعت بود دوم خران سوم مکر با مکر وحیلت چهارم جنک
خصومت پنجم مال با شبهت **درد اندامها** ابن سیرین کوید اکر کسی خواب
بیند که همه تن وی درد همیکرد دلیل کند که مال کسی که باز دار از دست وی برود واکر بیند که
تنش درد همیکرد دلیل کند که کناه بسیار همی کند وتوبه بایدش کردن وصدقات دادن از
قول خدای عز وجل **قوله تعالی** فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ
مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ واکر بیند که پیشانی او درد همیکرد دلیل کند بر نقصان جاه
ومنزلت وی واکر بیند که چشم وی درد همیکرد دلیل کند بر فساد دین وغم واندوه بدو
رسد واکر بیند که چشم وی را درد همیکرد دلیل کند که آنکس وی را راه نماید بحق واکر بیند
که کوش وی درد همیکرد دلیل کند که از هر کس سخنهای فحش وناپکار شنود واکر بیند که
بینی وی درد همیکرد یا کندیده شده بود دلیل کند که از مهتری زیان بدو رسد واکر بیند
که زبانش درد همیکرد یا در زبان وی نقصانی بود دلیل کند که سخنی میکوید که ازان سخن
بروی وبال بود واکر بازکان بود دلیل کند که دروغ کوید واکر زبان خویش را بریده بیند
دلیل کند بصلاح وپارسائی واکر بیند که کامش درد همیکرد آماس داشت دلیل کند که
بناحق کسی را منکر شود واکر بیند که دهانش درد همیکرد دلیل کند که غم واندوه بسیار
خورد واکر بیند که دندانش درد همیکرد دلیل کند که اندر خویشان زشتی واندوه دلی

یابد واکر

دیدن دهل در خواب کلام باطل بود وخبری مکروه ودروغ وکاری پیدا وروشن
واین جمله دلیل بر زننده دهل کند اکر بیند که باد دهل نای زنند وپای کوبند دلیل
کند بر غم واندوه ومصیبت واکر بیند که او دهل مفرد همی زد دلیل کند که کلام باطل
کوید یا کاری کند روشن وپیدا حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید دهل زدن
در خواب چیزهای مختلف بود که در آن هیچ خیر نباشد **دهلیز** کرمانی کوید
که دهلیز خانه خادم خانه بود اکر بیند که دهلیز خانه نیکو وآبادان است دلیل کند
بر تندرستی ونظام کار خادم خانه واکر بیند که دهلیز خانه خراب بود دلیل کند
بر بیماری ورنج وبی نوائی خادم خانه جابر مغربی کوید اکر بیند که دهلیز خانه را
دیوار از کل وخشت بود دلیل کند که خادم خانه مصلح ودین دار وبا امانت باشد واکر
بیند که دیوارش از کچ وآجر بود ویا سنک وآهن دلیل کند که خادم خانه مفسد وبد
دین وبی امانت بود **دوال** ابن سیرین کوید که دوال در خواب خیر ومنفعت بود
بر قدر وقیمت آن جانور که دوال از پوست وی باشد اکر بیند که دوال فرا کرفت
یا کسی بدو داد دلیل کند که بر قدر آن ویرا منفعت وخیر رسد واکر بیند که دوال
پاره پاره کرد یا از وی ضایع شد یا سوخته شد دلیل کند که بر قدر آن ویرا مضرت
وزیان رسد جابر مغربی کوید اکر بیند که بسیار دوالها داشت وآن دوالها
از پوست جانوری بود که کوشت آن جانور حلال است دلیل کند که بر قدر آن ویرا
مال حلال حاصل شود واکر بخلاف این بیند دلیل کند که ویرا مال حرام حاصل شود
دوختن ابن سیرین کوید اکر کسی بخواب بیند که جامهٔ خویش را همی دوخت
دلیل کند که کارهاش براه بهم آید وحالش بصلاح شود واکر بیند که جامهٔ
عیال خویش را همی دوخت همین دلیل کند واکر بیند که جامهٔ کسی بیکانه را همی
دوخت دلیل کند که مضرت وغم واندوه بدو رسد واکر بیند که جامهٔ مردی همی
دوخت هم دلیل نیکی باشد واکر بیند که سوزن در دست داشت وجامه را تمام
بدوخت دلیل کند که این کس هر شغلی که در پیش کیرد وازان مردمان همه را تمام کند

وپیش برد واگر بیند که بسیار جامه را ازان مردمان درخانه دوختی داشت دلیل
کند که عیش بروی فراخ گردد ومال ونعمت یابد از معنی میراث جابر مغربی گوید اگر
بیند که از بهر خویش پیراهنی همی دوخت وگریبان وی تمام کرد دلیل کند که با عیال
خویش ساز کار بود واگر بیند که شلوار وی دوخت ونیفهٔ شلوار را نا دوخته رها کرد
دلیل کند که اگر زن خواهد سرانجام از وی جدایی یابد واگر کنیزک خرد با قلت بیع
باز گردد واگر بیند که قبا دوخت دلیل کند که بخدمت کسی مشغول گردد واگر فرجی
دوخت دلیل کند که بهر کاری که باشد دران ویرا خیر ومنفعت بود واگر جورب دوخت
دلیل کند که زنی را بخدمت خویش مشغول کند واگر بیند که پیراهنی پاره پاره
برمی افکند وهمی دوخت دلیل کند که بصلاح کدخدایی خویش مشغول شود و
اگر بیند که جامهٔ عیال همی دوخت دلیل کند که بخصومت وگفتگوی عیال در
مانده شود واگر بیند که از بهر جامه دوختن رشته همی تافت دلیل کند که از جایی
بجایی تحویل کند واگر بیند که از بهر عیال خویش جامهٔ ابریشمین همی دوخت دلیل
کند که غمگین شود واز مردمان ویرا ملامت بود بتهمت کنایی که ازو در وجود آید
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که درزی در خواب کسی بود که کارهای
پراکندهٔ دنیا بر دست بصلاح آید خاصه آنکس که جامه از بهر وی دوزد دود
ابن سیرین گوید که دود بخواب پادشاه ستمگر بود اگر بیند که از جانب مشرق یا
مغرب دران دیار دودی عظیم بدید آمد دلیل کند که مردم آن دیار را از پادشاه
جور وستم رسد ودر محنت وغم گرفتار شود واگر بیند که دود اندر عالم برخاسته
بود وآتش زبانه همیزد دلیل کند که فتنهٔ عظیم اندر عالم بدید آید جابر مغربی گوید
اگر بیند که در شهری یا در ولایتی بی آتش دودی عظیم برمی آمد دلیل کند که اهل
آن موضع را از عذاب خدای عز وجل بیم باشد که توبه بایدشان کردن تا ازان
عذاب خلاص یابند اگر بیند که دود از هوا دران موضع بزیر همی آمد دلیل هم
بد باشد واگر بیند که از خانه یا از دکان وی دودی عظیم برمی آمد دلیل کند که

پادشاهی

پادشاهی ظالم ویرا مصادره کند ومالش بظلم بستاند دوزخ ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند که در دوزخ شد وازانجا بیرون نیامد دلیل کند که عاصی وبدکردار
بود تدبیرش آنست که توبه کند وبخدای باز گردد زیرا که اجل وی نزدیک آمده باشد
واگر توبه نکند بیم آن بود که بر کافری بود واگر بیند که دوزخ را دید واز رنج وگزندی
بر تن وی نرسید دلیل کند که در غم وبلای دنیا گرفتار شود واگر بیند که در دوزخ مقیم شد
وندانند که ازانجا کی دررفت دلیل کند که پیوسته در دنیا تنگ روزی ومدبر ومحزون بود واگر
بیند که از طعام وشراب اهل دوزخ همی خورد ودر آتش همیسوخت دلیل کند گناه و
کردارهای بد کند وعملهای کند که در آخرت وبال او باشد واگر بیند که فرشتهٔ موی پیشانی
وی را بگرفت واو را در دوزخ انداخت دلیل کند که این خواب علامت بدبختی
باشد کرمانی گوید اگر کسی بیند که خویش در دوزخ رفت دلیل کند که بر گناه کردن
دلیر بود واگر بیند که از طعامهای اهل دوزخ چیزی بخورد یعنی زقوم وزهر وآنچه
بدین ماند دلیل کند که بعلمی باطل ومجهول ومحال مشتغل گردد که آن علم وبال وی باشد
یا خون ناحق کند واگر بیند که شمشیر برکشید ودر دوزخ رفت دلیل کند که سخنی
فحش ومنکر گوید واگر بیند که از آتش دوزخ همیخورد دلیل کند که ربوا خورد ومال یتیمان
خورد واگر بیند که آتشی نزدیک دوزخ همی افروخت دلیل کند که او را کارهای صعب
پیش آید از جهت پادشاهی بزرگ جابر مغربی گوید اگر بیند که ویرا کشان کشان
بدوزخ همی بردند دلیل کند که عاقبتش بکفر کشد قوله عز وجل یَوْمَ یُسْحَبُونَ
فِی النَّارِ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ واگر بیند که در دوزخ رفت وباز بیرون آمد دلیل کند
که از گناه ومعصیت ها توبه کند واگر بیند که او را در دوزخ بردند وفریاد نمی
توانست کردن وزبانش لال گشته بود دلیل کند که بر راه کفر بود قوله تعالی
قَالَ اخْسَئُوا فِیهَا وَلَا تُکَلِّمُونِ واگر بیند که بانگ آتش دوزخ همی شنید دلیل
کند که هیبت وسیاست پادشاه بدو رسد واگر بیند که بنزدیک دوزخ قرار گرفت
دلیل کند که جهان بروی تنگ گردد وعیش وی تلخ وناخوش بود حضرت

امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن دوزخ در خواب بر شش وجه بود یکی خشم
گرفتن خدای عز وجل بود دوم مبتلا شدن بگناه سیوم جور سلطان ستمگر و
بیرحمت چهارم رنج ومصیبت پنجم خذلان ششم مال یتیمان وربوا خوردن باشد
دوشاب ابن سیرین گوید که دوشاب در خواب مال ومنفعت بود لیکن نه بسیار
اگر بیند که دوشاب همی خورد دلیل کند که ویرا بر قدر آن مال ومنفعت حاصل
شود واگر بیند که اندک دوشاب در دهان نهاد دلیل کند که از کسی سخنی شیرین
وخوش شنود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که دوشاب سپید بود وپاکیزه همیخورد دلیل
کند که ویرا فرزندی نجیب حاصل شود واگر بیند که از شیرهٔ دوشاب همی پخت دلیل
کند که ازان ویرا خیر ومنفعتی رسد دوش ابن سیرین گوید که دوش در خواب
آهستگی مرد وجمال وزینت وی بود اگر ویرا درست وقوی بیند دلیل بر زیادتی
جمال وآهستگی وی کند واگر دوش سست وضعیف وشکسته بیند تاویلش نه
بخلاف این باشد کرمانی گوید اگر کسی بیند که دوش وی قوی ودرست دلیل
کند که امانتی که بر گردن وی باشد گذارده شود واگر بیند که دوش وی سست وضعیف
دلیل کند که از امانت گذاردن فرومانده وبار مسلمانان کشیدن نتواند واگر بیند که
دوشهای وی موی بسیار است دلیل کند که امانت وحق مردمان بر گردن وی
باشد واگر بخلاف این بیند دلیل کند که امانت وحق در گردن وی نبود وبعضی
از معبران گفته اند اگر بیند که بر دوش وی موی داده دلیل کند که مالی یابد از آنجا
که امید ندارد دوشیزگی ابن سیرین گوید اگر زنی دوشیزه بیند که مردی بنکاح دوشیزهٔ
وی بستد دلیل کند که مال حلال یابد واگر بیند که مردی بنکاه دوشیزگی وی بستد
دلیل کند که مال حرام یابد ودر دین وی فساد بود واگر زنی ودوشیزه نبود واگر بیند
که او دوشیزه است دلیل کند بر ستر وعفت وصلاح ودین وی کرمانی گوید اگر
کسی بیند که دوشیزگی زنی را بستد بصلاح دلیل کند که دران سال زن خواهد یا کنیزک
خرد واگر بیند که دوشیزگی زنی را بحرام بستد دلیل کند که بفساد وحرام گراید و

دیش

داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که با کسی از خویشاوندان یا از نزدیکان خویش خصومت
کند واگر بیند که بدوات همی نوشت دلیل کند که زنی از وی کفایت شود واگر بیند که
دوات وی بشکست یا ضایع شد یا کسی آن را بدزدید دلیل کند که زنی بیوه را بکراهیت
بزنی خواهد واگر بیند که بقلم سیاهی در دوات همیکرد دلیل کند که متفکر شود واگر بیند
که سیمین بود دلیل کند که زن خواهد یا کنیزکی خرد واگر برنجین بود منفعت یابد
واگر آهنین بود در کارها قوت یابد واگر مسین بود خیری اندک بدو رسد واگر چوبین
بود دلیل کند که با کسی خصومت کند دویدن ابن سیرین گوید دویدن ودوانیدن ستور
در خواب حریصی بود واگر در دنیا بقدر آنکه همیدود ویرا دیدن در خواب سفر کردن بود
چنانکه هر چند در هوا بلندتر بود سفر دورتر کند ودران سفر مال وبلندی یابد واگر بیند
که بر اسب یا بالانی بود اسب همی دوانید دلیل کند که با عیال خویش سفر کند ودران سفر ویرا مال
ونعمت حاصل شود جابر مغربی گوید اگر بیند که بر کسی بدویدن سبق برد دلیل کند که
بحرص وآز ومال از آنکس سابق تر بود واگر بیند که از دویدن مانده شد وبنشست وآرام
گرفت دلیل کند که بحرص وآز دنیا بگوید وقناعت اختیار کند وبدانچه حق تعالی ویرا قسمت
کرده بود خرسند شود وطلب زیادتی نکند دیبا ابن سیرین گوید که دیدن دیبا وپرنیان
در خواب خیر وصلاح این جهانی بود وزینت زنان را اگر مردی بیند که قبای دیبا
یا پرنیان پوشیده داشت دلیل کند که بزرگی یابد وبر قدر پوشیده وبزرگی وی دنیا
بود نه دینی مگر آنکه با قبا سلاح پوشیده داده وغزا کند اگر چنین باشد بزرگی یابد هم
در دین وهم در دنیا کرمانی گوید که پوشیدن دیبا وپرنیان اصحاب سلطان وکسی را
که او دیبا پوشیده عز ومرتبت دنیایی بود وپوشیدن وی زنان را سخت نیکو باشد
از هر رنگی که بود مگر رنگ زرد یا کبود جابر مغربی گوید اگر زنی بیند که جبهٔ یا البابچهٔ سبز
اطلس پوشیده داشت دلیل کند که دین دارد با امانت بود واگر بیند که اطلس سپید پوشیده
داشت دلیل کند که بر ستر وپارسایی وی واگر بیند که اطلس زرد پوشیده داشت دلیل
کند که بیمار شود واگر کبود بیند دلیل کند که ویرا مصیبت رسد واگر اطلس سیاه پوشیده داشت

دليل كند كه اندوهگين شود وبدانكه ديبا باف مسافري بود يا صلاح دنيا يا فساد
دين وتاويل بريان همچون تاويل ديبا بود تا اينقدر معلوم باشد ديك ابن سيرين
گويد كه ديك نوع خواب زن بود وبعضي از معبران گفته اند كه ديك نو كدخداي
سراي بود اگر بيند كه ديكي فرا گرفت يا كسي بدو داد وديك را بر آتش نهاد و خوردني همي
پخت دليل كند كه بسبب كاري از پادشاه مال ومنفعت بدو رسد بقدر بزرگي و كوچكي ديك
خاصه كه ديك سيمين بود يا سنگين واگر ديك سفالين باشد دليل كند كه كاري بسازد
كه بدان كار كه از مهتر خانه منفعتي بدو رسد اگر ديگي بر آتش بيند ودر وي هيچ طعام نبود
دليل كند كه مردي را بر كاري بدارد كه بدان كار كراهيت باشد [كرمانى گويد] اگر ديك كدخداي خانه باشد
يا كدبانوي خانه و هر نقصاني كه در ديك بيند تاويلش بر خداوند خانه بود يا بر كدبانوي خانه
اگر بيند كه در ديك گوشت وخوردني بود دليل كند كه روزي بر طلبد و فارغ شده بي
رنج بدو رسد واگر بيند كه ديك بشكست دليل كند كه خداوند خانه يا كدبانوي خانه هلاك
شود حضرت امام جعفر صادق عليه السلام گويد كه ديدن ديك بخواب بر پنج وجه بود يكي
زن ∴ دوم كدبانوي خانه ∴ سيوم كدخداي خانه ∴ چهارم رئيس شهر ∴ پنجم خادم ∴ ششم موكل بر حوايج
ديكدان ابن سيرين گويد كه ديدن ديكدان بخواب بر دو وجه بود يكي كدخداي
خانه ∴ دوم كدبانوي اگر مردي بيند كه ديكدان نو فرا گرفت يا كسي بدو داد دليل كند كه
بانو بخانه آورد واگر بيند دليل كند كه كدخداي خانه را بخانه آورد واگر بيند كه ديكدان بشكست
دليل كند كه كدخداي خانه بميرد واگر اين خواب مرد بيند دليل كند كه بانوي خانه بميرد
جابر مغربي گويد كه ديك پايه در خواب كدخداي سراي بود ومردي قوي ودلير باشد
كه از كس نينديشد دينار دانيال گويد اگر كسي بيند كه بدست دينارها داشت
كه بعدد بيش از چهار دينار بود دليل كند كه از كاري ويرا كراهيت رسد يا سخني شنود
كه از آن سخن ويرا دشوار آيد بقدر بسياري دينار وكمي وي واگر عدد دينار معروف
بود آنچه گفتيم كمتر باشد ابن سيرين گويد كه اگر دينار بعدد پنج بود كه كاري كند نيكو و
پسنديده بود واگر با وي يكدينار بود چنانكه نه بزرگ باشد ونه كوچك دليل كند كه مراي كوچك

اگر كسي بيند اگر كسي بيند كه ديوار كژ را راست كرد يا ديوار خراب را
[دليل] كند كه حال تباه شده مردي بصلاح آيد اگر بيند كه ديوار شهري
[يا مس]جد جامع بيفتاد دليل كند كه والي شهر هلاك شود جابر مغربي گويد كه ديدن
[ديوار] بخواب ديدن مرد بزرگ باشد بقدر بلندي ديوار و ديوار كهن خراب كردن
نيك شدن بود و ديوار خراب كردن غم و اندوه و مصيبت باشد حضرت امام
جعفر صادق عليه السلام گويد اگر بيند كه بدست خويش ديواري همي كرد اگر آن ديوار
از خشت و گل كند دليل كند بر پاك ديني و صلاح و ستر و امانت وي و اگر آن ديوار
از گچ و آجر كرد دليل كند بر خويشتن بيني و تباهي دين وي و اگر آن ديوار از سنگ و
آهك كرد دليل كند كه بدنيا مغرور و فريفته شده باشد ديو ابن سيرين گويد كه ديو ديدن
در خواب دشمني بزرگ باشد مردم را در دنيا و مكاره و فريبنده و اگر بيند كه ديو
ويرا وسوسه كرد دليل كند كه بعبادت و ذكر خداي عز وجل ويرا مشغول بايد شدن
زيرا كه دشمنان قصد وي كنند اما بر وي ظفر نيابند قوله عز وعلا إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا
إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ ∴ اگر بيند كه با ديو جنگ همي
كرد و سر انجام ويرا غلبت كرد دليل كند كه دين وي قوي و درست بود و دشمن را قهر
كند و اگر بيند كه ديو ويرا غلبت كرد دليل كند كه تاويلش بخلاف اين بود كه ياد كرده شد
كرماني گويد كه اگر كسي ديو را شادمان و خرم بيند دليل كند كه بفساد گرايد و بهوا و شهوت
باشد و اگر ديو را غمگين و مستمند بيند دليل كند كه بصلاح و عبادت و طاعت
مشغول بود و اگر بيند كه ديو را جامه از تن وي بركشيد دليل كند كه اگر عامل بود از
[عمل معزول شود و] اگر دهقان باشد ويرا محنت رسد قوله عز وجل يَا بَنِي آدَمَ
[لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ] مِنَ الْجَنَّةِ ∴

كه بر سواني اش مشغول كرده و اگر بيند كه با ديو صحبت داشت دليل...
وي در وجود آيد و اگر بيند كه با ديو راز همي گفت دليل كند كه با دشمن [همراه]
شود و ايزد تعالى مراد ايشان ندهد قوله تعالى إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ [لِيَحْزُنَ]
الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ∴ اسمعيل اشعث گويد اگر بيند كه
طعام و شراب همي خورد دليل كند كه براه [illegible] فسق و فساد گرايد و از راه
صلاح برگشته بود و تابع ديو بوده باشد و اگر بخلاف اين بيند دليل كند كه براه خير
و صلاح باشد و تابع شرع و راه دين بود و اگر بيند كه ديو ويرا بگرفت يا در شكم وي
درون شد دليل كند كه بفسق و فساد مشغول شود و اگر بيند كه بخلاف اين دليل كند
كه از فساد دور باشد و توبه كند و بعبادت و طاعت مشغول گردد حضرت امام جعفر
صادق عليه السلام گويد كه ديدن ديو بخواب بر شش وجه بود يكي ديدار دشمن ∴
دوم فساد دين ∴ سيوم بشهوت و هواي نفس مشغول شدن ∴ چهارم از طاعت و عبادت
دست بداشتن ∴ پنجم از [اهل] دين و صلاح دوري جستن ∴ ششم خوردن چيزهاي
حرام مايل بودن ∴ ديوانگي ابن سيرين گويد كه ديوانگي در خواب مال حرام بود خدا
وندش را بر قدر ديوانگي وي ليكن دليل كند كه آن مال بخير هزينه كند بچيزهاي كه نبايد
و در آن ويرا از مردمان ملامت بود كرماني گويد اگر بيند كه او ديوانه شده دليل كند كه
بفساد گرايد و ربوا خورد چنانكه ايزد تعالى در كلام قديم خويش ياد كرده است قوله عز
وجل الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ [مِنَ]
الْمَسِّ ∴ جابر مغربي گويد اگر بيند كه با ديوانه هم صحبت بود و دوست دليل كند كه
[با] ديوانه مفسد هم صحبت شود و از صحبت وي او را ف...
... والله اعلم حرف [الذال]

بدو رسد خاصه از كسي معروف كه آن دينار بدو دهد و اگر با وي صد دينار يا هزار
دينار بود دليل كند كه بر علمي اختيار كه ويرا حاصل بود ليكن بايد كه عدد وي جفت باشد
نه فرد و اگر بيند كه دينار بكسي داد يا از وي ضايع شد دليل كند كه علم از وي بقدر آن دينارها
ضايع شود چنانكه نه بيشتر و نه كمتر كرماني گويد اگر بيند كه يكدينار بيافت يا كسي بدو داد
دليل كند كه ويرا فرزندي آيد و اگر بيند كه يكدينار از وي ضايع شد دليل كند كه
از بهر فرزند ويرا مصيبت رسد و اگر بيند كه دينارهاي بسيار داشت دليل كند
كه بر نج رسد و بعضي از معبران گفته اند كه دينارها امانت بود كه بگذارد في قوله تعالى
وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ ∴ و اگر بر كف خويش پنج دينار بيند دليل كند
كه پنج نماز فريضه پيوسته بجاي آرد و اگر بيند كه پنج دينار از كف وي ضايع شد دليل
كند كه پنج نماز فريضه بجاي نياورد و قياس بيشتر و كمتر هم بدين سان بود و اگر بيند كه
دينارهاي بسيار يافت و جمله را بجايگاه محكم بنهاد دليل كند كه امانت مسلمانان
نگاه دارد خاصه نمازها و اگر بيند كه دينارها بهم زد دليل كند كه فريضه تعالي
آرد و حق مسلمانان با ايشان تسليم كند و اگر بيند كه دينارها قسمت همي كرد
دليل كند كه ميان مردمان امر معروف كند و آنچه شرع بود از امانتها بگذارد جابر مغربي
گويد اگر كسي بيند كه در خواب يكدينار بيافت دليل كند كه بروي قباله نويسند از
بهر امانتي كه بدو سپارند و بسيار مردم بود كه در خواب دينار يابند به بيداري هم دينار
باشد به بيداري هم دينار يابند اسمعيل اشعث گويد كه دينار نيك در خواب
ديدن دين بود و راه راست خاصه دينار كه بروي صورت كرده باشند چون
دينار ... و مغربي و آنچه بدين ماند دينار بد كه بروي صورت بود بد ديني و
راه كژ بود و دينار بسيار امانت بود و ديدن دينار مال بسيار و اگر بيند كه مال يكدينار
داشت كه بر يكروي صورت بت بود و بروي ديگر نام خداي نوشته بود دليل كند كه اگر مسلمان
بود مرتد گردد و اگر كافر بود مسلمان شود حضرت امام جعفر صادق عليه السلام گويد
كه ديدن دينار بخواب چون بعدد پنج بود دليل بر پنج نماز باشد و چون بسيار

بود وبعد حجت باشد دین پاك وعلم با منفعت بود اگر عدد فرد بود بخلاف این
باشد که یاد کرده شد واگر بیند که دینارها بکسی داد یا ضایع شد یا کسی بدزدید این
جمله دلیل بر زوال غم واندوه کند اگر از یک دینار تا بچهار دینار بستاند یا کسی بوی دهد یا بخرد
دلیل کند که بر عز وجاه ورفعت وی از قبل زنان وباشد که بچندان دینارها بیابد
جاحظ معبر گوید که دینار بخواب زن وفرزند وکنیزك بود ودینار بسیار مال
بود که برنج وخصومت بدست آورد **دیه** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در
دیهی بود ونام آن دیه نداند دلیل کند بر خیر ونیکی واگر نام آن دیه داند دلیل بر شر
وبدی کند واگر بیند که از دیه بیرون آمد دلیل نیك باشد واگر بخلاف این بیند
دلیل بد باشد واگر بیند که از شهری بدیهی شد تاویلش بخلاف این باشد کرمانی
گوید اگر بیند که در شهری خراب که در وی قحط وتنگی بود در دیهی آبادان که در وی نعمت وفراخی
بود برفت دلیل کند بر خیر واقبال واگر بخلاف این بیند دلیل بر شر وادبار کند و
اگر بیند که در دیهی گم شده بود دلیل نیك باشد جاحظ معبر گوید اگر بیند که دیهی مجهول
کسی بدو داد یا بخرید دلیل کند که بر قدر عمارت آن دیه ویرا خیر ومنفعت حاصل
شود واگر بخلاف این بیند دلیل بد باشد **دیوار** ابن سیرین گوید که دیوار حال بیننده
خواب باشد در دنیا اگر بیند که بر دیوار نشسته بود وآن دیوار محکم وقوی
بود دلیل کند که حالش در دنیا نیك ومحکم باشد بر قدر ستبری ومحکمی دیوار واگر بیند
که دیوار را خراب میکرد واگر دیوار کهن بود دلیل کند که مال یابد یا علم حاصل
کند واگر نو بود دلیل کند که ویرا غم ومصیبت بود بقدر خرابی کردن دیوار واگر بیند
سست وتنك بود دلیل کند که حالش در دنیا معروف ومعتبر بود واگر بیند که در دیوار
زیبایی بود دلیل کند که حالش ثابت ومستقیم نباشد واگر بیند که از دیوار بیفتاد دلیل
کند که حال ومعیشت وی متغیر گردد واگر بیند که بر دیوار آویخته بود دلیل کند که حال
وعیش وی زوال شود واگر بیند که دیوار را برداشت دلیل کند که مردی را بدبختی بلند برهاند
واگر بیند که دیوار را فرو افکند دلیل کند که آن مرد را از معیشت بیفکند یا هلاکش

شود واگر بیند که سیاه وتیره بود دلیل کند از جهت اهل بیت ویرا غم واندوه رسد
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که نیکویی رخساره مردم دلیل بر نیکویی حال
وشادی مردم کند وزشتی رخساره دلیل بر غم واندوه وبیماری کند **رز** ابن سیرین
گوید که رز در خواب دلیل بر زن کریمه ونیکوکار کند اگر بیند که رزی داشت که شاخهای
وی سبز وپاکیزه بود بهنگامش دلیل کند که زن نیکوکار کریمه را بزنی خواهد وازو خیر
ومنفعت یابد واگر بیند که هیچ برگ بر درختهای رز نبود تاویلش بخلاف این بود
واگر بیند که برگهای درختان رز در کشته بود دلیل کند که بیمار شود واگر رز ملك وی
نبود تاویلش خیر وشر آن بخداوند رز بازگردد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
گوید که دیدن رز در خواب بر سه وجه بود یکی زن کریمه ونیکوکار باشد دوم
منفعتی بود که از سبب زنان بدو رسد سوم رنج وغم واندوه باشد خاصه که
رز سبز وآراسته نباشد واگر رز را خراب بیند دلیل کند بر بدی احوال خداوندش
وبدان رزبان بتاویل خدمتکار خانه باشد **رستخیز** بدانکه رستخیز قیامت
بود ابن سیرین گوید اگر بیند که قیامت پدید آمد وحق تعالی در آن دیار که او بود
عدل بگسترد دلیل کند اگر اهل آن دیار ظالم باشند بلا وآفتی بدیشان رسد واگر
اهل آن دیار مظلوم باشند حق تعالی ایشان را بر ظالمان نصرت دهد واگر بیند
که اهل آن دیار در پیش حق تعالی ایستاده اند وعلامت خشم وعذاب خدای بود
سخت بد باشد کرمانی گوید اگر بیند که قیامت برخاست دلیل کند که اگر مظلوم
باشد بر ظالم دست یابد واگر در غم ومحنت باشد از غمها فرج یابد واگر بیند که علامتی
از قیامت پیدا شد چنانکه آفتاب از مغرب برآمد یا دجال یا یاجوج وماجوج پدید
آمد باید که توبه کند وبخدای بازگردد واگر بیند که گورها باز شکافت ومردگان بیرون
آمدند دلیل کند که بر دشمنان ظفر یابد واگر بیند که ویرا بر انگیختند باید که از گناه
توبه کند ورضای خدای عز وجل جوید واگر بیند که بشمار گاه شد یا وی را آنجا
بردند دلیل کند که از ایشان غفلت باشد **قوله تعالی** اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ

وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُعْرِضُونَ ؛ واگر بیند که با وی شمار میکردند دلیل کند که زیان بود ویرا
قوله تعالی فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُكْرًا ؛ واگر بیند که کردارها
ویرا بر سنجیدند ونیکی وی بیشتر وگرانتر برآمد دلیل کند که سرانجام کار وی نیکو باشد
ورستگاری یابد **قوله تعالی** فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ؛
واگر بیند که بدی وی بیشتر وگرانتر برآمد دلیل کند که سرانجام کار وی نیکو نباشد
ودوزخ یابد ؛ **قوله تعالی** وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ
خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ؛ واگر بیند که ترازو ونامه بدست راست داشت
دلیل کند که بر راه بود **قوله عز وجل** وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ
واگر بیند که نامه کردار وی بدو دادند وگفتند برخوان اگر اهل صلاح بود
دلیل کند که کارش نیکو شود واگر اهل فساد بود دلیل کند که کارش بر مخاطره
باشد **قوله تعالی** اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ؛ اگر خود را بر
صراط بیند دلیل کند که بر راه راست باشد واگر بیند که بر صراط نیارست گذشت
دلیل کند که بر راه خطا بود ویرا توبه باید کردن تا خدای عز وجل از وی خشنود
شود **رسن** ابن سیرین گوید که رسن در خواب عهد وپیمان بود اگر بیند که
در دست رسن زده بود ودر هوا معلق آویخته بود دلیل کند بر قدر بلندی رسن
از زمین بلندی ومنزلت یابد واگر بیند که رسن برید واندکی از رسن در
دست وی بماند دلیل کند که بزرگی ومنزلت از وی زایل شود کرمانی گوید اگر
بیند که رسنی از آسمان فرو آویخته بود واو دست در آن رسن زد دلیل کند که پیمان
میان وی ومیان ایزد تعالی چنانکه اگر بیمار بود پیمان کند وگوید که اگر حق تعالی مرا شفا
دهد پیمان کردم که چنین وچنین کنم رسن در خواب این چنین پیمان بود واگر بیند
که بر رسن بپای ایستاده بود دلیل کند که سخت فروگرفته بود آن پیمان را که ایزد تعالی
کرده باشد جابر مغربی گوید اگر بیند که دست در رسن زده بود دلیل کند که دست
اندر دین خدای عز وجل زده باشد **قوله تعالی** وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ ؛

جمیعا

ازر گوید

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که رقاصی در خواب دلیل بر غم واندوه
وزیان کند **رگ زدن** ابن سیرین گوید اگر بیند که پزشکی ویرا رگ بگشاد دلیل کند
که از دوستی سخنی بشنود واگر بیند که جوانی ویرا رگ بگشاد از نااهل دلیل کند که از دشمنی
سخنی شنود وطعنه ومالش تلف شود واگر بیند که رگ زد وخون از وی برآمد دلیل
کند از جهت سلطان غمی بدو رسد بمقدار آن خون زیانش رسد کرمانی گوید که عالمی
ویرا رگ بگشاد وخون بسیار از رگ وی بیرون آمد در طشتی یا طبقی دلیل کند
که بیمار شود ومالش بر بیماری هزینه شود وبعضی گفته اند که مال خویش بر عیال وخویش
وندان هزینه کند اسمعیل اشعث گوید که رگ کشادن از دست راست دلیل کند
بر زیادتی مال وخواسته ونعمت ورگ کشادن از دست چپ دلیل کند بر زیادتی
اندر کار دوستان اگر کسی بیند که کسی معروف ویرا رگ زد دلیل کند که از رئیسی ومهتری
ویرا فائده رسد واگر بیند که زن خویش را رگ زد دلیل کند که اگر آبستن بود دختری زاید
واگر آبستن نباشد دلیل کند که آبستن شود جابر مغربی گوید هر که بیند که وی رگ زد
وخون از تن وی بیرون آمد دلیل کند که وی را سخن حق گویند واگر بیند که کسی ویرا رگ
بگشاد وجمله خون از تن وی بیرون شد چنانکه خون در تن وی نماند دلیل کند که زود
بمیرد واگر علتی دارد مخاطره بود که از علت نرهد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
گوید که رگ زدن در خواب دلیل بر چهار وجه کند یکی گشایش کار بود دوم سفر سوم
خصومت از جهت مال وچهارم انبازی واگر خون بدنیا بد دلیل بر خصومت
کند واگر بیرون آمد دلیل بر یافتن مال کند یا بر خسران مال واگر بیند که تن وی
بجراحتی بخون آلوده گشت دلیل کند که خیراتی کند وبعضی از معبران گفته اند
که رگ زدن بخواب چون خداوند خواب مستور بود شادی وخرمی بود واگر
خداوند خواب مستور نبود مفارقت وزیان باشد وی را بمقدار خون رفتن
رگهای تن ابن سیرین گوید که رگهای تن دلیل بر اهلیت وخویشان مردم
کند از بهر آنکه رگها با همه تن باز بسته است اگر بیند که رگی از اندام وی آفتی رسید معبر

باید که نگاه کند که آن اندام ز خویشان وی تعلق بکه دارد دلیل حکمش بقیاس انرا
بکند زیراکه رکهای سر و پیشانی دلیل بر مهتران کند و رکهای دست و بازو دلیل بر برادران
و اینان و فرزندان کند و رکهای شکم دلیل بر فرزندان و خویشان مادروی کند و رکهای
پشت وی دلیل بر خویشان پدری کند و رکهای سرون و ران دلیل بر دود مان کند
و رکهای ساق و پای دلیل بر معیشت و مال مردم کند و اکر بیند که رک بکشاد بر پهنای رک
و آن رک بریده شد یا خشک شد دلیل کند که یکی از خویشان وی که بدان رک
تعلق دارد دلیل کند و بعضی از معبران کفته اند که غم و اندوه و مصیبت بخویشان وی
رسد و باشد که در غربت افتد و تا بوقت مرک از دیدار خویشان جدا ماند و اکر
بیند که کسی رک بکشاد بر طول یعنی بر درازی دلیل کند که از کسی از خویشان سخن درشت
شنود بقدر آن رنج که از زخم نیشتر بدو رسید و بعضی کفته اند که بر قدر آن خون که از تن
وی جدا شود کسی از خویشان وی از مال اش تلف کند دانیال کوید اگر کسی بیند که رک
تنها کیشاد دلیل کند که کارها بروی بسته کرده و اکر بیند که رک باسلیق بکشاد دلیل کند
اکر بیند که رک اکحل بکشاد یعنی رک میان دست دلیل کند که کارها بروی بسته کردد
جون سایل کوید که از دست وی خون همی آمد از من که اکر یاد کرده شد دلیل کند که مال
یابد و چون کوید که از دست من خون همی رفت و بر از زیان همی رسد که معبر باید که بلفظ کوینده
خواب نکاه کند و تعبیر بر لفظ وی کند اکر بیند که رک وی تهی و کبود کشته بود دلیل کند
که اندوه و زیانش رسد **رکاب** ابن سیرین کوید که چون رکاب از زین جدا باشد
فرزند یا غلام بود و چون با زین باشد دلیل کند که فرزندی بود که بر کارها معتمد بود
و البته بهیچ کاری خیانت نکند کرمانی کوید اکر بیند که رکاب وی زرین بود دلیل کند
که فرزندش متکبر و خویشتن دار بود و اکر بیند که سیمین بود دلیل کند که فرزندش بمال دنیا
مغرور شود و اکر بیند که برنجین بود یا مسین بود دلیل کند که فرزندش مختصر همت و کم دانش
بود و اکر بیند که آهنین بود دلیل کند که بقدر روشنی و پاکیزکی وی او را قوت در کارهای
دنیائی و اکر بیند که رکاب وی چوبین بود دلیل کند که فرزندش دون همت و بد رای و فرومایه

باشد

باشد و بدانکه رکاب دار بخواب دیدن سخت نیک باشد زیراکه او بمهتر نزدیک بود
رنکها ابن سیرین کوید که رنک سپید بخواب دیدن در جامها و غیرش هر کس را دلیل
دلیل بر صلاح و دین و پاکیزکی کند و رنک سرخ بجامهاء مردانرا در دنیا کراهیت
و رنج دل باشد و زنانرا در دنیا نیک بود و رنک سبز بجامها و غیرش زنان و مردان را
در دین و دنیا صلاح و خیر باشد و رنک زرد بجامهاش و غیرش زنان و مردانرا
رنج و بیماری تن بود و رنک سیاه بجامها و غیرش زنان را و مردان را غم و اندوه
و مصیبت بود مکر کسانی که همیشه سیاه پوشند و بدان عادت کرده باشند
پس چون حال بدینسان بود ایشان را زیان ندارد و رنک زرد زنان را و مردانرا
دلیل بر اندوه و مصیبت کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که رنک
سبز و سپید بخواب دیدن دلیل بر خیر و برکت و عزت و بزرکی و ظفر یافتن و
دین پاک باشد زیراکه لباس اهل بهشت است و رنک سیاه اصحاب سلطان
و رئیس و قاضی و خطیب و محتسب و آنکس را که از بنی عباس بود ولایت و بزرکی
و مملکت و شرف و عزت باشد بمقدار قیمت جامه و قدر خداوند خواب و رنک زرد
بیماری باشد و رنک ازرق و کبود غم و اندوه بود و رنک سرخ بخواب دیدن خصومت
و پرخاش بود و بدانکه رنک زرد بخواب کسی باشد که مردمان نعوذ بهتان کویند
ولیکن بر دست او خیرات بود **روباه** ابن سیرین کوید که روباه در خواب مرد م
مکار و فریبنده باشد یا زن و کنیزک دروغ زن از خویشان وی اکر بیند که با
روباه در جنک و نبرد بود دلیل کند که خویشان وی با او خصومت کنند و اکر بیند
که روباهی جست دلیل کند که از بریان ترسیده شود و اکر بیند که با روباه بازی همیکرد
و خواست که وی را بکیرد دلیل کند که زنی وی را دوست دارد ولیکن دوستی وی ضعیف بود
کرمانی کوید که اکر بیند که روباهی پیش او چاپلوسی همی کرد دلیل کند که وی را غریبی باشد
که با وی مکر و حیلت سازد و اکر بیند که روباه نا آشنا همیکرد دلیل کند وی را با غریبی یا
با کسی دیکر و حیلت سازد و وی را بفریبد و پوست روباه مال بود که بحیلت بدست

آرد و اکر بیند که شیر روباه همیخورد دلیل کند که اکر بیمار بود درست کردد و اکر غمکین بود
شادان شود و اکر زندانی بود از زندانی رهائی یابد بعضی کفته اند که اکر کسی بخواب شیر روباه
خورد دلیل کند که بیمار شود یا ترس و بیمی عظیم بدو رسد جابر مغربی کوید که روباه در خواب زن دروغ
زن بود اکر بیند که روباه یافت یا بکرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که زن دروغ زن و
فریبنده را بزنی خواهد یا با چنین زن وی را صحبت افتد و اکر بیند که روباهی بخانه وی
در آمد و آرام کرفت دلیل کند که زنی بخواهد و آن زن دوست وی بود و اکر بیند که روباه
از وی بکریخت دلیل کند که وام دار از وی بکریزد **رود** ابن سیرین کوید که رود بزرک در
خواب مردی بزرکوار بود و اکر بیند که رودی بزرک صافی شد دلیل کند که با مردی
بزرکوار یا دیانت پیوندد و از وی خیر و خرمی و نعمت بدو رسد و اکر بیند که خون رودی
بزرک در شد و آب وی تیره بود و در زیر روی کل کنده بود دلیل کند که با مردی ستمکر بی
دیانت پیوندد و از وی بقدر بزرکی آب بلا و غم و اندوه بدو رسد و اکر بیند که از رود
بیرون آمد دلیل کند که سرانجام از آن بلا و غم و اندوه رسته شود و اکر بیند که در رود غرقه
شده بود دلیل کند که از غم و اندوه و بلا تا بوقت مرک رهائی نیابد و چنان دان که چند
رود بزرکتر و صافی تر بود آن مرد بزرکوار بر و بمنزلت و دین و دیانت بهتر باشد و اکر بخلاف
این بیند آن مرد ستمکر و فاسق باشد دانیال کوید که رود بزرک وزیر پادشاه بود و اکر بیند
که رود بزرک خشک شد دلیل کند که وزیر معزول کردد و اکر آب رود بزیادت بیند دلیل
کند که مال وزیر زیادت شود و اکر بیند که از رود آب همیخورد دلیل کند که بر قدر آن از وزیر
عطا یابد و اکر آب رود تیره بود مالی یابد حرام و اکر آب رود تلخ بود رشوت یابد و اکر آب
رود کنده بود بیمار شود و اکر آب رود سرد و خنک بود نواخت وزیر باشد و منفعت
وی و اکر بیند که رود خون کشته بود و میرفت دلیل کند که در آن دیار جنک و خون ریختن
عظیم افتد در میان پادشاهان و اکر بیند که از آب خون آلود همیخورد دلیل کند که از بیم طمع
بد او وی پادشاه افتد و اکر بیند که آب رود سپید و خوشبو دلیل کند که بر وزیر ثنای
مردم عامه باشد و اکر بیند که آب رود بزمین فرو رفت و هیچ نماند دلیل عقوبت باشد

اندران

مالیدن جمله آرایش بود لیکن چون بی اندازه مالند غم و اندوه باشد و اکر بیند که بروغن
بر و سینه خویش را چرب همیکرد دلیل کند که سوکند بدروغ همی خورد اسمعیل اشعث کوید
که روغنها بتاویل جمله غم و اندوه باشد مکر روغن زیت که بخوردن مال بود و بمالیدن بد
باشد اکر بیند اکر بیند که تن خود را بروغن زیت همی مالید دلیل کند که سوکند بدروغ
خورد قول خلاف کند قوله تعالی وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ ؛ و اکر بیند که جامه
وی بروغن آلوده کشت دلیل کند که اندوهکین شود حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم کوید که روغن خوشبوی را دیدن بخواب بر شش وجه بود یکی زن خوب روی
باشد دوم کنیزک با جمال ؛ و سوم ثنای نیکو ؛ چهارم منفعت ؛ و پنجم
سخنهای خوش ؛ و ششم طبع نیک ؛ و روغن کندیده بخواب دلیل بر سه وجه
کند یکی بر زن روسپی دوم بمرد فاسق ؛ سوم بر سخنهای زشت و ناپکار ؛
و بدانکه روغن کر بخواب یاری دهنده کسی بود که با وی بیامیزد ؛ **روناس**
ابن سیرین کوید که روناس در خواب دلیل بر آرایش دنیا کند و خوردنش دلیل
بر رنج و اندوه و مضرت کند اکر بیند که جامه خویش بروناس سرخ همیکرد دلیل
کند که بعشرت و آرایش دنیا مشغول شود و راه دین را فرو کذاشته بود **روی**
ابن سیرین کوید اکر کسی روی خویش را خوبتر و با جمال تر از آن بیند که در بیداری بود
دلیل کند که شرف و منزلتش پیش مردمان نبود و هر کس که بدو نکرد بچشم حقارت
و خواری نکرد کرمانی کوید اکر بیند که کونه روی کسی سرخ و پاکیزه شد دلیل کند
که روی شناس کردد و کارش بنظام شود و اکر بیند که کونه رویش سپید شد دلیل کند بر
نیکوئی دین و دیانت وی قوله تعالی وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ
هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ؛ و اکر بیند که کونه رویش زرد شد دلیل کند که بیمار شود و اکر
بیند که کونه رویش سیاه شد دلیل کند که در میان مردمان رسوا شود و اکر بیند
که با سیاهی روی جامه سپید پوشیده داشت دلیل کند که وی را دختری آید قوله تعالی
وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَى ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ؛ اکر بیند که با سیاهی روی وی

گرد آلود بود نشان مرگ باشد و اگر بیند که رویش گرد آلود بود یا نداب بر رویش فرو می آمد
و اگر جراحت بیند دلیل کند که مال حرام بدو رسد و اگر جراحت بیند زیان مال بود و اگر بیند که
روی وی بقفا گشته بود دلیل کند که مهتران و کسان او روی از وی بگردانند و بجفای وی مشغول
شوند و اگر بیند که روی گرشد دلیل کند بر فساد و تباهی دین وی و اگر بیند که بر روی خویش
موی بسیار داشت دلیل کند که وام دار شود جابر مغربی گوید اگر کسی روی خویش را در خواب
نیکو بیند در آب یا در آئینه یا کسی وی را گوید که روی تو نیکوست دلیل کند که کار وی نیکو
شود و اگر زشت بیند دلیل کند که کار وی بد گردد و اگر روی خویش را سرخ بیند دلیل
کند که با کسی وی را مناظره بود و از آنکس خشم فرو خورد و اگر زرد بیند بیمار شود و اگر
سپید بیند و روشن دلیل کند که بطاعتها توفیق یابد و بکارهای خیر رسد و اگر
سیاه بیند دلیل بد بود زیرا که مخاطره کفر باشد قوله تعالی فَاَمَّا الَّذِینَ اسْوَدَّتْ
وُجُوهُهُمْ اَکَفَرْتُمْ بَعْدَ اِیمَانِکُمْ ÷ و اگر روی خویش شکسته بیند دلیل کند که وی را مصیبت
رسد و اگر بر روی خویش جراحت بیند دلیل کند که بر قدر آن جراحت از سبب زنان
غم بدو رسد و اگر بر روی خویش فساد یا تباهی و خراشیدگی بیند دلیل کند که اندر
کدخدائی وی خللی افتد از جهت زنان اسمعیل اشعث گوید اگر خویشتن را دو روی
بیند دلیل کند که بسخن گفتن منافقی کند و اگر هر دو روی خود را خوب و پاکیزه بیند
دلیل کند که توسط کند میان مردم بسوی صلاح ایشان و اگر یک روی خویش را خندان
بیند و یکی را گریان دلیل کند که وی را دو زن باشد و با یکدیگر سازگاری نکنند اما از یکی
خشنود بود و از یکی ناخشنود و اگر هر دو روی را گریان بیند دلیل کند که هر دو زن نا
خشنود بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن روی در خواب
بر هفت وجه بود یکی شرف و بزرگی باشد ÷ دوم خواری و حقارت ÷ سوم نظام
کار ÷ چهارم دین و دیانت ÷ پنجم اندوه و رسوائی چون روی سیاه بود ÷ ششم وام داری ÷
هفتم کار نیکو ÷ هشتم توفیق طاعتها ÷ ریباس ابن سیرین گوید که ریباس بخواب
غم و اندوه بود اگر بیند که ریباس داشت و از وی همیخورد دلیل کند که بر قدر آن غم و اندوه

بود و اگر بیند که ریباس را بفروخت یا بکسی داد دلیل کند که از غم و اندوه رسته گردد جابر
مغربی گوید اگر بیند که ریباس را همی خورد و آن ریباس بطعم شیرین بود دلیل کند که وی را
منفعت باشد از قبل دوست یا از قبل خویشان و چون ریباس ترش بود دلیل پشیمانی
بود بر کارهای که کند ÷ ریحان بدانکه ریحان بپارسی سپرم بود ابن سیرین گوید اگر
بیند که او سبز و پاکیزه بود و خوشبوی دلیل کند که او را فرزند باشد و کندن وی از
زمین گریستن و اندوه باشد بر قدر آنچه کنده باشد کرمانی گوید اگر کسی ریحان را
در جایگاه خویش بیند دلیل کند که بر کردارهای نیکو خداوندش را و اگر بخلاف
این بیند دلیل بر غم و اندوه و گریستن کند دانیال گوید اگر بیند که ریاحین خوشبوی
همی فروخت چون سپرم و سیسنبر و مرزنگوش و آنچه بدین ماند دلیل کند که بکارهای
خیر توفیق یابد و نیز قرآن خواندن و علم گفتن و خلق را پند دادن و نصیحت کردن
این جمله درو موجود باشد و مردمان از وی منفعت بسیار گیرند و پیوسته ثنای
او گویند حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن ریحان در خواب
بر هفت وجه بود یکی زن باشد ÷ و دوم کنیزک ÷ و سوم دوست ÷ و چهارم فرزند ÷
و پنجم سخن خوش ÷ و ششم مجلس علم ÷ و هفتم کردار نیکو ÷ اگر بیند که در سرای یا در باغ
وی ریحانست دلیل کند که از این چیزها که گفتیم برخی وی را حاصل شود و بدانکه فسادی
که اندر ریاحین افتد نقصان آن بدانکس باز گردد که بوی منسوب بود و هر زینت
و نیکوئی که اندر ریاحین بخواب بیند صلاح آن با ایشان باز گردد جابر مغربی
گوید که ریحان فروش چون بوقت ریحان فروشد سخت نیک باشد و اگر نه
بوقتش فروشد بد باشد زیرا که چون ریحان بوقت خویش بیند کسی بزرگ زاده
و گوهری و نیکو سخن بود که وی را با آنکس دوستی و مصاحبت افتد و اگر بیند که ریحان
از زمین برکند دلیل کند که از چنین کس که وصف کردیم وی را مفارقت افتد
ریسمان ابن سیرین گوید که ریسمان بخواب سفر بود و بعضی از معبران
گفته اند که کار مرد باشد و اگر بیند که پشم یا از موی ریسمان همی رشت چنانکه موی

ریسمان ریسند دلیل کند که بسفر شود و از آن سفر خیر بدو رسد و اگر بیند که از پنبه یا از
کتان یا از قز ریسمان همی رشت که زنان ریسند دلیل کند که کار نحلا کند لیکن کردن آن کار
مردان را خوب نباشد و اگر بیند که ریسمان بجولاه برد تا از بهر وی جامه بافد دلیل کند که
در تدبیر کاری بود که از آن کار وی را مداومت حاصل شود کرمانی گوید اگر زنی بیند
که مانند موی ریسمان از پشم یا از موی ریسمان همی رشت دلیل کند که غایبی وی را از سفر
باز آید و اگر بوقت رشتن ریسمان وی گسسته شد دلیل کند که غایبش در سفر بماند
و اگر بیند که بسیار ریسمان داشت دلیل کند که عمرش دراز بود و بر قدر ریسمان وی را
خیر و منفعت رسد از خویشان حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن ریسمان
در خواب بر چهار وجه بود یکی سفر باشد ÷ دوم کار مرد ÷ و سوم عمر دراز ÷ و چهارم منفعت
بسیار ÷ ریش ابن سیرین گوید که دیدن ریش در خواب آرایش مردم بود و کدخدائی
وی باشد و بخبر آمده است از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که خدای را عز و جل فرشته ایست
که تسبیح آن فرشته این است که میگوید جنه سبحان من زین الرجال باللحی و النساء
بالذوائب ÷ یعنی پاکست آن خدائی که بیاراست مردان را بریشها و زنان را به
گیسوها اگر کسی یا ریش خود دراز بیند باندازه دلیل کند که کار کدخدائی وی ساخته
شود اما چون درازی وی از ناف درگذشته بیند دلیل بر غم و اندوه کند و اگر بیند که
ریش خود را بناخن پیرای همی است دلیل کند که خدائی خویش را بیماری دهد و اگر بیند که
ریش را خضاب همیکرد و خضاب نپذیرفت دلیل کند که حال خویش بر مردمان پوشیدن
نتواند و اگر بیند که خضاب پذیرفت دلیل کند که حال خویشان بر مردمان بپوشد
و اگر بیند که ریش خود را بزمین همیکشد دلیل کند که اجلش نزدیک آمده بود و اگر بیند
که نیمه ریش وی بریده بود دلیل کند که زیانش رسد بحرمت و بمال و اگر ریش خود را کوسه
بیند دلیل کند که حرمت و مالش کم شود کرمانی گوید اگر بیند که ریش وی سیاه و سرخ
گشته بود دلیل کند که وی را داوری افتد بشغل کدخدائی و اگر بیند که ریش وی سپید
گشته بود دلیل کند که آهستگی و بردباری وی زیادت گردد و لیکن غمگین شود و اگر ریش را

در دست کسان بیند و او از دور دوران نگاه همیکند دلیل کند که کدخدائی وی در دست
کسان گردد و تیمارش کسی دیگر دارد و اگر بیند که ریش را همی برید دلیل کند که از اهل بیتش
او را زیان رسد و اگر بیند که ریش وی آینه شد دلیل کند که کدخدائی و زینت وی ساخته
شود و اگر بیند که ریش وی از بیماری فرو ریخت دلیل کند که وی را از مرگ مفاجات بیم بود
و آب روی و مالش برود و اگر بیند که ریش را شانه کرد و بخور کرد دلیل کند که کسی شغلش کند و
مردمان از آنکس شکر گویند جابر مغربی گوید اگر بیند که ریش وی دراز شد چنانکه بناف
وی بود دلیل کند که وام دار و درویش شود یا بر قدر درازی غم و اندوه رسد و بعضی از
معبران گفته اند که اگر کسی ریش خود دراز بیند چنانکه تا ناف وی بود دلیل کند که مال و
خواسته یابد و اگر کسی ریش خود را باندازه ریش پدر بیند دلیل کند که از پدر میراث یابد و
اگر بیند که ریش عم خویش را بدست گرفته بود و همی کند دلیل کند که مال عم خویش بمیراث
ستاند و اگر مردی ریش خود را سیاه و سپید بیند دلیل کند بر مال و خواسته و زینت وی
و اگر بیند که دست بر ریش فرا کرد و پاره بدست وی بماند و آنرا بینداخت دلیل کند که
مالش از دست بشود و اگر بیند که پاره ریش را در چیزی بنهاد و نگاه داشت دلیل کند
که مال خویش را نگاه دارد و بکس ندهد دانیال گوید اگر بیند که ریش وی کوچک و کوتاه شد
دلیل کند که اگر وام دارد وامش گذارده شود و اگر غمگین بود بیغم گردد و اگر بیند که ریش وی
تراشیده شد دلیل کند که حرمت و آب رویش از بهر معیشت زایل شود و اگر بیند که
ریش وی بر زمین افتاده بود دلیل کند که بمیرد و اگر بیند که ریش وی کنده شد دلیل کند
که حرمت و قدر و جاهش تمام ببرود چنانکه بنزدیک مردمان حقیر و خوار گردد و اگر بیند
که کسی سر و ریش وی را بسترد دلیل کند که آنکس حرمت و آبرویش را ببرد و اگر بیند
که موی سپید از ریش خود برکند دلیل کند که مخالفت سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
کند اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که کسی وی را در حرم بوقت موسم حج سر بتراشید دلیل
کند که اگر وام دار بود وامش گذارده شود و اگر غمگین بود شادمان گردد و اگر بیند که بی
سببی ریش وی اندک اندک همی افتید چنانکه نقصان در وی ظاهر شود دلیل کند

کاز رنج و محنتها فرج یابد واکر وام دارد وامش کذارده شود چنانکه پیش ازین کفته شد
واکر بیند که ریش وی تمام سپید کشت چنانکه هیچ سیاهی نماند دلیل کند که حرمت وجاهش
لختی نقصان بود واکر بیند که ریش وی را چنان بتراشیدن کجایکاه ریش او خسته و
وریش شد دلیل کند که در حرمت ومال وی ضرر ونقصان آید واکر زنی بیند که وی را
ریش بود غمکین ومستمند کردد وباشد که کاری کند که ازان رسوا شود واکر مردی بیند
که زن وی را ریش برآمد دلیل کند که آن زن هرکز فرزند نیارد واکر وی را فرزندی باشد
دلیل کند که محتشم قوم خویش کردد واکر کودکی نابالغ خویشتن را بریش بیند بد باشد
زیرا که دلیل غم واندوه کند واکر بیند که کسی ریش وی را بکرفت ومیکشید دلیل کند که
انکس مال وی بمیراث بستاند وبخورد واکر بیند که وی ریش کسی را همی کشید دلیل کند
که مال انکس بمیراث برد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن ریش
بخواب بر ده وجه بود یکی تبع مردم باشد دوم عز وجاه سوم مرتبت چهارم هیبت
پنجم مروّت ششم نیکویی هفتم تزویج هشتم مال نهم فرزند دهم کرامی داشتن قوله
تعالی وَلَقَدْ کَرَّمْنَا بَنِی آدَمَ ابن عباس کوید یعنی باللحیة واما ریش ستردن
درخواب حاجیان وترسندکان وزندانیان را نیک بود وتوانکران را وجوهریان
وشادی کنندکان وخداوند نعمت را بد بود ریشی ابن سیرین کوید اکر کسی
بیند که بر تن وی ریش رسته بود ودهان ریش ریم جمع آمده بود دلیل کند که بر قدر آن
ریم که دروجمع شده باشد وی را مال ونعمت حاصل شود واکر بر خلاف این بیند
دلیل کند که بر قدر آن از مال وی نقصان شود جابر مغربی کوید اکر بیند که جمله اندا
مهای وی ریش شده بود وازان ریشها درد ورنج حاصل بود دلیل کند که بر قدر آن
درد ورنج وی را غم واندوه حاصل شود واکر بر خلاف این بیند وی را غم واندوه نباشد
دیک ابن سیرین کوید که دیک در خواب دلیل بر مال وخیر کند اکر بیند که در میان
دیک همی شد دلیل کند که از بهر کسب بشغلی مشغول شود بر قدر بزرکی وکمی دیک واکر
بیند که دیک همی خورد یا جمعش میکرد دلیل کند که بر قدر آن مالش جمع شود وبعضی

از معبران

از معبران کفته‌اند که بشغلی مشغول کردد که ازان وی را منفعت باشد واکر بیند که بکسی دیک
همی داد دلیل کند که از وی بدانکس که بر قدر آن مال خیر رسد وحضرت امام جعفر صادق
علیه السلام کوید که دیدن دیک بخواب بر چهار وجه بود یکی شغل اندر دین ودنیا خاصه
چون دیک بسیار باشد دوم مال سوم منفعت چهارم رفعت ولیکن با رنج وعنا
ریم ابن سیرین کوید که دیدن ریم درخواب مال بود خداوندش اکر بیند که از تن وی
ریم بیرون همی آمد دلیل کند که بقدر آن از مال وی نقصان شود واکر بیند که چون ریم
از تن بیرون آمد دیکر باره بجای شد دلیل کند که بر قدر آن مال وی نقصان آید
ودیکر باره مالش تمام کردد چنانکه نقصانی در وی نبود کرمانی کوید اکر بیند که ریم را همی
مکید ومی خورد دلیل کند که مال حرام خورد وعلی الجمله ریم جمع شدن در اندامی دلیل بر جمع شدن
مال بود وریم بیرون آمدن از اندامی دلیل بر نقصان مال بود وبدانکه ریم سیم واهن وریم
ارزیز وآنچه بدین ماند جمله غم واندوه بود بر قدر آنچه دیده باشد ریوند ابن سیرین کوید
اکر بیند که بسیار ریوند داشت دلیل کند که در غم واندوه کرفتار شود واکر بیند که از بهر علتی
ریوند خورد وانخوردن وی را شفا وراحت بدید آمد دلیل کند بر تندرستی وخیر وصلاح
وی واکر بر خلاف این بیند دلیل بر رنج وبیماری کند والله اعلم حرف زا از کتاب
کامل التعبیر زادن ابن سیرین کوید اکر زنی بیند که دختری را بزاد دلیل کند
که خیر ونیکویی بدو رسد وانخویشان واهل بیت خویش خرم وشادمانه شود ونامش بنزدیک
منتشر شود واکر بیند که پسری را بزاد دلیل کند که غمکین واندوهکین شود وبعضی از معبران
کفته‌اند که اکر مردی بیند که زن وی پسر بزاد وزنش آبستن بود دلیل کند که وی را دختری آید
واکر بیند که زنش دختر زاد دلیل کند که وی را پسر آید واکر زنش آبستن نبود وبیند که زنش پسر زاد
دلیل کند که برنج ومشقت چیزی بدست آید بروزکار دراز واکر بیند که دختر زاد خیر و
منفعتش بیشتر باشد کرمانی کوید اکر بیند پادشاه دختری بزاد دلیل کند که شوهر وی کنج
یابد واکر بیند که پسر زاد غم واندیشه بود وی را واکر مردی بیند که دختری بزاد دلیل کند
که غمکین ومستمند شود واکر بیند که پسری زاد دلیل کند که کاری نیک از وی بوجود آید که

دهان وی را بنیکی نام در عالم پراکنده شود واکر دختری بیند که فرزندی بزاد دلیل آن چون
زادن زن باشد چون دختر بالغ بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که اکر زنی بیند که
درخواب پسری بزاد ودر زمان آن نیز سخن با وی کفت دلیل مرک وی باشد واکر بیند که
دختر زاد دلیل کند که ایزد تعالی از نسل وی فرزندی بدید آرد که مهتر اهل بیت خویش شود
زاغ ابن سیرین کوید که زاغ درخواب مردی باشد فاسق وبد دین ودروغ زن اندر کارها
اکر بیند که زاغی فراکرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که با مردی بدین صفت که کفتیم وی را
پیوندی ودوستی افتد واندر کار باطل فریفته شود واکر بیند که زاغی را بکشت دلیل کند که
مردی بدین صفت که کفتیم قهر کند واکر بیند که در جایکاهی زاغان بسیار جمع آمده بودند
دلیل کند که در آنجا دزدان وفاسقان جمع شوند واکر بیند که زاغی را بشکار کرفت دلیل
کند که از جایکاهی باطل نعمت یابد کرمانی کوید اکر کسی بخواب بیند بکزاغ تاویلش
کنیزک هندو بود واکر زاغان بسیار بیند تاویلش لشکر باشد واکر بیند که زاغی را پوست
باز میکرد دلیل کند که با زنی زنا کند واکر بیند که زاغی را بکشت دلیل کند که اهل بیت
وی را مصیبت رسد واکر بیند که زاغ با وی سخن کفت دلیل کند که از اخبار
آکاه شوند واکر بیند که زاغان بسیار در هوا همی آمدند ومیکذشتند دلیل کند که در آن
دیار لشکری بدید آید بدان قیاس که زاغان دیده باشند جابر مغربی کوید که اکر بیند
که زاغ وتذرو هر دو بر شلوار وی برنشسته بودند دلیل کند که فرزند وی با کنیزکش فساد
کنند واکر بیند که زاغی را معالجت میکرد دلیل کند که مردی دزد را پند دهد واکر بیند
که زاغی یافت واو را پنهان کرد دلیل کند که در هواداری وباطل جوی بود واکر بیند که زاغی
بمنقار از خانهٔ وی چیزی فراکرفت وبرفت دلیل کند که فاسقی از خانهٔ او چیزی بدزدد
یا هندوی زاک ابن سیرین کوید که از جملهٔ زاکها که درخواب بیند زاک سبز بهتر
بود بعد از آن زاک سپید وزاک زرد بیماری باشد وزاک سیاه مصیبت وغم
بود وخوردن زاک دلیل بر هلاک کند ورنک جامه وغیرش بزاک هم دلیل بد باشد
وعلی الجمله دیدن زاک هیچ خیر ومنفعتی نبود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید

که دیدن

دیدن زاک درخواب بر چهار وجه بود یکی غم واندوه باشد دوم بیماری سوم مصیبت
چهارم خصومت کردن از سبب زنان ژاله ابن سیرین کوید اکر بیند که در شهر یا در کوچه
یا در سرای وی ژاله همی بارید دلیل کند که از پادشاه یا از رئیس مردم آن مقام را رنج
وسختی رسد واکر بیند که با ژاله باران وباد ورعد وبرق بود دلیل کند که در آنجا مضرت
وقحط وتنکی باشد کرمانی کوید که ژاله با باران دیدن بخواب دلیل بر نعمت وفراخی
وایمنی کند واکر بیند که ژاله با برق همی درخشید دلیل کند که اهل آن دیار رنج وبیماری
بسیار باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن ژاله درخواب
بر پنج وجه بود یکی بلا دوم خصومت سوم لشکر چهارم قحط پنجم بیماری
خاصه با ژاله باران نبود زالو ابن سیرین کوید که زالو بخواب دشمن طماع بود واکر بیند
که زالو خون از اندام وی همی مکید دلیل کند که دشمن بر وی چیره کردد بقدر آن
خون که بخورده بود از مالش بزیان آرد واکر بیند که زالو در کلوی وی فرو شد دلیل
کند که دشمن از درون خانهٔ وی بود ومخالست بهم کنند واکر بیند که زالو از تن
اندام خویش جدا کرد وبکشت دلیل کند که بر دشمن ظفر یابد وقهرش کند کرمانی کوید
اکر بیند که زالو عیالی باشد که مالی دیکران خورد نه از مال وی اکر بیند که زالو بسیار بر وی
جمع شدند وخون وی را همی مکیدند دلیل کند که بقدر آن خون که از تن وی مکیده باشند
از مال وی نقصان شود واز سبب نقصانی مال وی غمکین ومتفکر کردد جابر مغربی کوید
اکر بیند که زالو در اندام وی بود ولیکن اندامش را نمی مکید وبر اندام وی زیانی وکزندی
نمی رسید دلیل کند که از دشمن وی را هیچ مضرتی ورنجی نرسد واکر بیند که زالو در کلوی وی فرو شد
دلیل کند که دشمن در خانهٔ وی شود وبقدر آن مضرت که وی را از زالو رسید از آن دشمن
وی را رنج ومضرت رسد زانو ابن سیرین کوید که اصل زانو درخواب معیشت بیننده
خواب بود واکر زانو را شکسته بیند دلیل کند که کار وی شکسته وبینوا کردد واکر زانو بزرک
وقوی بیند دلیل کند که کار وی قوی کردد وعیش بر وی فراخ کردد واکر بیند که بر زانو همی
رفت دلیل کند که کار ومعیشت بر وی ضعیف شود وحاجتهایش بدشواری برآید

واگر بیند که چشمهٔ زانوی وی بشکسته بود دلیل کند که کار وی تباه شود و نیازمند خلق گردد
واگر بیند که چشمهٔ زانوی وی بیفتاد دلیل کند که مایهٔ که دارد از دست وی بشود کرمانی
گوید که زانو در خواب جای کسب و معیشت و مطلب مردم بود واگر بیند که زانوی وی
سخت قوی شد دلیل کند که معیشت و کسب بر زیادت شود واگر بیند که زانوی وی سست
و ضعیف شد دلیل کند که معیشت و کسب وی منقطع گردد و جابر مغربی گوید که زانو در
خواب جایگاه رنج و عنای مردم باشد و جایگاه اندوه و معیشت و شغلهای مردم پس
هر که زیادت و نقصان که در زانو بیند تاویلش درین چیزها بود که یاد کرده شد زباد بدانکه
که زباد عرق جانوری بود و بوی خوش دارد مانند مشك و وی را از ملک آرند که آنجا نور
ددیار یمن و طایف باشد و گویند که آن جانور مانند گربه بود ابن سیرین گوید اگر بیند که با خود
زباد داشت یا کسی بدو بخشید دلیل کند که ادب و فرهنك بود چنانکه مردمان مدح و ثنای
وی گویند واگر بیند که از آن زباد هیچ بوی نمی آمد دلیل کند که نیکوئی با کسان کند که از و منت
ندارند که زباد همی خورد دلیل کند که عیالان وی با ادب و فرهنك باشند حضرت امام جعفر
صادق علیه السلم گوید زباد در خواب بر چهار وجه بود یکی ادب و فرهنك باشد دوم مدح
ثنا سوم نام نیکو چهارم کردارهای پسندیده زبان بدانکه ترجمان خداوندش بود و
و مدبر کارها که در دل وی باشد از صلاح و فساد ابن سیرین گوید اگر بیند که زبانش بریده
یا ناقص شده بود بی آنکه با کسی جنك و خصومت داشت اگر اهل صلاح بود دلیل کند که
خیر و صلاح در آن بود و اگر با کسی جنك و خصومت نداشت دلیل کند که بهنگام حجت
زبانش بسته شود و اگر بیند که زبان وی در طول یا در عرض زیادت شده بود دلیل کند که بوقت
حجت زبانش در گفتن روان بود و بحجت بر خصم ظفر یابد و اگر بیند که زبان وی دراز شد
بحال جنك و خصومت دلیل کند که بسخنهای زشت گفتن زبانش دراز بود کرمانی
گوید اگر بیند که ویرا دو زبانست دلیل کند که حق تعالی ویرا علم و دانش روزی کند اگر بیند که بدست
خویش زبان خود را ببرید تا سخن نگوید دلیل کند از بسیاری سخن گفتن سخنهای ناپکار
توبه کند و زاهد یا متدین داری خاموشی اختیار کند واگر بیند که بر زبانش کلامی زشت

وخطا گفتن برفت دلیل کند که سخنی گوید که در آن خیر و مصلحت نباشد واگر بیند که بر
زبانش کلامی خوب و صواب برفت دلیل کند که سخنی گوید که در آن خیر و مصلحت و رضای
خدای عز و جل باشد واگر بیند که کسی زبان در دهن وی نهاد دلیل کند که از کسی ویرا قوت
و حجتی باشد در سخن واگر بیند که زبان کسی همی مکید دلیل کند که از آن کس علم و دانش حاصل
کند جابر مغربی گوید که اگر کسی بیند زبانش کنك شده بود دلیل کند بر فساد دین و دنیای
وی واگر بیند که درویشی را زبان ببرید دلیل کند که چیزی بدرویش دهد و زبانش از
خویشتن کوتاه کند واگر بیند که زنی را زبان برید دلیل کند که پرده و ستر وی بدرد و راز وی
آشکارا کند واگر بیند که زبانش با کام گرفته شد دلیل کند که وامی یا حقی منکر شود دانیال
گوید اگر بیند که زبان وی قوی و ستبر بود دلیل کند که در مناظره سخن روان بود و بهنگام
مناظره خصم را غلبه کند واگر بیند که زبان وی دراز شد دلیل کند که درشت سخن و بدگوی
بود و مردمان را بزبان رنجور دل دارد واگر بیند که زبان بسته شد دلیل کند که بیمار و بیچاره
گردد واگر بیند که زبانش ریش بود دلیل کند که بر کسی بهتان گوید و یا گواهی بدروغ دهد واگر
بیند که بر زبان وی موی بر آمده بود دلیل کند که از گفتار خویش در رنج و بلا افتد واگر بیند
که زبان وی آماسیده بود دلیل کند که از سبب گفتارش ویرا مال حاصل شود بر قدر آماس
اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که زبان وی دراز شد دلیل کند که کسی را غمز کند و یا دشنام
دهد واگر بیند که زبان وی آویخته بود و بدوشاخ گشته دلیل کند که در میان مردم منافقی
کند واگر بیند که از اصل خود هیچ زبان نداشت دلیل کند که در همه شغلها فرو ماند و دشمن بر
وی چیره گردد واگر بیند که سر زبان وی بریده بود چنانکه سخن گفتن نمی توانست گفت
دلیل کند که بیشتر شغل وی بر دست کسی وکیل بر آید واگر بیند که زبان وی خشك
شده بود چنانکه سخن گفتن نتوانست گفتن دلیل کند که سخت بد باشد حضرت امام
جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن زبان در خواب بر شش وجه بود یکی حکمت باشد
دوم ریاست سوم ترجمانی چهارم حاجب پنجم وکیل ششم یاری و بدانکه سخن گفتن
بزبانهای مختلف در حرف سین بیان کنیم زبرجد ابن سیرین گوید که زبرجد

در خواب دلیل بر خیر و خرمی و منفعت کند واگر بیند که بسیار زبرجد داشت دلیل کند
که بر قدر آن ویرا منفعت مال بود اگر بیند که زبرجد از وی ضایع شد دلیل کند دلیل
کند که بر قدر آن مال وی نقصان شود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
گوید که دیدن زبرجد در خواب بر سه وجه بود یکی خرمی باشد دوم منفعت سوم
مال بود زیور ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که کتاب زبور همی خواند دلیل
کند که بخدای باز گردد و توبه کند و زاهد شود و بکارهای خیر راغب گردد واگر بیند
که زبور را ظاهر همی خواند دلیل کند که زهد و خیراتی کند بریا و بظاهر بهتر از آن نماید
که بباطن بود جابر مغربی گوید اگر بیند که زبور همی نوشت دلیل کند که بکاری مشغول
شود که از آن شغل ویرا منفعت رسد واگر زبور همی خواند دلیل کند کردارهای نیك اختیار
کند واگر زبور را ظاهر خواند کردارهایش که کند بریا و نفاق بود زجر بدانکه زجر
بتازی فال گرفتن بود ببانك مرغان و دلیل تاویلش باطلها و غرور دنیا باشد و او در خواب
دیدن دلیل از راه دین نکوهیده بود ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که ببانك مرغ فال همی گرفت
دلیل کند که بباطل و غرور دنیا مایل بود و در راه دین ضعیف باشد جابر مغربی گوید که اگر
کسی ببانك مرغ فال همی گرفت و بانك آن مرد بعدد مزد بود دلیل بر خیر و صلاح کند و
اگر بانك آن مرغ بعدد جفت بود دلیل کند بر شر و فساد که سرانجام بد بود و بعضی از معبران
گفته‌اند که اگر بانك مرغ بعدد جفت بود دلیل کند که بیمار شود و سرانجام شفا یابد زخم
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر تن زخم داشت و اثر خون در وی پدیدار شده بود
دلیل کند که بر زننده ظفر یابد و نیز خیر و منفعت بدو رسد واگر بیند که اثر خون در آن
زخم پدیدار بود تاویلش بخلاف این باشد که یاد کردیم اگر بیند که از جایگاه زخم وی خون
روان شد و اندامهاش بدان آلوده گشت دلیل کند که مال حرام یابد واگر هیچ اندامش
بدان خون آلوده نگشت دلیل کند که زننده ویرا بگناهی متهم کند کرمانی گوید اگر کسی
بیند که بر تن وی زخم رسید و اندامهاش بخون آن زخم آلوده گشت دلیل کند که
بقدر آن خون که بر زخم روان شد در مالش نقصانی آید حضرت امام جعفر

صادق علیه السلم گوید دیدن زخم در خواب بر سه وجه بود یکی ظفر یافتن دوم خیرات و منفعت
رسیدن سوم نقصانی مال خاصه که از جایگاه زخم خون روان بیند جابر مغربی
گوید که زخم دره دیدن در خواب دلیل بر کار مشکل کند که بظاهر شود اگر بیند که از آن
زخم خون همی رفت دلیل کند که کسی بر وی دروغ گوید و از آن پس ویرا ظاهر شود که آن سخن
دروغ بوده است اگر جایگاه آن زخم آماس شود دلیل کند مال یابد و عیش خوش ولیکن
از دوستان و خویشان بدان مفارقت جوید زرده چوبه ابن سیرین گوید که
دیدن زرده چوبه در خواب دلیل کند برنج و بیماری واگر بیند که بخروار زرده چوبه
داشت دلیل کند که ویرا مضرت و زیان رسد واگر بیند که بزرده چوبه خود را اندر همی
کرد دلیل کند که بیمار شود واگر بیند که جامه از آن رنگ بود تاویل بیماری بنفس او فتد جامه
افتد و علی الجمله دیدن وی هیچ خیری نباشد زدن دانیال گوید اگر بیند که ویرا تازیانه
زدند چنانکه اثر زخم زدن بر تن وی پدیدار شد یا دست و پایش را سخت ببستند یا ویرا
با ستون ببستند و چندان بزدند که از تن وی خون روان شد الذین جمله دلیل بد باشد
و نیز دلیل کند که کسی ویرا بزبان برنجاند و سخنهای سخت بدو گوید چنانکه از آن غمگین و
رنجور دل شود و بقدر خون که از تن وی روان شد ویرا گزند و مضرت رسد ابن سیرین
گوید که اگر بیند که ویرا تازیانه زدند بی آنکه دست و پای وی ببستند و اگر از تن وی خون
روان شد و اگر نشد دلیل کند که مال حرام یابد خاصه که بیند که اندامهایش بخون آلوده
گشت واگر بیند که نشان خستگی از زخم خون در تن وی پدیدار شد دلیل کند که بر قدر
آن از هر کسی فایده یابد و بعضی از معبران گفته‌اند که جامهٔ نو بپوشد کرمانی گوید اگر
بیند که کسی بر پشت وی بتازیانه بزد و از جایگاه زخم خون بیرون آمد دلیل کند که
مال حرام یابد یا زننده ویرا بگناه متهم گرداند واگر بر پشت خویش تن زخم تازیانه دید
و ندانست که ویرا کند دلیل کند که شغل دنیائی و دینی وی نیکو بود واگر بیند که تازیانه
بر سر کسی بزد چنانکه تازیانه پاره پاره گشت دلیل کند که خاندان وی پراکنده کردند
واگر بیند که بی اندازه و شمار کسی را بتازیانه بزد دلیل کند که ویرا غم و زیان رسد واگر

بیند که کسی ویرا بچوب بزد دلیل کند که غمگین و مستمند شود بسبب تزکید دین و مناقو واکر
محتسب ویرا بدره بزد دلیل کند که سلطان ویرا عمل دهد و پشتش قوی کردد واکر بیند که کسی
ویرا بکلوخ بزد دلیل کند که از انکس منفعت یابد واکر بیند کسی بکلوخ بر پشت وی بزد
دلیل کند که کسی ویرا نصیحت کند واکر بیند که کسی ویرا بمشت بزد دلیل کند که بر قدر
آن رنج که بدو رسید از زننده وی را غم و اندوه رسد واکر بیند که بروی کسی طپانچه بزد
دلیل کند که از کسی سخنی سخت شنود چنانکه آب روی وی بشود جابر مغربی کوید که اکر کسی
ویرا بزد و نداند که زننده کیست دلیل کند که خیر و مال یابد و جامهٔ نو پوشد و بدانکه
بهترین زدن در تعبیر خواب آنست که زننده را نشناسد و بوقت زدن دست و پایش
بسته بود واکر بیند که از بیم زخم چوب همی ترسد دلیل کند که از آن چوب و زخم ایمن شود
واکر بیند که انکه ویرا بچوب یا بتازیانه همیزد کسی معروفست و آشنا بود دلیل کند که از انکس
بدو خیری رسد و زننده را نیك نباشد اسمعیل اشعث کوید که اکر بیند که مرده ویرا همی زند
دلیل کند که در سفر منفعت یابد یا چیزی که از و رفته باشد بدستش آید واکر بیند که او مرده
را همیزد دلیل کند که ویرا در دین قوت بود و بعضی از معبران کفته اند که وامش کزارده
شود واکر بیند که مرده را همیزد و آن مرده در آن زدن راضی بود دلیل کند که حال آن مرده
باخرت نیك باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که زدن در خواب بر شش وجه بود
یکی شناعت باشد دوم جدل کردن سوم پیان شدن کار مشکل چهارم سفر باشد
پنجم شرف و بزرکی ششم مال حرام **زر** ابن سیرین کوید که زر در خواب مردم را غرامت
و غم و اندوه بود و زنان را نیك باشد اکر بیند که زر یافت یا کسی بدو داد دلیل کند که بر
قدر آن از مالش ضایع شود یا تاوان بکذارد و باشد که پادشاه بر وی خشم کیرد واکر زر را نیز پاره
و اوانی بیند آنچه کفتیم آسانتر بیند واکر زر صحیفه یا بسکه بیند بدتر و ناپسندیده تر باشد
کرمانی کوید که اکر بیند که زر پلیم همی کداخت دلیل کند که در زبان مردم افتد بدی
واکر بیند که زر همی خرید و فروخت دلیل کند که ویرا غم و اندوه رسد واکر بیند که بخروار زر
را بخانه برد دلیل کند که مال یابد واکر بیند که زر را همی خورد دلیل کند که بر قدر آن مال حرام

بر عیال خویش هزینه کند جابر مغربی کوید که زر در خواب مردان بد بود اما اکر کسی زر و سیم
هر دو بیکجای بیند دلیل کند که مال و عز و جاه یابد واکر کان سیم دلیل کند که دختری مهتری
بزن کند و از و غمکین و اندوهکین شود و بدانکه زر بخواب مردی باشد دروغ زن اکر بیند
که با زرکری نشسته بود یا با وی معاملت میکرد دلیل کند که با دروغ زنی ویرا سر و کار افتد
و تاویل دینار بحرف دال بیان کرده شد **زردالو** ابن سیرین کوید که زردالو چون بوقت
وی باشد و او بطعم شیرین بود دلیل کند که بهر زردالوئی که بخورد دیناری ویرا حاصل کردد
واکر زردالو ترش باشد بیماری و غم و اندوه و خصومت بود و بعضی از معبران کفته اند که زردالو
بتاویل کنیزك باشد یا مال یا نعمت و منفعت بود کرمانی کوید اکر بیند که استخوان زردالو
بشکست و او تلخ بود دلیل کند که غم و اندوه بدو رسد واکر شیرین بود دلیل کند که از
مردی باصل منفعت یابد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که زردالو که بوقتش
بیند ترش طعم بود غم و اندوه و بیماری بود **زرد** ابن سیرین کوید که زردیها در خواب
جمله درد و بیماری بود انجامها و خوردنیها و میوها و آنچه بدین ماند اکر بیند که جامهٔ
زرد پوشیده داشت و طعامی زرد یا میوهٔ زرد همیخورد دلیل کند که این جمله با درد و بیماری
و رنج و غم و اندوه بود جابر مغربی کوید اکر بیند که جامهٔ زرد پوشیده داشت دلیل کند
که بیمار کردد واکر بیند که با آنکه جامهٔ زرد پوشیده است طعامی زرد همیخورد دلیل کند
که بیماری وی صعبتر باشد واکر بیند که با طعام زرد میوهٔ زرد همیخورد دلیل کند که بیماری
وی بتر شود و دشوارتر باشد **زرشك** ابن سیرین کوید که دیدن زرشك در خواب
دلیل بر غم و اندوه کند اکر بیند که زرشك همیخورد دلیل کند که غم و اندوه وی بتر و
صعبتر باشد واکر بیند که زرشك از درخت وی جمع همیکرد دلیل کند که با مردی
بخیل و یرا خصومت افتد **زرنیخ** ابن سیرین کوید که زرنیخ در خواب رنج و بیماری
بود اکر بیند که زرنیخ همی خورد دلیل کند که بیمار شود و در آن بیماری هلاك شود واکر
بیند که زرنیخ را بفروخت یا بکسی بخشید یا از وی ضایع شد دلیل کند که از شر بیماری
ایمن شود جابر مغربی کوید اکر بیند که کان زرنیخ یافت و از انجا خروارها زرنیخ

بخانه برد دلیل کند که مالی بسیار بدست آرد و آن مال را به بیماری هزینه کند واکر بیند که
زرنیخ در جایکاهی مجهول جمع همیکرد دلیل کند که در سفر بیمار شود **زره** ابن سیرین کوید
اکر بیند که زره پوشیده داشت دلیل کند که از آفت دشمن ایمن کردد واکر بیند که زره از و
ضایع شد کشت دلیل کند که دشمن بروی چیره کردد واکر بیند که کسی بدو زره برود اد
و آن زره بپوشید دلیل کند که آنکس با وی بعذر کردن دشمن یار باشد و نصرت و یاری
وی کند و بعضی از معبران کفته اند که زره حصنی بود در دین که ویرا نکاه دارد کرمانی کوید اکر
کسی بیند که زره داشت دلیل کند که ایمنی بود او و اهل بیت او را از آفت دشمنان اکر بیند
که زره پوشیده داشت دلیل کند که حصار تن وی بود از بدی حاسدان و دشمنان
چنانکه هیچکس را بروی ظفر نیابد واکر بیند که با زره سلیح تمام پوشیده داشت دلیل
کند که از مکر دوست و شر عاما ایمن کردد حضرة امام جعفر صادق علیه السلام کوید
که دیدن زره در خواب بر شش وجه بود یکی ایمنی باشد دوم حصن دین سوم قوت
چهارم مال پنجم زندکانی ششم نیکوئی و زره کرم وی باشد که ادب آموزد مردمان را
زعفران ابن سیرین کوید که اکر در خواب بیند که زعفران داشت دلیل کند که
بر قدر آن مردمان ویرا مدح و ثنا کویند خاصه که بیند که زعفران وی فاسوده بود واکر بیند
که زعفران سائی همیکرد دلیل کند که بیمار شود واکر بیند که رنك زعفران بر تن وی یا بر جامه اش
بماند دلیل کند که هم بر مردی بیمار واکر بیند که رنك زعفران بشست و تن خویش یا جامهٔ
خویش از رنك وی پاکیزه کرد دلیل کند که از بیماری زود شفا یابد کرمانی کوید اکر بیند که
زعفران ناکوفته کسی بدو داد یا بخرید دلیل کند که زنی توانکر بخواهد و بدانکه حکم زعفران
آن وقت باشد که کسی اندام یا جامه را از و زند کند دلیل کند بر بیماری و چون بجامه را
زرد کرد دلیل بر غم و اندیشه کند که زعفران همیخورد دلیل بر رنج تن و بیماری کند واکر
بیند که بخروارها زعفران داشت دلیل کند که مال و نعمت بسیار ویرا حاصل کردد بدان
قدر که دیده باشد و مردمان مدح و ثنایش کنند **زغن** بدانکه زغن مرغ کوشت ربا
بود و او دلیل کند بر پادشاه متواضع ابن سیرین کوید اکر بیند که زغن مطیع و فرمان

بروی بود دلیل کند که از پادشاه بزرکی ویرا مال یابد واکر بیند که زغن مطیع و فرمان بر
وی نبود و شکار نمیکرد دلیل کند که غلامی یابد که آن غلام پادشاه کرده واکر زنش بیند که
آبستن بود ویرا پسری آید که آن پسر پادشاه شود یا از پادشاه میراث و بزرکی یابد
کرمانی کوید اکر بیند که زغن از دست وی بپرید دلیل کند که فرزندش از شکم مادر مرده
آید یا بطفلی از دنیا رحلت کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن زغن
در خواب بر چهار وجه بود یکی پادشاه متواضع بود دوم بزرکواری سوم فرزند
چهارم مال و نعمت باشد **زفت** ابن سیرین کوید که زفت در خواب غم و رنج و
اندوه باشد اکر بیند که زفت داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که در رنج و اندوه و غم
کرفتار شود واکر بیند که زفت همیخورد دلیل کند که رنج و اندوه وی از سبب عیالان باشد
واکر بیند که زفت را بکسی بخشید یا بفروخت یا از خانه بیرون افکند دلیل کند که از
غم و اندوه فرج یابد جابر مغربی کوید اکر بیند که زفت را بجراحتی نهاد و آن جراحت
درست کشت دلیل کند که از کسی خیر و راحت بدو رسد واکر بیند که جامهٔ وی بزفت
آلوده کشت دلیل کند که کاری کند که از آن کار ویرا بدنامی و رسوائی باشد **زکوة
دادن** ابن سیرین کوید اکر کسی بیند که زکوة مال همی داد دلیل کند که نعمت و مالش
بزیادت شود واکر بیند که زکوة فطر همیداد دلیل کند که نماز و تسبیح بسیار کند و رستکاری
یابد **قوله تعالی** قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى واکر وامی دارد کزارده شود واکر بیمار بود
شفا و اکر دشمنی دارد بروی ظفر یابد کرمانی کوید اکر کسی بیند که زکوة مال همیداد
دلیل کند که مال وی در حصن بود و بلاها از وی دفع شود چنانکه پیغمبر علیه الصلوة و
السلام فرمود حَصِّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَوٰةِ یعنی حصن بسازید مالهای خویش را
بزکوة دادن جابر مغربی کوید اکر کسی بیند که زکوة مال همیداد دلیل کند که مالش بیوسته
افزون بود **قوله تعالی** وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَوٰةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ
حضرة امام جعفر صادق علیه السلام کوید که زکوة و صدقه دادن بخواب بر شش وجه
باشد یکی بشارت بود دوم خیر و برکت سوم بیان شدن کارهای مشکل چهارم قضای

حاجت پنجم روشنائی ششم از غم رستن هفتم زیادتی مال هشتم بر دشمن ظفر یافتن
زکال ابن سیرین گوید که زکال بخواب مال الحرام بود و اگر بیند که زکال انجای فرا گرفت یا
کسی بدو داد دلیل کند که بر قدر آن ویرا مال حرام حاصل گردد و اگر بیند که زکال بر آتش نهاد
و آتش با نیك برافروخت دلیل کند که با پادشاه معامله کند و از و مال و بزرگی یابد کرمانی
گوید که زکال در خواب مال و خواسته بود از قبل سلطان اگر بیند که زکال یافت یا کسی بدو
داد دلیل کند که بر قدر آن از سلطان مال حرام یابد و اگر بیند که جامه یا اندامش بزکال سیاه شد
دلیل کند که ویرا از سلطان غم و رنج و مضرت رسد اگر بیند که زکال همیخورد دلیل کند
که مال حرام خورد و باشد که سرانجام ویرا از سلطان غم و اندوه رسد **زکام** ابن سیرین گوید
اگر کسی بیند که ویرا بخواب علت زکام بود دلیل کند که اندك بیمار شود و زود شفا
یابد و هرچند که زکام صعبتر بیند بیماری وی سخت تر باشد کرمانی گوید اگر کسی بیند
که ویرا از کام بود دلیل کند که بر کسی خشم گیرد بر قدر زکام بعد از آن بزودی با وی صلح
کند و سرانجام شادمانه و خرم گردد از آنکس حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید
که دیدن زکام در خواب بر سه وجه بود یکی بیماری اندك باشد دوم خشم گرفتن بر کسی سوم منفعت اندك یافتن **زلابیه**
ابن سیرین گوید که خوردن زلابیه در خواب دلیل کند بر جهد و کوشش بیرون انداخته و
یافتن مال بسیار از اندازه نعمت و شادی اگر بیند که زلابیه داشت یا کسی بدو داد و از و
همی خورد دلیل کند که بر قدر آن ویرا مال و نعمت حاصل شود بجهد و کوشش و از آنکس
پس خرم و شاد شود و اگر بیند که اندکی زلابیه کسی در دهان وی نهاد دلیل کند که از کسی
سخنی شنود لطیف جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که زلابیه بی زعفران همیخورد دلیل
کند که بر قدر آن مال یابد و اگر زلابیه بزعفران میخورد دلیل کند بر بیماری **زلزله** ابن
سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که زمین همی جنبید دلیل کند که مردم آن دیار را از
پادشاهی رنج و بلائی عظیم رسد بقدر جنبیدن زمین و بعضی از معبران گفته اند
که آفت رسد بر مردم آن دیار از بیماری بقدر جنبیدن زمین و اگر بیند که زمین
بر گردید و جانب زیر سوی بالا گردید دلیل کند که فتنه و بلای عظیم باهل آن دیار رسد

کرمانی

کرمانی گوید اگر بیند که زمین آهسته بجنبید دلیل کند که آن سال سالی با برکت بود یا
خیر بسیار و اگر بیند که زمین سخت بجنبید و یکجانب فرو رفت و یکجانب برجای
خویش بود دلیل کند که پادشاهی دران زمین آید و اهل ویرا عذاب کند و تاراج
برد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که زلزله و زمین فرو شدن بخواب محنت
و بلائی عظیم بود از قبل پادشاه و یا قحط و بیماری عظیم بود **قوله تعالی** فخسفنا
به و بداره الارض و بهر حال زمین لرزه بخواب عقوبت و علامت بد بود از
خدای عز و جل بر مردمان آن دیار تا اینقدر معلوم باشد **زمرد** ابن سیرین گوید
که زمرد در خواب فرزند و برادران باشد یا مال حلال و شایسته اگر بیند که زمرد داشت
یا کسی بدو داد دلیل کند که ویرا فرزندی آید و یا برادری و از و خیر و منفعت یابد و اگر
بیند که زمرد وی ضایع شد دلیل کند که فرزند یا برادرش از دنیا رحلت کند یا از دیدار
او غایب شوند و مالشان از دست بشود کرمانی گوید که زمرد بخواب مذهب
نیکو بود و دین و بر زیادت و نقصان که در زمرد بیند حکم دلیلش از نیك و بد بود در
دین وی جابر مغربی گوید که زمرد در خواب کنیزك بود و حکم دلیل آن از نیك
و بد بکنیزك باز گردد و بعضی از معبران گفته اند که زمرد دیدن در خواب سخنی نیکو
باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که زمرد در خواب بر پنج وجه بود
یکی فرزند باشد دوم برادر سوم مال حلال چهارم کنیزك خوبروی پنجم کلام نیکو
و هر چند زمرد بهتر بود این دلیلها که گفتیم اختیار تر باشد **زمستان** ابن سیرین گوید
که زمستان در خواب پادشاه بود و اگر بخواب بیند که زمستان بود و سرمای سخت
چنانکه مردمان را زیان نداشت دلیل کند که اهل آن دیار از پادشاه خیر و راحت رسد
چنانکه زمستان بوقت خویش بهتر باشد که بیند کرمانی گوید اگر کسی زمستان
دید بوقت خویش چنانکه سرما سخت صعب نبود دلیل کند که عز و دولتش
بر زیادت شود و مردم عامه را از پادشاه قوت و نصرت و عدل و انصاف
پادشاه بر زیادت بود **زمین** دانیال گوید که زمین در خواب زن بود اگر

[illegible marginal note]

کسی بیند که ویرا زمینی بود فراخ و بزرك چنانکه از اول تا آخر جمله دیدار بود و خاك
آن زمین پاکیزه بود دلیل کند که او را زنی بستر و صلاح چنانکه ویرا در میان زنان فضل
و منزلت و جاه بقدر فراخی و بزرگی آن زمین پس اگر زمین سخت بزرك بود چنانکه کشت
اش دیدار نبود دلیل کند که از آن زن ویرا نعمت و اسباب دنیا بسیار برسد بقدر
بزرگی زمین پس اگر در آن زمین نبات و سبزه مجهول بود و ندانند که آن زمین ملك
اوست دلیل کند که آنکس مسلمان و دیندار باشد زیرا که سبزه در خواب اسلام بود ابن
سیرین گوید اگر بیند که در زمین سبزه و نبات معروف بود یا در خواب دلیل
کند که ویرا فضل و دیانت باشد پس اگر بیند که در زمین عمارت و بنا همیکرد بدانکه کار
فضل دین و دیانت و ویرا سرانجام اجر و ثواب آخرت باشد و اگر بیند که او در زمین
صحرا بود مانند بیابان و آن زمین نشناسد دلیل کند که او سفری زود بکند و اگر
بیند که زمین را همیکند و خاکش را همیخورد دلیل کند که مال یابد بقدر آن که خاك که خورده
باشد و اگر بیند که اندر زمین ناپیدا شد بی آنکه در آنجا مغاك بود دلیل کند که هلاك شود
و اگر بیند که زمین را مانند چاه یا مانند سردابه همیکند دلیل کند که مال دنیا بمکر و
حیلت بدست آرد و اگر بیند که زمین ویرا فرا گرفت دلیل کند که در غم و بلا و مصیبت
افتد و از قبل زن مال تلف شود و اگر بیند که از زمین فراغ بر زمین شك همرفت
دلیل کند که از کار نیك بکار بد افتد ابوبکر صدیق گوید که از مسلمانی بکافری شود
جابر مغربی گوید که اگر بیند که زمین با وی سخن گفت و بخیر و نیکی ویرا مژده داد
بدانکه در دنیا خیر بسیار کند چنانکه از آن مردم بشگفت مانند و بعد از وفاتش
ویرا بنیکی یاد کنند و اگر نداند که زمین با وی چه گفت و سخنش در نیافت بدانکه
خیراتی کند کسی آنرا بیاد نیارد و اگر بیند که زمین در زیر پایش در نوشت دلیل
کند که عمرش باخر آمده باشد و اگر بیند که برخی از زمین در پیش وی بنوشت
دلیل کند بر نیکی معیشت وی و اگر آن زمین را خداوندی بود معروف نیکی
معیشت خداوند زمین را باشد و اگر بیند که زمین خویش را فراخ بکسترد و بزرگ

شد دلیل

شد دلیل کند بر درازی عمر خداوند زمین و فراخی معیشت وی و اگر بیند که برخی از
زمین فراخ شد دلیل کند بر فراخی معیشت وی بر قدر فراخی زمین و اگر بیند که
زمین را همی پیمود دلیل کند که بسفر شود اسمعیل الاشعث گوید اگر بیند که زمین را از بهر
کشت همی شکافت دلیل کند که بشغلی بزرك مشغول گردد و از قبل آن منفعت یابد یا
از سفر نعمتی بدست آرد و اگر زمین خویش را آبادان دید دلیل کند که کارش قوی
گردد و اگر ویرا خراب دید کارش ضعیف و معطل گردد یا با کسی ویرا خصومت افتد و
اگر خویشتن را در زمین کشته بیند دلیل کند که با کسی ویرا انبازی بود یا زنی بنکاح
بخواهد و اگر خویشتن در زمین دید کشته و سبز گشته و در میان وی گل بر آمد دلیل کند که
زنی پارسا و پاکدین با زنی خواهد و از و فرزندش آید و اگر بیند که باد یا آفتاب آن گل
را فرو ریخت دلیل کند که فرزندش نماند و اگر بیند که آب رود بیامد و زمین او غرقه کرد و آن
کشت را تباه کردانید دلیل کند که از پادشاه ویرا زیان رسد و اگر بیند که آب از زمین
وی بیرون آمد و هیچ زیان در آنجا نکرد دلیل کند که از پادشاه سلامت یابد حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن زمین در خواب بر چهار وجه بود یکی زن باشد
دوم دنیا سوم مال چهارم ولایت یعنی فرمان روائی **زن** ابن سیرین گوید که زن جوان
در خواب شادی و مقصود مرد بود و زن پیر دنیا باشد و همت دراز و شغل این
جهانی و نیز دیدن زن در خواب بر قدر خوبی و جمال و فربهی و لاغری و زشتی وی
بود و بهترین زنان که در خواب بیند زنانی باشند و نه بدکار بوند اما زن فربه و
خوبروی در خواب فراخی بود و زن لاغر و زشت روی قحط و تنگی باشد و نیز زن
آراسته و شادمانه مرادهای این جهانی بود و پیرزن چرکن و بد روی بدحالی و
بیمرادی این جهانی بود کرمانی گوید اگر بیند که ویرا قضیب بود چون قضیب مردان
اگر ویرا فرزند بود و یا آبستن بود فرزندی بیاورد که آن فرزندش بر جمله خاندان
و خویشان وی مهتر و سرور باشد و مادرش بزرگی و شرف یابد و اگر آبستن نبود
و نیز فرزندش نباشد دلیل کند که هرگز فرزند نیارد و اگر فرزند نه ادرد دلیل کند که بحد بلاغت

نرسد واگر زنی بیند که بیرشتن بود وبسال جوان باشد دلیل کند بر خیر وصلاح دین و
دنیائی وی واگر زنی بیند که او مرد شد وقضیب داشت وباکسی مجامعت میکرد دلیل کند
که ازوی کاری زشت بوجود آید که دران کار ویرا رسوائی وبدنامی بود واگر مردی بیند که
زنش باوی ازسوی پس مجامعت میکرد دلیل کند که حرمت وبزرگی وی زایل شود ومکر ویرا زنی
دیگر بود که این زن را طلاق دهد واز وی جدا شود واگر زنی بیند که او مرد شد وجامه مردان
بوشید اگر زن شیره بود دلیل کند که بر خیر وصلاح واگر زن مفسده باشد دلیل کند بر شر و
فساد جابر مغربی گوید که زنان روسی درخواب اهل دنیا را زیادتی دنیا بود واهل صلاح
را زیادتی علم وصلاح باشد وزن او وزن غریب بتاویل بهتر از زن آشنا بود واگر مردی
بیند که زن وی کسی دست دراز کرد دلیل کند که اهل بیت آن زن توانگر شوند واگر بیند
که زن وی به نزدیک مردمان بیگانه بفساد شد دلیل کند که زنش آبستن بود ویرا فرزندی
آید واگر آبستن نبود دلیل کند که منفعت ونیکوئی رسد ویرا یا شوهر را از آن مردان یا از
خویشان آن مردان واگر بیند که کسی ویرا نیزه داد یا شمشیر دلیل کند که پسر زاید واگر بیند
که کسی ویرا دوک داد دلیل کند که دختر زاید حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
گوید که دیدن زن درخواب بر شش وجه بود یکی شادی ومقصود باشد دوم دنیا سوم
شغل این جهانی چهارم فراخی نعمت پنجم قحط وتنگی ششم توانگری بود **زنار** ابن سیرین گوید
اگر کسی بیند که زنار بر میان داشت دلیل کند که اگر مستور بود پاکدین وبا امانت باشد و
یا نیمه از عمر وی گذشته بود یا انصاف از خصم بیابد واگر خداوند خواب مستور نبود بزودی
توبه بایدش کردن از گناه که علامت بد باشد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که زناری
در دست داشت دلیل کند که در دین ضعیف بود واگر بیند که زنار در میان داشت بسته
وخداوند خواب مستور بود بیم است که کافر شود واگر بیند که زنار را از میان برید وبینداخت
دلیل کند که از کارها توبه کند وبخدای بازگردد وبکردهای بد پشیمانی خورد وراه صلاح
اختیار کند **زنبور** ابن سیرین گوید که زنبور درخواب مردم دون وسفله بود واگر بیند که
زنبور ویرا بگزید دلیل کند که از مردی فرومایه ویرا رنج ومکروهی رسد یا از کسی دون

سخنی

سخنی مکروه وناخوش شنود واگر بیند که بسیار زنبور بروی جمع شدند دلیل کند که در میان
مردمان دون گرفتار شود واز ایشان بر وی مکروه رسد خاصه که بیند که زنبوران وی را
همی گزیدند کرمانی گوید اگر کسی بیند که زنبور ویرا بگزید دلیل کند که با زنان بدسخن چین
ویرا شغلی افتد واگر بیند که زنبوران را بکشت دلیل کند که بر دشمنان ظفر یابد ومراد خویش
حاصل کند واگر بیند واگر بیند که از هوا زنبوران بقیاس در جایگاهی آمده اند دلیل
کند که در آنجا لشکر آید حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن زنبور در
خواب بر شش وجه بود یکی غوغا باشد دوم مردم دون وفرومایه سیوم
لشکر چهارم ملخ پنجم دشمن ششم فرزندان **زنبیل** ابن سیرین گوید که زنبیل
درخواب زن بود یا کنیزک باشد اگر بیند که زنبیلی داشت یا کسی بدو داد دلیل کند
که زن خواهد یا کنیزک خرد واگر بیند که زنبیل وی ضایع شد یا بسوخت دلیل کند که زن
وی هلاک شود یا طلاقش دهد کرمانی گوید که زنبیل درخواب خادم بود واگر بیند
که زنبیلی داشت دلیل کند که ویرا خادمی حاصل شود وبعضی از معبران گفته اند که زنبیل
مال ونعمت بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که زنبیل درخواب بر نه وجه
بود یکی زن باشد دوم خادم سوم کنیزک چهارم قوام دین پنجم صلاح
تن ششم عمر دراز هفتم مال ونعمت هشتم خیر وبرکت نهم میراث از جهت زنان
وبدانکه زنبیل با قیمت بتاویل خداوند کار بود **زنجبیل** ابن سیرین گوید که زنجبیل درخواب
دلیل بر غم واندوه کند وخوردن وی دلیل بر مضرت وزیان کند وبعضی از معبران
گفته اند که خوردن زنجبیل دلیل بر خصومت وگفتگوی بود بر قدر آنکه خورده باشد
وعلی الجمله دیدن وخوردن وی درخواب هیچ خیری نباشد **زنجیر** ابن سیرین گوید
که زنجیر درخواب مصیبت باشد وگناه بود اگر بیند که زنجیری داشت دراز وقوی
وداند که آن زنجیر ملک اوست دلیل کند که بر قدر آن ویرا معصیت وگناه بود واگر بیند
که زنجیر کوتاه وصعب داشت دلیل کند که گناه ومعصیت اندک باشد واگر بیند
که زنجیر را گسست وبینداخت دلیل کند که از گناه توبه کند وبخدای بازگردد جابر مغربی

گوید اگر کسی بیند که در گردن زنجیر داشت دلیل کند که ظالم در گردن دارد واگر بیند که
زنجیر در دستها داشت دلیل کند که بمال مردمان دست درازی کند واز حرام بیندیشد
واگر بیند که بر پایها داشت دلیل کند که در خاندان کسان بمعصیت وفساد شود وبدانکه زنجیر
کردن خواب مردی عاصی وگناهکار بود **زنخ** ابن سیرین گوید که زنخ درخواب مهتر
خاندان وخداوند شغل بسیار بود واگر بیند که زنخ وی سبز وبزرگ بود دلیل کند مهتر
دودمان شود واشغال بسیار ویرا پدید آید واگر بیند که زنخ وی بشکست یا بیفتاد دلیل
کند که پیش دودمان واهل بیت خوار وحقیر گردد ونیز بیکاره گشته شود جابر مغربی
گوید اگر بیند کسی سنگ یا چوب بر زنخ وی زد دلیل کند که مهتر خاندانش ویرا سخنی سخت
گوید که از آن سخن دلش رنجور گردد واگر بیند که از زنخ وی خون روان شد دلیل کند
که از مهتر خاندان بر قدر آن خون رفتن ویرا زیانی رسد وبعضی از معبران گفته اند که
کسب وکارش بنقصان شود ومعیشت بتنگی گذارد **زندان** ابن سیرین گوید که کسی اورا
بزندان کرد که آن زندان را ندیده بود ونشناخت دلیل کند که هلاک شود زیرا که زندان
مجهول گور بود واگر آن زندان معروف بود دلیل بر غم واندوه کند ومضرت واگر بیند
که در زندان بند بر پای نهاده بود دلیل کند که اندر عملی که باشد دیر بماند ولیکن با غم
وتفکر بود کرمانی گوید اگر خداوند خواب مستور بود وخویشتن را در زندانی معروف
بیند دلیل کند که بزرگی یابد ودین خویش را نیکو گرداند واگر مستور نبود از جهت
شغلهای دنیا ویرا غم واندوه پیش آید واگر بیند که از زندانی با بند همی رفت دلیل
کند که کار بسته ویرا امید گشادن باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید
که دیدن زندان درخواب چون معروف بود یافتن آرزو باشد وعاقبتش نیکو بود **قوله
تعالی** قَالَ رَبِّ السِّجْنُ اَحَبُّ اِلَیَّ مِمَّا یَدْعُونَنِیْ اِلَیْهِ وچون مجهول بود گور باشد
وغم واندوه چنانکه یوسف علیه السلام فرمود السجن قبر الاحیاء ومنزل البلوی وتجربة الاصدقا
وشماتة الاعداء یعنی زندان بخواب دیدن گور زندگان است وجایگاه بلا است
وآزمایش دوستان است وخرم کردن دشمنان است اگر بیند که اندر زندان شد

وزود

ونفود بیرون آمد دلیل کند که مراد خویش بتمامی بیابد **زنگار** ابن سیرین گوید که زنگار
درخواب دلیل بر غم واندوه کند وخوردن وی درخواب دلیل بر هلاک کند وعلی
الجمله در دیدن وی هیچ خیر ومنفعت نباشد ورنگ زنگاری در نقشها دیدن دلیل بر آرایش
کند **زنگله** ابن سیرین گوید که زنگله درخواب دلیل بر جنگ وخصومت کند اگر کسی
بیند که زنگله داشت دلیل کند که ویرا با کسی جنگ وخصومت باشد وبدانکه بانگ داشتن
بود بر قدر آنچه دیده باشد واگر بیند که کسی معروف وآشنا زنگله بدو داد دلیل کند که با آنکس
ویرا گفتگوی وخصومت باشد جابر مغربی گوید اگر بیند که زنگله زرین داشت یا کسی
بدو داد دلیل که ویرا با کسی توانگر وخداوند مال گفتگوی وخصومت بود واگر بیند که زنگله
سیمین بود همین دلیل کند واگر زنگله برنجین بود یا مسین دلیل کند که ویرا با مردی جاهل
وعامی خصومت وگفتگوی بود **زهار** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر زهار خویش
همی نگریست وچنانک نشست که هرگز آنجا موی نبوده است دلیل کند که کار بروی
بسته شود واگر بیند که بر زهار وی موی رسته بود دلیل کند که غمگین ومستمند شود
از سبب زنان واگر بیند که بر زهارش درد ورنجی پدید آمد یا ریش شد دلیل کند که بر
قدر آن ویرا رنج ومضرت رسد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن
زهار درخواب بر دو وجه بود یکی زن باشد دوم مال وهر زیادت ونقصان
که در زهار بیند تاویل آن بر زن ومال وی افتد تا اینقدر معلوم باشد **زهر**
ابن سیرین گوید که زهر خوردن درخواب مال حرام بود وحرب وکشتن بناحق اگر بیند
که زهر همی خورد دلیل کند که بر قدر آن مال الحرام خورد ویا شد که خون بناحق ریزد واگر بیند
که تن وی بزهر آلوده است دلیل کند که بکاری را فرا گرفتن سخت حریص بود وبعضی از
معبران گفته اند که سخنی بروی بندند واو را بدان سخن الزام کنند واگر بیند که
تن ویرا از آن زهر گزند رسید دلیل کند که بر قدر آن ویرا غم واندوه وبلا رسد واگر بیند
که زهر خورد وتنش آماسیده شد دلیل کند که بر قدر آماس تن مال برنج وسختی بدست
آرد وبعضی گفته اند اگر بیند که زهر خورد دلیل کند که خشم از کسی فرو خورد حضرت

امام جعفر صادق علیه السلام کوید که زهر در خواب دیدن بر پنج وجه است یکی مال حرام ؛ دوم فرو بستن کار ؛ سوم غم و اندوه ؛ چهارم خشم فرو خوردن ؛ پنجم منفعت بود که برنج حاصل آید **زهره** ابن سیرین کوید اگر کسی بیند که زهرهٔ مردم همی خورد دلیل کند که خشم فرو خورد و اگر بیند زهرهٔ چهارپای را همی خورد دلیل کند که بقدر آن مال حرام یابد اگر بیند که زهرهٔ دده همی خورد دلیل کند که بدخو و خشمناك شود و با مردم کار ساز نکند جابر مغربی کوید اگر کسی بیند که تن وی بزهرهٔ مردمان آلوده گشت دلیل کند که آزار مردم جوید و اگر بیند که تنش بزهرهٔ چهارپای آلوده گشت دلیل کند که لباس حرام پوشد و اگر بیند که تنش بزهرهٔ دده آلوده گشت دلیل کند که صحبت با کسی کند که بدخوی و ناسازکار بود **زوبین** ابن سیرین کوید اگر کسی بیند که زوبین در دست داشت و از جملهٔ سلیح جز زوبین با وی نبود دلیل کند که ویرا فرزندی آید و اگر بیند که با زوبین سلیحهای دیکر پوشیده بود دلیل کند که ویرا از پادشاه خیر و نیکی رسد و بر دشمنان ظفر یابد جابر مغربی کوید اگر کسی بیند که بر کسی زوبین همی انداخت دلیل کند که کسی را سخنی بد کوید و اگر بیند که کسی را بزوبین مجروح کرد دلیل کند که بهتانی بر کسی نهد **زیتون** ابن سیرین کوید که زیتون در خواب غم و اندوه باشد از آن سبب که بطعم تلخ بود و ناخوش است و بکونه سیاه اگر بیند که زیتون داشت و از وی همی خورد دلیل کند که بقدر آن غم و اندوه بدو رسد کرمانی کوید که روغن زیتون خیر و برکت باشد اگر بیند که روغن زیتون همی پالود و از وی همی خورد دلیل کند که بقدر آن خیر بدو رسد جابر مغربی کوید اگر بیند که زیتون مملح که بطعم تلخ بود با نان همی خورد دلیل کند که اندکی منفعت ویرا برنج حاصل شود **زیره با** ابن سیرین کوید که زیره با تنها و اچون میل بترشی ندارد دلیل بر منفعت و نیکویی کند و چون میل بترشی دارد دلیل بر غم و اندوه کند چون در وی زعفران کرده بود دلیل بر بیماری کند و امّا خوردن زیره در خواب دلیل بر خصومت و کفتکوی کند زیرا که بطعم تلخ و ناخوش است و همه تلخیها دلیل بر خصومت و غم و اندوه کند **زیلو** ابن سیرین کوید که زیلو را چون کسی کسترده بیند دلیل بر درازی عمر و ساختکی کار دنیا کند و هرچند

زیلو بزرکتر بود بهتر بود و چون زیلو در نوشته بیند دلیل بر نقصان عمر و درویشی کند و اکر بیند که بر زیلویی کوچك نشسته بود و آن زیلو در زیر وی فراخ شد دلیل کند که عیش و روزی بروی فراخ شود و اکر بخلاف این بیند بد بود کرمانی کوید اگر کسی بیند که زیلویی فراخ کسترده بود و آنرا بدست خویش در نوشت و بکنج خانه نهاد دلیل کند که عمر و دولت خویش را تباه کند و اکر بیند که زیلو را بر پشت نهاد و همی برد دلیل کند که بزه و کناه بسیار بروی جمع شود و اکر بیند که ویرا بر کردن نهاد دلیل کند که امانت مردمان بروی جمع شود و اکر بیند که زیلو را در نوردید و بکسی دیکر داد دلیل کند که عمرش باخر آمده باشد و اکر بیند که زیلویی کوچك و سبز داشت دلیل کند که روزی وی تنك شود و امّا عمرش دراز باشد و اکر بیند که زیلویی فراخ نیکو داشت دلیل کند که روزی وی بر وی فراخ شود امّا عمرش کوتاه بود جابر مغربی کوید اکر بیند که زیلوی وی کهن و دریده بود دلیل کند که عیش بروی دشوار کردد و عمر بتلخی کذراند و اکر بیند که زیلویی ستبر و پاکیزه داشت دلیل کند که نعمت بروی فراخ شود و اکر بیند که زیلویی مجهول افکنده بود دلیل کند که آنچه دارد از دست وی بشود و اکر بیند که زیلویی نو کسی بدو داد یا بخرید و بخانه بکسترد دلیل کند که دولت و اقبال یابد و عمرش دراز بود زیرا که کستردن زیلو بخواب دلیل بر درازی عمر کند و در نوشتن زیلو دلیل بر سپری شدن عمر کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن زیلو بخواب بر شش وجه بود یکی ساختکی کارها بود ؛ و دوم عمر ؛ و سوم روزی فراخ ؛ و چهارم عز و دولت ؛ و پنجم دشواری عیش ؛ و ششم کناه و امانت که بر کردن جمع کند چون زیلو را بر کردن بیند ؛ **زین** ابن سیرین کوید که زین در خواب زن بود چون در پشت چهارپای نباشد امّا چون بر پشت چهارپای بود حکم نیك و بدان مرکب زین باشد زیرا که زین از آلت چهارپای است اکر بیند که زینی بخرید یا کسی بدو داد دلیل کند که کنیزك بخرد یا زنی بخواهد خداوند مال و بسیار مال از میراث پدر بدو رسد و اکر بیند که زین وی بشکست

دلیل کند که زن وی بمیرد یا بیمار شود و اکر بیند که زین وی ضایع شد دلیل شد دلیل کند که از سبب زن ویرا مال و نعمت بسیار حاصل کردد و اکر بیند که زین وی بزر و سیم آراسته بود دلیل کند که زنش متکبر و خویشتن بین بود و در راه دین سست و ضعیف بود و اکر بیند که سیاه بود و هیچ آرایش نداشت دلیل کند که زنش پارسا و دین دار و با امانت بود و بدانکه زین کر در خواب دلیل کند بر قواده و بر لاابالی تا اینقدر معلوم بوده باشد والله اعلم **حرف سین از کتاب کامل التعبیر** ❁ **سار** بدانکه سار مرغی بود که بتازی ارزنور خوانند ابن سیرین کوید که او در تاویل مانند مکاری که سفر بسیار کند اکر بیند که ساری را فرا کرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که با مردی که سفر بسیار کند ویرا صحبت افتد و اکر بیند که از کوشت سار همی خورد دلیل کند که بقدر آنکه خورده باشد از کوشت وی او را خیر و منفعت رسد از آن مرد جابر مغربی کوید که دیدن سار در خواب مردی کافر بود که سخن دروغ و هذیان بسیار کوید و اکر بیند که ساران بسیار بروی جمع شدند دلیل کند که در میان کروه کافران کرفتار شود **ساطور** ابن سیرین کوید که ساطور در خواب مردی شجاع باشد و دلیل کند که فرق بود میان کارهای خوار و دشوار اکر بیند که ساطوری داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که ویرا با مردی بدین صفت که کفتیم مصاحبت افتد و از و خیر و منفعت و نصرت یابد و اکر بیند که ساطور وی بشکست یا ضایع شد دلیل کند که مردی بدان صفت که کفتیم از وی جدا شود و ترکش بکوید جابر مغربی کوید که ساطور در خواب مردی بود که کارهای دشوار بسبب او بر مردم خوار و آسان شود و از صحبتش قوت و جاه یابد خاصه که ساطور وی بزرك و قوی بود **ساعد** ابن سیرین کوید که ساعد دست دوست و انباز و معتمد مردم بود اکر بیند که ساعت دستش درست و قوی راست دلیل کند که ویرا از دوست و انباز و معتمد خیر و منفعت رسد و نیز از ایشان قوت و نصرت یابد و اکر بیند که ساعد دست وی بشکست یا بیفتاد دلیل کند که دوست و انباز وی از وجدا شود و ترکش بکوید جابر مغربی کوید اکر بیند که بر ساعد

که دست از دنیا بدارد و از کناهان پشیمان کردد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که اکر بدکردار باشد توبه باید کردن ویرا **سورة الاحقاف** ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة احقاف را همیخواند دلیل کند که فرمان مادر و پدر را بجای آرد کرمانی کوید که با پدر و مادر خود احسان کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که بسیار عجایبها بیند **سورة محمد علیه الصلوة والسلام** ابن سیرین کوید که اکر بیند سورة محمد صلی الله علیه و آله و سلم همیخواند دلیل کند که بر دشمنان ظفر و پیروزی یابد کرمانی کوید که ایزد تعالی حافظ و ناصر و معین او باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که نیکو سیرت و خوب سیرت باشد **سورة الفتح** ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة الفتح همی خواند دلیل کند که خدای تعالی ویرا نصرت دهد و در کار خیر در روزی بروی کشاده کردد کرمانی کوید که خدای عزّ و جلّ کناهش را بیامرزد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که خدای عزّ و جلّ ویرا در دو جهان توفیق دهد **سورة الحجرات** ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة حجرات را همیخواند دلیل کند که مردمان را بالقاب بخواند و غیبت نکند کرمانی کوید که آثار کسی نجوید و دل هر کس نکاه دارد و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که با خویشان پیوندد و دوستی جوید **سورة ق** ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة ق را همی خواند دلیل کند که بطاعت و عبادت مشتغل بود کرمانی کوید که با خلق جود بسیار کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که حق تعالی روزی بروی فراخ کرداند **سورة والذاریات** ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة والذاریات را میخواند دلیل کند که حق تعالی ویرا توفیق دهد بکار خیر کرمانی کوید که کارهای وی آسان شود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که روزی مند شود **سورة والطور** ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة والطور همی خواند دلیل کند که خدای تعالی ویرا نصرت دهد تا دشمن را قهر کند کرمانی کوید که حق را یاری دهد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که در مکه مجاور کردد **سورة والنجم** ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة والنجم میخواند دلیل کند که ایزد

تعالی در رحمت بروی بکشاید کرمانی کوید که بر دشمنان ظفر یابد وایشان را قهر
کند حضرة امام جعفر صادق علیه السلام کوید که حق تعالی وی را صلاحیت بخشد سورة
القمر ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة قمر را همی خواند دلیل کند که بر دشمنان
ظفر یابد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که از بهر وی جادوئی کنند
ولیکن وی را مضرت نبود سورة الرحمن ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة
الرحمن همی خواند دلیل کند سخنهای دروغ نکوید کرمانی کوید که سیرت وراه دین
کزینند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که درین جهان سیرت ونعمت
یابد ودر آخرت رحمت سورة الواقعه ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة واقعه
میخواند دلیل کند که در آخر از همه کناهان توبه کند کرمانی کوید که توفیق طاعت وعبادت
یابد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که سبقت یابد اندر طاعتهای خدای تعالی
سورة الحدید ابن سیرین کوید اکر بیند که او سورة الحدید همی خواند دلیل کند که بر دوزخ
رنج ومشقت یابد کرمانی کوید که راه آخرت کزیند ورضای حق جوید حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام کوید که در راه دین ستوده کردد سورة المجادله ابن سیرین کوید
که اکر بیند که سورة المجادله میخواند دلیل کند که وی را با زنان خصومت افتد کرمانی
کوید که مجادله وجنک بسیار کند با هر کس در راه دین حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
کوید که خصومت کند با اهل خانه خود وایشان را قهر کند بحجتها سورة الحشر
ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة حشر همی خواند دلیل کند که در روز قیامت حشر وی
با مخلصان ورستکاران باشد کرمانی کوید که صحبت با اهل علم وعلمای دین کند حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام کوید که هلاک کند دشمن وی را سورة الممتحنه ابن سیرین کوید
اکر بیند که سورة الممتحنه همی خواند دلیل کند که آزمایش کارها براستی کند کرمانی کوید
که صحبت وی را با اهل صلاح باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که بجنتی کرفتار
شود که هلاک او در آن باشد سورة الصف ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة صف
را همیخواند دلیل کند که در راه خدای تعالی خیرات وغزا کند کرمانی کوید که پیوسته رضای

حق جوید حضرت امام جعفر علیه السلم کوید که باخر عمر شهید کردد سورة الجمعه ابن
سیرین کوید که اکر بیند که سورة جمعه را همیخواند دلیل کند که خدای تعالی علم بوده وی را روزی
کند ونامش بعلم منتشر کردد کرمانی کوید که حرمت وقدر وجاه یابد حضرت امام جعفر
صادق علیه السلم کوید که خدای عز وجل وی را توفیق خیر کرامت کند سورة المنافقون
ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة المنافقون همیخواند دلیل کند که در سر منافقی کند
کرمانی کوید که در دل هوای منافقان دارد حضرة امام جعفر صادق علیه السلم کوید که از
منافقی بیزار کردد وصلاح دین جوید سورة التحریم ابن سیرین کوید اکر بیند
که سورة التحریم همیخواند دلیل کند که اندر خانه کار بنفاق کند وبدان نکاه داشت ایشان
همی جوید کرمانی کوید که بحرام مایل نبود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که
از محارم دور باشد سورة التغابن ابن سیرین کوید که اکر کسی بیند سورة التغابن
همیخواند دلیل کند که صدقه بسیار دهد کرمانی کوید که ضعیفان را دستکیری کند حضرة
امام جعفر صادق علیه السلام کوید که مستحکم وراه راست بود سورة الطلاق ابن
سیرین کوید اکر بیند که سورة الطلاق همیخواند دلیل کند که او را با زن کفتکوی افتد
کرمانی کوید که سیرت حق نکاه دارد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که لجاج کند
با زن خویش وکاوین وی بدهد سورة الملك ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة الملك
میخواند دلیل کند که از عذاب کور رستکاری یابد کرمانی کوید که عاقبت کارش محمود باشد
حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که شرف وبزرکی یابد سورة ن ابن سیرین
کوید که سورة نون همیخواند دلیل کند که خیرات وصدقات دوست دارد کرمانی کوید
که با هر کس خیر وخرم کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که خدای او را علم و
فصاحت بخشد سورة الحاقه ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة الحاقه میخواند
دلیل کند که از نعمت که خدای تعالی او را داده باشد ترسد کرمانی کوید که سیرت حق
کزینند وناصر حق باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که خیر طریق
حق نخواهد سورة المعارج ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة معارج را همی

خواند دلیل کند که از حق تعالی خیر ونیکی بسیار کند کرمانی کوید که همیشه بخیرات واحسان
کراید حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که از بیم وترس واتشها ایمن کردد سورة نوح
ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة نوح را همی خواند دلیل کند که توبه کند وحاصلش محمود
باشد کرمانی کوید که با خلق خدای خیر وکرامت کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
کوید که امر معروف کند وبر دشمنان ظفر یابد سورة الجن ابن سیرین کوید اکر بیند
که سورة الجن را همی خواند دلیل کند که بشب از پریان همی ترسد کرمانی کوید که از شر پریان
ایمن کردد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که از دیو وپری وی را هیچ مضرت
نرسد سورة المزمل ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة المزمل میخواند دلیل کند که نماز
شام را دوست دارد کرمانی کوید که شب بطاعت زنده دارد حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام کوید که توفیق یابد بطاعت وعبادت سورة المدثر ابن سیرین کوید
اکر بیند که سورة المدثر میخواند دلیل کند که بدی کس در دل ندارد کرمانی کوید که در کارها
راستی نکاه دارد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که سیرت وراه وی نحوب کردد
سورة القیامة ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة القیامة میخواند دلیل کند که بشهادت وتوبه از دنیا برود
کرمانی کوید که از عذاب خدای تعالی رهان باشد حضرة امام جعفر صادق علیه السلم کوید
که از سوکند خوردن توبه کند سورة الانسان ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة الانسان همی
خواند دلیل کند که درویشان را دهد طعام دهد ورضای حق جوید کرمانی کوید که با خلق
خدای جود واحسان کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که توفیق یابد بر
سخاوت وشکر نعمت سورة والمرسلات ابن سیرین کوید که سورة والمرسلات همی
خواند دلیل کند که ترك دروغ کفتن وباطل بکوید کرمانی کوید که سیرت وراه حق را باطل
نکوید وحق را طالب شود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که روزی ونعمت بر وی
فراخ شود سورة النبأ ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة النبا همیخواند دلیل کند که
پرهیزکار بود ودر قدرت حق تعالی متفکر بود واعمال صالح کند حضرت امام جعفر
صادق علیه السلم کوید که دلش از مکر وخیانت پاك کردد سورة عبس ابن سیرین کوید اکر

ببیند که سورة عبس میخواند دلیل کند که بهبود کار را برابر مردمان پرترش کند کرمانی کوید که
روزه بسیار دارد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که با ضعفا خیر کند سورة
تکویر ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة تکویر میخواند دلیل کند که از درد چشم همی ترسد
وخوب سیرت کردد کرمانی کوید که سفر بسیار کند از سوی مشرق حضرت امام
جعفر صادق علیه السلم کوید که از آنچه ترسد ایمن کردد وشادی وخرمی یابد سورة الا
نفطار ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة الانفطار همی خواند دلیل کند که از عذاب خدای
ترسد وتوبه کند کرمانی کوید که میل وی بمال ونعمت دنیا بود حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم کوید که نزد سلاطین عزیز باشد سورة المطففین ابن سیرین کوید که اکر بیند
که سورة المطففین میخواند دلیل کند که از ترس خدای تعالی ترازو وپیمانه راست
دارد کرمانی همچنین کوید حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که با همه کس
منصف بود سورة البروج ابن سیرین کوید اکر سورة البروج میخواند دلیل
کند که در دنیا اندوهکین باشد لیکن در آخرتش خیر باشد کرمانی کوید که در آخرت ثواب
یابد حضرة امام جعفر صادق علیه السلم کوید که از غمها فرح یابد وبنزد خلق کرامی بود
سورة الطارق ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة الطارق همی خواند دلیل کند که حق تعالی
او را فرزندی صالح بیاید چنانکه بوی شاد کردد کرمانی کوید که چشم وی بروی فرزندی خلف
روشن کردد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید از جهت فرزندی مقبل خرمی یابد
سورة الاعلی ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة الاعلی همی خواند دلیل کند که تسبیح
وتهلیل بسیار کند کرمانی کوید که زبانش بذکر باری تعالی مشغول کردد حضرت امام
جعفر صادق علیه السلم کوید که کار بروی آسان کردد سورة الغاشیه ابن سیرین کوید
اکر بیند که سورة الغاشیه را همیخواند دلیل کند که از هول قیامت میترسد وسرانجام
توبه کند واز آن ترس وغم ایمن کردد کرمانی کوید که از هول قیامت ایمن باشد ورضای
حق تعالی طلبد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که قدر ومحل وی بزرك شود
ونام وی بخیر منتشر کردد سورة الفجر ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة الفجر

همیخواند دلیل کند که بکردار نیك مشغول کردد کرمانی کوید که حق تعالی ویرا حج روزی
کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که هیبت وشکوه وی کمتر شود ابن سیرین
کوید اکر بیند که سورة البلد همیخواند دلیل کند که صدقه دادن دوست دارد کرمانی
کوید که با هر کس خیر واحسان کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که حق
تعالی ویرا توفیق دهد بطعام دادن وکرامی داشتن ناتوانان وضعیفان ابن سیرین
کوید اکر بیند که سورة والشمس همیخواند دلیل کند که بر دستش کاری فاسد
رود کرمانی کوید که سرانجام توبه کند وپشیمان شود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
کوید که از آفتها وبلاها ایمن کردد ابن سیرین کوید اکر بیند سورة واللیل همیخواند
دلیل کند که سایلان را منع نکند وزکوة مال بدهد کرمانی کوید که توفیق یابد بقیام
شب ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة والضحی همیخواند دلیل کند که سایلان را
منع نکند کرمانی کوید پیوسته جود واحسان کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
کوید یتیمان ومسکینان را عزیز وکرامی دارد ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة الم
نشرح همی خواند دلیل کند که کار دشوار بروی آسان کردد کرمانی کوید که کارها
بسته بروی کشوده کردد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که از رنج وسختی فرج
یابد ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة والتین همیخواند دلیل کند که نیك سیرت
وفراخ روزی وخوب افعال کردد کرمانی کوید که خیر ونعمت بروی فراخ کردد
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که مراد دو جهانی ویرا حاصل شود ابن سیرین
کوید اکر بیند که سورة القلم همیخواند دلیل کند که خدای تعالی ویرا علم وقرآن روزی
کند کرمانی کوید که فصیح زبان وفاضل کردد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
کوید که متواضع وخوب خصال ونیکو افعال کردد ابن سیرین کوید اکر بیند که
سورة القدر همیخواند دلیل کند که از دنیا بیرون نشود تا ثواب شب قدر نیابد
کرمانی کوید که عمرش دراز شود ومرادش حاصل شود حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام کوید که قدر وجاهش بلند وعالی باشد ابن سیرین کوید اکر بیند که

سورة البینة

نیك اعتقاد بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که مزدهای دو جهانی بیابد
وعیش بروی خوش کردد ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة الفلق همی خواند دلیل
کند که ویرا جادوئی کند لیکن سرانجام از آن رنج رسته کردد کرمانی کوید که از شر
بدکرداران ایمن کردد خاصه که از شر دشمنان وجادویان ومال بسیار دویرا جمع
کردد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که از رنج وآفتهای این جهان
ایمن کردد ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة الناس همی خواند دلیل کند که حق تعالی
ویرا از چشم بدان نکاه دارد کرمانی کوید که مردمان از شر وی ایمن کردند واو
از شر مردمان حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که حق تعالی ویرا
از شر دیو وشیطان نکاه دارد وکارش خوب کردد واکر بیند که بلند همی
خواند یا تسبیح یا تهلیل یا استغفار کرد یا بر پیغمبر صلوات همیداد دلیل کند
که روزی بروی فراخ کردد وخیر وبرکت وعز وقوت وظفر ونصرت ومنفعت
بروی ظاهر شود با مر ایزد عز وجل اکر بیند که لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
میکفت دلیل کند که سال وخواسته بسیار ویرا حاصل شود واکر بیند که از قرآن آیتی
یا دو آیت یا کمتر یا بیشتر همی خواند تاویل آنرا در حرف قاف بباب قرآن بتمامی
بیان کنیم سوزن ابن سیرین کوید که سوزن بخواب دلیل بر صلاح خداوند خواب
کند واکر بیند که سوزن در دست داشت وبدان چیزی همی دوخت دلیل کند که
شغلهای پراکنده وی فراهم آید وکارش بصلاح شود وحاجتهای وی روا کردد
کرمانی کوید اکر کسی بخواب بیند که جامه خود را همی دوخت دلیل کند که احوال وی
خوب کردد وبمراد برسد واکر بیند که جامه را همی دوخت یا بشکست یا کم کشت دلیل
کند که احوالش بد کردد وکار مجموعش پراکنده شود واکر بیند که سوزن وی کسی بدزدید
یا ضایع شد دلیل کند که شغلهاش بکام نباشد واحوالش بد کردد واکر بیند که سوزن
را فرو خورد دلیل کند که سرانجام کار بخیر وخوبی رسد وکام دل یابد جابر مغربی کوید اکر
بیند که کسی ویرا سوزنی بخشید دلیل کند که آنکس بصلاح کار وی کوشد واکر بیند

که بسیار سوزن داشت یا کسی بدو داد یا بخرید دلیل کند بر خیر ومال ومصلحت کار
های وی سوسمار کرمانی کوید که سوسمار بخواب مردم دلیل باشد از نژاد عرب
وخوردن کوشت وی مال ومنفعت وزینت دنیا بود واکر بیند که سوسماری را بکرفت
یا کسی بدو داد دلیل کند که با مردی دلیر که از نسل عرب بود ویرا صحبت دوستی
افتد واز او خیر ومنفعت یابد واکر بیند که سوسمار ویرا بکزید دلیل کند که از آن مرد
ویرا مضرت رسد واکر بیند که سوسمار را بکشت دلیل کند که آن مرد را قهر کند ابن
سیرین کوید اکر کسی بیند که کوشت سوسمار را همی خورد دلیل کند که بر قدر آن ویرا منفعت
ومال رسد واکر بیند که سوسمار در خانه وی بانك داشت چنانکه آواز او بشنید
دلیل کند که در خانه وی بانك شیون ومصیبت بود سوسن ابن سیرین کوید
که چون سوسن در خواب بر درخت خویش بیند بوقت وی دلیل کند که چیزی بدو
رسد یا ویرا فرزندی حاصل شود وچون ویرا از درختش جدا بیند دلیل بر غم واندوه
بود چنانکه اکر زنی بیند که سوسن از درختش بکسست وبغلام خویش داد دلیل کند
که غلام وی بکریزد کرمانی کوید اکر کسی بیند که کسی دسته سوسن بدو داد دلیل کند
که در میانشان خصومت افتد جابر مغربی کوید که درخت سوسن بخواب کنیزکی
بود بدخوی وناساز کار سوکند خوردن ابن سیرین کوید اکر کسی بخواب بیند
که براست سوکند خورد دلیل کند که بر دست وی کاری رود نیك چنانکه ایزد تعالی آن
کار از وی بپذیرد یعنی امانت کذارد یا کواهی دهد براست یا خیراتی کند واز آنچه ترسد
ایمن کردد واکر بیند که سوکند بدروغ همی خورد دلیل کند که خدای عز وجل بروی خشم کرفته
باشد واز خیراتی دو جهانی بی بهره ماند مکر توبه کند وبخدای باز کردد تا رستکاری
یابد واکر بیند که سوکند خورد دلیل کند که در وام غرقه کردد ودر غم واندوه وزیان افتد
بسبب پادشاه کرمانی کوید اکر بیند که براست سوکند خورد ویرا توبه باید کرد از شاه
وخطا تا رستکاری یابد واکر بیند واکر بیند که بدروغ سوکند خورد دلیل کند که در اعتقادش
خلل باشد ودین وی تباه شود قوله تعالی ویحلفون علی الکذب وهم یعلمون

جابر مغربی

جابر مغربی کوید اکر بیند که سوکند براست خورد ویرا در آن هیچ مضرتی نباشد بلکه
منفعت بود واکر بخلاف این بیند سخت بد باشد سوراخ ابن سیرین کوید اکر بیند
که در کوهی سوراخی بود وبدان سوراخ درون شد دلیل کند که از راز پادشاه آکاه شود و
اکر بیند که از آن سوراخ چیزی بیرون آورد دلیل کند از پادشاه عطا یابد بقدر آنچه
بیرون آورده باشد واکر بیند که در زمین سوراخی بود ودر آن سوراخ در شد دلیل
کند که از راز زنی آکاه شود چنانکه اکر زمینی معروف بود از راز زنی آشنا آکاه
شود واکر آن زمین مجهول بود از راز زنی بیکانه آکاه شود کرمانی کوید که در دیوار خانه
وی سوراخ بود دلیل کند که کسی از راز او آکاه شود واکر دیوار از آن کسان دیکر بود وبیند که
او در آن سوراخ شد از راز وحال آنکس آکاه شود واکر بیند که در اندام وی سوراخ
بود واز وی خون همی رفت دلیل کند که ویرا زیانی افتد واکر بیند که خون از وی نمیرفت
زیانش کمتر بود جابر مغربی کوید اکر مردی بیند که در شکم وی سوراخ شد دلیل کند که از
عیال خویش ناایمن بود اکر بیند که سنکی را سوراخ همیکرد دلیل کند که در مسلمانی پایدار
بود واکر بیند که خشتی را سوراخ همیکرد تاویلش بخلاف این بود وبعضی از معبران کویند
که بقدر آن سوراخ در مالش نقصانی افتد ودر خبر است که مردی بنزدیك ابوبکر آمد
وکفت در خواب دیدم که از سوراخی کوچك کاوی بزرك بیرون آمد وهر چند که آن کاو
خواست تا بانجای خود شود نتوانست شدن ابوبکر کفت آن سوراخ دهن است
وآن کاو سخن مردمان که با کسی بکویند وچون خواهند که آن سخن باز خورند نه
توانند سوهان بدانکه تاویل سوهان بحرف صیم بباب شرد بیان کنیم سیب استادان
این صناعت را در تاویل سیب اختلاف است ابن سیرین کوید که سیب چون بکوید
سبز باشد فرزند باشد چون سرخ باشد منفعت بود از پادشاهان وچون
سفید بود منفعت باشد از بازرکانی وچون زرد بود وبطعم ترش بود بیماری تن
بود واکر بیند که سیبی سپید بدو نیم کرد دلیل کند که با کسی انبازی دارد واز وی جدا
کردد واکر بیند که سیب سرخ از درخت برید وبخورد دلیل کند که ویرا دختری آید

کرمانی گوید اگر بیند که سیب ترش کسی بدو داد دلیل کند که آنکس دشمن دارد و اگر بیند
که سیب شیرین کسی بدو داد دلیل کند که آنکس دوستدار وی بود کرمانی گوید سیب در
خواب خبر بود از غایب یا از حاضر اگر سیب شیرین بود خبر خوش شنود و اگر بیند ترش
بود خبر ناخوش شنود دانیال گوید که سیب در خواب همت بیننده خواب بود در ...
وصناعت وی زیرا که اگر سیب در خواب پادشاه بیند حکم دلیلش ملك وی باشد
اگر بازرگان بیند دیدن سیب تجارت باشد اگر برزگر بیند دیدن سیب تخم کشت
وی باشد و اگر براز بیند جامه فروختن وی باشد هم بدین قیاس پس اگر بیند که سیب
داشت و از وی بخورد دلیل کند که بقدر آن که خورده بود وی را تهمت باشد در شغل
خویش و نیز دلیل کند که مراد دل یابد حضرت امام جعفر صادق ... که دیدن
سیب در خواب بر هشت وجه بود یکی فرزند باشد دوم منفعت سیوم بیماری چهارم کنیزك
پنجم خواسته ششم فرمان روایی هفتم همت خداوند خواب هشتم ... و حاضر
سیر ابن سیرین گوید که سیر در خواب مال الحرام بود کرمانی گوید که سخن زشت باشد
که از پس مردم همی گویند پس اگر بیننده خواب صالح و مستور بود بجهد این خواب بد را
بنیك بدل توانگردد و اگر بیند که سیر پخته را همی خورد دلیل کند که از سخن زشت و فساد توبه
کند جابر مغربی گوید که سیر در خواب رنج و غم و گریستن باشد و اگر بیند که آن سیر را
بخورد از این مفترها که گفتیم وی را کمتر بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که
سیر در خواب بر پنج وجه بود یکی مال الحرام دوم سخن زشت سیوم غم و اندوه چهارم
گریستن پنجم سختی **سیری** دانیال گوید که سیری از آب بهتر از تشنگی و گرسنگی
بهتر از سیری در خواب ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب خویشتن را سیر بیند
دلیل کند که بینیاز شود ولیکن در راه دین سست و ضعیف باشد و اگر خویشتن
را در حال اعتدال بیند چنانکه سیر باشد و نه گرسنه زیرا که سیری و گرسنگی هردو
خلاف اعتدال الطبع است و آنچه خلاف بود از راه خرد ناپسندیده بود **سیسنبر**
ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که سیسنبر داشت دلیل کند که نامش دران دیار

منتشر

بخلاف این بیند دلیل کند که خویشان و اهل بیت وی کم باشند و اگر بیند که شاخهای از
درخت خود ببرید دلیل کند که یکی از خویشان و اهل بیت خود از خویشتن دور کند و اگر
بیند که شاخ درخت وی خشك یکی از خویشان وی هلاك شود و اگر شاخ از درخت
دیگران باشد خیر و شر آن بخداوند درخت باز گردد کرمانی گوید اگر کسی بیند که شاخی
یا دو شاخ خرما کسی بدو داد یا بیافت فرزندی یا دو فرزند یابد و اگر بیند که از آن شاخ
چیزی بخورد بقدر آن از مال فرزند خویش بخورد و شرح تاویل هر درختی بباب درخت
بحرف دال بتمامی بیان کردیم تا این قدر معلوم باشد **شادروان** ابن سیرین گوید که شادروان
در خواب دین مرد بود اگر بیند که شادروان نو و فراز وی گسترده بودند و دانست
که ملك ویست دلیل کند که بقدر بزرگی و فراخی شادروان روزی و عمر دراز یابد و اگر
بیند که در خانه و یا در کوچه خویش بر شادروان فراخ نشسته بود یا در شهر خویش یا در بوستان
در جایگاهی بیگانه بر شادروان بود این جمله نعمت و روزی فراخ بود و اگر بیند که شادروان
در جایگاهی بیگانه از بهر وی گسترده بودند و نداند که آن شادروان و جایگاه از آن کیست
دلیل کند که احوال دنیا بر وی متغیر شود و در غربت میرد و اگر بیند که شادروان کوچك
بود روزی وی اندك باشد و عمر کوتاه کرمانی گوید اگر بیند که شادروان در نوشته
بر دوش داشت دلیل کند که از جایگاهی خویش بجایگاه بیگانه رود و عمرش اندك
مانده باشد و اگر خود را بر شادروان در نوشته بیند نشسته دلیل بر کم عمری و نقصان
معیشت بود و اگر بیند که بر شادروان صورت مردی نگاشته بود که آن مرد را همی
شناخت و آن صورت با وی سخن گفت دلیل کند که آن مرد را بدروغ ستایش
کند و اگر بیند که شادروان بکسی داد یا بفروخت خطرناك و بد باشد دانیال
گوید اگر کسی شادروان گسترده بیند دلیل بر درازی عمر و ساختگی کار دنیای
وی کند و هرچند که شادروان بزرگ بیند بهتر باشد و چون شادروان در نوشته
بیند دلیل بر نقصان عمر و درویشی وی کند چون داند که شادروان ملك اوست و
اگر بیند که بر شادروانی کوچك نشسته بود و آن شادروان در زیر وی بزرگ و فراخ شد

دلیل کند که عیش بر وی فراخ شود و اگر بیند بخلاف این بود عیش بر وی تنگ
گردد و اگر بیند که شادروان فراخ گسترده بود دلیل کند که اقبال و دولت خویش تباه کند
و اگر بیند که بر پشت نهاد و همی برد گناه بود و اگر بر گردن بود و اگر بر گردن نهاد امانت مردم
در گردن وی جمع شود و اگر بیند که شادروان در نوشت و بکسی داد عمرش آخر آمده باشد
جابر مغربی گوید اگر شادروان کهنه بیند عیش بر وی دشوار شود و اگر بیند که شادروان
سبز و پاکیزه داشت نعمت بر وی فراخ گردد و دینش درست بود و اگر بگونه سرخ بود
بعشرت دنیا مشغول شود و اگر سیاه یا کبود باشد غم و اندوه بود و اگر بیند که بگونه
زرد بود بیماری بود و اگر سپید بود روزی حلال بود اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند
که شادروان مجهول در جایگاه مجهول افکنده داشت دلیل کند که آنچه دارد جمله از دست
وی برود و اگر بیند که شادروان در خانه کسان بیش وی گسترده بود خداوند خواب را دولت
بود و اگر بیند که شادروانی بزرگ در نوشته بجایگاهی میبرد و مردی در پیش آمد و با او سخن
گفت عمرش بآخر آمده باشد زیرا که در نوشتن شادروان در خواب در نوشتن عمر بود
و اگر بیند که بخانه مجهول شادروانی گسترده بود و بر آن نشسته دلیل کند که در سفر نعمت حاصل
کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن شادروان در خواب چون گسترده
بود بر چهار وجه بود یکی نعمتی حلال دوم عمر سیوم منفعت چهارم معیشت اگر شادروان
در نوشته بیند تاویلش بخلاف این بود چنانکه یاد کرده شد **شادی** ابن
سیرین گوید شادی در خواب غم بود اگر بیند که از کسی شادمانه شد از آنکس اندوه بدو
رسد کرمانی گوید اگر زنده را بخواب شادمانه بیند دلیل کند که جان وی رستگار بود و روانش
از بیننده خواب خشنود بود و وی را بدعا یاد دارد یا از بهر آن مرده صدقات دهد حضرت
امام جعفر صادق علیه السلم گوید اگر کسی پیچ خویشتن را شادمانه بیند و خندان اجل
وی نزدیك آمده باشد **شانه** ابن سیرین گوید که شانه در خواب مردمانی باشند
با یاران موافق چنانکه ایشان حسب و نسب بود لیکن در دینشان نفاق بود اگر بیند
که سر و ریش را شانه همیکرد و از شانه یکان یکان موی بیرون می آورد زکوة مال دهد جابر مغربی

گوید که شانه

گوید که شانه در خواب یاران موافق باشند و موی شانه کردن مراد یافتن بود و بدانکه
شانه کردن حردی بود که غم و اندوه از دل زدوده کند و بعضی از معبران گویند که شانه کردن
مردم خوبرویی بود که از دیدارش چشم روشن گردد **شانه دوش** ابن سیرین گوید که
شانه دوش زن باشد اگر بیند که شانه دوش وی بشکست و بیفتاد جفت وی از دنیا
رحلت کند اگر بیند که شانه گاو یا گوسفند و آنچه بدین ماند بیافت یا کسی بدو داد وی را گنج
حاصل شود و اگر بیند که گوشت از شانه باز میکرد اگر بدان شانه رگها پدید بود در آن
سال باران بسیار آید و اگر بخلاف این بود اندك بارد و اگر بیند که در آن شانه سیاهی
بود آفت بود در آن سال اگر در آن شانه سرخی بیند خاصه بر کناره شانه در آن سال فراخی
و ایمنی باشد و اگر سرخی یا سیاهی در آن شانه آمیخته بود در آن سال نعمت بسیار بود و نرخ
ارزان بود و اگر در آن شانه زردی بیند در آن سال بیماری بود و اگر بر کناره دست راست
خطها بسیار بیند در آن سال وبا بود والله اعلم **شاه رود** ابن سیرین گوید که شاه رود
در خواب دلیل بر لهو و طلب دنیا و نیز سخن دروغ و محال و اگر بیند که شاه رود میزد دلیل
کند که سخن دروغ گوید و کسی بیداد او مدح و ستایش کند و اگر بیند که در پیش وی شاه
رود میزدند بباطل و سخن محال رضا دهد و اگر بیند که با شاه رود چنگ و چغانه و نای بود
این جمله دلیل کند بر غم و مصیبت که با اهل آن موضع رسد کرمانی گوید اگر کسی بیند که
شاه رود را بشکست یا بیفکند از کلام دروغ و باطل توبه کند و اگر بیماری بیند که شاه رود
میزد بمیرد جابر مغربی گوید اگر بیند که شاه رود را همی زد یا زنی بزرگ از زنان مهتران
پیوسته شود و از وی عز و جاه یابد و سرانجام وی تباه بخواهد **شاهبرم** بدانکه شاهبرم
ریحان بود ابن سیرین گوید اگر بیند که او سبز و پاکیزه و خوشبوی بود دلیل کند بر عز
و جاه وی و اگر زرد و پژمرده بیند دلیل بیماری کند کرمانی گوید که شاهبرم دلیل بر
فرزند کند و کندن وی دلیل بر غم و گریستن بقدر آنچه کنده باشد حضرت امام
جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن شاهبرم در خواب بر شش وجه بود یکی عز و بزرگواری
دوم فرزند سیوم دوست چهارم سخن خوش پنجم مجلس علم و دانش ششم

نام نیکو وثنا وآفرین **شاهین** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که شاهین فراگرفت یا کسی
بدو داد وآن شاهین مطیع وی نبود وی را فرزندی آید واگر آن شاهین فرمان
بر و مطیع وی بود از پادشاهی ظالم بزرگی یابد کرمانی گوید که شاهین در خواب مردی
بود بسیار دان اگر کسی بیند که شاهین فراگرفت یا کسی بدو داد با مردی دانا وی را صحبت
افتد وازو خیر و منفعت یابد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن
شاهین در خواب بر چهار وجه بود یکی قدر و منزلت دوم فرمان روائی سیوم نعمت چهارم فرزند
شب ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که شبی تاریک و ناخوش بود دلیل کند بر غم واندوه
واگر شب روشن و مهتاب خوش بود دلیل کند بر عیش و شادمانی کرمانی گوید اگر
کسی بیند که بشب تاریک همی شد و راه بروی مشکل بود واو بنیت راستی در آن شب
براه می رفت وگمان برد که راه راستست دلیل کند که راه راست در دین یافته باشد
امّا شب که او وقت سپید دمی بود دیدن او در خواب غم بود و خوردن آن هلاکت
بیماری جابر مغربی گوید اگر کسی شب در خواب روز روشن و آفتاب درخشنده بیند
دلیل بر خیر و منفعت کند واگر بخلاف این بیند دلیل بر مضرت و بستگی کار بود
شبان ابن سیرین گوید که شبان گاو و گوسفند و خر وآنچه بدین ماند هر جنسی را بقدر وی
تاویل بود امّا شبان دلیل بر ولایت و بزرگی کند واز آن خران بر بخت واقبال و شبان
گاوان بر سال نیک و نعمت فراخ و شبان گوسفند دلیل بر مال و روزی حلال کند
کرمانی گوید اگر کسی بیند که شبانی همیکرد و گرگ از گلهٔ وی گوسفند یا غیر آن ببرد و
دیگران را بربایند و برخی از آن رمهٔ وی بکشت پادشاه آن دیار را خراب کند و احوال
رعیت تباه کند واینال گوید که شبانی کردن در خواب دلیل کند بر عدد گوسفندان آن
که چرانید وی را مهتری و سخن روائی بود واگر بیند که شبانی چیزی بدو داد بقدر آن
وی را بزرگی و منفعت رسد واگر بیند که با شبانی وی را نبرد بود با مهتری وی را خصومت
افتد و ظفر آن را بود که غالب دید حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که شبان
در خواب مردی بود شایسته و ناصح و معتبر و حافظ مال های مردم چنانکه صواب

کارهای هر کس باز نماید **شب باز** بدانکه شب باز آنکس بود که بشب خیال بازی
کند در پس پرده وغیر آن ابن سیرین گوید که شب بازی کردن در خواب لهو و باطل دنیا
بود و سخن دروغ و محال اگر بیند که شب بازی همیکرد بباطل و محال دنیا فریفته شود
واگر بیند که شب باز پیش وی بازی همیکرد و در آن همی نگرید بباطل رضا دهد واگر
بیند که شب بازی با بربط و چنگ و نای بود دلیل بر غم واندوه کند **شبپرک** ابن
سیرین گوید که شبپرک مردم گمراه و مجروه بود اگر بیند که شبپرک داشت یا کسی بدو
داد با کسی گمراه وی را صحبت افتد یا در میان شان سببی بود که بهم جمع شوند اگر بیند
که شبپرک همیخورد واز کار بد هیچ منفعت نرسد و همهٔ کار وی مخالف رای دیگران
بود زیرا که درویش و بیچاره و بدحال بود جابر مغربی گوید که شبپرک داشت واز پیش
وی بپرید و ضایع شد صلاح وی در آن بود در دیدن شبپرک هیچ خیری نبود ؞
شپش ابن سیرین گوید شپش در خواب عیال بود که زر و سیم وی را خورد واگر بیند
که بر تن وی شپش بسیار بود یا در جامهٔ وی بقدر آن وی را مال و حشم و عیال بود زیرا که عیال را
حق تعالی روزی بتقدیر همی رساند و هر چیزی را سببی پدیدار کرده است جابر مغربی
گوید شپش بیگانه دشمن ضعیف بود اگر بیند که شپش بیگانه وی را بگزید از دشمن ضعیف سخنی
شنود که وی را خوش نیاید اگر بیند که آن شپش را بکشت آن دشمن را قهر کند واگر بیند که
شپشان بسیار بر تن وی جمع شدند و شپش را همی گزیدند در زبان مردم عوام افتد یا باشد
که وی را مضرت رسد بمال زیرا که شپش خون مردم مکد و خون بتاویل مال بود **شپشه** بدانکه
شپشه جانوری بود که تابستان در پوستین یا در جامهٔ پشمین آید و وی را تباه کند ابن سیرین
گوید که دیدن وی در خواب همسایهٔ دزد باشد یا کسی که چیزی اندک اندک همی دزدد اگر
بیند که شپشه جامهٔ وی بخورد بقدر آن از مال وی چیزی بدزدند واگر بیند که شپشه
آلتهاء پشمینه در خانهٔ وی تباه کرد بقدر آن دزد از خانهٔ وی بدزدند واگر شپشه را بکشت دلیل
کند که دزد را بگیرد و قهر کند وآنچه دزدیده باشد از وی بستاند **شبه** ابن سیرین
اگر بیند که شبه داشت یا کسی بدو داد وآن شبه را سوراخ کرده بود دلیل کند ...

آید یا غمگین و مستمند شود و در دیدن شبه هیچ خیری نبود اگر سیاه بود یا کبود جابر مغربی
گوید اگر شبه سفید بود یا سبز دلیل بر خرمی کند واگر زرد بیند بیماری بود **شتافتن**
ابن سیرین گوید اگر بیند که بکاری می شتافت از آن کار پشیمان شود واگر بیند که از کاری
پشیمان شد اندر و شتاب کند جابر مغربی گوید شتافتن بهر کاری در خواب درنگ
بود و درنگ کردن در هر کاری شتافتن بود در آن کار **شتلنگ بازی** شتلنگ بازی
در خواب جنگ و خصومت بود اگر بوقت شتلنگ بازی بانگ نداد مال حرام بود
اگر بیند که با کسی شلنگبازی همیکرد و بانگ و شغب همیداشت دلیل کند که با آنکس
جنگ و خصومت افتد واگر بهنگام بازی خاموش بود از آن کس مال حرام حاصل
شود بقدر بازی **شرابها** ابن سیرین گوید خوردن شرابها که بطعم شیرین بود و ببوی خوش
چون شراب سیب وانار وآنچه بدین ماند و جمله بر شش وجه باشد یکی دین پاک دوم
منفعت سوم علم نافع چهارم عمر دراز پنجم عیش خوش ششم ذکر ایزد عزّ و جلّ امّا شرابها
که بطعم ترش بود و ببوی معتدل چون شراب ریباس ولیمو و نارنج وآنچه بدین ماند
خوردن آن در خواب جمله غم واندیشه و مضرت بود امّا شرابها که بطعم تلخ بود و ببوی
ناخوش چون شراب زوفا و مورد وآنچه بدین ماند خوردن آن در خواب مصلحت دینی
و دنیائی باشد امّا شرابها که بطعم معتدل و ببوی خوش چون شراب عود و بنفشه وآنچه
بدین ماند خوردن آن در خواب دلیل بر شکر و خیر و ثنا وآفرین کند بقدر آنکه خورده باشد
جابر مغربی گوید که شرابها که از بهر دارو خوردن تا وی را آن مصلحت دینی کند وآنچه نه بهر دارو
خوردن دلیل بر خیر و نیائی کند و شرابهای ترش و ناخوش دلیل بر غم واندوه و مصیبت
کند **شرابی** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که شرابی داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که زنی خواهد
واگر بیند که شرابی خرید کنیزک خرد و بعضی از معبران گویند شرابی در خواب خادم خانه
بود اگر بیند که شرابی وی بشکست یا ضایع شد کنیزک یا خادم وی بمیرد حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن شرابی در خواب بر نه وجه بود یکی زن دوم
کنیزک سیوم خادم چهارم قوام دین پنجم صلاح تن ششم عمر دراز هفتم مال و نعمت

هشتم خیر و برکت نهم مال از جهت زنان **شرم** ابن سیرین گوید که شرم از ایمان بود چنانکه
رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده الحیاء من الایمان اگر بیند که مردمان را آب دهد یا
مردمان بکار خیر کند واز آن کار از مردمان شرم آید آن شانی بود اندرین جابر گوید شرم
داشتن از کاری که در آن خیر و صلاح بود دلیل بر زیادتی ایمان کند و شرم داشتن
از کاری که در آن شر و فساد بود دلیل بر نقصان ایمان کند **شستن** ابن سیرین گوید
شستن سر و تن با بجوی و حوض وآب دریا این جمله دلیل کند که از غم رسته گردد واگر وام
دار بود وام گذارده شود واگر بیمار بود درست شود چنانکه سرانجام ایوب علیه السلام واگر بیند که
تن را از جنابت تمام شست دلیل کند که از غم و بیماری تمام رسته گردد و مراد تمام بیابد و
اگر بیند که بآب شور همی شست رنج و تعب بدو رسید واگر بیند که جامه را از چرک همی شست
همین دلیل کند واگر بیند که جامه را بشست ولیکن در نپوشید کارش تمام نشود کرمانی
گوید اگر بیند که مردهٔ خویشتن را همی شست خویشان آن مرده از غم رسته شوند واگر بیند
که جامهٔ پاکیزه بآب چرکین همی شست دلیل کند بر تباهی دین جابر مغربی گوید شستن بآب
سرد بر چهار وجه بود یکی توبه دوم عافیت سیوم رستگاری از زندان چهارم ایمنی و شستن
بآب گرم غم واندوه و بیماری بود و روی شستن در خواب بر هفت وجه بود یکی برآمدن
مراد دوم شفا یافتن بیمار سیوم یافتن مال چهارم حج پنجم فرح ششم ایمنی از ترس هفتم دین پاک
شش ابن سیرین گوید که شش در خواب شادی و خرمی بود اگر بیند که کسی
بروی شش داد از آن کس بروی شادی و خرمی رسد چون آنکس معروف بود واگر آنکس مجهول
بود از کسی بیگانه شادمان شود واگر بیند که او بکسی ششی داد از وی بدان کس رسد جابر
مغربی گوید اگر بیند که شش خام را همیخورد دلیل کند که یا بخته انجا نوری که گوشت
وی حلال بود بقدر آن مال حلال یابد **شطرنج** ابن سیرین گوید شطرنج بخواب سخن دروغ
بود اگر بیند که شطرنج را همی باخت و خصم را غلبت کرد بباطل کسی را غلبت کند واگر بیند
که خصم وی را غلبت کرد بباطل وی را غلبت کند و بروی بهتان گوید و جرم کرده در طلب
چیزی این جهانی و بدانکه در آن چیزی نباشد زیرا که خبر است از پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم

من لعب بالنرد والشطرنج فقد عصى الله؛ کرمانی کوید اکر کسی بخواب بیند که شطرنج
نهاده بود و کس باوی بازی نمیکرد دلیل کند که از کاری معزول کردد و اکر بیند که شطرنج بازی
همیکرد جنک و کارزار و منازعت کنند و بعضی از معبران کفته اند شطرنج باختن در خواب
دلیل بر کاری کند که در آن ویرا خیری نباشد **شعر** ابن سیرین کوید اکر بیند که در خواب
غزل یا هجا یا مدح کسی همی کفت یا همیخواند بد باشد زیرا که سخن دروغ و باطل باشد
قوله تعالی الشعراء یتبعهم الغاوون؛ اما اکر توحید یا مدح پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم
یا سخن حکمت کوید پسندیده باشد کرمانی کوید شاعری که در خواب مدح و غزل کوید
تاویلش نیکو باشد و شاعری که توحید و مدح پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم تاویلش واعظ
و شاعری که هجا کوید تاویلش دروغ زن و منافق باشد **شغال** ابن سیرین کوید اکر کسی
بیند که با شغال در نبرد بود با خویشان و نزدیکانش خصومت افتد و اکر بیند که
در طلب شغال متحیر میکشت و اورا اکر فتن نتوانست و بروی ظفر نیافت دلیل کند
که از باد و رانداماش بیماری حاصل شود و اکر بیند که شغال خویشتن را در وی می مالید ویرا
از پری و آدمی ترس بود و اکر بیند که شغال باوی بازی همیکرد زنی دوست دارد
و عاشق وی شود و اکر بیند که شغال از وی همیکریخت دلیل کند که غرامت با یندان کزارد
کرمانی کوید که شغال در خواب دشمن دانا بود از خویشان وی اکر بیند که شغال را بیافت
یا کرفت یا کسی بدو داد با دشمن دانا از خویشان وی پیوند افتد و اکر از وی بکریخت و امدا
از وی بکریخت و اکر بیند که شیر شغال را همیخورد دلیل کند که اکر بیمار بود درست کردد و اکر غمکین
بود فرح یابد و اکر وامدار بود کزارده شود و اکر بیند که کوشت شغال را همیخورد دلیل کند
که بقدر آن از دشمن ویرا مالی حرام حاصل شود بدانکه موی شغال و پوست و استخوان
وی جمله مال بود **شفتالو** ابن سیرین کوید که شفتالوی زرد بخواب بیماری بود خاصه
که نه بهنکام وی بیند چون بهنکام وی بیند آسان بود و اکر بیند که شفتالوی زرد یا سفید
بهنکام وی همیخورد بقدر آن ویرا روزی رسد و اکر بیند که شفتالو از درخت جمع میکرد
از مردی با ننکان منفعت یابد کرمانی کوید که شفتالوی شیرین چون بکوید زرد نبود

و آفرین بود بشرا این در حرف دال بیان کردیم که هر درختی که بتاویل چه مرد باشد این قدر
بر خوانندهٔ کتاب پوشیده نماند چون بتامل در باب درختها نکاه کنند **شل** ابن سیرین
کوید اکر کسی اندام خود را شل شده بیند و خود را بکنج خانه افکنده بیند چنانکه مردمان بروی
رحمت برند اکر اورا پارسا و نیکمرد خوانند از کارهای بد توبه کند و خیر و شر خویش از مردمان
باز دارد و اکر مردم ویرا مفسد و بدمرد خوانند و باو بخشایند تاویلش بخلاف این بود که
یاد کرده شد جابر مغربی کوید اکر کسی بیند که اندامی از اندامهای وی خسته شد آنکس که بدان
نام نسبت دارد از جمله خویشان ویرا مضرت رسد **شلغم** ابن سیرین کوید شلغم در
خواب غم و اندوه بود و خوردن آن صعبتر بود اکر بیند که شلغم داشت و همیخورد دلیل
کند که بقدر آن ویرا غم و اندوه رسد و اکر بیند که او بکسی شلغم داد دلیل کند که از وی
بدانکس غم و اندوه رسد جابر مغربی کوید شلغم خوردن در خواب غم و اندوه بود لیکن
اکر شلغم پخته خورد به از خوردن خام بود و اکر بیند که شلغم را بفروخت یا بکسی داد یا از
خانه بیرون افکند دلیل کند که از غم و اندوه رسته کردد **شلوار** ابن سیرین کوید شلوار
کنیزکی عجمی بود یا زنی دون اکر زنی بیند که شلوار نو بخرید و بپوشید دلیل کند که شوی
ستاند اکر بیند که شلواری تنک پوشیده داشت چنانکه شلوار کشتی کیران و یا بجای شلوار
میان بند داشت دلیل کند بر پیستری وی و اکر بیند که در شلوار وی مار یا کژدم بود دلیل
کند که دشمن وی با زن وی فساد کند کرمانی کوید که شلوار در خواب خادم بود اکر بیند
که کسی ویرا شلواری بخشید نو داشت دلیل کند که خادمی نو یابد و اکر بیند که شلوار سیاه
و چرکن پوشیده داشت یا شلوارش بنفط یا قطران آلوده بود چنانکه از وی بوی ناخوش
همی آمد دلیل کند که ویرا از خدای عز وجل عقوبت **قوله تعالی** سرابیلهم من قطران
وتغشی وجوههم النار؛ و اکر بیند که شلوار سرخ پوشیده داشت دلیل کند که ویرا از
کسی آزار و کم حرمتی رسد و اکر بیند که شلوار زرد پوشیده داشت دلیل کند که بیمار
شود و اکر بیند که شلوار سبز پوشیده داشت در کاری مردمان ویرا ملامت کنند
و بدانکه پوشیدن شلوار رنکین زنان را خیر و منفعت باشد مکر شلوار زرد

خوردند عیالانش مال وی بخورند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که
دیدن شکم در خواب بر چهار وجه بود یکی جای علم؛ دوم خزینه؛ سیوم قوام عیش؛ چهارم
موضع فرزند بدانکه هرچه درون شکمست از معده و رودکان و سپرز یعنی جکر و
شش و آنچه بدین ماند جمله مال باشد تا اینقدر معلوم باشد **شکنبه** ابن سیرین
کوید شکنبهٔ هر جانوری که کوشت وی حلال بود چون شسته و پاکیزه بیند دلیل بر مال
حلال کند و اکر پر سرکین بیند دلیل بر مال حرام کند و اکر بیند که شکنبهٔ پخته همی خورد
دلیل کند که بقدر آن ویرا خیر و منفعت رسد و کارش بنظام کردد **شکنجه** ابن
سیرین کوید که شکنجه کردن در خواب خواری و بیچارکی بود اکر کسی بیند که پیش
مردمان اورا شکنجه همی کردند دلیل کند که ویرا پیش چندان مرد دلیل و خوار کنند
و آبروی و حرمتش را ببرند و اکر بیند که از آن شکنجه ویرا درد و المی رسید دلیل کند که
رنج و غم سخت اورا بر دل حاصل شود بقدر آن رنج که از شکنجه بدو رسیده باشد و اکر
بیند که از آن شکنجه ویرا هیچ المی نرسید تاویلش بخلاف این بود جابر مغربی کوید
اکر بیند که پادشاه ویرا شکنجه فرمود کردن دلیل کند که از پادشاه ویرا رنج و مضرت
رسد و باشد که پادشاه ویرا بزندان کردن فرماید و علی الجمله در دیدن شکنجه خیر نباشد
شکوفهٔ درختها شکوفهٔ درختها بوقت خویش بهتر باشد و شکوفه که بر هر درخت بیند
بهتر از آن که از درخت کسته بیند و تاویل شکوفهٔ سفید بهتر از تاویل شکوفهٔ سرخ
بود و شکوفهٔ سرخ بهتر از شکوفهٔ زرد باشد ابن سیرین کوید که شکوفهٔ درخت انار
یعنی کلنار دیدن بخواب عروس بود پاکیزه و خوبروی و شکوفهٔ درخت آلو و
آلو وامرود و به و آنچه بدین ماند و از شکوفهٔ درختها سخنی لطیف نیکو بود بر قدر کوهر
آن درخت و بر قدر بلندی و کوتاهی آن درخت که شکوفه دیده باشد جابر مغربی کوید
اکر کسی که شکوفهٔ درختها بوقت خویش همی خورد دلیل کند که از مردمانی که بدان درختها
از تاویل نسبت دارند سخنی لطیف خوش شنود و نیز باشد که از ایشان منفعت
رسد و اکر بیند که شکوفهٔ درختها را بوی همیکرد دلیل کند که از آن مردمان مدح و ثنا

پدرش بیمار شود و اکر بیند که بجانب چپ رخنه افتاد دلیل کند که مادرش بیمار کردد و اکر
مادر و پدر ندارد دلیل کند بر غم و اندیشه **صلوات دادن** ابن سیرین کوید اکر
بخواب بیند که بر پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم صلوات همی داد دلیل کند که حاجتهای وی
روا شود و روزی بروی فراخ کردد و خاتمت کارش بر سعادت بود جابر مغربی کوید
اکر بیند که بر پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم بسیار صلوات همی داد دلیل کند که خدای عز وجل ویرا حج روزی
کند و بعضی از معبران کفته اند که بر پیغمبر را صلی الله علیه وآله وسلم صلوات فرستادن بخواب
سنتها بجای آوردن بود **صمغ** ابن سیرین کوید که صمغ از هر درختی که بود چنانست
که فضله از اموال مردمان یا استخوانی از جملهٔ استخوانهای جانوران اکر بیند که صمغ
داشت یا کسی بدو داد و همیخورد دلیل کند که بر قدر آن از فضلهٔ مال کسی هزینه کند و
اکر بیند که صمغ بکسی داد دلیل کند که از فضلهٔ مال خویش بکسی دهد جابر مغربی کوید
که صمغ منفعت اندک بود که بدو رسد از مردی که بدان درخت منسوبست چنانکه اکر
بیند که صمغ بادام داشت و از وی همی خورد دلیل کند که ویرا از مردی بخیل بر قدر آن
منفعت رسد و اکر بیند که صمغ زرد آلو داشت دلیل کند که ویرا از مردی بیمار کن بر قدر آن
منفعت رسد زیرا که صمغ عربی از درخت خار مغیلان است چنانکه از این صفت هر
درختی بتمامی کفته شد **صنج** ابن سیرین کوید که صنج زدن در خواب خبر مکروه و
کلام باطل و دروغ بود اکر بیند که صنج با هی زد دلیل کند که سخنی دروغ و محال کوید اکر
بیند که در پیش وی صنج همی زدند دلیل کند که با باطل و سخن محال رضا دهد
و اکر بیند که با صنج چنک و چغانه و نای بود این جمله دلیل کند که غم و مصیبتی عظیم با هل
آن موضع رسد و اکر بیند که صنج را بشکست یا بیفکند دلیل کند که از کلام دروغ و
باطل کفتن توبه کند کرمانی کوید که صنج زدن بتاویل متاع دنیا بود و زدن او امتحان
بود بدنیا حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که صنج زدن در خواب دلیل بر چهار
وجه کند یکی خبر مکروه بود؛ دوم کلام باطل باشد؛ سیوم متاع دنیا؛ چهارم غم و اندیشه
از بهر جمع کردن اموال؛ **صندل** ابن سیرین کوید اکر کسی بیند که صندل داشت

یا کسی بدو داد دلیل کند که مردمان مدح و ثنای او کویند و دوستش دارند و اکر بیند که
صندل بکسی داد دلیل کند که آنکس را مدح و ثنا کوید و دوست دارد کرمانی کوید اکر کسی بیند
که صندل سپید داشت و یا کسی بدو داد دلیل کند که از مردی بزرک وا دصلت و عطا
یابد و هر چند که بوی صندل خوشتر آید منفعت وی بیشتر بود حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام کوید که دیدن درخواب بر سه وجه بود یکی ثنا و آفرین بود دوم خیر و
منفعت سیوم جاه و حرمت بود و صندل سپید دیدن بهتر از صندل سرخ بود
صندوق کرمانی کوید که صندوق درخواب زن بود و بعضی از معبران کفتند که
صندوق عز و جاه باشد اکر بیند که صندوقی نو و بزرک فراکرفت یا بخرید یا کسی بدو
داد دلیل کند که بر قدر آن عز و جاه و بزرکی یابد و یا زن کند و اکر بیند که صندوق وی بشکست
یا ضایع شد دلیل کند که عز و جاه وی کم شود و رنجور کردد و یا زن وی از دنیا رحلت
کند جابر مغربی کوید اکر بیند که صندوق وی نو و پاکیزه و بزرک بود دلیل کند که زنش خوبروی
و پارسا و سخی بود و اکر بیند که صندوق وی کهن و کوچک و زشت بود تاویلش بخلاف
این باشد که یاد کردیم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید دیدن صندوق بر سه
وجه بود یکی عز و جاه باشد دوم مرتبت سیوم زن بود صورت ابن سیرین کوید
اکر کسی بیند صورت چهره اش بصورتی دیکر بدل شد دلیل کند که از احوالش بکردد بحال آن چیز
که خود را چنان دیده باشد کرمانی کوید اکر بیند که صورت خویش را بصورت زشت بدل
کشته بیند از هر کدام جنس که باشد دلیل کند که حال بر وی متغیر شود و اکر بیند که بحال صورت
خویش باز کشت دلیل کند که تایب کردد و بخدای باز کردد و اکر صورت خویش را
باژکونه بیند دلیل کند که همه کس روی از و بکردانند و او را جفا کنند جابر مغربی کوید اکر بیند
که صورت آدمی بصورت جانوری دیکر همی کردد دلیل کند که بد مذهب و دروغ زن بود
یا بصفات خدای عز و جل چیزی کوید و اکر بیند که صورت چیزی که بکونه دیکری که از
جنس وی نبود بکشت دلیل کند که خداوند خواب را کاری شکفت یا کاری صعب
پدید آید که در آن فرو ماند و بدانکه صورت کر درخواب مردی بود که بر خدای عز و جل

دروغ کوید صوف ابن سیرین کوید که جامهٔ صوف دیدن درخواب خیر و منفعت
دینی بود خاصه که مردم مصلح را اکر بیند که جامهٔ صوف کز داشت یا کسی بدو داد یا بخرید
دلیل کند که در راه دین سخت نیک و پسندیده باشد و اکر بیند که آن جامه بر نک سرخ
بود دلیل کند که توانکر شود و شغل دنیا بیشتر از آن بود که در راه آخرت و اکر بیند که جامه
بر نک سپید بود دلیل کند که در کار دین و دنیا پسندیده بود و اکر بیند که آن جامه بکونه
زرد بود دلیل کند که بیمار و دردمند شود و اکر بیند که آن جامه بکونه کبود بود دلیل کند که
غمکین و مستمند شود و اکر بیند که جامه بکونه سیاه بود دلیل کند که اکر بینندهٔ خواب قاضی
یا عالم بود یا کسی که پیداست سیاه پوشد سخت نیک باشد و اکر بخلاف این بیند بد
باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید دیدن جامهٔ صوف درخواب
بر سه وجه بود یکی منفعت دینی و دنیائی باشد دوم راه خیر کزیدن سیوم بعبادت و
طاعت مشغول بودن صوفی ابن سیرین کوید اکر کسی صوفی شد و در خانقاه
با جماعت صوفیان مجاور کشت دلیل کند که راه آخرت کزیند و خیرات کند و دست
از کسب و اشغال دنیا باز دارد و اکر از میان صوفیان بیرون آمد یا ایشان وی را بد
کردند دلیل کند که میل بکناه دارد و خطا و فساد و شهوت دنیا مشغول شود و دست از راه
آخرت بدارد کرمانی کوید اکر بیند که صوفی شد و مرقع صوفیان بپوشید و هواشت و در
میان ایشان میرفت دلیل کند که آنچه بخواب دید به بیداری وی را حاصل شود و اکر بیند
که صوفیان وی را از خویشتن دور کردند و از وی جدائی جستند تاویلش بخلاف این باشد
و اکر بیند که صوفیان وی را بزدند و اکر از ایشان بر تن وی کزندی نرسید دلیل کند که از
ایشان وی را منفعت دینی بود و اکر کزند ایشان کزند رسید دلیل کند که از بهر دین وی را
سخنهای زشت کویند چنانکه دلش رنجور شود جابر مغربی کوید اکر بیند که صوفی
شده بود و در میان صوفیان نشست و خاست نمیکرد و از ایشان جدائی میجست دلیل
کند که عبادت و طاعت و خیراتی که کند بنفاق در روی و ریا بود و اعتقادش باهل
تصوف نیکو بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که صوفی شدن درخواب

بر چهار وجه بود یکی از دنیا دست بداشتن بود دوم از خلق کناره کرفتن و سیوم پیوسته
بعبادت و طاعت مشغول بودن چهارم طمع بکسی نا داشتن صیقل بدانکه تباذی
آینه افروز بود ابن سیرین کوید که او درخواب پادشاه بزرک بود و بعضی از معبران کفتند
که او وزیر پادشاه باشد و قول ابن سیرین درست تر است از آن سبب که صیقل آلتهای سلیح
روشن و پاکیزه همیکند و آلتهای زرم و آنچه بدین ماند تعلق بپادشاه دارد اکر کسی بیند که
صیقلی همیکرد و اکر اهل بود دلیل کند که پادشاهی کند یا وزارت و اکر اهل نبود دلیل کند بخدمت
پادشاه یا بخدمت وزیر مشتغل کردد و کارش بنظام شود حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام کوید که صیقل مردی باشد که بدست وی حق از باطل پدید آید و بحق و راستی
یاد باشد و باطل را قهر کند و حق را نصرت و قوت دهد صینی کرمانی کوید که
صینی درخواب زن خادمه بود چنانکه اکر صینی روشن بود و پاکیزه آن زن خادمه
خوبروی و با جمال باشد و اکر بخلاف این باشد آن زن زشت روی و چرکن بود ابن
سیرین کوید که صینی درخواب کنیزکی بود که حوایج خانه بتسلیم او کنند اکر بیند که صینی
فرا کرفت یا بخرید یا کسی بدو داد دلیل کند که زن خادمه را بخانه آرد یا کنیزکی بخرد
و اکر بیند که صینی وی بشکست یا ضایع شد دلیل کند که آن زن یا کنیزک بکریزد و
بعضی از معبران کفتند که اکر کسی بیند که صینی وی بشکست یا پاره پاره شد
دلیل کند که آن زن یا کنیزک از دنیا رحلت کند و اکر بیند که صینی بیفتاد و در روی
خللی پدید آمد دلیل کند که آن زن یا کنیزک بیمار شود و اکر بیند که صینی وی را کسی بدزدید
دلیل کند که آن زن یا کنیزک وی را بفریبند و بکریزانند جابر مغربی کوید اکر کسی بیند که صینی
خرید دلیل کند که زن خادمه را بزنی بخواهد یا کنیزک خادمه را بخرد و با وی خفت
و معاشرت کند چنانکه وی را از و فرزند حاصل شود حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام کوید که دیدن صینی درخواب بر سه وجه بود یکی زن خادمه بود دوم
کنیزک سیوم منفعت از زنان و بدانکه صینی مردی بود که مجالست وی با زنان
باشد والله اعلم حرف ضاد از کتاب کامل التعبیر

کند بر فساد دین ولی امانتی وی پس واجب کند که از خدای تعالی بترسد و توبه کند
کرمانی کوید اکر چون کسی در کردن خود طوق بیند دلیل کند که بدروغ دعوی
کند که از فلان قوم ام یا فلان قبیله ام و از ایشان نباشد جابر مغربی کوید اکر کسی در کردن
خود طوق بیند که برخی از آن طوق زرین بود دلیل کند که حج کرد و اکر جمله آن زر بود دلیل کند
که ولایت یابد و اکر آن طوق که دید سیمین بود یا آهنین دلیل کند که با کسی خصومت
و کفتکوی کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن طوق درخواب
بر شش وجه بود یکی حج باشد دوم ولایت سیوم خصومت و کفتکوی چهارم امانت
پنجم غلام ششم کنیزک بود و اکر طوق در کردن اسپ خویش بیند دلیل کند
که از پادشاه مال و بزرکی یابد بر قدر قیمت آن طوق طیلسان ابن سیرین
کوید که طیلسان درخواب قدر و جاه و شرف مردم بود و مروت مرد بر قدر طیلسان
باشد یعنی اکر طیلسان نو و پاکیزه بود مروتش نیک باشد و اکر کهن و دریده و چرکن بود
دلیل کند که مروتش نباشد کرمانی کوید اکر بیند که طیلسانش بدرید یا بسوخت و
باد از وی ضایع شد دلیل کند که برادر یا فرزند یا کسی که بر وی عزیز بود از پیش وی
ضایع شود و اکر بیند که طیلسانش بدرید و از وی ضایع نکشت دلیل کند که حرمت
و مالش نکاهد و اکر بیند که مردی مجهول یا کسانی از خادمان پادشاه طیلسان
وی را بکشیدند و فرو دیدند دلیل کند که وی را مصیبتی رسد یا بکسی که عزیز وی بود
دانیال کوید که طیلسان درخواب امانت و دیانت و قوت دین مرد بود و هر
نقصان که در طیلسان بیند بکذاردن امانتها و قوت دین وی را خلل افتد و اکر
طیلسان شسته و پاکیزه بیند دلیل کند که در امانت کذاردن توفیق یابد و اکر
طیلسان پلشت و چرکن بیند تاویلش بخلاف این بود و اکر طیلسان را
سوخته بیند دلیل کند که از سبب روشنی وی را اندوه و مصیبت رسد و اکر بیند
که طیلسان را دزد ببرد دلیل کند که در رنجی سخت افتد و آبرویش برود و درویش و بیچاره
کردد جابر مغربی کوید که درخواب طیلسان دیدن فر و نیز بود و اکر بیند که طیلسان

نو و پاکیزه و سفید و خوشبوی دارد دلیل کند که ویرا فرزندی مصلح و پارسا و با امانت حاصل شود و اگر بیند که طیلسان بگونه سبز بود دلیل کند که فرزندش عالم و دانا بود و دیندار باشد و اگر بیند که بگونه سرخ بود فرزندش معاشر و طرب دوست باشد و اگر بیند که آن طیلسان بگونه زرد بود دلیل کند که فرزندش بیمارگن و زرد روی بود و اگر بیند که آن طیلسان بگونه سیاه بود و بیننده خواب عالم بود دلیل کند که ویرا فرزندی آید که قاضی بود یا خطیب حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن طیلسان در خواب بر ده وجه بود یکی عز باشد دوم جاه سیوم ولایت چهارم فرزند پنجم دولت ششم بزرگی هفتم مال هشتم علم نهم دین دهم شمشیر باشد **حرف ظی از کتاب کامل التعبیر** **ظلم** بدانکه ظلم کردن بتازی بیداد کردن بود و ابن سیرین گوید اگر بیند که کسی بروی ظلم کرد دلیل کند که بر آن کس ظفر و نصرت یابد و اگر بیند که وی بر کسی ظلم کرد دلیل که بروی آنکس ظفر و نصرت یابد و اگر بیند که پادشاهی بروی ظلم کرد دلیل کند که پادشاه محتاج گردد بوی بچیزی که آن چیز را بالشاه لایق بود و اگر بیند که او بر پادشا ظلم کرد دلیل کند که از پادشاه بلا و محنتی بوی رسد جابر گوید اگر خویشتن را مظلوم نبیند و هیچ ظلم بروی نبود دلیل کند که او ظالم باشد و اگر بخلاف این بیند دلیل کند که او مظلوم باشد اسمعیل اشعث گوید اگر پادشاهی یا مردی بزرگوار بیند که او بر درویشی بیچاره ظلم کرد دلیل کند که آن درویش ویرا نفرین و دعای بد گوید و اگر بیند که درویش بر پادشاه یا بر مردی بزرگوار ظلم کرد دلیل کند که پادشاه یا آن مرد بزرگوار ویرا هلاک کرداند و اگر خواجه بیند که بر بنده خود ظلم کرد دلیل کند که آن بنده آزاد شود و اگر آن بنده بیند که بر خواجه خود ظلم کرد دلیل کند که از بندگی رستگاری نیابد و از خواجه رنج و بلا و محنت کشد **ظلمات** ابن سیرین گوید که ظلمات در خواب ضلالت و گمراهی بود در راه دین اگر بیند که در ظلماتی بود و آن ظلمات بروشنائی بدل گشت دلیل کند که توبه کند و راه دین بروی گشاده گردد کرمانی گوید اگر بیند که در ظلمات بود پس بروشنائی آمد و یا از ظلمات شد دلیل کند که منافق

باشد **قوله تعالی** وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا جابر مغربی گوید که ظلمات دیدن بخواب غم و اندوه سخت باشد اگر بیند که در دیار ظلمات ظاهر شده بود دلیل کند که مردم آن دیار را غم و اندوه صعب پیش آید و کار ایشان بسته گردد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن ظلمات در خواب بر پنج وجه بود یکی کفر باشد دوم تحیر سیوم فرو بستن کارها چهارم بدعت پنجم در ضلالت افتادن و اگر بیند که از ظلمات بروشنائی آمد دلیل کند که از درویشی بتوانگری افتد **حرف عین از کتاب کامل التعبیر** **عاج** ابن سیرین گوید که عاج در خواب مال بود از پادشاه اگر بیند که عاج داشت دلیل کند که بقدر آن از پادشاه مال و خواسته حاصل شود و اگر بیند که عاج از وی غایب شد دلیل کند که مالی که از پادشاه حاصل کرده شود از وی ضایع شود جابر مغربی گوید اگر بیند که از عاج صندوقی داشت دلیل کند که از خویشان یا از مقربان پادشاه زن خواهد و اگر بیند که از عاج دواتی داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که پادشاه کنیزکی ویرا عطا دهد و بعضی از معبران گفته‌اند که از پادشاه عز و جاه یابد و اگر بیند که آن صندوق یا آن دوات بشکست یا ضایع شد دلیل کند که زن یا کنیزک او هلاک شود و هرچند که عاج سپیدتر و با کینه‌تر بود منفعت و مالش بیشتر باشد **عاریت** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که چیزی بعاریت بکسی داد اگر آن چیز از نوعی بود که دوستش دارند دلیل کند که آن چیز بدانکس ثابت نماند و اگر آن چیز از نوعی بود که دوستش ندارند تاویلش بخلاف این بود که یاد کردیم اگر بیند که از کسی چیزی بعاریت بستد و آن چیز بر خداوندش عزیز بود دلیل کند که آن عاریت بروی ثابت نماند و اگر آن چیز بر خداوندش عزیز نباشد دلیل کند که آن عاریت بروی ثابت ماند بلکه زود بخداوندش رسد **عاشقی** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند و عاشق است دلیل کند که آرزومند و حریص بود بنیکی و صلاح یا بیدی و فساد و تاویل این هر دو را از سخن خداوند خواب بود یعنی اگر عاشقی وی بچیزی بود که آن در شریعت حلال بود دلیل بر نیکی و صلاح کند و اگر عاشقی وی

بچیزی بود که آن در شریعت حرام بود دلیل بر بدی و فساد کند جابر مغربی گوید اگر بیند که بر کسی خوبروی عاشق شده بود اگر عشق وی به نیت حرام و فساد نباشد خیر بود و اگرنه دلیل بد بود اسمعیل اشعث گوید اگر عاشقی بخواب بیند که از معشوقه کام دل بیافت دلیل کند که از وی خیر و منفعت یابد **عالم** اگر کسی بیند که او عالم یا فقیه شده بود و او جاهل بود مر همان سخن ویرا قبول نکنند دلیل کند که در زبان مردمان ببدی افتد و حقیر و خوار شود و اگر عالم یا فقیه بود دلیل کند که بر زیادتی شرف و بزرگی او بود و همچنین اگر بیند که قاضی یا حکیم یا طبیب بود دلیل کند که بد بود و اگر او در آن علم کامل و دانا بود دلیل کند که نیک باشد و اگر عالمی یا طبیبی بیند که فقیه شده است دلیل کند که خیر بود و همچنین اگر فقیهی بیند که او حکیم یا طبیب شده است هم نیک باشد و اگر بیند که عالمی یا حکیمی صالح و معروف از مرده یا از زنده بدر شهری یا در جایگاهی بگذشت و در آنجا ترس و بیم بود دلیل کند که از آن ترس و بیم مردم آنجا ایمن شود و از غمها فرج یابد و احوال مردمان بصلاح آید و پادشاه ایشان عادل و منفعت گردد کرمانی گوید اگر کسی بیند که مردمانرا بخواب علم همیگفت دلیل کند که بجدل و جهدی آن دیار را بگیرد و سخن وی در آنجا روان کرده و لیکن دراز نکشد و پایدار نباشد و اگر عالم و دانا بود دلیل کند که عز و جاه و شرف یابد و زیادت شود و سخن وی روا گردد بمقدار علم وی پس اگر بیند که بعلم گفتن عطا بستد و بدل یافت دلیل کند که ویرا رشوتی دهند و یا چیزی حرام یابد از آنکس پس کارش بنقصان شود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که علم گفتن در خواب کسی که عالم بود دلیل بر چهار وجه کند یکی بزرگی باشد دوم عز و جاه سیوم قبول مردمان چهارم ولایت و کامرانی **عبادت کردن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که خدای عز و جل را عبادت میکرد دلیل کند که خیر و شادی این جهانی و ثواب این جهانی یابد و اگر بیند که جز خدای عبادت کسی دیگر همیکرد تاویلش بخلاف این بود جابر مغربی گوید اگر بیند که عبادت در مسجد یا در صومعه همیکرد دلیل کند که خیر این جهانی یابد و اگر بیند که عبادت بجایگاهی میکرد که در آن جایگاه عبادت کردن بشرع مشغول بود نیک نباشد زیرا که عبادت کردن

وی دلیل بر نفاق کند **عجوزه** بدانکه عجوزه بتازی کنده پیری بود که شرح تاویل وی بحرف کاف بباب کنده پیر بیان کنیم تا این قدر معلوم بود **عدد شمار** ابن سیرین گوید یکی از شمار نیکو و فرخنده بود و مبارک که کسی یکی از درم یا از دینار یا از انجام یا از غیرش بدو داد دلیل کند که خیر و نیکی یابد زیرا که اصل هر شمارها یکی است و هر شماری که بیند که مضاعف کردند بدو مضاعف شود پس از بهر این نیک و مبارک باشد چنانکه ایزد تعالی در کلام مجید یاد کرده است **قوله تعالی** مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا پس از این سبب معبران گفته‌اند که یکی و ده و صد و هزار دلیل بر مبارکی و خیر کند و اصل دیگران است که خدای عز و جل یکیست بیچون و چگونه چنانکه وصف کمالش هیچ عدد در نیاید تا بدین سبب یکی بتاویل مبارک و نیک باشد کرمانی گوید اگر بیننده خواب عدد شمار یکی چیز نیک بیند دلیل کند که از غم و اندوه فرج یابد و بمقصودها برسد و اگر خداوند خواب عدد شمار دو چیز بیند دلیل کند که از رنج و سختی رهائی یابد و بر دشمنان ظفر یابد **قوله عز و علا** ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ و اگر عدد شمار سه چیز بیند دلیل باشد زیرا که از کاری که در و بود برخورداری نیابد **قوله عز و جل** قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا و لفظ سه دیگر فرقت باشد زیرا که طلاق سه است و عدد حیض سه پاکی بود و عدد چهار بیند دلیل کند که سخت نیک باشد چون چیزی دیگر بروی مضاف نکر **قوله جل و علا** مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ و اگر عدد پنج بیند دلیل کند که بفال مبارک و نیک باشد زیرا که بیننده خواب پنج نماز بوسته بکار دارد و اگر عدد شمار شش بیند دلیل کند که سخت نیکو باشد **قوله تعالی** خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ و اگر عدد شمار هفت بیند بهر وجه که بود بد باشد **قوله عز و جل** سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا و چون هفت و هشت بوسته گردد هم بد باشد **قوله تعالی** سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا و اگر عدد شمار نه بیند هم بد باشد **قوله جل و علا** تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ و اگر عدد شمار ده چیز بیند یا کسی وی را ده چیز بدهد دلیل کند که سخت نیکو و

مبارك باشد وشغلها بروي آسان برآيد ومراد دين ودنياي وي حاصل شود قوله
تعالى وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ ؛ قوله تعالى تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ ؛ واكر عدد شمار
يازده بيند دليل كند كه از دست مردمان كران مايه مراد وي حاصل شود قوله تعالى
إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا ؛ وعدد شمار دوازده بيند دليل كند كه شغلهاي وي بروز كار
برآيد قوله تعالى إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ ؛ واكر عدد
شمار سيزده بيند دليل كند كه كار بروي بسته كردد واكر عدد شمار چهارده بيند نيكو بود دليل كند
كه كارها بروي كشاده كردد چون ماه شب چهارده واكر عدد شمار پانزده بيند دليل كند
كه كارهاي وي تمام بر نيايد بلكه پراكنده بماند وبعضي از معبران كفتند كه برخي برآيد وبرخي
بر نيايد چنانكه نيمه از شغل وي برآيد واكر عدد شمار شانزده بيند دليل كند كه شغلهاي وي
وحاجتهاي وي بروزكار دراز برآيد واكر عدد شمار هفده بيند دليل كند كه چيزهاي
تباه كرده بروي باز كردد وسرانجام كار روي نيك شود وبي غم واندوه بود وعدد شمار اكر هژده
بود نيكو نبود دليل كند كه مرادش بر نيايد واز سبب اهل بيت وخويشان ويرا غم واندوه
رسد واكر عدد شمار نوزده بود بد بود دليل كند كه ويرا با مردمان بحمت وطاغي كار
افتد قوله تعالى لَوَّاحَةٌ لِلْبَشَرِ عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ ؛ واكر عدد شمار بيست بيند سخت
نيكو بود دليل كند كه كارها قوت يابد ومرادش زود برآيد وبر دشمنان ظفر يابد واكرچه
ويرا دشمن باشند قوله عز وجل عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ ؛ واكر عدد شمار
سي بيند دليل كند كه ويرا با كسي خصومت افتد وداوري شود ونور فضل كرود وبر دشمن
ظفر يابد قوله تعالى وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا ؛ قوله تعالى وَوَاعَدْنَا مُوسَى
ثَلَاثِينَ لَيْلَةً ؛ واكر عدد شمار چهل بيند دليل كند كه كارهاي وي فرو بسته كردد وشغل
خويش متغير شود قوله تعالى مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ ؛
واكر عدد شمار پنجاه بيند بد بود دليل كند كه بدو رنج وسختي ودل مشغولي رسد قوله تعالى
أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ ؛ واكر عدد شمار شصت بيند بد
باشد دليل كند كه ويرا سوكندي بكردن آيد كه بكفارت آن سوكند ويرا دو ماه پيوسته

روزه بايد داشتن يا شصت درويش را طعام بايد دادن قوله تعالى وَصِيَامُ شَهْرَيْنِ
مُتَتَابِعَيْنِ ؛ قوله تعالى سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ؛ واكر عدد شمار
هفتاد بيند دليل كند كه تاويل حاجتهاي وي بتاخير برآيد وليكن از جهت سلطان ويرا
ترس وبيم رسد واكر بيند كه جامه يا رسن يا چيزي ديكر باركرد كه بعدد هفتاد كز بود سخت
بد باشد قوله تعالى فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ؛ واكر عدد شمار
هشتاد بيند بد بود دليل كند كه ويرا تهمت كنند بزبان وبيم بود كه ويرا هشتاد چوب بزنند
قوله تعالى فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً ؛ واكر عدد شمار نود بود نيك باشد ودليل كند
كه زنان بسيار از بزركان بزني خواهد ويرا از آن خير ونيكوئي رسد واكر اهليت بود ولايت
يابد قوله تعالى تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً ؛ واكر عدد شمار صد بيند دليل كند كه بر دشمنان
ظفر وقوت يابد ومرادش حاصل شود قوله عز وعلا مِائَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ ؛ واكر
سلطاني با خود صد سوار بيند يا صد غلام دليل كند كه بر دشمنان زود پيروز كردد واكر بيند
كه كسي ويرا صد درم داد دليل كند كه صد چوبش بزنند بتهمت زنا كه بروي نهند قوله تعالى
فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ ؛ واكر بيند كه كسي ويرا صد دانه كندم يا جو يا چيزها اندا
نها بداد دليل كند كه ويرا خير وبركت وراحت بديد آيد ودر روزي بروي كشاده كردد وعيش
وي خوش كردد قوله تعالى فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ
اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ؛ واكر شمار دويست بيند دليل كند كه دشمنان بروي ظفر يابند ؛
قوله تعالى يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ ؛ واكر عدد شمار سيصد بيند دليل كند كه بروزكار دراز مقصود
وي برآيد واز دشمن ايمن شود قوله تعالى وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ
وَازْدَادُوا تِسْعًا ؛ واكر عدد شمار چهارصد بيند دليل كند كه بر خصمان قوت ونصرت
يابد چنانكه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود خبر خير الرؤيا اربعمائة وخير الجيوش ار
بعمائة ؛ يعني بهترين خوابها آن است كه چهارصد بود بعدد وبهترين لشكر آنست كه
چهارصد بعدد بود واكر عدد شمار پانصد بيند دليل كند كه او را كاري موقوف باشد ميان
برآمدن اميد ونااميدي واكر بيند عدد شمار ششصد بيند دليل كند كه شاد كردد و

با اميد ومقصود برسد واكر عدد هفتصد بيند دليل كند كه كار بروي سخت كردد وسر
انجام اميدهاي وي برآيد ونيكوئي بيند واكر شمار هشتصد بيند دليل كند كه فتح وظفر در كار
بيند وشغلهاي پراكنده وي جمع شود واكر عدد شمار نهصد بيند خاصه است كه كاري
كند كه دشمن بروي ظفر يابد ومرادش بر نيايد واكر عدد شمار هزار بيند دليل كند كه قوت
وبزركي يابد ودشمنان را قهر كند قوله تعالى وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا
أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ ؛ واكر عدد شمار دو هزار بيند دليل كند كه بد بود وبفال نيك نباشد واكر
عدد شمار سه هزار بيند دليل مباركي كند وقوت وفيروزي يابد قوله تعالى ثَلَاثَةِ
آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ ؛ واكر چهار هزار بيند هم قوت ونصرت باشد از
بهر آنكه پيغمبر صلى الله عليه وآله وسلم چهار هزار را ستوده است چنانكه پيش از اين بيان كرده
شد واكر پنج هزار بيند دليل كند كه مبارك وفرخنده بود ونصرت وفيروزي يابد واكر
شش هزار بيند دليل كند كه ظفر وقوت وكشايش كارها بود واكر هفت هزار بيند دليل
كند كه كارهايش ميانه بود وبعضي از معبران كفتند كه شغلهاي وي بسته شود واكر
هشت هزار بيند دليل كند كه كارهايش بنظام بود وبر دشمن ظفر يابد واكر نه هزار بيند
نيك نباشد واكر ده هزار بيند دليل كند كه ظفر ونصرت وفيروزي يابد واكر بيست
هزار بيند دليل كند كه ويرا غلبت دشمنان بود واكر سي هزار بيند دليل كند كه ويرا غلبت و
نصرت دير باشد واكر چهل هزار بيند دليل كند كه ظفر ونصرت يابد واكر پنجاه هزار
بيند دليل كند كه برنج وسختي وتدبير درماند وعاجز شود قوله تعالى مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ
أَلْفَ سَنَةٍ ؛ واكر شصت هزار بيند دليل كند كه شادمانه وخرم كردد باميدها كه
دارد برسد واكر هفتاد هزار بيند دليل كند كه نخست كارها بروي پوشيده كردد ودر
سرانجام اميدش برآيد واكر هشتاد هزار بيند دليل كند كه بر اعدا ظفر يابد ونصرت
وكارش بنظام شود واكر نود هزار بيند بد باشد دليل كند كه بر اعدا ظفر نيابد و
قوت ونصرت نبود واكر صد هزار بيند يا بيشتر دليل كند كه مبارك بود ومقصودش
حاصل شود وظفر يابد قوله تعالى وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ ؛ والله اعلم ؛

عدس بدانكه معبران را در تاويل آن خلافست ابن سيرين كويد كه خوردنش بخواب
نيكست كه ابراهيم پيغمبر عليه السلام آنرا دوست داشتي وپيوسته خوان وي از عدس
خالي نبودي ودر خوردن وي سخت حريص بودي وراغب كرماني كويد كه خوردنش
بخواب بدست زيرا كه چون قوم موسى عليه السلام از مَنّ وسلوى خوردن ملال كرفت الحاحا
عدس وپياز وسير درخواستند وبدان از خداي عز وجل برايشان عذاب آمد ؛
قوله تعالى أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ ؛ جابر مغربي كويد كه خوردن
عدس در خواب مال بود كه از زنان بي رنج بدو رسد خاصه كه عدس پخته بود واكر عدس
خام هميخورد بتاويل نيك نباشد ودليل بر غم واندوه كند عراده ابن سيرين
كويد اكر بيند كه در شهر يا در بر كافران سنك عراده را همي انداخت دليل كند كه كافران را
سخت دشمن دارد وپيوسته سخن ايشان ببدي كويد واكر بيند كه در شهر يا در در بر
مسلمانان سنك عراده همي انداخت دليل كند كه در پس مسلمانان سخنهاي بد وناهموار كويد
وباشد كه اهل اسلام را دعاي بد كويد جابر مغربي كويد اكر بيند كه سنك عراده
را همي انداخت بجاي دليل كند كه اهل آن موضع را غيبت كند يا ايشان را دشنام دهد
عرش ابن سيرين كويد كه عرش در خواب امري بزركوار بود يا مال وخواسته بسيار
اكر كسي عرش را بيند آراسته دليل كند كه ويرا با مردي بزركوار صحبت افتد وعز ودولت
يابد وروز كارش بنظام شود واكر عرش را از كوناكون آراسته بيند دليل كند كه ويرا با مهتران
پارسا مصاحبت افتد وكار وي بلند شود وشرف وبزركي يابد واكر عرش را حقير وخوار
بيند دليل كند كه احوال وي بد شود وپيش مردمان حقير وخوار كردد جابر مغربي كويد
اكر كسي خويشتن را بر عرش نشسته بيند دليل كند كه با مردي بزركوار بپيوندد وحرمت
وجاه وبزركي يابد واكر بيند كه از عرش بزير آمد تاويلش بخلاف اين باشد كه ياد كرده
شد حضرت امام جعفر صادق عليه السلام كويد كه ديدن عرش در خواب بر پنج
وجه بود يكي رياست وبزركي باشد ؛ ودوم رفعت ؛ وسيوم مرتبت ؛ چهارم عز ؛
پنجم بزركواري ؛ واكر بيند كه بر فراز عرش بود دليل كند كه ولايتي بزرك يابد وكارش

بالا کیرد و باشد که باد بالا کیرد و باشد که پادشاه کردد و بدشمنان ظفر یابد و بکام دل
برسد **عرعر** بدانکه عرعر بتازی درخت سرو کوهی بود ابن سیرین کوید اگر کسی بخواب
بیند که درخت عرعر داشت دلیل کند که با مردی که خداوند اصل و نسب بود و برا
صحبت و پیوند افتد خاصه که خویشتن را بر فراز درخت بیند و از وی اندک چیزی
منفعت یابد و زیرا که درخت عرعر بتاویل مردی بود که خیر و نکوئی کمتر کند **عرق
کردن** ابن سیرین کوید اگر کسی در خواب بیند که عرق از تن وی روان شد دلیل کند
که بر قدر آن و برا زیان مال افتد خاصه که بیند که عرق بر زمین همی چکد و اگر بیند که جامه اش
از عرق تر شده بود دلیل کند که بر قدر آن از مال خویش بر عیال و خویشان هزینه کند و
اگر بیند که عرق خویشتن را همی خورد دلیل کند که مال خویش را بخورد و اگر بیند که عرق
وی بکونه سپید بود و بوی خوش دلیل کند که مالش حلال بود و اگر بخلاف این بیند مالش
حرام بود کرمانی کوید که عرق کردن در خواب دلیل بر حاجت روائی کند و اگر بیند
که عرق همی کرد دلیل کند که حاجت وی روا شود و اگر بیمار بیند که عرق همیکرد دلیل کند
که از بیماری شفا یابد **عروسی** ابن سیرین کوید اگر کسی بیند که عروسی بخواست
ولیکن وی را بچشم ندید و نشناخت و نامش ندانست دلیل کند که بمیرد یا بر دست
کسی کشته شود و اگر بیند که عروس را فرا گرفت و با وی بخفت دلیل کند که بزرگی یابد
و چیزی که ملک وی نبوده باشد ملک وی شود کرمانی کوید عروسی بخواب دیدن
چون در آنجا چنگ و چغانه و نای و رقص نباشد دلیل بر خیر و برکت و شادی کند
و چون در آنجا چنگ و چغانه و نای و رقص بود دلیل بر غم و اندوه و مصیبت کند جابر
مغربی کوید اگر زنی بخواب بیند که عروس شد و او را بنزد شوهر همی بردند دلیل کند که
اجلش نزدیک آمده باشد اگر بیند که شوهر وی را بستد و با وی بخفت دلیل کند که خیری
و منفعت یابد بر قدر آن آرایش و جامها که بر خویشتن دیده باشد **عزل کردن** بدانکه
عزل کردن بتازی جدا کردن بود از کاری اگر بیند که پری مجهول را از کاری عزل کردند دلیل
کند که خواری و کم حرمتی یابد و اگر پیری مهتر معروف بیند که از کارش عزل کردند دلیل کند

برنقصان

برنقصان منزلت و بزرکی وی و اگر جوانی معروف را بیند تاویلش بخلاف این بود کرمانی
اگر بیند مهتری بزرک را از کار وی معزول کردند و آن مهتر بمرد یا بیمار شد دلیل کند که بر نقصان
دین و نقصان بزرکی و منزلت وی جابر مغربی کوید اگر کسی بیند که از کارش معزول کردند اگر
کار وی دلیل بر مصلحت و داد کند دلیل بر ضعف و نقصان دین وی بود و اگر کارش
دلیل بر کسب و کار معیشت کند دلیل بر درویشی و نقصان معیشت وی باشد و اگر کارش
عمل بد بود چون عوانی یا تردادی و آنچه بدین ماند و بیند که وی را از آن عزل کردند دلیل کند که
از فساد و کارهای بد دست بدارد و راه صلاح کزیند **عسس** ابن سیرین کوید اگر کسی
بیند که با اهل عسس همی کشت و ایشان مردمان مصلح بودند دلیل کند که وی را خیر و منفعت
رسد و اگر بر خلاف این بیند دلیل کند که بروی شر و مضرت رسد و اگر بیند که وی را عسسان
بکرفتند و رنج و کزندی بوی رسانیدند دلیل کند که از مردمان پادشاه رنج و اندوهی بوی رسد
و اگر بیند که از و بدیشان رنج و کزندی نرسید دلیل بر خیر کند کرمانی کوید اگر بیند که مردمان
عسس جامه وی بکندند و یا وی را بزندان بردند و در زندان کردند دلیل کند که وی را از مردمان
پادشاه رنج رسد و کم حرمتی و اگر بیند که وی را با مردمان عسس جنگ و نبرد بود و ایشان را
بچوب بزد دلیل کند که وی را با مردمان پادشاه جنگ و خصومت بود و بر آنکس ظفر
یابد و اگر بخلاف این بیند آنکس بروی ظفر یابد و غالب شود و اگر بیند که از مردمان
عسس بکریخت و کس وی را کرفتن نتوانست دلیل کند که رنجی بدو رسد **عشار**
بدانکه عشار بتازی باژستان بود و دیدنش در خواب مردی بود که از خدای نترسد
و از راه دین بیخبر بود و در دل شفقت و رحمت خلق ندارد ابن سیرین کوید اگر بیند
که باژداری همیکرد دلیل کند که در کاری مشغول شود که مردمان را از آن رنج و بلا رساند و
بر کس هیچ رحمت و شفقت نکند و دین وی بر خلل باشد و بزه و کناه بسیار در کردن
وی حاصل شود و اگر بیند که از باژداری دست بداشت دلیل کند که از کناهان
توبه کند و بخدای باز کردد و بر کناه کرده پشیمانی خورد **عصار** بتازی روغن کر بود
و او مردی بود که بدو ثنا کویند ابن سیرین کوید اگر کسی بیند که او عصاری همیکرد دلیل کند

که بکاری مشغول شود که از آن کار او مردمان را ثنا و آفرین باشد و نام وی بنیکی در آن
دیار منتشر کردد و با هر کس خیر و احسان کند و تاویلش بتمامی در حرف طا باب روغن
کفته شد تا اینقدر معلوم باشد **عصا** ابن سیرین کوید که عصا در خواب مردی بزرکوار
و خداوند قدر و جاه بود بقدر عصا و جوهر و قوتش اگر بیند که عصا در دست داشت یا
کسی بدو داد دلیل کند که از مردی بزرکوار وی را قوت و جاه و خیر بود و اگر بیند که عصا از وی
ضایع شد یا کسی از وی بستد دلیلش بر خلاف این بود و اگر بیند که تکیه بر عصا همیکرد
دلیل کند که آنچه جوید بیابد بمعاونت مردی بزرکوار و خداوند قوت و جاه کرمانی کوید اگر
بیند که عصا در دست وی دراز شد دلیل کند که بمراد برسد و اگر بیند که عصا در دست
وی کوتاه شد دلیل کند که بمراد نرسد و اگر بیند که عصا در دست وی مار شد دلیل کند
که مردی بزرکوار که دوست وی باشد دشمن وی شود و اگر بیند که عصای خویش را بعصای
دیکران بدل کرد دلیل کند که بمیرد و اگر بیند که عصایش با وی سخن کفت دلیل کند که وی را
فرزندی آید که از و خیر و منفعت یابد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که دیدن
عصا در خواب بر سه وجه بود یکی مرد بزرکوار دوم پادشاه سیوم قوت باشد
عصیده بدانکه عصیده کونه حلواها بود و عصیده آن بهتر بود که در آن زعفران
بود زیرا که زردی در طعام بیماری بود و دیدن در خواب آنرا مالی بود که برنج و خصومت
بدست آید بر قدر آن آتش که بوی رسیده باشد ابن سیرین کوید اگر بیند که لقمه از عصیده
در دهان نهاد دلیل کند که از کسی سخن لطیف و خوش شنود و اگر بیند که عصیده بسیار بخورد
دلیل کند که بر قدر آن مالی برنج و خصومت وی را حاصل شود و اگر بیند که لقمه عصیده او
بکسی داد دلیل کند که آنکس را سخن خوش و لطیف کوید یا از بهر وی کاری پسندیده کند
و اگر بسیار داد دلیل کند که بر قدر آن مال برنج و خصومت بدو دهد **عطا دادن**
ابن سیرین کوید اگر کسی بخواب بیند که کسی وی را چیزی عطا داد معبر باید که از و بپرسد
که آن عطا چه نوع بود جامه بود یا زر یا سیم یا از نوع مرغ بود یا چهار پای یا نوعی دیکر یا عطا
بوعده و خط بود و عطا دهنده یا عطا دهنده چون دوست یا دشمن و معروف بود یا

مجهول

مجهول زن بود یا مرد چون جمله نیکبدانست بنوع آن چیز که عطا باشد دلیل کند که نیکو
باشد و مردمان آن چیز را دوست دارند دلیل کند که از آن عطا بدو چیزی نیکو رسد
از عطا دهنده اگر دوست بود و اگر دشمن بود منفعت از وی باز کردد و اگر آن عطا
چیزی مکروه و ناپسندیده بود چنانکه مردمان آنچیز را دشمن دارند تاویلش بخلاف
این باشد که یاد کرده شد و اگر عطا دهنده مجهول بود دلیل کند که از جهت دنیا بوی
خواری رسد و اگر عطا دهنده وخط بود این جمله عشوه و دروغ و خصومت باشد
و اگر بیند که عطا بستد و دیکر باره بخداوند باز داد و نپذیرفت نیک و بد آن هم
عطا دهنده باز کردد و اگر بیند که وی را عطا داد میوه یا جامه یا خوردنی شیرین دلیل
کند که با یکدیکر بپوستکی و خویشی کنند و اگر عطا دهنده مجهول بود دلیل کند که از کسی بیکانه
منفعت یابد و اگر بیند که عطا دهنده جهود یا ترسا یا مغ بود دلیل کند که ایمان و مسلمانی
وی بر خطر باشد و اگر جهود یا ترسا یا مغی بخواب بیند که مسلمانی عطا بوی داد
و او بطوع و رغبت خود آن عطا بستد و بپذیرفت دلیل کند که آنکس مسلمان شود
و اگر از این عطا که یاد کردیم برخی بدهد و کوید این با تو به زنهار است و عاریت و این
عطا چیزی مکروه بود دلیل کند که در میانشان جنگ و خصومت و جفا افتد ولیکن
زود بکذرد و اگر آن عطا نیک باشد تاویلش بخلاف این بود ولیکن دوستی در میان
شان پایدار نبود کرمانی کوید اگر بیند که کسی وی را عطائی داد دلیل کند که بر زیادتی مال و
تندرستی وی و اگر شکر نکفت و بدشنام و جفا مشغول شد تاویلش بخلاف این
بود که یاد کرده شد جابر مغربی کوید اگر عطا چیزی نیک بود و عطا دهنده مصلح و پارسا
بود دلیل بر خیر و صلاح دینی کند و اگر عطا چیزی دون بود و عطا دهنده مفسد و ناپارسا
بود تاویلش بخلاف این بود که یاد کرده شد **عطر** بدانکه عطر بتازی بوی خوش
بود ابن سیرین کوید اگر کسی بخواب بیند که با خویشتن بوی خوش داشت و او
عالم بود دلیل کند که مردم را از علم وی خیر و منفعت رسد و اگر توانکر بود مردمان از
مال وی خیر و منفعت بود کرمانی کوید اگر کسی بیند که با خویشتن عطر داشت دلیل کند

که مردمان ویرا ثنا و آفرین گویند و نامش در زبان دیاد بنیکی منتشر گردد حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام گوید که دیدن عطر در خواب بر نه وجه بود یکی ثنای نیکو باشد دوم سخنهای خوش
سیوم علم نافع چهارم طبع خوش پنجم مجلس علم ششم مردم کریم هفتم سخن مردم با فرهنگ
هشتم دین پاک نهم خبر خوش اگر کسی بیند که عطاری همیکرد تاویلش آنست که مردمان ویرا
شکر و ثنا گویند و اگر بیند که مردمان بویهای معشوق همیفروخت تاویلش آنست که مردمانرا
وعدهٔ نیکو دهد و هم خلاف و دروغ آید اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که با عطاری
دوست شد چنانکه پیوسته مجالست دکان وی داشت دلیل کند که مردمان مدح و ثنای
وی گویند و در جود و نیکی معروف و نامدار بود **عطسه** ابن سیرین گوید اگر کسی
در خواب بیند که عطسه آمد و الحمد لله گفت دلیل کند که اگر بیمار بود بطبیب ویرا حاجت
افتد و اگر تندرست بود دلیل کند که حاجتش روا شود و اگر بیند که عطسه بیشمار داد دلیل
کند که حاجتش بدشواری روا شود و اگر بیند که عطسه داد و آب بینی را باستین بگرفت
دلیل کند که فرزندش آید جابر مغربی گوید که عطسه دادن بخواب کاری باشد بشک که خداوند
خواب اندران مفتی کردد و بعضی از معبران گفته اند اگر کسی در خواب بیند که عطسه داد دلیل
کند که سخنی بی مایه خویش بگوید یا بیمار شود و اگر بیند که چون عطسه داد حلم از بینی روان
شد دلیل کند که کسی یاد در خبر ناخوب گوید و اگر بیند که آن حلم در مسجد فرو آمد دلیل کند
که او سخن در دین گوید و اگر بیند که عطسه داد و یا چیزی یا مرغی از بینی وی فرود آمد دلیل
کند که ویرا بچه آید از جوهر آنچه آن مرغ یا آن جمنده زاید و منسوب گردد کرمانی گوید که
عطسه دادن بتاویل مالی بود که خداوند آن غنی گردد چون عطسه باسانی دهد و چون
بدشواری دهد مال ویرا برنج حاصل شود **عقعق** بدانکه عقعق بتازی کلاژه را
خوانند و تاویلش در حرف کاف بباب کلاژه بیان کرده شود **عقل** ابن سیرین
گوید اگر کسی عقل خود بصورت آدمی بیند و او را گوید که من عقل توام و داند که آن عقل
وی است دلیل کند که اگر بیننده خواب اهل باشد ویرا با فرزند پادشاه صحبت
افتد و از وی بسیار خیر و منفعت یابد و آن پادشاه زاده ویرا سخت دوست دارد

کرمانی گوید اگر کسی عقل خود را بخواب بیند بدین سان که گفته شد دلیل کند که بخت روی بدو
نهد که جاه و شرف یابد و کار وی بالا گیرد و توانگر و غنی شود دانیال گوید که عقل در خواب
دولت بود و جان بخت بود و اگر عقل و جان خود را بصورت آدمی بیند چنانکه ویرا گویند
که ما عقل و جان توایم و او داند که یکی عقل وی است و دیگر جان دلیل کند که بخت و دولت
هر دو یار و رفیق و مساعد او شوند و کار او بالا گیرد و عز و جاه و بزرگی یابد جابر مغربی گوید
که عقل و جان دیدن در خواب مادر و پدر وی بود اگر زنده باشد و غایب بوند دلیل کند
که دیدار ایشان بیند و اگر مرده باشند دعا و صدقه از وی بدیشان رسد و بعضی از معبران گفته اند
تاویلش آنست که ویرا صحبت افتد با کسی که خداوند عز و جاه و مال باشد و در خبر آمده است
که مردی پیش رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت که یا رسول الله در خواب دیدم که عقل و جان
از من جدا گشتند و هر دو بصورت آدمی و در خانه من آمدند و با من نشستند و بشراب
خوردن مشغول شدیم چنانکه با هم شادی همی کردیم مانند روزگار جاهلیت رسول صلی
الله علیه و آله و سلم جواب داد که عقل قسمت این جهانی است و جان ثواب آن جهانی
و بعضی گفته اند که رسول صلی الله علیه السلام فرمود که تاویل جان دولتست و تاویل عقل
بخت یعنی ترا از بخت و دولت کارها بمراد شود و مال و نعمت و جاه و بزرگی یابی و کارهای
تو بنظام شود و اگر بیند که با عقل و جان ستیزه و لجاج همیکرد دلیل کند که با سلطان
ولایت منازعت کند حضرة امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن عقل و جان
در خواب بر چهار وجه بود یکی بخت و دولت باشد دوم مادر و پدر سیوم ایشان
و فرزند پادشاه چهارم مال و فرزند والله اعلم **عقیق** ابن سیرین گوید که عقیق
در خواب مردی بود گوهری و پارسا اگر بیند که عقیق داشت یا کسی بدو داد دلیل کند
که با مردی بدین صفت که گفتیم ویرا صحبت افتد و از او خیر و منفعت یابد و اگر بیند
که عقیق از وی ضایع شد یا کسی ویرا بدزدید تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که
بخروار عقیق داشت دلیل کند که بر قدر آن نعمت و مال حاصل شود جابر مغربی گوید
اگر بیند که اوانی عقیق داشت و در آن آب بود یا شراب یا چیزی دیگر همیخورد

دلیل کند که ویرا فرزندی آید که شرف و بزرگی و قدر و جاه و مال و نعمت بسیار باشد
عکازه بدانکه تاویل عکازه چون بخواب بیند همچون تاویل عصا باشد چنانکه
پیش ازین یاد کرده شد **علامت** ابن سیرین گوید که علامت در خواب
دیدن دلیل بر یافتن ولایت کند بر ظاهر شدن کار مشکل و مقهور کردن دشمنان چون علامت
نیک بیند و اگر علامت بد بیند تاویلش بخلاف این بود که یاد کرده شد جابر مغربی گوید
که علامت نیک چون تعلق بدین دارد دلیل بر اقبال و سعادت آنجهانی کند و علامت
نیک چون تعلق بدنیا دارد دلیل بر اقبال و سعادت این جهانی کند و علامت بد بخلاف
این بود که یاد کرده شد **علک** بدانکه علک کوزه از کندرو بود ابن سیرین گوید اگر
کسی در خواب بیند که علک همی خاید دلیل کند که بر و مال رسد و در حاصل کردن آن مال
با وی خصومت و گفتگوی بسیار بود و اگر بیند که علک را ناخاییده فرو برد دلیل کند
که آن مال را زود بخورد و کسی با وی خصومت و گفتگوی نباشد جابر مغربی گوید اگر
بیند که علک را در آتش نهاد دلیل کند که ویرا در مال نقصان بود **علم** بدانکه علم
در خواب مردی بود عالم یا زاهد یا امام یا دلیر و توانگر و یا سخی و جوانمرد بود که مردمان
بدو اقتدا کنند اگر بیند که علم را در دست داشت دلیل کند که از ین مردمان که صفت
کردیم با کسی دوست و آشنا شود و از و خیر و منفعت و نیکوئی بیند و اگر بیند که علم از
دست وی بیفتاد یا ضایع شد یا بدزدیدند تاویلش بخلاف این بود که یاد کرده شد
کرمانی گوید که علم بخواب سفر و عز و نیکوئی بود اگر بیند که پادشاه علمی بدو داد
یا لشکری بر وی جمع کرد دلیل کند که جاه و بزرگی یابد بخاصه که علم سپید یا سبز
بود و اگر بیند که علم از دست وی بیفتاد یا کسی علم از دست وی بستد دلیل
کند که بزرگی و عز و جاه از وی زایل شود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که علم سپید
و بزرگ در دست داشت دلیل کند که با مردی مصلح و توانگر ویرا دوستی و
مصاحبت بود و از و خیر و منفعت یابد و اگر بیند که علم سبز داشت دلیل کند که
آن مرد عالم و زاهد و دیندار بود و اگر بیند که علم زرد داشت آن مرد بیمار گون و زرد

روی باشد و اگر بیند که علم سیاه داشت آن مرد قاضی یا خطیب بود یا کسی از
خویشان خلیفه باشد حضرة امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن علم در
خواب بر چهار وجه بود یکی مهتری و بزرگی دوم سفر باشد سیوم عز و جاه چهارم نیکوئی
احوال **عمارت** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در جایگاه خراب عمارت همیکرد
چون مسجد و مدرسه و خانقاه و آنچه بدین ماند دلیل کند بر صلاح دین و مزد و ثواب
آن جهانی که ویرا حاصل شود و اگر بیند که مسکنی که خراب شده بود از بهر خویش عمارت
همیکرد چون سرای و خانه و دکان و آنچه بدین ماند دلیل کند که خیر و فایدهٔ این جهانی یابد
و اگر بیند که جایگاهی معمور بیفتاد و خراب شد دلیل کند که اهل آن خانه را بلا و مصیبت
رسد جابر مغربی گوید اگر کسی خویشتن را در جایگاه معمور مقیم بیند دلیل کند که خیر
و صلاح و منفعت یابد بقدر عمارت آن مقام که دیده باشد و اگر بخلاف این بیند
دلیل بر شر و مضرت و فساد وی کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که
دیدن عمارت در در خواب بر چهار وجه بود یکی بصلاح کارهای اینجهانی دوم
خیر و منفعت سیوم برکامرانی چهارم برگشایش کارهای بسته **عماری**
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر عماری نشسته بود و عماری وی بر اسب یا بر استر بود
و همی رفت دلیل کند که عز و بزرگی و مرتبت یابد اگر بیند که عماری وی بیفتاد یا از عماری
بیرون آمد یا کسی از آنجا ویرا بیرون کرد تاویلش بخلاف این بود که یاد کرده شد جابر مغربی
گوید اگر کسی ویرا در عماری نشاند دلیل کند که بتوسط کسی با مهتری بزرگ پیوندد و کارش
بالا گیرد و قدر و جاه وی زیادت شود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن
عماری در خواب بر هفت وجه بود یکی بزرگی باشد دوم عز سیوم مرتبت چهارم
ریاست پنجم رفعت ششم ولایت هفتم پیوستن با مهتران **عمامه** بدانکه
عمامه بتازی دستار سر بود و شرح تاویل ویرا بحرف دال بباب دستار بیان کردیم تا معلوم
باشد **عمود** ابن سیرین گوید که عمود بتاویل مردی بود درست و راست و بعضی
از معبران گفته اند که سخنهای سخت باشد اگر بیند که عمود بر سر کسی همیزد دلیل کند

که سخنهاي سخت بدو کوید واکر بیند که کسي بروي عود همیزد دلیل کند که آنکس سخنهاي
سخت بدو کوید چنانکه ازان رنجور دل شود کرماني کوید اکر بیند که در دست عود همي
داشت دلیل کند که ویرا از پادشاه قوت و یاري بود واکر بیند که کسي عود از دست وي
بستد تاویلش بخلاف این بود حضرة امام جعفر صادق علیه السلم کوید که دیدن عود در
خواب برسه وجه بود یکي مرد درست راست باشد دوم سخنهاي سخت سیوم مهتر
و بزرکي باشد **عناب** بدانکه عناب بتازي سنجد کرماني بود و دیدنش در خواب
مال ولیکن پسندیده باشد اکر بیند که عناب داشت و از وي همیخورد دلیل کند که بر قدر آن
ویرا مال و نعمت حاصل شود واکر بیند که عناب بکسي داد دلیل کند که بر قدر آن از و
بدانکس مال و نعمت رسد جابر مغربي کوید اکر بیند که درخت عناب جمع همیکرد دلیل
کند که بر قدر آن مال و نعمت برنج و سختي حاصل آورد **عنبر** ابن سیرین کوید اکر
کسي در خواب بیند که عنبر یافت یا کسي بدو داد دلیل کند که بر قدر آن از مردي عمیت
منفعت یابد اکر کسي بیند که بسیار عنبر یافت دلیل کند که بر قدر همت خویش
ولایت و کامراني یابد واکر بیند که عنبر بکسي داد دلیل کند که از دیدار آنکس منفعت
بیند واکر بیند که عنبر از وي ضایع شد یا کسي عنبر ویرا بدزدید دلیل کند که بر قدر آن
مالش نقصان شود واکر بیند که بر عارضي کسي عنبر مالید دلیل کند که بجاي کسي کوداري
نیك کند ولیکن ضایع شود حضرة امام جعفر صادق علیه السلام کوید که عنبر در خواب
بر چهار وجه بود یکي منفعت باشد دوم ولایت سیوم کامراني چهارم بناي نیکو
عنقا بدانکه عنقا کونه از نواها بود چون چنك و چغانه و بربط و آنچه بدین ماند
و دیدن وي در خواب دلیل بر لهو و باطل دنیا کند و بر سخن محال و دروغ ابن سیرین
کوید اکر کسي بیند که عنقا همي زد دلیل کند که سخن دروغ کوید و بر سخن محال و دروغ
کسي را مدح و ثنا کند واکر بیند که عنقا همیزدند دلیل کند که بباطل و سخن محال رضا
دهد واکر بیند که با عنقا چنك و چغانه و ناي بود اینجمله دلیل بر غم و اندوه و مصیبت
کند که باهل آن موضع رسد واکر بیند که عنقا را بشکست یا بیفکند دلیل کند که از کلام

دروغ کفتن و باطل توبه کند جابر مغربي کوید اکر بیماري بیند که عنقا همیزد دلیل کند که زود
بمیرد **عنکبوت** ابن سیرین کوید که عنکبوت در خواب مردي ضعیف
و کمراه و عاصي و مجروح از علم خویش بود اکر بیند که عنکبوت را فرا کرفت دلیل کند که بر
مردي بدینسان ظفر یابد واکر عنکبوتي را بیند که در خانه یا در منزل خویش فرا کرفت و ویرا
بکشت دلیل کند که مردي از خانه وي بدان صفت که کفتیم ویرا قهر کند و از خانه خویش
برآید کرماني کوید که عنکبوت مردي جولاه بود اکر کسي بیند که عنکبوت شدي دلیل
کند که از مردمان دور شود و تنهائي اختیار کند و از صحبت چنین مردي که کفتیم جدا
شود و بترك او بکوید **عود** ابن سیرین کوید که عود در خواب مردي بود خوبروي
و لطیف سخن و خوش طبع بود واکر بیند که عود در زیر خویشتن دود همیکرد دلیل کند
که مردمان خیر و مدح و ثنا یش کنند و دوستش دارند واکر بیند که در زیر کسي عود همي
سوخت دلیل کند که از وي بدانکس خیر رسد و نیز آنکس را دوست دارد و مدح و ثنا
کوید کرماني کوید اکر بیند که عود خام داشت یا کسي بدو داد دلیل کند که از پادشاه
صلت و عطا یابد و هرچند بوي وي خوشتر بود عطا بیشتر یابد و نیکوتر واکر بیند
که عود همیخورد دلیل کند که مال بجا حاصل آید و آن مال را بر عیال خویش هزینه کند حضرة
امام جعفر صادق علیه السلم کوید که دید عود در خواب بر چهار وجه بود یکي مردي
باشد خوبروي و لطیف سخن و دوم پادشاه پارسا و عادل و سوم ثنا و آفرین و چهارم
مال و منفعت بود **عود سوز** بدانکه عود سوز بتازي مجمر بود ابن سیرین کوید دیدن
وي در خواب کنیزك با فرهنك یا غلام با فرهنك باشد که همه کس بر ایشان ثنا کنند
و بر خداوند خویش مشفق و مهربان باشند اکر عود سوز سیمین بیند دلیل کند که آن غلام
یا آن کنیزك محتشم و اصیل باشد واکر عود سوز زرین بیند دلیل کند که نسل آن غلام
یا آن کنیزك از خویشان پادشاه بوده باشد واکر عود سوز سپید روي بیند دلیل کند
که آن غلام یا آن کنیزك نسل را از ترسایان بوده باشد واکر عود سوز مسین بیند دلیل
کند که او از نسل جهودان باشد واکر آهنین بیند دلیل کند که نسل ایشان کبر بوده باشد

واکر بیند که عود سوز بشکست یا ضایع شد دلیل کند که آن غلام یا آن کنیزك که کفتیم هلاك
شوند یا از و بکریزند **عورت** بدانکه از زیر ناف تا بزانوي مردم این جمله را عورت کویند
ابن سیرین کوید اکر بیند که عورتش بتمامي برهنه شد چنانکه مردمان عورتش را میدیدند دلیل
کند که ستروي در میان مردمان کشاده شود و رسوا و خجل کردد واکر بیند که برخي از وي
برهنه شد دلیل کند که بر قدر آن برخ ستروي کشاده کردد واکر بیند که زود عورت خویش
را بپوشانید دلیل کند که زود ستروي پوشیده کردد و بعضي از معبران کفته اند اکر بیند که برخي
از عورتش برهنه شد و زود بپوشید چنانکه هیچکس ویرا ندید دلیل کند که اکر زود بیمار بود
شفا یابد واکر وام دار بود وامش کذارده شود واکر ترس و بیم دارد ایمن شود واکر عورت را
نپوشید دلیل کند که از امیدهاي که دارد نومید شود یا از خدمت بزرکي معزول شود یا کاري
کند که از ان شرمکین شود کرماني کوید اکر کسي بیند که عورتش برهنه نبود ولیکن پنداشت
که برهنه است و شرم زده همي بود دلیل کند که از حال بدبحال نیك افتد و با امیدي برسد
که از ان نومید شده باشد جابر مغربي کوید اکر بیند که عورت خویش را بقصد نزد
مردمان همي برهنه کردي و بمردمان همي نمودي دلیل کند که کاري کند که بدان مستوجب
عقوبت کردد یا آفتي عظیم بدو رسد که عبرت خلق کردد و بدانکه تاویل قضیب را بحرف
دال بیان کردیم و تاویل فرج را بعد ازین بحرف فا بباب فرج بیان کنیم ان شاء الله تعالی
عید ابن سیرین کوید اکر کسي بخواب بیند که عید کوسفند کشان بود دلیل کند
که ویرا با مردي عاقل کاري افتد و کارش بمراد وي تمام کردد اکر بیند که روز روزه داران بود دلیل
کند که با مردي عابد و زاهد ویرا صحبت افتد و از و منفعت دیني حاصل کردد کرماني کوید اکر
بوقت عید بیند که عید بود و مردمان آراسته از شهر بیرون آمدند دلیل کند که اکر زنداني
بود از زندان خلاص یابد واکر اهل عز و شرف باشد عز و شرفش زیادت شود و توبه
کند و اجر و ثواب یابد واکر در وقت عید نبود دلیل کند که عز و شرفش بنقصان شود
جابر مغربي کوید اکر کسي در خواب عید کوسفند کشان بیند و روز کار عید باشد دلیل
کند که با مردي عامل نیك معاملت ویرا افتد و شغل وي بزودي بمراد تمام کردد واکر

عید نبوقت و روز کار بیند دلیل کند که ویرا با مردي بدطبع و درشت معاملت افتد
و مرادش برنج و سختي برآید واکر بیند که عید کوسفند کشان کوسفندي را بکشت دلیل
کند که وامش کذارده شود و حج کند واکر بخواب شب برات را بیند حاجتش روا کردد
و توفیق و طاعتها یابد واکر عاشورا بیند دلیل کند که ویرا غم و اندوه پیش آید واکر بخواب عید
ترسایان بیند و یا عید جهودان دلیل کند که از دشمنان ویرا ترس و بیم باشد واکر بخواب
روز عاشورا بیند دلیل کند که کامکاري یابد زیرا که این آیت روز عاشورا آمد **قوله تعالی**
اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ واکر در خواب سر سال بیند دلیل کند که سال و ماه بروي
مبارك و میمون بود والله اعلم **حرف غین از کتاب کامل التعبیر** **غارت
کردن** ابن سیرین کوید اکر کسي بخواب بیند که و نعمت کسي را بغارت برد دلیل کند که آنکس را
غم و اندوه و زیان رسد واکر بیند که کسي مال و نعمت ویرا بغارت برد دلیل کند که ویرا
از کسي غم و اندوه رسد بر قدر آن مال که از وي برده باشد جابر مغربي کوید اکر بیند که
لشکر اسلام دیار کافر را غارت همیکرد دلیل کند که از اهل اسلام آن دیار را اندوه و
مصیبت رسد واکر بیند که لشکر کفار دیگر اسلام را غارت همیکردند دلیل کند که تاویلش
بخلاف این بود که یاد کرده شد حضرة امام جعفر صادق علیه السلم کوید که غارت
کردن بخواب دلیل بر چهار وجه کند یکي جاه و نعمت باشد دوم زیان بود
سیوم اندوه چهارم نرخ ارزان شدن مکر که غنیمت باشد **غار** ابن سیرین
کوید اکر بیند که در غاري رفت و در انجا مقیم شد دلیل کند که از دنیا رحلت کند
واکر بیند که در غاري شد و زود بیرون آمد دلیل کند که در کاري صعب کرفتار شود
و سرانجام زود از ان کار رستکاري یابد جابر مغربي کوید اکر بیند که در غاري شد
که آن غار روشن بود دلیل کند که ویرا بزندان کنند و بعضي از معبران کفته اند که در کاري
سخت درمانده کردد واکر بیند که آن غار کوچك و روشن بود دلیل کند که معیشت
بروي نیك شود واکر بیند که آن غار ژرف و تاریك بود دلیل کند که هلاك کردد واکر
بیند که از ان غار زود بیرون آمد دلیل کند که بیمار کردد چنانکه بر خطر باشد ولیکن

حق تعالی او را شفا دهد و تندرست کرده غالیه ابن سیرین کوید که غالیه در خواب
فرهنك وثنا و ناموری بود و اکر بیند که غالیه بر کسی همی مالید دلیل کند که آنکس از وی ادب
و فرهنك بیاموزد و از ثنا و ناموری آنکس را حاصل شود و اکر بیند که کسی غالیه بروی مالید
دلیل کند که از آنکس ادب و فرهنك آموزد و ثنا و ناموری و برا از آن حاصل شود کرمانی
کوید که غالیه بتاویل نشان حج باشد و بعضی از معبران کفتند که او مالی باشد که از زنی بزرک
یا از مردی بزرک بمقدار آن او را خیر و منفعت رسد و اکر بیند که کسی بر بام چشم وی غالیه
مالید دلیل کند [redacted] که کسی بجای وی حق کذاری کنند و مردمان و برا دعا کویند
و اکر بیند که کسی بر بنا کوش وی غالیه مالید دلیل کند که وی را متهم کنند بر راست و اکر بیند که غالیه
بوی نداشت دلیل کند که وی را متهم بدروغ کنند حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید
که دیدن غالیه در خواب بر پنج وجه بود یکی ادب و فرهنك باشد دوم ثنا و آفرین سیوم حج
و چهارم مال و خواسته و پنجم خیر و منفعت بود والله اعلم غایب ابن سیرین کوید اکر
کسی بیند که غایبی از سفر به نزدیك وی آمد دلیل کند که نامه دخترش بخویشان وی برسد
جابر مغربی کوید اکر بیند که غایبش از غربت باز آمد دلیل کند که کار بسته بروی کشاده شود و اکر
بیند که غایبش خرم و کشاده روی و با نعمت و مال آمد دلیل کند که در روزی و نعمت کشاده کردد
و اکر بیند که غایبش ترشروی و مفلس و درمانده آمد تاویلش بخلاف این بود اسمعیل
اسمعیل اشعث کوید اکر بیند که غایبش از سفر سوار باز آمد دلیل کند که غایبش زود با
نعمت و خواسته پیش وی اید و اکر بیند که غایبش پیاده و برهنه آمد دلیل کند که غایبش
را براه قطع کنند و مفلس و بیچاره پیش وی آید غایط بدانکه غایط سرکین مردم بود و
تاویلش در حرف سین بباب سرکین کفته شد تا معلوم باشد غبار ابن
سیرین کوید اکر کسی بیند که غبار بر چیزی که ملك او نشست دلیل کند که بمقدار آن و برا
مال حاصل شود و اکر بیند که غبار در میان آسمان و زمین همچون ذباب پیش شد دلیل
کند که کاری پوشیده شود بر مردم آن موضع که چکونه بیرون آیند جابر مغربی کوید اکر کسی
بیند که روی او را غبار تیره کرده بود دلیل کند که وی را رنج و عقوبتی سخت

بوسد

بوسد قوله تعالی وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ و اکر غبار بر درستی
بیند که ملك اوست دلیل کند که بر قدر آن وی را مال حاصل شود غربال ابن
سیرین کوید که غربال در خواب خادمی بود ممیز و ظریف اکر بیند که غربالی داشت یا کسی
بدو داد دلیل کند که وی را خادمی بدان صفت که کفتیم حاصل شود اکر بیند که غربال وی
ضایع شد دلیل کند که خادمش بکریزد یا هلاك شود کرمانی کوید که غله و غیر آن از
بهر مردمان بغربال پاکیزه همیکرد دلیل کند که شغل کاری کند که مردمان را از آن منفعت
باشد و وی را مضرت بود و اکر بیند که آنچه پاکیزه همیکرد از بهر خویش بود دلیل کند که از آن
کار کند و برا منفعت باشد و یکی از آن خیری برسد حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم کوید که دیدن غربال در خواب بر سه وجه بود یکی درم تمیز باشد دوم یار
مهربان سیوم شاکرد زیرك بود والله اعلم غرق شدن ابن سیرین کوید اکر کسی بیند
که بدریا غرق شد و بزیر آب برد دلیل کند که پادشاه وی را هلاك کند و اکر بیند که وی را
آب بزیر همی برد و در زیر آب هلاك شد دلیل کند که بر دست مردمان هلاك
شود او کویند که رود یا آب دریا وی را فرو میبرد و دیکر باره بر بالا افکند و نمرد و در میان
آب خیره فروماند دلیل کند که از کار دنیا دست براند و صلاح دین و راه آخرت جوید
جابر مغربی کوید اکر بیند که چاه یا سرابی یا دکانی یا باغی از آن کسی در آب غرق
شد دلیل کند که خداوند آن غم و اندوه و مصیبت رسد کرمانی کوید اکر بیند که در آب صافی
غرق شد و نمرد دلیل کند که در کاری عاجز و درمانده شود و سرانجام رهائی یابد و اکر بیند
که در آب تیره غرق شد دلیل کند که در کاری صعب درمانده شود که انجام از آن کار
خلاص شود نیابد بلکه دران عجز و درمانی هلاك شود حضرت امام جعفر
صادق علیه السلم کوید که غرقه شدن در آب بر چهار وجه بود یکی مال بسیار دوم
اقبال در کار و سیوم صحبت با مردم خوب و جدا شدن از مردم بد مذهب
و چهارم منفعت بود و اکر بیند که غرق شد و بمرد دلیل کند که بمیرد یا بر دست کسی کشته
شود غزا کردن ابن سیرین کوید اکر کسی بخواب بیند که اندر راه خدا غزا همی کرد

دلیل کند که کار عیال و خویشان وی نیکو کرده و فراخی بسیار و بی نیازی یابد قوله تعالی
وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً و اکر بیند که از غزا روی بکردانید
دلیل کند که از کار عیال رحم و شفقت برد قوله تعالی فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا
فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ کرمانی کوید اکر بیند بغزا رفت دلیل کند که فضل و بزرکی
یابد قوله تعالی فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا اکر بیند که مردمان آن
دیار بغزا همی بیرون شدند دلیل کند که عزت و جاه و نصرة یابد و دشمنان را قهر کند جابر
مغربی کوید اکر بیند که بغزا با کافران شهاحرب همی کرد دلیل کند که بر دشمنان ظفر یابد و
غنیمت و روزی حلال بدو رسد و اکر بیند که بغزا نصرة و برا بود بر کافران دلیل کند که
از دشمنان مال و غنیمت بسیار بوی رسد و اکر بیند که کافران بروی چیره شدند در
غزا کردن دلیل کند که در طلب روزی وی را رنج و منفعت سخت برسد و اکر بیند که کافران
وی را در غزا بکشتند دلیل کند که شادی و خرمی یابد و روزی حلال و عیش خوش و عمر
دراز قوله تعالی وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ
فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
کوید که غزا کردن در خواب بر شش وجه بود یکی خیر و برکت بود دوم سنت رسول صلی
الله علیه و آله وسلم کذاردن سیوم بر دشمنان ظفر یافتن چهارم درست شدن از بیماری
پنجم طاعت داشتن پادشاه عادل ششم غنیمت یافتن بود غسل کردن
بدانکه غسل کردن بتازی تن شستن بود ابن سیرین کوید اکر بیند که در آب رود یا آب دریا غسل
همیکرد دلیل کند بر بزرکواری و دیانت وی و اکر بیند که غسل با آب رود همیکرد دلیل کند که
غم و اندوه از وی زایل شود و نیز دلیل کند که اکر بیمار بود شفا یابد و اکر وام دار بود وامش کذارده شود
و اکر بترس اندر بود و از ترس و بیم ایمن کردد و اکر در زندان بود رهائی یابد و باشد که سبب
رستکاری غم و اندوهش از مرد بزرك بود و اکر بیند که با آب کرم غسل همیکرد و بعد از آن
دست و روی بشست دلیل کند بر خیر و نیکی و اکر بیند که دست را با آب کرم و اشنان
همی شست دلیل کند که دوستی که دارد در میان ایشان جدائی افتد و یا در میان ایشان خصومت

افتد

افتد و اکر بیند که غسل جنابت تمام نکرده دلیل کند که کار و شغلش تمام نشود جابر مغربی
کوید که غسل جنابت کردن دلیل بر پاکی دین و ورع و پارسائی کند و هر زیادت و نقصانی
که در کردن غسل جنابت بیند دلیل آن بدین و ورع دارد چنانکه در باب جنابت کردن بیان کرده
شد غل ابن سیرین کوید که دیدن وی در خواب کفر بود و میل کردن بناحق اکر کسی بیند
که غل در کردن داشت دلیل کند که او کافر بود یا کافر بمیرد و اکر بیند که غل در کردن وی بند
سك بود دلیل کند که او منافق باشد و اکر بیند که غل در کردن داشت و پای بند در پای بها
دلیل کند که کافر باشد و دعوی مسلمانی کند بدروغ کرمانی کوید اکر کسی بیند که غل بر دستها
داشت دلیل کند که بخیل بود چنانکه خدای تعالی میفرماید قوله تعالی وَقَالَتِ الْيَهُودُ
يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ درینجا مقصود آن غل بخل است از قول ابن عباس و
بعضی معبران کفتند که چون غل در خواب مرد مصلح بیند دلیل کند که دست از کار شر
و ناسزا باز داده غلاف ابن سیرین کوید که غلاف در خواب زن مرد بود و اکر بیند
که شمشیر را از غلاف بیرون کشید دلیل کند که جفت وی پسری بیاورد و اکر بیند که
غلاف شمشیر بشکست و شمشیر بسلامت بود دلیل کند که فرزندش از شکم بسلامت بیرون
آید و مادرش هلاك شود و غلاف کارد همین دلیل کند که غلام ابن سیرین کوید
اکر کسی بیند که او غلام شده بود دلیل کند که در کاری سخت افتد و در آن کار رنجور
بماند و اکر بیند که غلام را فرا کرفت یا بخرید یا کسی بدو داد دلیل کند که غمکین و ستمند
شود و اکر بیند که کنیزکی فرا کرفت یا بخرید یا کسی بدو داد دلیل کند که خیر و نیکی بدو
رسد کرمانی کوید که دیدن غلام در خواب بشارت و شادی بود و کام دل یافتن
چنانکه خدای تعالی فرمود قوله تعالی وَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ و جای دیکر فرمود قوله تعالی
يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید اکر کسی بیند که در خواب
کنیزك یا غلام فروشد دلیل کند که نیك بود و از آن وی را خیر و منفعت رسد و اکر غلام
خرد بد بود و اکر فروشد دلیل کند که نیك بود و از آن وی را خیر و منفعت رسد و اکر
کنیزك خرد نیك باشد و اکر فروشد بد بود بخلاف غلام و بعضی از استادان این صناعت

کویند که اگر کسی غلام یا کنیزک فروشد و بهای وی زر و سیم ستاند بد بود زیرا که زر و سیم
در تاویل غم و اندوه است و اگر بهایش چیزی از اجناس ستاند چون جامه و ابریشم و کالائی
دیگر نیک بود **غلبه کردن** ابن سیرین کوید اگر کسی بیند که خصم خویش را غلبت
کرد و بروی چیره شد دلیل کند که خرّم و شادمانه شود و کارش بنظام کردد و بر دشمنان ظفر یابد
و اگر بیند که خصم ویرا غلبت کرد و بروی چیره کشت تاویلش بخلاف این بود **غلق**
ابن سیرین کوید اگر کسی بیند که غلق در زود بکشاد و هیچ رنج ننمود دلیل کند که ابواب دینی
و دنیائی بروی زود کشاده کردد و اگر بیند که غلق را بدشواری کشاد دلیل کند که کارهای
دینی و دنیائی وی دیر کشاده شود و سرانجام برنج و دشواری کشاید و اگر بیند که
غلق را کشادن نتوانست و در بسته بماند دلیل کند که کار دینی و دنیائی وی بسته بماند
و از حال نیک بحال بد افتد جابر مغربی کوید اگر کسی بیند که غلق ویرا خوار و آسان بکشاد
و در باز کرد دلیل کند که اگر غمکین بود از غمها فرج یابد و اگر زندانی بود از زندان رسته
شود و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر بنده بود آزاد کردد و اگر در ترس بیم باشد ایمن کردد و اگر
حاجتی دارد بکسی حاجتش روا کردد **غم** ابن سیرین کوید که غم در خواب فرح و خرّمی
و راحت بود و اگر بیند که غمکین شده بود دلیل کند که از غمها فرج یابد و خرّمی و راحت بیند
و بمراد دل برسد جابر مغربی کوید اگر کسی بیند که سخت اندوهکین شده بود دلیل کند که کنجی از
کنجها بیابد بر قدر آن غم و اگر بیند که از غم رسته شد تاویلش بخلاف این بود که یاد کرده
شد **غنیمت** ابن سیرین کوید که غنیمت یافتن بخواب چون از مال کافر بود
دلیل کند که نرخها ارزان بود و اگر از مال کافران نبود دلیل کند که نرخها کران کردد و اگر
بیند که لشکری مسلمان از دیار کافر غنیمت بسیار آوردند دلیل کند که دیان دیار کم کافران
غنیمت از وی برد و نعمت کم کردد و نرخها کران شود جابر مغربی کوید اگر کسی بیند
که از دیار کافر بتنهائی غنیمت بیاورد دلیل کند که بر قدر آن ویرا منفعت و روزی حلال
حاصل کردد **غوّاص** بدانکه غوّاص آن مرد بود که بقعر دریا فرو شود از بهر جواهر ابن سیرین
کوید که اگر بدریا فرو شد و از قعر دریا مروارید بر آورد دلیل کند که بر قدر آن ویرا علم

و دانش حاصل شود یا مال دنیا از قبل سلطان بوی رسد جابر مغربی کوید اگر کسی بیند
که بقعر دریا فرو شد و هیچ بر نیاورد دلیل کند که بعلم آموختن مشغول کردد ولیکن هیچ نیاموزد
و یا بخدمت پادشاه مشغول کردد ولیکن هیچ منفعت بوی نرسد و اگر بیند که کوهری
کرانمایه از قعر دریا بر آورد دلیل کند که عالم و فاضل و دانا شود و بعضی از معبّران کفته اند
که خاص و مقرّب پادشاه شود و بر قدر و قیمت آن کوهر از پادشاه مال و خواسته یابد
غوره بدانکه غوره بخواب دیدن بوقت وی بهتر باشد ابن سیرین کوید اگر کسی بیند که
غوره همیخورد دلیل کند که بر قدر آن چیزی برنج و مشقّت بدست آورد ولیکن بوی پایدار
نبود کرمانی کوید اگر بیند که غوره همیخورد دلیل کند که غمکین و اندوهکین شود و اگر بیند که
غوره بکسی داد دلیل کند که آنکس اندوهکین شود و اگر بیند که غوره بکسی داد دلیل
کند که آنکس اندوهکین کردد و اگر غوره را نخورد و از وی هیچ نخورد دلیل کند که غم و اندوهش
کمتر بود هرچند غوره ترش تر بود غم و اندوه صعبتر باشد و تاویل غوره با همچنین بود ولیکن
چون بکوشت کوسفند پخته باشند تاویلش بهتر باشد ازین که یاد کرده شد **غوک**
بدانکه غوک بپارسی وزغ را کویند و تاویلش در حرف واو بباب وزغ بیان کرده شود و
الله اعلم **حرف فی از کتاب کامل التعبیر** ❁ **فاخته** ابن سیرین کوید
که فاخته در خواب زنی بود ناقص دین و بد مهر که با مردم ساز کاری نکند اگر بیند که فاخته را
فرا کرفت یا کسی بوی داد دلیل کند که زنی خواهد بدین نشان که کفتیم و اگر بیند که بچّهٔ فاخته را
فرا کرفت دلیل کند که ویرا فرزندی آید و اگر بیند که از کوشت فاخته همیخورد دلیل کند
که بر قدر آن از مال زن بستاند و هزینه کند کرمانی کوید که فاخته در خواب فرزند دروغ
زن بود و اگر بیند که کسی فاخته بوی داد دلیل کند که ویرا فرزندی بد فعل و دروغ زن
بر آید و اگر بیند که فاخته بر بام وی بانک کرد دلیل کند که خبر غایب شنود و اگر دو بار بانک
کرد بد باشد و اگر سه بار بانک کند دلیل کند که خبر خوش شنود جابر مغربی کوید اگر بیند
که فاخته با وی سخن کفت دلیل کند که کسی با وی وعده کند و آن وعده را خلاف کند
و اگر بیند که فاخته و زاغ هر دو در آمدند دلیل کند که دزد کالائی از خانهٔ وی ببرد اگر نکاهش ندارد

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن فاخته در خواب بر سه وجه بود یکی آنکه زن
باشد ۛ دوّم فرزند ۛ سیوم خادم ۛ **فال زدن** ابن سیرین کوید اگر کسی بخواب بیند که فال
همیزد و فال وی نیک آمد دلیل کند که بر دشمن ظفر یابد و قهرش کند امّا فالش میانه بود
دلیل کند که نه او بر دشمن ظفر یابد و نه دشمن بروی و اگر فالش بد بر آمد دلیل کند که دشمن بروی
ظفر یابد و قهرش کند کرمانی کوید اگر کسی در خواب بیند که فالکیری همیکرد دلیل کند
که کوهرمندی همیخورد بر قدر آنکه دعوی فالکیری کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید
که فال کرفتن در خواب بر سه وجه است یکی آنکه اگر فال نیک آمد ظفر یافتن بر دشمن بود ۛ
دوّم بمراد رسیدن ۛ سوّم حاجت روا شدن ۛ و اگر فالش بد آمد تاویلش بخلاف این بود
که یاد کردیم ۛ **فالوده** بدانکه فالوده آن بهتر بود که در و زعفران نباشد زیرا که زردی در طعام بیماری
بود و دیدن آن در خواب مالی بود با رنج و خصومت بقدر آن آتش که بوی رسیده باشد
ابن سیرین کوید اگر کسی بیند که لقمهٔ از فالوده در دهان نهاد دلیل کند که از کسی سخنی خوش
و لطیف شنود و اگر بیند که فالوده بسیار بخورد دلیل کند که بر قدر آن مالی برنج و خصومت
ویرا حاصل شود و اگر بیند که او بکسی لقمهٔ فالوده داد دلیل کند که آنکس را سخن خوش و لطیف
کوید یا از بهر وی کاری پسندیده کند و اگر بسیار داد بر قدر آن ویرا مالی برنج و خصومت
حاصل کرده بوی دهد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که خوردن فالوده در
خواب بر چهار وجه بود یکی سخنی خوش و لطیف باشد ۛ دوّم مالی که برنج حاصل آید ۛ سوّم
منفعتی که در وی جنک و خصومت بود ۛ چهارم کاری که بدشواری بر آید ۛ **فام** ابن سیرین کوید
اگر کسی بخواب بیند که فامی که بر وی بود بکذارد دلیل کند که اگر حج ناکرده بود حج کند و اگر نذری
کرده بود آن را بسر برد و اگر وعده کرده باشد آنرا وفا کند و اگر نمازها از وی فوت شده باشد
آنرا قضا کند و اگر دامی پیش وی باشد باز دهد بخداوندش و اگر کواهی پیش وی باشد
آن کواهی را بدهد و اگر وام دارد بکذارد و اگر از کسی کاری پذیرفته باشد آن کار را تمام کند و اگر کسی
وصیّتی کرده بود آنرا بجای آرد و اگر بیند که وام خویش نکذارده بود تاویلش بخلاف این بود
که یاد کرده شد **فتنه** ابن سیرین کوید اگر کسی بخواب بیند که در جایکاهی فتنه بدید آمد

که آنجا فسق و فساد بود و اهل آن موضع را از عذاب خدای بیم باشد و اگر بیند که فتنه
از جایکاهی زایل شد دلیل کند که اهل آن دیار توبه کنند و بخدای باز کردند کرمانی کوید
که ده چیز است که کسی در خواب بیند که هر یک از آن چیزها دلیل کند که فتنه در آن
موضع پدید آید یکی بیند دوّم آتش و دود سیوم آتش سرد چهارم باد کرم پنجم سیاهی
آفتاب و ماه ششم غبار سخت هفتم باران بی هنکام هشتم بریدن درختها از بن و بیخ
نهم ابر سیاه که بی باران بود دهم پوشیدن جامهای سرخ و زرد هر یک ازین جمله دلیل
بر فتنه **فراخی** ابن سیرین کوید اگر بیند از جایکاهی تنک بفراخی بیرون آمد دلیل
کند که کارهای بسته بروی کشاید و اگر بیند که از تنکی یا از کاری سخت بفراخی بیرون آمد دلیل کند که
از رنج و غم و اندوه فرج یابد و حاجتهاش روا شود و کارهایش بنظام کردد جابر مغربی کوید
که خانه یا دکان تنک اگر کسی بیند که بروی فراخ شد دلیل کند که کسب و معیشت بروی فراخ
شود و اگر بیند که جامهٔ تن وی فراخ شد دلیل کند که روزی بر عیال وی فراخ شود و اگر بیند
که جامهٔ وی تنک شد دلیل کند که معیشت بروی تنک شود و اگر بیند که راه تنک بروی فراخ شد
دلیل کند که راه دین و شریعت بروی مستقیم کردد و اگر بیند که در تنک بروی فراخ شد دلیل
کند که اهل بدخوی ناسازکار با وی خوش طبع و ساز کار شود و علی الجمله فراخ شدن
چیزهای تنک در خواب دیدن دلیل بر خیر و کشایشها و برکت و فراخی روزی
فراش ابن سیرین کوید که فراش در خواب دلال بود که بهر کسی زن خواهد زیرا
که فراش بستر کسترد و آنچه بدان ماند و بستر تاویل زن بود چنانکه بحرف بی بباب بستر
بیان کردیم و اگر بیند که فراشی از بهر خویش همیکرد دلیل کند که از بهر خود زنی بخواهد
و اگر بیند که از بهر کسی دیکر فراشی همیکرد دلیل کند که از بهر کسی دلالکی کند و زنی بخواهد
فرج ابن سیرین کوید اگر مردی بیند که ویرا فرج بود چون فرج زنان دلیل کند
که ویرا از او بیچارکی و خواری رسد و اگر بیند که کسی با او مجامعت همیکرد دلیل کند که
حاجتش از وی روا شود و اگر دو زن را بیند که ایشان را فرج است دلیل کند که ویرا
دو کار پیش آید که از آن دو حاصلش یکی بود کرمانی کوید اگر زنی بیند که آب از فرج

وی بمیند دلیل کند که پسری بیاورد و اگر زنی بیند که فرج وی آهنین بود یا مسین دلیل کند
که از یافتن مرادها نومید گردد و اگر مردی بیند که فرج زن وی از سوی پس است دلیل کند که
او چیزی دوست دارد که رضای حق تعالی دران نبود و اگر مردی بیند که قضیب وی فرج شد
دلیل کند بر عاجزی و ذل و بیچارگی وی و اگر زنی فرج خود را بریده بیند دلیل کند که دشمن وی
ظفر یابد جابر مغربی گوید اگر زنی بیند که از فرج وی ماهی بیرون آمد دلیل کند که ویرا دختری آید
و اگر بیند که از فرج او کوبه بیرون آمد دلیل کند که ویرا فرزندی آید که دزد و راه زن بود و اگر بیند
که مرغی بیرون آمد دلیل کند که ویرا فرزندی آید که حیلتش از جوهر آن مرغان باید کرد و اگر بیند
که فرج وی موش بیرون آمد دلیل کند که ویرا دختری آید که نابکار بود و در وی خیر نباشد
و اگر بیند که از فرج وی ماری بیرون آمد دلیل کند که ویرا فرزندی آید که دشمن وی بود و
اگر بیند که گژدمی بیرون آمد همین دلیل کند و اگر بیند که کرم یا ماری بیرون آمد دلیل
کند که ویرا فرزندی آید که ضعیف تن و دون همت و فرومایه بود و اگر بیند که از فرج وی
نان بیرون آمد دلیل کند که مفلس و شکسته شود و اگر بیند که کنجد بیرون آمد دلیل
کند که شوهرش او را پنهان دوست دارد و اگر بیند که خون بیرون آمد دلیل کند که با وی
وقتی مجامعت کند که حایض بود و اگر بیند که ریم بیرون آمد دلیل کند که فرزندی ناید که
با تن معلوم بود و اگر بیند که آب صافی خوش بیرون آمد دلیل کند که ویرا فرزندی آید
که مصلح و پارسا باشد و خیر و احسان آن فرزند بهمه کس برسد و اگر آب تیره و تلخ بیرون
آمد دلیل کند که تاویلش بخلاف این باشد و اگر بیند که از فرج وی منی بیرون آمد
دلیل کند که بر قدر آن ویرا مال حاصل شود و اگر بیند که آتش بیرون آمد چنانکه آتش
جهان را بگرفت دلیل کند که از و فرزندی آید که ملک جهان بگیرد و اگر بیند که کسی
فرجش را بکند دلیل کند که از آنکس منفعت یابد اسمعیل اشعث گوید اگر زنی بیند
که بر فرجش موی بسیار بر آمده بود دلیل کند که از سبب فرزند اندوهگین شود و اگر
بخلاف این بیند دلیل کند که شاد شود و اگر زنی بیند که فرج وی بشکافت و از و خون روان
شد دلیل کند که مالش نقصان گیرد تا فرزندش بمیرد و اگر بیند که فرجش آماسیده بود

دلیل کند که مالش زیادت شود و اگر زنی بیند که گروهی بر فرج وی میزدند دلیل کند که عیش
بروی تباه شود و اگر زنی بیند که ویرا بجای فرج قضیب بود و اگر آبستن بود دلیل کند که ویرا
پسر آید ولیکن نماند و اگر آبستن نبود و پسر دارد و پسرش بمیرد و اگر آبستن نبود و پسر ندارد حرمت
و مالش بیفزاید و اگر بیند که از فرجش گوهر یا مروارید بیرون آمد دلیل کند که ویرا فرزندی
آید عالم و پارسا جاحظ معبر گوید که دیدن فرج در خواب دلیل بر بدخوئی و ناسازگاری
بود **فرجی** ابن سیرین گوید اگر بیند که فرجی فراخ و پاکیزه داشت دلیل کند بر فرج از
غمها و آسانی و راه دین یافتن و ساختگی کار مردم و چون فرجی کهن بود و چرکین تاویلش
بخلاف این بود کرمانی گوید اگر فرجی از دیبا بود مردم سپاهی و کسانی که دیبا پوشند زیان
ندارد ولیکن مصلح و پارسا را بد باشد و دیباء یکرنگ بهتر از دیباء ملون باشد و فرجی
عتابی و برد دلیل بر خیر و برکت و منفعت کند و فرجی پشمین و کرباسین دلیل بر زیادتی
دین کند و صلاح کارهای دینی جابر مغربی گوید اگر مردی بیند که فرجی زنان پوشیده داشت
دلیل کند که ویرا خواری و شرمزدگی و ملامت رسد و اگر بیند که بدان فرجی مجامعت
کرد دلیل کند که حاجتش روا شود از نزدیکان آنکس که با وی مجامعت کرد اسمعیل
اشعث گوید اگر کسی بیند که فرجی سپید و فراخ و نو پوشیده داشت دلیل کند بر شرف
و بزرگی وی و اگر بیند که فرجی سبز پوشیده داشت دلیل کند بر دینداری و امانت
و پارسائی وی کند و اگر بیند که فرجی سرخ پوشیده داشت دلیل بر لهو و طرب و معاشرت
وی کند و اگر بیند که فرجی زرد پوشیده داشت دلیل بر بیماری و رنجوری تن وی
کند و اگر بیند که فرجی سیاه پوشیده داشت دلیل کند که اگر بیننده خواب عالم
بود یا به بیداری جامه سیاه پوشد دلیل بر خیر و نیکی کند و اگر نه بد بود و اگر بیند که فرجی
کبود پوشیده داشت دلیل بر غم و اندوه و مصیبت کند **فرزند** ابن سیرین گوید
اگر در خواب بیند که ویرا دختری آمد دلیل کند که خیر و سلامت یابد و از خویشان
و اهل بیت خود شادمانه شود و نامش بنزدیک مردمان بنیکی منتشر شود و اگر بیند
که ویرا پسری آمد دلیل کند که غمگین و اندوهگین شود کرمانی گوید اگر بیند که ویرا

پسری آمد و زنش آبستن بود دلیل کند که ویرا دختر آید و اگر بیند که دختر آمد دلیل
کند که ویرا پسر آید جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که ویرا فرزندی بود و آن فرزند ویرا کسی
بستد دلیل کند که بیمار شود **قوله تعالی** قُرَّةُ عَيْنٍ لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ اسمعیل اشعث
گوید اگر کسی بیند که فرزندی طفل در جایگاهی افکنده بیافت یا کسی بدو داد دلیل
کند که از جایگاهی که امید ندارد چیزی بدو رسد چون آن فرزند دختر باشد و اگر پسر باشد
از کسی اندوهگین شود **فرعون** ابن سیرین گوید که یکی از فرعونیان متقدم یا از پادشاهان
ستمکر در شهری یا در زمینی در آمد و در انجا مقام گرفت دلیل کند که سیرت فرعون دران
دیار ظاهر شود و اگر بیند که پادشاهی عادل داد کر از پادشاهان متقدم دران شهر یا دران
زمین در آمد و در انجا مقیم شد دلیل کند که سیرت عدل و انصاف وی دران ولایت پدید
آید و ثابت شود و مردم آن دیار آسوده گردند جابر مغربی گوید اگر بیند که فرعون
چیزی بدو عطا داد یا خلعت دلیل کند که بر قدر آن چیز ویرا چیزی رسد از پادشاهی
ظالم و مالی حرام حاصل شود یا از مردی بزرگوار ظالم مالی حرام یابد **فرمودن کارها**
ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که کسی ویرا فرمود که دیگ بپز تاویلش آن است
که در کار کسی که بدو پیوندد ایستادگی نماید و اگر بیند که کسی ویرا فرمود که بر گردان تا نسوزد
تاویلش آن است یعنی که خویشتن را نگاه دارد و اگر بیند که کسی ویرا فرمود که نان
بشکن تاویلش آنست که برادران را خوشدل دار و اگر بیند که کسی ویرا فرمود که آب خوردگی
از دیگ فرو ریز تاویلش آنست که بجد باش در کار و اگر بیند که کسی ویرا فرمود که گندم بفروش
تاویلش آنست که روزی از حلال طلب کن و اگر بیند که کسی ویرا فرمود که میان دربند تا
ویلش آنست که فایده ازین کار برگیر و اگر بیند که کسی ویرا فرمود که توقف کن تاویلش آنست
که بر دشمن ظفر خواهی یافت و اگر بیند که کسی ویرا فرمود که با آتش گرم بباش تاویلش آنست
که مال خویش نگاه دار و اعتقاد درویش نشوی و اگر بیند که کسی ویرا فرمود که چراغ را برافروز
تاویلش آنست که مال هزینه کن و اگر بیند که کسی ویرا فرمود که چراغ را بکش تاویلش آنست
که مال را هزینه مکن و اگر بیند که کسی ویرا فرمود که بستر بگستر را تاویلش آن است

یعنی که زن بخواه و اگر بیند که کسی ویرا فرمود که تخم بکار تاویلش آنست که با خلق
خدای نیکوئی کن تا بهشت یابی و اگر بیند که کسی ویرا فرمود که غسل بکن تاویلش آنست
که توبه کن و بخدای باز گرد و اگر بیند که کسی ویرا فرمود که چیزی شیرین مخور تاویلش آنست
که لقمه حلال خور کرمانی گوید هر وقت که در خواب جوانی پیری را چیزی فرماید دلیل کند
که دشمن بود فرمانش نباید برد و اگر پیر جوانرا چیزی فرماید فرمان آن راست بود فرمان
بباید کردن زیرا که پیر دولت و بخت بود و مال حلال و جوان بخلاف این باشد
فروختن ابن سیرین گوید که هر چه در شرع و راه دین عزیز بود فروختن آن در خواب
بد باشد و آنچه بخلاف این بود فروختن آن زیان ندارد و اگر کسی بیند که مصحف قرآن را
بفروخت دلیل کند که دین بنزدیک وی حقیر بود کرمانی گوید اگر بیند که بنده خویش را
بفروخت دلیل کند که کار بروی تنگ آید و ستمکار بود و اگر بیند که زن خویش را بفروخت
دلیل کند که حرمت و بزرگی وی زایل گردد و از هر گونه که باشد زشت نام شود مگر بجز
از انکه آن زن بفروخت او را زنی دیگر بود اگر چنین که گفتیم نخست کار وی تباه
شود و بعد از آن دیگر کارش بصلاح آید جابر مغربی گوید که چیزی که بخواب بیند که آنرا بفروخت
دلیل بر خوار داشتن آن چیز بود و حقارت آن تا انقدر معلوم شود **فرود آمدن**
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از کوه یا از تل یا از بام یا از درخت یا از جایگاهی بلند
فرود آمد دلیل کند که کاری که اندران بود تمام نکرده و از وی عاجز شود کرمانی گوید
اگر بیند که از جایگاهی بلند فرود همی آمد دلیل کند که شرف و بزرگی و مالش نقصان
آید و بعضی از معبران گویند که رنجی رسد یا رنجور گردد چون از جایگاهی دشوار بزیر
آید و اگر بیند که از پایه نردبان فرود می آمد دلیل کند که در کارش نقصان بود خاصه که
نردبان را از گل کرده باشند و اگر نردبان را گچ و سنگ کرده باشند دلیل کند که مال و نعمت
وی نقصان شود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که از کوه فرود می آمد دلیل کند که اگر
در خدمت پادشاه بود از خدمتش جدا شود و حرمتش و جاه وی نقصان آید
و اگر در خدمت پادشاه نبود از صحبت مردی بزرگوار جدا ماند و اگر بیند که از تل

بخاک فرود همی آمد دلیل کند که از خویشان و اقربا جدا ماند و اگر بیند که از درخت فرود
همی آمد دلیل کند که بر قدر آن بلندی از مال و نعمت وی بنقصان آید و اگر بیند که از
نردبان گلین یا سنگین فرود همی آمد دلیل کند که شرف و بزرگی و مالش بنقصان آید
و اگر بیند که از نردبان چوبین فرود همی آمد دلیل کند که نفاقی که اندر دین کند بنقصان
اید **فرشتگان** بدانکه فرشتگان را در خواب دیدن بتمامی در باب شانزدهم
بیان کرده آمد **فزونی** ابن سیرین گوید که دیدن چیزهایی که در آن خیر و مصلحت
بود نیک باشد و در چیزهایی که در آن شر و مضرت بود بد باشد کرمانی گوید که فزونی در تن
چون تن را زیان ندارد نیک بود و مال و نعمت بود و خداوندش را هر چند که فزونی در تن بیشتر
بیند دلیل کند که نعمت و مالش افزونتر باشد و اگر آن فزونی تن وی را مضرت و رنج بود
دلیل کند بر نقصان مال و رنج و بیماری **فستق** ابن سیرین گوید که فستق را بخواب
دیدن مال و نعمت بود اگر کسی بیند که مغز فستق را گرفت یا کسی بدو داد و بخورد دلیل
کند که بر قدر آن وی را مال و منفعت حاصل شود کرمانی گوید گوید اگر بیند که فستق
یافت یا کسی بدو داد دلیل کند که از مردی بخیل خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که مغز
فستق تلخ و ناخوش بود دلیل کند که از مردی بخیل جفا یابد و اگر بیند که مغز فستق
روغن بیرون کرد دلیل کند که از مردی بخیل بر قدر آن وی را منفعت رسد و اگر بیند که
مغز فستق کسی بدو داد همی خورد جابر مغربی گوید که بقدر آن وی را منفعت رسد و مال
یابد و اگر بیند که طعم فستق تلخ و ناخوش بود دلیل کند که از آن کس مال حرام یابد **فصد کردن**
بدانکه فصد کردن رگ زدن بود و تاویل وی بحرف را باب رگها بیان کرده شد
فقاع ابن سیرین گوید که فقاع خوردن در خواب منفعت باشد از قبیل خادمی
بدو رسد و اگر بیند که فقاع را بکسی داد دلیل کند که آن منفعت که گفتیم بدان کس رسد
و اگر بیند که کوزه از دستش بیفتاد و فقاع بریخت دلیل کند که وی را زیانی رسد کرمانی
گوید که فقاع خوردن در خواب دلیل بر بوسه دادن کند و اگر بیند که فقاع همی خورد
دلیل کند که وی را بوسه دهد جابر مغربی گوید که فقاع خوردن در خواب خدمت کردن

مرد سفله باشد اگر بیند که فقاع را همی خورد دلیل کند که خدمت مردی سفله کند لیکن اگر
فقاع شیرین و خوش بود وی را منفعت باشد و اگر ترش و ناخوش بود وی را از آن زیان
و مضرت رسد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که فقاع خوردن در خواب
بر چهار وجه بود یکی منفعت باشد دوم بوسه دادن سیوم خدمت کردن مردم
سفله چهارم زایل شدن غم و اندوه و بدانکه فقاع فروش بتاویل مردی بود که بسبب وی
خیر و برکت و منفعت بمردم رسد **فقیه** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که او فقیه
و فاضل شده بود و سخن او بنزد مردمان قبول بود سخت بد باشد زیرا که بلاء صعب
گرفتار شود که مردمان وی را در آن بلا یاد کنند اما اگر فقیه و عالم بود دلیل کند که شرف و
بزرگی یابد چنانکه نامش در آن دیار بخیر و خوبی منتشر گردد جابر مغربی گوید اگر مردی امی
خویشتن را در خواب فقیه بیند دلیل کند که عوان شود و اگر مرد فقیه و عالم بود دلیل
کند که در آن دیار قاضی شود **فلاخن** بدانکه فلاخن بپارسی فلاسنگ بود ابن
سیرین گوید اگر بیند که بفلاخن بر کسی سنگ همی انداخت دلیل کند که بدان کس نفرین کند
و اگر بیند که کسی بروی بفلاخن سنگ همی انداخت دلیل کند که آنکس بروی نفرین کند
کرمانی گوید اگر بیند که فلاخن پیش وی رسید و اندامش را خسته کرد دلیل کند که آفتی از
نفرین آنکس بدو رسد جابر مغربی گوید که فلاخن بتاویل غم و اندوه بود و سخن ناخوش
بود و اگر سنگ بفلاخن بیند که بر کسی همی انداخت دلیل کند که وی را سخنی زشت گوید
و بر دل وی غم و اندوه نهد **فلوس** بدانکه فلوس بتازی درمهای تیره بود ابن سیرین گوید
که فلوس بتاویل جنگ و گفتگوی و خصومت باشد اگر بیند که فلوس یافت یا کسی بدو داد
دلیل کند که وی را با کسی [illegible] جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که فلوس بسیار داشت
دلیل کند که در غم و اندوه قوی گرفتار شود و اگر بیند که فلوسها از خانه بیرون ریخت
یا بکسی داد دلیل کند که از غم و اندوه رسته گردد جابر مغربی گوید که فلوس دیدن در خواب
دلیل بر مفلسی و درویشی کند **فندق** ابن سیرین گوید که مغز فندق در خواب مال
و نعمت بود و اگر فندق بیند که داشت یا کسی بدو بخشید دلیل کند که از مردی بخیل

منفعتی بدو رسد و اگر بیند که بخروار فندق داشت دلیل کند که وی را با کسی داوری بود
کرمانی گوید اگر مغز فندق بیند ناخوشبوی دلیل کند که از مردی بخیل دشنام و سخن زشت
شنود و اگر بیند که مغز فندق روغن بیرون کرد دلیل کند که از مردی بخیل بر قدر آن وی را
منفعت بود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که مغز فندق همی خورد و آن مغز خوش
و شیرین بود دلیل کند که بر قدر آن مالی حلال یابد و اگر بیند که آن مغز تلخ و ناخوش
بود دلیل کند که مال حرام یابد **فنک** ابن سیرین گوید که فنک بخواب مردی غریب
و توانگر بود و ناآمیزنده بوست و موی و استخوان وی مال و خواسته بود و گوشت
وی مال مردی غریب باشد و اگر بیند که فنک را بگرفت و آن فنک مطیع وی بود
دلیل کند که با مردی غریب و توانگر صحبت افتد و از آن مرد بدو خیر و منفعت رسد
و اگر بیند که آن فنک مطیع وی نبود دلیل کند که از آن مرد وی را خیری و منفعتی نرسد
و اگر بیند که فنک در جنگ و نبرد بود دلیل کند که وی را با مردی غریب و توانگر جنگ
و خصومت افتد و ظفر آنرا بود که او غالب باشد یعنی اگر فنک را قهر کند بر آن مرد
عز و ظفر یابد و اگر فنک وی را قهر کند مردی غریب بروی ظفر یابد کرمانی گوید اگر بیند
که فنک را بکشت و پوست وی باز کرد و گوشت وی در زمین انداخت دلیل کند که مال
مردی غریب تلف کند یا مال وی را غصب کند و اگر بیند که فنک را خسته کرد و از
وی خون روان شد دلیل کند که دختری غریب را دوشیزگی بستاند و اگر بیند که بسیار
فنک بروی جمع شد و از ایشان وی را گزندی نرسید دلیل کند که در میان گروهی
غربا افتد و از ایشان خیر و منفعت بیند و اگر بخلاف این بیند دلیل کند که از ایشان
وی را مضرت رسد **فواق** بدانکه فواق بتازی اسکوه را خوانند ابن سیرین گوید اگر
کسی بیند که وی را فواق بدید آمد دلیل کند که خشم گیرد و اگر بیند که فواق با بانگ بلند بود
دلیل کند که خویشتن را خیری نماید بدروغ و بدان خیر وی را ملامت رسد و اگر بیند
که فواقش آهسته بود دلیل کند که بر کسی خشم گیرد و از آن خشم درگذرد و اگر بیند که با فواق
قی کرد و هر چه در شکم وی بود جمله را بر آورد دلیل کند که اجل وی نزدیک آمده باشد **فوده**

بدانکه فوده خمیر خشک باشد که ابکامه از آن گیرند و خوردن وی در خواب رنج و غم
و بیماری بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که فوده همی خورد دلیل کند از سبب کاری غمگین
و متفکر شود و بعضی از استادان این صناعت گفته‌اند که فوده در خواب دلیل بر
جنگ و خصومت کند با نزدیکان خویش و خویشان حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام گوید ناسازگاری بود با اهل و عیال **فوطه** ابن سیرین گوید که جامه و
فوطه در خواب شادی و آسانی بود اگر بیند که جامه از پنبه بود که پوشیده داشت
دلیل کند که راحت و آسانی یابد دینی و دنیائی خاصه که جامه‌اش نو و فراخ بود
و اگر جامه کهن و دریده و شکبود که پوشیده داشت دلیل کند که بر خلاف این بود
که یاد کرده شد کرمانی گوید که فوطه لباس مردمان صالح است اگر بیند که جامه
فوطه پوشیده داشت و او مستور بود دلیل کند بر زیادتی ستر و صلاح و خیرات
وی و اگر خداوند خواب مفسد بود دلیل کند که توبه کند و راه صواب جوید
جابر مغربی گوید اگر پادشاهی بیند که جامه فوطه پوشیده داشت دلیل کند که
داد عدل و انصاف را بجای آورد و اگر قاضی بیند که جامه فوطه پوشیده دلیل
کند که حکم راست کند و اگر مشرکی بیند دلیل کند که مسلمان شود و اگر فاسقی بیند
دلیل کند که تایب شود و اگر دزدی بیند دلیل کند که از دزدی توبه کند **حرف
قاف از کتاب کامل التعبیر** ● **قاضی** ابن سیرین گوید اگر کسی
در خواب بیند که او قاضی شد و در میان خلق داوری همی کرد و او از اهل قضا
نباشد دلیل کند که در رنج و بلا گرفتار شود و مالش از دست برود و اگر در سفر بود
وی را در سفر قطع افتد و مالش تلف شود و برنج و بلا در افتد و اگر بیننده خواب
خربنده بود دلیل کند که از سفر باز افتد و اگر عالم و دانا بود و قضا را شاید دلیل کند که
قاضی شود یا بزرگی و مهتری یابد و کارش همه بنظام گردد کرمانی گوید اگر کسی قاضی معروف
را بخواب بیند دلیل کند که بمنزلت علما و بزرگان دین برسد و اگر قاضی مجهول بیند در تاویل
قاضی مجهول خدای عز و جل بر حکمی که رفته است بیشک **قوله تعالی** وَاللّٰهُ لَا مُعَقِّبَ

لحکمه ؛ وجای دیگر فرموده: يَقْضِي الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ ؛ جابر مغربی گوید اگر کسی
بیند که قاضی بروی حکم کرد دلیل کند که همان بود که او دیده [illegible] باشد و اگر بیند که قاضی
ترازو در دست داشت دلیل کند که درمیان مردمان حکم براستی کند و اگر بیند که قاضی بمهر و شفقت
دروی نگاه میکرد و با وی سخن بمهر و لطف و مدارا گفت دلیل کند که ویرا بنزدیك اهل علم
حرمت و جاه بود و اگر برخلاف این بیند دلیل کند که بنزدیك اهل علم خوار و فرومایه شود
قافله ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که قافله در راه بود و اهل قافله مردمان مصلح
و پارسا بودند دلیل بر خیر و صلاح کارهاء وی کند و اگر بیند که مردمان قافله مفسد و بد
بودند تاویلش بخلاف این بود که یاد کردیم و اگر بیند که او در آن قافله پیاده بود وی برك
تاویلش بخلاف این بود که یاد کرده شد کرمانی گوید اگر بیند که با قافله بسوی خانه خویش
همی آمد دلیل کند که کارهای بسته بروی گشاده گردد و خرم و شادمان شود و اگر بخلاف
این بیند دلیل کند که کارها بروی بسته گردد و از خویشان دور شود قالب بدانکه
قالب بپارسی کالبد چیزی بود ابن سیرین گوید که قالب کفش و موزه در خواب خادم
زن بود که کارهاء وی راست دارد و اگر بیند که قالبی داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که خادمی
ویرا حاصل شود که آن خادم زنان ویرا خدمت کند و کار ایشان مهیا و راست دارد
و اگر بیند که آن قالب بشکست یا بسوخت دلیل کند که آن خادم هلاك شود و اگر
بیند که آن قالب ضایع شد دلیل کند که آن خادم از خانه وی جدا شود و ضایع گردد
جابر مغربی گوید اگر بیند که بسیار قالبها داشت دلیل کند که ویرا از خادمان بر قدر
آن خیر و منفعت رسد و اگر بیند که موزه دوز یا کفش دوز بود بهتر باشد قالی
ابن سیرین گوید اگر بیند که کسی از بهر وی قالی نیکو و فراخ گسترده بود و دانست که
آن ملك اوست دلیل کند که بقدر فراخی وی روزی و عمر درازش بود و اگر بیند که قالی
فراخ نشسته بود در خانه خویش یا در کوچه خویش یا با دوستان در جایگاهی بیگانه دلیل
کند که این جمله که گفتیم و اگر بیند که قالی در خانه بیگانه از بهر وی گسترده اند و او
نمیدانست که آن جایگاه از کیست دلیل کند که احوال دنیا بروی متغیر شود و در

غربت بمیرد کرمانی گوید اگر کسی بیند که قالی وی کوچك بود دلیل کند که عمرش کوتاه بود و
روزی وی تنك بود و اگر بیند که قالی وی کوتاه بود ولیکن نیکو بود دلیل کند که روزی وی فراخ
بود و عمرش اندك بود و اگر بیند که قالی وی کوچك و تنك و کهن بود دلیل کند که روزی و عمرش
دو اندك بود جابر مغربی گوید اگر بیند که قالی در نوشته بود برداشت دلیل کند که دلیل آن از
جای خویش بخانه بیگانه شود و عمرش بیگانه و اندك مانده بود و اگر بیند که دو قالی در نوشته
نشسته بود دلیل کند بر کم عمری و نقصان معیشت وی و اگر بیند که قالی در نوشته باز کرد اند
دلیل کند که در روزی بروی گشاده گردد اسمعیل اشعث گوید که قالی چون گسترده بیند دلیل
کند بر عمر دراز و ساختگی کار دنیا و هرچند که بزرگتر باشد بهتر باشد و چون قالی در نوشته
بیند دلیل بر نقصان عمر و درویشی کند و اگر بیند که بر قالی کوچك نشسته بود و آن
قالی در زیر وی بزرگ و فراخ شد دلیل کند که عیش و روزی بروی فراخ گردد و اگر بخلاف
این بیند دلیل کند که عیش و روزی بروی تنك شود و اگر بیند که قالی فراخ گسترده بود
و وی بدست خویش در نوشت و بگنج خانه نهاد دلیل کند که اقبال و دولت خویش را تباه
کند و اگر بیند که قالی را بر پشت نهاد و همیرفت دلیل کند که بزه و گناه بسیار دروی انباز گردد
و اگر بیند که ویرا بر گردن نهاد دلیل کند که قالیهای مردمان بروی جمع شود و اگر بیند
قالی [illegible] ویکسی دیگر داد دلیل کند که عمرش بآخر آمده باشد دانیال گوید اگر کسی بیند که
قالی وی ستبر و کوچك بود دلیل کند که روزی بروی تنك شود اما عمرش دراز باشد
و اگر بیند که قالی وی فراخ و تنك بود دلیل کند که عمرش اندك بود و روزی بروی فراخ
باشد و اگر بیند که قالی کهن و دریده بود دلیل کند که عدت وی دشوار نگردد و عمر بتلخی
گذشته آید و اگر بیند که قالی سبز و پاکیزه داشت دلیل کند که نعمت بروی فراخ گردد و اگر
بیند که قالی مجهول انداخته بود دلیل کند که آنچه وارد از دست وی بشود و اگر بیند که در
خانه کسان قالی بزرگ در پیش وی گسترده بود دلیل کند که خداوند آن خانه را دولت و
اقبال و نعمت باشد و اگر بیند که قالی در نوشته بجائی همبرد و مرده در پیش آمد و با وی
سخن گفت دلیل کند که عمر وی بآخر رسیده باشد زیرا که در نوشتن قالی در خواب

در نوشتن عمر بود و اگر بیند که در خانه مجهول قالی گسترده بود و او بر سر آن نشسته بود
دلیل کند که بسفر رود و در آن سفر ویرا مال و منفعت حاصل شود قبا ابن سیرین
گوید که قبای کرباسین در خواب پناه و قوت و سفر بود و اگر بیند که قبای سپید
کرباسین فراخ پوشیده داشت دلیل کند که از غمها فرج یابد و اگر بیند که قبای حریر
یا قزین پوشیده داشت دلیل کند که از پادشاه یا از مردی بزرگوار شرف و منزلت
یابد اما در دین مکروه بود زیرا که مردان را در راه دین قبای ابریشمین تنك باشد پوشیدن
مگر که بوقت رزم با سلاح پوشیده دارد کرمانی گوید اگر بیند که قبا پوشیده داشت و بحرب
دشمن همیرفت دلیل کند که بر دشمن ظفر یابد از جهت آنکه قبا از شمار سلاحست اگر بیند
که قباء خز یا قباء دیبا پوشیده داشت دلیل کند که اگر سپاهی بود از پادشاه بزرگی یابد
و اگر سپاهی نبود کارش نیك شود و اگر قبا برنك سبز یا سپید بود دلیل کند که دینش زیاده
شود و اگر برنك زرد بود بیمار گردد و اگر سرخ بود منفعت یابد و اگر کبود بود دلیل بر مصیبت
کند و اگر سیاه بود دلیل بر غم و اندوه کند و اگر ملون بود کارش بنظام گردد و اگر کهن و دریده
بود دلیل کند که غمگین گردد و نقصان در مال وی آید و اگر بیند که قبا از تن بیرون کرد یا کسی
از تن وی بیرون کرد دلیل کند که زن را طلاق دهد یا از وی جدا شود جابر مغربی گوید اگر
کسی بیند که قباء عتابی پوشیده داشت اگر از اهل قبا بود دلیل کند که اقبال دنیا
یابد و عز و جاه وی زیادت شود و اگر از اهل قبا نبود غم و اندوه و ملامت یابد
و اگر بیند که قبا پوستینی سیاه یا سپید پوشیده داشت دلیل کند که زنی توانگر را
بزنی بخواهد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که قبایش از پوست روباه بود
دلیل کند که زنی ناپارسا بزنی بخواهد و اگر بیند که قبایش از پوست سمور بود دلیل
کند که زنی خواهد که بر کار دین سست بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید
که قبا در خواب بر شش وجه بود یکی پادشاه باشد ؛ دوم قوت ؛ سوم سفر ؛ چهارم
ظفر یافتن بر دشمنان ؛ پنجم بزرگی و عز ؛ ششم منفعت از پادشاه ؛ قباله ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند که خط و قباله داشت دلیل کند که بر قدر درستی قباله ولایت و

قوت یابد و اگر بیند که قباله وی ضایع شد تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید اگر
بیند که قباله داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که بر قدر درستی قباله حجت و حکمت ویرا
حاصل شود و اگر بیند که قباله وی کسی بدزدید دلیل کند که خصم حجت ویرا باطل کند
و اگر بیند که پادشاهی قباله بوی داد دلیل کند که ویرا بر ولایتی رئیس کنند و اگر بیند که
قاضی قباله بوی داد دلیل کند که علم و حکمت با حجت شرعی ویرا حاصل شود حضرت
امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن قباله در خواب بر شش وجه بود یکی ولایت ؛ ششم ؛
دوم قوت ؛ سیوم حجت ؛ چهارم شفقت ؛ پنجم حکمت ؛ ششم ریاست بر مردمان جاهل ؛
اگر بیند که قباله داشت دلیل کند که بر قدر درستی قباله و حجت از آن چیزها که گفتیم برخی
بر قباله فضل و دانش و منزلت و سیرت و صلاح وی قپان بدانکه قپان گویند بپارسی
ابن سیرین گوید که دیدنش در خواب مردی بود که صاحب عذاب یا خونخواره بود و
گفته قپان در خواب شنوائی بود که بدان عدل و ظلم شنوند و زبانه اش فرقی بود بوقت
گزاردن حکم جابر مغربی گوید که قپان در خواب وکیل قاضی بود که قاضی اورا از بهر داوری
چیزی فرماید اگر بیند که قپان وی بشکست دلیل کند که با وکیل قاضی ویرا گفتگوی و
جنگ و خصومت بود و بترك صحبت و دوستی وی گوید قبله ابن سیرین گوید
اگر کسی بیند که بجانب قبله نماز نمیکرد یعنی سوی مشرق یا سوی مغرب نماز همی
کرد دلیل کند براه و روش پیغمبر ما صلی الله علیه و آله و سلم میل ندارد و اگر بیند که پشت بقبله
کرد و از جانب دیگر نماز همیکرد دلیل کند که در شرع و مسلمانی مؤمن و صادق نباشد
و اگر بیند که بجز بالغ نماز همیکرد و قبله را نشناخت دلیل کند که در راه دین و سنت پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم مؤمن و صادق باشد قبه بپارسی گنبد بود و تاویلش بحرف
کاف بباب گنبد بیان کرده شود قدح ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که
قدح پرآب یا پر جلاب را فرا گرفت یا کسی بدو داد و از وی بخورد دلیل کند که از زن خود
یا کنیزك خرد و فرزندی مصلح و پارسا ویرا بیاید و خیر و منفعت بیند زیرا که آبگینه گوهر
زنانست و آب در آنجا فرزند بود و اگر بیند که آب بریخت و قدح بماند دلیل کند که فرزندش

بمیرد وزن وی نمیرد واگر بیند که قدح بشکست وآب بماند دلیل کند که زنش بمیرد وفرزند بماند
واگر بیند که آب بریخت وقدح بشکست دلیل کند که زن وفرزندش هردو بمیرند
واگر بیند که در قدح نبید بود وازوی بخورد دلیل کند که ویرا فرزندی مفسد وبدکردار
بیاید ومحنت وبدی ماند واگر بیند که قدح تهی بود ودروی هیچ نبود دلیل کند که ویرا
فرزند نیاید حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن قدح در خواب
بر سه وجه بود یکی زن باشد دوم کنیزک سیوم خادمی بود که شرف حوایج خانه
باشد **قدید** بدانکه قدید بتازی گوشت خشک بود ابن سیرین گوید که خوردن
گوشت قدید در خواب غیبت مردمان بود جابر مغربی گوید اگر بیند که قدید از
گوشت گوسفند همی خورد دلیل کند که غیبت مردمان مصلح وپارسا کند واگر بیند
که قدید از گوشت اسپ همیخورد دلیل کند که غیبت پادشاه ومردمان وی کند
واگر بیند که قدید از گوشت اشتر همیخورد دلیل کند که غیبت مردمان بزرگوار کند
واگر بیند که قدید از گوشت گاو همیخورد دلیل کند که غیبت مهتران دهاقین کند
واگر بیند که قدید از گوشت بز همیخورد دلیل کند که غیبت مقدمان لشکر وبرهمگان
کند واگر بیند که قدید از گوشت چهارپای دشتی همی خورد دلیل کند که غیبت مهتران
بیابان کند کرمانی گوید که بهترین قدید آن بود که گوشت وی فربه بود وازوی بوی گنده
وناخوش نیاید وعلی الجمله در خوردن گوشت قدید هیچ خیری نباشد زیرا که در خواب کسی
چون گوشت قدید خورد غیبت مردمان کند **قرآن** بدان که قرآن خواندن
در خواب حق گفتن بود ابن سیرین گوید که قرآن خواندن در خواب دلیل حاکم است
بیننده خواب را همیخواند اگر آیت رحمت همی خواند دلیل کند بر رحمت وبشارت
ویرا از ایزد تعالی پس واجبست که خیرات کند وشکر باری تعالی بگذارد وبفضل
وعنایتی که خدای عز وجل داده واگر آیت عذاب خواند دلیل خشم وغضبست
از ایزد تعالی پس واجبست که توبه کند واز گناه ومعصیت دور باشد وبخدای باز
گردد تا ازوی خشنود گردد که نمودن این خواب ویرا بیدار ایست از خواب غفلت

واگر آن آیت از قصص وامثال الجنت آن پندی بود ویرا معصیت نکند واز خواب
غفلت بیدار شود کرمانی گوید اگر کسی بیند که تتمه از قرآن بخواند دلیل کند که هم چندان
از عمرش گذشته باشد واگر چهار یکی یا سه یکی همچنان واگر بیند که حافظ قرآن شد
واو حافظ قرآن نبوده باشد دلیل کند که حافظ قرآن شود وامانت علم نگاه دارد و
اگر بیند که قرآن خواندن همی شنود واستماع همیکرد دلیل کند که کارش در راه دین نیکو
گردد واگر بیند که قرآن بروی همیخوانند واو هیچ فهم نمیکرد وخاطر وی بدان هیچ
نمیرسید دلیل کند که غم واندوه بخاطر وی برسد واگر بیند که آیت رحمت همیخواند
وبآیت عذاب رسید وخواندن بروی دشوار بود دلیل که در اندوهی سخت بماند
جابر مغربی گوید اگر بیند که تمامت قرآن را ختم کرد دلیل کند که مرادهای وی حاصل
شود وبعضی گفتند که عمرش بآخر آمده باشد وبعضی گفتند اگر بیمار عمرش بآخر آمده باشد
وبعضی گفتند اگر تندرست بوده است بیابد واگر بیند که قرآن باواز بلند همی خواند
دلیل کند که کار وی بلند شود ودر میان مردمان معروف گردد ونامدار شود ونیک
بختی واگر یاد دارد که کدام آیت خواند دلیل کند که تفسیر آیت تعبیر باشد اسمعیل
اشعث گوید اگر بیند که چهار یکی از قرآن بخواند چنانکه سورة البقرة تا سورة الاعراف
بخواند یا نیمه یا بیشتر دلیل کند که روی نیکو شود وسال بروی مبارک باشد وکدخدای
وی ساخته شود واگر بیند که چهار یک دوم از قرآن بخواند چنانکه از سورة الاعراف
تا سورة المریم دلیل کند بر نیکوئی کار وی ودر میان خلق معروف گردد وبا مردمان
خیر واحسان کند واگر بیند که چهار یک سیوم از قرآن بخواند چنانکه از سورة
مریم تا سورة الزمر دلیل کند که زنی پارسا او را بزنی کند واز سبب آن ویرا خیر ومنفعت
بسیار برسد واگر بیند که چهار یک مفصل بخواند چنانکه از سورة الزمر تا سورة
الناس دلیل کند که شغلها بروی آسان گردد وخصومتها ازوی دفع شود به
نیکوتر وجهی وحاجتهای وی حاصل گردد ومرادهای وی برآید واگر بیند که از
سی پاره قرآن یکپاره تمام بخواند یا بیشتر یا کمتر دلیل کند که سال وماه بروی مبارک

کرده واگر بیند که چهار یکی از کراسه یا از ظاهر بخواند دلیل کند که سخت نیک باشد
ومرادهای وی حاصل گردد واگر بیند که هفت پاره بخواند دلیل کند که از غم واندوه
وزیان برهد این همه که گفته شد آنکس را باشد که قرآن خوان بود بر ظاهر یا بکراسه اما چون
قرآن نبود دلیل کند که اجل وی نزدیک آمده باشد **قوله تعالی** اِقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ
بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا واگر بیند که برهنه بود که قرآن همی خواند دلیل کند که
هوادار بود واگر بیند که بجایگاه ناپاکیزه همیخواند چنانکه بآبخانه یا بمزبله یا بجایگاهی زشت
همیخواند دلیل کند که در اعتقادش خلل بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید
که قرآن خواندن در خواب بر چهار وجه بود یکی سلامت یافتن بود از آفتها وترس
بیم دوم توانگری بود بعد از درویشی سیوم مراد وکام دل یافتن بود چهارم بیکار
وپرهیزکاری فرمودن بود کسانی را که مستور باشند وکسی را که مستور نباشند برایشان
روز قیامت حجت بود وبرایشان انواع عقوبت وعذاب باشد چنانکه بر کافران ومنافقان
واگر از جمله قرآن کسی سورتی تمام بخواند تاویل خواندن آن سورة بحرف سین بباب
سورتها دران طلب باید کرد که در انجا حکم تاویل هر سورتی جداگانه یاد کردیم تا اینقدر
معلوم باشد **قربان** ابن سیرین گوید اگر بیند که شتر یا گاو یا گوسفند یا بز قربان
همیکرد دلیل کند که اگر بنده بود از بندگی آزاد گردد واگر در رنج ومحنت گرفتار بود رحمت وراحت
یابد واگر در بند بود از بند رستگاری یابد واگر بیمار بود از رنج شفا یابد واگر درویش بود توانگر
گردد واگر از کسی ترس وبیم دارد ازان ایمن شود واگر وام دارد وامش زود گزارده شود از انجا
که امید ندارد واگر حج ناکرده بود خدای تعالی ویرا حج کرامت کند واگر بیند که قومی بسیار بصحرا
قربان کردن رفته بودند اگر آن قوم از چیزی ترسند خدای تعالی ایشان را ازان ترس وبیم
ایمن گرداند وراحت بدید آرد واگر در زندان باشند حق تعالی زود ایشانرا رستگاری
دهد واگر در تنگی وقحط باشند حق تعالی آن قحط وتنگی از ایشان برحمت ونعمت وفراخی
بدل کند خاصه که این خواب بهنگام عید بیند راحتش زودتر اثر کند وایمنی وعدل ودادیدان
کس رسد کرمانی گوید اگر کسی بیند که گوشت قربان را قسمت بر مهمان همیکرد دلیل کند

که مردی محتشم در آنجا بمیرد ومال وی قسمت کنند بر میراث خوارگان واگر بیند که گوشت
قربان همی دزدید دلیل کند که خدای عز وجل دروغ گوید جابر مغربی گوید که قربان کردن
بخواب بشارت باشد واشکاره شدن بر بخت بود **قوله تعالی** وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا
مِّنَ الصَّالِحِينَ وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ واگر خداوند خواب زن بود وحامله
دلیل کند که پسری آرد که مصلح وپارسا بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
گوید که تاویل قربان کردن در خواب بر سه وجه است یکی ایمنی باشد از بیم وترس دوم
زایل شدن خیر وبرکت سیوم زوال قحط وتنگی **قرابه** ابن سیرین گوید که قرابه
در خواب کنده پیر آمیزنده بود که مال وخواسته بدو سپارند واگر در قرابه آب بیند یا چیزی
که خوردن آن حلال بود یا جلاب دلیل کند که آن کنده پیر حلال خوار بود واگر در قرابه سنگی
باشد یا چیزی که مستی کند دلیل کند که آن کنده پیر حرام خوار وبد فعل وبی امانت بود
جابر مغربی گوید اگر کسی که قرابه داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که ویرا با کنده پیری صحبت
افتد اگر بیند که ازان قرابه آب یا جلاب یا چیزی شیرین خورد وحلال دلیل کند که ازان
کنده پیر ویرا خیری ومنفعتی رسد از حلال واگر بیند که ازان قرابه چیزی ترش همی
خورد دلیل کند که ویرا ازان کنده پیر اندوه ومضرت رسد واگر بیند
که ازان قرابه سنگی یا چیزی که حرام بود همیخورد دلیل کند که ویرا ازان کنده پیر چیزی
حرام رسد واگر بیند که آن قرابه تهی بود ویرا ازان کنده پیر هیچ چیز نرسد واگر بیند که
آن قرابه بشکست یا ضایع شد دلیل کند که آن کنده پیر از وی جدا شود بمرگ یا بزندگانی
قرنفل ابن سیرین گوید که قرنفل دیدن در خواب دلیل بود بر دردمندی نیکوئی کند اگر کسی
بیند که قرنفل بسیار داشت وبهر کس ازان عطا همیداد دلیل کند که اهل آن دیار ویرا
مدح وثنا کنند ونامش بنیکوی دران دیار منتشر گردد واگر ازان قرنفل بکسی چیزی نداد
آنچه گفتیم کمتر باشد واگر بیند که قرنفل همیخورد دلیل کند که ویرا غم واندوه یا مضرتی رسد
قز ابن سیرین گوید که قز وابریشم چون بکونه سپید باشند دلیل کند بر
منفعت این جهانی واگر زرد بود دلیل بر رنج وبیماری کند ودیدن قز وابریشم که عینه باشد

بهتر از آن که خام بود واکر بیند که بسیار قز یا ابریشم داشت دلیل کند که بر قدر آن
ویرا خیر و منفعت اینجهانی رسد واکر بیند که ابریشم یا قز وی ضایع شد یا بسوخت
دلیل کند که بر قدر آن ویرا زیانی رسد کرمانی کوید اکر قز یا ابریشم بکونه سپید بیند
و داند که ملك اوست دلیل کند که بر قدر ویرا خیر و منفعت حاصل شود واکر بکونه سبز
بیند بهتر بود واکر بکونه سرخ باشد مردانرا نیك نبود اما زنانرا نیك باشد واکر بکونه زرد
باشد دلیل بر رنج و بیماری کند واکر بکونه کبود باشد یا سیاه دلیل بر غم و اندوه کند
واکر بیند که از هر رنکی بسیار ابریشم داشت دلیل کند که بر قدر آن از هر کونه متاع دنیا
ویرا حاصل شود و علی الجمله دیدن قز و ابریشم در دین مردان را مکروه بود و زنانرا
نیك باشد زیرا که پوشیدن جامهای قز و ابریشم مردان حرام باشد و زنانرا حلال
قسط بدانکه قسط دارویی بود از عطرهای یعنی از بویهای خوش ابن سیرین کوید
اکر کسی بیند که زیر جامهٔ خود قسط را دود همیکرد دلیل کند که مردم آن دیار ویرا مدح
و ثنا کویند و نامش بنیکی و خیر دران دیار منتشر کردد واکر بیند که دود آن قسط کند
و ناخوش بود تاویلش بخلاف این بود که یاد کرده شد جابر مغربی کوید اکر کسی بیند که
قسط را همیخورد دلیل کند که غمکین و متفکر شود و بعضی از معبران کفته‌اند که قسط بطعم
شیرین بود دلیل بود بر منفعت کند و اکر تلخ بود دلیل بر مضرت کند **قسمت کردن**
ابن سیرین کوید اکر کسی بیند که درمیان کروهی چیزی براستی قسمت همیکرد دلیل
کند که درمیان مردم انصاف نکاه دارد و میل نکند واکر بخلاف این بیند دلیل
کند که میل کند و انصاف نکاه ندارد واکر بیند که مال خویش را بکار خیر و صلاح قسمت
همیکرد دلیل کند که پسر خویش را زن خواهد یا کسی از خویشان خود را زن دهد
و مال خویشان قسمت کند واکر بیند که مال خویش بکار فساد و شر قسمت همیکرد
دلیل کند که کار و حالش پراکنده کردد بمرک و زندکانی واکر مال کسانرا قسمت کند دلیل
کند که شر آن بخداوند مال باز کردد واکر قسمت راست کنند کرمانی کوید اکر بیند
که مال کسی قسمت نمیکرد و برضای حق تعالی و خداوندش خیر و شر آن بخداوند مال باز

کردد واکر قسمت راست کند واکر نکند چون نظر خداوند مال بروی بود اکر بیند که مال
کسی برضای خداوندش قسمت همیکرد اکر بصلاح قسمت همیکرد واکر بفساد تاویل
خیر و شر آن بدو باز کردد جابر مغربی کوید اکر بیند که میراث کسی را بر وارثان قسمت
همیکرد چون بشریعت راست همیکرد دلیل بر صلاح و دیانت وی کند و چون قسمت
بخلاف راه شرع همیکرد دلیل بر فساد و بیدیانتی وی کند و بعضی از معبران کفته‌اند
که چون برضای وارثان قسمت اکر بشرع قسمت کرد واکر بی شرع دلیل کند بر صلاح
و دیانت وی **قصّاب** ابن سیرین کوید که دیدن قصاب درخواب چون
قصاب مجهول بود ملك الموت باشد اکر بیند که قصاب مجهول در کوچه یا در
سرای وی درآمد دلیل کند که درانجا کسی بمیرد واکر بیند که او قصاب است و قصاب
نبود دلیل کند که کسی را بکشد یا جراحت کند بقصد یا بخطا بهر کونه که باشد واکر بیند
که با قصاب همراهی همیکرد دلیل کند که با کسی ظالم ویرا صحبت افتد و دوستی
کرمانی کوید اکر کسی بیند که او قصابی همیکرد و او قصاب نبود دلیل کند که غم و اندوه پیش
آیدش زیرا که قصاب را پوست و جامه چرکین باشد پس اکر کسی بیند که جامه‌اش سپید و
پاکیزه بود دلیل کند که غم و اندوه از وی زایل کردد واکر بیند که کارد در دست داشت و
قصابی همیکرد و او قصاب نباشد دلیل کند که خون بناحق ریزد واکر قصاب
بود خون بحق ریزد جابر مغربی کوید اکر بیند که قصابی مجهول در کوچه درآمد دلیل
کند که دران کوچه مرك مفاجات ظاهر شود **قصّه کفتن** بدانکه قصه کفتن
بتازی دانش کفتن بود ابن سیرین کوید اکر بخواب بیند که قصه همیکفت دلیل
کند که انکس از ترس و بیم ستمکاران ایمن کردد **قوله تعالی** فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ
الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ❊ کرمانی کوید اکر بیند که مردمانرا
قصه همیکفت دلیل کند که ویرا کار نیك شود و مرادش حاصل کردد و بمقصود رسد
و کارش بخیر و صلاح باز آید واکر دران قصه شر و فساد بود تاویلش دلیل بر شر و بدی
بدی کند بدانکه قصه کوی مردی باشد نیکو محضر چون قصها با اهل صلاح کوید و

چون قصها با اهل فساد کوید بد محضر باشد **قضیب** بدانکه قضیب بتازی شاخ
باریك بود ابن سیرین کوید اکر بیند که کسی ویرا شاخ باریك داد و آنکس معروف بود دلیل
کند که از وی بر قدر آن خیر و نیکی یابد واکر انکس مجهول بود دلیل کند که از کسی بیکانه بدو خیری
رسد واکر بیند که بدو کسی شاخ باریك خشك داد دلیل کند که از انکس بدو خیری نرسد
جابر مغربی کوید اکر بیند که کسی بدو شاخ باریك داد از درختی که میوهٔ آن درخت
ترش و ناخوش بود دلیل کند که از آنکس ویرا غم و اندوه رسد واکر بخلاف این بود ویرا
از انکس بدو خیر و صلاح و منفعت رسد چون آن شاخ تر و تازه بود و بدانکه تاویل
قضیب مردم بباب ذکر بحرف دال بیان کرده شد **قطایف** ابن سیرین کوید
اکر بیند که قطایف بشکر و بادام کسی بدو داد یا در دهان وی نهاد دلیل کند که از کسی سخنی
خوش و لطیف شنود واکر بیند که بسیار قطایف بشکر و بادام کسی بدو داد یا در پیش
وی نهاده بود و از وی میخورد دلیل کند که بر قدر آن ویرا مال و نعمتی آسان بدست آید
واکر بیند که قطایف بدوشاب و مغز کوز بود دلیل کند هم بر مال واکر بیند که قطایف
بانکبین و مغز کوز بود و از وی همیخورد دلیل کند بر قدر آن مال و نعمتی حلال برنج
بدست آرد اما بهتر از آن بود که قطایف بدوشاب حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام کوید که خوردن قطایف درخواب بر چهار وجه بود یکی سخنی لطیف و
خوش باشد دوم مال حلال سیوم نعمت چهارم منفعت برنج بود **قطران** ابن سیرین
کوید که قطران درخواب مال حرام بود اکر کسی بیند که قطران داشت یا کسی بدو
داد و از وی بخورد دلیل کند که بر قدر آن ویرا مال حاصل آید از خیانت و حرام واکر
بیند که از تن وی یا جامه‌اش بقطران آلوده شد دلیل کند که لباس حرام پوشد جابر
مغربی کوید اکر بیند که درمیان قطران غرق شد دلیل کند که دنیا دهد جمله مالش حرام
بود و بعضی کفته‌اند که از سبب مال وبال و محنت کرفتار شود واکر بیند که قطران را
از خانهٔ خویش بیرون ریخت و تن بشست دلیل کند که از حرام توبه کند و مال حرام
از خویشتن دور کند و بخدای باز کردد و راه آخرت کزیند **قفا** ابن سیرین کوید اکر

برقفای خویش موی بیند دلیل کند که وام دار شود واکر از قفای خویش موی سترده
بیند دلیل کند که وامی که بر کردن دارد کذارده شود واکر بیند که کسی برقفای وی سیلی
زد دلیل کند که از انکس بدو خیری رسد واکر بیند که سیلی چنان زد که قفایش آماس کرفت
دلیل کند که از انکس منفعت بسیار بدو رسد واکر بیند که برقفای وی باستین زد دلیل
کند که از انکس منفعت ویرا رسد و هم کسی را اکر بیند که انکس بزمان کیسه ویرا سیلی زد
دلیل کند که منفعت از دست بیکانه یابد کرمانی کوید اکر بیند که کسی را چندان
سیلی زد که از قفای وی خون روان شد دلیل کند که ویرا با کسی خصومت و داوری
افتد و زیانش رسد اکر بیند که قفای خویش را ببرید دلیل کند که عیالش با وی خیانت
کند واکر بیند که برقفا حجامت کرد دلیل کند که بر چیزی که خریده بود قبالا کند جابر
مغربی کوید اکر کسی بیند که رویش بقفا کشته بود دلیل کند که با مردمان منافقی کند
و بعضی از معبران کفته‌اند که درمیان مردمان سخن چینی کند **قفص** ابن سیرین کوید
اکر کسی بیند که قفص داشت یا بخرید یا کسی بدو داد دلیل کند که در جایکاهی شك
کرفتار آید و بعضی از معبران کفته‌اند دلیل کند که ویرا در زندان کنند یا کسی را از خویشتن
وی واکر بیند که قفص بشکست یا ضایع شد دلیل کند که از شکی و زندان خلاص
یابد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که دیدن قفص درخواب بر سه
وجه بود یکی زندان باشد دوم جایکاه شك سیوم سرای نخاس واکر کسی بیند
که اندر قفص مرغ بود دلیل کند که انکس که بدان مرغ منسوب بود حال وی نیکو بود
و عیش بروی تباه کردد **قفل** ابن سیرین کوید که قفل درخواب دلیل کند بر ساختن
کارها و راست شدن دین و دنیای وی اکر کسی بیند که قفل وی زود بکشاد و هیچ
رنج ننمود دلیل کند که کارهای دینی و دنیائی بروی کشاده کردد و راست شود و
باشد که خدای عز و جل ویرا حج روزی کند واکر بیند که قفل را بکشادن نتوانست
دلیل کند که کارهای دینی و دنیائی وی بسته بماند و از حال نیك بحال بد افتد واکر
بیند که قفل بدشواری کشاد دلیل کند که کارهای دینی و دنیائی وی دیر کشاده

کودد و سرانجام برنج و دشواري بکشايد جابر مغربي کويد اکر بيند که قفلي محکم بر جايي
بنهاد که کالاي وي در آنجا بود دليل کند که مال خويش بکسي مصلح با امانت سپارد و بوي اعتماد
کند و اکر بيند که قفل وي سست و ضعيف بود تاويلش بخلاف اين بود حضرت امام
جعفر صادق عليه السلام کويد که ديدن قفل در خواب بر شش وجه بود يکي ساختن
کار دوم قوت سيوم حجت چهارم منفعت پنجم زن ششم اعتماد داشتن بر کسي
مصلح و با امانت و بدانکه قفل کر بخواب دلاله باشد **قلعه** بدانکه قلعه دز بود و
شرح تاويل آن از بحرف دال بباب دز بيان کرده شد **قلم** بدانکه در تاويل قلم معبران را
خلافست ابن سيرين کويد که قلم امر حق است که خدايتعالي بقلم و لوح محفوظ بنا نهاده است
جابر مغربي کويد که قلم فرشته است بفرمان خدايتعالي کار کذارد و اکر کسي بخواب بيند که قلم
بدان صورت که هست دليل کند که با پادشاهي عاقل ويرا کاري کند و بعضي از معبران کفته‌اند
که قلم توانکري است کرماني کويد که قلم از راه حقيقت بتاويل خود قلم است چنانکه خداي
تعالي بدو ياد کرد **قوله تعالى** ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ اکر کسي بخواب بيند که قلم
بدست کرفت دليل کند که ويرا فرزندي ابد که عالم و فاضل و پارسا بود اسمعيل اشعث
اکر کسي بيند که قلم در دست داشت و بدو چيزي خواست که بنويسد دليل کند که علم
آموزد و عالم و فاضل کردد **قوله تعالى** عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ حضرت
امام جعفر صادق عليه السلام کويد که ديدن قلم در خواب بر پنج وجه بود يکي امر حق باشد دوم
فرشته است سيوم توانکر است چهارم حقيقت کردارها پنجم قلمست و بدانکه قلم
نوشتن بپارسي خامه خوانند و شرح تاويلش بحرف خي بباب خامه بيان کرده شد
قليه ابن سيرين کويد که قليه کوشت کوسفند خورد دليل کند که مالي برنج و سختي بدست
آرد و هر چند قليه بطعم و چاشني خوشتر باشد منفعت خداوند خواب بهتر و بيشتر باشد
و اکر قليه از کوشت کاو فربه خورد دليل کند که دران سال از ترس و بيم ايمن کردد و اکر
قليه از کوشت بره يا بزغاله خورد دليل کند که مالي اندک ويرا حاصل شود جابر
مغربي کويد اکر بيند که قليه از کوشت اسب خورد دليل کند که برنج و سختي مالي

از پادشاه

از پادشاه بدست آورد و اکر بيند که قليه از کوشت اشتر خورد دليل کند که بر قدر آن مالي
از دست مردي بزرک وار بدست آورد و اکر بيند که قليه از کوشت چهارپاي دشتي
خورد دليل کند که برنج و سختي بدست آورد از مهتران اهل بيابان و اکر بيند که
قليه از کوشت مرغان خورد دليل کند که مالي از جهت زنان بمکر و حيلت حاصل شود
و اکر بيند که قليه از کوشت ماهي خورد دليل کند که در صحبت مردي بسفر شود خاصه
که خداوند خواب مستور بود و اکر مفسد بود دليل کند بر غم و اندوه کشيدن و اکر
بيند که قليه از کوشت چهارپايان خورد که کوشت ايشان حرامست دليل بر مال حرام
کند **قمار** ابن سيرين کويد اکر کسي بخواب بيند که قمار همي باخت و بر خصم
غالب شد دليل کند که ظفر يابد و بر چيزي حرام که طلب کند و اکر بيند که خصم بر وي
غالب شد دليل بر خلاف اين بود که ياد کرده شد کرماني کويد که اکر بيند که بقمار چيزي
از خصم خود ببرد دليل کند که بر دشمن ظفر يابد و مراد خويش حاصل کند بشغلي باطل
و معصيت و اکر بيند که خصم از وي برد دليل کند که در آن شغل ظفر نيابد و مرادش
حاصل نشود و ملامت و سرزنش يابد از مردمان حضرت امام جعفر صادق
عليه السلام کويد که قمار باختن در خواب بر چهار وجه بود يکي مشغول شدن بشغل باطل
دوم ملامت مردمان سيوم شغب و شکال چهارم جنک و خصومت و زخم
بود **قمع** ابن سيرين کويد که قمع کوچک در خواب کنيزک يا غلام خرد بود و قمع بزرک
مردي تدبير کننده باشد که در کارها اسراف نکند اکر بيند که قمعي کوچک بخريد يا کسي بدو
داد دليل کند که غلام يا کنيزکي کوچک ويرا حاصل شود و اکر قمع بزرک بيند دليل
کند که مردي مدبر و نيکراي در خدمت وي آيد اکر اهل باشد و اکر نه ويرا با مردي
نيکراي مدبر دوستي و مصاحبت افتد و اکر بيند که قمع بشکست يا ضايع شد دليل
کند که ويرا از صحبت چنين مردي مفارقت افتد اکر بزرک بود و اکر بزرک کاني جابر
مغربي کويد اکر بيند که قمع وي زرين بود دليل کند که ويرا با مردي [illegible]
[illegible] محتشم که از مقربان پادشاه باشد مصاحبت افتد و اکر بيند که قمع

وي سيمين بود دليل کند که ويرا با مردي عالم توانا و مدبر صحبت افتد و اکر قمع وي مسين
بود دليل کند که ويرا با مردي درويش مدبر و نيکراي بود و صحبت و دوستي افتد و اکر بيند که
قمع وي آهنين بود دليل کند که ويرا با مردي قوي و شجاع مصاحبت افتد و از وي خير و
منفعت يابد بر قدر روشني و پاکيزکي قمع **قند** بدانکه قند کونه‌اي از شکر بود ابن سيرين
کويد اکر بيند که قند همي خورد دليل کند که بتعجيل کاري بکند و بر کردن آن کار پشيماني
خورد و اکر قند بکونه زرد بود و بيند که از وي همي خورد دليل کند که بيمار شود و اکر بيند
که پاره قند کسي در دهان وي نهاد دليل کند که آنکس ويرا بوسه دهد يا سخن خوب
کويد جابر مغربي کويد اکر بيند که بخروار قند داشت دليل کند که بر قدر آن ويرا مال و نعمت
حاصل شود و اکر بيند که قند را همي فروخت دليل کند که ويرا مضرت و زيان رسد
و بدانکه خريدن قند به از فروختن باشد **قنديل** ابن سيرين کويد که قنديل افروخته
توفيق عبادت و طاعت بود و عز و دولت دنيا خاصه که آبکينه و چراغ قنديل بره
روشن باشد و قنديل نا افروخته بر خلاف اين بود و اکر بيند که در خانه وي قنديلي
افروخته آويخته بود دليل کند که زني مصلح و پارسا بزني خواهد چنانکه بخبر آمده است
که حذيفه يمان از امير المومنين علي ابن ابي طالب عليه الصلوة والسلام پرسيد که بخانه
خويش قنديلي روشن افروخته ديدم ميکفتم اين قنديل از کجا آورده‌اند امير المومنين
علي ابن ابي طالب عليه السلام فرمود حذيفه را کفت زن داري کفت ندارم يا امير المومنين
علي عليه السلام کفت زني بخواهي بنکاح پارسا و با جمال و مال بسيار د کس هم بدان سال
حذيفه زني محتشم و با جمال را بزني بخواست چنانکه امير المومنين علي عليه السلام فرموده
بود اما اکر بيننده خواب زن دارد دليل کند که توفيق بعبادت يابد و طاعت خداي عز
و جل بسيار کند جابر مغربي کويد اکر کسي بيند که در خانه وي قنديلي بود و او عزب بود زن
خواهد يا کنيزک خرد و اکر خداوند خواب مستور بود و زن دارد دليل کند که توفيق عبادت
يابد و راه آخرت کزيند و اکر خداوند خواب مصلح و پارسا نبود عز و اقبال اين جهان يابد و
بکسب و معيشت دنيا مشتغل کردد حضرت امام جعفر صادق عليه السلام کويد که ديدن قنديل

در خواب

در خواب بر چهار وجه بود يکي زن خواستن دوم توفيق عبادت و طاعت يافتن سيوم
عز و دولت دنيا باشد چهارم کشايش کارهاي بسته بود و بدانکه قنديل افروخته ديدن منفعت
بود ازين چيزها که پيش ازين ياد کرده شد **قنفذ** ابن سيرين کويد که قنفذ در خواب
منفعت و خير بود اکر بيند که بسيار قنفذ داشت دليل کند که بر قدر آن قنفذ ويرا خير
و منفعت حاصل شود و اکر بيند که قنفذ پوستين در دست داشت دليل کند که دست در
راه دين محکم زده باشد [illegible] و اکر بيند که جامه قنفذين پوشيده داشت
دليل کند که تابع شرع و راه دين بود جابر مغربي کويد که قنفذ ديدن در خواب دليل
بر کسب حلال کند اکر بيند ملک او بود بسيار قنفذ جمع کرد دليل کند که بر قدر آن کسب خويش
مال حلال حاصل کند و اکر بيند که دانه قنفذ همي خورد دليل کند که بر قدر آن منفعتي برنج ويرا
حاصل کردد **قنوت خواندن** ابن سيرين کويد اکر کسي بيند که در خواب قنوت را همي خواند
دليل کند که پيش کسي ثنا و مدح او کويد و حاجتهايش روا کردد و بر دشمنان ظفر يابد جابر مغربي
کويد که قنوت خواندن در خواب مردمان مصلح و پارسا روا شدن حاجت بود از باري تعالى
و مردم مفسد را روا شدن حاجت بود از مردمان بزرکوار و کشايش کارهاي دنياي وي و مردم
مصلح را کشايش کارهاي ديني **قنينه** ابن سيرين کويد که قنينه در خواب خادمي بود که کليد
خانه بدو سپارند اکر بيند که قنينه داشت و در وي آب بود يا جلاب يا چيزي که
خوردن آن حلال بود و آن چيز را از قنينه همي خورد دليل کند که بر قدر آن ويرا از آن خادم
نعمت و مال حاصل شود و اکر بيند که در قنينه سنکي بود يا نبيد يا چيزي که خوردن آن حرام
بود و آن چيزها از قنينه همي خورد دليل کند که بر قدر آن ويرا از آن خادم مال حرام حاصل
شود اکر بيند که قنينه وي بشکست دليل کند که آن خادم بميرد و اکر بيند که قنينه وي ضايع
شد دليل کند که آن خادم از پيش وي بکريزد و بترکش بکويد کرماني کويد که قنينه بخواب
خادمي بود که حوايج خانه بدست وي باشد **قوس و قزح** بدان که قوس و قزح
کمانه آسمان بود و شرح تاويلش را در حرف کاف بباب کمانه آسمان بيان کنيم
قيامت ابن سيرين کويد اکر کسي بيند که قيامت بديد آمد حق تعالى داد ديادکاو

بود عذاب بگستراند دلیل کند که اگر اهل آن دیار ظالم باشند بلا و آفتی بدیشان رسد و اگر اهل
آن دیار مظلوم باشند حق تعالی بر ظالمان ایشان را نصرت دهد و اگر بیند که اهل آن دیار در پیش
حق تعالی ایستاده اند و علامت خشم و عذاب خدای تعالی بود بد باشد کرمانی گوید اگر بیند
که قیامت برخاست دلیل کند که مظلوم باشند و بر ظالمان دست یابند و اگر در محنت و غم
باشد از غمها فرج یابد و اگر بیند که علامتی از علامات قیامت پیدا شد چنانکه آفتاب از مغرب
برآمد یا دجال یا ماجوج یا یاجوج پدید آمد باید که توبه کند و بخدای باز گردد و اگر بیند که گورها
باز شکافت و مردگان بیرون آمدند دلیل کند که بر دشمنان ظفر یابد و اگر بیند که وی را برانگیختند
باید که از گناه توبه کند و رضای حق عز و جل جوید و اگر بیند که بشمارگاه شد یا وی را از آنجا ببردند
دلیل کند که این نشان غفلت باشد **قوله تعالی** فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا
عَذَابًا نُكْرًا ٭ و اگر بیند که کردارهای وی را بسنجیدند نیکی وی بیشتر و گرانتر آمد دلیل کند که سرانجام کار
وی نیکو گردد و رستگاری یابد **قوله تعالی** فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ٭
و اگر بیند که بدی وی بیشتر و گران برآمد دلیل کند که سرانجام وی بد بود و دوزخ یابد **قوله تعالی**
وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ٭ و اگر بیند که ترازو
نامه بدست داشت دلیل کند که بر راه راست بود **قوله تعالی** وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ
وَالْمِيزَانَ ٭ و اگر بیند که فرشته نامه کردار وی بدو داد و گفت برخوان اگر اهل صلاح بود
کارش نیکو شود و اگر اهل فساد بود دلیل کند که کارش بر مخاطره باشد **قوله جل و علا** اقْرَأْ
كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ٭ و اگر بیند که بر صراط است دلیل کند که
بر راه راست باشد و اگر بیند که بر صراط نیارست گذشت دلیل کند که راه خطا بود و
وی را توبه باید کردن تا خدای تعالی از وی خوشنود شود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
گوید که دیدن قیامت در خواب اهل صلاح را بر چهار وجه بود یکی رستگاری بود ٭ دوم
فرج از غمها ٭ سیوم بر دشمنان ظفر یافتن ٭ چهارم اقبال و سعادت خاتمت و اهل
فساد را برخلاف این باشد ٭ **قیر** ابن سیرین گوید که قیر در خواب خیر و روزی
بود اگر بیند که قیر فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که بر قدر آن وی را غنیمت و مال

حاصل شود و اگر بیند که جامه اش بقیر آلوده گشت دلیل کند که بر قدر آن روزی و خیر بدو رسد
و بخویشان وی جابر مغربی گوید اگر بیند که قیر بسیار در خانه همی برد دلیل کند که بر
قدر آن نعمت و روزی بخانه برد و اگر بیند که قیر را از خانه بیرون می افکند تاویلش بخلاف
این بود و اگر بیند که آتش در قیر وی افتاد و جمله را بسوخت دلیل کند که پادشاه وی را
مصادره کند و جمله مالش و خواسته اش بستاند و اگر بیند که قیر همیخورد دلیل کند
که چیزی حرام خورد و بعضی گفتند که وی را غم و اندوه رسد **قی کردن** ابن سیرین
گوید که اگر بیند که در خواب قی همیکرد و قی آسان برآورد دلیل کند که توبه کند و بخدای
باز گردد و اگر بیند که قی کردن نتوانست یا بوقت آمدن باز جای شد دلیل کند که توبه
نکند یا از توبه باز گردد و بسر گناه شود و سرانجام عذاب و عقوبت بیند
و بعضی از معبران گفتند که وی را مصیبت و زیان رسد در مال و اگر بیند که قی کرد و قی را
بخورد دلیل کند که بخیلی با عیال خویش چیزی بخرج نکند کرمانی گوید اگر بیند که قی کرد
و آنچه از گلو برآورد بطعم خوش بود و زشت نبود دلیل کند که بعد از توبه باز سر گناه
شود و اگر آن قی بطعم ناخوش و زشت بود دلیل کند که از گناه بکراهیت باز گردد و
اگر بیند که بهنگام قی چیزی از شکم برنیامد دلیل کند که بیمار گردد و سخت ضعیف گردد
و اگر بیند که بلغم برآورد دلیل کند که از بیماری نجه شفا یابد و اگر بیند که خون برآورد و اگر
خون بسیار برآورد دلیل مرگ کند و اگر اندک برآورد دلیل کند که بر قدر آن وی را زیان
رسد و اگر صفرا برآورد از بیماری ایمن شود و اگر سودا برآورد از غم و اندوه باز رهد
و اگر هرچه در شکم بود جمله برآورد دلیل کند که هلاک شود حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام گوید که قی کردن در خواب بر شش وجه بود یکی توبه بود ٭ دوم پشیمانی ٭
سیوم مضرت ٭ چهارم از غم رستن ٭ پنجم امانت باز دادن ٭ ششم کارهای بسته بود ٭ هم
او گوید اگر کسی بیند که قی خود را بخورد چیزی بکسی داده باشد از وی باز ستاند والله اعلم
حرف کاف از کتاب کامل التعبیر ٭ **کاچی** ابن سیرین گوید اگر بیند که کاچی
بروغن کنجد و شکر و بادام همیخورد دلیل کند که بر قدر آن وی را از پادشاه یا از مردی بزرگ

وا رخیر و منفعت رسد و اگر بیند که کاچی بروغن و انگبین همی خورد دلیل کند که بر قدر آن
وی را از کسی توانگر خیر و منفعت رسد و اگر بیند که کاچی بروغن و ماست شیرین بود که همیخورد
دلیل کند که وی را از کسی اندک مایه منفعت رسد لیکن برنج و سختی و اگر بیند که کاچی برف
یا بچیزی ترش همیخورد دلیل کند که وی را غم و اندیشه و تفکر بود جابر مغربی گوید اگر بیند که کاچی با
چیزی شیرین همی خورد دلیل کند که بر قدر آن وی را مال و نعمت آسان بدست آید و اگر بیند
که کاچی با چیزی ترش همیخورد دلیل کند که وی را غم و اندوه رسد بر قدر ترشی آن چیز و اگر از
کاچی هیچ نخورد از آنچه گفتیم از خیر و شر هیچ بدو نرسد **کارد** ابن سیرین گوید که کارد بتاویل
فرزند باشد و نیام کارد زن بود اگر بیند که کاردی در دست داشت و دانست که
آن کارد ملک اوست و از سلیح با وی جز آنکارد نبود دلیل کند که وی را فرزند فرزند بود
و اگر بیند که با کارد سلیح دیگر داشت دلیل کند که قوت و بزرگی و منزلت باشد کرمانی گوید
اگر کسی که سلیح پوشیده داشت و کاردی در دست گرفته بود دلیل کند که وی را از کسی
قوت و پناه بود و بعضی از معبران گفتند دلیل کند بر غلامی زیرک که پیشه زود بیاموزد
و از بهر وی کار او کند جابر مغربی گوید اگر بیند که کارد از نیام بیرون کشید دلیل کند که زنش
پسری آورد و اگر بیند که کاردش در نیام بشکست دلیل کند که فرزندش در شکم مادر
هلاک شود و مادرش بسلامت باز رهد و اگر بیند که نیام کارد بشکست و کاردش به
سلامت بود دلیل کند که فرزندش بسلامت از شکم مادر بیرون آید و مادرش هلاک شود
و اگر بیند که دسته کاردش بشکست دلیل کند که پدر یا کسی از خویشان پدر وی هلاک
شود و اگر بیند که اندام خویش را بکارد بخست دلیل کند که بر قدر درد و رنج که وی را خسته
کرد زیانی بدو رسد و اگر بیند که بکارد چیزی را همی تراشید که از آن چیز وی را منفعت باشد
دلیل کند که کاری کند که از آن کار وی را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که بکارد چیزی را همی تراشید
که در آن کس را منفعت نبود دلیل کند که کاری کند که از آن وی را و هیچ کس را خیری نرسد اسمعیل
اشعث گوید اگر بیند که در کارد وی رخنه افتاد یا زنگ گرفته یا عیبی در وی ظاهر شد
دلیل کند که آن نقصانی بود بر خداوند کارد بر قدر آن عیب یا در فرزندش بجهل و کم خردی
کم حضرت

حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن کارد در خواب بر هفت وجه بود
یکی حجت باشد ٭ دوم ظفر ٭ سیوم فرزند ٭ چهارم پناه ٭ پنجم برادر ٭ ششم توانائی ٭ هفتم ولایت
یافتن ٭ **کارزار کردن** ابن سیرین گوید که کارزار کردن در خواب علت طاعون بود اگر بیند که
کارزار همیکرد دلیل کند که از علت طاعون و وبا ایمن بود و اگر بیند که در کارزار دشمن را قهر کرد دلیل
کند که از علت طاعون سلامت یابد و اگر بیند که در کارزار دشمن بر وی چیره شد و وی را
قهر کرد بیمست که از علت طاعون هلاک شود کرمانی گوید اگر کسی بیند که بشمشیر کارزار همی
کرد دلیل کند که در میان شان جنگ و خصومت افتد و داوری و غالب آنرا بود که خصم
را قهر کند و اگر کارزار بنیزه کنند تاویلش همچنین بود و اگر کارزار بکمان و تیر کنند و بیند
که بر یکدیگر تیر همی انداختند دلیل کند که در میانشان گفتگوی بود **کازری** ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند که بخواب کازری همیکرد و او کازر نبود دلیل آنست که توبه کند و بخدای باز گردد
و گناه خویش از خدای آمرزش خواهد و از همه غمها بیغم گردد و جوینده جود و احسان بود و توفیق
باید بخیرات کردن و صدقه دادن و رنج و غم از دلها بزداید زیرا که چرک و ریم که در جامه بود بتاویل
غم و اندوه باشد یا گناه و ذلت بود و کازر پاک کننده چرکست از جامه ها و شستن توبه کردن
بود و باز گشتن بخدای تعالی کرمانی گوید اگر بیند که جامه وی بشستن ببردند دلیل کند
که توبه را بشکند و اگر بیند که جامه دریده را باز دوخت دلیل کند که باز توبه کند و عذر گناهان بخواهد
و اگر در خواب دید که جامه را سپید کرد دلیل کند که توبه وی خالص بود و اگر بخلاف این بیند
توبه وی خالص نباشد و اگر بیند که جامه را همی شست و از چرک سپید نمیشد دلیل کند که
پیوسته در گناه بود جابر مغربی گوید که کازر در خواب مردی باشد که در دستش خیرات و
احسان رود از بهر کفارت گناهان خویش و غیرش و اگر صناعتش کازری بود و به
بیداری جامه شوید تاویلش کمتر از این بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید
که کازر مردی باشد که غمها از دل زدوده کند و از این سببست که معبران گفتند که چون کسی
بخواب جامه شوید از غم و اندوه فرج یابد و از گناهان توبه کند خاصه که جامه را سپید و پاکیزه
شوید **کار کردن** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که کار دینی همیکرد دلیل کند بر

خیر و صلاح آن جهانی وی و اگر بیند که کار دنیا نیست همی کرد دلیل کند بر فساد و نقصان
دین وی و اگر بیند که کارهای دنیائی وی راست گشته است دلیل کند که اجلش نزدیک آمده
بود یا زوال الحال وی بود و اگر بخلاف این بیند دلیل کند که عمرش دراز باشد و احوالش پاینده
بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که از کار بد برست دلیل کند که از آن کار رسته گردد و اگر بیند که
بکاری مشغول بود که ویرا هیچ کس را از آن خیر و منفعت نمیرسید دلیل کند که بکاری باطل
و محال مشغول گردد که در آن کار هیچ خیر نبود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید اگر کسی
بیند که با مردمان بکاری همی شد و این کس با ایشان براه نشسته دلیل کند که او هوادار و مخالف
دین باشد قوله تعالی فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ ❊ کاروان ابن سیرین
گوید اگر کسی بخواب بیند که با کاروان در راه بود و مردمان کاروان مصلح و پارسا بودند دلیل
کند بر خیر و صلاح کارهای وی و اگر بیند که کاروان مفسد و بد خوی بودند تاویلش بخلاف
این بود و اگر بیند که در آن کاروان او سوار بود و برگ تمام داشت دلیل کند که ویرا کو ویرا نعمت
مال حاصل شود و اگر بیند که او در آن کاروان پیاده بود و بی برگ تاویلش برخلاف این بود
کرمانی گوید اگر بیند که با کاروان بسوی خانه همی آمدند دلیل کند که کارهای بسته بروی گشاده
گردد و خرم و شادمانه شود و اگر برخلاف این بیند دلیل کند که کارهای بسته گردد و مستمند شود
و اگر بیند که با کاروان بخواری و آسانی همی آمد دلیل کند بر خواری و صلاح کارهای وی و اگر بخلاف
این بیند دلیل کند بر دشواری و فساد کارهای وی کاریز ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند
که بجایگاهی معروف کاریز همی کند دلیل کند که بر کسان خویش مکر و حیلت سازد و اگر بیند که
کاریز بجایگاهی مجهول همی کند دلیل کند که بر بیگانه مکر و حیلت و خیانت سازد و این
تا آن وقت بود که بکندن کاریز آب نیاید چون بیند که آب پدید آمد و روان گشت تاویل
حکم کاریز کندن را معبران بنکاح کنند کرمانی گوید اگر کسی دید که از کاریز آب همی شد دلیل
کند که بمکر و حیلت مال جمع کند خاصه که کاریز او کنده باشد و اگر نه از آن کاریز کنده بود منفعت
رسد بر قدر آن که آب از و بر دارد و اگر بیند که آب را از کاریز بر داشت در خم ریخت
یا در سبو و مانندش دلیل کند که آن مال که حاصل کرده بود نیک نگاه دارد و اگر بیند که آن

آب را بر سر همی ریخت و یرا کنده همی کرد دلیل کند که آن مال را که حاصل کند بخیره هزینه
کند و اگر بیند که اندر کاریز بیفتاد دلیل کند که اندر مکر و حیلت افتد جابر مغربی گوید اگر
بیند که باغ را از کاریز آب همی داد دلیل کند که از مالی که حاصل کرده زن خواهد یا کنیزک
خرد و بعضی از معبران گفته‌اند که اگر کسی باغ را از کاریز آب همی داد دلیل کند که با زن خویش مجامعت
کند و بدانکه کاریز کن در خواب مردی بود که کارها بمکر و حیلت سازد کاسه
ابن سیرین گوید که کاسه چوبین بخواب چون در وی خوردنی بود و بیند که از وی همی خورد
دلیل کند بر قدر آن از سفر ویرا نعمت و خوردنی رسد و کاسه سفالین نعمت و روزی
بود که هم در وطن بدو رسد و کاسه تهی بیکاری و فرومندگی باشد و عمل خویش از کسب کرمانی
گوید که کاسه پر طعام در خواب خادمی بود با برکت و منفعت که بر دست وی خیرات رود
و مال قسمت کند و کاسه زرین و سیمین که در وی خوردنی بود دلیل کند بر روزی و مال
حرام که بدو رسد و کاسه سپید روی و قلعی دلیل کند بر روزی اندک و بر مالی که در وی شبهت باشد
و کاسه انگبین دلیل بر زن کند جابر مغربی گوید اگر بیند که در کاسه خوردنی خوش طعم و شیرین
بود دلیل کند بر نعمت و مالی که بدو رسد و اگر بیند که در کاسه خوردنی ترش بود و ناخوش دلیل
کند بر غم و اندوه و کاسه تهی دلیل بر مفلسی و مضرت کند کاغذ ابن سیرین گوید که
کاغذ در خواب مال و بزرگی بود و اگر بیند که کاغذی سپید و پاکیزه داشت دلیل کند که بر قدر
آن بزرگی و مال یابد و اگر بیند که کاغذ وی در آب بزیان شد یا در آتش بسوخت دلیل
کند که بر قدر آن از مال و بزرگی وی نقصان شود کرمانی گوید که کاغذ در خواب علم
و دانش بود چون خداوند خواب مصلح و پارسا باشد اگر بیند که بسیار کاغذ داشت
دلیل کند که عالم و فاضل و دانا گردد و اگر خداوند خواب مفسد و جاهل بود تاویلش
بخلاف این بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن کاغذ در خواب
بر چهار وجه بود یکی مال باشد ❊ دوم بزرگی ❊ سیوم دانش ❊ چهارم مکر و حیلت ❊ اما چون کسی
در خواب کاغذ سپید و پاکیزه بیند خداوند خواب مصلح و پارسا باشد دلیل کند که
ازین چیزها سه چیز ویرا حاصل شود یکی مال ❊ دوم بزرگی ❊ سیوم دانش ❊ یا ازین هر سه چیز یک چیز

یا دو چیز و اگر خداوند خواب مفسد و جاهل بود دلیل کند که کارها بمکر و حیلت بسر برد و در راه
دین مدبر و ناپاک بود کافر ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که کافر شده بود دلیل کند که
بکیش کفر ویرا میل بود و اگر بیند که گبر شد و آتش را همی پرستید دلیل کند که بر خدای عاصی باشد و در دست
پادشاهی ظالم شود و اگر بیند که آن آتش نور و شعاع نداشت دلیل کند که مال حرام جوید و دل خویش را
بمال حرام همی فریبد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که کافر شدن در خواب بر سه
وجه باشد یکی میل داشتن بکیش کافران ❊ دوم صحبت داشتن بکسانی که اعتقاد ایشان بد باشد ❊
و سیوم خذلان آورد خدای تعالی بروی ❊ کافور ابن سیرین گوید که کافور دیدن در خواب دلیل
کند بر ثنای نیکو و بر نزهت و شادی اگر کسی بیند که کافور داشت یا کسی بوی داد یا از وی بوی
کافور همی آمد دلیل کند که نفس وی پاکیزه و راست بود بر طریق حق و اگر بیند که کافور را همی سود و از وی
بوی خوش نمی آمد دلیل کند که نیکوئی با کسانی کند که از وی منت و سپاس ندارند و اگر بیند
که کافور بر خویشتن همی مالید دلیل کند که احسان و نیکوئی بسیار کند کرمانی گوید اگر بیند که اندکی
کافور یافت دلیل کند که بشارت و شادی یابد و اگر بسیار یافت دلیل کند که مال و نعمت بسیار
یابد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن کافور بخواب بر هفت وجه بود یکی مردی
عالم باشد ❊ دوم زن ❊ سیوم دوست ❊ چهارم کنیزک خوبروی ❊ پنجم مال بسیار ❊ ششم ثنا و آفرین و
سخنهای خوش ❊ هفتم آرایش نفس بود ❊ کافور سیرم بدانکه کافور سیرم نباتی بود که شکوفه
زرد دارد و از وی بوی کافور آید اگر کسی بهنگام وی او را در خواب بیند و داند که آن زمین
ملک اوست دلیل کند که مردم آن موضع ویرا مدح و ثنا کنند و اگر بیند که کافور سیرم را
از جایگاه وی بر کند دلیل کند که از آن موضع مدح و ثنای وی منقطع گردد و اگر بیند که
کافور سیرم را همی خورد دلیل کند که ویرا غم و اندوه و مضرت رسد حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام گوید که دیدن کافور سیرم بوقت خویش بر سه وجه بود یکی ثنا و آفرین باشد ❊ دوم نفع
اندک ❊ سیوم سخن لطیف و خوش گفتن و شنیدن باشد ❊ کام ابن سیرین گوید اگر
کسی بیند که کام وی چنان دراز شد که گلوی وی از درازی آن بسته گشت دلیل کند که
در دنیا سخت حریص بود و مردمان را غیبت کند و نیز از بخیلی خود چیزی هزینه نکند تا از رنج

و محنت هلاک شود کرمانی گوید اگر بیند که کام بالائین وی با زیرین وی برده شده
بود دلیل کند که کارهای وی بسته گردد و اگر بیند که کامش دراز شده بود و ویرا از بن ببرید
و بینداخت دلیل کند که بترک حرص و آز بگوید و مردمان را غیبت نکند کامه ابن سیرین
گوید که خوردن کامها جمله در خواب دلیل بر غم و اندوه و خصومت کند و اگر بیند که کامه
همی خورد دلیل کند که بر قدر آن رنج و اندوه بدو رسد و اگر بیند که او کامه بکسی داد و آنکس از
وی بخورد دلیل کند که آنکس از وی رنجور دل و اندوهگین شود و اگر کامه نخورد غم و اندوهش
کمتر بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که خوردن کامها در خواب بر سه وجه بود
یکی غم و اندوه باشد ❊ دوم مضرت ❊ سیوم خصومت و گفتگوی باشد ❊ کاه ابن سیرین
گوید که دیدن کاه در خواب مال و نعمت بود خاصه که کاه گندم باشد اگر بیند که کاه بسیار
داشت و در خانه همی کشید دلیل کند که بر قدر آن مال و نعمت حلال بدو رسد و اگر کاه جو
بود آنچه گفتیم کمتر باشد کرمانی گوید اگر بیند که در کاهدان شد و آن کاهدان را داند که ملک
اوست دلیل کند که توانگر شود و کارش بنظام گردد و مرادهای دو جهانی بیابد و حرمت
و جاه وی افزون شود جابر مغربی گوید اگر آتش در کاهدان وی افتاد جمله را بسوخت
دلیل کند که پادشاه ویرا مصادره کند و جمله مال و خواسته ویرا بستاند و اگر بیند که چهارپای
کاه همی خورد دلیل کند که بجهل و نادانی مال خود بنادانی هزینه کند بچیزی که در آن ویرا
منفعت نبود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن کاه در خواب بر سه
وجه بود یکی مال حلال باشد که برنج بدست آید ❊ دوم کسب و معیشت نیکو ❊ سیوم کام
دل و شادمانی باشد ❊ کاهو ابن سیرین گوید اگر بیند که کاهو شیرین بوقت خویش همی
خورد دلیل کند که بر قدر آن ویرا خیر و منفعت رسد و اگر بیند که کاهو نه بوقت وی
همی خورد دلیل بر غم و اندیشه کند و اگر بیند که آن کاهو که همی خورد دلیل کند که بر قدر
آن ویرا مضرت و زیان رسد و بعضی از معبران گفته‌اند که ویرا با کسی مضرت و گفتگوی
بود و اگر بیند که کاهو همی خورد دلیل کند که آنچه گفتیم از خیر ویرا کمتر بود کاورس ابن سیرین
گوید که کاورس در خواب مال و خواسته بود که برنج و تعب بدست آید بدان قدر که دیده

بود اگر بیند که گاو شیر بسیار داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که بقدر آن مال خواسته برنج و تعب
حاصل شود و اگر بیند که گاو پیسه یا بقره بخت دلیل کند که وی را مضرت و زیان رسد و اگر بیند
همی خورد دلیل بود ... گاو پیسه
که گاو پیسه در خواب مال اندک و حقیر بود و در تاویل خیر و منفعتش کمتر از منفعت جو و گندم باشد
گاو دانیال گوید اگر کسی بیند که بر نر گاو نشسته بود و دانست که آن گاو ملک اوست دلیل کند که از
پادشاه عمل گیرد و از آن عمل وی را مال و نعمت حاصل شود خاصه که نر گاو سیاه بود و اگر نر گاو
زرد بود دلیل کند که بیمار شود و اگر بیند که نر گاوی در خانه یا در منزل وی درآمد آن گاو را ببست
ببست دلیل کند که مال را که حاصل کرده بود نگاه دارد اگر بیند که نر گاوی که بروی بار بود بمنزلش
درآمد دلیل کند که حق تعالی در روزی بروی گشاده گرداند و حالش نیک شود لیکن اندوه وی
سپری نگردد و اگر بیند که وی را نر گاوان بسیار بود دلیل کند که بسیار غلامان زیردست او باشند
و او در شان عنایت کند و اگر بیند که نر گاوی او را بر رو بزد و از منزلش بیرون شد دلیل کند که از
عمل خویش معزول گردد و مضرت و زیانش افتد بقدر آن رنج که از زدن سر گاو بدو رسیده باشد
و اگر بیند که نر گاو وی را بر رو بزد و از منزلش بیرون نشد دلیل کند که مضرت و نقصان بعاملان
وی رسد و او خود معزول نگردد و اگر بیند که گاو را سه سرو بود یا چهار یا بیشتر سروهایش نه بر وضع
سرو بود دلیل کند که بعدد هر سروی غلامانش یکسال عمل وی کنند اگر در اندامی از اندامهای آن گاو
زیادتی بیند آن فزونی و خیر بود در عمل وی و اگر نقصان بیند هم بدینسان باشد که یاد کرده شد
کرمانی گوید که گوشت نر گاو مال عامل بود و پوست نر گاو میراث عامل باشد و دنب گاو خرید و
فروخت عامل بود اگر بیند که دنب نر گاو کوتاه و حقیر شد تاویلش بخلاف این باشد اگر بیند
که نر گاوی در سرای وی آمد دلیل کند که مال بسیار یابد و روزی بروی فراخ شود و اگر در کوچهٔ
خویش نر گاوان بسیار بیند دلیل کند که بر مهتران بزرگ و مهتر شود و در عمل وی خیر و برکت بدید
آید و اگر بیند که نر گاوی وی را بسرو بزد و بینداخت اگر بینندهٔ خواب عامل بود از عمل معزول گردد
و اگر بازرگان باشد بر تجارت زیان کند و اگر پادشاه بود از مملکت بیفتد و اگر بیند که چون نر گاو
وی را بسرو بزد بینداخت دلیل کند که بر سروی وی مشرفی کنند کسی را و در عزل وی کوشند جابر
مغربی گوید اگر بیند که نر گاوی را از گاوان عامل بکشتند و گوشت وی را قسمت کردند دلیل

کند که آن

کند که آن عامل را بکشند و آن مالش را قسمت کنند و اگر آن نر گاو که کشتند از آن عامل نبود دلیل
کند که مردی بزرگ را از آن کوچه هلاک کنند و مال وی را قسمت کنند و اگر بیند که خویشتن آن
گاو را بکشت و از گوشت وی بخورد دلیل کند که او خداوند گاو را قهر کند و مالش بستاند و نیز
کند و اگر بیند که گاوی بکشت که از گاوان کار بود دلیل کند که مردی محتشم در آن موضع بمیرد
و اگر بیند که بسیار گاوان از نر و ماده که رنگها مختلف بود در آن موضع آمد و شد همی کردند دلیل کند
که مردم آن موضع در آن سال رنج و بیماری کشند خاصه که گاوان لاغر بیند و اگر گاوان فربه بیند
فراخی و ارزانی نرخها بود و اگر بیند که گاوان زمین همی شکافت دلیل کند که مال و نعمت بی‌اندازه
بدست آرد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که با نر گاوی وی را جنگ و نبرد بود دلیل کند که با مهتری
وی را جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که او گاو را غلبت کرد دلیل کند که بر آن خصم مهتر غالب
شود و اگر بخلاف این بیند دلیل کند که آن مهتر بر وی غالب شود و چیره گردد ابن سیرین گوید که ماده
گاو در خواب سال بود و اگر بیند که ماده گاو فربه داشت که ملک اوست دلیل کند در آن سال
وی را فراخی نعمت بسیار باشد و اگر ماده گاوی لاغر بیند تاویلش بخلاف این بود و بدانکه
گوشت ماده گاو مال بود اندر آن سال و نیکوئی و فراخی سال و پوست وی ذخیره باشد
اما اگر بیند که ماده گاوی را همی دوشید و از شیر وی همیخورد دلیل کند بر فزونی مالش چه
بس اگر این خواب بنده بیند دلیل کند که آزاد گردد و دختر خواجه را بزنی خواهد و اگر این خواب
آزاد بیند و درویش باشد توانگر شود و اگر توانگر بیند مال و نعمتش بر زیادت شود و اگر دلیل
بیننده پیر گردد و بزرگ شود و اگر ماده گاو آبستن بیند دلیل کند که در آن سال وی را خیر
و امیدواری زیادت شود و اهل آن موضع را که گاو اندرو دیده بود دلیل همین کند و اگر
بیند که آن ماده گاو بچه داشت یا بچه بیاورد بحقیقت در آن سال خیر و نعمت بسیار
بیند و اهل آن موضع را همین دلیل کند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که گوشت ماده
گاو فربه بخرید دلیل کند که هم در آن سال زنی توانگر را بزنی خواهد و اگر بیند که ماده گاو
همی دوشید و از شیر وی نمیخورد دلیل کند که مال بسیار جمع کند و از آن مال هیچ نخورد
و خرج نکند و اگر بیند که ماده گاو با وی سخن گفت دلیل کند که عیش بر وی فراخ گردد

چنانکه مردمان از آن شگفت مانند و اگر بیند که ماده گاوی در پیش وی آمد دلیل کند که در آن سال
بروی مبارک باشد و اگر بیند که ماده گاو روی از وی بگردانید و بگریخت دلیل کند که آن سال
بروی بد باشد و اگر بیند که ماده گاو نشسته بود و از پشت وی بیفتاد دلیل کند که آن سال بروی
متغیر گردد و اگر بیند که با ماده گاو وی را جنگ و نبرد بود دلیل کند که با زن زبان دراز وی را
خصومت افتد و اگر بیند که ماده گاو مر او را غدر کرد دلیل کند که در آن سال دولت و مال یابد و اگر
بیند که ماده گاو او را بگزید یا لگد زد دلیل کند که عیالش با وی جنگ کنند و اگر بیند که ماده گاوی
از ناگاه در خانهٔ وی آمد دلیل کند که مال یابد و توانگر گردد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
گوید که دیدن گاو در خواب بر شش وجه بود یکی فرمان روائی بود دوم مال سیوم بزرگی چهارم
ریاست پنجم نیکوئی ششم سال نیک **گاو دشتی** کرمانی گوید که گاو دشتی بخواب
مردی بود توانگر با مال بسیار اگر بیند که در شکار گاو دشتی را بگرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که بر قدر آن
غنیمت و مال بدو رسد و گوشت و سر و پوست وی همین دلیل کند که دو مرد فاسق با یکدیگر جنگ
و خصومت کنند و بدانکه ماده گاو دشتی در تاویل زن باشد اگر بیند که گوشت ماده گاو دشتی
را همیخورد دلیل کند که از جهت زن مال حاصل کند و اگر بیند که بچهٔ گاو دشتی را فرا گرفت یا کسی
بدو داد دلیل کند که وی را فرزندی آید جابر مغربی گوید اگر بیند که گوشت نر گاو دشتی را همیخورد
دلیل کند که از مهتری مال و نعمت یابد و اگر بیند که سروی گاو دشتی را فرا گرفت یا کسی بدو داد
دلیل کند که وی را قوتی و دولتی روی نماید و اگر بیند که آن سروی شاخهای بسیار داشت دلیل
کند که بهر جای وی را قوت و دولت باشد **گاومیش** ابن سیرین گوید که گاومیش نر در خواب
مردی باشد عظیم با قوت تمام و تاویلش در تعبیر همچون تاویل نر گاو بود و تاویل گاومیش
ماده چون تاویل ماده گاو بود کرمانی گوید که گاومیش نر در خواب مردی بود که از وی بمردمان
منفعت و خیر رسد خاصه چون گاومیش مطیع و فرمان بروی بود و گاومیش ماده بمحل و
منزلت ماده گاو باشد و تاویلش گوشت و شیر و روغن و پوست و اندام وی همچنین بود
که پیش از این در فصل ماده گاو بیان کردیم **گاوچشم** بدانکه گاوچشم گوزه بود از سرها و بتازی
وی را اقحوان خوانند و او در خواب کنیزکی نیکوروی بود که همه کس وی را دوست دارند ابن

سیرین

سیرین گوید اگر زنی بیند که شکوفهٔ گاوچشم را از درخت وی بشکست و بشوهر خویش
داد دلیل کند که شوهر وی را طلاق دهد و اگر مردی بیند که شکوفهٔ گاوچشم را از درخت وی
بشکست و بغلام خویش داد دلیل کند که غلام وی بگریزد جابر مغربی گوید اگر کسی گاوچشم
را بوقت خویش بر درخت وی بیند دلیل کند که وی را فرزند آید و اگر وی را بیوقت بیند نیک
نباشد و اگر وی را پژمرده بیند دلیل کند که فرزند بیمار شود و اگر فرزند ندارد دلیل کند که غمگین
و اندوهگین شود و باشد که زیانش رسد **گاوزبان** بدانکه گاوزبان گوزه هم از نبات زمین
بود و برگهای وی درشت باشد ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که گاوزبان همیخورد دلیل
کند که غمگین و مستمند گردد و اگر بیند که گاوزبان نخورد غم و اندوهش کمتر بود جابر مغربی گوید که
خوردن گاوزبان در خواب دلیل کند بر خصومت و گفتگوی و در خوردن و دیدنش خیری
نباشد **کباب** ابن سیرین گوید که گوشت پخته بتاویل بهتر از گوشت کباب بود اگر بیند
اگر بیند که کباب از گوشت گوسفند همیخورد دلیل کند که بقدر آن مالی برنج و سختی بدست
آورد و اگر کباب از گوشت گاو خورد دلیل کند که امان باشد وی را از ترس و بیم چون گوشت
گوسفند وی فربه باشد و اگر بیند که کباب از گوشت اسپ همی خورد دلیل کند که از پادشا
وی را منفعتی برسد و اگر بیند که کباب از گوشت بره یا بزغاله همیخورد دلیل کند که مال اندک وی را
حاصل شود و اگر بیند که کباب از گوشت اشتر همیخورد دلیل کند که از مردی بزرگوار خیری
بوی رسد و اگر بیند که کباب از گوشت چهارپایان دشتی همیخورد دلیل کند که وی را منفعتی و خیری
از مهتران رسد که مقامشان در بیابان بود کرمانی گوید که گوشت کباب و بریان در خواب
خوردن دلیل بر خیر و منفعت کند لیکن برنج و سختی حاصل شود و گوشتی که بآب پخته
باشد خوردن آن دلیل هم خیر و منفعت کند که بجا حاصل شود **کبر** ابن سیرین گوید اگر
کسی بخواب بیند که جمع همی کرد دلیل کند که اندوهگین باشد خاصه که نه هنگام وی باشد و اگر
کسی بیند که کبر را همیخورد دلیل کند که غم و اندوهش صعبتر رسد و علی الجمله در خوردن کبر
هیچ خیر و منفعت نبود و اگر بیند که کبر بخورد دلیل کند که اندوهش کمتر بود **کبر** بدانکه کبر
بتازی مجوسی بود و او دلیل بر مهر و خواستاری دنیا کند ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که گا و

کبر شد دلیل کند که در ظاهر دین خویش دنیا را جوید زیرا که کبران بتحقیق طالب دنیا باشند نه
طالب آخرت جابر مغربی گوید اگر بیند که او کبر شد و در کیش با ایشان مقیم گشت دلیل کند
که مصاحبت با اهل بدعت پنهان دارد و در دین اسلام صادق نبود و تابع هوای نفس و
اهل فساد گشته بود و اگر بیند که از کبری پشیمان شد و دیگر باره مسلمان گشت دلیل کند
که از گناهان توبه کند و بخدای بازگردد و بر گناهان کرده پشیمان گردد و راه عبادت و
طاعت گزینند و بکار خویش مشغول گردد **کبک** ابن سیرین گوید که کبک در خواب زن خوب
روی یا کنیزک با جمال بود و اگر بیند که کبکی را فرا گرفت دلیل کند که زن خواهد و اگر بیند که کسی
کبکی بدو بخشید دلیل کند که کسی از بهر وی زنی خوبروی بخواهد و اگر بیند که کبکی بخرید دلیل
کند که کنیزکی با جمال بخرد و نخستین فرزند وی را دختر بود و اگر بیند که کبکی را بشکار بگرفت
دلیل کند که کنیزکی خوبروی را بدست آورد و اگر بیند که از گوشت کبک همی خورد دلیل کند که مالی
نو وی را حاصل شود کرمانی گوید اگر کسی بیند که گلوی کبکی را ببرید دلیل کند که دوشیزگی کنیزک
خوبروی بستاند و اگر بیند که کبک نر را بشکار بگرفت یا کسی بوی داد دلیل کند که وی را پسری
خوبروی بیاید و چشم بدان پسر روشن گردد جابر مغربی گوید که کبک نر بخواب دیدن پسر باشد
و رامش و دوستی که چشم را دیدن وی روشن گردد و بدو شاد گردد و کبک ماده زن باشد و کنیزک
ناموافق و اگر بیند که کبک ماده از دست وی بپرید دلیل کند که زن را طلاق دهد یا کنیزک وی
بگریزد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن کبک نر در خواب بر چهار وجه بود
یکی پسر باشد ١ دوم دوست خوب چهره ٢ سوم رامش ٣ چهارم کام دل یافتن ٤ و کبک ماده
زن و کنیزک باشد **کبوتر** ابن سیرین گوید که کبوتر در خواب زن بود یا کنیزک باشد اگر بیند که کبوتر را
فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل کند زن خواهد یا وی را دختری آید و اگر بیند که کبوتران بسیار فرا
گرفت دلیل کند که بقدر آن زنان خواهد یا کنیزکان خرد و اگر بیند که گوشت کبوتر همی خورد دلیل
کند که از سبب زنان و کنیزکان بقدر آن مال حاصل آورد و اگر بیند که کبوتر را بر دو بشکند دلیل
کند که زنی را رها کند یا بسبب سخنی که در آن خیری نبود و اگر بیند که کبوتر بچگان فرا گرفت دلیل
کند که از زنان بقدر آن خیر و فایده بدو رسد و بعضی از معبران گفتند که کبوتر بچگان غم و اندوه باشد

از قبل

از قبل زن که بدو رسد کرمانی گوید اگر کسی در خواب بیند که کبوتری یافت دلیل کند که غایب از
سفر باز آید و اگر بیند که کبوتری از خانه وی بپرید دلیل کند که زن را طلاق دهد یا مصیبتی در خانه
وی افتد و اگر بیند که کبوتری در خانه وی بمرد همین دلیل کند و اگر بیند که کبوتران بسیار در خانه وی
آمد شد همی کردند دلیل کند که وی را خویشان و فرزندان باشد و بعضی از معبران گفتند که مال
بسیار از جهت زنان حاصل شود و برکات در خانه وی بدید آید و اگر بیند که کبوتری را بتیر بزد
دلیل کند که زنی را دشنام دهد جابر مغربی گوید که کبوتر بچه دلیل بر زنان آزاد کند و اگر بیند که
کبوتر کسان را بحیلت بگرفت دلیل کند که زن کسان را بفریبد و بحرام ببرد و اگر بیند که خانه
کبوتر را فرا گرفت دلیل کند که بقدر آن مال و فرزندان وی را حاصل شود و اگر بیند که کبوتری
از هوا بقصد و پیش وی آمد و او را مطیع شد دلیل کند که از جائی که امید ندارد خیر و فایده
بدو رسد و اگر بیند که کبوتری را طعام همی داد دلیل کند که زنی را کلامی تلقین کند دانیال
گوید اگر بیند که کبوتران بسیار بر وی جمع شدند و دانست که جمله ملک او ست دلیل کند
که ریاست و سروری یابد و خیر بسیار بدو رسد و بدانکه بهترین کبوتر که بخواب بیند آنست
که بگونه سبز فام باشد و اگر خداوند خواب زن بود دلیل کند که شوهر ستاند یا وی را دختری
آید و کبوتر بازی در خواب کار باطل و ناحق بود و کبوتر خانه دیدن جای زنان آزاد باشد
حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن کبوتر در خواب بر پنج وجه بود
یکی زن باشد ١ دوم کنیزک ٢ سیوم مال ٣ چهارم نامه غایب ٤ پنجم ریاست ٥ و بعضی از معبران
گفتند که کبوتری که در خواب بیند تاویلش صد درم بود که حاصل شود خداوند خواب را
کتاب خواندن ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که کتاب تفسیر همی
خواند دلیل کند که در راه دین و زهد و ورع گراید و کارهای بسته بروی گشاده گردد و خرم
و شادمانه شود و اگر بیند که کتاب فقه همی خواند دلیل کند که از کارهای ناکردنی باز ایستد
و راه صواب اختیار کند و اگر بیند که کتاب اخبار را همی خواند دلیل کند که نزدیک پادشاه
معجب رای گردد و اگر بیند که کتاب اصول کلام همی خواند دلیل کند که بکارهای مشغول
شود که در آن منفعتی نبود جز رنج و خصومت کردن با مردمان و اگر بیند که کتاب کلام نبات

توحید همی خواند دلیل کند که بعلمهای غرایب مشغول گردد که در آن فایده دینی یابد و اگر بیند
که کتاب فضایل و تسبیح و تهلیل همی خواند دلیل کند که بر زبان وی سخنی خیرات و صلاح رود و از دنیا
پرهیز کند و طلب آخرت کند و بمقصود و بکام دل برسد و اگر بیند که کتاب قصص همی خواند دلیل
کند که در حدیث قصه برشتن انبیا و اولیا حریص گردد و اگر بیند که کتاب قصه‌های ملوک همی
خواند دلیل کند که مردمان وی را ملامت کنند بکاری که کند و اگر بیند که کتاب حکمت همی خواند
دلیل کند که بمصحف قرآن خواند و بعضی از معبران گفتند که در دانش و سخنهای غریب و زیرک
و یگانه شود و اگر بیند که کتاب نحو و آداب همی خواند دلیل کند که بشغل دنیا مشغول گردد و خواهد
که در میان مردمان وی را ذکر و ثنا کنند و اگر بیند که کتاب رسایل همی خواند دلیل کند که خواهد
دبیری پادشاهان و بزرگان کند و اگر بیند که کتاب طب همی خواند دلیل کند که بصلاح کار خود و
آبادانی شغل خویش مشغول گردد و اگر بیند که کتاب طبایع همی خواند دلیل کند که خواهد
در شناختن چیزهای دیگر شود و دانا گردد که دین او را در آن هیچ منفعت نباشد و اگر بیند که کتاب
نجوم همی خواند دلیل کند که صلاح شغلهای اینجهانی وی را حاصل گردد و لیکن این منفعت از آن نبود
دیگر کسان دیگر را و اگر بیند که کتابهای شعر همی خواند اگر مدح و غزل خواند دلیل کند که بکاری مشغول
گردد که از آن کار مردمان وی را سرزنش و ملامت کنند و هیچ مصلحت دینی و دنیائی وی را از آن
حاصل نشود و اگر شعرهای توحید و فضایل خواند نیکو بود و اگر کتاب تعبیر همی خواند دلیل کند
که حدیث بزرگ از مهتری بروی منت نهد و از آن حدیث وی را خیر و راحت و شرف بود
قوله تعالی وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ و اگر بیند که کتاب هندسه همی خواند دلیل کند
که بعلمی مشغول گردد که مردمان وی را دانا خوانند لیکن دین وی را در آن هیچ منفعتی نبود که پیوسته در دنیا
متفکر باشد و اگر بیند که کتاب مساحت و قسمت همی خواند دلیل کند که بسفر شود و در آن
سفر وی را منفعتی نباشد و اگر بیند که کتاب حساب همی خواند دلیل کند که همواره اندوهگین
و متفکر بود از بهر شمارهای دنیائی و اگر بیند که کتاب افسانه و مضاحک همی خواند دلیل کند
که کاری کند که در آن وی را زشت نامی و رسوائی باشد و همه کس بروی افسوس دارند و اگر بیند
که کتاب عیبهای مردم و هجا همی خواند دلیل کند که غیبت مردمان کند و در میان خلق بدنام

دریوا

و رسوا شود **کتان** ابن سیرین گوید که کتان در خواب مال حلال بود بر قدر آنکه دیده باشد
لیکن در تاویل کمتر از مال پنبه باشد که بیند و پوشیدن جامه کتان سخت نیک و مبارک بود
چنانکه در حرف جیم بباب جامها بیان کردیم کرمانی گوید که دیدن تخم کتان در خواب دلیل کند بر
مال اگر بیند که تخم کتان همی خورد دلیل کند که وی را مالی اندک حاصل شود و اگر بیند که بخروارها
کتان یا تخم کتان داشت دلیل کند که بر قدر آن وی را مال حاصل شود و لیکن برنج و سختی و اگر
بیند که آتش در کتان وی افتاد و جمله را بسوخت دلیل کند که پادشاه وی را مصادره کند و
مالش بستاند و اگر مال ندارد دلیل کند که غم و اندوهی بدو رسد حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام گوید که دیدن کتان در خواب بر سه وجه بود یکی مال حلال ١ و یکی منفعت ٢ و
سه دیگر ستر بود ٣ **کتف** بدانکه کتف بتازی شانه دوش بود و در خواب آهستگی مرد و زینت
و جمال وی باشد ابن سیرین گوید اگر کتف را درست و قوی بیند دلیل کند بر زیادت جمال و زینت
و آهستگی و اگر کتف را سست و ضعیف و شکسته بیند تاویلش بخلاف این بود کرمانی
گوید اگر کسی بیند که کتف وی درست و قوی است دلیل کند که امانتی که بر گردن وی باشد
گذارده شود و اگر بیند که کتف وی سست و ضعیف است دلیل کند که در امانت گذاردن
فرو ماند و بار مسلمانان کشیدن نتواند و اگر کسی بیند که بر کتفهای وی موی بسیار است دلیل
کند که امانت مردمان و حق در گردن وی باشد اگر بخلاف این بیند دلیل کند که امانت
بر گردن وی نبود و بعضی از معبران گفتند اگر بیند که بر کتف وی موی بسیار دارد دلیل کند
که مال یابد از آنجا که امید ندارد **کتیرا** ابن سیرین گوید اگر بیند که کتیرا داشت یا کسی بدو
داد دلیل کند که بر قدر آن فضله از مال مردی بخیل و فرومایه بدو رسد و اگر بیند که از آن
کتیرا همی خورد دلیل کند که از آن مال بقدر آن هزینه کند حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام گوید که دیدن کتیرا در خواب بر سه وجه بود یکی فضله مال باشد ١ دوم منفعت
اندک ٢ سیوم کار حقیر که از آن اندک منفعتی بخداوند خواب رسد ٣ **کج** ابن سیرین گوید که
کج در خواب جنگ و خصومت بود اگر بیند که کج فرا گرفت یا بخرید یا کسی بوی داد دلیل
کند که با کسی وی را جنگ و خصومت و جنگ و شغب بود اگر بیند که کج را بفروخت

یا بکسی داد تأویلش بخلاف این بود کرمانی گوید که دیدن گچ در خواب سختی باشد در کارها
و هر بنیادی که از گچ و خشت پخته بیند بد باشد زیرا که هر چیز که آتش در جرم وی رسیده باشد
بد بود و اگر بیند که گچ همیخورد دلیل کند که هلاک شود یا در رنج و بلائی گرفتار شود **کحال** بدانکه
کحال بتازی آن مرد بود که در چشم سرمه کشد و چشمها را دارو کند و تأویلش در خواب دلیل
کند بر صلاح کارهاء گذشته و راه نمودن کارهائی که در آن گمراه بود اگر کسی بیند که کحالی میکرد
و داروی چشمها نافع بود دلیل کند که خلق را براه صلاح خواند و کسانی را که گمراه باشند در دین
راه نماید و مردمان را از وی معرفت دینی حاصل شود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که کحالی همی
کرد دلیل کند که دوستانی را که از یکدیگر پراکنده شده باشند بهم جمع آرد و در میان مردمان صلح
و صلاح جوید و جود و خیرات وی بهمه کس برسد و نماینده راه حق باشد و اگر بیند که داروش
کسی را نافع نبود تأویلش بخلاف این بود **گدائی** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر درهای
مردمان گدائی میکرد و چیزی خواست دلیل کند که خیر و نیکی بسیار یابد خاصه که از درهای مردمان
بدو چیزی رسد و اگر بوی خیری ندهند خیر کمتر یابد کرمانی گوید اگر کسی بیند که از درهای
مردمان خیری همی خواست دلیل کند که ویرا منفعت بسیار بود از آن کارها که در رو باشد و تواضع
کند و عز و جاه یابد و با هر کس در معیشت تلطف و مدارا کند و لیکن مردمان ویرا ملامت
و سرزنش کنند و اگر بیند که از درهای مردمان چیزی همیخواست و لیکن هیچکس بوی چیزی
نداد دلیل کند که کارها بروی بسته گردد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که گدائی در خواب
بر چهار وجه بود یکی خیرات یافتن بود دوم منفعت سیوم معیشت خویش چهارم عز و جاه و اگر
مردمان بدو چیزی ندهند آنچه گفتیم لختی بدو رسد **کدو** ابن سیرین گوید اگر کسی در خانهٔ خویش
بهنگام کدو بیند یا درخت کدو دلیل کند که جاه و نعمت و مالش زیادت شود و اگر بیمار بیند دلیل
کند که از بیماری شفا یابد و اگر بنده بیند که آزاد گردد و اگر کافر بیند مسلمان گردد و اگر کسی اندر سفر بیند
بسلامت باز بوطن آید و اگر فاسق بیند توبه کند کرمانی گوید اگر بیند که کدو یافت یا کسی بدو داد
دلیل کند که از زنی پارسا و با دیانت منفعت یابد **قوله تعالی** وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ
و اگر بیند که درخت کدو را از بیخ برکند دلیل کند که از زنی متواضع منفعت یابد و اگر بیند که کدوی

پخته همی خورد دلیل کند که حاجتش روا شود و توفیق طاعت یابد جابر مغربی گوید که درخت کدو
در خواب مردی عالم و سبکروح و خوش باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن کدو
در خواب بر سه وجه بود یکی عز و جاه باشد دوم نعمت و مال سیوم نظام کارها و درخت کدو
در خواب عالم باشد یا طبیب یا سبکروح و خوش طبع **کر** ابن سیرین گوید که کر در خواب مال و نعمت
باشد اگر کسی بیند که بر تن وی کر پدید آمد و اندامهاش خارش همیکرد و از آن کر آب یا ریم شود
دلیل کند برنج و سختی مال را بدست آرد و اگر بیند که بوقت خارش از کر وی آب یا ریم برون
بیرون همی آمد دلیل کند که مال برنج و تعب بدست آرد جابر مغربی گوید اگر بیند که بسیار کر داشت
و جمله از تن وی فرو ریخت یا ناپدید شد دلیل کند که مالی جمع کرده باشد جمله از دست وی تلف شود
و بعضی از معبران گفته‌اند اگر کسی بیند که از کر اندامهای وی تیره و سیاه بود آن مالی جمع آورد
از حرام بود **کرباسو** بدانکه کرباسو جانوری بود که بتازی ویرا سام ابرص خوانند و او در خواب
مردی بود که در میان مردمان فساد افکند ابن سیرین گوید اگر بیند که ویرا فرا گرفت دلیل
کند که مردی بد و مفسد را فرا گیرد و بخود نزدیک و دوستدار وی شود و اگر بیند که کرباسو از وی
بگریخت دلیل کند که آن مرد مفسد از وی بگریزد و ترکش بگوید و اگر بیند که کرباسو را بکشت
آن مرد مفسد را بغلبت و قهر از خویشتن دفع کند و حال بروی تباه گرداند و اگر بیند که
گوشت کرباسو همیخورد دلیل کند که بقدر آن از مردی مفسد مال حرام خورد **گربه** ابن سیرین
گوید که گربه در خواب دزد بود اگر مردی بیند که گربهٔ معروف در خانهٔ وی آمد دلیل کند که
دزدی معروف در خانهٔ وی آید و اگر گربهٔ مجهول بود دلیل کند که آن دزد بیگانه باشد
و اگر بیند که گربه از خانه اش چیزی بخورد یا ببرد دلیل کند که بقدر آن دزد از خانهٔ وی چیزی
بدزدد و اگر بیند که گربه را بکشت دلیل کند که دزد قهر کند و بروی ظفر یابد و اگر بیند
که گربه معروف بود دلیل کند که آن دزد آشنا بود کرمانی گوید اگر بیند که گوشت گربه بخورد
یا پوست و پیه وی بستد دلیل کند که بقدر آن از مال دزد ویرا حاصل شود و اگر بیند
که با گربه جنگ و نبرد همیکرد یا گربه ویرا بخراشید دلیل کند که زود بیمار گردد پس اگر گربه را
قهر کرد دلیل کند که زود از بیماری شفا یابد و اگر بیند که گربه ویرا قهر کرد دلیل کند که بیماری

بروی دراز گردد چنانکه قریب سالی بیمار گردد و اگر گربهٔ دشتی بود این دلیلها که گفتیم صعبتر
و بتر باشد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که گربه را از بهر پوست وی بکشت دلیل کند
که بیمار شود و اگر گربه دشتی بود بیماری وی صعبتر باشد و بعضی از معبران گفته‌اند که گربه
از مردمان خانه باشد و نیز خادم بود دانیال گوید که هیچکس نبود که گربه را بخواب بیند
بعد از صبح الا که شش روز بیمار گردد و بعد از آن بهتر شود اگر بیند که گربه را بدوشید و شیر
وی بخورد دلیل کند که آزاد گردد و از آن خاندان که از وی آزادی یابد باشد زنی بزنی
خواهد و اگر آزادی بیند که شیر گربه را بخورد دلیل کند که ویرا با کسی جنگ و خصومت
افتد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن در خواب بر هفت وجه بود
یکی مردم دزد باشد دوم غماز سیوم خادم چهارم بیماری پنجم زنی مشفق ششم یکی
از مردمان خانه بود هفتم با کسی ویرا خصومت افتد **کرته** بدانکه کرته مانند قبای
کوتاه بود و بتازی وی را [illegible] گویند و پوشیدن وی در خواب قوت و پناه بود و سفر باشد
ابن سیرین گوید اگر بیند که کرتهٔ سپید پوشیده داشت دلیل کند که از غم و اندوه فرج
یابد و از کسی پناه و قوت یابد و باشد که سفر کند و اگر کرتهٔ وی سبز بود دلیل کند که از مردی
عالم و اهل دین پناه و قوت یابد و اگر کرتهٔ وی درو بود دلیل کند که بیمار گردد و اگر کبود ویرا
مصیبت رسد و اگر سرخ بود دلیل کند که بلهو و معاشرت دنیا مشغول گردد کرمانی گوید اگر
بیند که کرتهٔ ابریشمین پوشیده بود دلیل کند که از پادشاه یا از مردی بزرگوار شرف و بزرگی
یابد اما در دین ضعیف باشد زیرا که پوشیدن جامهای ابریشمین در راه شرع مردان را
روا نبود و اگر بیند که کرتهٔ وی بسوخت یا ضایع شد دلیل کند که پناه و قوتش نقصان گیرد
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که پوشیدن کرته در خواب بر چهار وجه بود یکی
قوت باشد دوم پناه سیوم زنهار چهارم نظام کارها **گرد** ابن سیرین گوید اگر گرد بیند که
برخیزد و در جائی که ملک او بود فرو نشست دلیل کند که بر قدر آن ویرا خواسته و مال حاصل
شود و اگر بیند که در میان آسمان و زمین همچنان طبابکی جمع شد دلیل کند که بر کاری
پوشیده مردم آن موضع کند از آن کار چگونه بیرون آیند کرمانی گوید اگر کسی بیند

که روی وی بر گرد شده بود دلیل کند که ویرا رنج و عقوبت رسد **قوله تعالی** وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا
غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ و اگر گرد و خاک بر زمینی بیند که ملک او بود دلیل کند که بر قدر آن [illegible]
یابد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن گرد در خواب بر سه وجه بود یکی مال
دوم بلا و فتنه و مضرت دنیائی سیوم عقوبت حق تعالی **گردنا** ابن سیرین گوید اگر بیند که بره
یا بزغاله بر آتش گردنا همی کرد و میخورد دلیل کند که مال اندک ویرا برنج و سختی حاصل شود و اگر
بیند که مرغ گردنا همیخورد دلیل کند که مالی بجهت زنی بمکر و حیلت بدست آرد و اگر بیند که
مرغ بچه گردنا همیخورد دلیل کند که مالی اندک بقدر مرغ بچه بمکر و حیلت از زنی ویرا حاصل
شود و علی الجمله هر جانوری که ویرا گردنا کنند و خورد دلیل کند که مال برنج و سختی یا بمکر و حیلت
حاصل آید **گردن** دانیال گوید که گردن در خواب جایگاه امانت بود و جایگاه دین اگر بیند
که گردن وی ستبر شد دلیل کند که ویرا قوت بود در امانت گزاردن و نگاه داشتن صلاح دین
و اگر بیند که گردن وی باریک و کوتاه شد دلیل کند که ضعیف و عاجز بود در امانت گزاردن
و صلاح دین نگاه داشتن اگر بیند که کسی ویرا بر گردن خویشتن برگرفته است دلیل کند
که آن کس توانا بود در گزاردن حاجت و اگر بخلاف این بیند دلیل کند که او توانا نبود بر گزار
دن حاجت آنکس و اگر بیند که باری در گردن او حلقه شده بود دلیل کند که زکوة مال نمی
دهد **قوله تعالی** سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ابن سیرین گوید اگر کسی بر گردن
خویش گرانی بیند یا آنکه چیزی در گردن دارد دلیل کند که بیمار شود و اگر باری بر گردن خویش
بیند و هیچ رنج و اثر گرانی آن بروی پیدا نبود دلیلش آنست که شدتی و غمی از وی حاصل شود
کرمانی گوید اگر کسی بیند که گردن او ستبر شد دلیل کند که امانت میگزارد و کار وی قوی گردد
و اگر گردن خویش را دراز بیند دلیل کند که اما شهاء در گردن وی در آن نماند هم از مال و هم از
گواهی دادن و اگر گردن خویش را کوتاه بیند آن اما آنها که گفتیم از گردن وی زود کوتاه گردد
و اگر گردن خویش را باریک بیند دلیل کند که از امانت گزاردن فرو ماند و اگر گردن خویش را بگونه
سیاه بیند دلیل کند که در امانت گزاردن خیانت کند و اگر گردن خود را شکسته بیند دلیل کند که
از مراد خویش فرو ماند و بدین وی خلل افتد زیرا که هیچ امانتی بزرگتر از امانت دین نبود

واگر گردن خودرا کژ بیند دلیل کند که در امانت خیانت کند واگر بر گردن خویش موی سپید
بر آمدن دلیل کند که ویرا از جهت بذرفت کاری یا از جهت امانت گذاردن غمی افتد واگر
موی از گردن خویش سترده بیند دلیل کند که وامش زود بگذارد واگر گوشت از گردن
خویش بخته بیند یا گردن خود را سخت باریک شده بیند دلیل کند که مال کسانی که با وی
بود ضایع شود واگر گردن خویش را گوشه شده بیند دلیل کند که مالی را که با وی امانت
نهاده باشند بجائی نهد که فراموش کند جابر مغربی گوید اگر بیند که گوشت گردن کسی همیخورد
دلیل کند که بروی دروغ باطل گوید واگر بیند که کسی گوشت گردن وی همی خورد تاویلش بخلاف
این بود که گفته شد واگر بیند که بر گردن کسی نشسته بود دلیل کند که بر دشمن ظفر یابد واگر بخلاف
این بیند دلیل کند که دشمن بروی ظفر یابد حضرة امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن
گردن در خواب بر پنج وجه بود یکی امانت بود دوم توانائی سیوم خیانت چهارم وام پنجم
بیماری **گردن بند** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که گردن بندی از مروارید سپید و قیمتی در گردن
داشت دلیل کند که ایزد تعالی علم کلام خویش ویرا کرامت کند وهر چند که جواهر گردن بند قیمتی
تر بود علم و دانش ویرا بیشتر بود کرمانی گوید اگر بیند که بر گردنش زر سرخ یا سیم مرصع بگوهر
گران مایه دلیل کند که بر قدر آن شرف و بزرگی یابد واگر بیند که آن گردن بند درانداست دلیل
کند که امانت را کوچک وخوار دارد واگر بیند که این گردن بند در گردنش نیک و موافق بود یعنی
نه دراز و کوتاه دلیل کند که شرف و بزرگی یابد و امانت وی میانه بود جابر مغربی گوید اگر بیند
که گردن بندی بجواهر مرصع کرده بگردن داشت دلیل کند که جاه و ولایت یابد واگر بیند که بر
گردن وی گردن بند دراز بود دلیل کند که جاه و ولایت بروی دراز بکشد واگر گردن بندش کوتاه
بود تاویلش بخلاف این بود که یاد کرده شد اگر بیند که بسیار گردن بندها گرانمایه بگردن داشت
دلیل کند که در بسیار علمها فاضل و استاد بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که
دیدن گردن بند در خواب بر شش وجه بود یکی حج باشد دوم ولایت سیوم خصومت
چهارم امانت پنجم معالجت ششم کنیزک هم او گوید که چون برخی از گردن بند زرین
بود حج باشد وچون جمله زرین بود ولایت باشد وچون جمله سیمین بود یا آهنین خصومت

بود وچون جمله سیمین بود خصومت باشد **گردن زدن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که کسی
ویرا گردن زد و سرش از تن جدا شد دلیل کند که اگر بنده بود آزاد گردد واگر بیمار بود شفا یابد واگر
وامدار بود وامش گذارده شود واگر حج ناکرده بود حج کند واگر غمگین بود شادان گردد واگر ترسنده باشد
از ترس و بیم ایمن شود واگر کافر بود مسلمان گردد واگر بقوت گردن زدن سر جدا نشد آنچه
گفتیم تاویلش بخلاف این بود واگر آنکس که ویرا گردن همیزد کودک و نابالغ بود دلیل کند که اگر بیمار بود
زود از دنیا رحلت کند و از محنت و درد و بیماری باز رهد کرمانی گوید اگر آنکس که دید که ویرا گردن
زدند توانگر و تندرست و آزاد بود و از آن رنجها که گفتیم در وی هیچ موجود نبود دلیل کند که از حال نیک
بحال بد افتد و در نعمت و مالش زوال آید و درویش و بیچاره و وامدار شود و سرانجام از دنیا رحلت
کند و علی الجمله گردن زدن نیک بود درویش را و خداوند محنت را و توانگر و خداوند نعمت
را بد باشد زیرا که احوال ایشان متغیر شود **گرده** دانیال گوید که گردها در خواب بجایگاه توانگری
و درویشی بود جایگاه صواب و خطا باشد چنانکه گرده راست در تاویل دلیل بر جایگاه صواب
و بر توانگری کند و گرده چپ دلیل کند بر جایگاه خطا و درویشی ابن سیرین گوید که گرده در خواب
مال پنهان کرده بود اگر بیند که گرده مردم را همیخورد دلیل کند که مال کسی که نهان کرده بود بخورد
کند و اگر ببیند که بسیار گرده بخته و بریان کرده ویرا حاصل شد دلیل کند که بر قدر آن مال نهان
کرده بیابد جابر مغربی گوید اگر بیند که چون گرده خورد گرده جانوری بود که گوشت وی حلال است
دلیل بر یافتن مال حلال بود واگر جانوری بود که گوشت وی حرام است دلیل کند بر یافتن مال
حرام کرمانی گوید که بیرون آمدن و آشکارا شدن وی پیدا شدن مال نهان کرده بود
و بعضی از معبران گفتند که گرده فرزند است ازیرا که منی که مایه فرزند است از وی موجود آید اسمعیل
اشعث گوید اگر بیند که گرده اسب داشت و آن گرده بخته بود و از وی همیخورد دلیل کند
که بر قدر آن ویرا از پادشاه مال رسد واگر بیند که از گرده اشتر همی خورد دلیل کند که از مردی بزرگوار
بر قدر آن ویرا مال حاصل شود واگر بیند که از گرده گاو همیخورد دلیل کند که در آن سال ویرا منفعت
ومال رسد واگر بیند که گرده گوسفندی همی خورد دلیل کند که بر قدر آن ویرا مال حلال حاصل
شود واگر بیند که از این گردها که گفتیم خادم خورد دلیل کند که آن مال که ویرا حاصل شود حرام

بود واگر از این گردها چیزی نخورد آنچه گفتیم ویرا کمتر بود **گردون** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر
گردون نشسته بود و آن گردون نیک همیرفت دلیل کند که بزرگی و شرف یابد واگر بیند که
گردون بیکاوان ایستاده بود و بر آن گردون نشسته دلیل کند که رنج و سختی و بیماری بکشد واگر
بیند که گردونی داشت و او بروی نشسته بود آنچه گفتیم از خیر و شر ویرا کمتر بود واگر بیند که
پادشاه از گردونهای خویش گردونی بدو داد دلیل کند که از پادشاه بزرگی و منزلت یابد
حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید اگر بیند که پادشاهی گردونی بدو داد دلیلش بر
هشت وجه بود یکی ولایت باشد دوم عز سیوم مرتبت چهارم بزرگی پنجم هیبت ششم
خرمی هفتم رفعت هشتم آسانی بود **گرسنگی** ابن سیرین گوید اگر کسی گرسنگی بخواب
بیند بهتر بود از سیری و سیری از آب بهتر از گرسنگی باشد اگر کسی بیند که گرسنه شده بود
و چیزی نداشت که بخورد دلیل کند که خیر و نیکی بیند بر قدر گرسنگی و بر مال حریص باشد
واگر بیند که چیزی نخورد دلیل کند که حرص و آزش در مال کمتر باشد جابر مغربی گوید اگر کسی
بیند که او گرسنه شده بود دلیل کند که بر قدر گرسنگی ویرا مصیبت و گناه بود و گرسنگی وی
از سبب روزه داشتن بود واگر بیند که چون گرسنه بود چیزی نخورد و سیر شد دلیل کند
که از معصیت و گناه توبه کند واگر آنچه خورد بطعم شیرین و خوش بود دلیل کند که بر توبه ثابت
نماند واگر آنچه خورد بطعم ناخوش و ترش بود دلیل کند که توبه را بشکند و بگناه شود و معصیت
کند حضرة امام جعفر صادق علیه السلم گوید که گرسنگی در خواب بر چهار وجه بود یکی نصرت
و نیکی باشد دوم حرص دنیا و مال سیوم معصیت و گناه چهارم طمع داشتن بر مهمان
کرسی ابن سیرین گوید که کرسی بخواب دیدن علم است و از راه خرد چنین واجب کند
زیرا که ایزد تعالی در کلام قدیم خویش یاد کرده است **قوله تعالی** وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوَاتِ
وَالْأَرْضَ ابن عباس گوید وسع یعنی علمه کرمانی گوید که کرسی احاطت و قدرت خدای تعالی
عز و جل و بعضی از معبران تاویل کرسی گویند که عامل و عاقل باشد جابر مغربی گوید که تاویل
کرسی امام مطیع بود یا زاهدی که تقوی بکمال دارد یا پادشاهی که عادل و پرهیزکار بود و دانا
بود اگر کرسی را با نور و جلالت و هیبت بیند چنانکه با خبار آمده است دلیل کند که اهل

دین وصلاح و علما را نیک بود و بیننده خواب را از سلطان عادل یا از مرد عالم و زاهد
خیر و نیکی رسد و مال وی زیادت گردد واگر بخلاف این بیند دلیل کند که کار علما و اهل
دین نیک نباشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن کرسی بخواب بر
شش وجه بود یکی عدل باشد دوم انصاف سیوم عز و شرف چهارم مرتبت پنجم ولایت
و بلندی ششم قدر و جاه اگر کسی بیند که بر کرسی که بر آسمان نشسته بود دلیل کند که کار
وی بالا گیرد و مرتبت و قدر و جاه یابد و بمرادها برسد و اندر میان مردمان عزیز شود
و عدل و انصاف در میان مردم پدید آید و اما این کرسی که در وی ذکر کند در خواب زن باشد
اگر بیند که کرسی بزرگ و پاکیزه فرا گرفت با کسی بوی داد و بروی نشست دلیل کند که زن
خواهد و از آن زن ویرا بزرگی و مال و نعمت حاصل شود واگر بیند که بر کرسی نو بنشست
دلیل کند که زنی جوان دوشیزه بخواهد واگر بیند که در زیر وی کرسی بشکست زن وی
بمیرد یا زن را طلاق دهد واگر بیند که کرسی وی کهن و کوچک و دون بود دلیل کند که زن وی
حقیر و درویش و درمانده بود واگر بیند که کرسی داشت ولیکن بروی بنشست دلیل
کند که زنی از بهر خدمت بخانه آرد **کرفس** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که کرفس همیخورد
بهنگام وی دلیل کند که غمگین و مستمند شود و بعضی از معبران گفتند که چیزی مکروه
خورد واگر کرفس نخورد دلیل کند که آنچه گفتیم وی کمتر بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
گوید که خوردن کرفس در خواب بر سه وجه بود یکی غم و اندوه باشد دوم خصومت
و گفتگوی باشد سیم چیزی مکروه خوردن باشد **کرک** بدانکه کرک
مرغی بود چند کبوتری و او را شفنین خوانند و او در تاویل دلیل بر زن کند یا بر کنیزک
ابن سیرین گوید که کرکی بگرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که آن عزب بود زن خواهد
واگر زن کنیزک خرد واگر بیند که کرک از دست وی بپرید دلیل کند که زن را طلاق دهد یا کنیزک
وی بگریزد واگر بیند که ویرا بکشت و از گوشت وی همیخورد دلیل کند که بر قدر آن میراث
زن بستاند و هزینه کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن کرک
در خواب بر سه وجه بود یکی زن باشد دوم کنیزک سیوم خادم که حوایج خانه

دست او باشد ❊ **کرکس** ابن سیرین کوید که کرکس مهتر مرغان بود و از وی قوی تر و تیز بین تر
و دراز عمر تر از جمله مرغان بود و اکر بیند که کرکسی را فرا کرفت یا کسی بدو داده و دانند که آن کرکس مطیع و فرمان
بر او شد دلیل کند که از مردی بزرکوار یا از پادشاهی شرف و بزرکی و اکر بیند که استخوان کرکس
داشت یا پر وی یا از کوشت وی همیخورد دلیل کند که شرف و بزرکی و مال یابد بر قدر آن از پادشاه
وی را خواسته و نعمت حاصل شود کرمانی کوید اکر بیند که کرکس وی را بکرفت و اندر هوا شد و او را
بنزدیکی آسمان شد و ببرد دلیل کند که سفری دور بکند و دران سفر شرف و بزرکی و مال و
نعمت وی را حاصل شود اما دین وی بفساد بود از جهت آنکه نمرود علیه اللعنه بآسمان بر کرکس
شد و وی را از هوا بر زمین افکند یا خویشتن از چنکال کرکس بزیر افتاد دلیل کند که از شرف و
بزرکی بیفتد و کارش تمام نکردد و اکر بیند که کرکس وی را بر آسمان برد و دران جا مقام ساخت
دلیل کند که دران سفر بمیرد و اکر مقام نساخت و بزمین آمد دلیل کند که دران سفر از پادشاه
بزرکی یابد اکر بیننده خواب اهل نبود که با پادشاه بپیوندد دلیل کند که از خویشان و خاندان
خویش بزرکی و مهتری یابد جابر مغربی کوید که کرکس در چنکال دیدن بخواب فرشته بود زیرا که
فرشتکان حملة العرش بصورت کرکس استند و اکر بیند که کرکس بالای سر وی شکار همیکرد دلیل کند
که بیننده خواب بازارکانی کند و اکر بیند که با کرکس نبرد همیکرد و بروی غالب شد دلیل کند که
با مردی بزرک وار جنک و خصومت کند و وی را غلبت کند و اکر بر خلاف این بیند دلیل
کند که دشمن وی را قهر کند و اکر در خواب بچه کرکس بیند دلیل کند که اکر زن دارد وی را پسری آید
و اکر زن ندارد دختری دوشیزه بزنی خواهد و اکر بیند که کرکس بروی نشسته بود دلیل کند
که وی را بردار کنند دانیال کوید اکر بیند که کرکس بکوچه فرود آمد دلیل کند که بهمان کوچه پادشاه فرود
آید و اکر بیند که مردم آن کوچه کرکس بکشتند دلیل کند که آن پادشاه از مملکت معزول کردد یا هلاک
شود و اکر بیند که کرکس از دهان چیزی بر آورد و بوی داد دلیل کند که بر قدر آن از پادشاه عطا
یابد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید دیدن کرکس در خواب بر شش وجه بود یکی
بزرکی باشد ❊ دوم فرمان روائی ❊ سیوم ریاست ❊ چهارم ثنا و ستایش نیکو ❊ پنجم مرتبت ❊ ششم
امر و نهی ❊ **کرک** ابن سیرین کوید که کرک بخواب پادشاه ستمکر و دروغ زن و خاین بود

یا کسی باشد که با وی خصمی و دشمنی اکر کسی بیند که با کرک جنک و نبرد همیکرد دلیل کند که با پادشاه
یا با کسی که دشمن وی بود مخاصمت کند و اکر بیند که شیر کرک همیخورد دلیل کند که ترس و بیم
عظیم بروی رسد یا کاری از وی فوت شود و اکر بیند که کوشت کرک همیخورد دلیل کند
که از پادشاهی ستمکر بر قدر آن مالی حرام بدو رسد کرمانی کوید اکر بیند که کرکی را بکشت دلیل
کند که از اهل اسلام روی بکرداند و در وی هیچ خیر نباشد و بعضی کویند که دشمن را قهر کند
و اکر بیند که سر کرک بیافت یا کسی بدو داد دلیل کند که بزرکی و ولایت یابد بر قدر خویش و
اکر پوست کرک یافت یا استخوان وی دلیل کند که بر قدر آن مال و خواسته یابد و اکر بیند که
وی را بکزید دلیل کند از پادشاه وی را مضرت رسد و اکر بیند که در خانه وی آمد و هیچ زیان نکرد دلیل
کند که پادشاه مهمان وی آید و اکر بیند که کرک در خانه وی زیان کرد دلیل کند که از پادشاه وی را
مضرت رسد جابر مغربی کوید اکر بیند که کرکی در خانه وی در بستر وی خفته بود دلیل کند که
پادشاه با عیالش قصد کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن کرک در خواب
بر سه وجه بود یکی پادشاه ظالم باشد ❊ دوم مرد دروغ زن و دزد ❊ سیوم زن ضعیف و مخالف
چون کرک ماده بیند ❊ و بعضی از معبران کفته اند که کرک دشمنی بود دزد و ناپاک و ستمکر ❊
کرمابه ابن سیرین کوید که عمارت کردن کرمابه در خواب بد بود و خراب کردن را نیکو بود و دیدن
کرمابه اندر خواب دلیل بر غم و اندوه بود و خویشتن را شستن شادی و خرمی بود
و آب نیم کرم نیک باشد و آب سخت کرم بد باشد اکر بیند که در کرمابه شد و غسل کرد و خویشتن را
بآب پاکیزه بشست دلیل کند که از رنج و تفکر رستکاری یابد و اکر بیند که در کرمابه شد و خویشتن
نشست دلیل کند که بر قدر کرمی کرمابه غم و اندوه و رنج دل بدو رسد و باشد که غم و رنج دلش
از سبب زنان باشد کرمانی کوید اکر بیند که در کرمابه شد و آهک بر خویشتن مالید و
خود را پاکیزه کرد و نشست دلیل کند که ترس و بیم دارد و ایمن شود و اکر غمکین بود خرم شود
و اکر بیمار بود شفا یابد و اکر وام دار بود وام کزارده شود و اکر توانکر بود و ازین چیزها که کفتیم
خالی بود دلیل کند که مالش بنقصان آید و اکر بیند که آهک بخویشتن مالید و آهک را نشست
دلیل کند که کارش تمام نکردد و اکر بیند که در کرمابه بخانه کرم آب کرم بخورد دلیل کند که وی را

۲۶

تب سخت بکیرد و یا علت سرسام بدید آید جابر مغربی کوید اکر کسی بیند که در کرمابه شد و
دست و روی بشست یا سر و تن بشست و از کرمابه بیرون آمد دلیل کند که از غم و رنج و اندوه
رسته کردد و اکر بکرمابه در شدن دید و بیرون آمدن ندید دلیل کند که برنج و غم کرفتار شود و اکر
بیند که در کوچه وی خانه کرمابه بود دلیل کند که دران کوچه زنی روسپی بدید آید و اکر بیند که
بکرمابه شد یا آنکه بشستن محتاج بود دلیل کند که غمکین و وام دار شود و اکر بیند که از کرمابه جامه
وی را دزد ببرد و او برهنه بماند دلیل کند که از سبب کاری غمکین و رسوا شود حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام کوید که دیدن کرمابه در خواب بر شش وجه بود یکی زن بود ❊ دوم غم و اندوه
بود ❊ سیوم دین ❊ چهارم نابکاری ❊ پنجم دوست ❊ ششم وام ❊ و بدانکه کرمابان در تاویل هم زدن
باشد و بعضی از معبران کفته اند که کدخدائی سرای بود کرمانی کوید اکر کرمابانی همیکرد دلیل
کند که از مردی بزنی محتشم خواهد و بشغلهاء ایشان مشغول شود و رنق وی باندازه خدمت
وی باشد و اکر خداوند خواب زن بود شوهری بدین صفت که یاد کردیم بخواهد **کرم**
ابن سیرین کوید اکر کسی بیند که در شکم وی کرمان جمع شدند و طعام را در شکم وی همیخوردند
دلیل کند که عیالان وی باشند که از مالش همیخورند و اکر بیند که کرمان تنش را همی خوردند
همین دلیل کند که یاد کرده شد و اکر بیند که در خانه کوشت داشت و کرمان در وی افتاده
بودند و از آن کوشت همیخوردند دلیل کند که عیالان وی از مال کسی دیکر خورند و اکر بیند
که کرمان از تنش بسیار همی افتادند و نیز بر تن او بسیار کرمان بودند یا بر جامه وی دلیل کند که
مال و حشمت و عیال بسیار وی را حاصل شود و اکر بیند که از تن خویش کرمان بر زمین
همی افکند دلیل کند که عیالان خویش را از خود دور دارد و تیمارشان نکند کرمانی کوید اکر
بیند که بعضی از اندامهاء وی کرمان همیخوردند دلیل کند که بعضی از عیالان وی مالش
بقدر آن بخورند و اکر کرمان در خوردن تن وی درد همی رسد دلیل کند که از عیالان خویش
وی را مضرت رسد و اکر بیند که از سوراخ بینی یا از کوش یا از دهن یا از مقعدش کرمان
بیرون همی آمدند دلیل کند که عیال و مالش بسیار شود بر قدر آن و اکر بیند که چون کرمان
از تن وی می افتادند همی مردند با خویشتن ایشان را همی کشت دلیل کند که بعضی از

عیان وی شوند یا مفارقت وی جویند و بترکش بکویند و اکر بیند که کرمان بسیار
از چوب بهاء بام خانه وی و غیرش همی بخیشد دلیل کند که مال و حشم و عیال بسیار بر اندازه
آن کرمان وی را حاصل شود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن کرمان
در خواب چون بر تن خویش بیند بر سه وجه بود یکی عیالان ❊ دوم خدم و حشم ❊ سیوم
مال و خواسته **کره** ابن سیرین کوید اکر کسی بیند که ریسمان کره بر افکند دلیل کند که بر کاری
که از دور بود تکیه کند و اکر بیند که از ریسمان کره باز کشود که بران کار تکیه نکند و اکر بیند که چیزی
را محکم ببست و بکره کرد دلیل کند که در کاری شغل آن چیز بسته بماند چنانکه کشادن آن
بر وی نتواند اکر آن خیر تعلق بدین دارد و اکر بدنیا کرمانی کوید که بر رسن و بر ریسمان و
غیرش کره بستن دلیل بر بستکی کارها کند و هر چند که کره سخت تر و قوی تر بستکی کار وی
سخت تر و دشوار تر بود و اکر بیند که کره را کشودن نتوانست دلیل کند که کار وی فرو بسته
بماند **کرو** ابن سیرین کوید اکر کسی بیند که او در جایکاهی بکرو است یا تن خویش را بکرو نهاده است
بچیزی دلیل کند که بر تن خود همی رسد از کناه بسیار که کرده است و اکر بیند که عیال یا فرزندش را
بکرو نهاد دلیل کند که بروی ستم و بیداد کند و اکر بیند که کسی خود را در پیش وی بکرو نهاد دلیل کند
که آنکس مظلوم بود و باشد که کسی بروی ظلم کند کرمانی کوید اکر کسی بیند که خویشتن را کرو کرد دلیل
کند که بفساد دین وی قوله تعالی کل نفس بما کسبت رهینة ❊ و اکر بیند که چیزی از متاع
دنیا در پیش کسی دیکر بکرو کرد دلیل کند که از بهتانی با کسی و بیراکفتکوی بود و باشد که از آنکس وی را
مضرت رسد **کرویا** ابن سیرین کوید اکر کسی در خواب بیند که کرویا داشت یا کسی بدو داد
دلیل کند که غمکین کردد و متفکر شود و اکر بیند که کرویا همیخورد دلیل کند که با کسی وی را جنک
و خصومت بود و از آن سبب اندوهی سخت بدو رسد زیرا که بطعم تلخ و ناخوش است و بتاویل
هر چیزی که تلخ و ناخوش است دلیل بر غم و اندوه و جنک و خصومت کند **کریختن** ابن سیرین
کوید که کریختن در خواب رستکاری بود و اکر بیند که از دشمن یا از جانوری کزنده همی کریخت دلیل
کند که از شر دشمن رستکاری یابد و بر دشمن مظفر و پیروز کردد زیرا موسی علیه السلام
در خواب دید که از پیش فرعون همیکریخت پس از شر فرعون رستکار شد و سرانجام

بروي ظفر يافت كرماني كويد اكر كسي درخواب بيند كه از بيش دشمن بنهان هميكريخت چنانكه
دشمن ويرا نميديد دليل كند كه از شرّ دشمن ايمن شود وعاقبت بروي مظفر كردد واكر بيند كه از بيش
دشمن معاينه هميكريخت چنانكه دشمن ويرا ظاهر ميديد دليل كند كه غمكين ومتفكر شود جابر
مغربي كويد اكر بيند كه مردمان از كودكان هميكريخت دليل كند كه ويرا از بزركي نهي رسد
قوله عزّ وجلّ يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ ؛ واكر بيند كه فراوان
از زنان ميكريخت اكر زنان مصلح باشند بد باشد واكر مفسد باشند نيكبا باشد حضرة
امام جعفر صادق عليه السلام كويد كريختن درخواب از دشمن وازانچه كه ازو بمردم ضرر رسد
نيكبا شد واكر بخلاف اين بود بد باشد **كريستن** ابن سيرين كويد كريستن درخواب شادي
بود چون بانك وفرياد نداود وزاري ونوحه نكند اكر بانك ونوحه كند مصيبت واندوه بود
دران موضع اكر بيند از كريستن نشان بروي وي هست دليل كند كه بركردار نيك او طعن
كنند كرماني كويد كريستن درخواب شادي باشد وآمرزش خداوند تعالى وو درخواب بر كناه
كريستن يا در مجلس علم ودرخواندن قرآن وآنچه بدين ماند اميد بكرم باري عزّ وجلّ باشد
چنانكه بفضل خود بروي رحمت كند وكناهان وي عفو كند واكر بيند كه هميكريست واشك از
چشم وي نمي آمد دليل كند كه زيانش رسد واكر بيند كه بجاي اشك خون همي ريخت دليل كند
كه از كاري كذشته از ناكردن آن حرب وندامت خورد وتوبه كند واكر بيند كه از بهر مصيبتي كه
ويرا رسيده باشد هميكريست بي آنكه نوحه وزاري هميكرد دليل كند كه ويرا خرّمي وشادي رسد
حضرت امام جعفر صادق عليه السلام كويد اكر بيند كه بخواب بكريست وبعد ازان بخنديد
دليل كند كه اجل وي نزديك آمده باشد قوله عزّ وجلّ وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ
وَأَحْيَا ؛ **كري** بد انكه كري درخواب ديدن درويشي وبدحالي وبستكي كارها باشد
ابن سيرين كويد كه كري تباهي دين بود وغم واندوه وكارهاي وي بسته شود وهيچ مرادش بر نيايد
قوله تعالى صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ؛ كرماني كويد كوي درخواب بي نوايي وبستكي كار كند
اكر بيند كه كوش بشنود دليل كند كه كارهاي بسته بروي كشاده شود وبمراد وكام دل برسد وازرحمت
خداي عزّ وجلّ نصيب يابد حضرت امام جعفر صادق عليه السلام كويد كه كري درخواب دليل

برچهار وجه بود يكي درويشي ؛ دوم تباهي دين ؛ سيوم غم واندوه ؛ چهارم بستكي كارها وبي
مرادي ؛ **كز** ابن سيرين كويد كز درخواب ديدن مرهم بيخير ومنافق بود اكر بيند كه بلك كز هميخورد
دليل كند با مردي بيخير منافق درخصومت [redacted] افتد وبعضي از معبّران كفته اند كه ديدن
كز درخواب دليل بر غم واندوه خوردن كند وخوردن دليل بر جنك وخصومت وكفتكوي
باشد **كزانكبين** ابن سيرين كويد كزانكبين درخواب روزي حلال باشد كه بمنّت بدو رسد
قوله تعالى وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى واكر بيند كه بسيار كزانكبين داشت و
نميخورد وبكس نميداد دليل بر مال حلال باشد كه بقدر آن بوي رسد وليكن نه خود چيزي
ازان بيند ونه كس واكر بخلاف آن بيند دليل كند كه ازان مال خير وراحت بوي رسد
وبديكران **كزاكند** ابن سيرين كويد اكر مردي بخواب بيند كه كزاكندي بوشيده داشت
دليل كند كه زني بزني كند وبر دشمنان چيره كردد واكر اين خواب زن بيند دليل كند
كه شوهري كند وازان شوهر خير ومنفعت بيند جابر مغربي كويد اكر كسي بيند كه كزاكندي
بوشيده بود دليل كند كه زني توانكر بكند وپارسا واكر بيند كه كزاكند وي بكونه سبز بود دليل
كند كه آن زن ستيره ودينداد وبا امانت باشد واكر بيند كه بكونه سرخ بود دليل كند كه
آن زن معاشر بود ولهو وطرب را دوست دوست دارد واكر بيند كه بكونه زرد بود دليل
كند كه آن زن زردروي وبيمار كونه باشد واكر بيند كه بكونه سياه بود اكر بيننده خواب
عالم بود ودانا يا بيداري سياه بوشد دليل كند كه آن زن ستيره وصالحه باشد
واكر بخلاف اين بيند نيك نباشد واكر بيند كه كزاكندي بكونه كبود بود دليل كند
كه آن زن خداوند مصيبت باشد واكر بيند كه كزاكندي كهنه بوشيده بود دليل كند كه آن
زن بليد ونابكار بود واكر بيند كه كزاكند دريده بود دليل هم بد باشد واكر زن بيند دليل
كند كه شوهري خواهد هم بدين صفت كه ياد كرده شد **كژدم** ابن سيرين كويد كژدم در
خواب ديدن دشمن ضعيف بود كه دين ندارد وبزبان مردم ميرنجاند ودوست
دشمن بنزديك وي يكسان باشد واكر بيند كه كژدم ويرا بكزيد دليل كند كه دشمن ويرا
سخن سخت كويد كه ازان رنجور دل شود واكر بيند كه كژدم را بكشت دليل كه بر دشمن ظفر يابد واكر

بيند كه بعد از كشتن آن كژدم زنده شد وديكرباره قصد وي كرد دليل كند كه بعد ازان
كه بر دشمن ظفر يابد او قصد دشمني كرده بود واكر بيند كه در دست وي كژدمي باشد
كه مردمان را هميكزيد دليل كند كه او مردي بود كه از بس مردمان بد كويد ومردم را با يكديكر
بد بكند وفتنه اندازد وكوشت مردم بخام هميخورد واكر بيند كه كژدم بخته يا بريان كرده همي
خورد دليل كند كه بقدر آن از مال مردم ومال دشمن بخورد واكر بيند كه كژدم را در دهان نهاد وبخورد
دليل كند كه دشمن درخانه آرد وبا وي مجالست ومخالطت نشيند ميكند واكر بيند كه كژدم درون
جامه داشتي همين دليل دارد جابر مغربي كويد اكر بيند كه از مردم همي ترسيد وكژدم ويرا نكزيد
دليل كند كه از دشمن ويرا كزندي نيايد وبعضي از معبّران كويند كه با زن مجامعت شواند
كردن واكر بيند كه كژدمي در پيراهن وي بود دليل كند كه از دشمن دون ويرا مضرّت
رسد واكر بيند كه كژدم درشلوار وي بود دليل كند كه دشمني با عيال وي فساد كند يا با
كنيزك وي حضرت امام جعفر صادق عليه السلام كويد كه ديدن كژدم درخواب بر سه
وجه بود يكي دشمن باشد ؛ دوم حاسد ؛ سيوم سخن چين ؛ **كژدم چراره** بدانكه كژدم چراره
چيزيست كه در ديار خوزستان باشد ودنب بر زمين هميكشد وچون كسي زخم آن خورد
درحال هلاك شود كرماني كويد كه ديدن آن بخواب دشمني باشد بخرد وحليم وآهسته
وشيرين سخن وبر دشمني سخت صعب بود اكر كسي بيند كه كژدم چراره ويرا بكزيد دليل كند كه
از چنين دشمني كه صفت كرديم بلا ومحنتي بدو رسد واكر بيند كه ويرا بكشت دليل كند كه دشمن
قوي هلاك شود واكر بيند كه از چنين كژدمي ويرا كزندي نرسيد دليل كند كه از شرّ
دشمني چنين ايمن باشد واكر بيند كه چيزي مانند كژدم كه نه كونه كژدم بود از وي همي ترسيد
دليل كند كه از كسي انديشه دشمني دارد وآن كس نه دشمن وي بود **كوز** ابن سيرين كويد كه
كوز درخواب ديدن غم واندوه بود واكر بيند كه كوز فرا كرفت يا كسي بدو داد دليل كند
كه غم واندوهي بدو رسد جابر مغربي كويد كه كوز كه بطعم تلخ وناخوش بود غم واندوهش صعبتر
باشد وكوزي كه در كوشت بخته بود منفعت باشد كه برنج بدست آيد وبعضي از معبّران
كفته اند كه خوردن كوز درخواب بيماري بود واكر بريان بيند هم نيكبا شد زيرا كه در آتش

بخته است وعلى الجمله بهترين كوزي كه درخواب بيند آن بود كه با كوشت بخته باشد **كزيدن**
ابن سيرين كويد اكر كسي بخواب بيند كه ويرا بمهر ودوستي بكزيد دليل كند كه مهر وهواي آن
كس در دل وي زيادت شود واكر بيند كه كسي ويرا بخشم وكينه كزيد دليل كند بر خطر دين
آنكس بكاري كه دران بود از سبب كزنده واكر بيند كه مرد معروف ويرا بكزيد دليل كند كه
از وي يا از هم مثل زيادتي رسد بر قدر آن رنج كه بدو رسيده باشد واكر آن مرد مجهول
بود دليل كند كه از دشمن ويرا مضرّت رسد ورنج بر قدر آن كه بدو رسيده باشد جابر
مغربي كويد كه اكر بيند كه چيزي ديكر بكزيد ويرا دليل كند كه بخت كارش بخلل باشد واكر
بيند كه استر ويرا بكزيد دليل كند كه از سفر ويرا رنج وزياني رسد واكر بيند كه كاو ويرا
بكزيد دليل كند كه دران سال ويرا رنج ومضرّتي رسد وبرانكه ديدن جمله ددكان وكزندكان
دليل بر دشمن كند حضرة امام جعفر صادق عليه السلام كويد كه كزيدن درخواب بر چهار قسم
بود يكي مضرّت ؛ ودشمني ؛ خصومت ؛ ونقصان عز ومال ؛ **كشتي كرفتن** ابن سيرين كويد
كشتي كرفتن اكر كسي بيند كه با كسي كشتي كرفت وآن كس را بينداخت دليل كند كه آنكس
نيكو حال شود وبروي غالب كردد واكر بيند كه آنكس ويرا بيفكند دليل كند كه حال وي نيكو
كردد وبر آنكس غالب شود واكر بيند كه هر دو قايم بودند دليل كند كه احوال هر دو بخير وشر
ميانه بود وبيكديكر رنج ومضرّت نرسانند اكرچه در دل ايشان جنك وخصومت
باشد اما بظاهر چنان نمايد كه ايشانرا دوستي با يكديكر هست **كشنيز** ابن سيرين كويد
كه خوردن كشنيز درخواب غم واندوه وتفكر بود اكر بيند كه كسي كشنيز بوي داد وبخورد
دليل كند كه از آنكس غمكين واندوهكين جابر مغربي كويد كه ديدن كشنيز درخواب غم واندوه
وتفكر بود وخوردن وي مضرّت وكفتكو باشد سبب آنكه بطعم تلخ وناخوش باشد چنانكه
بيش ازين ياد كرديم كه هر چيزي كه بطعم تلخ وناخوش بود تعبير آن مضرّت واندوه وخصومت
باشد **كشاورزي** ابن سيرين كويد كشاورزي بخواب ديدن توكل بود بر خداي تعالى
وروزي حلال طلب كردن وكشاورزي بخواب ديدن مردم با فضل ونيكمحضر باشد
واكر بيند كه از بهر تخم كشتن زمين را همي شكافت دليل كند كه خيرات كند وا استادان

این صناعت کویند اکر کسی بیند که زمین می شکافت از برای تخم کشتن دلیل کند که مردی فاضل
باشد و بعضی معبران کویند اکر کسی بخواب بیند که کشاورزی میکند دلیل بر بیماری وی بود
کرمانی کوید اکر کسی بیند که زمین میشکافید و تخم همی انداخت و بارش همی حاصل میکرد
دلیل کند که بزرک و مال و نعمت یابد و اکر بیند که کشته بود و بارش همیکرد بهتر و نیکوتر باشد
و اکر بیند که از آنچه کشت چیزی حاصل نشد و ندانند که بارش چیست و چکونه است یا
اندک دلیل بر غم و اندوه و اندیشه کند و اکر بیند که کندم همیکشت دلیل کند که ویرا از
پادشاه خیری نیکو رسد و اکر بیند که جو همیکشت دلیل کند که ویرا مال حرام شود و اکر
بیند که کاورس همیکشت دلیل کند که مال اندک یابد دانیال کوید اکر بیند که در زمین خود
تخم همیکشت دلیل کند که زن خواهد تا کار وی ساخته کردد و بازار کانی وی روان کردد
و اکر زمین کشته خود را ناکاشته بیند دلیل کند که ویرا شغل ناکرده انکارد و زیانی رسد
یا با کسی خصومت کند و اکر بیند که بجای مجهول زمین همیشکافت و تخم همیکشت
دلیل کند بر غزا کردن وی و خیرات وی زیادت شود و اکر بملک خاص خود کشت و برآمده
بیند دلیل کند که ویرا نعمت فراوان آید و اکر بیند که جو یا کندم یا درخت در زمین خود
کشت دلیل کند بر عز و جاهش [illegible] بقدر آنکه کشته باشد حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام کوید کشاورزی در خواب بر پنج وجه بود یکی روزی حلال طلبیدن باشد دوم
خیر و منفعت بود سیوم بیماری چهارم عز و جاه پنجم معیشت حلال **کشت**
ابن سیرین کوید کشت رسته چون معروف بود و جایکاهش معروف باشد وا او بوقت
خویش باشد فرزندان مردم باشد و اکر جایکاهش مجهول بود و ا و خوشه کرده باشد
و حال بروی کردیده شود نه بوقت خویش دلیل کند که جمع کرد آمده بود در جنک وی
و اکر بیند که کشت را همی درود دلیل کند که مردم در جنک کشته شوند دانیال کوید اکر
بیند که در کشت زاری معروف بود دلیل کند که آن عملش باشد در دین و دنیا و اکر بیند
که کشت کرد بدرود و خرمن افکند دلیل کند که امیدی که دارد بر آید و اکر بیند که در میان
کشت زاری درود همیرفت دلیل کند که در میان غازیان بغزا رود و جابر مغربی کوید

کر کشت

که کشت و درودن در خواب دلیل بر حرب و خصومت کند و جو درودن دلیل بر فراخی
مال حلال و فراخی سال بود و بعضی از معبران کویند که در میان اکر بیند که میرفت و کشت سبز
بود و همی درود دلیل کند که در میان مصاف شود و حرب کند و اکر بیند که آتش در کشت زار
افتاده بود و جمله را بسوخت دلیل کند که اندران دیار قحط و تنکی پیدا شود و اکر بیند که کشت
زارهای خویش را آب همیداد دلیل کند که کاری از دست او بر آید که دنیا و عقبی را منفعت
دهد و اکر بیند که آتش بیامد و کشت زارهای وی بسوخت دلیل کند که ویرا از پادشاه مضرت رسد
و اکر بیند که در میان کشت زاری رودی بزرک همی آمد دلیل کند که دران موضع قحط و تنکی باشد
و اکر بیند که از خوشهای کشت دانها بر زمین همیریخت دلیل کند که بر قدر آن خداوند کشت را زیان رسد
و اکر بیند که نداند که آن موضع از آن کیست زیان خداوند خواب را رسد کرمانی کوید که کشت
در خواب زن باشد قوله تعالی نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ
و اکر در وقت خویش کشت زاری سبز بیند دلیل کند که بر فراخی نعمت دلالت دارد و اکر آنچه کفتیم
در زمین ملک خویش بیند که حاجت وی روا کردد و بمقصود برسد و اکر بیند که بوقت خویش کشت
خویش را بدرود و خوشه را بخانه برد دلیل کند که روزی بروی فراخ کردد و اکر سبزه خویش را خشک
بیند دلیل بر مصیبت وی باشد و اکر در میان کشت زار بیند و داند که آن همه از آن ویست
دلیل کند که منفعتی یابد و بزرکی و توانکری و بزرکواری بیند و اکر دران کشت زار آب روان
بیند و درختان دلیل کند که مقرب حضرت پادشاه آن دیار شود و اکر اهل آن نبود نعمت و مالش
زیادت شود و اکر بیند که در میان کشت زار سبز و نیکو همیرفت دلیل کند که با یاران در مصاف
غزا رود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید کشت و درود در خواب و خوشه رسیده
بوقت خویش دلیل کند که نیک باشد و چون نارسیده و سبز بود و نه بوقت باشد دلیل بر بیمار
می باشد اسمعیل اشعث کوید که کشت و درود بوقت خویش دلیل کند که امر خدای تعالی بجای
آورد و بتحقیق یابد تا حق درویشان بدهد از مال خویش قوله تعالی وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ
و اکر آن چیز که میدید و همی درود ناپسندیده باشد دلیل کند که عاقبت کارهاش محمود باشد
کشتن ابن سیرین کوید اکر بیند که کسی بکشت بی آنکه کلوی ویرا ببرید از وی بدانکس

خیر و نیکی رسد و بعضی معبران کفته اند که دلیل کند که کشنده بر کشته بیدادی کند و اکر بیند که ویرا
بکشتند دلیل کند که عمرش دراز باشد کرمانی کوید اکر بیند که کسی ویرا بکشت دلیل کند
که از آن کس خیر و منفعت بیند و اکر بیند که کروهی ویرا بظلم بکشتند دلیل کند که از سلطان
ویرا خیر و منفعت رسد قوله تعالی وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِ سُلْطَانًا و اکر بیند
که وی کسی را بظلم بکشت دلیل کند که قاضی و ظالم باشد پس باری تعالی کسی بروی کمارد تا وی
را برنجاند قوله عز و جل ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ جابر مغربی کوید اکر کسی بیند که فرزند
خویش را بکشت دلیل کند که روزی حلال یابد قوله تعالی وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ
إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ و بعضی معبران کفته اند که ستم بر فرزند کردن از بهر مال
در خواب عز دنیا باشد و اکر بیند که کسی ویرا بکشت و خون از تن وی روان شد
دلیل کند که بر قدر آن خون مال یابد و اکر خون از تن او روان نشد بر عکس آن باشد
و اکر بیند که تن وی بخون آنکس آلوده شد دلیل کند که از مال وی چیزی بوی رسد و اکر
بیند که از تن وی خون سفید روان شد دلیل کند که دین کشنده برود حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام کوید اکر بیند که ستوری یا خری از حشرات زمین بکشت دلیل کند
که بر خصم خویش ظفر یابد و آنکه بدان کشته منسوب بود قهر کند بدان کشنده و خون
خوار را بخواب دیدن مردم عذاب بود و بیداد کر **کشتی** دانیال کوید دیدن کشتی
در خواب غم و اندیشه باشد یا کاری که از آن رنج و بلا بوی رسد خاصه چون از کشتی بیرون
نیاید یا کشتی در میان دریا فرو ماند ابن سیرین کوید اکر کسی بیند اندر کشتی بود و بسلامت
از وی بیرون آمد دلیل کند که از غم و رنجها بیرون آید قوله تعالی فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ
فِي الْفُلْكِ و اکر بیند که در میان دریا بکشتی هلاک شد دلیل کند که بدست مردمان
هلاک شود و اکر بیند که کشتی وی بر زمین خشک بماند دلیل کند که در رنج و بلائی کرفتار
شود و رستکاری وی دیر دست دهد و اکر بیند که آن کشتی که از آن وی بود غرق شد
و باز ببالای آب بر آمد و بعضی از متاع خویش در کشتی بیافت دلیل کند که بر قدر آن
مالش نقصان شود و اکر مالش جمله غرق شد و او بسلامت برست دلیل کند که مالش

تلف شود

تلف شود و اکر بیند که کشتی بشکست و پاره پاره شد و جمله غرق کشت دلیل کند که
مصیبتی عظیم بسبب پدر بدید آید و اکر بیند که بجایکاهی بلند بر کشتی نشسته بود
و کشتی در میان دریا همیرفت دلیل کند که او با پادشاهان و بزرکان و نزدیک شود و
اکر بیند که در میان دریا با کشتیها بر ملا همیرفت دلیل کند که بسفر شود قوله تعالی
وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنْشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ و اکر بیند که کشتیها ایستاده بود دلیل کند
که بسفر بماند و مقیم کردد و اکر بیند که بر کشتی روان نشسته بود و بادی خوش همی جست و
کشتی همیبرد دلیل کند که از غم و اندوه فرج یابد و اکر بیند که کشتی بایستاد و از هر سو
بدان کشتی موج همی آمد دلیل کند که ویرا غم و سختی بیش آید که از آن غم بیم هلاک
باشد قوله تعالی وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ و اکر بیند که کشتی از پیش همیرفت
و او نمیتوانست بدان کشتی رسیدن دلیل کند که در کاری دشوار بود و سرانجام از آن
خلاص یابد قوله تعالی فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ و اکر بیند که در پهلوی
کشتی بدریا همیرفت دلیل کند که بسفر رود و سود و منفعت بسیار یاورد از آن سفر
قوله تعالی يُزْجِي لَكُمُ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ اکر بیند که در میان دریا همی کشتیها
رفتند تهی دلیل کند که پادشاه رسولان بجائی فرستد و اکر بیند که کشتیها غرق شدند
دلیل کند که رسولان پادشاه را باز دارند جابر مغربی کوید اکر بیند که کشتی وی بدریا غرق
شد و داند که آن کشتی ملک وی بود دلیل کند که ویرا بیم هلاک بود و اکر کشتی ملک
وی نبود دلیل کند که از کسب دنیا غرق کردد و اکر بیند که در میان کشتی نشسته بود و در
دریا همی ترسید دلیل کند که در پیش پادشاهی بزرک و مقرب شود و بقدر بزرکی و خردی
آن کشتی و از وی سلامت ماند و اکر بیند که دران کشتی ایمن نشسته بود دلیل کند
که از پادشاه ویرا و بیم و ترس بود و اکر بیند که در دریا کشتیها آراسته بود بجامهای کوناکون
دلیل کند که بادبان با پادشاه دوست و مقرب شود و اکر بیند که کشتی غرق شد و به
قعر دریا فرو شد دلیل کند که قوتی عظیم باشد ویرا از پادشاه آن دیار و اکر کشتی نمیرفت
تاویلش بخلاف این بود و اکر کشتی زرین یا سیمین بود دلیل کند اسمعیل اشعث کوید که

کسی بیند که در کشتی خرد نشسته بود و آن کشتی در آب ایستاده بود دلیل کند که غم و اندوه
زیادت شود و اگر کشتی در آب روان بود و در آب ایستاده بود دلیل کند که غم و اندوه از
وی زایل شود و بسفر دور رود باز آید و اگر بیند که کشتی همی راند دلیل کند که در سفر
با مردمان جاهل و نادان همراه بوند و اگر کشتی خود را در خشك ایستاده بیند دلیل
کند که بکاری غمگین و درمان شود و اگر بیند که کشتی وی بر خشك همی رفت دلیل
کند که سفری بیحاصل او را پیش آید که مردمان از آن شگفت مانند و اگر کشتی بر خشك
ایستاده بیند دلیل کند که ویرا غمی بزرگ پیش آید بر کسی مردی بزرگوار و اگر بیند که تختهاء
آن کشتی باد ببرد دلیل کند که مال آن مرد را مزد پادشاه ببرد و اگر بیند که کشتی خویش را
بر خشك همی راند دلیل کند که با کسی منافقی کند حافظ معبر گوید اگر کسی بیند که در
کشتی نشسته بود دلیل کند که بکار پادشاه مشتغل شود بقدر آنکه در کشتی زحمت کشیده
باشد و از حضرت پادشاه او را منفعت رسد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
گوید که دیدن کشتی در خواب بر هشت وجه بود یکی فرزند باشد دوم پدر سیوم
زن چهارم مرگ پنجم فرح ششم ایمنی هفتم عیش خوش هشتم توانگری اگر بیند که اندر کشتی
نشست و از وی بیرون آمد دلیل کند که از غمها فرج یابد و توانگر شود و اگر توانگر بود
مالش زیادت شود و اگر غمگین بود از غمها فرج یابد و اگر شکسته بود روزیء
بروی فراخ شود و اگر عزب بود زن خواهد و اگر فرزند ندارد فرزندش پیدا شود و
اگر بیند که در کشتی آفت و نقصان افتاد تاویل این جمله بخلاف آن باشد که یاد کرده
شد و اگر بیند که کشتی بانی میکرد و کشتی راست همیکرد دلیل کند که این مرد در میان
خلق متوسط باشد و سخن وی همه جای قبول کنند و اگر کشتی راندن راست نتواند
کردن دلیل کند که کارش بر خطر باشد **کشف** بدانکه کشف بپارسی سنگپشت
بود و کشف آبی در خواب دیدن دلیل بر مردی زاهد و عالم باشد و اگر بیند که کشف
داشت یا بخانهء او در آمد دلیل کند که کسی عالم و زاهد بدو نزدیك شود و با وی دوست
و همنشین بود و اگر بیند که کشف را از دست بینداخت و از خویشتن دور کرد

دلیل کند که از صحبت عالمی یا زاهدی مفارقت جوید و اگر بیند که گوشت کشف
میخورد دلیل کند که بقدر آن ظلم کند کرمانی گوید که اگر بیند که کشفی در سرکین دانی
بیافت دلیل کند که عالمی یا صانعی مجهول بود و اگر بیند که کشفی در مسجد یا در صومعه یا
در جایگاهی عزیز ویرا حاصل شد دلیل کند که زاهدی یا عالمی ویرا حاصل شود که بنزدیك
بزرگان و علما ویرا حرمت باشد و در پیش همه کس جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که
گوشت کشف همیخورد یا پوست یا استخوان وی داشت دلیل کند که بقدر آن
از علم و دانش نصیب یابد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن کشف
در خواب بر سه وجه بود یکی مردی زاهد دوم مردی عالم و دانا سیوم مردی صانع
در کارها **کشکاب** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که کشکاب که در وی عناب
و بنفشه و آنچه بدین ماند یا شکر یا پانید یا شیرین چیزی چنانکه رسمست همیخورد دلیل کند
که ویرا مالی و نعمتی آسان بدست آید و رنج و غم از دلش زدوده شود و اگر بیند که کشکاب
ساده همی خورد دلیل کند آنچه گفتیم کمتر بدو رسد الا بر نج و کراهیت جابر مغربی گوید اگر
بیماری بیند که کشکاب با شکر یا جلاب همیخورد دلیل کند که از بیماری زود شفا یابد و اگر
بیند که کشکاب خوردن نمیتوانست تاویلش بخلاف این بود که یاد کرده شد والسلام
کشمش ابن سیرین گوید که خوردن کشمش در خواب دلیل بر مال و منفعت
کند اگر بیند که کشمش داشت یا کسی بدو داد و همیخورد دلیل کند که بقدر آن خیر و منفعت
یابد و اگر بیند که بکسی کشمش داد دلیل کند که آنکس بر قدر آن از مال وی منفعت یابد
و اگر بیند که آب کشمش جدا کرد و بخورد دلیل کند که مال حلال آسان بدست او آید و اگر
بیند که کشمش در چیزی کرد و آب شیرین از وی جدا همیکرد و میخورد و اگر اهل علم بود
دلیل کند که علم وی زیادت شود و اگر بازرگان بود دلیل کند که مالش زیادت گردد و اگر
بیند که آب کشمش بیرون آورد و تلف وی بینداخت دلیل کند که عیال وی با او
خصومت افتد کرمانی گوید اگر بیند که طبقی کشمش در خانه داشت یا زن بدو
داد و بخورد دلیل کند که کالای زن بخورد و اگر بیند که بجز وارها کشمش در خانه داشت

دلیل کند که از علم عالم بود بر قدر آن علمش زیادت شود و اگر بیند که بازرگان بود مالش
زیادت شود و اگر پیشه کار بود مالی تمام از پیشه حاصل کند حضرت امام جعفر
صادق علیه السلم گوید که خوردن کشمش در خواب بر سه وجه بود یکی منفعت
دوم مال حلال سیوم کسب باشد **کشنیز** ابن سیرین گوید که کشنیز در خواب
دیدن غم و اندوه باشد و اگر بیند که کشنیز داشت یا کسی بدو داد و وی بخورد
دلیل کند که بقدر آن ویرا غم و اندوهی رسد و اگر بیند که کشنیز نخورد دلیل کند که غم
و اندوه از وی زایل شود و اگر بیند که کشنیز بخرید دلیل بد باشد و اگر بیند که بفروخت دلیل
نیك باشد **کعب** ابن سیرین گوید که دیدن کعب در خواب بتا ویل مقام باشد اگر
بیند که بکعب بازی همیکرد دلیل کند که ویرا با کسی جنگ افتد و خصومت بود و اگر
بیند که بسیار کعب داشت نه از بهر آنکه بازی کند دلیل کند که بقدر آن ویرا حاصل
شود و اگر بیند که کعب پای وی بشکست دلیل کند که فرزندش بمیرد و یا غمی
سخت بوی رسد و کعب بازی بتاویل منازعت بود و کعبین بازی خصومت
و مکر دوستان باشد زیرا که بازی کردن بکعبتین مکر و حیلت بود **قوله تعالی**
أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يَلْعَبُونَ جابر مغربی گوید
بازی کردن بکعب و کعبتین و آنچه بدین ماند دلیل کند بر دشمنی حقیر و جنگ و خصومت
حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید دیدن کعب بخواب بر چهار وجه
بود یکی مقام دوم زن سیوم فرزند چهارم مال **قوله تعالی** وَكَوَاعِبَ
أَتْرَابًا وَكَأْسًا دِهَاقًا و کعب جانوری که گوشت وی حلال بود دلیل بر مال حلال
بود و آنچه گوشت وی حرام بود دلیل بر مال حرام بود **کعبه** ابن سیرین گوید
که کعبه در خواب دیدن دلیل بر خلیفه بود و هر کس که کعبه قبلهء وی بود هر چیزی
که در کعبه بیند که نقصانی دارد خلیفه بود و اگر بیند که طواف کعبه همیکرد و چیزی
همیخواند و مناسك حج بجای می آورد دلیل کند بر صلاح دین و از خلیفه بدو فایده

رسد و کام دل یابد و اگر بیند که احرام گرفت و روی بکعبه داشت یا لبیك همی
زد دلیل کند بر زیادتی صلاح و اگر بیند که سرای وی کعبه شده بود چنانکه مردمان
زیارت همیکردند دلیل کند که از خلیفه بزرگی یابد و اگر چنان بیند که کعبه بیفتاد و بآتش
بسوخت دلیل کند که خلیفه هلاك شود و یا حالش بد شود و اگر بیند که از کعبه چیزی
برگرفت دلیل کند که او را از خلیفه فایده رسد و اگر بیند که در کعبه نماز همیکرد دلیل کند
که از خلیفه کارش نیکو گردد کرمانی گوید که اصل کعبه ایمان و مسلمانی بود و ایمنی **قوله تعالی**
وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا و اگر خود را در حرم کعبه بیند دلیل کند که از دشمنان ایمن
گردد و اگر بیمار بود شفا یابد و دعاش مستجاب شود و اگر بیند که روی بحجر الاسود همی
مالید یا ویرا بوسه همیداد دلیل کند که دیدار عالمی بزرگ فاضل بیند و اگر بیند که
زیر ناودان کعبه ایستاده بود دلیل کند که حاجت روا شود و اگر در کعبه بیند دلیل کند که بدمذهب
بود و در دین و اعتقادش خلل باشد و اگر بیند که بر بام کعبه نماز همیکرد دلیل کند که
مردمان را بباطل دعوت کند و اگر بیند که کعبه در سرای وی شد دلیل کند که نام
بزرگ وی در میان خلق مشهور گردد و اگر کعبه را پاکیزه بیند و منور دلیل کند که دین و مذهب
وی پاکیزه باشد و اگر بیند که در کعبه طواف میکرد دلیل کند که خدمت عالمی فاضل بکند حضرت
امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن کعبه در خواب بر چهار وجه بود یکی خلیفه یا پادشاه
دوم بام سیوم ایمان و مسلمانی چهارم ایمنی باشد **کفتار** ابن سیرین گوید که کفتار در
خواب دیدن زن زشت پلید بود و بدکردار اگر بیند که کفتار بسته بود دلیل بر زن زشت
باشد که بخواهد و اگر بیند که کفتار را شیر نهاد دلیل کند که در میان او سخنی سخت رود
و اگر بیند که کفتار سنگ همی انداخت دلیل کند که زنی بدین صفت که گفتیم دشنام دهد
و اگر بیند که گوشت کفتار همی خورد دلیل کند که بر وی زنی جادوئی کرده باشد و از آن غافل
بود و سرانجام از آن جادو رسته شود کرمانی گوید اگر بیند که شیر کفتار یا از پوست وی یا
از استخوان وی چیزی فرا گرفت دلیل کند که آن زن با وی غدر کرده بود و اگر بیند که از
پشم وی چیزی فرا گرفت دلیل کند که از آن زن بدو فایده رسد جابر مغربی گوید اگر

ببیند که کفشار باوي سخن کفت دلیل کند که آن زن باوي زبان درازي کند وباوي مستولي شود وحضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که دیدن کفشار درخواب بر سه وجه بود یکي زن زشت دوم جادو سیوم مکار وفریبنده کفچه ابن سیرین کوید که کفچه درخواب کادرهاي خانه باشد اکر کفچه نو وپاکیزه فراکرفت یا کسي بدو داد دلیل کند که کادرهاي خانه مصلح وپارسا بود واکر بیند که کفچه کهن وچرکن وشکسته بود بخلاف این بود جابر مغربي کوید اکر بیند که کفچه وي بشکست دلیل کند که کادرهاي خانه بیمار شود واکر بیند که کفچه وي بسوخت یا ضایع شد دلیل کند که کادرهاي خانه هلاك شود یا از خانه وي جدا شود وبعضي از معبران کفته‌اند که کفچه خادم خانه بود از نیك و بد وي خادم خانه بود کفچه آتش دان بدانکه کفچه آتش دان بتازي اسطام خوانند ودیدنش درخواب چون پادشاه بیند مردي بود دلیر درکار ملوك وسلاطین وچون قاضي بیند نایب وي باشد وهرکه جز این بیند خدمتکار خانه او واهل وي باشد ابن سیرین کوید اکر بیند که کفچه آتشدان داشت دلیل کند که بر قدر آن خدمتکار خانه حاصل شود واکر بیند که آن کفچه آتشدان بشکست یا ضایع شد دلیل کند که خدمتکار خانه از وي جدا شود بمرك یا بزندکي کفش ابن سیرین کوید که کفش درخواب زن بود اکر بیند که کفشي نو داشت یا کسي بدو داد دلیل کند که زن خواهد یا کنیزك خرد واکر بیند که کفش کسي در پاي کرده بود دلیل کند که زني بیوه خواهد واکر بیند که آن کفش بکونه سیاه بود دلیل کند که آن زن که بخواهد توانکر بود واکر بیند که آن کفش بکونه سبز بود دلیل کند که آن زن که بخواهد ستیره وبا امانت باشد واکر بیند که کفش بکونه سرخ بود دلیل کند که آن زن معاشر بود ولهو ولعب دوست دارد واکر بیند که آن کفش بکونه سپید بود دلیل کند که آن زن خوبروي باشد کرماني کوید اکر بیند که آن کفش از پوست کاو بود دلیل کند که آن زن با اصل باشد واکر بیند که از پوست کوسفند بود دلیل کند که آن زن با اصل نباشد واکر بیند که در هنکام رفتن یك کفش از پاي بیرون آورد وضایع شد دلیل کند بر غم واندوه وبیچرمتي وبعضي از معبران کویند

که اکر بیند که کفش وي ضایع شد دلیل کند که زنش بمیرد واکر بیند که کفش خویش بکسي بخشید دلیل کند که زن را طلاق دهد واز آن پس زنش شوهري بخواهد واکر بیند که کفش در پاي وي تنك بود یعني نزنیك بود دلیل کند که زن وي سیاه کار بود وزندکاني وعیش ناخوش کذارد واکر بخلاف این بیند دلیل کند که بهم سازکار باشند واکر بیند که کفش وي کسي بدزدید یا کسي بپوشید دلیل بد باشد واکر بیند که یکي پاي کفش بپوشید دلیل کند که سفري کند تمام وبعضي از معبران کویند کفش کهنه بهتر از کفش نو باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که دیدن کفش درخواب بر هفت وجه بود یکي زن بود دوم خادم سیوم کنیزك چهارم قوت پنجم معیشت ششم مال هفتم سفر بود وبدانکه کفشکر درخواب مردي بود که قسمت میراثها کند ومیراث خواران را از یکدیکر جدا کند زیرا که پوستها همه مال میراثي بود کرماني کوید که کفشکر درخواب مردي بود که قسام باشد وجهد کند که شغل مردمان بصلاح آورد کف ابن سیرین کوید اکر کسي بیند که چیزي در کف داشت دلیل کند که چیزي بقدر آن از خیر وشر بدو رسد واکر بیند که کفهاي دست بر یکدیکر همیسود دلیل کند که با خویشان پیوندي کند از معني نکاح واکر بیند که پشت دستها در هم همي سود دلیل کند که فرقت از خویشان جابر مغربي کوید اکر بیند که در میان کروهي کفهاي دست در یکدیکر همیسود دلیل کند که در انجا عروسي وشادي بود واکر بیند که کفهاي دست وي ریش یا خسته شده بود دلیل کند که از کسب خویش باز ماند واکر کفهاي پاي خویش ریش یا خسته بیند دلیل کند که در سفر یا ز تحویل باز ماند واکر بیند که کفهاي خویش کشاده وقوي بود دلیل کند که بر فراخي دستي باشد واکر بسته وضعیف بیند دلیل کند بر تنکدستي حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که دیدن کفهاي دست درخواب بر شش وجه بود یکي فراخ دستي دوم مال سیوم ریاست چهارم فرزند پنجم دلیري ششم با زن حرام درشدن پس هر زیادت ونقصان که بر کف دست بیند دلیل بر آنچه کفتیم بقدار خداوند خواب بود

۱۸۶

کف دریا ابن سیرین کوید کف دریا درخواب منفعتي بود از پادشاه یا مردي بزرکوار واکر بیند که کف دریا داشت یا کسي بدو داد دلیل کند که بر قدر آن منفعتي بدو رسد از مردي بزرکوار واکر بیند که کف دریا همیخورد دلیل کند که چیزي حرام بخورد کفن ابن سیرین کوید اکر کسي بیند که کفني از بهر مرده همي ساخت دلیل کند که بقدر آن کفن از بهر آن مرده خیراتي کند واکر بیند که کفن از بهر زنده همیساخت دلیل کند که اکر آن کس معروف بود رنجي از وي بوي نرسد واکر بیند که مجهول بود از وي برسد واکر بیند که کفن مرده را معروف بو کند دلیل کند که در دنیا طریق از مرده جوید کرماني کوید اکر کسي بیند بخواب که کفن مرده همي دزدید معتبر باید که نکاه کند اکر آنکس صلح بود وپارسا دلیل کند که طالب علم غرایب بود دلیل کند که او بعلم کلام مشغول شود وسخنهاي باریك ونغز کوید ولیکن اکر مرد جهاني بود دنیا روي بدو نهد ومالهاي حرام جمع کند وسخت ناپاك بود واکر بیند که مرد کاشر الکفن همیکند وانجاي بجاي همي برد دلیل کند که مالهاي حرام بدست وي روان شود ودر امانت مسلمانان خیانت اندیشد واکر خداوند خواب مفسد وناپاك بود دلیل کند که ناپاك ومنافق وغماز بود وبفساد بر مردمان کواهي دهد وغیبت مردمان کند کلاب ابن سیرین کوید کلاب بخواب دیدن بتاویل شد دستي بود اکر بیند که کلاب بر روي ریخت دلیل کند که شد دست بود ومردمان ثنا وستایش وي کنند واکر بیند که کلاب بر کسي ریخت دلیل کند که آنکس شد دست بود اکر بیند که کلاب را همیخورد دلیل کند که غمکین ومتنکر شود واکر بیند که بسیار کلاب داشت وبهر کس همیداد دلیل کند که در دین دیاد نامش بخیر ونیکي مشتهر کردد وهرکس وي را مدح وثنا کویند واکر عالم بود خلق از علم وي بهره مند شوند واکر توانکر بود خلایق از نعمت وي منفعت یابند واکر درویش بود هرکس او را بدعا یاد آورد کلاژه بدانکه کلاژه را بتازي عقعق خوانند واو درخواب مردي بیوفا باشد وبیدین وبي پیمان واکر بیند که کلاژه فراکرفت یا کسي بدو داد دلیل کند که مردي بدین سان که کفته شد باوي دوست ونزدیك شود واکر بیند که کلاژه را

نبود همیکرد دلیل کند که مردي بدین صفت که کفته شد باوي خصومت وکفتکوي بود از سبب کاري که در دست دارد کرماني کوید اکر بیند که کلاژه را بکرفت دلیل کند که وي را با مردي بي اصل وغماز صحبت افتد واکر بیند که کلاژه از دست وي بپرید دلیل کند که بترك صحبت آن مرد بکوید واکر بیند که کلاژه باوي سخن کفت دلیل کند که از چیزهاي نهاني آکاه شود واکر بیند که کلاژه را بکشت دلیل کند که مردي بي اصل وغماز را قهر کند واکر بیند که دو کلاژه از راه خانه وي در آمدند دلیل کند که دزدان را دران خانه در آیند بطلب کالایش واکر بیند که کلاژه در خانه وي بانك بزد دلیل کند که با عیالش خصومت افتد جابر مغربي کوید اکر بیند که کلاژه را بکشت وکوشت وي بخورد دلیل کند که دشمن قهر کند وبقدر آن از مال وي بخورد کلاغ ابن سیرین کوید کلاغ درخواب مردي فاسق بدعهد بود واکر بیند که با کلاغ نبرد همیکرد دلیل کند که در غرور باطل بود واز آن کار هیچ فایده بوي نرسد واکر بیند که در سراي کلاغ بسته بود دلیل کند که مردي فاسق در سراي وي باشد کرماني کوید اکر بیند که کلاغي بشکار یا بتاکتیك بکرفت دلیل کند که غنیمتي از کسي بمکر ودروغ وباطل فرا کیرد واکر بیند که کلاغ بر شاخي درخت نشسته بودي وبانك همیداشت دلیل بر وبال ومصیبت وزوال نعمت وي باشد واکر دو کلاغ بیند دلیل کند بر سفر ورنج ومشقت بود وعلي الجمله در کلاغ هیچ خیري نباشد جابر مغربي کوید اکر بیند که کلاغ باوي سخن کفت دلیل کند که مردي غریب خبري ومنفعتي یابد یا خبري خوش بشنود واکر بیند که بانکي کلاغ شنید دلیل کند که نیک باشد واکر چهار بار شنید غم واندوه باشد واکر سه بار شنید خبر نیك باشد ودو بار بد باشد و اکر چهار بار زیادت شنید نیك باشد کلاه دانیال کوید کلاه درخواب دیدن عز وجاه باشد بقدر وقیمت کلاه واکر در سر کلاه دوکوشه بیند دلیل کند که در خدمت پادشاه بود وعمل یابد واکر بیند که در سر کلاه غازیان دارد دلیل کند که بر خصم چیره شود ابن سیرین کوید اکر کسي بیند که کلاه برسم ترکان در سر داشت

دلیل کند که بسختی منفعت یابد واگر بر سر کلاه مغان داشت دلیل کند که عز این
جهانی یابد لیکن در دین ضعیف بود واگر بیند که بر سر کلاه حاجیان داشت دلیل
کند که عز و جاه یابد لیکن برنج و سختی واگر بر سر کلاه پادشاه بیند دلیل کند که ویرا از پادشاه
حشمت و جاه بود واگر بر سر کلاه مخنثی بیند دلیل کند که از نقصان خیر و منفعت
یابد واگر بر سر کلاه آلاینان بیند دلیل کند که مال و منفعت حلال یابد واگر بر سر
کلاه نیک رنگ بیند یا ملون دلیل کند که عز این جهانی یابد لیکن دین وی بفساد بود
واگر بر سر کلاه عتابی بیند دلیل کند که شادمانه شود و منفعت یابد واگر بر سر کلاه از
برد بیند دلیل کند که خیرات دنیا و دینی ویرا حاصل شود واگر بر سر کلاهی بیند که بر سر
دستان پوشیده بود دلیل کند که کاری افتد که آن کار را از مردمان پنهان باید داشت
واگر کلاه ابریشم سیاه داشت دلیل بر خیر و منفعت بود واگر بر سر کلاه رومی بیند دلیل بر خیر
بر خیر و برکت باشد واگر بر سر کلاه از زر بیند دلیل کند که از مردمانی که بد دین باشند منفعت
واگر بر سر کلاه از سیم بیند دلیل کند که از خویش منفعت و برخورداری بیند واگر
بر سر کلاه مروارید داشت دلیل کند که پیش مردمان عزیز باشد و صحبت با کسی دارد
که دیندار و غازی باشند واگر کلاه از آهن بیند دلیل کند که از پادشاه عز و جاه
و قوت یابد واگر کلاه از چوب بیند که بر سر نهاده بود دلیل کند که خویشتن بنزد مردمان
عزیز انگارد و دروغ و محال گوید کرمانی گوید اگر کسی کلاه تابستانی بزمستان بر سر نهاده باشد
دلیل کند که کام دل یابد و برخورداری واگر بخلاف این بیند بد یابد واگر بر سر کلاه
سیاه پشمین بیند و در بیداری همان کلاه پوشد دلیل بر منفعت و خیر باشد
واگر مردمان که دستار بندند بینند نیک باشد واگر بیند که کلاه از سر وی بیفتاد دلیل کند
که از عمل معزول گردد یا غمی سخت پیش وی آید اگر بیند که کلاهی از این کلاهها که صفت
کردیم بزرگ بر سر وی نهادی دلیل کند که از مهتری جاه و منفعت یابد بر قدر و قیمت
آن کلاه واگر بیند که از سر وی کلاه برگرفتند آنکس را بد آید دلیل کند که از عز و جاه
معزول گردد واگر زنی بیند که کلاه دو گوشه بر سر نهاد دلیل کند که آن زن را پسری آید

وآن پسر پادشاه شود واگر بیند کسی که کلاه سمور بر سر نهاد یا سنجاب دلیل کند
که آن کس بدین بود اما پادشاهان را نیک باشد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که کلاهی
پوشیده باشد دلیل کند که شرف و منزلتش زیادت شود بر قدر قیمت کلاه واگر بیند
که کلاهش دریده و کهن شده بود دلیل کند که اندوهگین و مستمند شود واگر بیند که
کلاه از سر وی بیفتاد دلیل کند که از شرف و منزلت بیفتد و از حال نیک بحال بد
افتد و بعضی از معبران گفتند که مهتری هلاک شود واگر بیند که بیگانه کلاه از
سر وی بر بود دلیل کند که از مردی بزرگوار دور شود واگر بیند که کلاهش از پوست سمور
بود یا از پوست روباه بود و آنچه بدین ماند دلیل کند که شرف و منزلت یابد یا از
مردی که از دین و دیانت کامل نباشد واگر بیند که کلاهی پوشیده داشت که در بیداری
هرگز پوشیده نبود اگر آن کلاه بگونه سفید بود دلیل کند که بر جمال و بها و نیکوئی دین
وی واگر بگونه سبز بود دلیل کند بر نیکوئی طاعت و عبادت و خیرات وی واگر
بیند که بگونه سرخ بود دلیل کند بر نقصان دین و عبادت وی واگر بگونه زرد بود دلیل
کند بر بیماری وی واگر بگونه سیاه بیند دلیل کند که بد باشد مگر آنکس را که در بیداری
پوشیده باشد و عادت کرده باشد اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که کلاهی
مرصع پوشیده بود بجواهر دلیل کند که بقدر و قیمت آن جواهر منزلت و شرف و بزرگی
یابد ولیکن در دین وی نقصان پیدا شود واگر بیند که در کلاه وی آتش در افتاد دلیل
کند که پادشاه ویرا مصادره کند و بمحنت افتد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
گوید که دیدن کلاه در خواب دلیل بر بزرگی و شرف کند بقدر آنکس و بر شش وجه بود
یکی ولایت دوم ریاست سیوم بزرگی چهارم عز پنجم مقدار ششم منزلت و بدانکه
کلاه دوز در خواب دلیل بر بزرگی و شرف بود بقدر و قیمت و نیکوئی کلاه که میدارد
و بعضی از معبران گفتند که کلاه دوز کسی بود که خدمت بزرگان مثل بزرگان و
مهتران کند کرمانی گوید اگر کسی بخواب بیند که کلاه دوزی میکرد دلیل کند که عز و
جاه و بزرگی وی زیادت شود زیرا که کلاه معدن ریاست و بزرگی و بجاهست تا آن

ودیگر که بهای کلاه بستانند چون بیند که کلاه بستد نیک نباشد گل ابن سیرین گوید
اگر کسی بیند که سر وی گل شده بود دلیل بود که مال و خواسته بسیار بیابد و بعضی از
معبران گفتند که غم و اندوه از وی زایل شود واگر وام دار بود وامش گذارده شود واگر
بیند که او با مردی گل صحبت و دوستی بود دلیل کند که با مهتری توانگر دوست و آشنا
شود واگر بیند که سر وی گل بود و بعد از آن نیک شد و موی سر وی بر آمد دلیل کند که مال
و خواسته وی تلف شود و غمگین و وام دار گردد گل ابن سیرین گوید که حکم هر گلی که در
خواب بیند بر دو گونه باشد یکی آن بود که گل با بر درخت وی بود دوم آنکه از درختش جدا
بود اما آن گل که بر درخت بیند دلیل بر فرزند کند و آن گل که از درخت جدا بیند دلیل
غم و گریستن باشد و چنانکه از جمله ریاحین هیچ گلی که آنرا بقائی نبود غم و اندوه بیننده
بود واگر کسی گل سرخ بوقت خویش بر درخت بیند دلیل کند ویرا فرزندی آید و چون
بیوقت بیند دلیل کند که از سبب فرزند ویرا مصیبت رسد و چون گل را از درخت
گسسته بیند دلیل بر غم و اندوه و گریستن وی باشد کرمانی گوید که درخت گل سرخ
در خواب مهتری بود و شادکامی و سخن روا و درخت گل زرد مردی بود بازرگان و حاجت
رواکننده و درخت گل سفید دولت و عز و جاه بود واگر در سرای خویش بفصل بهار
درخت گل بیند دلیل کند که دختری بنکاح بخواهد واگر در سرای خود گل صد برگ
سفید بیند دلیل کند که از سبب فرزند شادمانه شود واگر گلها از هر گونه شکفته بیند دلیل
کند که از خویشان و اهل بیت خرم و شادمانه شود واگر بیند درخت گل از زمین جدا گشته بیند
بیند دلیل کند که مردم پیش که اهل نماز ند جابر مغربی گوید که گل همچون مردم دون همت
و بد عهد بود که با کس وفا نکنند اگر بیند که گل داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که با چنین
مردی او را صحبت افتد واگر گل بو نقش بر درخت خود بیند نیک باشد اسمعیل اشعث
گوید که گل در خواب دیدن نامه بود که از غایبی بدو رسد یا آمدن غایب بود بنزدیک
وی حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن گل در خواب بر شش وجه بود
یکی فرزند خوبروی بود دوم دوست سیوم مرد دون همت بد عهد چهارم کنیزک پنجم

غلام نیکو و زن را شوهر بود ششم نامه غایب و چون ویرا از درخت گسسته بیند غم
و اندوه باشد و گریستن گلشکر ابن سیرین گوید گلشکر و گلانگبین بخواب دیدن
غنیمت باشد و مال بسیار حلال بقدر آنکه خورده باشد اگر بیند که گلشکر داشت
یا گلانگبین یا کسی بدو داد و از وی میخورد اگر توانگر باشد دلیل کند که مالش زیادت
شود واگر بیند که بیمار بود شفا یابد واگر غمگین بود شادمانه گردد واگر وام دار بود وامش
گذارده شود واگر بیند که بسیار گلشکر یا گلانگبین داشت دلیل کند که غنیمت و مال بسیار
ویرا حاصل شود و کارهای وی بنظام گردد و حرمت و جاهش زیادت شود گل
ابن سیرین گوید اگر کسی که گل بر سینه همی خورد دلیل کند که از پس مردمان بد گوئی کند
واگر بیند که گل با خاک همیخورد دلیل کند که مال خویش بر عیال خود صرف کند واگر
بیند که آن خاک تربت مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم همیخورد دلیل کند حج بکند واگر بیند
که خانه را بگل اندود همی کرد دلیل کند که غمگین شود جابر مغربی گوید که دیدن گل در خواب
دلیل بر مال حلال بود و گل زرد دلیل بر بیماری بود و گل سرخ دلیل بر لهو و طرب بود و گل
سیاه دلیل بر غم و اندیشه بود و گل آب تیره دلیل بر غم و اندوه و ترس بود و هر چند
گل سیاه تر و گنده تر بود غم و اندوه صعبتر بود واگر بیند که در میان گل غرق شده
بود دلیل کند که در محنت و بلائی عظیم افتد و از آن رهائی نیابد واگر بیند که از میان
گل بیرون آمد و خود و جامه را پاکیزه بشست دلیل کند که از آن رنج و بلا رهائی یابد و
شادمانه حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که تاویل گل بخواب دیدن شهری
سردسیر صعبتر بود که گرمسیر گلبتین ابن سیرین گوید که گلبتین در خواب دیدن خادم
باشد دلیر و شگرف که بشگرفی مال از دست پادشاهان بیرون آورد و آن مال
بر مردمان نفقه کند اگر بیند که گلبتین در دست داشت دلیل کند که از خادمی
بد نیسان که غنیمت ویرا مالی و نعمتی حاصل باشد واگر بیند که گلبتین وی ضایع شد
دلیل کند که ویرا زیانی رسد کرمانی گوید که گلبتین بیند که چیزی از میان آتش
بیرون آورد دلیل کند که بمقدار آن چیز از پادشاه چیزی حاصل کند یا پیش پادشاه

مقرب شود **کلم** ابن سیرین گوید که چون کلم بخواب بیند که بوقت خود منفعت بود
از جهت زنان و پخته وی بهتر از خام بود و اگر بیند که کلم داشت یا کسی بوی
داد و بخورد دلیل کند که بقدر آن از زن منفعت یابد و چون بگوشت خورد
منفعتش کمتر بود جابر مغربی گوید اگر بیند کلم در گوشت پخته بود و همی خورد
دلیل کند که خیر و منفعت بسیاد بدو رسد و اگر خام خورد منفعتش اندک بود
و اگر کلم بیوقت خورد دلیل بر غم و اندیشه کند و کلم هر چه بطعم شیرین تر بود
منفعتش بیشتر بود **گلنار** بدانکه گلنار شکوفه درخت انار بود ابن سیرین گوید
که گلنار در خواب عروسی بود یا کنیزک خوبروی خاصه چون بهنگام بر درخت بیند
اگر بیند که گلنار از درخت بکست دلیل کند که از دیدار عروسی یا از دیدار کنیزک خوب
روی جدا افتد اما آن گلنار که پارسی ویرا بالی گویند اگر بوقتش خورند و بطعم شیرین
بود بقدر آن خیر و منفعت بود و اگر بطعم ترش بود دلیل بر غم و اندوه بود خاصه که نه بوقت
بیند **کلنك** ابن سیرین گوید که کلنك در خواب مردی غریب درویش بود اگر بیند
که کلنکی را گرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که با مردی غریب بپوندد و با وی نیکوئی کند و اگر بیند
که پر کلنك داشت یا گوشت وی دلیل کند که از مردی غریب او را خیری حاصل شود و گویند
که مزد و ثواب یابد سبب مردی غریب و اگر بیند که گوشت کلنك همی خورد دلیل کند که
بقدر آن چیزی از مردی غریب بوی رسد کرمانی گوید اگر کسی بیند که کلنکان را همی
چرانید دلیل کند که بر گروهی درویشان و غریبان مهتر شود و اگر بیند که بر کلنك نشسته
بود دلیل کند که بغربت شود و درویش گردد و اگر بیند که خایه کلنك داشت دلیل کند که
زن وی درویش بود **گلو** ابن سیرین گوید که گلو بخواب امانت بود و گذاردن وام اگر بیند
که گلویش از آفتها بسلامت بود دلیل کند که امانتها نگاه دارد و وامها بگذارد و اگر بیند
که رنج و آفتی در گلوی او بدید آمد تاویلش بخلاف این بود که یاد کرده شد کرمانی گوید اگر کسی
گلوی خویش سخت بستبند بملامت بود و اگر گلوی خود فراخ بیند دلیل کند که روزی بروی
فراخ شود و اگر بیند که گلوی خود تنك بیند دلیل کند که روزی بروی تنگ شود و اگر بیند

که گلوی خود دلیل و قوی بیند دلیل کند که امانتهانیك نگاه دارد جابر مغربی گوید
اگر بیند که کسی گلوی او را ببرید دلیل کند که آنکس بر وظلم و بیداد کند و یا در دین او
طعنه زنند و همچنین که هر جانوری که کشتن نشاید چون بیند که گلوی او را ببرید آن
جانور دلیل بر مردی کند که تعلق بدان جانور دارد که بدان مرد ستم کند و اگر بیند که بهیمه
گلوی ببرید بی آنکه از گوشت او خورد و بی آنکه بکشتن احتاجتش باشد دلیل کند که کار
بر و شوریده گردد و اگر بیند که گلویش را ببرید از ضرورت و از گوشتش اگر آن گوشت
بهمه حلال بود بقدر آنچه خورده باشد مال حلال بدو رسد و اگر گوشت وی حرام باشد
بقدر آن ویرا مال حرام حاصل شود و اگر بیند که گلوی کسی را ببرید دلیل کند که
بر آنکس ستم و بیداد کند و یا در دین او طعنه زنند و اگر بیند که کسی را گلو بفشرد و خفه
کرد دلیل کند که ویرا از شرف و بزرگی معزول کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
گوید گلو در خواب دخل و خرج مردم بود هر زیادت و نقصان که در گلو بیند تاویل نیك
و بد آن دلیل بر دخل و خرج مردم کند اسمعیل اشعث گوید که گلو فشردن تنگ شدن عیش
بود و اگر بیند که گلوی وی کسی معروف بفشرد دلیل کند که از آنکس عیش بروی تنگ شود و اگر
آنکس مجهول بود صعبتر باشد **کلیچه** ابن سیرین گوید که کلیچه در خواب دلیل بر عیش
خوش و نعمت و مال کند که آسان بدست آرد اگر بیند که کلیچه همی خورد دلیل کند که بر
قدر آن ویرا مال و نعمت آسان بدست آید و عیش او خوش گردد و اگر بیند که بخروار
کلیچها داشت دلیل کند که مال و نعمت بسیار او را حاصل شود و اگر بیند که کلیچه در دهان
نهاد و خوردن نمیتوانست دلیل کند که از آن مال و نعمت که او را حاصل شود هیچ هزینه
نکند و قسمت دیگران باشد و اگر کلیچه خشك بیند دلیل کند که عیش وی ناخوش
گردد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که خوردن کلیچه در خواب بر چهار
وجه بود یکی مال حلال باشد که آسان بدست آید دوم روزی فراخ سیوم نعمت بسیار
چهارم عیش خوش باشد **کلید** ابن سیرین گوید که کلید در خواب مردی کشاینده
کارها بود اگر بیند که قفلی را بکلید بکشاد و در را باز کرد دلیل کند که بقوت قوی و در دین بود

وبر دشمنان ظفر یابد و کارهای کشاده شود و اگر بیند که در دست کلیدهای بسیار
بود دلیل کند که بزرگی و منزلتی عظیم یابد **قوله تعالی** لَهُ مَقَالِيدُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ
کرمانی گوید گوید که کلید در خواب کشادن در خیر بود و بستن در شر باشد و بعضی از
معبران گفتند که کلید در بستن در شر بود و اگر بیند که در دست کلید داشت دلیل
کند که در دین سلطان بود سرانجام کارش محمود باشد دانیال گوید که اگر بیند که کلید
آهنین داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که قوت و نیکوئی یابد و اگر بیند که کلید چوبین
داشت دلیل کند که قوت و نیکوئی وی کمتر بود و اگر بیند که کلید برنجین یا آهنین یا سیمین
داشت دلیل کند که ویرا سخن روائی بود و اگر بیند که کلید زرین یا سیمین داشت دلیل
کند که گنج یابد یا مال بسیار ویرا حاصل شود جابر مغربی گوید اگر کسی در خواب بیند
که در یك دست خود کلید داشت دلیل کند که بر قدر کلید مال یابد و اگر بیند که بدست
خود کلیدهای بسیار داشت دلیل کند که مالهای بی اندازه یابد **قوله تعالی** مَا إِنَّ
مَفَاتِحَهُ لَتَنُوأُ بِالْعُصْبَةِ و بعضی گفته اند که کلید دعا و استغفار باشد و از خدای
عز و جل حاجت خواستن و اگر بیند که قفل را بکلید بکشاد و در باز کرد دلیل کند که
حاجت او روا شود و دعایش مستجاب گردد و شغلهای بسته بر دست او کشاده شود
و اگر بیند که قفل را کشادن نتوانست یا کلید بشکست یا ضایع شد تاویلش بخلاف
این بود که یاد کرده شد اگر بیند که کلید را در کلیددان بشکست دلیل کند که دعای او
خالص نبود و اگر بیند که بیك کلید دو قفل را از دو در بسته بکشاد و درها را باز کرد دلیل
کند که زنی را بنکاح بخواهد جاحظ معبر گوید اگر کسی بدست خود کلید بیند دلیل کند
او دست نماز دارنده بود باب پاك و اگر بیند که کلید از وی بیفتاد دلیل کند که اهل
نماز بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن کلید بخواب بر هشت وجه
بود یکی کشادن کارها باشد دوم فرج از غم بود سیوم شفا از بیماری چهارم یافتن مال د
پنجم قوت دین ششم بگذاردن حاجت هفتم اجابت دعا هشتم علم و دانش **کلیددان**
ابن سیرین گوید که کلیددان وی بکشاد و هیچ رنج ننمود دلیل کند که کارهای دینی و دنیایی

وی زود بر وکشاده شود و اگر بیند که کلیددان بدشواری کشاد دلیل کند که کارهای
دینی و دنیا بیخبر به بر کشاده شود سرانجام برنج و دشواری کشاید و اگر بیند که کلید
دان را کشادن نتوانست و در بسته بماند دلیل کند که کارهای دینی و دنیایی
بروی بسته بماند و از حال نیك بحال بد افتد جابر مغربی گوید اگر بیند کلید
دان در را خوار و آسان بکشاد و در را باز کرد دلیل کند که اگر غمگین بود از
غمها فرج یابد و اگر زندانی بود از زندان رسته شود و اگر بیمار بود شفا یابد
و اگر بنده بود آزاد گردد و اگر در ترس و بیم بود ایمن شود و اگر بکسی حاجت داشته باشد
حاجتش روا شود و اگر دعائی کند مستجاب شود و کارهایش بنظام گردد
کلیسا ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که اندر کلیسا شد و در انجا از سوی قبله
نماز کرد دلیل کند که آنکس سرانجام توبه کند و در دین قوی شود از بهر آنکه کلیسا
جای عبادت است کرمانی گوید اگر کسی بیند که کلیسا بود دلیل کند که میلش
با ترسایان بود خاصه که نماز سوی قبله ایشان کند و بعضی از معبران گفتند
اگر کسی خویشتن را در کلیسا بیند دلیل کند که با مردمان فرومایه و دروغ زن نزدیك
گردد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید اگر کسی در خواب بیند که اندر
کلیسا یا اندر کنشت شد دلیل کند که از خداوند خواب مستور بود و بر آن نیکی باشد
و اگر خداوند خواب مفسد و ناپارسا بود و برا بد باشد خاصه چون بیند
که آنجا مقیم شد **کلیم** ابن سیرین گوید که کلیم در خواب مردی رئیس و سرور بود
چنانکه بر خداوند خواب مهتر بود و بعضی از معبران گفتند که درویش مصلح
و گزیده بود از درویشان دین دار و با امانت و صیانت باشد کرمانی گوید اگر
مردی بخواب بیند که کلیمی یافت دلیل کند که زنی توانگر را بزنی کند و اگر این
خواب زن بیند دلیل کند که شوهری توانگر بخواهد از و خیر و منفعت بیابد
جابر مغربی گوید اگر بیند که بر کلیمی نرم و پاکیزه بنشست دلیل کند که زنی خوب
روی پارسا و سازگار بزنی بخواهد و اگر بیند که کلیم بگونه سبز بود دلیل کند که آن

زن ستیره و دیندار و با امانت باشد و اگر بیند که آن کلیم بگونه سرخ بود دلیل کند که آن
زن معاشر و طرب دوست باشد و اگر بیند که بگونه زرد بود دلیل کند که آن زن زرد روی
و بیمارگون باشد و اگر بیند که آن کلیم بگونه کبود بود دلیل کند که آن زن خداوند مصیبت
و غم و اندوه بود و اگر بیند که آن کلیم بگونه سیاه بود دلیل کند که آن زن زاهده
و عابده و باورع باشد و اگر بیند که آن کلیم بگونه ملون بود دلیل کند که این چیزها که گفتیم
در وی موجود باشد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که کلیمی بر خویشتن پوشیده داشت
دلیل کند که در پناه مهتری پارسا و با امانت مقبل بود و از وی خیر و منفعت یابد و اگر
بیند که کلیم را از خویشتن دور افکند یا کلیم او ضایع شد دلیل کند بخلاف این بود
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن کلیم در خواب بر پنج وجه بود یکی مردی
رئیس و سرور باشد دوم مهتری پارسا سیوم زن توانگر و زن را شوهر چهارم کنیزک
یا غلام پنجم خیر و منفعت باشد **کمان** دانیال گوید اگر بیند که کمان را تیر میکشید
دلیل کند که بسفر شود و با فایده باز گردد و اگر بیند که بهنگام کشیدن زه کمان برید
دلیل کند که سفرش تمام بسر نشود و باشد که در راه بازپس افتد و اگر بیند که کسی
کمانی بدو داد دلیل کند که ویرا پسری آید یا برادری و اگر بیند که کسی کمانی در غلاف بدو داد
دلیل کند که زن او آبستن شود و پسری بیاورد و اگر بیند که کمان وی بشکست دلیل کند
که از شرف و بزرگی بیفتد یا بیخی از مال او ببرد و اگر بیند که زنی پسر زه کمان او ببرید دلیل
کند که ویرا مصیبتی رسد از بهر کسی از خویشان وی که در غربت بود و اگر بیند که از
کمان تیر بیند اخت دلیل کند که بدو نامه رسد از نزد بزرگی ابن سیرین گوید اگر کسی
بیند که از کمان تیر همی انداخت دلیل کند که هم سخن حق گوید و هم سخن باطل بر قدر
انداختن براستی و کژی تیر وی یعنی اگر تیر راست اندازد و سخن راست گوید و اگر
تیر کژ اندازد و سخن دروغ گوید و اگر بیند که از بهر خویش کمان نو میساخت
دلیل کند که زن خواهد و ویرا پسری آید و اگر اینکس شرف و بزرگی دارد و منزلت
دلیل کند که شرف و منزلتش زیادت شود و بعضی از معبران گفتند اگر بیند

که از بهر

که از بهر خویش کمان بازی همیکرد دلیل کند که ویرا از پادشاهی عجمی شرف و تمکین
حاصل شود و یا زنی عربی بخواهد و ویرا پسری آید و اگر بیند که کمانی داشت
و بدو تیر انداختن نمیتوانست از سختی وی دلیل کند که ویرا از پادشاه یا از آن
که خواست پس فایده و منفعت نباشد و اگر بیند که کمان را بفروخت یا بکسی بخشید
دلیل کند که شرف و بزرگی وی بنقصان آید و بعضی از معبران گفتند که کمان بتاویل
درازی عمر بود چنانکه از پیری پشت او دوتا شود کرمانی گوید اگر بیند که کمانی بود پاکیزه
در دست داشت دلیل کند که زن خواهد و اگر بیند که کمان را بکشید دلیل کند که آن زن پایدار
بود و اگر بیند که بوقت کشیدن زه ببرید دلیل کند که آن زن پایدار نباشد و زود در میان زن
جدائی افتد و اگر بیند که کمان وی ضایع شد دلیل کند که از دیدن آن زن جدا ماند و
اگر بیند که کمانی از بهر خویش بدست خویش بساخت دلیل کند که کار او ساخته شود
و اگر بیند که کمان وی سخت بود و بوقت کشیدن نرم و سست شد دلیل کند که
زنی بنکاح بخواهد و کار او آسان برآید و اگر سفر کند بروی مبارک باشد و از آن سفر
زود بمراد باز گردد و اگر بیند که کمان سست در وقت کشیدن سخت شد تاویلش بخلاف
این بود که یاد کرده شد و اگر بیند که کمان را بفروخت و از بهایش درم یا دینار بستد دلیل
کند که آن دینار از بردن اختیار کند و اگر بهای آن کمان درم و دینار چیزی دیگر ستد
دلیل کند که مراد وی حاصل شود و حاجت وی برآید و اگر بیند که کسی کمان بزه
بوی عطا داد دلیل کند که زود زن خواهد و بر دشمن چیره گردد و اگر بیند که کمان خمیده
و کشیده بوی داد انگه کمان را کشید دلیل کند که عمر او دراز بود و اگر بیند که کمان را در
کمان دان بشکست دلیل کند که از دنیا رحلت و اگر بیند که کمانهای بسیار داشت
دلیل کند که وی را دوستان باشد که بگاه سختی فریاد او رسند اسمعیل اشعث
گوید اگر کسی بخواب بیند که کمان پاکیزه و نیکو داشت دلیل کند که کردارهای
کند نیک چون خیرات و احسان و عبادت و طاعت و حج و غزا و زکوة و
صدقه دادن و آنچه بدین ماند و از سبب کردارهای نیکو بخدای عز و جل نزدیک

شود **قوله تعالی** فَکَانَ قَابَ قَوْسَیْنِ اَوْ اَدْنٰی حضرة امام جعفر صادق
علیه السلام گوید که دیدن کمان در خواب بر شش وجه بود اول سفر باشد دوم فرزند
یا برادر سیوم زن چهارم قوت پنجم کردارهای نیک ششم مردم دوست
اندر کارها بمقدار سختی کمان و بدانکه کمان در خواب مردی بود با حرمت و نظر
پادشاه بدو افتاده بود و بقدر و قیمت نیکوئی کمان و بقدر بزرگی و کوچکی او
و بعضی از معبران گفتند که مردی باشد که مردمان را بخیرات ره نمائی کند کرمانی
گوید که کمانگری در خواب کار پادشاه بود اگر بیند که بتنها کمانگری همی کرد و کمانها
تمام همیکرد که با زنان مهتران ویرا صحبت افتد و نزدیک ایشان آمد شد کند
و شغلهای ایشان گزارد **کمانگروهه** ابن سیرین گوید که کمانگروهه در خواب سخنهای
ناخوش و غم و اندوه باشد و اگر کسی بیند که کمانگروهه در دست داشت و بدو گروهه
گل همی انداخت دلیل کند که کسی را سخن زشت گوید و دشنام دهد زیرا که کمان
گروهه در راه دین مکروه و ناپسندیده بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که کمانگروهه
بر مردمان همی انداخت دلیل کند که غمگین شود از سبب آزار مردمان اگر بیند که
کمان گروهه وی بشکست یا ضایع شد دلیل کند که آزار کس نجوید و از غم فرج یابد
اگر بیند که کمانگروهه داشت و لیکن بدو گروهه گل نمی انداخت دلیل کند که غم بدو کمتر
شود **کمان حلاج** ابن سیرین گوید که کمان حلاج که بدو پنبه همی زنند اگر کسی در خواب
کمان مردان بیند تاویلش مرد منافق باشد و اگر کمان زنان بیند تاویلش کننده بود
اگر بیند که کمان حلاج در دست داشت دلیل کند که با مردمان منافقی کند و
اگر بیند که کمان زنان داشت یا کسی بدو داد و دانست که ملک او است
دلیل کند که زنی شفاعت کننده بزنی بخواهد و اگر بیند که کمان او بشکست
و یا ضایع شد دلیل کند که از زنی بدین صفت که گفتیم جدا شود و بتر کش
بگوید جابر مغربی گوید اگر بیند که کمانی بدان صفت که زنان پنبه زنند
بخرید دلیل کند که کنیزکی سلیطه و دراز زبان بخرد و پیوسته جنگ و خصومت

کند

کند و اگر بیند که کمان حلاج بی زه خرید دلیل کند که آنچه گفتیم کمتر باشد **کمانهٔ آسمان**
ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که کمانهٔ آسمان بگونه زرد بود دلیل کند بر بیماری
و علتهای مردمان آن دیار و اگر بیند که سبز بود دلیل کند بفراخی نعمت و کسب مردم
آن دیار اندر آن سال کرمانی گوید اگر بیند که سبزی کمانهٔ آسمان بیشتر از سرخی بود
دلیل کند که در آن سال نعمت فراخ بود و پادشاه عدل کند و خلق را کسب و معیشت نیک
بود و اگر بیند که سرخی او بیشتر از سبزی بود تاویلش بخلاف این بود جابر مغربی
گوید اگر کسی در آسمان علامت سرخ بیند بکردار عمودها دلیل کند که پادشاه
آن دیار را قوت و کامکاری باشد و اگر آن عمودها که گفتیم بگونه سیاه بود تاویلش
بخلاف این بود که یاد کرده شد **کمر** ابن سیرین گوید اگر بیند که بر میان کمر بسته داشت دلیل
کند که از مردمان ویرا پشت و پناه بود و بعضی از معبران گفتند که ویرا پشت و پناه
از فرزند و یا برادر و یا از عم و خویشان باشد و اگر بیند که آن کمر بزر و جواهر مرصع کرده
بود چنانکه کمرهای پادشاهان و بزرگان دلیل کند که بر قدر آن جواهر ویرا نعمت و مال
حاصل شود که بدان پشت او قوی گردد و اگر بیند که جوهر آن کمر در و یاقوت و لعل
بود دلیل کند که چندان مال او را حاصل شود که خویشان او جمله توانگر شوند و او مهتر
شود و باشد که او را فرزندی بود محتشم و سرور کرمانی گوید اگر بیند که حلقه کمر یا
بیشتر در میان بسته داشت دلیل کند که او را مال و حشم بقیاس بود و نیز دلیل کند
که عمرش دراز بود و اگر بیند که کسی کمری نوی داد بستد و بمیان بست دلیل کند که
بسفر شود و اگر بیند که از میان وی بگسست و بیفتاد یا کسی از او بدزدید و ضایع شد
دلیل کند که مال و نعمت و پناه و بزرگی و شرف از وی زایل شود جابر مغربی گوید اگر
بیند که کمر و شمشیر در میان او بود دلیل کند که ویرا قوت و اقبال بود و مردمان از وی
یاری خواهند و اگر بیند که کمر و شمشیر وی بزر و سیم آراسته بود دلیل کند که ویرا نعمت
و خواسته حاصل گردد و اگر بیند که شمشیر بجواهر مرصع کرده بود دلیل کند که ویرا مهتری
رسد و اهل بیتش از سبب وی توانگر شوند و اگر بیند که کمرش و شمشیر بغیر از آهن

يا برنج آراسته بود هم دليل بر قوت وخواسته كند واگر بيند كه كسي وي را كمري وشمشيري
بخشيد دليل كند كه از بهر پادشاه سفر كند حضرت امام جعفر صادق عليه السلم
كه ديدن كمر در خواب بر شش وجه بود اول منفعت باشد از قبل پدر يا قبل برادر دوم
فرزند بود سيوم بزرگي وپناه چهارم عمر دراز پنجم انصاف يافتن از خصم
ششم پاك ديني باشد واگر بيند كه كمر در ميان بسته داشت دليل كند كه انصاف از
خصم خويش بستاند يا نيمهٔ از عمرش گذشته بود **كم شدن** ابن سيرين گويد اگر كسي بيند
كه كم شد دليل كند كه در آن موضع كه او بود ضايع شود زيرا كه او را بمعرفت نشناسند
وقيمتش ندانند واگر بيند كه عيال يا فرزندش گم شد دليل كند كه بجهت بهتان اندوه
گين شود جابر مغربي گويد اگر بيند كه چيزي از او گم شد اگر آن چيز بتاويل
نيك بود دليل كند كه بر قدر آن چيز او را غم ومضرت رسد واگر آن چيز بتاويل
نيك نباشد دليل كند كه زيان وغم از او زايل شود وكارش بنظام گردد **كمند**
ابن سيرين گويد اگر كسي بيند كه كمند بينداخت ومردي را بگرفت دليل كند كه باندازهٔ
كمند از بزرگي ياري خواهد واگر كمندش از رسن بود دليل كند كه ياري از مردي
نيكوكار خواهد واگر از موي خوك بود دليل كند كه ياري از مردي كافر خواهد واگر
بيند كه چون كمند بينداخت در گردن آنمرد آمد دليل كند كه ياري از مردي فريبنده خواهد
واگر بيند كه چون كمند بيفكند درميان او افتاد دليل كند كه كاري از مردي منصف خواهد
جابر مغربي گويد اگر بيند كه چون كمند بينداخت اندر دست آنمرد افتاد دليل كند
كه ياري از مردي مسافر خواهد وعزيمت بسيار كند واگر بيند كه كمند او گسسته گشت
دليل كند كه ياري از كسي بخواهد واگر بيند كه كمند را بينداخت وخصم را شو است
گرفتن دليل كند كه وي را ياري ندهد **كنار** ابن سيرين گويد كه كنار در خواب
مال بود واز ميوها هيچ ميوه را آن خاصيت نباشد وچنين گويند كه طعام آدم عليه السلم
اندر بهشت كنار بود واگر بيند كه كنار داشت واز وي همي خورد دليل كند كه
بر قدر آن وي را مالي حاصل شود وخاصه چون كنار بوقت او خورد حضرة امام

جعفر

جعفر صادق عليه السلم گويد كه كنار در خواب مال وروزي فراخ باشد زيرا كه خوردن اهل
بهشت بود واگر بيند كه بجز وارها كنار داشت دليل كند كه مال ونعمت بسيار وي را حاصل شود
از جايگاهي كه اميد ندارد وكارهاي او بنظام شود **گناه كردن** ابن سيرين گويد اگر كسي
بخواب بيند كه گناه ميكرد ونداند كه آن گناه چه بود دليل كند كه آن كس بفتنه افتد
كرماني گويد كه گناه كردن بخواب هم مصيبت وگناه بود چنانكه در بيداري
پس صلاح درانست كه از معصيت وگناه كردن توبه كند وبخداي عز وجل باز
گردد تا از عقوبت وعذاب خداي ايمن شود وكارهايش بصلاح شود
گنبد ابن سيرين گويد كه گنبد در خواب زن بود اگر گنبد پاكيزه بود ودانست كه آن
گنبد ملك اوست دليل كند كه زني خوبروي بخواهد كرماني گويد كه گنبد در
خواب بزرگي وشرف بود اگر بيند كه گنبدي داشت واندرو مقيم بود دليل كند
كه بر قدر بزرگي گنبد بزرگي وشرف يابد وبعضي از معبران گفتند اگر كسي خويشتن را
در گنبدي بلند چند دليل كند كه خير ونعمت بدو رسد حضرت امام جعفر
صادق عليه السلم گويد كه گنبد در خواب بر چهار وجه بود اول زن باشد دوم
بزرگي وشرف سيوم خير ونعمت چهارم عز وجاه **گنج** ابن سيرين گويد اگر كسي
بيند كه گنج يافت دليل كند كه بيمار شود واو را داغ نهند يا بدلها وچيزي رسد
كه او را همچنان كه داغ بود واگر بيند كه گنج ضايع شد تاويلش بخلاف اين بود
جابر مغربي گويد كه گنج يافتن در جايگاه خراب صعبتر از آن باشد كه در جايگاهي
آبادان از آن سبب كه چون بيند كه گنج در جايگاه خراب يافت بيم آنست
كه از بيماري هلاك شود يا بيماري ودرد دراز گشد وچون بيند كه گنج در جايگاه
آبادان يافت دليل كند كه زود از بيماري هلاك شود **كنجد** ابن سيرين گويد كه
كنجد در خواب مالي بود كه هر روز بر زيادت باشد اگر كسي بيند كه كنجد داشت
واز او خورد دليل كند كه بر قدر آن از وي بدانكس مال ومنفعت رسد كرماني
گويد اگر كسي بيند كه كنجد داشت ودانست كه ملك اوست دليل كند كه

از بازرگاني مال حاصل كند اما بي پايدار نباشد واگر بيند كه بجز وارها كنجد داشت
دليل كند كه بسيار مال وي را حاصل شود جابر مغربي گويد اگر بيند كه كنجد داشت
واز وي همي خورد وطعم آن ناخوش بود دليل كند كه بر قدر آن مال حرام يابد وبعضي
از معبران گفتند كه وي را غم واندوه رسد **كنده پير** ابن سيرين گويد كه كنده پير در خواب
دنيا باشد وكنده پير كه مسلمان باشد وبجامه آراسته ونيكو بيند مال حلال باشد و
كنده پير كافر كه بجامه چركن بيند مال حرام بود وكنده پير كه مجهول بود در تاويل قوي تر از
كنده پير معروف باشد وبعضي از معبران گفتند كه كنده پير مسلمان ستيره كه خوب
روي وجامه خوب بود تاويلش آن جهاني بود واين جهاني اگر بيند كه كنده پيري مسلمان
فربه بزني خواست يا ملك يا ملك او شد دليل كند كه مال ونعمت او را از حلال حاصل
گردد واگر بيند كه كنده پيري كافر لاغر را بزني خواست يا ملك او شد دليل كند كه
اموال ونعمت از حرام حاصل شود وي را جابر مغربي گويد اگر بيند كه زني كنده پير داشت
واو را از خانه بيرون كرد يا طلاق داد دليل كند كه بترك مال دنيا بكند وحرص وآز از خويش دور
كند وطلب راه آخرت كند واگر بيند كه با كنده پيري مجامعت كرد دليل كند كه مرادهاي
اين جهاني او را حاصل شود وكارهاش بنظام گردد واگر بيند كه كنده پيري چيزي از متاع بدو
داد دليل كند كه بر قدر وقيمت آن خير وقدر وجاه وبزرگي **كندرو** ابن سيرين گويد اگر كسي
بيند كه بخواب كندرو همي خورد دليل كند كه از بهر تن دارو خورد واگر بيند كه كندرو همي خاييد
دليل كند كه او را در آن جنگ افتد يا شكايت بقدر خاييدن وي كرماني گويد اگر كسي بيند
كه كندرو همي خاييد دليل كند كه سخنهاي بيهوده بسيار گويد جابر مغربي گويد اگر كسي بيند كه
كندرو داشت يا كسي بدو داد دليل كند كه غمگين ومتفكر شود زيرا كه كندرو بطعم ناخوش و
تلخست وتاويل غم واندوه باشد **كندس** ابن سيرين گويد كه كندس بخواب بيماري سبك
باشد كه زود از آن عافيت يابد واگر بيند كه كندس بسيار فرا گرفت يا كسي بدو داد دليل كند
كه روزگاري بيماري كشد وسرانجام عافيت يابد ودرست گردد كرماني گويد اگر بيند
كه كندس همي خورد دليل كند كه در رنج وغم واندوه گرفتار شود واگر بيند كه كندس به بيني

فراكوفت

فرا كوفت وعطسه مي آورد دليل كند كه حاجت او روا شود وعطسه بسيار آورد دليل
كند كه حاجتش بدشواري روا شود وبعضي از معبران گفتند كه اگر بيند كه عطسه همي
آورد دليل كند كه سخني بمراد خويش بگويد **گندم** ابن سيرين گويد كه گندم در خواب
خواسته بود كه برنج بمردم رسد واگر بيند كه گندم همي خورد دليل كند كه صالح ودين دار
بود واگر بيند كه گندم پخته همي خورد دليل كند كه غمگين شود واگر بيند كه دهان
او بشكمش پر از گندم خشك بود دليل كند كه غمهاش بآخر آمده باشد واگر بيند كه خوشهاي
گندم همي خورد دليل كند كه در آن ديار قحط پديد آيد **قوله تعالى** سَبْعَ سُنْبُلَاتٍ
خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ واگر بيند كه گندم همي كشت دليل كند كه خداي عز وجل وي را
ارزاني دارد حضرت امام جعفر صادق عليه السلم گويد كه گندم خوردن در خواب
بر سه بود يكي معزول شدن از ولايت دوم مضرت سيوم غريبي باشد اسمعيل
اشعث گويد اگر كسي بيند كه گندم نو همي خورد دليل كند كه توفيق طاعت وكارهاي خير
يابد واگر بيند كه گندم خشك بريان همي خورد هيچ خير در آن نبود واگر بيند كه بجز وارها
گندم داشت دليل كند كه بسيار مال برنج وسختي حاصل شود وبدانكه گندم فروش
مردي بود كه دنيا را با دين اختيار كرده باشد وخاصه كه بهاي گندم دينار يا درم ستاند
سبب دنيا را با آتش خود تباه كرده باشد وسرانجام از او وي را رنج واندوه حاصل آيد
واگر بيند كه بها گندم كم ستاند دين را به دنيا اختيار كرده باشد واگر بهاي گندم هيچ
نستاند آن بهتر وپسنديده تر بود زيرا كه سعادت آن جهاني يابد **كندنا** دانيال گويد
كه كندنا در خواب مردي بود كه مردمان وي را بد دستي ياد كنند ابن سيرين گويد
كه كندنا در خواب مال حرام بود وگفتار زشت وناخوش اگر بيننده خواب مصلح
ومستور بود بكوشد خويش را از خوردن آن مال حرام دفع كند واگر بيند اگر بينندهٔ
خواب مصلح ومستور نباشد مال حرام جمع كند وپيوسته در پس از سخن زشت
گويند خاصه كه كندنا خام خورد واگر پخته خورد آنچه آنچه گفتيم وي را كمتر باشد وعلى
الجمله در خواب كندنا ناديدن هيچ خيري ومنفعتي نباشد واگر نه بوقت وي بيند تاويلش

صعبتر و بدتر باشد **کندرو** بدانکه کندروی مکس انگبین بتازی کواره [illegible] خوانند و ابن
سیرین کوید اکر کسی بیند که کندرو فراکرفت یا کسی بوی داد دلیل کند که رسولی پیش او
آید و او را شادمان کند بخیر و بعد از چهار روز از قبل زنان هر مرادی و مقصودی که دارد
بزودی بیابد خاصه که بوقت روز دیده باشد کرمانی کوید که کندروی انکبین دیدن
بخواب مال حلال بود که ویرا بروزی حاصل شود و اکر بیند که بسیار کندرو داشت
دلیل کند که ویرا مال بسیار حاصل شود **کنشت** ابن سیرین کوید اکر کسی که اندر
کنشت شد و در آنجا از سوی قبله نماز میکرد دلیل کند که آنکس سرانجام توبه کند و
بخدای تعالی باز کردد از بهر آنکه کنشت جایگاه عبادتست و اکر نماز سوی قبله جهودان
کند دلیل کند که اندر دل و هوا مهر جهودان دارد کرمانی کوید اکر کنشت خویش را
بیند دلیل کند که بگفتار مردمان بدین کار کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
کوید که دیدن کنشت و کلیسا بخواب مردم مصلح را جای خیر و عبادت باشد
و مردم مفسد را جای فساد باشد **کنکر** ابن سیرین کوید کنکر بخواب بوقت خویش
خوب باشد اکر کسی بیند که کنکر بوقت خویش همیخورد دلیل کند که غم
اندیشش بیشتر و صعب تر باشد و علی الجمله در دیدن و خوردن کنکر هیچ خیر
نبود و اکر بیند که کنکر داشت و لیکن از و نخورد دلیل کند که غم وی کمتر شود **کنگی**
ابن سیرین کوید اکر کسی بیند که کنک شده بود دلیل کند که درویش و بدحال و اندوهکین
کردد کرمانی کوید اکر کسی خویشتن را بخواب کنک بیند دلیل کند بر تباهی و
نقصان دین وی چنانکه خدای عز و جل در کلام قدیم خویش بیان کرد **قوله تعالی**
صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که
کنکی بخواب بر هفت وجه بود یکی درویشی باشد دوم بدحالی سیوم غم و اندوه
چهارم نقصان عیش پنجم مصیبت از قبل خویشان ششم نقصان مال هفتم
نقصان دین بود و اکر کنکی بیند که زبانش کویا شد دلیل کند که کارهای بسته بر
او بکشاید و مرادی که از و نومید کشته بود بیابد **کنه** ابن سیرین کوید که کنه

بعونه

بخواب عیال مردم بود اکر بیند که کنه اندامش همیخورد دلیل کند که بر قدر آن عیال
از مالش بخورد و اکر بیند که بر تن چهارپایان او بسیار کنه است دلیل کند که بسیار
کس از چهارپایان او فایده یابد و از ایشان نعمت خورد جابر مغربی کوید اکر کسی بیند
که کنه را از تن خویش همی انداخت دلیل کند که عیالان از خویش دور کند که کنه را از
تن چهارپایان خویش همی انداخت دلیل کند که هیچ فایده و خیر از چهارپایان خویش
بکسی نرساند و نیز از ایشان منفعت و خیر بر و کمتر رسد حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام کوید که دیدن کنه در خواب بر سه وجه بود یکی عیال بسیار باشد
دوم خدم سیوم مال و خواسته باشد و اکر بیند که کنه را همی کشت دلیل کند بر
نقصان اینها که پیش از این بیان کردیم **کنیزک** ابن سیرین کوید کنیزک در خواب
خیر و نیکی بود بر قدر جمالش اکر بیند که کنیزک خوب چهره و پاکیزه اندام و فربه و کشاده
روی داشت دلیل کند که خیر پنهان بر و رسد لیکن از و چیز متفکر شود کرمانی
کوید که کنیزک خوبروی بخواب نیکوئی باشد اکر بیند که او کنیزکی بخرید و یرا خیر و
نیکی رسد و اکر بیند که کنیزک فروخت و یرا شر و بدی رسد جابر مغربی کوید اکر کسی
بیند که کنیزک خویش را فروخت و بها بستد دلیل کند که و یرا غم و اندوه و مضرت
رسد و اکر بیند که کنیزک بخرید دلیل کند که شادمانه و خرم شود و مال و نعمت
یابد زیرا که فروشنده درم و دینار ستاند و در تاویل غم و اندوه باشد مگر آنکه
فروشنده بها نستاند و اکر کسی بیند که او را کنیزکی برهنه بود دلیل کند که زیانی بدو رسد
و اکر بیند که کنیزکی خوبروی بتن برای او اندر آمد دلیل کند که شادی و منفعت بر و
رسد و مراد و کام دل بیابد **کهربا** ابن سیرین کوید که کهربا در خواب بیماری بود
اکر کسی بیند که کهربا داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که بیمار شود و از آن زود
شفا یابد و اکر بیند که بسیار کهربا داشت دلیل کند که رنج و سختی و منفعتی بدو
رسد و بعضی از معبران کفته اند که بیماری او دراز کشد **کوارش** ابن سیرین
کوید که هر کوارشی که بطعم شیرین و خوش بود دلیل کند بر خیر و منفعت و شادی

و هر کوارشی که بطعم ترش و یا تلخ و ناخوش بود خوردن آن دلیل بر غم و اندوه و شر و فساد
کند و هر کوارشی که بوی او خوش بود دلیل کند بر مدح و ثنا و نام آوری و هر کوارشی که
بوی او ناخوش بود تاویلش بخلاف این بود که یاد کرده شد کرمانی کوید کوارش
میوهاء شیرین خوردن دلیل بر مال و خیر و خرمی کند و کوارش میوهاء ترش دلیل بر غم
و اندوه کند کوارش داروها خوردن دلیل بر منفعت دینی کند و کوارش عود و عنبر
خوردن و آنچه بدین ماند دلیل کند بر ستایش و ثنا و آفرین **کوال** ابن سیرین کوید که کوال
در خواب دل مردم عالم بود آن چیزها که در و باشد از خیر و شر و برین قول دلیل کند که
امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام ان القلوب اوعیة فخیرها اوعاها جابر مغربی
کوید که کوال نو و بزرک و فراخ دلیل بر خیر و منفعت بسیار کند و کوال کوچک و سبک
دلیل بر خیر و منفعت اندک کند و کوال کهن و دریده دلیل بر غم و اندوه و مضرت کند
و اکر بیند که بسیار کوالها داشت دلیل کند که بر قدر آن و یرا خیر و منفعت و مال رسد
کوداب ابن سیرین کوید اکر کسی بخواب بیند که در دست او کوداب خرما بود
و بعد از آن کوداب خبیص بادام بعد از آن کوداب نان و کوداب خشخاش را در تاویل
خیر و منفعت کمتر است از کوداب های دیکر اکر کسی بیند که کوداب خرما همی خورد دلیل کند
که او را مال آسان بدست آید و خرم و شادمانه شود و اکر بیند که کوداب خبیص همیخورد دلیل
کند که بر قدر آن مال و نعمت از مردی بزرکوار بخیل برنج و سختی حاصل آید و اکر بیند که کوداب
نان همی خورد دلیل کند که از مردی صالح و پارسا خیر و منفعت یابد و اکر بیند که کوداب
خشخاش همی خورد دلیل کند که خیر و منفعتش اندک مایه بود و اکر بیند که از این کوداب ها که داشت
از وی چیزی بخورد دلیل کند که آنچه کفتیم لختی بر و رسد جابر مغربی که کوداب ها آنچه شیرین
و خوب طعم بود دلیل کند بر خیر و منفعت و نیکی و شادی و آنچه بخلاف این بود دلیل
کند بر شر و مضرت و غم و اندوه **کور** دانیال کوید که کور اندر تاویل شکی و زندان بود
اکر بیند که کوری از بهر خویش همی کند دلیل کند که احوال بر و تنک شود و بعضی کفته اند
که در آن موضع که کور کنده باشد دلیل کند که از بهر خود سرائی نو بسازد اکر کسی بیند

کورا

که و یرا در کور کردند دلیل کند که احوال و معیشت بر و بدشواری و تنکی کذرد و بعضی
از معبران کفته اند که اکر بیند که و یرا در کور کردند دلیل کند که سفر بود و اندر آن سفر شادیها
یابد **قوله تعالی** ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ اکر بیند که او را در کور کردند
و خاک بر افکندند دلیل کند که او را دین تباه شود و مرکش بی توبه ابن سیرین کوید اکر کسی بیند
که خود را در کور نهاد دلیل کند که او را در زندان کنند و اکر بیند که او در آن کور بمرد دلیل کند
که او در آن زندان بمیرد و اکر بیند که بر بام او کور همی کنند دلیل کند که او را زندکانی دراز بود
و اکر بیند که بر سر کور ایستاده دلیل کند که بر کناه مستقیم ایستاده باشد و اکر بیند که او را
زنده در آن کور دفن کردند دلیل کند که او در آن زندان کنند و نیز کارها را بر و بسته
کردد کرمانی کوید اکر کسی خویش در کور مرده دید و منکر و نکیر بیامدند و از وی سوال
کردند دلیل کند که از پادشاه آن دیار و یرا سوال و مطالبت بود هم بتن و هم بمال و اکر
جواب منکر و نکیر صواب داد دلیل بر راحت و رستکاری بود و اکر خطا داد دلیل
کند که در عذاب افتد و اکر بیند که منکر و نکیر نخست در کور و یرا نامه دادند دلیل
کند که بشمار و معاملت پادشاه درماند و اکر بیند که نامه را در دست منکر و نکیر
بستد و بدرید دلیل کند که شمار خویش با پادشاه برکذارد و اکر بیند که از کور او را
بیرون آوردند و بردار کردند دیکربار در کور نهادند دلیل کند که پادشاه و یرا بنوازد
و خلعت دهد و عز و جاه او زیادت شود و بعد از آن و یرا بزندان کند و این حال
کسی را بود که مردم پادشاه بود اما اکر این خواب بازرکان بیند دلیل کند که
شمار او با بزرکان باشد و شمار هر کس با هم جنس خود بود پس معبر باید که بقیاس
این چیزها نیک بداند تا خطائی بر و نیفتد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
کوید که کورکن در خواب مردی باشد مهتر و بزرک که بر وی بیفتد و کارهای مردم
ظاهر شود **کورستان** ابن سیرین کوید که کورستان بخواب دیدن صحبت
کردن باشد با جاهلان که اندر دین و دنیا ایشان را فساد بود و نیز مصیبت
و غم و اندوه و پشیمانی باشد از صحبت کردن با مردم بد مذهب و نیز نق به

باشد کرمانی گوید اگر بیند که گورستانی را زیارت همیکرد دلیل کند که اهل زندان را زیارت
کند واگر بیند که گورستانی باران همی بارید دلیل کند که اهل گورستان را راحت
و رحمت رسد جابر مغربی گوید اگر توانگری بیند که اندر گورستان همی رفت و
بر گورها سلام همیکرد دلیل کند که درویش همیکرد و چنانکه از مردمان گدائی کند
زیرا که گورستان جای مفلسان است واگر بیند که اندر گورستان معروف مردمان را
از گور برخواسته شود دلیل کند که اهل آن دیار را بلا و محنت رسد واگر بیند که در گورستان
گورها با زمیکرد وبعضی را مرده دید وبعضی را زنده دلیل کند که اندران ولایت بلا و
محنت و تنگی آید حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن گورستان
درخواب بر سه وجه بود یکی زندان باشد دوم غم واندوه سیوم محنت وبلا واگر بیند
که در گورستان او را زنده در گور نهادند دلیل کند که در زندان رود و کار بر وی سخت و تنگ
شود واندر سختی وبلا افتد قوله تعالی وَضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ والله اعلم
کوز درخواب ابن سیرین گوید که کوز مالی بود که برنج و سختی حاصل شود واگر بیند که بکوز
بازی همیکرد یا در دست کوزی داشت دلیل کند که بر جنگ و خصومت و بانگ و شغب
کرمانی گوید که هر کوزی که مغز دار بود و مغزش تباه شده باشد دلیل کند که بر مال حرام که برو
رسد بقدر کمی و بسیاری وی واگر مغز کوز بطعم خوش بود دلیل کند بر مال حلال واگر
بیند که کوز همی شکست و مغزش را میخورد دلیل کند که از مردی عجمی مال حاصل آرد جابر مغربی
گوید اگر کسی بیند که کوز یافت یا کسی بدو داد دلیل کند که از مردی بخیل چیزی بدو رسد
واگر بیند که کوز بسیار داشت دلیل کند که ویرا جنگ و خصومت افتد واگر بیند که مغز کوز
تلخ و ناخوش بود دلیل کند که از مردی بخیل جفا شنود واگر بیند که از مغز کوز روغن بیرون همی
کرد دلیل کند که از مردی بخیل ویرا بقدر آن خیر و منفعت رسد اسمعیل اشعث گوید
اگر کسی درخواب مغز کوز بیند دلیل کند که بقدر آن ویرا مال برسد واگر کوز با پوست
بیند دلیل کند که مال برنج و سختی بدست آرد کوز هندی ابن سیرین گوید اگر بیند
که کسی کوز هندی بدو داد دلیل کند که سخن فالگیر و منجم بشنود واگر بیند که کوز هندی

همیخورد دلیل کند دلیل کند سخن فالگیر و منجمان راست دارد و بعضی از معبران
گفته‌اند که کوز هندی بخواب مردی زفت بود یا کنیزکی هندو باشد کرمانی گوید اگر کسی بیند
که کوز هندی همی خورد دلیل کند که سخن جادووان و منجمان استوار دارد و دوست دار
ایشان باشد و علم خویش بر ایشان عرضه دارد و آنچه ایشان گویند از ایشان قبول
کند و اعتقاد دران یقین دارد کوز بویا ابن سیرین گوید که دیدن کوز بویا بخواب صلاح
دین باشد و دانستن علم شرع اگر بیند که کوز بویا بخواب همیخورد دلیل کند که از مصلحت
راه و دین اختیار کند و علم شریعت بیاموزد کرمانی گوید اگر بیند که بسیار کوز بویا داشت
و از وی خورد و نیز بکسان میداد دلیل کند که در علم حکمت یگانه و فاضل شود و ازان علم
او را منفعت بود و هم دیگران را واگر بیند که ازان کوزها و بویا نمیخورد و بکسان دیگر میداد
دلیل کند که ازان علم نه بدو منفعت رسد و نه بدیگران و بعضی از معبران گفته‌اند که
خوردن کوز بویا دلیل بر تعلیم علم نجوم کند کوزه ابن سیرین گوید که کوزه که اسفیدروی
بود از مس یا از ارزیز این جمله درخواب خادم باشد واگر کوزهٔ سفالین بیند تعبیرش
کنیزک و خدمتکار بود بر قدر آن چه دیده باشد واگر بیند که کوزهٔ سفالین نو داشت یا کسی
بود کند که ویرا کنیزکی خوبروی حاصل شود و بر قدر یا کنیزکی آن کوزه واگر بیند
که ازان کوزه آب همیخورد دلیل کند که با آن کنیزک جفت گردد واگر بیند که آن کوزه
بشکست دلیل کند که آن کنیزک بمیرد واگر بیند که آن کوزه ضایع شد دلیل کند که
آن کنیزک گم شود یا بگریزد جابر مغربی گوید که کوزه درخواب مال و نعمت باشد اگر
بیند که کوزهٔ زرین داشت یا سیمین دلیل کند که ویرا مال و خواسته حاصل شود که
دران مال شبهت باشد واگر بیند که کوزهٔ سفیدروی یا قلعی داشت دلیل کند که
ویرا مال و نعمتی حاصل شود لیکن کمتر ازان بود که از کوزهٔ زرین یا سیمین که گفتیم و
اگر بیند که کوزهٔ آهنین داشت دلیل کند که او را اندک مایه از مال و نعمت حاصل
شود لیکن با او پایدار نبود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که کوزه در
خواب بر نه وجه بود اول زنان باشد دوم خادم سیوم کنیزک چهارم دوام دین

پنجم صلاح تن ششم عمر دراز هفتم مال و نعمت هشتم خیر و برکت نهم میراث از جهت
زنان اگر بیند که از کوزه آب بخورد دلیل کند که بر قدر آن ازین چیزها که گفتیم بدو خیر و
منفعت رسد و بدانکه کوزه آویز بتازی براده خوانند و تاویلش درخواب زن بزرگ
و مهتر زاده بود و هرچه زیادت و نقصان که دران بود دران زن حاصل شود کوساله
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که گوسالهٔ نر وا فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که ویرا
پسری آید واگر گوسالهٔ ماده بیند دلیل کند که ویرا دختری آید واگر گوساله سخت خرد
بیند دلیل کند که غمگین و متفکر شود واگر بیند که گوساله بخانه برد و ویرا دست میمالید
دلیل کند که اندوهگین شود کرمانی گوید که اگر بیند که گوساله در منزل او درآمده شد
میکرد دلیل بر غم و اندوه کند واگر بیند که گوسالهٔ دشتی فرا گرفت دلیل کند که ویرا
پسری آید واگر بیند که بر پشت گوساله نشسته بود دلیل کند که با پادشاهی عجمی پیوندد
و از و بزرگی یابد جابر مغربی گوید که گوسالهٔ او بمرد دلیل کند که فرزندش از دنیا رحلت کند
واگر بیند که گوسالهٔ او ضایع شد دلیل کند که فرزندش مفارقت او جوید اگر بیند که گوساله را
بکشت و از گوشت او بخورد دلیل کند که میراث فرزند خود خورد اسمعیل اشعث گوید
اگر بیند که گوسالهٔ او بگونه سفید بود دلیل کند که فرزندش خوبروی پارسا باشد واگر
بیند که بگونه سرخ بود دلیل کند که فرزندش معاشر باشد و لهو و طرب دوست
دارد واگر بیند که بگونه زرد بود دلیل کند که فرزندش بگونه زرد روی بود واگر بیند
که بگونه سیاه بود دلیل کند که فرزندش توانگر و مستور و مبارک پی بود واگر
بیند که بگونه ابلق بود دلیل کند که فرزندش بقیاس موجود واگر بیند که گوسالهٔ
او قوی و فربه بود دلیل کند که فرزندش تندرست و نیکو حال بود اگر بیند
که گوساله ضعیف و لاغر بود دلیل کند که تاویلش بخلاف این بود گوسفند
ابن سیرین گوید که گوسفند درخواب غنیمت و خیر بود واگر بیند که گوسفندان
را همی چرانید دلیل کند که بر گروهی مهتری و بزرگی کند واگر بیند که برخی
از گوسفندان وی سفید کند و برخی سیاه دلیل کند که ازان گروه که بر ایشان

مهتری کند برخی عجمی باشد و برخی عرب واگر بیند که گوسفند بسیار او
را جمع شد و داند که ملک اوست دلیل کند که او را بسیار مال و نعمت حاصل
شود واگر بیند که گوسفندی را برگردن خود گرفته بود دلیل کند که موت کسی را بر
گردن گیرد واگر بیند که گوشت پخته همیخورد دلیل کند که او را بر قدر آن غنیمت
بود واگر بیند که گوشت گوسفند را بریان همی خورد دلیل کند که او را سرانجام
غم و اندیشه باشد واگر بیند که گوسفندی را بکشت از بهر خوردن خویش دلیل کند
که بر دشمن ظفر یابد واگر گوسفند از بهر خویشتن کشت دلیل کند که مال مردی
بخورد کرمانی گوید که گوسفند نرمیش درخواب مردی بزرگوار زفت بود
اگر بیند که نرمیش را فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که او را با مردی بزرگوار صحبت
افتد و از و بزرگی و مال یابد واگر بیند که نرمیش را حلق ببرید و همچنان رها کرد دلیل کند که بر مردی
بزرگوار ظفر یابد و مال ویرا بستاند و هزینه کند واگر بیند که بر پشت نرمیش نشست و آن
نرمیش مطیع و فرمان بردار او بود دلیل کند که بر مردی بزرگوار چیره گردد و فرمانش برد
واگر بیند که آن نرمیش بروی غالب بود و فرمانش نبرد دلیل کند که مردی بزرگوار بروی
چیره گردد و فرمانش نبرد و بر و قهر کند واگر بیند که سرونهای آن نرمیش دراز و موی
شد دلیل کند که آن مرد قوی و توانا شود واگر بیند که پشم بر تن آن نرمیش زیادت
شد که نعمت و مال آن مرد زیادت شود واگر بیند که پشم آن نرمیش را همی
برید دلیل کند از مردی زفت و بزرگوار بر قدر آن پشم مال حاصل کند واگر بیند که
بسیار نرمیشان ویرا حاصل شدند و دانست که آن جمله ملک اوست دلیل کند که بر
بسیار مردم بزرگوار فرمان دهد و ایشان را بدست خود کرداند و از ایشان خیر و منفعت
بسیار یابد و بعضی از معبران گفته‌اند که بعدد هر نرمیشی ویرا سالی بزرگی حاصل شود واگر چند
که گوشت نرمیش همیخورد دلیل کند که از مال مردی بزرگوار هزینه کند جابر مغربی گوید که ماده میش
درخواب زنی بزرگوار و کریمه بود چنانکه خدای عز و جل در کلام قدیم خویش در قصهٔ
داود بیان کرد واگر بیند که ماده میشی فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که زنی بدین صفت که

کفتیم وبرا محبت وخواستار شود وازو مال ونعمت حاصل شود واکر بیند که آن ماده
میش را بکشت واز کوشت او بخورد دلیل کند مراد وحاجتش از آن زن حاصل شود
واکر بیند که آن ماده میش از خانهٔ او بیرون شد ویا کسی ویرا بدزدید یا ضایع کشت
دلیل کند که آن زن از وجدا شود وبرچه که باشد اسمعیل اشعث کوید اکر کسی بیند
که ماده میش را کلو ببرید دلیل کند که بر زنی مستوره بهتانی بندد ولیکن اکر ماده میش
سیاه بود دلیل کند که آن زن عرب باشد واکر ماده میش سفید بود دلیل کند که آن
زن عجمی باشد واکر بیند که کوسفندان را شبانی میکرد دلیل کند که بر چندان مردم که عدد
کوسفندان است ویرا مهتری وفرمان روائی بود وبدانکه پوست کوسفندان غنیمت
ومال وی را حاصل شود واکر پوستها اندک باشد غنیمت ومالش کمتر باشد وبدانکه کوسفند
جمع کنندهٔ مال بود واکر بیند که کوسفندها با او سخن کفت دلیل کند که روزی [illegible] بر او فراخ کردد
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن کوسفند بر پنج وجه بود
یکی مهتری ۲ دوم زن بزرکوار ۳ سیوم مال ۴ چهارم فرمان ۵ پنجم جاه ومنفعت کوشت
دانیال کوید که کوشتها بتاویل هرچه پخته خورند دلیل بر نعمت ومال کند که آسان
بدست آید وکوشتها که خام خورند دلیل بر نعمت ومال کند که برنج بدست آید
وخرید وفروخت کوشتها در تاویل دلیل بر غم واندوه ومصیبت کند ابن سیرین کوید
که خوردن کوشت پخته به از کوشت بریان باشد وخوردن بریان به از کوشت
خام بود واکر کسی بیند که کوشت تن خویش همی خورد دلیل کند که غیبت اهل
وخاندان خویش کند وبعضی از معبران کفتند که کاری کند که از آن کار پشیمان
شود واکر بیند که کوشت مردم همی خورد دلیل کند که غیبت مردمان بناحق کند واکر بیند
که کوشت مردی که بر دار کرده بود همی خورد دلیل کند که مال حرام بخورد واکر آنچه خورد
اثرش دیدار بود واثرش اکر دیدار نباشد دلیل کند که مردی توانکر را غیبت کند خاصه
که کوشت خام خورد واکر بیند که چون کوشت مردم همیخورد وخون از اندام آن
کس روان شد دلیل کند که مالش بر تلف شود واکر بیند که کوشت فربه که بدیکی پخته

باشند همیخورد دلیل کند که شادی ومال ونعمت یابد واکر بیند که کوسفندی مسلوخ
پوست کنده کسی در خانهٔ او آورد دلیل کند که کسی بزرکوار وکامل در آنجا بمیرد واکر بیند
که برخی از اندام کوسفند کسی در خانهٔ او آورد دلیل کند که کسی در آن خانه هلاک
شود چنانکه اکر ران یا پای کوسفند در خانهٔ اش آورد دلیل کند که کسی از خویشان او
بمیرد واکر کوشت پهلو در آورد دلیل کند که زنی در آنجا هلاک شود خاصه که کوشت
تازه بیند مکر آنکه خداوند خواب را طبیعت چنان بود که در خواب کوشت بیند
در بیداری او را کوشت حاصل شود جابر مغربی کوید که کوشت فربه بتاویل بهتر از کوشت
لاغر باشد واکر بیند که کوشت خام همیخورد دلیل کند که غیبت مردمان کند واکر بیند که
کسی را بکوشت تازه همی کوید دلیل کند که ویرا بزبان رنجور دل کردانند یا ویرا غیبت
کند واکر بیند که کوشت بریان همیخورد دلیل کند که بر قدر آن روزی یابد باغم واندوه
واکر بیند که از قصاب کوشت بخرید وبهایش داده وآن کوشت دلیل بر
مرک کسی کند که در آن منزل بود واکر قصاب را بهای کوشت نداد وآن کوشت
را بمنزل خویش یا غیری برد دلیل کند بر هلاک کسی از درد کوش واندام کرمانی
کوید اکر کسی بیند که کوشت اژدها همی خورد دلیل کند که بر قدر آن از مال
دشمن بستاند وهزینه کند ودشمن را قهر کند واکر بیند که از کوشت اسپ
همیخورد دلیل کند که اندر میان مردمان نیک نام باشد واز پادشاه چیزی بدو
رسد واکر بیند که کوشت استر همیخورد دلیل کند که بیمار شود واکر بیند
که کوشت اشتر همیخورد دلیل کند که بر قدر آن از دشمن مال یابد واکر
بیند که کوشت اشتر بچه همی خورد دلیل کند که مال یتیم بخورد وبعد از آن بیمار
شود وشفا یابد وبعضی از معبران کفتند که از مردم ویرا خیری ومنفعتی رسد
واکر بیند که کوشت اشترمرغ همیخورد دلیل کند که از مردی بیابانی ویرا خیر ومنفعت
حاصل شود واکر بیند که کوشت اله همی خورد دلیل کند بر قدر آن از پادشاه او را
مال حاصل شود واکر بیند که کوشت آهو همی خورد دلیل کند که بر قدر آن از کنیزکی

خوبروی ویرا مال وخواسته حاصل شود واکر بیند که کوشت بز همی خورد دلیل
کند که بر قدر آن از مال دشمن قوی بدست آرد وهزینه کند واکر بیند که کوشت
برستو همی خورد دلیل کند که بر قدر آن از مال کسی که از وجدا شده بود هزینه کند اکر بیند
که کوشت بز همی خورد دلیل کند که او را مصیبت رسد وبیمار شود وبعضی از معبران
کفته‌اند که بر قدر آن مال دشمن بخورد واکر بیند که کوشت روباه همیخورد دلیل کند
که بر قدر آن مال ونعمت یابد واکر بیند که کوشت بلبل همیخورد دلیل کند که بر قدر آن مال ونعمت
یابد واز فرزند غلام ویرا منفعت حاصل شود واکر بیند که کوشت پلنک همیخورد
دلیل کند که از جنکی عظیم ناموری وشرف وبزرکی یابد واکر بیند که کوشت پنجشک
همیخورد دلیل کند که از مال زنی یا از مال فرزند بر قدر آن ویرا مالی حاصل شود
واکر بیند که کوشت بوزینه همی خورد دلیل کند که بیمار شود یا در رنج وسختی کرفتار
کردد واکر بیند که کوشت فیل همی خورد دلیل کند که بر قدر آن از سلطانی بزرک
مال عظیم یابد واکر بیند که کوشت تذرو همی خورد دلیل کند که بر قدر آن از مال
مردی بزرکوار حاصل کند واکر بیند که کوشت چرغ همی خورد دلیل کند که بر قدر آن از
پادشاه ستمکار ویرا منفعت رسد واکر بیند که کوشت جغد همیخورد دلیل
کند که بر قدر آن از مال دزدیده حرام بخورد یا مال ربا واکر بیند که کوشت چکاوک
همیخورد دلیل کند که بر قدر آن از مال فرزند بندهٔ خویش بدو منفعت رسد واکر بیند
که کوشت خر همیخورد دلیل کند که مال بسیار یابد واکر بیند که کوشت خرکوش همیخورد
دلیل کند که چیزی اندک از زن بدکردار بدو رسد وبعضی از معبران کویند که
مال یابد واکر بیند که کوشت خروس همی خورد دلیل کند که بر قدر آن ویرا از جایکاهی
دور مالی حاصل شود از شغلی دون یا از کسی دون وفرومایه واکر بیند که کوشت خوک
همیخورد دلیل کند که بر قدر آن مالی حرام خورد واندر فرایض خدای تعالی سستی
کند واکر بیند که کوشت دراج همی خورد دلیل کند که بر قدر آن از مال زن بستاند
وهزینه کند واکر بیند که کوشت راسو همی خورد دلیل کند که بر قدر آن از مردی دزد

ویرا مال حرام ومنفعت رسد واکر بیند که کوشت روباه همیخورد دلیل کند که بیمار شود
وغمی وبیمی بدو رسد واکر بیند که کوشت زاغ همیخورد دلیل کند که بر قدر آن از مردی
فاسق مال حاصل کند واکر بیند که کوشت سنکخوار همیخورد دلیل کند که بر قدر آن
ویرا از مال مردی ابله منفعت رسد واکر بیند که کوشت سوسمار همیخورد دلیل
کند که کار او رتبت انجهانی یابد واکر بیند که کوشت سار همیخورد دلیل کند که
بر قدر آن از مردی که سفر بسیار کند ویرا خیر ومنفعت رسد واکر بیند که کوشت
سک همیخورد دلیل کند که بر دشمن ظفر یابد وبقدر آن از مال وی بخورد و
هزینه کند واکر بیند که کوشت سمور همیخورد دلیل کند که بر قدر آن از مال مرد غریب
بخورد واکر بیند که کوشت سنجاب همیخورد دلیل کند که مال یابد بر قدر آن که خورده
باشد واکر بیند که کوشت سیمرغ همیخورد دلیل کند که بر قدر آن خواسته از مردی
بزرکوار بدو رسد وهزینه کند واکر بیند که کوشت شاهین همیخورد دلیل کند که بر
قدر آن از مال مردی بزرکوار وستمکر منفعت بدو رسد واکر بیند که کوشت شیرین
همیخورد دلیل کند که بر قدر آن با کسی کمراه ومحروم پیوندد واز وهیچ خیر ومنفعت
نبیند واکر بیند که کوشت شغال همیخورد دلیل کند که با خویشان ویرا بسبب تجارت
خصومت افتد واکر بیند که کوشت شیر همیخورد دلیل کند که بر قدر آن از سلطان
مال ونعمت یابد واکر بیند که کوشت طوطی همیخورد دلیل کند که علم آموزد چنانکه
ویرا منفعت نکند ونه کسان دیکر را واکر بیند که کوشت فاخته همی خورد دلیل
کند که بر قدر آن از مال زن بستاند وهزینه کند واکر بیند که کوشت فنک همی
خورد که بر قدر آن از مال مردی غریب توانکر هزینه کند واکر بیند که کوشت قمری همی
خورد دلیل کند که بر قدر آن از زنی خوبروی ویرا خیر ومنفعت حاصل شود واکر
بیند که کوشت کاو همی خورد دلیل کند که معیشت بر او فراخ کردد ونرخها ارزان
کردد وکوشت کاو فربه تر بهتر از کوشت کوسفند باشد واکر بیند که کوشت کاو
میش همیخورد دلیل کند که ویرا مال بسیار ونعمت فراوان حاصل شود واکر بیند که

کوشت کاو دشتی همیخورد دلیل کند که بر قدر آن ویرا از مال زن یا از کنیزك منفعت
رسد و اگر بیند که کوشت کبوتر همیخورد دلیل کند که بر قدر آن از مال زن ویرا حاصل
شود و اگر بیند که کوشت کوبه همی خورد دلیل کند که بر قدر آن از مال دزد ویرا بدست آید
و آن مال را هزینه کند و اگر بیند که کوشت کرك همی خورد دلیل کند که از پادشاه
ظالم ویرا بر قدر آن مالی حرام برسد و اگر بیند که کوشت کرباسو همیخورد دلیل کند
که از مال مردی که در میان مردمان فساد کند و بدو رسد و اگر بیند که کوشت کنفذ
همیخورد دلیل کند که بر قدر آن از عالمی علم حاصل کند یا از زاهدی زهد و ورع
و اگر بیند که کوشت کفتار همیخورد دلیل کند که بر زنی زشت بد و جادویی کند
و خیانت کند و ازان غافل بود و سرانجام دسته شود و اگر بیند که کوشت کلاره
همیخورد دلیل کند که بر قدر آن مال مردی که وفا ندادد ویرا حاصل شود و اگر بیند که
کوشت کلاغ همی خورد دلیل کند که مال دزدان خورد و بعضی از معبران کفته‌اند
که مال مردی دانا خورد و اگر بیند که کوشت کلنك همیخورد دلیل کند که از مردی
غریب درویش ویرا مال حاصل شود و اگر بیند که کوشت کوسفند همیخورد دلیل
کند که بر قدر آن ویرا مال و نعمت حلال حاصل شود و اگر بیند که کوشت کوسفند
کوهی همیخورد دلیل کند که بر قدر آن ویرا از مال مردی بیابانی حاصل شود و اگر
بیند که کوشت کوساله همیخورد دلیل کند که ویرا مال از فرزند حاصل شود و اگر بیند
که کوشت خرکور همیخورد دلیل کند که مال و منفعت و خیر یابد و اگر بیند که کوشت ماکیان
همیخورد دلیل کند که بر قدر آن ویرا کنیزك و خادم جمع شود و اگر بیند که کوشت ماهی
همی خورد دلیل کند که بر قدر آن از مال زن بخورد و اگر بیند که کوشت مرغ آبی همیخورد
دلیل کند که بزرکی و ولایت یابد و اگر بیند که کوشت مردم همیخورد دلیل کند که غیبت
مردم کند و اگر بیند که کوشت مرده همی خورد دلیل کند که این کس آن مرده را بدی
یاد کند و اگر بیند که کوشت موش همیخورد دلیل کند که بزنی بزرکوار دست دراز کند
و از وی مال یابد و بعضی از معبران کفته‌اند که غیبت زنان کند و اگر بیند که کوشت

نهنك

نهنك همیخورد دلیل کند که رنج و بلایی بدو رسد و اگر بیند که کوشت هدهد همی خورد
دلیل کند که بر قدر آن ویرا از مال مردی زیرك و دانا منفعت رسد و اگر بیند که کوشت همای
همیخورد دلیل کند که بر قدر آن از پادشاه ویرا منفعت رسد و کارش بلند شود و اگر
بیند که کوشت هزاردستان همی خورد دلیل کند که بر قدر آن از مال زن غلام ویرا منفعت
رسد و اگر بیند که کوشت حمام همی خورد دلیل کند که بر قدر آن از مال دشمن بخورد و
و اگر بیند که کوشت   همیخورد دلیل کند که بر قدر آن از مال دشمن بستاند و
هزینه کند حضرت امام صادق علیه السلام کوید که دیدن کوشت جانوران بر چهار
وجه بود یکی مال باشد دوم میراث سیوم توانکری چهادم اندوه و مصیبت باشد
کوش دانیال کوید کوش زن مرد بود ابن سیرین کوید اگر بیند که کوش وی بیفتاد
یا کسی ببرید دلیل کند که زن را طلاق دهد یا دخترش بمیرد یا ازین دو یکی از وی
جدا شود و اگر بیند که هر دو کوش وی بیفتاد یا بریده شد دلیل کند که زن و دخترش
هر دو بمیرند یا از و جدا شوند و بعضی کفته‌اند که اجلش نزدیك بود و اگر بیند که کوش او
کوشد چنانکه هیچ شنیدن نمیتوانست دلیل کند بر فساد دین و دیانت زیرا که شنوایی
تاویل بر دین و دیانت کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن
کوش در خواب بر هشت وجه بود یکی زن باشد دوم دختر سیوم
دوست چهادم رفیق پنجم پسر ششم غلام هفتم مال و خواسته هشتم برتر و بهتر
کوشوار ابن سیرین کوید اگر کسی بیند که هر دو کوس کوشوار داشت دلیل کند
که بنزدیك مردمان آرایش و جمالش افزون شود و اگر بخلاف این بود آرایش و جمالش
کمتر شود و اگر بیند که از هر دو کوش مروارید کرانمایه آویخته بود دلیل کند که
علم و قرآن بیاموزد و عالم و دانا کردد و اگر بیند که از یك یکی کوش او مرواریدی
کرانمایه بود و در یك دیکر هیچ نبود دلیل کند که علم قرآن بیاموزد کرمانی کوید
اگر بیند که در هر دو کوش کوشوارهای کرانمایه داشت دلیل کند که بزرکی و جاه
یابد و اگر اهل بود پادشاهی یابد و اگر بیند که کوشوارهای از مروارید خرد

بود دلیل کند که علم بیاموزد و فراموش کند و اگر مردی زن خود را بیند که دو حلقه
در کوش داشت یکی از زر و یکی از سیم دلیل کند که زن را طلاق دهد حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن کوشوار در خواب بر چهار وجه
بود یکی فزونی جمال و آرایش بود دوم آموختن علم قرآن سیوم بزرکی و جاه چهادم
غم و اندوه از سبب طلاق دادن زن والله اعلم کوشك ابن سیرین کوید اگر کسی
در خواب بیند که در کوشکی شد دلیل کند که ویرا مال و خواسته جمع شود خاصه
که آن کوشك از خشت خام و کل کرده بود و اگر آن کوشك از کچ و آجر کرده بود دلیل
کند که مال یابد اما در دین او تباهی بود و از سبب سلطان ویرا غم و اندوه رسد
و اگر بیند که پادشاه کوشکی بدو داد دلیل کند که مالش از پادشاه حاصل شود
کرمانی کوید که اگر بیند که کوشك او خراب شد دلیل کند که نعمت و مال تلف شود
و اگر بیند که آتش در کوشك او افتاد دلیل کند که پادشاه او را مصادره کند حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن کوشك در خواب بر هشت وجه بود
اول نعمت و مال باشد دوم ولایت سیوم مرتبت چهادم ریاست پنجم بزرکواری
ششم پادشاهی هفتم رامش هشتم شادی و خرمی باشد بر قدر بلندی و
نیکویی آن کوشك کوکرد ابن سیرین کوید که کوکرد در خواب غم و اندوه بود و کوکرد
زرد رنج و بیماری و علی الجمله در دیدن کوکرد هیچ خیری نباشد کون بدانکه تاویل
کون را بحرف میم بباب مقعد بیان کنیم کودك دانیال کوید
که کودکی در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که او کودك شد و بدو کتاب در
پیش معلم چیزی می آموخت دلیل کند که در غم و اندوه کرفتار شود و نیز از ان
خیر و هیچ خیر نباشد زیرا که کودك را عقل نباشد که صلاح از فساد بداند و بعضی
از معبران کفته‌اند که اگر کسی خویش را کودك بیند دلیل کند که کارش ضعیف کردد
ابن سیرین کوید که کودکی بریان کرده اگر بیند که در پیش او نهاده بود و از کوشت او
همی خورد دلیل کند که آن چیز بسیار یابد و آن کودك بحشمت و منزلتی عظیم

بر

برسد کرمانی کوید که کودك خوبروی را تاویل فرشته باشد و کودك زشت روی را منفعتی
اندك باشد اگر مردی بیند که کودك شیرخواره شده بود دلیل کند که او را از مقصود و مراد
باز ماند و اگر مردی بیند که کودکی را شیر میداد دلیل کند که او را در زندان کنند یا در
خانه بر و بسته کنند و اگر بیند که زن او کودکی را شیر داد دلیل کند که بوقت زادن سلامت
باشد کوه دانیال کوید اگر کسی خویشتن را بر کوه بلند بیند و داند که آن کوه ملك
اوست دلیل کند که مردی بزرکوار پناه خود کیرد و اگر بیند که کوه را ز جای بر کند دلیل کند
که مردی بزرکوار را قهر کند و اگر بیند که بر بعضی از کوه مقام ساخت دلیل کند که بر قدر
آن که مقام ساخت از مردی بزرکوار بزرکی و جاه یابد و اگر بیند که زکوهی بالای شد بر قدر
آن بزرکی و جاه یابد و بعضی از معبران کفته‌اند اگر بیند که بدشواری بر بالا شد غم
و رنجی بدو رسد و اگر بیند که از کوه بزیر می آمد دلیل کند که منزلت و جاه او نقصان
شود و اگر بیند که بر سر کوهی راست بایستاد دلیل کند که بر قدر بلندی کوه جاه
یابد و اگر بیند که بر سر کوهی مقام ساخت دلیل کند که بر پادشاه مقرب باشد
جابر مغربی کوید اگر بیند که بر سر کوهی نماز میکرد و بانك نماز میکفت دلیل کند
که کار او نیکو شود و ابن سیرین کوید که بر بالا شدن کوه و بر پشته زمین و بر کوه سنك
و آنچه بدین ماند دلیل کند که مقصودی که میجوید بیابد و اگر بیند که از کوه بزیر می
آمد دلیلش بخلاف این بود و اگر بیند که از کوه می آید دلیل کند از بزرکی بیفتد
و خوار و کم حرمت کردد و اگر بیند که از دامن کوه بیفتاد دلیل کند که اندوه کین شود و اگر
بیند که بر دامن کوه نماز میکرد دلیل کند که کاری کند که موافق دین باشد و اگر بیند که
از کوه باوی مردی پادشاه بود دلیل کند که از پادشاهی بزرکی و حرمت یابد و اگر
بیند که بچنید یا بیفتاد و بعد از ان قرار کرفت دلیل کند که مهتری از ان دیار بیمار صعب
کشد و بعد از ان شفا یابد و حالش نیکو شود و اگر بیند که کوه همیکند دلیل کند که
بمردی بزرك محتشم طمع کند و اگر کندن کوه بروی آسان بود دلیل کند که عطا زود
یابد اگر بیند که کوه از خاك از خاك بود دلیل کند که مهتری خبیس طبع باشد و اگر بیند

که آن کوه باکیاه سبز بود دلیل کند که مهتری جوانمرد باشد و اکر بیند که بر کوه
قاف نشسته بود دلیل کند که اجل او نزدیک آمده باشد و اکر بیند که بر کوه طور سینا بود دلیل
کند که اورا با مردی بزرکوار مناظره بود بصواب وازو خیر یابد و اکر بیند که بر کوه جودی
بود دلیل کند که اعتماد پادشاه بچیزهائی بزرک برو بود و مرادش حاصل شود قوله تعالی
فَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ و اکر بیند که بر کوه عرفات بود دلیل کند که توبه کند و بر کناه
کرده پشیمان شود و اکر بیند که بکوه لبنان بود دلیل کند که با علما ویرا صحبت افتد و اکر بیند
که بکوه تاریک بود دلیل کند که اورا هم هلاک جان بود و اکر بیند که بدرهٔ کوهی تاریک اندر
شد دلیل کند که اجلش نزدیک آمده باشد یا بزندان پادشاه کرفتار شود و اکر بیند که بر
کوهی فراخ و روشن بود دلیل کند که از پادشاهی مال یابد اسمعیل اشعث کوید اکر بیند که بر
کوهی خراب که در و سنکها افتاده بود بدشواری همیرفت دلیل کند که اورا از پادشاهی ستمکر
بیم بود و اکر بیند که درمیان دو کوه میرفت دلیل کند که تیر می انداخت که درمیان دو مرده
بزرکوار توسط کند و اکر تیر صواب انداخت سخن صواب کوید و اکر خطا انداخت سخن
خطا کوید و اکر بیند که در کوهی سوراخی بود و دران سوراخ در شد دلیل کند که از راز پادشاه
آکاه شود و اکر بیند که ازان سوراخ چیزی بیرون آورد دلیل کند که از پادشاه صلت و
عطا یابد بر قدر آنچه بیرون آورده باشد جاحظ معبر کوید اکر بیند که بکوهی بالا همیشد دلیل
کند که بخدمت مردی بزرکوار مشغول کردد و اکر بیند که از کوه سنکها بر میکرفت هر جایی
انداخت دلیل کند سخن مردی بزرکوار کوید یا دبیری کند که نامهای پراکنده فرستد و اکر
بیند که از کوه دیکر کسی سنکها می انداخت و او برمیکرفت و بکوه بر می نهاد دلیل کند
که مالهای پراکنده بشهری جمع شود و یا نامهای پراکنده و اکر بیند که کوه را بکنار کرفته
بود دلیل کند که خویشتن را بکسی بزرک بندد وازو خیر و منفعت یابد و اکر بیند
که از سر کوه بزیر افتاد دلیل کند که مراد وی بر نیاید و اکر بیند که کوهی را از دور بدید دلیل
کند که متفکر شود و اکر بیند که بر کوه از کچ و خشت پخته نردبانی بود و او بدان نر
دبان بر سر آن کوه شد دلیل کند که مرادش زود حاصل کردد و اکر آن نردبان از

کل وخشت

کل وخشت خام دید بهتر و نیکوتر باشد و اکر از مس دید بد باشد و اکر از آهن دید
قوت باشد و اکر از ارزیز دید دلیل کند که مقصودش بر نیاید و اکر بیند و اکر بیند
که بر سر کوه بلند ایستاده بود دلیل کند که خاص و مقرب باذن او کردد و با معتمد
شهی بزرک شود وازو مهتری و مال بسیار حاصل کند و بر دشمنان ظفر یابد و اکر
بیند که راست بر کوه همیشد دلیل کند که ویرا غم واندوه رسد و اکر بیند که
راست بومی شد دلیل کند که بزرکی و ریاست یابد حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام کوید که دیدن کوه درخواب بر پنج وجه بود یکی پادشاهی باشد
دوم دلیری سیوم ظفر یافتن بر دشمنان چهارم بلندی پنجم دینی شکرف باشد
کوهر ابن سیرین کوید که کوهر درخواب زنی باجمال و توانکر بود بر قدر و قیمت
آن کوهر که دیده باشد و اکر بیند که کوهری داشت دلیل کند که زنرا طلاق دهد
و یا درمیانشان مفارقت افتد و اکر کوهر بسیار دید دلیل کند که مال بقیاس
ویرا حاصل شود کرمانی کوید اکر کسی بخواب بیند که کوهری فروخت دلیل کند که بشغل
زنان درآید و دلالی کند و اکر بیند که بعضی ازان کوهرها سوراخ داشت و بعضی نداشت
دلیل کند که دلالهٔ دختران دوشیزه و زنان بیوه کند جابر مغربی کوید که کوهر سفید در
خواب فرزند بود اکر بیند که کوهری سفید بیافت یا کسی بدو داد دلیل کند که ویرا فرزندی
آید حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن کوهر بخواب بر هشت وجه
بود یکی مال مذکور باشد دوم علم مشهور سیوم فرزند معروف چهارم چیزی
کران بها پنجم زنان باجمال ششم سخن مفسد هفتم خیر و برکت هشتم کار نیکو
کردن چون خداوند خواب مستور بود و اکر مستور نبود پشیمانی بود و بدانکه
کوهر فروش بتاویل خداوند دین و علم و حکمت باشد کوچه ابن سیرین کوید
اکر بیند که در کوچهٔ آبادان و خوش بود دلیل کند که بدو خیر و منفعت رسد
خاصه که بیند که دران کوچه مردمان مصلح و پارسا اند اکر بخلاف این بیند
دلیل کند که بدو شر و مضرت رسد جابر مغربی کوید اکر بیند که در کوچهٔ فراخ

و کشاده دلکشای مقیم شد دلیل کند که کار بروی کشاده کردد و روزی بروی فراخ شود
و خرم و شادمان شود و اکر بر خلاف این بیند دلیل کند که کارهای بروی بسته
کردد و روزی بروی تنک شود و غمکین و مستمند باشد و اکر بیند که بکوچهٔ بر کذشت
دلیل کند که بدانچه کفتیم از نیک و بد که بدو اندک مایه رسد کوی زدن ابن سیرین کوید
اکر پادشاهی بیند که کوی زد دلیل کند که بر دشمنان ظفر یابد و ایشانرا قهر کند
و اکر مردی عامه بیند که کوی همی زد دلیل کند که ویرا با کسی جنک و خصومت بود و ظفر
آنرا باشد که برو غالب باشد و نیز باشد که مناظره کند و سخنهای ناحق شنود جابر
مغربی کوید که کوی زدن درخواب مردم سپاهی را نیک بود و غیر سپاهی را بد
باشد و بخصم مظفر آنکس بود که وی غافل باشد و بکوی زدن خصم را غلبت کند
کیاه ابن سیرین کوید که کیاه زاد تازه درخواب دین بود و کیاه تازه روزی
فراخ بود و نعمت و اکر بیند که درمیان کیاه زاری مقیم شد دلیل کند که بر راه دین مقیم و
ثابت باشد و اکر بیند که بر تن او کیاه رسته بود چنانکه چشم ویرا کور کرد و یا کوش ویرا
کر کرد دلیل کند که اندامی از تن وی افکار شود چنانکه از درد آن افکار شود و اکر مرده را
در کیاه زاد تازه بیند دلیل کند که سرانجام آن مرده بخیر و خوبی باشد کرمانی کوید اکر
بیند که از صحرا کیاه بخانه می آورد دلیل کند که از سفر منفعت و مال بخانه آورد و اکر بیند
که کیاه را از خانه بیرون همیریخت دلیل کند که مال خویش را بخیرات تلف کند و اکر بیند
که کیاه همیخورد دلیل کند که بیمار کردد و اکر بیند که کیاه بکسی داد دلیل کند که بقدر آن ازو
بدانکس خیر و منفعت رسد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن کیاه بخواب
بر شش وجه است یکی دین باشد دوم مال حلال سیوم فرزند چهارم ولایت پنجم منفعت
ششم نیکوئی بود کیسه دانیال کوید اکر بیند که در کیسه چیزی داشت مثل درم و دینار
و آنچه بدین ماند دلیل کند که بر قدر آن ویرا معیشت و روزی بود و اکر بیند که کیسهٔ
وی تهیست و چیزی در وی نیست دلیل کند بر کمی مال و درویشی و بیچارکی وی و بعضی
از معبران کفته اند اکر کسی بیند که کیسهٔ تهی داشت یا کسی بوی کیسهٔ تهی داد دلیل

کند که

کند که اجل وی نزدیک رسیده باشد و نامش از دنیا کم کردد ابن سیرین کوید اکر بیند
که کیسهٔ درم پیش کسی مجهول نهاده باشد دلیل کند که امانت خویش را از امانت
دار باز خواهد و اکر بیند که پیش کسی معروف نهاد دلیل کند که ویرا با کسی خصومتی
پدید آید و تد بیر کار خویش از امانت دار رسد زیرا که اصل درم خصومتست و
کیسه و انبان و آنچه بدین ماند دل و شکم مردست و در خبر آمده است که کسی بنزدیک
ابوبکر صدیق رفت و کفت ای ابوبکر درخواب چنان دیدم که کیسهٔ خویش بکشادم
و هیچ چیز در وی نیافتم ابوبکر کفت که کیسه تن مردم بود و درم سخن بود و چون کوباشد چون
در کیسه هیچ نیافتی نکر حدیث تو از دنیا بریده کردد آن مرد از آنجا باز کشت که بخانه
رود دستوری ویرا لکد زد و اورا بکشت و اکر بیند که کیسهٔ خویش را نکونسار کرد تا هر چه
در وی بود بیرون آمد چنانکه هیچ در وی نماند دلیل کند که ذکر وی از خلق منقطع کردد چنانکه
کفته شد کرمانی کوید اکر کسی کیسهٔ خویش را دریده یافت دلیل کند که از وی آشکار اکردد
و اکر بیند که کیسهٔ خویش را بدوخت دلیل کند که راز وی پوشیده بماند و اکر بیند که بر کیسهٔ
تهی مهر نهاد دلیل کند که سخن دروغ پنهان دارد و اکر بیند که کیسهٔ وی ضایع شد و اکر در
کیسه درم داشت دلیل کند که کسی را ببیند و بدو سخن وی ضایع شود و اکر در کیسه درم
نداشت دلیل کند که دروغ کوید و اکر کسی و اکر کسی بیند که کیسهٔ خویش بزن داد یا بکنیزک
دلیل کند که دل وی بکسی مشغول کردد و اکر بیند که کیسه را زرد و اژکونه بود یعنی درون
بسوی بیرون بود دلیل کند که عیالش دل بکسان داده و اکر بیند که در کیسه درم بنهره داشت
دلیل کند که دل مشغول کردد بخصومتهای کوناکون و اکر بیند که کیسهٔ وی را سر کشاده شد
و آن درمها بجمله بریخت و کیسه تهی شد دلیل کند که از خصومت فارغ شود و بعضی از معبران
کفته اند اکر در کیسه درم بنهره بیند دلیل کند اکر بازرکان بود مفلس کردد و اکر کشاورز
بود و برا هیچ منفعت نباشد و اکر پادشاه بود از ملک معزول کردد و بخصومت افتد زیرا
که درم بنهره را بتازی فلوس خوانند و اشتقاق مفلس از افلاس بود یعنی درویش پس از زین
سبب نیک نباشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن کیسهٔ تهی بر

ازل ادم کوه ۱

سه وجه بود یکی تن مردم بود دوم مال نهان سیوم درویش وبیچاره **کیسو** ابن سیرین کوید که کیسوها درخواب دیدن دلیل بر عز وقدر وجاه کند کسی کا اهل باشد یعنی علویان وشریفان وزنان وکسانی که کیسو دارند وتوانکرانرا دلیل بر مال کند وپادشاهان دلیل بر ولایت و منفعت کند ورعیت را دلیل بر فرزند خاصه که مستور بود وعلما را واهل تصوف را دوستی کرفتن با اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه وآله **کیک** ابن سیرین کوید که کیک درخواب دشمنی ضعیف بود اکر بیند که کیک ویرا بکزید دلیل کند کا از دشمن ضعیف سختی بیند که ویرا خوش نیاید واکر بیند که کیک را بکرفت وبکشت دلیل کند که آن دشمن را قهر کند واکر بیند که کیکان بسیار بروی جمع شدند وتنش را همی کزیدند دلیل کند که در زبان مردم عوام افتد وباشد که ویرا ازان مضرت رسد زیرا که کیک خون مردم مکد وخون بتاویل مال است جابر مغربی کوید اکر بیند که کیک در کوش یا در بینی وی شد وازان ویرا رنجی رسد دلیل کند که ویرا برقدر آن رنج رسد **کیکر** بدانکه کیکر بتازیه جرجیر خوانند ابن سیرین کوید که دیدن وخوردن وی دلیل بر غم واندوه کند اکر بیند که کیکر داشت یا کسی بدو داد دلیل کند کا اندوه کین شود واکر بیند که کیکر همیخورد دلیل کند که غم واندوهش بیشتر وصعبتر باشد واکر بیند که کیکر بکسی داد دلیل کند که ازو بدانکس غم واندوه رسد وعلی الجمله دیدن وخوردن وی هیچ خیری نباشد ومنفعتی نبود والله اعلم

حرف لام از کتاب کامل التعبیر

لباچه ابن سیرین کوید که لباچه زیبائی ونیکوئی وپایندکی دین بود وخاصه که بکونه سبز بود واکر لباچه از سمور یا از سنجاب یا از قاقم بود دلیل کند که پناه بمردی ستمکر وبیند یا جابر مغربی کوید کا اکر کسی بیند که لباچه سبز داشت یا پوشیده بود دلیل کند که ویرا برقدر آن از مردی دیندار وبا دیانت خیر ومنفعت رسد واکر بیند که لباچه سفید پوشیده داشت یا کسی بدو داد دلیل کند کا از مردی مصلح وتوانکر ویرا منفعتی رسد واکر بیند که لباچه سرخ کسی بدو داد ودر پوشید دلیل کند کا از مردی معاش ویرا برقدر آن منفعتی رسد واکر بیند که لباچه زرد پوشیده داشت

دلیل کند که بیمار کردد واکر بیند که لباچه زرد کسی بدو داد ودر پوشید دلیل کند که ویرا از کسی زیانی ومضرتی رسد واکر بیند که لباچه کبود پوشیده داشت دلیل کند کا اندوه ومصیبت بدو رسد واکر بیند که لباچه سیاه پوشیده داشت دلیل کند کا اینکس قاضی یا خطیب بود یا به پیداری جامه سیاه پوشد دلیل بر خیر کند واکر بخلاف این بود دلیل بر غم واندوه کند واکر بیند که لباچه دیبا وقز بر مردان را دلیل بر نقصان دین کند واکر بیند که لباچه چرکین و دریده پوشیده داشت دلیل بر محرومی وفروماندکی وی کند اسمعیل اشعث کوید زنانرا دلیل بر شادی وخرمی وکام دل یافتن کند ولباچه عتابی پوشیدن درخواب زنانرا ومردان سخت نیکو بود خاصه که بکونه زرد وسفید باشد وفراخی لباچه دلیل بر خیر ومنفعت بسیار کند وتنکی وی دلیل بر خیر ومنفعت کم کند حضرة امام جعفر صادق علیه السلام کوید که پوشیدن لباچه کوباسین وپشمین مردان را وزنانرا دلیل بر چهار وجه بود یکی زیادتی دین باشد دوم امانت کذاری سیوم صلاح کارهای دین ودنیائی چهارم خیر ومنفعت حلال **لباس** بدان که لباس بتازی پوشش تن بود ابن سیرین کوید که لباس تابستان اکر کسی پوشیده بیند دلیل کند که خیر ومنفعتی بدو رسد برقدر وقیمت آن لباس واکر بیند که لباس زمستان بتابستان پوشیده داشت دلیل کند که حال بروی مختلف ومتغیر کردد واکر مردی بیند که لباس زنان پوشیده داشت دلیل کند که مالش بر زیادت شود اما ترس وبیمی عظیم بدو رسد لیکن سرانجام ازان ترس وبیم خلاص یابد اکر زنی بیند که لباس سلاح مردان پوشیده داشت دلیل کند از تعبیر که خبر آن بشوهر او رسد کرمانی کوید اکر کسی لباس خود را بتر ازان بیند که بپیداری پوشیده باشد دلیل کند که کارش بد شود واکر بهتر بیند دلیل کند که کارش بهتر کردد واکر بر خویش لباس مهترانه بیند دلیل کند که مهتر کردد واکر بر خویش لباس فاسقان بیند دلیل کند که کناه بسیار کند واکر بیند که لباس سلاطین پوشیده داشت دلیل کند که حال وی قوی کردد وکارش بنظام کردد

جابر مغربی کوید اکر کسی بیند که لباس پادشاهان پوشیده داشت دلیل کند کا از پادشاهان خیر ومنفعت یابد اکر بیند که لباس علما پوشیده داشت دلیل کند که برقدر آن لباس از علم بهره یابد واکر بیند که لباس صوفیان پوشیده داشت دلیل کند کا از دنیا دست بدارد وراه آخرت کزیند واکر بیند که لباس توانکران پوشیده داشت دلیل کند که بجمع کردن مال حریص شود وخواستار دنیا شود واکر بیند که لباس ترسایان پوشیده داشت دلیل کند که دلش مایل باندیشان کردد واکر بیند که لباس فاسقان پوشیده داشت دلیل کند که بکناه فسق کراید حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن لباس درخواب نیکو بر هفت وجه بود یکی دین پاک دوم توانکری سیوم عز وجاه چهارم رفعت پنجم عیش خوش ششم عمل نیکو هفتم عدل باشد **لبها** ابن سیرین کوید که لبها درخواب لب زیرین تر فاضلتر از لب بالائین باشد وبعضی از معبران کفته اند که لبها در تاویل قرابت وخویشاوند بود اکر بیند که لب بالائین او از جای زایل شد دلیل کند که نعمت ومال بروی زوال یابد واکر بیند که لب زیرین وی از جای زایل شد دلیل کند که جفت وی بمیرد واکر بیند که کسی لب بالائین او از جای زایل شد دلیل کند که نعمت ومال بروی زوال یابد واکر بیند لب زیرین وی از جای زایل شد دلیل کند که جفت وی بمیرد واکر بیند که کسی بالائین او ببرید دلیل کند که کسی مال او تلف کند وبزبان آرد واکر بیند که کسی لب زیرین وی ببرید دلیل کند که زنرا طلاق دهد یا زن ویرا هلاک کند اکر کسی هر دو لب خود را افتاده بیند دلیل کند که ویرا مصیبتی رسد از جهت کسانی که ویرا اعتماد کنند یا از جهت مادر وپدر وبعضی از معبران کفته اند که او غماز بود واکر لبهای خویش را دردمند بیند دلیل کند که غمکین ومستمند کردد واکر بیند که لبهاش بهم دوشیده شد چنانکه کشادن آن نتوانست دلیل کند که کارهاش بسته کردد واکر زنی برلب خویش خالی سیاه بیند دلیل کند که عز وجاه وی زیادت شود واکر بیند مردی مالش زیادت کردد جابر مغربی کوید اکر کسی بیند که لب را بدندان کرفت وخسته کرد دلیل کند که درمیان خویشان وی خصومتی افتد عظیم چنانکه بیم هلاک بود واکر بیند که لبهای وی سیمین

سیمین کشته بود دلیل کند کا از کسانی که معتمد وی باشند وفا نیابد واکر بیند که لبهاش سنکین کشته بود دلیل بد باشد واکر بیند که لبهای وی آماس کرده بود دلیل کند که مال وی زیادت شود واکر بیند که لباس سرخ بود دلیل کند که سخن وی روان کردد واکر بیند که لبهاش زرد شده بود دلیل کند که بیمار شود واکر بیند که لبهاش سیاه شده بود دلیل کند کا از جهت دوستان معتمد بدو غم واندوه رسد واکر بیند که لبهاش سبز یا سفید شده بود دلیل کند که سخن وی نا روا بود واکر بیند که لبهاش سست وضعیف شده بود دلیل بد بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که لب بالائین دلیل بر پسران کند ولب زیرین دلیل بر دختران کند وهر زیادت ونقصان که بر لبها بیند دلیل نیک وبد بر پسران ودختران وی کند **لحیف** ابن سیرین کوید که لحیف درخواب زن بود اکر کسی بیند که لحیف نو کسی بدو داد دلیل کند که زن خواهد واکر بیند که لحیفی نو بخرید دلیل کند که کنیزکی دوشیزه بخرد واکر بیند که لحیف ویرا کسی بدزدید یا باتش بسوخت دلیل کند که با زن خویش جنک وخصومت کند وباشد که طلاقش دهد یا از وی جدا شود واکر بیند که لحیف وی دریده وچرکین بود دلیل کند که عیالش سلیطه وناسازکار بود ومهر ووفا ندارد جابر مغربی کوید اکر کسی بیند که لحیفی نو داشت که بکونه سبز بود دلیل کند که زنی بخواهد وآن زن دنیادار ودیندار وبا دیانت بود واکر بیند که لحیف وی بکونه سفید وپاکیزه بود دلیل کند کا آن زن پارسا وتوانکر باشد واکر بکونه سرخ بود دلیل کند که زنش معاشر وطرب دوست بود واکر بیند که بکونه زرد بود دلیل کند که زنش زرد روی وبیمارکون باشد واکر بیند که بکونه کبود بود دلیل کند که زنش مصیبت رسیده واندوهکین بود واکر بیند که بکونه سیاه بود دلیل کند که زنش عالمه یا زاهده باشد واکر اهل آن نبود زنش مستمند واندوهکین باشد واکر بیند که بکونه ملون بود دلیل کند که زنش فریبنده ومحیل باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که لحیف بخواب چون نو وپاکیزه باشد بر سه وجه بود یکی زن عالمه دوم کنیزک دوشیزه سیوم عز وجاه برقدر وقیمت لحیف

لرزیدن اندامها ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سر وی همی لرزید دلیل کند که از
پادشاه بدو رنج و سختی رسد و اگر بیند که گردنش همیلرزید دلیل کند که در امانت گذاری
سست و ضعیف بود و اگر بیند که کفهای وی همیلرزید دلیل کند که آهستگی ندارد و
بعضی از معبران گفتند که بادکشیدن مردمان شود و اگر بیند که دستهای وی همیلرزید
دلیل کند که از تنگی معیشت و بیکسی بدو رنج و سختی رسد و بکار کسب حلال افتد و اگر
بیند که سینهٔ وی همیلرزید دلیل کند که از سبب سختی سخت کر شود بدو غم
و اندوه رسد و اگر بیند که شکم وی همیلرزید دلیل کند که از سبب عیالان بدو رنج
و سختی رسد اگر بیند که پشت وی همیلرزید دلیل کند که از مردی که قوت و
پناه وی از و بود رنج و سختی رسد اگر بیند که پای وی همیلرزید دلیل کند که
در سفر بدو رنج و سختی رسد و اگر بیند که جملهٔ اندامهاش همیلرزید دلیل کند که از
سبب مقصودی و مرادی که در و نش بود رنج و سختی بدو رسد دانیال گوید که لر
زیدن اندامها بخواب دلیل بر مضرت و نقصان کند که بدو رسد بهر وجه که باشد
حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که لرزیدن اندامها در خواب بر چهار
وجه بود یکی عزت و ضعف احوال مردم دوم ترس و بیم سیوم غم و اندوه چهارم مضرت
و بیماری لرزیدن چیزها ابن سیرین گوید که اگر کسی بیند که آسمان همیلرزید دلیل کند که در آن
دیار فتنه و ظلم بسیار بود اگر بیند که آفتاب با ماه همیلرزید دلیل کند که پادشاه آن دیار
را رنج و آفتی سخت از جایگاهی بدید آید و اگر بیند که ستارگان همی لرزیدند دلیل کند
که فتنه و آشوبی در بزرگان پادشاه افتد و اگر بیند که زمین همیلرزید دلیل کند که آفت
رسد مردم آن دیار را بقدر لرزیدن آن زمین و اگر بیند که کوه همی لرزید دلیل کند که پادشاه
آن دیار را رنج و آفت رسد بقدر لرزیدن کوه جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که عرش همی
لرزید دلیل کند بر فساد و پیدایی علماء آن دیار و اگر بیند که لوح یا قلم همیلرزید دلیل
کند بر فساد و معصیت دبیران و خداوندان علم و اگر بیند که هر هفت آسمان
همی لرزید دلیل کند بر عذاب و خشم خدای تعالی بر اهل آن دیار از سبب فساد و

معصیت ایشان و اگر بیند که ماه و آفتاب و جملهٔ ستارگان همی لرزیدند دلیل کند بر
جنگ و خصومت پادشاهان آن دیار و قتل و خون ریختن بسیار در آن ولایت
و رنج و محنت و ناایمنی مردمان و اگر بیند که کوشک پادشاه یا سرای وی همیلرزید
دلیل کند که پادشاه آن دیار در محنت گرفتار شود و اگر بیند که مسجدی جامع همی
لرزید دلیل کند بر فساد و معصیت علما و زاهدان و اگر بیند که خانهٔ وی همیلرزید دلیل
کند که محنت و آفتی بوی و اهل وی رسد و اگر بیند که تن وی همیلرزید دلیل کند بر معصیت
و فساد دین و علی الجمله هر چیزی که در خواب بیند که از موجودات که همی لرزید یقین دان
که در آن هیچ خیر نباشد جز مضرت و رنج و آفت لشکر ابن سیرین گوید اگر کسی بیند
که لشکر در جایی بود یا در آنجای لشکر فرا گرفت و اهل آن موضع را رنج و گزند همی رسانید
دلیل کند که بدان قدر که در خواب دیده باشد و اگر بیند که لشکر در آن جایگاه هیچ
گزند نرسانید دلیل کند که اهل آن موضع را از هیچ هیچ گزند نرسد کرمانی گوید اگر کسی در
خواب لشکری آراسته بیند با سلاحهای تمام دلیل کند بر قوت و نصرت آن شهر
که لشکر از آنجا نبرد دلیل کند بر قوت و نصرت آن شهر که آن پادشاه که آن لشکران
وی باشد و اگر لشکری شکسته بیند دلیل بر عاجزی و ضعیفی مردم آن شهر و آن پادشاه
کند که آن لشکر از وی باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن
لشکر بخواب بر پنج وجه بود یکی ملخ باشد دوم سیل سیوم باد سخت چهارم جنگ
و خصومت پنجم بلا و محنت همچنانکه بیند اما اگر لشکر مسلمان باشد شر و آفت این چیزها
که گفتیم کمتر باشد و اگر لشکر کافر باشد این چیزها که گفتیم بیشتر صعبتر باشد لعل
ابن سیرین گوید که لعل در خواب زنی بود بزرگوار با جمال باشد و اگر بیند که لعل فرا
گرفت یا کسی بدو داد یا بخرید دلیل کند که زنی بدین صفت که گفتیم با پاکیزگی
بخرد و اگر زنش بود دلیل کند که دختری خوبروی بزاید و اگر بیند که لعل بسیار داشت
چنانکه به پیمانه همی پیمود یا جوالها پر از لعل داشت دلیل کند که وی را بر قدر آن مالی حاصل
شود لیکن در دین مکروه بود جابر مغربی گوید اگر بیند که مردی آشنا پارهٔ لعل بدو

داد دلیل کند که بر قدر قیمت آن زنی توانگر و خوبروی بزنی بخواهد از خویشان و
قبیلهٔ خویش و اگر بیند که مردی بیگانه پارهٔ لعل بدو داد دلیل کند که زنی مجهول با بدان
صفت که گفتیم بزنی خواهد و اگر بیند که زنی جوان لعلی بدو داد دلیل کند که وی را
دختری خوبروی بیاید و اگر بیند که گنده پیری لعل بدو داد دلیل کند که بقدر آن وی را
نعمت و مال دنیا حاصل شود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن
لعل در خواب بر چهار وجه یکی زن باشد دوم کنیزک سیوم دختر چهارم نعمت
و مال دنیا لعوق بدانکه لعوق بتازی لیسیدن باشد ابن سیرین گوید اگر بیند که لعوقی
که او بطعم شیرین بود و بوی و طعم خوش داد خوردن آن بخواب دلیل بر خیر
و منفعت کند چون لعوق انار شیرین و لعوق بادام و جلغوزه و خشخاش و آنچه
بدین ماند و اما آن لعوق که او بطعم تلخ و ترش بود و از وی بوی ناخوش آید دلیل خوردن
آن در خواب بر شر و مضرت کند چون لعوق انار ترش و لعوق اصل السوس و آنچه
بدین ماند جابر مغربی گوید که خود چون بیند که لعوق انار شیرین همیخورد دلیل کند که وی را از
زنی خیر و منفعت رسد و اگر بیند که لعوق بادام یا لعوق جلغوزه همیخورد دلیل کند
که وی را از مردی بخیل چیزی برنج و سختی حاصل شود اگر بیند که لعوق خشخاش همیخورد
دلیل کند که از مردی فرومایه وی را منفعت اندک رسد و خوردن لعوقها و دیگر دلیل
بر غم و اندوه و اندیشه کند تا اینقدر معلوم باشد لفاح بدانکه لفاح بتازی کو تنبوید
باشد ابن سیرین گوید که دلیلش در تاویل بیماری بود اگر بیند که لفاحی فرا گرفت یا
کسی بدو داد دلیل کند که بیمار شود و اگر بیند که لفاح همیخورد دلیل کند که بیماری
وی صعبتر باشد و اگر بیند که او بکسی لفاح داد دلیل کند که آنکس بیمار شود
جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که لفاح را بوی همیکرد دلیل کند که سخنهای خوش
شنود و اگر بیند که لفاح بسیار داشت دلیل کند که مال و منفعت یابد خاصه که
لفاح سبز فام بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن لفاح در
خواب بر شش وجه بود یکی سخنهای خوش بود دوم مال سیوم فرزند

چهارم دوست پنجم رفیق ششم غلام بود لفافه بدانکه لفافه بتازی
پای تاوه بود و شرح تاویل آن بباب پی بباب پای تاوه بیان کردیم لقلق
ابن سیرین گوید که لقلق در خواب مردی بود با حسب و نسب و تبار بسیار
و بی آزار و عاقبت اندیش اگر بیند که لقلقی فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که
مردی بدین صفت که گفتیم وی را صحبت افتد و اگر بیند که لقلقی را بکشت دلیل کند
که دشمنی بزرگ بر دست وی هلاک شود و اگر بیند که لقلق با وی سخن گفت
دلیل کند که کاری کند که مردم را از آن شگفت آید و از مهتری بزرگ وی را خیر و
منفعت رسد و اگر بیند که لقلق بر بام وی نشست دلیل کند که مهتری در خانهٔ وی
مهمان آید و اگر بیند که لقلق از دست وی بپرید و برفت دلیل کند که از صحبت مردی
دهقان جدا ماند و پشیمان شود و اگر بیند که گوشت لقلق همیخورد دلیل کند که بر
قدر آن از مال دهقان بخورد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید
که دیدن لقلق در خواب بر چهار وجه بود یکی مرد دهقان باشد دوم پادشاه
ضعیف سیوم پاسبان چهارم غریبی و درویشی و بیچارگی لقمه بدانکه لقمه بتازی
نواله بود که در دهان نهند ابن سیرین گوید اگر بیند که کسی لقمه از طعام لطیف
و شیرین در دهان وی نهاد دلیل کند که آنکس سخنی خوش بدو گوید یا از فرزند و خویشاوندان
و دوستان وی کسی بوسه بدو دهد و اگر آن لقمه از طعام غلیظ و ترش بود
دلیل کند که تاویلش بخلاف این بود جابر مغربی گوید اگر کسی لقمهٔ چرب و شیرین در
دهان وی نهاد و آن کس مصلح بود دلیل کند که بر قدر آن وی را مالی مکروه حاصل
شود و اگر بیند که کسی لقمهٔ گرم در دهان او نهاد چنانکه دهانش را بسوخت دلیل
کند که از سخن کسی در بلا افتد و گرفتار شود و اگر بیند که لقمه در گلوی وی فرو نمیشد
دلیل کند بر بستگی کار و غم و اندوهی سخت که بدو رسد اگر بیند که لقمه در گلوی وی
آسان فرو میشد تاویلش بخلاف این بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
گوید که لقمه در دهان کسی نهادن در خواب دلیل کند بر سه وجه یکی بوسه دادن

بفرزند؛ دوم سخن لطیف کفتن با وي؛ سیوم مال ومنفعت بود؛ **لقوه** ابن سیرین کوید
اکر کسي بیند که روي وي از علت لقوه کج شده بود دلیل کند که بنزدیك مردمان حقیر
وخوار شود واکر بیند که علت لقوه داشت لیکن در زمان از وي زایل شده ورست
وبسلامت کشت دلیل کند که مردمان اورا اورا حقیر وخوار دارند ولیکن بزودي
بنزدیك مردمان وي عزیز وکرامي شود واکر بیند که رویش سخت خوب وپاکیزه شد
دلیل کند که مردمان ویرا عزیز وکرامي دارند حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
کوید اکر کسي بیند که روي از علت لقوه کج شده بود دلیل کند بر آشکارا شدن بدعت
ونقصان دین وي وبعضي از معبران کفتند که لقوه درخواب دلیل بر منافقي کند
که با مردمان سخن بنفاق کوید **لکام** ابن سیرین کوید اکر کسي بیند که لکام اسپ وي
بکسست یا ضایع شد دلیل کند که در شرف وبزرکي وي نقصان شود واکر بیند که
لکام برسر داشت چنانکه بر اسپان بود دلیل کند که روزه دارد واز کناهان توبه کند
وسخنهاي نابکار چنانکه امیر المؤمنین وامام المتقین علي ابن ابي طالب علیه الصلوة و
السلام کفت که هرکس که ترسکارتر بود لکام در دهانش بود جابر مغربي کوید که
لکام برسر بندهٔ نیك که پیوسته بفرمان خواجه باشد وبرسر آزاد نیکباشد وبعضي
از معبران کفتند که لکام بینندهٔ خواب ادب وفرهنك باشد ولکام درخواب
مردي بود که ادب وفرهنك آموزد مردمان را حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم کوید که دیدن لکام درخواب بر سه وجه بود یکي شرف وبزرکي باشد؛
دوم روزه داشتن وخاموش بود؛ سیوم ادب وفرهنك بود در کارها وتیمار
دارنده ولکام فروش در تاویل خداوند تدبیر وولایت باشد ودر دست کنندهٔ
کارها وتیمار دارنده **لکد زدن** ابن سیرین کوید اکر کسي بیند که کسي را لکد همیزد دلیل کند که
آنکس را رنج برساند واکر بیند که مردي معروف ویرا لکد زد دلیل کند که از وي یا از
باطش ویرا رنج وزیاني رسیده باشد واکر آن مرد مجهول بود دلیل کند که از دشمن
ویرا رنج ومضرت رسد واکر بیند که اسپ ویرا لکد زد دلیل کند که در شرف وبزرکي

وي نقصان

وي نقصان آید وبعضي از معبران کفتند که عیالش بمهات مشغول کردد
جابر مغربي کوید اکر بیند که مردي ویرا لکد زد دلیل کند که از کسي ویرا زیاني رسد
واکر بیند که زني ویرا لکد زد دلیل کند که از سبب زني متفکر واندوهکین شود واکر
بیند که کنده پیري مجهول ویرا لکد زد دلیل کند که احوال دنیا بروي بد شود یا
مال وي تلف کردد واکر بیند که اسپ ویرا لکد زد دلیل کند که ویرا اندوه ومضرتي
رسد واکر بیند ویرا اشتر لکد زد دلیل کند که از مردي محتشم رنجي وزیاني بدو رسد
واکر بیند که خر ویرا لکد زد دلیل کند که از بخت وي کارش بخلل آید واکر بیند که استر
ویرا لکد زد دلیل کند که از سفر ویرا رنج وزیاني رسد واکر بیند که کاو ویرا لکد زد
دلیل کند که در آن سال رنج وزیاني بدو رسد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
کوید که لکد زدن درخواب بر چهار وجه بود یکي نقصان شرف وبزرکي باشد؛ دوم
مضرت؛ سیوم غم واندوه؛ چهارم فساد عیال بود؛ **لك** ابن سیرین کوید اکر
بیند که لك داشت دلیل کند که از کسي فرومایه بدو منفعت اندك رسد واکر بیند
که لك را بر آتش دود همیکرد دلیل کند که نامش در آن دیار بنیکي منتشر کردد واکر بیند
که لك را همیخورد دلیل کند که غمکین ومتفکر شود واکر بیند که کارد دسته بلك محکم
همیکرد دلیل کند که در میان دو کس مصالح وپیوندي کند **لوبیا** ابن سیرین کوید که
لوبیا خوردن بخواب اکر بوقت بود واکر بیوقت واکر پخته بود واکر خام این جمله
دلیل بر غم واندوه واندیشه کند وحکم تر وخشك وي یکسان بود واکر نخورده
باشد غم واندوهش کمتر بود وعلي الجمله دردیدن وخوردن لوبیا درخواب
هیچ خیر ومنفعتي نیست **لوح محفوظ** ابن سیرین کوید که لوح محفوظ بتاویل مردي
عالم وامانت دار ونیکخو بود وبعضي از معبران کفتند که مردي مصلح بود که
کمال خویش در راه حق هزینه کند کرماني کوید که لوح محفوظ بتاویل علم وحکمت
وقرآن بود چنانکه خداي عز وجل در قرآن مجید فرمود قوله تعالی بَلْ هُوَ قُرْآنٌ
مَجِيدٌ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ؛ پس چون قرآن بلوح محفوظ در است دلیل کند که

تاویلش آنست که یاد کرده شد جابر مغربي کوید اکر کسي لوح محفوظ را کوچك وحقیر
بیند دلیل کند که حال وي بد شود واکر بیند که بقلم بر لوح محفوظ همي نبشت دلیل کند
که کارش بهر وجهي روان کردد واکر بیند که قلم بر لوح محفوظ همي رفت دلیل کند که
ویرا با پادشاهي بزرك شغلي افتد ودر آن شغل فرمان وي روا شود واکر بر لوح
محفوظ نام خود نبشته بیند دلیل کند که مرك وي نزدیك آمده باشد حضرت
امام جعفر صادق علیه السلم کوید که این لوح که کودکان بروي چیزي آموزند اکر
کسي درخواب بیند دلیل بر شش وجه بود یکي ریاست بود؛ دوم پسر؛ سیوم علم؛
چهارم هدایت؛ پنجم فرمان روایي؛ ششم علم وحکمت بود؛ **لوزینه** اکر بیند که
کسي لوزینه بشکر در دهان وي نهاد ابن سیرین کوید از کسي سخني خوش ولطیف
شنود واکر بیند که لوزینه بشکر داشت دلیل کند که بر قدر آن ویرا مال ونعمت حاصل
شود واکر بیند که بکسي یك لوزینه داد دلیل کند که آنکس را سخن خوش ولطیف کوید
والا از بهر وي کاري کند پسندیده ونیك جابر مغربي کوید که لوزینه خوردن بخواب
مال ونعمت بود اکر بیند که لوزینه بخرید یا کسي بدو داد یا همیخورد دلیل کند که بر قدر آن
مال ونعمت حلال ویرا روزي شود واکر بیند که لوزینه بخورد دلیل کند که از وي بدانکس
مال ونعمت رسد واکر بیند که لوزینه ضایع شد یا کسي از وي بدزدید دلیل کند که بر قدر
آن ویرا مضرت ونقصان مال بود **لنکي** ابن سیرین کوید اکر کسي بیند که لنك
شده بود دلیل کند که در کارها طلب کند از خیر وشر سست وضعیف بود وتوانایي
ندارد بکزاردن شغلها که خواهد وبعضي از معبران کفتند اکر کسي خویشتن را
لنك وحقیر بیند دلیل کند که در چشم خویشان خوار وحقیر کردد کرماني کوید اکر
کسي خود را لنك بیکپاي یا بدو پاي دلیل کند که شکسته دل بود در دین ودر دنیا مقصودش
بر نیاید واکر خود را لنك ومادرزاد بیند دلیل کند که در کارهاي خیر فرو ماند وتوفیق
نیابد بنیکي کردن واکر بیند که خویشتن را عمدا لنك ساخت چنانکه کاهي لنك میرفت
وکاهي راست دلیل کند که از کسي یاري خواهد بکار ومعیشت خویش واکر بیند

که لنکبود

که لنکبود وبعصا همیرفت دلیل کند که از کسي یاري خواهد که مردمان بروي اعتماد کنند
ومرادش حاصل شود واکر بیند که بقصد خود لنك ساخت ودست بر پاي خویش نهاد
ومیرفت دلیل کند که بظاهر بر کسي اعتماد کند وآن اعتمادش حقیقي نبود جابر
مغربي کوید اکر کسي خویشتن را بدو پاي لنك بیند چنانکه بدو دست دو چوب
کرفته باشد وبجاي پاي همیرود دلیل کند که بشغل کدخدائي خود عاجز ودرمانده
بود واعتماد کدخدائي خویش برکسان کرده بود واکر بیند که از سبب خاري
که در پاي وي شد همي لنکید دلیل کند که از شر کسي شکایت کند واکر بیند که آن خار
از پاي بدر کرده بود وراست همیرفت دلیل کند که از شر آن کس ایمن کردد واکر بیند
که در هر دو پاي وي خار بود وپایهایش آماسیده بود لیکن نمي لنکید دلیل کند
که دشمنان بروي حسد برند ومال وجاه ونعمتش بر زیادت شود اسمعیل اشعث
کوید اکر لنکي بخواب بیند که پاي درست شد چنانکه نمي لنکید دلیل کند که کارهاي
بسته بروي کشاده کردد واز مرادي که نومید شده باشد بیابد واز رحمت ایزد تعالی
بهره یابد در کارهاش بنظام کردد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که لنکي
درخواب بر پنج وجه بود یکي معزولي از کارها؛ دوم بانوایي؛ سیوم درویشي؛ چهارم
غم واندوه؛ پنجم نقصان عیش باشد؛ وعلي الجمله در دیدن لنکي جز غم ورنج واندوه
نباشد؛ **لوید** ابن سیرین کوید درخواب خدمتکار خانه باشد که اصلش ترسا بوده
باشد واکر لوید از مس بود اصل وي جهودي بوده باشد واکر بیند که لویدي بود و
بزرك وپاکیزه خدمتکارش مصلح وبا امانت باشد ووفا دارد واکر بیند که لوید
کهن وکوچك وچرکن بود دلیل کند که تاویلش بخلاف این بود که یاد کرده شد واکر
بیند که لوید بیفتاد وبشکست دلیل کند که آن خدمتکار از پیش وي جدا شود یا بمیرد کرماني
کوید اکر بیند که لوید سوراخ شده بود یا زنکار کرفته بود دلیل کند که خدمتکارش بیمار
کردد واکر بیند که لوید وي از آب صافي بود دلیل کند که از خدمتکار ویرا خیر ومنفعت
رسد واکر بیند که لویدش خوردني بود دلیل کند که بر قدر آن خوردني خیر ومنفعت.

انخدمتکار بدو رسد خاصه که آن خوردنی بطعم شیرین و خوش بود و اگر بطعم ناخوش و ترش باشد تاویلش بخلاف این بود جابر مغربی گوید اگر بیند که لوید زرین داشت دلیل کند که ویرا خدمتکاری بود اصیل و بزرگ زاده و اگر بیند که لوید وی سیمین بود دلیل کند که خدمتکارش مصلح و پارسا بود و اگر بیند که لوید وی برنجین سفید روی بود دلیل کند که خدمتکارش از اصل ترسا بوده باشد و اگر لویدش مسین بود دلیل کند که خدمتکارش از اصل جهود بوده باشد و اگر بیند که لویدش آهنین بود دلیل کند که خدمتکارش از اصل مغنی بوده باشد و اگر لویدش چرکین و معیوب بود دلیل کند که خدمتکارش دزد و بی امانت باشد و اگر لویدش درست و پاکیزه و روشن بود دلیل کند که خدمتکارش مصلح و با امانت باشد و اگر لویدش بزرگ بود دلیل کند که از خدمتکار خویش خیر و منفعت بسیار بیند و اگر لویدش کوچک بود دلیل کند که از وی خیر و منفعت اندک یابد **لیمو** ابن سیرین گوید اگر بوقت بینی و اگر بی وقت آنچه بگونه زرد باشد دلیل کند بر بیماری و آنچه بگونه سبز بیند دلیل کند بر غم و اندوه و اگر بیند که لیموی زرد همی خورد دلیل کند که سخت بیمار شود و اگر بیند که لیموی سبز همی خورد دلیل کند که سخت اندوهگین و مستمند شود و اگر بیند که لیمو نخورد دلیل کند که از آنچه گفتیم ویرا کمتر باشد و علی الجمله در دیدن و خوردن لیمو بوقت و بی وقت جز رنج و مضرت نباشد

حرف میم از کتاب کامل التعبیر

مار ابن سیرین گوید که دیدن مار دشمن بدخواه نهانی بود و اگر بیند که مار در خانهٔ وی بود دشمن خانگی بود و اگر بصحرا بیند دشمن بیگانه بود و اگر بیند که با مار جنگ و نبرد همیکرد دلیل کند که با دشمن جنگ و خصومت کند چنانکه اگر بیند که بر مار چیره شد و ویرا قهر کرد دلیل کند که بر دشمن ظفر یابد و ویرا قهر کند و اگر بیند که مار بر وی چیره شد و ویرا قهر کرد دلیل کند که دشمن بر او ظفر یابد و قهرش کند و بعضی گفته‌اند که از بیماری دشمنی را معالجت کند ابن سیرین گوید اگر

بیند که مار ویرا بگزید دلیل کند که از دشمنی مضرت و گزند یابد و اگر بیند که او مار را بکشت دلیل کند که دشمن را از و گزند و بلا رسد و اگر بیند که از گوشت مار همی خورد دلیل کند که بر قدر آن از مال دشمن بخورد و خیر و خرمی یابد و اگر بیند که ماری را بدو نیم کرد دلیل کند که از دشمن خود داد بستاند و اگر بیند که بره نیمهٔ مار را فرا گرفت دلیل کند که مال دشمن را فرا گیرد و ظفر یابد و اگر بیند که ماری بلطف و آهستگی سخن گفت دلیل کند که چیزی بدو رسد چنانکه مردمان از آن بشگفت مانند و یا ویرا کاری عجب بدید آید که از آن کار شاد و خرم گردد و اگر بیند که مار با وی به بدی و درشتی گفت دلیل کند که دشمن بر وی ظفر یابد و سرانجام شر آن ستم بدشمن باز گردد مگر که در جنگ و نبرد باشد و اگر ماری مرده بیند دلیل کند که حق تعالی شر و آفت دشمن از وی باز دارد بی آنکه رنجی بدو رسد و اگر بیند که مار مطیع و فرمان بر وی شد دلیل کند که جاه و بزرگی یابد بر قدر مار و اگر بیند که مار زرین یا سیمین بود دلیل کند که خیر و زیادتی یابد کرمانی گوید اگر بیند که مار بگونه سفید بود و او را فرا گرفت دلیل کند که ظفر و جاه و بزرگی یابد و اگر بیند که مار از وی بگریخت و گرفتنش نتوانست دلیل کند بر ضعیفی احوال دشمن اگر بیند که مار بگونه سیاه بود و بزرگ و با وی دیگر ماران بودند دلیل کند که ویرا سردار لشکری باشد و اگر بیند که مار بگونه سبز بود دلیل کند که دشمن دین دار و با امانت باشد و اگر بیند که بگونه زرد بود دلیل کند که دشمن زرد روی و بیمار گون باشد و اگر بیند که بگونه سرخ بود دلیل کند که آن دشمن طرب دوست و معاشر باشد و اگر بیند که ماری بنقش و نگار بود و انیس و پاکیزه و مطیع و فرمان بر وی بود چنانکه که بهر جای که میخواست ویرا میگردانید و هیچ رنج و گزندی از آن مار بوی نمیرسید دلیل کند که گنجی از گنجهای ملوک بیابد و بعضی از معبران گفته‌اند که مار که بدین گونه بود و صفتش کردیم بخت خداوند خواب را و اگر بیند که مار با بها داشت دلیل کند که دشمنش قوی و شگرف بود و اگر بیند که مار بسیار در سرا وجمع بودند ولیکن ویرا

گزند نرسانیدند دلیل کند که از خویشان و نزدیکان خویشتن دشمن بسیار دارد ولیکن مضرتی از ایشان نرسد و اگر بیند که آن مار سرها و دندانها داشت دلیل کند که دشمن وی کینه دارد و بدسیرت بود و اگر بیند که از آن مار همی ترسید از شر دشمن ایمن باشد خاصه که ویرا معاینه نبیند و از وی همی گریزد دلیل بر غم و اندوه و مضرت کند جابر مغربی گوید اگر بیند که از سوراخ بینی یا از سوراخ پستان یا از سوراخ قضیب وی مار بیرون آمد دلیل کند که فرزندش دشمن او باشد و اگر بیند که از گوش و از ناف یا از مقعد وی مار بیرون آمد دلیل کند که فرزندش با عیالش دشمن او باشند و اگر بیند که مار از دهان وی بیرون آمد دلیل کند که سخنی گوید که آن سخن و بال او باشد و از آن ویرا گزند و مضرت رسد و اگر مار در خانهٔ خویش بیند دشمنش از زنان خانه بود و اگر مار را بیرون خانهٔ خویش بیند دلیل کند که دشمنش از بیگانه بود اسمعیل اشعث گوید که مار سفید در خواب دیدن دشمن ضعیف بود و مار سیاه دیدن دلیل کند که بر لشکری سرهنگی یابد و مار برم بیگزند دیدن دلیل کند بمال که بیابد و اگر بیند که از مار همی گریخت و مار ویرا بدید دلیل کند که آرامش و خرمی یابد و اگر بیند که مار را بگرفت و بدو هیچ گزند نکرد دلیل کند که بزرگی یابد و از دشمن ضعیف ایمن شود و خلف اصفهانی گوید اگر بیند که ماری پاکیزه و بگونه سبز ویرا مطیع شد و هیچ گزند بدو نرسانید دلیل کند که از گنجهای پادشاهان گنجی بیابد و اگر بیند که از آستین وی ماری بیرون آمد دلیل کند که فرزندش دشمن وی باشد و اگر بیند که ماری را بکشت دلیل کند که زنش بمیرد و اگر بیند که ماری از گریبان یا از دامنش بیرون آمد و بزمین فرو شد دلیل کند که او هلاک شود و بدانکه خانهٔ مار در خواب دلیل بر دشمن ضعیف کند و اگر بیند که خانهٔ مار داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که ویرا دشمنی ضعیف ظاهر شود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن مار در خواب بر ده وجه بود یکی دشمن نهانی باشد دوم زندگانی سیوم ملامت چهارم پادشاهی پنجم اسفهسالاری ششم دولت هفتم زن هشتم پسر نهم مرگ دهم سیلاب بود **مار چوبه** اگر بیند که

بوقت خویش مار چوبه از زمین جمع همیکرد دلیل کند که بر قدر آن چیزی بدو رسد و اگر بی وقتش بیند دلیل کند که اندوهگین شود و اگر بیند که مار چوبه بخاید و مزه همی پخت و همیخورد دلیل کند که از زنان خانه بدو چیزی رسد و اگر بیند که مار چوبه را خام همیخورد دلیل کند که رنجی و مضرتی بدو رسد **مار قشیشا** ابن سیرین گوید که مار قشیشا داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که بیمار شود و اگر بیند که مار قشیشا همی خورد دلیل کند که در بلائی سخت گرفتار شود و باشد که در آن بلا هلاک گردد و علی الجمله در دیدن مار قشیشا هیچ خیر و راحتی نیست جز رنج و مضرت **ماذریون** ابن سیرین گوید که دیدن ماذریون بوقت و بی وقت دلیل کند بر غم و اندیشه و خوردن وی دلیل کند بر نقصان مال و هلاک تن و البته در دیدن وی هیچ خیر و راحت نباشد از این سبب که او از شمار زهرها کشنده است **مازو** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از درختان مازو جمع همیکرد دلیل کند که برنج و سختی مالی مکروه حاصل شود و اگر بیند که بخروارها مازو داشت دلیل بر مال مکروه کند و اگر بیند که مازو همیخورد دلیل کند که چیزی مکروه خورد و بعضی از معبران گفته‌اند که اندوهگین و مستمند گردد و اگر مازو زرد بیند دلیل کند بر بیماری و مازو سبز و سیاه دلیل بر غم و اندوه کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن مازو در خواب بر چهار وجه بود یکی مال مکروه باشد دوم غم و اندوه سیوم بیماری چهارم رنج و سختی در کارها **ماست** ابن سیرین گوید که خوردن ماست شیرین در خواب دلیل بر خیر و منفعت کند و خوردن ماست ترش دلیل بر غم و اندوه کند دانیال گوید که ماست مالی بود که اندر سفر حاصل شود و اگر بیند که ماست فرا گرفت یا کسی بدو داد یا بخرید و همیخورد دلیل کند که در سفر بر قدر آن ویرا مالی حاصل گردد خاصه که ماست شیرین بود و اگر ترش بود مال برنج بدست آرد و اگر بیند که بسیار ماست داشت و از آن مسکه بیرون همی آورد دلیل کند که بقدر آن ویرا از کاری مال حلال حاصل شود کرمانی گوید اگر بیند که ماست شیرین گوسفندی همیخورد دلیل کند که ویرا بر قدر آن غنیمت و مال

حلال حاصل شود واکر بیند که ماست کاو شیرین همیخورد دلیل کند که در آنسال بر قدر
آن مال ونعمت حلال بدست آید واکر بیند که ماست ترش وناخوش بود دلیل
کند که اندوهکین ومستمند کردد وباشد که ویرا مضرت وزیان رسد **ماش**
ابن سیرین کوید که ماش درخواب اکر پخته بیند دلیل کند که چیزی اندک بدو رسد
واکر خام خورد اندوهکین شود واکر بیند که ماش داشت وازو نمیخورد دلیل کند
که غم واندیشش کمتر باشد واکر بیند که ماش بکسی همی بخشید وازو میخورد دلیل کند که
غم واندیشش کمتر باشد واکر بیند که ازو چیزی بخانه برد دلیل کند که غم واندوه کردد
کرمانی کوید که خوردن ماش درخواب دلیل بر غم واندیشه واندوه کند اکر پخته باشد
واکر خشک واکر خام بود واکر پخته واکر بیند که ماش فرا کرفت یا کسی بدو داد وازوی
همیخورد دلیل کند که بر قدر آن که خورده باشد ویرا غم واندوه رسد واکر ماش نخورد
هیچ دلیل کند که غم واندیشش کمتر باشد **ماکیان** بدانکه ماکیان مرغ خانکی بود
ابن سیرین کوید که او دلیل بر خادم وکنیزک خانه کند وبچکانش دلیل بر فرزندان
کنیزکان وخادمان خانه کند واکر بیند که مرغ خانکی بیافت یا کسی بدو بخشید
یا بخرید دلیل کند که برده بخرد یا خدمتکاری بمزد کیرد واکر بیند که پیشانی مرغان
خانکی داشت دلیل کند که ریاست وسروری یابد واکر بیند که کوشت ماکیان
همیخورد یا بروی با خویشتن داشت دلیل کند که بر قدر آن مال ونعمت ویرا
از خادمان حاصل شود وآرزوها بیابد **قوله تعالی** وَلَحْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ
واکر بیند که ماکیانی را بکشت دلیل کند که کنیزکی دوشیزه را دوشیزکی بستاند
واکر بیند که بچهٔ ماکیانی را بکشت دلیل کند که فرزندش یا فرزند غلام یا کنیزک ببلائی
کرفتار شود کرمانی کوید اکر بیند که خایهٔ ماکیانی را بیافت دلیل کند که ویرا دختری
آید یا مالی از خادمان ویرا حاصل شود جابر مغربی کوید که ماکیان درخواب زن
بامایه باجمال بود وماکیان سیاه درخواب بهتر از ابلق باشد اکر بیند که ماکیان
در خانهٔ وی خایه کرد دلیل کند که از زنی مالی یابد واکر بیند که ماکیانی را فرا کرفت که

همچون خروس جوجه داشت دلیل کند که ویرا فرزندی آید واکر بیند که ماکیان داشت
که درخانهاش همچون خروس بانک کرد دلیل کند که خبر ناخوش شنود واکر بیند که خروس
بانک همیکرد دلیل کند که خبر خوش شنود اسمعیل اشعث کوید که بچکان ماکیان در
خواب بر سه وجه بود یکی زنی باجمال باشد دوم کنیزک سیوم خادم خانه باشد
ماميران ابن سیرین کوید که دیدن مامیران درخواب دلیل بر بیماری کند اکر بیند
که مامیران داشت یا بخرید یا کسی بدو داد دلیل کند که بیمار شود اکر بیند که مامیران همی
خورد دلیل کند بتر وصعبتر باشد جابر مغربی کوید اکر بیند که از بهر درد چشم مامیران در چشم
کشید دلیل کند که از بهر دین کاری کند که دران ویرا خیر وصواب حاصل شود وازان
خیر ومنفعت باشد **ماميثا** ابن سیرین کوید که دیدن مامیثا درخواب اکر بوقتش
بیند واکر بیوقت دلیل بر غم واندوه کند واکر بیند که مامیثا همیخورد دلیل کند غم
واندوه وی صعبتر باشد وبعضی از معبران کفتند که خوردن میثا دلیل بر بیماری و
رنج کند جابر مغربی کوید اکر بیند که مامیثا بر آماس مرضماد همیکرد دلیل کند که مال
بنقصان آید وعلی الجمله در دیدن مامیثا در خواب هیچ خیر ومنفعتی نباشد **ماه**
دانیال کوید که ماه درخواب وزیر پادشاهی بزرکوار یا وزیر خلیفه بود اکر بیند که ماه
باسمان فرا کرفت دلیل کند که وزیر پادشاهی بزرکوار شود ویا مقرب وخاص
پادشاه کردد واکر بیند که باماه درجنک ونبرد بود دلیل کند که وزیر پادشاه باوی جنک
وخصومت کند واکر بیند که بجایکاه ماه مقیم شد دلیل کند که وزیر پادشاه کردد
واکر بیند که نور از ماه بستد دلیل کند که وزارت از وزیر پادشاهی بزرکوار بدو رسد واکر
بیند که ماه را فرو کرفت لیکن نه از آسمان ونور وشعاع نداشت ونیز تیره وباریک
هم نبود دلیل کند که از غمها فرج یابد واکر بیند که ماه تیره وتاریک بود وبجایکاه خویش
نبود دلیل کند که وزیر پادشاه محتاج کارهای وی شود ابن سیرین کوید ماه دلیل بر
پادشاه کند خاصه که بدر شود اکر بیند که ماه بدو نیمه شد دلیل کند که پادشاه یا وزیر
پادشاه یا وزیر پادشاه محتاج کارهای وی شود ابن سیرین کوید ماه دلیل بر پادشاه

کند یا وزیر پادشاه هلاک شوند واکر بیند که دیکر باره ماه درست شد دلیل کند که از
وی مردمان بظلم کنند وداد خواهند وبعضی از معبران کفتند که دلیل کند که جفت وی
بیمار شود وبعضی از معبران کفتند که اکر بیند که ماه باوی سخن کفت دلیل کند که کار
یابد وکارکزار شود واکر بیند که دو ماه بایکدیکر جنک ونبرد همیکردند دلیل کند که میان
دو پادشاه جنک وخصومت بود واکر بیند که ازان دو ماه یکی بیفتاد یا پاره پاره شد
یا ناقص نور کشت دلیل کند که ازان دو پادشاه یکی از پادشاهی بیفتد ومملکت از
دست وی بشود جابر مغربی کوید اکر کسی ماه را در دست خویش بیند یا در کنار
خویش بیند دلیل کند که زن خواهد اما اکر بیند هلال بود آن زن باصل ونسب
از وی کمتر بود واکر ماه یکنیمه بود یعنی که یکنیمه اش باریک بود ویکنیمه اش روشن بود
دلیل کند که زن که خواهد از مولدزادکان بود واکر ماه بدر باشد دلیل کند که آن زن
باصل ونسب بهتر از وی باشد واکر این خواب زن بیند دلیل کند که شوهر خواهد
بدین عنوان که کفتیم واکر بیند که ماه روشن وپاکیزه بر آمد ودر خانهٔ وی بتافت
دلیل کند که زن خواهد یا کنیزک خرد واکر بیند که در خانهٔ کسی دیکر بتافت دلیل
کند که زن خواهد از اهل آن خانه وازو خیر ومنفعت بدو رسد واکر بیند که ابر یا
چیزی دیکر نور ماه را بپوشانید دلیل کند که حال بر پادشاه یا بر وزیر متغیر شود
واکر بیند که ماه منخسف شد دلیل کند که حال پادشاه آندیار یا حال وزیر وی
بد شود چنانکه پادشاه از پادشاهی معزول کردد یا وزیر از وزارت خاصه که ماه
تمام کرفته بیند کرمانی کوید اکر کسی که ماه را بدر بینور بیند بوضع خویش در آسمان
وبیند که نورش راست در مقابل خانهٔ وی همی تافت دلیل کند که اهل آن موضع را از
پادشاه یا از وزیر خیر ومنفعتی رسد واکر ماه را بدر بیند ولیکن باریک بود
دلیل کند که پادشاه را مکروه ورنج رسد واکر بیند که ماه هلال از مطلع خویش
بر آمد لیکن نه بر اول ماه وبعد ازان نورش بر زیادت همی شد ویا بدر کشت دلیل
کند که دران موضع فرزندی از وی بزاید که پادشاه کردد یا وزیر پادشاه شود

واکر بیند که ماه هلال نه از مطلع وموضع خویش بر آمد دلیل کند که دران موضع کاری
صعب بیفتد که مردمان را ازان کار غم واندوه رسد وبعضی از معبران کفتند اکر کسی
ماه را درخواب بیند دلیل کند که پادشاه آندیار را پسری آید واکر ماه را زاید نور بیند
دلیل کند که آن پسر را زندکانی دراز باشد اما اکر ماه را بدر بیند دلیل کند که آن پسر را
زندکانی وعمر کم باشد اکر بیند که ماه را همی پرستید دلیل کند که بخدمت پادشاه یا بخدمت
وزیر مشغول کردد واکر بیند که خویشتن را معلق از ماه در آویخته بود دلیل کند که از پادشاه یا وزیر
وی خیر ومنفعت یابد واکر بیند که ماه باوی سخن کفت دلیل کند که از پادشاه یا از وزیر وی
جاه وبزرکی یابد وبا ایشان خاص ومقرب شود اسمعیل اشعث کوید اکر کسی بیند که ماه را بدست
فرا کرفت یا ماه در کنار وی آمد دلیل کند که اکر زنش آبستن بود ویرا فرزندی آید که آن فرزند
مقرب پادشاه شود یا عالم ودانا کردد واکر این خواب کسی از مقربان پادشاه بیند
دلیل کند که فرزندش پادشاه شود یا وزیر پادشاه کردد واکر بیند که ماه وآفتاب وجمله
ستارکان را فرا کرفت وسیاه بود دلیل کند که بینندهٔ آن خواب زود هلاک شود
خاصه که ظالم وستمکر بود واکر عادل ومصلح وپارسا بود در غم واندوهی سخت کرفتار
شود وباشد وبیمار کردد واز بیماری زود شفا یابد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
کوید که دیدن ماه درخواب بر هشت وجه بود یکی پادشاه باشد دوم وزیر پادشاه سیوم
ندیم پادشاه چهارم رئیس پنجم شریف ششم دوست هفتم کنیزک هشتم غلام نهم
کاربا چلد دهم والی یازدهم عالم مفسد دوازدهم مهتر بزرکوار سیزدهم پدر چهاردهم
مادر پانزدهم زن وزن را شوهر شانزدهم فرزند هفدهم بزرکواری **ماهی**
دانیال کوید که ماهی بخواب در دیار کرم سیر رنج وبلا وسختی بود ودر دیار سردسیر
تاویلش بخلاف این بود وچون ماهی تازه وبزرک بسیار بیند دلیل بر اموال وغنیمت
کند واکر ماهی خرد بیند دلیل بر غم واندوه کند واکر بیند که در شکم ماهی دیکر بیافت
دلیل کند که زن خواهد واکر در شکم ماهی دو ماهی بیند دلیل کند که دو زن خواهد
واکر بیند که در شکم ماهی دو مروارید بیافت دلیل کند که ویرا دو پسر پاک شکم

بیاید واکر بیند کە از شکم ماهی بچە بیرون کرد دلیل کند کە بر قدر آن ویرا مال و نعمت
ارزنی کە خواستە باشد حاصل شود ابن سیرین کوید اکر بیند کماهی خشک وشور کسی
بدو داد یا بخرید یا بیافت دلیل کند کە از پادشاهی یا از بزرکی ویرا غم و اندوه کند واکر
ماهی شور و خرد بیند دلیل کند از غلامی رنج و غمی بدو رسد و بعضی از معبران
کفتند کە ماهی شور و بریان کرده بتاویل سفر باشد اندر طلب علم یا صحبت مهتری
بود واکر ماهی خشک بریان کرده نباشد دلیل کند کە بینندهٔ خواب نه براه صلاح بود
و عقوبتی بدو رسد و خوردن ماهی خرد هم نیک نباشد از برای آنکه استخوانش از
کوشت بیشتر باشد پس ازین سبب دلیل کند بر دشمنی و خصومت ایشان واهل
بیت با وی واکر بیند کە از دریا ماهی سخت بزرک بکرفت چنانکه از آن بزرکتر ماهی
نباشد دلیل کند کە از اهل پادشاه زنی بخواهد کە مال و قماش داده کرمانی کوید کە
یکماهی بزرک درخواب دیدن تزویج بود وانکس کە دو ماهی بخواب بیند دلیل
کند کە دو زن بخواهد یا دو کنیزک بخرد واکر خداوند خواب هندو بود حبشی یا کبود
سیاه باشد دلیل کند کە ویرا دختری بیاید واکر بیند کە چیزی از اندام ماهی بیافت
چون کوشت یا استخوان یا آنچه در شکم ماهی بود دلیل کند کە بر قدر آن مال یابد
یا غلام خرد با خیر و برکت یابد جابر مغربی کوید کە ماهی تازه کە بریان کرده بود مال
خواستە بود زیرا کە ماهی تازه از جملهٔ طعام بهشت و بر آن کە از آسمان از بهر عیسی
فرود آمد ماهی تازه بریان کرده بود قوله تعالی أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ
واکر بیند کە از دهان ماهی بیرون آمد دلیل کند کە در کاری سخن دروغ و محال
کوید واکر بیند کە از قضیب وی ماهی بیرون آمد دلیل کند کە ویرا دختری زاید
واکر زنی بیند کە از دهان وی ماهی بیرون آمد دلیل کند کە اندوهکین و غمکین
شود واکر بیند کە از دریا ماهی همیکرفت دلیل کند کە از مردی بزرکوار ویرا مال و
نعمت رسد واکر بیند کە ماهی تازه بخته همیخورد دلیل کند کە بر قدر آن ویرا مال و خیر
و منفعت رسد واکر بیند کە ماهی از حوض یا از جویی همیکرفت دلیل کند کە از مردم

علم

عامه چیزی بمکر و حیلت حاصل کند واکر بیند کە ماهیان دریا با وی بسخن
درآمدندی دلیل کند کە راز پادشاه آشکارا شود و بدانکه ماهی فروش درخواب دلیل
بر بزرکی و سروری کند بر قدر ماهی تازه کە همیفروشد و بعضی کفتند کە ماهی فروش
مردی خونریز باشد و ماهی کیر بخواب پادشاه بود یا رئیس بزرک باشد کە
فرمان بر مردمان روان بود و مار ماهی بخواب دیدن مشغول شدن بکاری
منکر بود چنانکه دین و دنیا را زیان نداده و بعضی از معبران کفتند کە اکر کسی بیند کە از
دهان وی ماهی بیرون دلیل کند کە ویرا دختری آید حضرت امام جعفر
صادق علیه السلم کوید کە دیدن ماهی درخواب بر شش وجه باشد یکی وزیر پادشا
بود دوم لشکر سیوم دختر دوشیزه چهارم غنیمت پنجم غم و اندوه ششم کنیزک
هندو و بعضی از معبران کفتند کە دیدن ماهی در تاویل زندان باشد ماهیخوار
ابن سیرین کوید کە ماهیخوار درخواب زن بود اکر بیند کە ماهیخوار فرا کرفت یا کسی
بدو داد دلیل کند کە زن خواهد واکر بیند کە ماهیخوار از دست وی بپرید یا ضایع شد
دلیل کند کە زن را طلاق دهد واکر بیند کە کوشت ماهیخوار همیخورد دلیل کند کە بر قدر
آن از مال زن هزینه کند جابر مغربی کوید کە ماهیخوار بتاویل غم و اندوه باشد
مبرد بدانکه مبرد بتازی سوهان بود ابن سیرین کوید اکر بیند کە مبردی داشت
و زنک آهن بدو همیزد دلیل کند کە کاری مشکل بروی کشاده و روشن کردد خاصه کە
داند کە آن آهن ملک اوست واکر بیند کە آهنی روشن و پاکیزه را بجزه همی بود دلیل
کند کە کاری کند کە در آن کار مضرت و زیان بدو رسد واکر آن آهن از آن کسان
بود دلیل کند کە خداوندش را از و مضرت و نقصان رسد و بعضی کفتند کە مبرد درشت
درخواب سخن درشت باشد و مبرد نرم سخن خوش و نرم بود واکر بیند کە مبرد وی
بشکست یا ضایع شد دلیل کند کە آن کار کە وی طالب آن باشد بر دست بصلاح
نیاید جابر مغربی کوید اکر بیند کە آلتی مسین یا آهنین را از آلتهاء خانه بمبرد روشن
همیکرد دلیل کند کە چیزی از و بخادم خانهٔ وی رسد یا شغل خادمش از سبب وی

بصلاح آید مطهره ابن سیرین کوید اکر کسی بیند کە مطهرهٔ نو داشت دلیل کند کە
در سفر ویرا خیر و منفعت رسد واکر بیند کە آن مطهره پر آب صافی بود دلیل کند کە زندکانی
وی دراز باشد واکر بیند کە رحان را از مطهره آب همیداد دلیل کند کە با مردمان خیر و احسان
کند واکر بیند کە آن مطهره کهنه و دریده بود تاویلش بخلاف این بود حضرت امام جعفر
صادق علیه السلم کوید کە دیدن مطهره درخواب بر سه وجه بود یکی سفر دوم مال
سیوم زندکانی دراز باشد مته ابن سیرین کوید اکر بیند کە چوبی یا درختی را
بمته سوراخ همیکرد دلیل کند کە بمکر و حیلت از کسی چیزی حاصل آرد و بعضی از معبران
کفتند کە بمکر و حیلت مال کسی تلف کند واکر بیند کە متهٔ وی بشکست یا ضایع شد
دلیل کند کە بمکر و حیلت از کسی چیزی حاصل کردن نتواند و مقصودش از آن کس
حاصل نشود جابر مغربی کوید اکر بیند کە بمته اندام کسی را سوراخ همیکرد کە بمکر و
حیلت کسی را در بلا افکند مجلس علم ابن سیرین کوید اکر کسی بیند کە بمجلس علم
نشستە بود و عالم بر کرسی قرآن همیخواند و تفسیر قرآن و اخبار همیخواند و همیکفت
و توحید همیخواند دلیل کند کە آن جایکاه را عمارتی محکم کنند بر قدر درست
خواندن تفسیر قرآن و اخبار واکر بیند کە عالم بر کرسی شعر و غزل همیخواند دلیل
کند کە کاری کند باطل کە بخلاف شریعت باشد جابر مغربی کوید اکر کسی بیند کە
در مجلس علم همیکریست دلیل کند کە در کاری کە آن دینی بود ساده مانە کردد واکر بخلاف
این بیند دلیل کند کە غمکین و اندوهکین شود واکر بیند کە در مجلس علم ویرا حال پدید
آمد و بیهوش کشت چنانکه عقلا زوی زایل شد دلیل کند کە کاری ویرا پیش آید کە
در آن کشته و متحیر شود ولیکن سرانجام محمود باشد مجلس شراب ابن سیرین کوید
اکر بیند کە در مجلس شراب با حریفان بعشرت و خوردن شراب مشغول بود دلیل کند
کە بفساد و هوای نفس و حرام خوردن کراید واکر بیند کە در مجلس شراب با حریفان
ویرا جنک و خصومت بود دلیل کند کە ظفر آنرا بود کە در آن جنک و خصومت غالب
بود واکر بیند کە در مجلس شراب بود و شراب نمیخورد دلیل کند کە بفساد و حرام

رضا دهد

رضا دهد واکرچه وی فساد نکند و حرام نخورد واکر بیند کە در آن مجلس شراب و
مطرب و چنک و چغانه بود و آنچه بدین ماند دلیل کند کە ویرا غم و اندوه و مصیبت رسد
و باشد کە با کسی ویرا جنک و خصومت افتد مجمره ابن سیرین کوید کە مجمره بتازی
عود سوز بود و شرح تعبیرش بحرف عین بباب عود سوز بیان کرده شد مجمره
ابن سیرین کوید کە مجمره بخواب زنی پاکدین و عالمه بود واکر بیند کە مجمره فرا کرفت یا بخرید
یا کسی بدو داد دلیل کند کە زنی عالمهٔ پاکدین را بزنی بخواهد و از و خیر و منفعت یابد و
اکر بیند کە مجمرهٔ وی بشکست یا ضایع شد دلیل کند کە زنش از دنیا رحلت کند
واکر زن ندارد زنی عالمه از خویشان وی بمیرد جابر مغربی کوید اکر کسی بیند کە مجمرهٔ
وی بشکست و جرمش بر بخت دلیل کند کە از آن زن هیچ خیر و منفعی بدو نرسد و کسب
و معیشت وی کم شود واکر بیند کە جمر بر جامهٔ وی بر بخت دلیل کند کە ویرا زیانی رسد
لیکن اکر خداوند خواب دبیر بود زیانی ندارد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
کوید اکر بیند کە بجمر چیزی همی نبشت اکر آنچه نبشت قرآن و نامهای خدای تعالی بود دلیل بر خیر
و صلاح و منفعت کند اکر بخلاف این بیند دلیل بر شر و فساد کند محراب ابن سیرین
کوید اکر کسی بیند کە در محراب نماز همیکرد دلیل کند کە ویرا بشارت بود بفرزندی
صالح چنانکه خدای تعالی در کلام قدیم خویش بقصهٔ زکریا بیان کرد قوله تعالی
هُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى واکر بیند کە نماز را بوقت خویش
کرد دلیل کند کە ویرا و فرزندانش را خیر و صلاح بود واکر بیند کە در محراب نشستە بود دلیل
کند کە بنماز کردن کاهل بود کرمانی کوید اکر بیند کە محرابی را عمارت همیکرد دلیل کند
کە خیر و صلاح دینی یابد واکر بیند کە محرابی را خراب همیکرد تاویلش بخلاف این بود واکر
بیند کە در محراب آب تاختن همیکرد دلیل کند کە ویرا فرزندی عالم و امام بود و
بعضی کویند کە مال خویش را هزینه کند که بوجه خویش و نه بر جایکاه خویش حضرت
امام جعفر صادق علیه السلم کوید کە دیدن محراب درخواب بر پنج وجه بود یکی امام مسجد
باشد دوم پادشاه سیوم قاضی چهارم محتسب شهر و مردمان و هر نیک بکه در محراب

بود دليل بر پنج كروه كند كه ياد كرده شد **مخنث** ابن سيرين كويد اگر كسي بيند كه او
مخنث شده بود و بزينت زنان خود را بياراست ولباس زنان بپوشيد دليل كند كه بقدر
آن ويرا ترس وبيم وآفت وبلا رسد وخواري وبيچارگي كشد واگر بيند كه جامهٔ زنان
از تن بيرون كرد وجامهٔ مردم بپوشيد وبحال وبصفت مردي باز آمد دليل كند كه آن ترس
وبلا وبيچارگي از وي زايل شود جابر مغربي گويد اگر بيند كه مجالست با مخنثان داشت ودر
ميان ايشان مقيم شده بود دليل كند كه ميان مفسدان مقيم شود كه از صحبتشان ويرا
ذل وخواري وبيچارگي حاصل آيد واگر بيند كه در ميان ايشان مقيم نشد دليل كند كه ترك
آن صحبت كه با آن مفسدان داشت بگويد واز ايشان جدا شود **مداد** ابن سيرين
كويد كه مداد در خواب طلب كردن معيشت ويافتن مراد باشد واگر بيند كه مداد
از كسي فرا گرفت يا بخريد دليل كند كه بقدر آن معيشت بروي فراخ شود ومرادش
حاصل گردد واگر بيند كه مداد از وي ضايع شد تاويلش بخلاف اين بود كرماني كويد
اگر بيند كه مداد بر جامهٔ وي بريخت دليل كند كه ويرا زياني رسد ليكن اگر دير بود
زيانش ندارد امام جعفر صادق عليه السلم كويد كه ديدن مداد در خواب بر چهار
وجه بود يكي مهتري باشد دوم رامش سيوم معيشت چهارم شادي اگر بيند كه مداد
همي آميخت دليل كند كه اندر كسب ومعيشت بود وبعضي از معبران گفتند كه بيمار
گردد واندران بيماري دير بماند **مذكر** بدانكه مذكر پارسي پند دهنده بود و
او ناصح باشد وسود كننده بقول **ايزد تعالى** وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ
و اگر بيند كه مردمان را پند همي داد واو نه از اهل پند باشد دليل كند كه ويرا
شادي رسد واگر بيمار بود شفا يابد واگر دشمن دارد دليل كند كه قهرش كند ابن
سيرين كويد اگر بيند كه مردي مصلح ويرا پند همي داد دليل كند كه دران پند
صلاح دين ورستگاري آخرت بود دليل كند بر بشارتي كه ويرا دران خيرات
دين ودنيا باشد واگر برخلاف اين بيند دليل كند كه بر فساد كار دين ودنياي
وي جابر مغربي كويد كه پند دادن در خواب كسي را كه دران صلاح دين بود

پند دهنده

پند دهنده فرشتهٔ مقرب بود كه بشارت دهد خداوند خواب را بچيزي كه بدو خواهد
رسيدن تا شكر آن بجاي آرد وپند دادن كه دران فساد دين بود پند دهنده ديو ستنبه
بود پس اورا توبه بايد كردن وبخداي باز گشتن تا ويرا از شر وفساد آن ديو نگاه دارد
واز عذاب خداي عز وجل رسته گردد وبدانكه مذي آب نشاط مرد كه چون با كسي شهوت
بازي كند آب مني از قضيب وي فرود آيد ابن سيرين كويد كه ديدنش در خواب دليل
بر شادي وخرمي كند وبقدر آب مذي كه ديده باشد **مرجان** ابن سيرين كويد كه
مرجان در خواب زني بود با فرزند اگر بيند كه مرجان فرا گرفت يا كسي بدو داد دليل
كند زني بخواهد كه ويرا فرزندي آيد اگر بيند كه مرجان از وي ضايع شد دليل كند كه
زن را طلاق دهد يا از وي مفارقت جويد اگر بزرگ باشد يا بزندگاني كرماني
كويد كه مرجان در خواب فرزند بود وهرچند مرجان سرخ تر وپاكيزه تر
بيند فرزندش خوبتر وباجمال تر باشد واگر مرجان بخرد وبيند دليل كند كه بر
قدر آن ويرا مال ونعمت حاصل شود حضرت امام جعفر صادق عليه السلم كويد
كه ديدن مرجان در خواب بر چهار وجه بود يكي فرزند يا زن باشد دوم
زينت سيوم جمال چهارم مال بود از قبل خادم **مرد** ابن سيرين كويد اگر كسي
مردي معروف را بخواب بيند دليل كند كه ويرا به بيداري بيند يا هم نام ويرا يا مردي
را كه بدو مانند بود واگر مردي مجهول را بيند واو جوان بود دليل كند كه دشمن وي
باشد واگر مردي مجهول پير را بيند دليل كند كه بخت او باشد وخير وبزرگي يابد
واگر مردي مجهول را بيند وآن مرد فربه وزفت بود دليل كند كه خير وبزرگي وي
بيشتر وبهتر باشد واگر جواني معروف را بيند كه مويش سفيد شد دليل كند
بر ديانت واهستگي وپاكديني وي واگر پيري معروف را بيند كه مويش سياه
شد دليلش بخلاف اين باشد كرماني كويد اگر كسي پيري را بيند كه مويش سفيد
تر وپاكيزه تر شده بود دليل كند بر زيادتي ديانت وآهستگي وي ونيكوئي حالش
در دين واگر مردي جوان را بيند كه بر سر وي موي سياه مانده نبود دليل كند كه از مردي

كه از وي بزرگتر باشد رنج وكراهيتي بوي رسد واگر مردي ضعيف را همي بيند كه با وي
نبرد همي كرد دليل كند كه با مردي ضعيف ويرا خصومت افتد وبروي ظفر يابد و
قهرش كند واگر مردي را بيند كه كودك شده بود دليل كند كه كاري كند بجهل كه هر كس ويرا
ملامت كنند واگر مردي بيند كه زن ويرا قضيب است چنانكه مردان را بود دليل كند
كه ويرا پسري آيد كه او مهتر اهل بيت گردد وخاصه كه زنش آبستن بود واگر خادمي را
بيند دليل كند بر نيكوئي احوال وي واگر مردي را بيند كه ويرا فرج بود چون فرج زنان
دليل كند بر ذل وخواري وي حضرت امام جعفر صادق عليه السلم كويد كه ديدن
مرد پير بخواب دولت وبخت مردم باشد وديدن مرد جوان مكر وحيلت وخبر
مكروه بود **مرداسنك** ابن سيرين كويد كه ديدن مرداسنك در خواب بيماري بود
اگر بيند كه مرداسنك را همي خورد دليل كند كه سخت بيمار شود چنانكه ويرا بيم هلاك
بود واگر بيند كه مرداسنك را بكسي بخشيد يا بفروخت دليل كند كه از رنج وبيماري
ايمن شود ومرداسنك آنچه بگونه زرد نباشد ديدن وي بتاويل رنج وغم واندوه
باشد حضرت امام جعفر صادق عليه السلم كويد كه ديدن مرداسنك بخواب بر
سه وجه بود يكي رنج وغم واندوه باشد دوم بيماري سخت سيوم غريب وشكنجه **مردن**
دانيال كويد اگر كسي بيند كه وي بمرد ومردمان بروي همي گريستند وزاري كردند يا ويرا
بشستند ودر كفن پيچيدند يا بر جنازه برداشتند يا در گور كردند اين جمله فساد بود در
دين وي اما اگر بيند كه ويرا دفن نكردند دليل كند كه حال وي بصلاح آيد واگر بيند كه
بعد مرگش ويرا دفن كردند وخاك بروي ريختند دليل كند كه دينش بفساد شود وبعد از آن
هرگز بصلاح نيايد مگر كه بيند كه ويرا از گور بيرون آوردند بعد از آن كه دفنش كرده بودند و
اگر بيند كه چون بمرد وي را بشستند ودر كفن پيچيدند وبروي نماز كردند اين جمله دليل كند
بر فساد دينش ليكن چون دفن نكردند از مرگ ايمن بود وران هنگام واگر بيند كه ويرا
در گور كردند ودر فراز گورش خاك ريختند ومردمان از گور وي باز گشتند دليل كند
كه هرگز دينش بصلاح نيايد واگر بيند كه چون بمرد ويرا بر جنازه نهادند وحمالان جنازهٔ ويرا

بركردن

بركردن كرفتن وخلق بسيار از پس جنازه اش ميرفتند دليل كند كه شرف وبزرگي يابد
وليكن دين وي بفساد بود زيرا كه مرده منقطع باشد از نيكي كردن اما مردان را بسيار قهر كند
وبرچندان مردم كه از پس جنازهٔ وي همي رفت ويرا امر وفرمان بود ليكن بر ايشان قهر
وظلم كند وباشد كه دينش بعد از آن بصلاح آيد خاصه كه داند كه ويرا در گور دفن نكردند
واگر بيند كه بمرد وباز زنده شد دليل كند كه گناهي كند واز آن گناه توبه كند وبعضي
گفتند كه عمرش دراز بود واگر بيند كه كسي ويرا گفت كه تو هرگز نميري دليل كند كه در غزا
كشته شود واگر بيند كه وي بمرد وليكن بروي هيئت مردگان پيدا نبود چنانكه بروي
كس نميگريست ونيز كس ويرا نشست ودر كفن نمي پيچيد دليل كند كه برخي از سراي
وي خراب گردد واگر بيند كه چون بمرد ويرا دفن كردند وهيچ كس بروي نگريست ودر
پس جنازهٔ وي كس نيامد وويرا دفن كردند دليل كند كه آن برخي كه از سراي خراب شد
هرگز آبادان نگردد مگر كه كسي ديگر آنرا آبادان كند واگر خويشتن را مرده ديد بگورستان
در ميان مردگان وچنان دانست كه از ديرگاه است تا او مرده است دليل كند كه سفر
دور كند با مردمان جاهل وفاسق ابن سيرين كويد كه هر كه خواهد كه بداند كه حال وي
نزديك خدا تعالى چگونه است نگاه كند تا حال وي بنزديك اهل صلاح دين
از مردگان چگونه است اگر بيند كه مردگان صالح در خواب اورا بشارت همي دهند
وباوي سخنهاي نيكو همي گويند وباوي خوش طبع وگشاده روي همي باشند دليل كند
كه حالش بنزديك خداي عز وجل نيكوست زيرا كه مردگان براي حق اند وهيچ كس را
سخن نيكو نگويند ومژده ندهند مگر بامر خدا تعالى واگر بيند كه مردگان باوي تند باشند
وروي از وي بگردانند وباوي سخنهاي ناخوش گويند بداند كه حال وي بنزديك
خدا تعالى بد است جابر مغربي كويد كه مرگ مفاجا ديدن در خواب راحت مؤمن است
وعذاب كافر بود ومرگ مفاجا نبود فساد دين باشد وهرچند كه جان كندن خويش
صعبتر بيند دليل كند كه عذاب وعقوبتش صعبتر باشد واگر بيند كه او بمرد كسي ويرا
همي شست دليل كند كه تايب گردد واگر بيند كه قومي از پس جنازهٔ وي اندر هوا همي

شدند دلیل کند که مردی بزرگ از آن شهر اندر سفر بمیرد کرمانی گوید اگر بیند که کسی زنده
بر جنازه نهادند و همی بردند و خلق در پس جنازهٔ وی همی رفت دلیل کند که آنکس بر قدر
همت خویش بزرگی و ولایت یابد و اگر آن مرده بر جنازه گران بود دلیل کند که مردمان قهر و
ستم کند و اگر بر جنازه سبکبار شد دلیل کند که با خلق نیکوئی کند و سبکباری و حالش نیکو شود
و اگر بیند که مردهٔ را بر کتف یا بر پشت یا بر جوال همی برد دلیل کند که مال حرام
یابد و اگر بیند که زنده بود و ویرا بر تخت بخوابانیدند و آن تخت را بر کتف نهاده همی برد
دلیل کند که در خدمت پادشاه شود و از وی خیر و منفعت یابد و اگر مرده را بخواب خفته
بیند دلیل کند بر خیر و نیکی احوال عاقبت آن مرده و راحت و آسانی وی در آنجا و اگر کسی بیند
که بمرد و باز زنده شد دلیل کند که بخدای باز گردد و از گناه توبه کند ابن سیرین گوید
اگر بیند که امام شهر بمرد دلیل کند که آن شهر خراب گردد و اگر مردهٔ زنده شد و دیگر
بار بمرد دلیل کند که از فرزندان او یکی بمیرد و اگر بیند که زن وی بمرد دلیل کند که توانگر
شود و اگر بیند که پسر وی بمرد دلیل کند که از دشمن ایمن شود و اگر بیند که دختر وی بمرد
دلیل کند که فرج نومید گردد و اگر بیند که پدر یا مادر وی بمرد دلیل کند که کارش آشفته
و شوریده گردد و بمقصود که دارد نرسد و اگر زنی بخواب بیند که او آبستن بود و بمرد و
مردمان بروی همی گریستند دلیل کند که این زن را پسری آید اسمعیل اشعث گوید اگر
بیند که مردهٔ دیگربار بمرد و بمرگ وی نوحه و زاری نبود بلکه آهسته همی گریستند دلیل
کند از اهل بیت وی کسی را زن خواهند و شادی و خرمی کنند و اگر بیند که بمرگ وی زنان
و مردان فغان همی داشتند و نوحه همی کردند دلیل کند که اهل بیت او را غم و اندوه و مصیبت
رسد و اگر زنی بیند که برادر بمرد و ویرا بشستند و بر جنازه نهادند سخت نیکو بود اما اگر
بیند که ویرا دفن کردند نیک نباشد **دیگر در دیدن مرده** کرمانی گوید اگر مرده را زنده
بیند دلیل کند که حال وی نیک بود خاصه که مرده را شادمان و گشاده روی بیند و اگر زنده
را مرده بیند دلیل کند که حال وی بد باشد خاصه که ویرا غمگین و ترش روی بیند و اگر کسی
پدر خود را که مرده باشد زنده بیند خرم و گشاده روی با جامهای پاکیزه دلیل کند که دو[لت]

واقبال یابد و کار وی ساخته گردد و اگر مادر خویش را زنده بیند دلیل کند که درویشی که دارد و
اگر پسر خویش را زنده بیند دلیل کند که از دشمن وی باز آید و اگر دختر خویش را زنده ببیند
دلیل کند که از غمها فرج یابد و اگر زنی بیند که شوی وی زنده شد دلیل کند که کار ضعیف وی
قوی گردد و اگر بیند که برادر وی زنده شد دلیل کند که غایبی از آن وی باز آید و اگر بیند
که مردی بیگانه زنده شد دلیل کند که احوال خویشان آن مرده خوب روی گردد و اگر بیند
که زندهٔ بمیرد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که مردهٔ را زنده کرد دلیل کند که کافری
بر دست وی مسلمان شود جابر مغربی گوید اگر کسی مادر و پدر مردهٔ خویش را بیند
ترش روی و جامهای چرکن دلیل کند که دولت و اقبال وی بنقصان شود و غمگین و
مستمند گردد زیرا که مرده در سرای حق است بهر صفت که کسی مرده را بخواب بیند دلیل
آن بر احوال زنده کند و اگر کسی جد خویش را بخواب بیند یعنی پدر پدر و پدر مادر را با جامهای
پاکیزه و لباسهای نو و خوب دلیل کند که ویرا دولت زنده شود و از دنیا مال و نعمت
بسیار یابد و اگر برادر خویش را زنده بیند دلیل کند که خرم گردد و اگر عمان و خالان خویش
را گشاده روی دید و بجامهای پاکیزه دلیل کند که بزرگی و شرف و جاه وی
زیادت شود و اگر دوست خویش را زنده بیند دلیل کند که خبر خوش شنود
چون ویرا خرم و گشاده روی بیند و اگر بخلاف این بیند خبر بد شنود و اگر
پادشاه مرده را بدان صفت که گفتیم زنده بیند دلیل کند که عز و دولت
و مالش بر زیادت شود و اگر ویرا بصفت بد بیند تاویلش بخلاف این باشد
ابن سیرین گوید اگر کسی مرده را بخواب زنده بیند و ویرا پرسد که تو نه مرده بودی
او گوید که من نه مرده بودم بلکه زنده ام دلیل کند که احوالش سخت نیک باشد و روانش
شادمانه و رستگار بود و حق تعالی از وی خشنود باشد **قوله تعالی** وَلَا
تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ ؛ این آیت
دلیلست بر آنکه مرده هر چه گوید راست بود زیرا که او بسرای حقست و قولش
پند و خشم وی غیرتست و لطفش معاینست که بتفسیر حاجت آید و اگر بیند که

مرده خرم و شادمانه بخانهٔ خویش در آمد و بنشست دلیل کند که صواب و صدقه
و دعای آن خاندان بدان مرده همی رسد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
گوید اگر بیند که مردهٔ در خانهٔ خویش ویرا در کنار گرفت دلیل کند که تندرست
و بسلامت بود و اقبال و دولت یابد و اگر ترش روی و جامهٔ چرکن پوشیده
بیند تاویلش بخلاف این بود که یاد کرده شد و اگر مرده خویشاوندی بود
دلیل کند که دعا و صدقه چشم دارد و اگر کسی مرده را از اهل بیت خویش خرم و
شادمانه بیند دلیل کند که حال اهل بیت خیر و خوبی و سلامتی باشد و اگر مردهٔ
را ترش روی و غمگین بیند تاویلش بخلاف این بود که بیان کردیم و اگر از اهل
بیت خویش مردهٔ را دید که در وی جست و با او جنگ و مناظره کرد یا روی از
وی بگردانید دلیل کند که آن مرده وصیت کرده باشد و وصیتش بجای نیاورده
باشد یا دعا و صدقه از مرده باز داشته باشد و اگر بیند که مرده خندان سوی
وی همی آمد دلیل کند که دعا و صدقه از وی بدان مرده رسیده باشد یا بفرزندانش
چیزی رسانیده بود و اگر بخلاف این بیند دلیل کند که در حق مرده یا در حق فرزندانش
تقصیر کرده باشد و اگر بیند که مرده ویرا در کنار گرفت و خواست که ویرا بر زمین زند
دلیل بد باشد و اگر بیند که مرده با وی سخن نیکو گفت دلیل کند که حال وی نیکو
گردد و اگر سخن گفت و با ویرا وصیت کرد بد باشد و اگر بیند که مرده با وی سخن
از علم و حکمت گفت یا ویرا موعظه کرد و پند داد دلیل کند بر خیر و صلاح دینی
و دنیائی خداوند خواب و اگر مرده را بیند بهتر و نیکوتر از آن که بود که در حال زندگانی
و جامهای پاکیزه پوشیده داشت دلیل کند که خاتمت کارش بر خیر و صلاح و سعادت
بود و اگر ویرا بخلاف این بیند دلیل کند که در حسرت و ندامت باشد و اگر
بیند که مردهٔ در مسجد بود دلیل کند که آن مرده از عذاب خدای عز و جل
ایمن باشد و خاتمتش محمود بود جاحظ معبر گوید اگر بیند که مردهٔ دست در گردن
وی آورد و او را در بر گرفت دلیل کند که عمرش دراز بود و اگر بیند که مرده دست

بدو فرا نکرد و با وی سخن نگفت باید که آنکس صدقه از سر آن مرده بدرویش دهد
ویرا بدعای خیر یاد آرد و اگر مرده را ترش روی و غمگین و درمانده بیند دلیل کند
که عاصی و گناه کار بود و اگر بیند که مجالست با مردگان داشت دلیل کند که
سفری دور کند و بعضی از معبران گفته اند که دین وی بفساد بود و اگر بیند که مردهٔ
بخندید و دیگر باره بگریست دلیل کند که آن مرده نه مسلمان مرده باشد و اگر مرده را
سیاه روی بیند دلیل کند که او مرده باشد **قوله تعالی** وَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُ
جُوهُهُمْ أَكَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ ؛ و اگر بر مرده جامهٔ پلید بیند یا ویرا عاجز و درمانده
بیند دلیل کند که احوال دینی باشد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که مرده بنماز بود دلیل
کند که آن مرده بگاه زندگانی طلب استغفار بسیار کرده باشد و بعضی از معبران گفته اند
که مرده چون بجای طاعت نشسته بیند بجای ثوابست دلیل کند که بیننده خواب
بگاه نماز گزاردن که اهل بود و بگزاردن و اگر مرده را بنماز در آنجا دید که بزندگانی
در وی نماز کردی دلیل با کدینی مرده و صلاح عاقبت کردهٔ وی باشد **چیزی دادن
مرده** دانیال گوید اگر کسی بیند که مرده ویرا چیزی از متاع دنیا بداد دلیل کند که چیزی
بدو رسد از جائی که امید ندارد و اگر بیند که مرده چیزی از خوردنی یا آشامیدنی
بدو داد و او آن را بخورد دلیل کند که بر قدر آن از مال وی نقصان شود و اگر آنچه
مرده بدو داد بخورد دلیل کند که روزی حلال یابد و اگر بیند که مرده ویرا چیزی از
جامهٔ خویش بداد و آن جامه را در پوشید دلیل کند که ویرا غم و رنج و سختی رسد
در نفس و در مال و اگر آن جامه در نپوشید بلکه رها کرد تا مرده را دیگر باره در پوشید
دلیل کند که بدان زودی از دنیا رحلت کند ابن سیرین گوید اگر بیند که مرده دو
جامهٔ شسته بدو داد دلیل کند که ویرا غم و مصیبتی رسد و اگر بیند که ویرا جامهٔ دوخته
بداد از آن جامه که پوشیده داشت و در وی آن جامه را در پوشید و باز بیرون کرد و بمرده
داد و مرده باز در پوشید دلیل کند که یکی از اهل بیت وی بمیرد و اگر آن جامه را که
از تن بیرون کرد بمردهٔ نداد ویرا از آن هیچ زیان نرسد و منفعت وی زیادت شود

واگر بیند که جامهٔ خویش بمرده داد ولیکن مرده را گفت که این جامه را بدوز یا بشوی یا
نگاه دار چنانکه از ملك وی بیرون نیامد دلیل کند که لختی غم واندوه بدو رسد واگر بیند
که جامهٔ خویش بمرده داد و مرده جامهٔ او بپوشید دلیل کند که زود بمیرد واگر بیند که مرده
جامهٔ خویش بعاریت بدو داد و دیگر باره مرده جامهٔ خویش را طلب همی کرد دلیل
کند که آن مرده در آنجا کارش نیك شود واگر بیند که مرده جامهٔ کهنه بدو داد دلیل کند که خدا وند
خواب درویش و نیازمند گردد واگر بیند که مرده جامهٔ نو بدو داد دلیل کند که عزی
بزرگ یابد واگر بیند که مرده ویرا جامع قرآن یا کتاب فقه یا آنچه بدین ماند بدو
داد دلیل کند که توفیق طاعت وخیرات یابد واگر بیند که مرده جامه را همی فروخت
دلیل کند که نرخ آن گران شود واگر مرده را چیزی بخشید و مرده آن چیز را بستد
دلیل کند که ویرا مضرتی و زیانی رسد **نالیدن مرده** ابن سیرین گوید اگر کسی
مرده را بیند که بدحال وغمگین و نالنده بود دلیل کند که کارهای بد در دنیا کرده
باشد و از وی سوال کنند واگر مرده را بیمار بیند دلیل کند که ویرا از ایمان و دین
سوال کنند واگر مرده را بیند که از درد سر همی نالید دلیل کند که از بزرگی و خشم و تکبر
که در دنیا با خلق کرده باشد از وی سوال کنند و بعضی گفتند که اگر مرده از درد سر نالد
دلیل کند که از حق تقصیر مادر و پدر از وی سوال کنند واگر بیند که از درد چشم همی نالید
دلیل کند که از آنچه در دنیا بعیال کسان نگاه کرده بود و از وی باز پرسند واگر بیند
که از درد گردن همی نالید دلیل کند که از مرد گذاشتن امانتها از وی سوال کنند واگر بیند
که از دست همی نالید دلیل کند که از آنچه در حق برادران وانبازان کرده بود از وی سوال
کنند واگر بیند که از درد پهلو همی نالید دلیل کند که از آنچه در دنیا در حق زنان کرده باشد
از وی سوال کنند واگر بیند که اندر درد پشت همی نالید دلیل کند که از آنچه در دنیا
در حق پدر و خویشان کرده بود و از وی سوال کنند واگر بیند که از درد شکم همی نالید
دلیل کند که از آنچه در دنیا در حق مادر و فرزندان کرده بود از وی باز پرسند
و از آنچه خورده بود از حلال وحرام نیز واگر بیند که از درد عورت همی نالید دلیل

کند که

کند که از آنچه در دنیا از زنا و فساد کرده بود از وی باز پرسند واگر بیند که از درد
سرون در آن همی نالید دلیل کند که از آنچه در دنیا در حق خویشان کرده باشد از وی
سوال کنند واگر بیند که درد ساق همی نالید و از درد پایها دلیل کند که از آنچه در دنیا
اندر سفر وحضر کرده باشد از وی سوال کنند **اندر مجامعت کردن با مرده** حضرت
امام جعفر صادق علیه السلم گوید که اصل این باب آنست که چون کسی با مرده مجامعت
کند و از وی منی جدا نشود و شستن واجب نیاید تاویل آن خواب صواب و درست
آید و چون شستن واجب گشت تاویلش جمله باطل باشد اگر بیند که با زنی معروف
مجامعت کرد دلیل کند که از آنجا که امید ندارد حاجتش روا شود واگر این مرده که دید مرد بود
دلیل کند که از بهر مرده خیر و احسانی کند واگر مرده را نشناسد دلیل کند که بر دشمن ظفر یابد
اگر بیند که با مادر خویش یا با خواهر خویش یا با کسی که بروی حرام بود و آن کس مرده باشد
مجامعت کرد دلیل کند که اندوهگین شود و مستمند و بعضی از معبران گفتند که چیزی
بدو رسد واگر بیند که با جفت خویش که مرده بود مجامعت کرد دلیل کند که اندوهگین
شود واگر بیند که از خویشان یا از کسی که مرده بود مجامعت دلیل کند که صواب صدقه
از وی بدان مرده رسد واگر بیند که با مردهٔ که اهل حرمت بود مجامعت کرد دلیل
کند که از مال مرده چیزی بدو رسد واگر بیند که مرده را بشهوت بوسه داد دلیل کند که
زن خواهد و با امیدی که دارد برسد و بر دشمن ظفر یابد واگر بوسه بی شهوت
داد دلیل کند که از بهر مرده خیراتی کند که ویرا بدعای خیر یاد دارد واگر بیند که
مرده ویرا بوسه داد دلیل کند که از مال یا از علم آن مرده چیزی بدو رسد واگر
بیند که مردهٔ باوی مجامعت کرد دلیل کند که از مال مرده چیزی بدو رسد **رفتن با
مرده** کرمانی گوید که از پس مرده شد دلیل کند که اگر مرده مصلح و پارسا بوده باشد
سیرت و راه وی گیرد واگر مرده مفسد و فاسق بوده باشد همراه و سیرت وی گیرد
واگر نداند که مصلح یا فاسق بود در پس وی همی شد دلیل کند که بیمار شود و سرانجام
شفا یابد جابر مغربی گوید اگر مرده را بیند که ویرا بانك همی کرد و آن مرده را ندید

و یکبار مرده از میان گروهی بیرون آمد دلیل کند که از دنیا زود رحلت کند واگر بیند که آن مرده
بعرابهٔ مجهول در شد دلیل کند که بمیرد واگر بیند که او را گفت که فلان وقت بنزدیك من آیی
و او را بپذیرفت که بیایم دلیل کند که در آن وقت از دنیا رحلت کند اگر این مرده مصلح و
راستگوی بود واگر بیند که مرده کسی را گفت که تو فلان وقت بنزدیك من خواهی آمدن
دلیل کند که آنکس در آن وقت از دنیا رحلت کند زیرا که قول مرده دروغ نباشد واگر بیند
که مردهٔ ویرا بهم پیش خویش خواند و او ویرا منع کردن نتوانست هم دلیل مرگ وی کند
واگر بیند که مردهٔ ویرا بسرای خویش خواند و او با مرده در آن سرای نشد بلکه از بیرون
سرای بایستاد دلیل کند که بیمار شود چنانکه بشرف مرگ رسد ولیکن سرانجام عافیت
یابد واگر بیند که مرده را بیاثار برد دلیل کند که کسب و معیشت وی نیکو شود اسمعیل
اشعث گوید اگر خویشتن را در میان گروهی مردگان بیند دلیل کند که او در میان
مردمان امر معروف کند ولیکن از وی نشنوند واگر بیند که با مرده در سفر گرفت دلیل
کند که بسفر شود و در آن سفر شادی بیند که در میان مردگان بود چنانکه جز او در میان
شان زنده نبود دلیل کند که با گروهی مجالست کند که دین ایشان را بفساد بود واگر بیند
که او نیز همچون آن گروه مرده است دلیل کند که در دین وی نیز فساد بود واگر بیند
که کسی ویرا گفت که فلانکس بمرگ مفاجا همی میرد دلیل کند که بینندهٔ خواب داغ و زیانی باشد
ولیکن باشد که زود بمیرد واگر بیند که گروهی مردگان طعام همی خوردند دلیل کند که
در آن موضع طعام گران شود واگر مرده مست بیند بد باشد بهم مرده را و هم ویرا **قوله تعالی**
وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُم بِسُكَارَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ جاحظ معبر گوید
اگر کسی بیند که پارهٔ از تن مرده بخورد دلیل کند که از زمین گنجی یابد واگر بیند که
مردگان مجهول بشمشیر کردن همیزد دلیل کند که اگر مرد مصلح بود مردمان بر دست
وی توبه کنند واگر داد بد خویش باز کردند و بعضی از معبران گفتند که با مردمان
بد مذهب مناظره کند و همه را بدلیل و حجت غلبه کند زیرا که اینجا شمشیر زبانست
و گردن زدن حجت لازم کردن است بر کردن ایشان واگر این خواب پادشاه

بیند

بیند دلیل کند که بندگان آزاد کند یا زندانیان را از زندان رها کند حضرت امام
جعفر صادق علیه السلم گوید اگر کسی مرده را بسوی مردگان بیند بد بود و مرادش
حاصل نگردد واگر بیند که مردهٔ را بشست دلیل کند که راه وحکمت یابد واگر بیند
مردهٔ خویشتن را همی شست دلیل کند که زندگانی از غم واندوه رسته شود واگر
بیند که مردهٔ را بر زمین همی کشید دلیل کند که کسب حرام کند واگر بیند که مردهٔ را برداشت
دلیل کند که مال حرام یابد واگر بیند که با مرده در یکخانه خفته بود یا در یك بستر با وی خفته
بود دلیل کند که عمرش دراز شود **تاویل جامهٔ مرده** ابن سیرین گوید اگر بیند که مردهٔ جامهٔ
سبز پوشیده داشت دلیل کند که از دنیا با شهادت بیرون رفته باشد واگر بیند که
جامهٔ سپید داشت دلیل کند که جایگاه و رجعتش سخت نیك باشد واگر بیند که جامهٔ سیاه
داشت دلیل کند جایگاهش سخت بد باشد زیرا که جامهٔ سیاه پوشش دوزخیان است
واگر بیند که جامهٔ سرخ پوشیده داشت هم نیك باشد واگر جامهٔ کبود یا زرد بیند که پوشیده
داشت دلیل کند که بینندهٔ خواب را مصیبت وغم رسد واگر بیند که مرده جامهٔ
بپوشید دلیل کند که بوقت زندگانی مرده در میان ایشان خصومت و داوری بوده
باشد و حق بجانب مرده بود واگر بخلاف این بیند دلیل کند که حق بجانب
زنده باشد و بعضی از معبران گفتند که زنده در خواب چون مردگان بپوشد دلیل
کند که اجلش فرا رسد واگر بیند که مرده جامهٔ چرکن و دریده پوشیده داشت دلیل کند
که احوال مرده سخت بد باشد **تاویل کفن مرده** کرمانی گوید اگر بیند که کفن مردهٔ معروف
را بر کند دلیل کند که در دنیا طریق مرده جوید اگر عالم بود بعلم طریق وی جوید واگر
مالدار بود بمال واگر بیند که خواست که مردهٔ را کفن بر کند و آن مرده در گور زنده بود
دلیل کند که طریق آن مرده که در دنیا همی جوئید سخت نیك بوده باشد بعضی که اگر
عالم بود علم با وی منفعت بوده باشد واگر توانگر بود مالش حلال بوده باشد واگر بیند
که مردهٔ را کفن کرد دلیل کند که کسی را از خویشان آن مرده را جامه کند و بدانکه مرده
کش مردی بود که ودیعتها و مال حلال پیش وی بسیار باشد و مرده شوی باز ارکانی

بود که سود بسیار کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که دیدن مرده بخواب
بر سه وجه بود یکی مال باشد دوم ظاهر شدن کار مشکل سیوم فساد دین اکر کسی بیند
که روی بروی هیچکس نکریست و نازی نکرد دلیل کند که عمرش دراز بود ولیکن در سرای
وی خرابی افتد و اکر بیند که مرده زنده شد دلیل کند که کاری مشکل بروی ظاهر
شود و خیر و نیکی یا بد چنانکه اکر معزول باشد عمل یابد و اکر مهتر بود ریاست و بزرکی
یابد و اکر پادشاه یا سلطان بود آنچه امید دارد بتمامی بیابد و اکر بیند که ازان که طمع
بریده بود آن کار را باز یابد قوله تعالی فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ جابر مغربی کوید
اکر بیند که عالمی یا مهتری زنده شده بود دلیل کند که سیرت وی زنده شد اکر نیک باشد
نیک و اکر بد باشد بد و اکر بیند که مرده و یرا در آغوش کرفت دلیل کند که عمرش دراز بود
و کارش بالا کیرد و بمراد برسد و اکر بیند که چیزی بمرده داد دلیل کند که آن چیز عزیز شود و
اکر بیند که مرده چیزی همیخورد دلیل کند که نرخ آن خیر کران شود و باشد که آن
مرده آمرزیده یا شهید شود و اکر بیند که مردکان طعامها بمردمان همیدادند دلیل
کند که نرخ آن طعامها ارزان شود و اکر بیند که مرده ازوی طعام همیخواست دلیل
کند که آن مرده ازوی صدقه چشم دارد مرزنکوش ابن سیرین کوید اکر کسی بیند
که مرزنکوش همی بوئید دلیل کند که ویرا پسری آید مومن و مبارك که آن پسر خداوند
علم و فرهنك شود و اکر بیند که مرزنکوش از جایکاه خویش بر کند دلیل کند که فرزندش
بیمار شود و اکر فرزند ندارد غم و اندوهی بدو رسد و اکر بیند که در زمینی که ملك ویست
بسیار مرزنکوش رستیده دلیل کند که ویرا بسیار فرزندان مصلح باشند کرمانی کوید که
درخت مرزنکوش در خواب کسی بود از اهل خانه و راز دار وی باشد و اکر بیند که در زمین
وی درخت مرزنکوش نند و بر مرده بود دلیل کند که آنکس مفسد و بدعهد باشد مرغ
ابن سیرین کوید که هرچند که مرغ بزرکتر بیند دلیل کند که همتش در آنچه طلب کند که عظیم
تر باشد و اکر بیند که مرغ بسیار در جایکاهی بانك همیداشتند دلیل کند که اهل آن موضع
را غم و مصیبت رسد و اکر بیند که خایهٔ مرغ داشت دلیل کند که ویرا فرزندی آید کرمانی

کوید اکر بیند که مرغ باوی سخن کفت و در خدمت پادشاه بود دلیل کند که کار وی
پیش پادشاه بلند شود و اکر بیند که مرغ در دست وی بمرد پی آنکه وی ابکشت دلیل کند
که اندوهکین شود و اکر بیند که باد بر پشت مرغ همینهاد دلیل کند که برانکس آن مرغ منسوب
بود ستم کند و اکر بیند که مرغ را ستم و قهر بکرفت دلیل کند که برانکس که آن مرغ منسوب
بود ظفر یابد و اکر بیند که مرغی بر سر وی نشسته بود دلیل کند که برانکس که بدان مرغ
منسوب بود ظفر یابد و اکر بیند که مرغی پارهٔ کوشت از اندام وی ببود دلیل کند که
کسی از مال وی چیزی بزور بستاند و اکر بیند که کوشت از اندام خویش همیبرید و
در پیش مرغی همیفکند دلیل کند که کسی از مال خویش چیزی بخشد و اکر بیند که مرغی
پارهٔ کوشت استخوان داشت و بزمین افکند دلیل کند که کسی مال یابد و بدانکه تاویل
دلیل کند هر مرغی را معتبر که پیش ازین بیان کردیم تا اینقدر معلوم باشد جابر مغربی کوید
که مرغ فروش مانند مرد نخاس بود که غلامان و کنیزکان فروشد اسمعیل اشعث کوید
اکر بیند که مرغان مختلف در شهری یا در دیهی همیشدند دلیل کند که در آنجا لشکری بیکانه
شود و اکر بیند که مرغی چشمهاء ویرا بر کند دلیل کند که از کسی در دین وی تباهی رسد
و اکر بیند که مرغی از خون وی همیخورد دلیل کند که بر قدر آن ویرا از کسی زیان رسد
مرغابی ابن سیرین کوید که مرغابی در تاویل خواب بهتر و فاضلتر از دیدن مرغان آن
اکر بیند که مرغابی فرا کرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که مال و نعمت و بزرکی یابد
و بکام دل برسد و اکر بیند که بسیار مرغابی ویرا جمع شد دلیل کند که بر قدر آن اموال
بحاصل کند و مرادهایش تمام کردد و اکر بیند که پر مرغابی داشت یا از کوشت وی همی
خورد دلیل کند که بر قدر آن اموال بحاصل کند و بر دشمن ظفر یابد کرمانی کوید که
دیدن مرغابی بخواب فاضلتر از مرغان دیکر است ازبهر آنکه بروی بسیار تر
از پرهای مرغان دیکر است و علیق وی خوشتر از عیش دیکر مرغان بود که
هم در آب و هم در خشکی ویرا معیشت باشد و از مرغان دیکر برین بکثرا افکند
و او را دو رنکی بود یکی در آب و یکی در خشکی و اکر بیند که مرغابی را فرا کرفت

یا بخرید یا کسی بدو داد دلیل کند که بزرکی و مال یابد بر قدر بسیاری پر و فراخی معیشت
او و پر کوشت و استخوان او هم مال و نعمت یابد جابر مغربی کوید اکر بیند که مرغان
آبی بجایکاهی بانك همی داشتند دلیل کند که اندر آنجا آواز کریستن و مصیبت باشد
و اکر بیند که بچهٔ مرغابی فرا کرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که ویرا فرزند آید حضرة
امام جعفر صادق علیه السلم کوید که دیدن جمله مرغان آبی بخواب بر چهار وجه بود یکی
مال باشد دوم بزرکی سیوم ریاست چهارم فرمان روائی زیرا که مرغان آبی کاهی در
هوا باشند و کاهی در زمین و کاهی در آب چنانکه ایشان را خواهند پس ازین سبب
چون کسی مرغابی بخواب بیند دلیل کند که مراد در هر چیزی که خواهد بیابد بتمامی
مردمان ابن سیرین کوید اکر بیند که مردمان بسیار خرم جامهاء سبز داشتند
دلیل کند بر رامش و شادی و نیکوئی احوال وی و فرج یافتن از غمها و اکر مردمان
دون بیند که جامهای چرکن پوشیده داشتند دلیل تاویلش بخلاف این بود و اکر بیند که
جامهٔ کهن و دریده پوشیده داشت هم دلیل باشد و اکر بیند که جامهای کبود نه
پوشیده دلیل بر اندوه و مصیبت کند و جامهای نو و فراخ بر مردم بیند دلیل بر
عیش و فراخی نعمت کند مرغزار ابن سیرین کوید اکر بیند که درمیان مرغزاری است
و داند که آن مرغزار ملك اوست یا کسی بدو بخشید یا بخرید بها دلیل کند
بر پاکدینی و نیك اعتقادی وی بر قدر آن مرغزار و اکر بیند که آن مرغزار ملك
دیکران است و او تماشا همیکند دلیل کند که صحبت و مجالست وی با
نیکان و پارسایان و پاکدینان است و اکر بیند که در مرغزاری خوب همی
همیکشت دلیل کند که عیش بروی فراخ کردد و کار او بنظام شود و عاقبتش
محمود بود کرمانی کوید که مرغزار در خواب مردی بزرکوار بر قدر بزرکی و خوبی
مرغزار و اکر مرغزاری سبز و پاکیزه داند که ملك او دلیل کند که او را با مردی بزرکوار
پیوندی بود و ازو خیر و منفعت بود و اکر بوقت بهار مرغزاری بیند نیز سبز
و خرم کشته و کلها و ریاحین در وی شکفته و جویهاء آب در روان کشته و او در

میان نشسته دلیل کند که مرك وی با شهادت باشد و اکر بوقت بهار مرغزاری بیند
معروف و مجهول که نخل و ریاحین ازوی سبزی شده باشد و سبزه و نباتها پژمرده نه
چنانکه آن مرغزار از سبزه و ریاحین خالی بود دلیل کند که ویرا مردی بزرکوار صحبت
افتد که آن مرد از خدم و حشم خویش جدا مانده بود و اکر بیند که مرغزاری بوقت
بهار سبز و خرم کشته بود و در وی و ریاحین شکفته و آب رود بیامد و آن مرغزار را
از اصل بر کند و خراب کرد دلیل کند که آن پادشاه آن دیار را هم هلاك بود و
یا سلطانی بزرک آن پادشاه را ازان ولایت معزول کند و اکر بیند که آتش بیامد
و سبزه و ریاحین آن مرغزار را جمله بسوخت دلیل کند که پادشاه اندیار را مرك مفاجات
بود جابر مغربی کوید اکر کسی بیند که در مرغزاری درون شد و در آنجا شیران دید دلیل
کند که پادشاه آن دیار بر دشمنان ظفر یابد و اکر در آن مرغزار کرکان و نخچیران دید دلیل
کند که پادشاه آن دیار را مرك مفاجات بود و اکر بیند که در مرغزاری درون شد و در آنجا
شیران دید دلیل کند که پادشاه آن دیار با نظام و ستمکر باشد و اکر در آن مرغزار کوسفندان
بسیار بیند دلیل کند که پادشاه را مال و خواسته بسیار حاصل شود بر قدر آن
کوسفندان که دیده شد و اکر در آنجا کاوان و خران دید دلیل کند که پادشاه را
قوت و هیبت عظیم باشد و اکر در آن مرغزار پرندکان دید دلیل کند که لشکر
پادشاه بیعهد و وفا شد و بر ایشان اعتماد نبود و اکر بیند که از آن مرغزار کل و ریاحین
جمع کرد و بخانه برد دلیل کند که بر قدر آن از پادشاه ویرا خیر و منفعت رسد و اکر
بیند که از آنجا هیزم جمع کرد و بخانه برد دلیل کند که برنج و سختی ویرا از پادشاه
منفعتی رسد اسمعیل اشعث کوید که مرغزار در خواب زن بود اکر بیند که در مرغزاری
سبز و پاکیزه درون شد و در آنجا مقام کرد دلیل کند که زنی ستیره خوبروی را بزنی
خواهد و اکر بیند که مرغزار سبز و خرم نبود تاویلش بخلاف این باشد حضرة
امام جعفر صادق علیه السلم کوید که دیدن مرغزار در خواب بر هفت وجه بود
یکی دین باشد دوم اعتقاد پاك سیوم معیشت و نظام کارها چهارم پادشاه

پنجم مرد بزرکوار ششم خیر و منفعت هفتم زن باشد؛ مرهم ابن سیرین کوید اکر بیند
کمرهم بر انداختہ یا ریش شده همی نهاد دلیل کند بر خیر و صلاح و تندرستی وی و
بیند که مرهم بر اندامی درست همی نهاد دلیل کند که خیری کند که نه موضع وی باشد
واکر بیند که مرهم همیخورد دلیل کند که چیزی حرام خورد یا اندوه و مضرتی بدو رسد واکر
بیند که مرهم بکسی داد دلیل کند که از وی بدانکس چیزی رسد جابر مغربی کوید اکر بیند
که مرهم بر اندامی خستہ همی نهاد یا ریش شده و آن مرهم کوشت اندام وی همی فزود و زیادت
از آن همی کرد دلیل کند بر زیادتی مال و نعمت وی واکر بیند که آن مرهم کوشت اندام
وی همیخورد و نقصان همی کرد دلیل کند بر نقصان مال و نعمت وی؛ مروارید دانیال
کوید که مروارید بخواب فرزند غلام باشد یا فرزند کنیزک خوبروی ابن سیرین کوید
که مروارید بخواب کنیزک خوبروی یا زن با جمال باشد پس اکر مروارید بسیار
بیند چنانکه بشمار در نیاید دلیل کند بر تقویج مال بسیار بر قدر آنچه دیده باشد و
بعضی از معبران کفتند که چون مروارید پراکنده بیند قرآن بود و اکر بهم پیوسته بیند
سخن علم و حکمت بود و بعضی کفتند که مروارید پراکنده دیدن دلیل بر عدد پسران
و دختران کند ابن سیرین کوید که دلیل بر زنان و کنیزکان خوبروی کند اکر بیند که مروارید
بسیار فرا کرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که بر قدر آن مال یابد و اکر بیند که از دهان وی
عقد مروارید بیرون همی آمد دلیل کند که از دهان وی کلام منفعت بخش کثیر البرکت آید
واکر بیند که مروارید همیخورد دلیل کند که علم توحید و باشد که منفعت بپوشاند یا قرآن
فراموش کند و اکر بیند که در منزل یا در راه دین عقدهای مروارید کسترده است دلیل کند
کو ویرا در علم و حکمت تصنیف و تالیف بسیار بود و مردمان از کلام وی علم و دانش
حاصل کنند و اکر بیند که بجای هیزم مروارید بزیر آتش یا بتنور همیسوخت دلیل کند که
علم و حکمت بکسانی آموزد که سزای علم و حکمت نباشد و قدر و قیمت علم و دانش
ندانند و اکر بیند که مروارید بسیار داشت و او دیندار و عالم و پارسا بود دلیل کند بر
زیادتی دین و دیانت و علم وی و اکر توانکر بود و مال دارد دلیل کند بر زیادتی نعمت

ومال وی کرمانی کوید اکر کسی بخواب بیند که مروارید بیافت یا کسی بدو داد دلیل کو ویرا
فرزند خوبروی بیاید قوله عز و جل کَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ؛ واکر مروارید بزرک بیند چنانکه
از حد کذشته باشد دلیل کند که مال بسیار ویرا حاصل شود و اکر بیند که مروارید بفروخت دلیل
کند که خدای تعالی ویرا علم کرامت کند و اکر بیند که مروارید در دهان افکند و فرو خورد
دلیل کند که علم قرآن را فراموش کند و اکر بیند که مروارید بجایکاه مجهول بینداخت دلیل که
در حق کسی کاری کند که آن کس قیمت آن کار ندانند و اکر بیند که عقد مروارید در دست
بسته داشت دلیل کند که ویرا دختری بیاید جابر مغربی بیاید جابر مغربی کوید اکر
بیند که عقد مروارید بسیار داشت دلیل کند که ویرا حق تعالی علم و قرآن و حکمت کرامت
کند و اکر بیند که از دهان وی یکان یکان مروارید کرانمایه بیرون همی آید دلیل کند
که سخنهای نیکو کوید چنانکه آن سخنها مردمان را پسند آید و اکر بیند که عقد مروارید
از دست وی بکسست و از وی یکان یکان مروارید همی فتید دلیل کند که بسیار بکرید
و بر قدر آن اشک از چشم وی فرود آید اسمعیل اشعث کوید اکر مروارید بر کهین
دان یا بجایکاهی چرکن پراکنده بیند دلیل کند که علم و حکمت در پیش مردمان جاهل
نادان کوید و صحبت با نادانان کند و اکر بیند که مروارید را با آتش بسوخت یا بسنک
خرد بشکست دلیل کند که کاری کند که بخلاف شریعت باشد و اکر بیند که یکم وارید را
بزیر پای انداخت دلیل کند که یک فرزند خویش بنکاح بنا جنسی بدهد و اکر بیند که در زیر
پای بشکست دلیل کند که فرزندش هلاک شود یا در میان ایشان جدائی افتد و اکر بیند
که مروارید از قضیب وی بیرون آمد و آن مروارید سوراخ نداشت دلیل کند که وی را
پسری آید و اکر سوراخ داشت دلیل کند که ویرا دختری آید و اکر بیند که عقدهای مروارید
در کردن بست دلیل کند که نه کونه علم حاصل کند و اکر در کردن کسی بست آنکس را علم
و دانش آموزد و اکر بیند که در هر کوش وی کوشوارهای مروارید بن بود دلیل کند که قرآن
بر وی حفظ کند و اکر کوشوار یک کوش داشت دلیل کند که یک نیمه قرآن حفظ کند و اکر
بیند که بجز بازها مروارید داشت دلیل کند که بر قدر آن مال و خواسته حاصل کند حافظ

معبر کوید اکر کسی بیند که مروارید فروشی همی کرد دلیل کند که آنکس پارسا و مصلح بود و بسیار
چیزها بر دست وی بکذرد و از هر علم ویرا بهره باشد و اکر آنکس اهل علم بود دلیل کند که ویرا
فرزندان و مال بسیار حاصل شود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که دیدن مروارید
در خواب بر شش وجه بود یکی علم و قرآن باشد؛ دوم حکمت و فرهنک؛ سیوم مال حلال؛
چهارم زن خوبروی؛ پنجم کنیزک با جمال؛ ششم فرزندی نجیب؛ و مروارید فروش در خواب فرزندان
و مال بسیار و علم دین حاصل کند؛ مزدوران ابن سیرین کوید اکر کسی بیند که مزدوران
در خانهٔ وی کاری همی کردند دلیل کند که با خویشان یا با دوستان خویش ویرا خصومت
افتد و از ایشان مفارقت جوید جابر مغربی کوید اکر کسی بیند که بخانهٔ کسان مزدوری همی
کرد دلیل کند که در کاری صعب کرفتار شود و خداوند خانه را با کسی خصومت افتد
و اکر بیند که مزدوران در خانهٔ وی کار کل همی کردند دلیل کند که غمکین و متفکر شود
اسمعیل اشعث کوید اکر بیند که مزدوران در خانهٔ وی خاک کشیدند دلیل کند که بر قدر
آن ویرا مال و نعمت حاصل شود و اکر بخلاف بود نقصان افتد در مال و نعمت؛ مژکان
ابن سیرین کوید که مژکان چشم در خواب نکهداشتن دین باشد و اکر بیند که مژکان
چشمهایش فرو ریخت دلیل کند که در دین وی فساد و عیب باشد کرمانی کوید اکر بیند
که مژکان چشم و امی چند دلیل کند که بیمار شود و اکر بیند که مژکان وی زیر چشم باز
کونه کشت دلیل کند که بر قدر آن ویرا زیانی رسد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که دیدن مژکان در خواب
بر چهار وجه بود یکی نکاه داشتن دین باشد؛ دوم دوست موافق؛ سیوم مال و روزی؛ چهارم خرمی
بفرزند؛ و علی الجمله هر خیر و شری که در مژکان بیند تاویلش بر چهار چیز بود که یاد کرده شد؛ مزوره
ابن سیرین کوید که مزورها جمله چون بطعم ترش و ناخوش نباشند و در آن مزوره چربی بود دلیل خیر
و منفعت و شادی بما کند و چون بطعم ناخوش و ترش بود خوردن آن دلیل بر مضرت و
غم و درویشی کند بر قدر آن که خورده باشد و اکر از وی نخورده باشد تاویل این چنانکه کفتیم در خیر
و شر کمتر باشد مس ابن سیرین کوید که مس از جنس جهودان بود اکر بیند که مس داشت
و دانست که ملک اوست دلیل کند که بر قدر آن ویرا مال و متاع حاصل شود کرمانی کوید
که اوانی مس چون ابریق و آفتابه و طشت و آنچه بدین ماند جمله خدمتکاران باشند که از نسل

جهودان باشند و هاون دسته و چراغ و بابزن و شوره و آنچه بدین ماند جمله کدخدای سرای
بود جابر مغربی کوید اکر بیند که مس همی کداخت و او را صافی و پاکیزه کرد دلیل کند که کاری مشکل بر
دست وی کشاده کردد و بعضی از معبران کفتند که مال حلال برنج بدست آرد و بدانکه مس کر خدا
وند چیزها بود؛ مستی ابن سیرین کوید که مستی اندر خواب مال حرام بود و مستی کردن اندر
نماز قوله تعالی يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى؛ کرمانی کوید که مستی
از خواب چون از شراب بود بزرکی و توانکری و مال باشد و اکر شراب بود ترس و بیم عظیم
بود بر قدر مستی قوله تعالی وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَمَا هُمْ بِسُكَارَى وَلَكِنَّ عَذَابَ
اللَّهِ شَدِيدٌ؛ جابر مغربی کوید که مستی بی شراب نقصان مال بود با رفتن قوت و توانائی
باشد و چون مستی از شراب بود نعمت و مال حرام باشد حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم کوید که مستی در خواب بر چهار وجه بود یکی مال حرام بود؛ دوم توانکری؛ سیوم
ناتوانائی و نقصان مال؛ چهارم ترس و بیم باشد بر قدر مستی؛ مسجد ابن سیرین
کوید که مسجد آبادان بتاویل مردی عالم بود که مردمان بنزدیک وی بسیار آیند از بهر
صلاح قوله تعالی وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا؛ و اکر بیند که مسجدی
را بنا کرد دلیل کند که از بهر مسلمانان خیر و نیکی جمع کند که از آن ویرا اجر و ثواب بسیار
بود یا قومی را بر کار خیر جمع آرد و آن کار تمام کرداند یا قومی را بر دین و شریعت رسول
بد آرد جابر مغربی کوید که بنای مسجد نهادن در خواب زن خواستن باشد اکر بیند که
مسجدی را بنا همی نهاد اکر بنا را تمام کرد دلیل کند که زنی بحلال بخواهد و آن زن دین
دار و ستیره و پارسا بود و او نیز بسبب آن زن مستور و پارسا کردد و اکر بیند که خادم مسجد
را بکشت دلیل کند که فرزندش بمیرد و اکر بیند که در مسجد جامع بنشست و پیرامون
وی کلها و سبزیها کسترده بود دلیل کند که در وی کمانهای برند که در وی نباشد کرمانی کوید
اکر بیند که کسی ویرا از مسجد بازهمی داشت دلیل کند که آنکس بر وی ستم کند و اکر بیند
که در مسجد نماز همی کرد و لیکن روی سوی قبله نبود دلیل بخت بد بود و اکر بیند که
در مسجد دست و روی همی شست دلیل کند که مال خویش بر عمارت آن مسجد

هزینه کند و مرادش حاصل شود و اگر بیند که مسجدی خراب شد دلیل کند که عالمی بمیرد
اسمعیل اشعث گوید که بنا کردن مسجد خویش بود و جمع شدن مردمان در کار صلاح و
غلبت کردن اعدا چنانکه ایزد عز و جل در کلام قدیم یاد کرد قوله تعالی قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا
عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا و اگر بیند که جایگاهی از ملک او بمسجد گشته بوی
دلیل کند که در دین شرف و بزرگی یابد و مردمان را بحق دعوت کند و اگر بیند که با قومی
اندر مسجد همی رفت دلیل کند که زنی ستیره را بزنی بخواهد و اگر بیند که در مسجد چراغی
برافروخت دلیل کند که ویرا فرزندی بیاید که صالح و مستور بود و اگر بیند که در مسجد مکه
یا در مسجد مدینه درون شد دلیل کند که از همه بدیها ایمن شود حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم گوید که دیدن مسجد در خواب بر دوازده وجه بود یکی پادشاه دوم قاضی سیوم
عالم چهارم رئیس پنجم امام ششم خطیب هفتم مؤذن هشتم قیم مسجد نهم امین دهم
خیر و برکت یازدهم زن خواستن دوازدهم نیکویی باشد خداوند خواب و اگر بیند که مسجد
جامع همی آراست دلیل کند که کاری کند که مردم عام در آن خیر بود و اگر بیند که مسجد جامع را
عمارت همیکرد دلیل کند که کاری کند که بر درستی ایمان و عمل اخلاص بود و نیکویی کند با امام
و با جماعت مسجد و اگر بیند که اندر مسجد شدی دلیل کند که از آنچه می ترسد ایمن شود
و روزی بروی فراخ شود قوله عز و جل مَن دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا مسح کردن
ابن سیرین گوید که مسح موزه همیکرد دلیل کند که مال بسیار بدست آید و اگر بیند که باب تاختن
وی مردمان مسح همیکردند دلیل کند که ویرا فرزندی عالم و فاضل آید و مردمان بر
متابع او شوند جابر مغربی گوید اگر بیند که مسح موزه همیکرد دلیل کند که اندر سفر مال و نعمت
بسیار آسان بدست آید و کارهای وی بنظام شود مسکه بدانکه مسکه روغن پاره
بود ابن سیرین گوید که او در تاویل مال و غنیمت حلال بود اگر بیند که مسکه فرا گرفت یا کسی
بدو داد و از آن همیخورد دلیل کند که بر قدر آن ویرا غنیمت و مال حاصل شود کرمانی گوید که
مسکه خوردن در خواب گواهی راست دادن بود کرمانی گوید که مسکه گوسفند
خوردن در خواب دلیل کند که ویرا مال و نعمت حلالی حاصل شود و مسکه گاو خوردن

سال بروی فرخنده و مبارک بود و بر قدر آن اندر آن سال ویرا خیر و برکات باشد
و مسکه بز خوردن دلیل کند که ویرا از مهتری بزرگ خیر و منفعت رسد و علی الجمله
مسکه هر جانوری که گوشت وی حلال باشد دلیل بر مال حلال کند و هر مسکه که گوشت
وی حرام بود دلیل کند بر مال حرام تا اینقدر معلوم باشد حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم گوید که مسکه خوردن بخواب بر چهار وجه باشد یکی مال حلال باشد دوم گواهی
دادن براست سیوم علم و دانش چهارم معیشت نیکو باشد مسلمان ابن سیرین گوید اگر
مسلمانی بیند دیگرباره مسلمان شد دلیل کند که از بلاها و آفتها ایمن گردد اگر کافری بیند
که مسلمان شد دلیل کند که حق تعالی ویرا مسلمانی کرامت کند اگر بیند که مسلمانی کافری را همیکند
که مسلمان شود دلیل کند که کارهای آنکس مستقیم گردد جابر مغربی گوید اگر مسلمانی بیند
که کافر شد دلیل کند که اندر بلا و آفتی عظیم گرفتار گردد و خاتمت وی بد باشد و اگر بیند
که کافری بر دست وی مسلمان شد دلیل کند که کسی را از فساد و راه فسق بگرداند و براه
صلاح آرد و باشد که کافری بر دست وی مسلمان شود چنانکه بخواب دیده باشد
مسمار بدانکه مسمار میخ آهنین بود و او در خواب مردی بزرگ بود که بکارها و حاجتهای
مردمان بپیوندد و بعضی از معبران گفتند که مسمار در خواب پادشاه بود یا امیری بزرگ
و اگر بیند که مسمار بزرگ و قوی داشت دلیل کند که ویرا با مردی بزرگ وار صحبت افتد
و اگر بیند که چیزی را بمسمار محکم بدوخت دلیل کند که بسبب مردی بزرگوار کار پراکنده
وی جمع شود و اگر بیند که مسمار وی بشکست یا ضایع شد دلیل کند که تاویلش بخلاف
این بود که یاد کرده شد کرمانی گوید که تاویل مسمار بر کارهای مکروه بود که اندر آن کارها
خیری نباشد و هر چند که مسمار بیشتر بیند دلیل کند که رنج و مضرتش در کارها صعبتر
باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن مسمار در خواب بر چهار
وجه بود یکی مردی بزرگوار باشد دوم مردی بود که در میان مردمان بپیوندد و دوستی افکند
سیوم امیری یا پادشاهی چهارم مضرت و مکروه در کارها مسواک کردن ابن سیرین گوید اگر
کسی بیند که مسواک همیکرد دلیل کند که مال خود هزینه کند که اندر آن ویرا هیچ مزد نباشد

جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که دندانهای پیشین را بمسواک همین مالید دلیل کند که
با برادران و خواهران خیرات و احسان کند و اگر بیند که دندانهای پسین را بمسواک همی
کرد دلیل کند که با خویشان خیر و نیکی کند و اگر بیند که جمله دندانهای خویش را مسواک
همیکرد دلیل کند که با همه خویشان و اهل بیت خیرات و احسان کند و رنج و اندوه
از ایشان بردارد و مقصود شان حاصل کند مشرف ابن سیرین گوید اگر کسی
بیند که جوانی ویرا بشناخت بروی مشرف بود دلیل کند که دشمنی کانو مکاره بود
بروی مکر و حیلت سازد و اگر او بیند که بر آب صافی مشرف بود دلیل کند که بر نعمت
و مال مشرف شود و اگر بیند که زنان بروی مشرف اند دلیل کند که بر آن نعمت و مال
مشرف است حسد برند و با وی دشمنی کنند و فساد کار وی خواهند جابر مغربی
گوید اگر کسی بیند که مشرف پادشاه شد دلیل کند که معتمد و خاص پادشاه شود و اگر
بیند که پادشاه از مشرفی معزول کرد تاویلش بخلاف این بود که یاد کرده شد حضرت
امام جعفر صادق علیه السلم گوید اگر کسی بیند که بر کاری صالح یا بر چیزی نیک مشرف
بود دلیل کند بر خیر و صلاح و اگر بیند که بر کاری فساد یا بر چیزی بد مشرف گشت دلیل
بر شر و فساد کند مشرق ابن سیرین گوید که نهاد اصل مشرق بخواب بر ملوک
عالم است و بر آمدن آفتاب بر حاجت روایی مردمان از جهت پادشاه و فرو شدن
آفتاب بخلاف اینست که یاد کرده شد اگر کسی بیند که بمشرق بجایگاه نیکوست دلیل
کند که کار وی خوب گردد و از پادشاه بزرگ حاجت وی روا شود و اگر بیند که بجایگاه
بد و ناخوش است دلیل کند که کار وی بد شود و حاجتش از پادشاه روا نگردد و اگر بیند
که مشرق بسان بیابان خراب بود چنانکه در وی هیچ عمارت و درخت و نبات نبود دلیل کند
که پادشاه را بمنفعت خدمت کند و مقصودش حاصل نشود و غم و اندوه بدو رسد
و اگر بیند که بمغرب بجایگاهی نیکوست دلیل کند که کار وی نیک نشود و دولت و اقبالش
نقصان گردد و اگر بیند که بجایگاهی بد و ناخوش است دلیل کند که آنچه گفتیم بر و صعبتر باشد
کرمانی گوید اگر کسی خویشتن را در مشرق بیند که آفتاب برآید و یا فرو شود دلیل کند

که ویرا با پادشاهی صحبت افتد و اگر خویشتن در جایگاهی نیکو بیند دلیل کند که شغل وی
بمرادش برآید و اگر در جایگاهی بد بیند دلیل کند که شغل وی بر نیاید و بهمه حال جای آفتاب
برآمدن بهتر از جای آفتاب فرو شدن باشد زیرا که جای آفتاب برآمدن اقبال و بزرگی
بود و جای آفتاب فرو شدن ادبار و فرومندی باشد مشرک ابن سیرین گوید اگر
مشرکی بیند که مسلمان شد و سخن وی در باب مرگ بود دلیل کند که مسلمانی از دنیا رحلت
کند و برای حق شود چنانکه دین مسلمانی حق است و اگر سخن وی بخلاف دین و راه شرع
بود دلیل کند که مسلمان نشود و اگر مسلمان شود در دین اسلام ثابت نباشد جابر مغربی
گوید اگر بیند که مشرکی اندر بهشت شد دلیل کند که مسلمان شود و اگر مسلمانی بیند
که از سوی قبله نماز همیکرد یا شکر خدای عز و جل همیگذارد یا در حصاری بیند دلیل
کند که مسلمان شود و نعمت بروی زیادت گردد قوله تعالی لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ
و اگر مشرکی بیند که بیند که در سرای مسلمانی در آمد همین دلیل کند حضرت امام
جعفر صادق علیه السلم گوید اگر کسی در خواب مشرک را بیند و خداوند خواب
مستور باشد با مردم بد مذهب ویرا صحبت افتد و اگر مشرکی [illegible]
[illegible] بیند که دل وی فراخ گشت دلیل
کند که مسلمان شود قوله تعالی فَمَن يُرِدِ اللَّهُ أَن يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ
و اگر مشرکی گوید با مسلمان که من مسلمان شدم دلیل کند که کارهای وی مستقیم
گردد و باشد که وی دین مسلمانی گزیند مشعبد ابن سیرین گوید مشعبد دیدن در خواب
کار باطل بود اگر بیند که مشعبد شده بود دلیل کند که کار باطل کند و اگر بیند که در مشعبد
نظاره همیکرد دلیل کند که در کار باطل نگران بود و علی الجمله در مشعبده دیدن هیچ خیری
نباشد و اگر بیند که از مشعبده کردن دست بداشت دلیل کند که از کارهای باطل توبه
کند و دست بدارد و بخدای باز گردد مشک دانیال گوید اگر کسی بیند که با خویشتن
مشک داشت دلیل کند که با ادب و فرهنگ بود و همه کسی بروی آفرین و ثنا کنند و اگر
بیند که با خویشتن مشک داشت دلیل کند که با ادب و فرهنگ بود و اگر بیند که از وی

بوي مشك يا بوي كافور همي آمد دليل كند كه نفس وي پاكيزه وصادق بود بر واحق
ابن سيرين كويد اكر كسي بيند كه مشك را هميسود وازوي بوي خوش نمي آمد دليل
كند كه خير ونيكوئي درحق كساني كند كه ازوي منت وسپاس ندارند واكر بيند كه
جفت وي مشك را بدست آس هميكرد دليل كند كه ستيره وصالحه بود وهمه كس آفرين
وثناي وي كنند واكر بيند كه مشك را بسركين بد اكرد دليل كند كه فسق را بو صلاح
كرده بود وشعر وغزل را بر قرآن واكر مشك سوده برخويشتن همي ماليد دليل كند كه احسان
ونيكوكاري بسيار كند جابر مغربي كويد اكر بيند كه نافهٔ مشك را بشكافت ومشك ازوي
برون آورد دليل كند كه زني ستيرهٔ توانكر را بزني بخواهد واكر بيند كه درميان نافه
شاني بزرك از مشك بيافت دليل كند كه آن زن را هم مال بود وهم جمال واكر
خداوند خواب اهل علم بود دليل كند كه بسيار علم ويرا حاصل شود واكر پادشاه
بود آنچه دردل دارد بيابد ومال بسيار حاصل كند واكر بازركان باشد سود ومنفعت
يابد وحاصل كند كرماني كويد اكر كسي بيند كه نافهٔ مشك را بشكافت وازان مشك
بوي ناخوش همي آمد دليل كند كه تاويل آنچه ياد كرده شد بخلاف آن بود يعني آنچه كفتيم
زيان بود وآنچه ثنا وآفرين كفتيم هجو ونفرين بود آنكس را واكر بيند كه نافهٔ مشك يافت
معشوش كرده هم بد باشد زيرا كه هرچيز [illegible] كه دروي مكر وحيلت بود بتاويل نيك نبود واكر
بيند كه مشك هميخورد دليل كند كه مال خويش برعيال خود هزينه كند وبعضي از معبران
كفتند كه مال حرام بخورد واكر بيند كه بخروار مشك داشت ودانست كه ملك اوست دليل
كند كه بمقدار آن مال وعلم وادب وثناي نيكو ويرا حاصل شود ونامش دران ديار منتشر
كردد حضرت امام جعفر صادق عليه السلم كويد كه ديدن مشك درخواب بر شش وجه
بود يكي زن باشد؛ دوم مرد عالم؛ سيوم دوست؛ چهارم كنيزك؛ پنجم مال بسيار؛ ششم
سخن خوش وثناي نيكو بود؛ **مشك آب** ابن سيرين كويد كه مشك آب درخواب
ديدن سفر بود اكر كسي بيند كه مشك آب داشت وآن مشك نو بود دليل كند كه
بسفر شود ودران سفر ويرا سود ومنفعت باشد واكر بيند كه آن مشك پر آب صافي

بود دليل كند كه زندكاني وي دراز بود واكر بيند كه آن مشك كهن بود وآب وي تيره و
ناخوش دليل كند بخلاف اين بود كه بيان كرده شد واكر بيند كه مشك او سوراخ
داشت يا بدريد دليل كند كه دران سفر ويرا رنج وزيان افتد كرماني كويد اكر بيند كه
مشك آب داشت وازان مشك مردم را آب ميداد دليل كند كه با مردمان خير ونيكي
كند واكر بخلاف اين بيند خير واحسان او بكس نرسد حضرت امام جعفر صادق عليه السلم
كويد كه ديدن مشك آب درخواب بر سه وجه بود يكي سفر باشد؛ دوم مال باشد؛ سيوم
زندكاني دراز بود؛ وبدانكه مشك دوز درخواب قسمت كنندهٔ ميراثها باشد يا كسي بود
كه چيزهاي پراكنده را بصلاح آرد وبهم جمع كند زيرا كه پوستهاء كوسفندان مال حلال
بود زيرا كه تاويل پوست جانوران بموضعش بيان كرديم؛ **مصحف** ابن سيرين كويد
كه مصحف بتاويل علم وحكمت بود اكر بيند كه در مصحف قرآن همي خواند يا در
وي نكاه هميكرد دليل كند كه علم وحكمت وعدلش درميان خلق پراكنده شود و
بعضي از معبران كفتند كه حق تعالى حكمت وصلاح ديني ويرا كرامت كند واكر
بيند كه مصحفي بخريد دليل كند كه طالب علم ودانش بود وعلم حاصل كند واكر
بيند كه مصحف را بآتش بسوخت دليل كند بر فساد وتباهي دين وي واكر بيند كه مصحف را
بفروخت دليل كند كه علم ودانش حاصل نكند وحالش بنزد مردمان خوار شود
كرماني كويد اكر بيند كه مصحف كشاده بر سر نهاده بود دليل كند كه هرچه درانجا
بقرآن كار كند والي آن شهر كردد واكر بيند كه ورقهاء مصحف را همي خورد دليل
كند كه قرآن بسيار خواند واكر بيند كه ورقهاي مصحف را همي دريد دليل كند كه
نمازها تمام نكزارد واكر بيند كه نبشتهٔ مصحف را بزبان همي برد دليل كند كه درهوس
آن بود كه قرآن را بتمامي حفظ كند واكر بيند كه قرآن را تفسير هميكرد دليل كند كه
دركاري شود كه دران كار ويرا يار وانباز نبايد واكر بيند كه مصحفي در دست
داشت چون مصحف را بكشاد اندروي هيچ نبشته نديد دليل كند كه او بزبان
ديكر بود وبفضل ديكر وبعضي از معبران كفتند كه چون در مصحف نبشته نبيند

دليل كند كه مصحف بمزد نويسد يا قرآن بمزد آموزاند جابر مغربي كويد اكر بيند كه
مصحف را بوسه هميداد دليل كند كه كارهاي خير كند واكر بيند كه قرآن بر زمين
همي نبشت دليل كند كه ملحد شود واكر بيند كه برهنه قرآن همي خواند دليل كند كه خور شروي
از قرآن بود اكر بيند كه مصحف را ببالش كرده بود دليل كند كه بقرآن كار نكند واكر بيند
كه مصحف كسي ازوي بستد دليل كند كه علم وفوايد فراموش كند واكر بيند كه قرآن
همي خواند وآن را فهم نميكرد دليل كند كه غم واندوه سخت بدو رسد واكر بيند كه قرآن
دركردن حمايل داشت دليل كند كه از جملهٔ خوفها وترسها ايمن كردد اسمعيل اشعث
كويد اكر بيند كه در مصحف قرآن نكاه هميكرد يا از آنجا قرآن همي نبشت دليل كند
كه تفسير قرآن براي خويش كند چنانكه او خواهد واكر بيند كه ورقهاء مصحف
باز همي كرد دليل كند كه جاه وبزركي يابد وعدل وداد دهد اكر بيند كه مصحف قرآن
باوي سخن كفت اكر سخن خير كفت دليل بر خير كند اكر سخن شر كفت دليل بر شر
كند وبدي حضرت امام جعفر صادق عليه السلم كويد كه ديدن مصحف بخواب
بر پنج وجه بود يكي علم وحكمت باشد؛ دوم ميراث؛ سيوم امانت؛ چهارم مال
حلال؛ پنجم علم وقوت وحلم بود؛ **مصطكي** ابن سيرين كويد اكر كسي [illegible] بيند
كه مصطكي همي خورد دليل كند كه از بهر تن دارو خورد واكر بيند كه مصطكي همي خاييد
دليل كند كه كاري كند كه ويرا دران كفتكوي وخصومت بود كرماني كويد اكر كسي
بيند كه مصطكي همي خائيد دليل كند كه باكسي شكايت كند بقدر خائيدن وي
واكر بيند كه بسيار مصطكي داشت وازوي نخورد ونخائيد دليل كند كه ويرا از كسي
منفعتي برنج حاصل شود واكر بيند كه مصطكي بر آتش بخور كرد دليل كند كه ويرا از
پادشاهي رنجي رسد **مصور** بدانكه مصور بتازي صورت كننده است ابن سيرين
كويد اكر كسي بخواب بيند كه صورت جانورا هميكرد دليل كند كه بر خداي عز وجل
دروغ كويد وچيزهائي كه خداي تعالى بروي حرام كرده است حلال داند جابر مغربي
كويد اكر بيند كه صورت آدمي يا صورت ديكر هميكرد دليل كند كه بد مذهب ودروغ

زن باشد يا در صفات خداي تعالى چيزي كويد وعلى الجمله در صورت كري هيچ خير و
منفعت ديني ودنيائي نباشد **مطبخ** بدانكه مطبخ جاي خوردني پختن باشد ابن سيرين
كويد كه زن وخادمه بود واكر درخانهٔ خويش ديد كه مطبخي بكل وخشت خام كرده بود او را زني
خادمه ديندار وپارسا حاصل شود واكر بيند كه مطبخ او بكچ وخشت پخته كرده بود دليل كند كه او را
خادمه بيدين وديانت بود وامانت نكاه ندارد واكر بيند كه مطبخ وي بسنك وكچ كرده بود
دليل كند كه خادمه سليطه وبد فعال وسخت دل وكينه ور وناسازكار يابد ودروي خيري نبود
واكر مطبخ ملك وي نبود دليل كند كه خير وشر آن مطبخ بخداوند وي رسد **مطبوخ** ابن سيرين
كويد اكر كسي بيند كه مطبوخي از بهر بيماري ميخورد وآن مطبوخ او را موافق بود دليل كند
كه صلاح دين جويد واكر مطبوخ ويرا موافق نبود دليل كند كه صلاح دين ازوي زايل شود
واكر بيند كه مطبوخ نه از بهر بيماري بود كه هميخورد بلكه از بهر نكاه داشت تندرستي ميخورد
دليل كند كه صلاح دنيائي جويد بقدر موافق مطبوخ وبقدر منفعت وعملش واكر بيند
كه از بهر مردمان مطبوخ هميساخت دليل كند كه با خلق خداي احسان ونيكوئي كند واكر
بيند كه از پختن مطبوخ همي خنديد دليل كند كه از غم واندوه باز رهد وكارش
بنظام شود كرماني كويد اكر بيند كه چون مطبوخ خورد ويرا اسهال بسيار افتد و
بخور كشت دليل كند كه ويرا مضرت ورنجوري رسد واكر مطبوخ را قي هميكرد
هم بد باشد واكر بخلاف اين بود دليل بر خير ومنفعت بود حضرت امام جعفر
صادق عليه السلم كويد كه هر مطبوخ كه بخوردن آسان بود دليل كند بر خير وشفا
وراحت وآنچه بخوردن دشوار بود دليل بر رنج ومضرت وبيماري كند واكر بيند
كه چون مطبوخ بخورد ودروي اثر خير كرد دليل كند بر اثر صلاح وتندرستي و
اكر بخلاف اين بيند بد باشد **مطرب** ابن سيرين كويد اكر كسي بيند كه او
مطربي هميكرد وچيزها از رودها ونواها هميزد دليل كند كه بچيزهاي حرام كرايد و
اكر جز رودها چيزي ديكر هميزد چون دف وطبلك وسايه وآنچه بدين ماند دليل
كند كه اندوهكين ومستمند شود واكر بيند كه نواهاي مطربان همي شنيد دليل كند

که بچیزی حرام رضا دهد و غمکش و متفکر شود و علی الجمله در مطرقه کوفتن بخواب خیر و
منفعتی نباشد **مطرقه** بدانکه مطرقه بتازی خایسک بود و بپارسی ویرا در حرف خی
بباب خایسک بیان کردیم **مطبخه** ابن سیرین گوید که مطبخه آنچه ترش و ناخوش
بود بطعم خوردن وی دلیل بر شر و مضرت کند بر قدر آن که خورده باشد **معبر**
بدانکه معبر بتازی خوابگذار بود و او بر مردی باشد چون مقربی یا قاری یا قاضی پس معبر
باید که درین چیزها که یاد کرده شد بتامل نگاه کند تا خطائی بروی نیفتد **معجون**
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از بهر درد و بیماری معجونی همی ساخت دلیل کند که کار
وی کند او را از کسب و معیشت خیر حاصل شود و اگر بیند که از آن معجون بمردمان
همیداد دلیل کند که از وی بمردمان خیر و احسان رسد و اگر بیند که معجون وی سود و
منفعتی بکسی نمیگذاشت دلیل بد بود که از وی بکسی که خیر و منفعت نرسد جابر مغربی
گوید اگر کسی بیند که معجون همیخورد و آن معجون بخوردن تلخ و ناخوش بود دلیل
کند که بر قدر آن ویرا خیر و منفعت رسد و اگر بیند که آن معجون بخوردن تلخ و ناخوش
بود چنانکه برنج و دشواری نتوانست خوردن تاویلش بخلاف این بود که یاد کرده شد
و اگر بیند که منفعت آن معجون از بهر سینه و دل بود دلیل کند که از پادشاه ویرا خیر و
منفعت رسد و اگر بیند که منفعت معجون از بهر پشت بود دلیل کند که ویرا از پدر
خیر و منفعت رسد و اگر بیند که آن معجون از بهر شکم و پهلو بود دلیل کند که ویرا از
مادر و فرزندان خیر و منفعت رسد و اگر بیند که آن معجون از بهر همه تن بود دلیل
کند که از دودمان و اهل بیت ویرا منفعت رسد خاصه چون داند که منفعت آن چیزها
تاثیر خیر دارد **معده** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که معده اش سخت قوی و بی آفت
دلیل کند که زندگانی وی دراز بود و اگر بخلاف این بیند دلیل کند که زندگانی وی دراز
نباشد و اگر بیند که معده همیخورد دلیل کند که مال حرام خورد و بعضی از معبران گفتند که کسی
را سخنهای ناخوش گوید جابر مغربی گوید معده فرزند بود و هر خیر و شر که در معده بیند دلیل
آن فرزند ویرا بود و اگر بیند که معده وی بسلامت و قوی و درست و طعام را قوی بنظم

میکند دلیل کند که فرزندان ویرا از درد و بیماری ایمن باشند و اگر بخلاف این بیند دلیل کند
که فرزندانش بیماری و ضعیفی کشند و بعد از آن شفا یابند حضرة امام جعفر صادق علیه السلم
گوید که دیدن معده در خواب بر شش وجه بود یکی مال الحرام باشد دوم صناعت سیم
سخنهای ناخوش چهارم فرزند پنجم زندگانی ششم کار کردن بود و منفعتی که برنج
از کسب حاصل کند **معزولی از کار** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از کار خویش
معزول شد یا کسی ویرا معزول کرد دلیل کند که زن را طلاق دهد و اگر زن ندارد دلیل کند که بر
تجارت زیان کند و اگر بیند که بعد از آن کار از کار معزول شد و دیگر باره بعمل خویش
معزول شد دلیل کند که زن را طلاق دهد بعد از آن اصلاح کند یا زنی دیگر بخواهد
و الا از تجارت زیان کند و از وی خیر و منفعت یابد و کارهای وی بنظام شود
معصره بدانکه معصره بتازی تارک بزرگ بود که در وی انگور بپالایند و او مانند حوض
باشد و بخراسان ویرا خرخشت خوانند ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در معصرهٔ
چوبین انگور همیفشرد دلیل کند که در خدمت پادشاه بیداد گر مشغول گردد و اگر بیند
که در معصرهٔ از خشت بود که آن انگور همیفشرد دلیل کند که خدمت پادشاه عادل
با دیانت کند و اگر بیند که در معصرهٔ از گچ و آجر یا از آجر و آهک بود و انگور همی
فشرد دلیل کند خدمت پادشاه با هیبت و سیاست کند کرمانی گوید اگر کسی
خویشتن را در معصره دید و انگور همی فشرد دلیل کند که ویرا از خدمت هیچ منفعتی
نباشد **مصحف** ابن سیرین گوید که دیدن مصحف درخواب دلیل کند بر بیماری
و اگر بیند که مصحف داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که بیمار گردد و اگر بیند که از آن
مصحف بخورد دلیل کند که بیماری وی صعب باشد و اگر بیند که مصحف داشت و لیکن
ویرا بکسی بخشید یا از دست بینداخت دلیل کند که اندکی رنج بیمار گردد و لیکن زود
شفا یابد جابر مغربی گوید اگر بیند که درخت مصحف که هنوز سبز نشده بود از
جایگاه بر کند دلیل کند که اندوه گین شود و اگر بیند که درخت وی زرد شده بود و
ویرا از مغز خویش بر کند و بیرون انداخت دلیل کند که از رنج و بیماری شفا یابد

و اگر بیند تخم مصحف در زمین خویش کشت دلیل کند که کارهائی کند که از آن غم و اندوه
و بیماری رسد و حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن مصحف درخواب
بر سه وجه بود یکی بیماری باشد دوم غم و اندوه سیوم کاری کند که از آن کار ویرا رنج
و سختی رسد **معلم** ابن سیرین گوید که معلم درخواب مهتر زادگان بود اگر بیند که
معلمی همیکرد و مردمانرا علم همی آموخت دلیل کند که بنزدیک مردمان شرف و بزرگی
یابد خاصه بنزدیک آن کسانی که ایشانرا علم آموخت و از ایشان حق آن نشناسند
کرمانی گوید اگر بیند که معلمی همیکرد و کودکان را علم همی آموخت دلیل کند که اگر لایق
پادشاهی بود پادشاهی کند و اگر شایستهٔ پادشاهی نبود بمعدن خویش سخن روا گردد
و بقدر خویش بزرگی و ناموری یابد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید
که معلمی کردن درخواب بر چهار وجه بود یکی پادشاهی باشد دوم بزرگی سیوم
ناموری چهارم سخن روائی بر قدر چندان مردم که ایشانرا تعلیم همیکرد و اگر بیند
که از آن کسان که ایشانرا تعلیم کرد چیزی نمیستد دلیل کند که ازین چیزها که گفتیم
تا اینقدر معلوم باشد
ویرا اندک مایه رسد **معجره** بدانکه معجره گل سرخ بود ابن سیرین گوید اگر
کسی بیند که معجره داشت دلیل کند که بخرمی و لهو و طرب گراید و اگر بیند که معجره
را همی خورد دلیل کند که در پس مردمان بدی گوید و غیبت کند و اگر بیند که خانه
را بمعجره سرخ کرد دلیل کند که در آن خانه لهو و طرب باشد جابر مغربی گوید اگر کسی
بیند که تن خود را بمعجره سرخ کرد دلیل کند که کاری کند که مردمانرا از آن کار روی
ملامت و شرمساری بود **مغز** دانیال گوید که مغز سر و مغز استخوان بر
دو مالی باشد که ظاهر نباشد اگر کسی بیند که مغز خویش را همیخورد دلیل کند
که بهر جا چیزی نهاده بود و اگر بیند که مغز دیگری را همیخورد دلیل کند که مالی که پیش
او ذخیره بود آشکارا کند و اگر بیند که مغز گوسفند و مغز استخوان بز
و آنچه بدین ماند همیخورد دلیل کند که بر قدر آن ویرا مالی حلال حاصل شود
و هزینه کند کرمانی گوید اگر کسی بیند که مغز بروی بر زمین افتاد دلیل کند

که سرمایه از دست وی بشود و اگر بیند که همان مغز را از زمین برگرفت و در سر نهاد
دلیل کند که مایهٔ خود باز یابد اگر مغز خود را گندیده بیند دلیل کند که زکوة مال ندهد
و اگر مغز خویش را آغشته دید و بر زمین افتاد چنانکه قومی آن مغز را همیخوردند دلیل
کند که مایهٔ ویرا آن قوم هزینه کنند جابر مغربی گوید اگر بیند که مغز مرداری همی
خورد یا مغز جانوری که گوشت وی حرام بود دلیل کند که مال حرام خورد و اگر بیند
که مار یا کژدمی مغز وی همی خورد دلیل کند که بر قدر آن دشمن از مال وی بخورد
و اگر بیند که مغز مرده همیخورد دلیل کند که بر قدر آن از مال مرده بخورد اسمعیل اشعث
گوید که مغز درخواب دفینهٔ مال و خواسته بود و اگر بیند که از مغز کسی همیخورد دلیل
کند بر قدر آن از مالی که آنکس ذخیره نهاده باشد بخورد و هزینه کند و اگر بیند که آن
مغز که میخورد گندیده و ناخوش بود دلیل کند که آن مال مردم باشد و زکوة مال نداده
باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که مغز دیدن درخواب بر سه وجه
بود یکی مال نهان کرده باشد دوم عقل باشد سیوم صبر باشد **مبتلا** ابن
سیرین گوید اگر کسی بیند که مبتلا شده بود چنانکه برخاستن نمیتوانست دلیل کند که
طلب کند از خیر و شر سخت سست ضعیف باشد و البته هیچ توانائی ندارد در گذاردن
شغلهای که باشد بلکه عاجز و درمانده بود و آنکه مبتلائی بیند که درست و بسلامت شده
بود دلیل کند که در کارها بروی گشاده گردد و بمراد برسد کرمانی گوید اگر کسی خویشتن را
مبتلائی مادرزاد بخواب بیند دلیل کند که از همه معصیت توبه کند و از کارهای ناکردنی
یکسو شود و اگر خویشتن را دید چنانکه بزانو همیرفت دلیل کند که عیش بروی دشوار شود
و روزی بروی تنگ شود و اگر بیند که چنان مبتلا بود که البته رفتن نمیتوانست دلیل کند که
عیش بروی صعبتر و دشوارتر شود جابر مغربی گوید اگر بیند که کسی را بزد و مبتلا کرد
دلیل کند که عیش بر آنکس تباه کرده باشد و احوال بروی شوریده گرداند و مضرتی بدو
رساند **مفرح** بدانکه مفرح معجونی بود که شادی دل افزاید و دل را قوی کند
و غم و اندوه را ببرد ابن سیرین گوید اگر بیند که مفرح مشک یا کافور همیخورد دلیل کند

که بر قدر آن از مردی بزرگ خیر و منفعت یابد و نامش در آن دیار به نیکی منتشر کردد کرمانی
کوید که مفرح بطعم چون تلخ و ناخوش بود دلیل کند که بر غم و اندوه و چون تلخ و ناخوش نبود
دلیل بر خیر و خرمی و منفعت کند و اکر بیند که مفرح بکسی داد دلیل کند که از وی بدانکس
خیر و منفعت برسد **مقراض** بدانکه مقراض بتازی ناخن بیرا بود و شرح تاویلش بحرف
نون بباب ناخن بیان کنیم **مقرمه** بدانکه بتازی مندیلی بود که بستر را بدان بپو
شانند ابن سیرین کوید که مقرمه بخواب خدمتکار بیننده خواب بود اکر بیند
که مقرمه پاکیزه داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که وی را خدمتکاری بود مصلح
و پارسا و دیندار و اکر بیند که مقرمهٔ وی کهن و چرکن بود بخلاف این بود و اکر بیند
که مقرمهٔ او بدزدیدند یا بسوخت یا ضایع شد دلیل کند که خدمتکار از پیش وی
بکریزد یا رنج و بلایی بدو رسد که بدان سبب از وی جدا شود جابر مغربی کوید که مقرمه
در خواب خدمتکار خانه بود و اکر مقرمهٔ بزرک و فراخ دید و دانست که ملک او ست
دلیل کند که از آن خدمتکار خیر و منفعت بسیار بدو رسد و اکر بخلاف این
بیند دلیل کند که از آن خدمتکار خیر و منفعت بسیار بدو نرسد و اندکی باشد
مقعد بدانکه مقعد بتازی نشستگاه مردم بود ابن سیرین کوید که مقعد مردم در
خواب شغل و کسب وی بود اکر کسی مقعد خود بیرون آمده بیند دلیل کند
که کار و کسب وی تباه کردد و اکر بیند که از سوراخ وی خون همی چکید دلیل کند
که در مالش زیان رسد و اکر بیند که از سوراخ او کرم یا پارهٔ کوشت خون آلود
بیفتاد دلیل کند که فرزندش هلاک شود و اکر بیند که از سوراخ وی بول یا پلیدی
خون همی آمد دلیل کند که از کاری که ناکردنی بود خویشتن را نکاه دارد و ترک
آن بکوید کرمانی کوید اکر کسی مقعد خود بزرک و کوشتین بیند دلیل کند که بر
قدر آن وی را کسب و مال بود و اکر برخلاف این بیند دلیل کند بر نقصان مال و منفعت
وی و اکر مقعد خود در دمند و ریش بیند دلیل کند که از سبب مال بدو غم و اندوه
رسد و وی را کسب و منفعت تباه شود جابر مغربی کوید که هرچه از سوراخ مقعد بیرون

آید از خون و پلیدی و غیره بیش معبران جمله تاویلش مال باشد و آنچه کندیده بود و تن وی را
آلوده کرداند مال الحرام باشد بملامت و بد کفتن مردمان و اکر کندیده نبود مال الحرام نباشد
بملامت و بد کفتن. و اکر بیند که از سوراخ مقعد وی مار بیرون آمد دلیل کند که کاری طلبد
که نیاید مقصودش از آن کار بر نیاید و اکر بیند که مقعد کسی معروف را همی لیسید دلیل
کند که بدروغ مدح و ستایش وی کند اسمعیل اشعث کوید اکر کسی بیند که مقعد وی
بیرون آمده بود و سست شده دلیل کند که مال الحرام خورد و بعضی کفته اند که معیشت بر
وی تباه شود و اکر بیند که از مقعد خویش خون بیرون همی آید دلیل کند که از بزه
و کناه پاک شود و اکر بیند که از خون که از مقعدش بیرون همی آمد تنش آلوده کرد دلیل
کند که بر قدر آن وی را مالی حرام حاصل شود و اکر بیند که مار یا کژدم در سوراخ مقعد
وی شد دلیل کند که از دشمن در کسب و کار و معیشت وی خللی رسد و اکر بیند
که سوراخ مقعد وی بسته شد دلیل کند که کسب و کار و معیشت بر وی بسته شود حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام کوید که مقعد دیدن بخواب بر سه وجه است یکی
کسب و کار باشد دوم منفعت و مال سیوم معیشت باشد **مقل** ابن سیرین کوید
اکر کسی بیند که مقل از درخت جمع همی کرد دلیل کند که کاری کند که وی را از آن هیچ خیر
و منفعتی نرسد و اکر بیند که مقل را همی خورد دلیل کند که وی را مضرت و زیان رسد
و اکر بیند که بسیار مقل داشت دلیل کند که بر قدر آن وی را غم و اندوه بود و بعضی از معبران
کفته اند که مقل مال الحرام باشد **مقنعه** ابن سیرین کوید که مقنعه زنان را شوهر باشد و مردان را
زن بود اکر کسی بیند که مقنعه از سر وی جدا شد یا بدزدید دلیل کند که شوهر وی بمیرد و یا طلاقش
دهد و اکر بیند که برخی از سر وی مقنعه بسوخت دلیل کند که شوهرش را از پادشاه ترس و بیم
و مضرت باشد کرمانی کوید که مقنعهٔ زن در خواب شوهر وی باشد و آنچه در مقنعهٔ خویش
بیند از نیک و بد دلیلش بر شوهر وی کند و اکر این زن شوهر ندارد دلیل کند بدانکس که وی را
بشوهر دهد و اکر مقنعهٔ وی بزرکتر و بهتر از آن بیند که اول بود دلیل کند که حال شوهرش بهتر
از آن شود که بود و اکر بیند که مقنعهٔ وی ضایع شد و او سر برهنه بود دلیل کند که شوهرش بمیرد

یا طلاق دهد یا غم و اندوه مصیبتی بدو رسد و اکر بیند که مردی بر سر مقنعه داشت همچون زنان دلیل
کند که زن خواهد یا کنیزک خرد جابر مغربی کوید اکر زنی بیند که بر سر مقنعهٔ بزرد داشت که بکونه سبز و
پاکیزه بود دلیل کند که شوهر وی پارسا و دیندار بود و اکر بیند که آن مقنعه بکونه سفید بود دلیل کند که
شوهر وی توانکر و مصلح باشد و اکر بیند که آن مقنعه بکونه سرخ بود دلیل کند که شوهر وی معاشر
و طرب دوست بود و اکر بیند که بکونه سیاه بود دلیل کند که شوهر وی اندوهکین و غمکین باشد
و اکر بیند که کبود بود دلیل کند که شوهرش مصیبت زده باشد و اکر بیند که بکونه زرد بود دلیل کند
که شوهرش زرد روی بیمارکون باشد و اکر مردی بیند که بسیار مقنعها داشت دلیل کند که بر
قدر آن از زنان خیر و منفعت یابد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید
که دیدن مقنعه در خواب بر چهار وجه بود یکی زن باشد و زنرا شوهر دوم کنیزک
سیوم خادم چهارم منفعت بود از سبب زنان اکر زنی بیند که مقنعهٔ پشمین یا کرباسین
پوشیده داشت دلیل کند که و را شوهری بود زاهد و مصلح و پارسا و امانت دار **مکس**
ابن سیرین کوید که مکس در خواب مردم درویش و سفله بود و مکسان بسیار غوغای
مردمان دون و سفله باشد اکر بیند که مکسان بروی جمع شدند یا در چشم یا در دهان
وی در شدند دلیل کند که سفله از مال وی چیزی حاصل کند و کزندش رساند و
از و رنج و مضرتی بدو رساند و اکر بیند که مکس در کوش وی در شد دلیل کند که
از کسی دون سفله سخنی شنود که وی را دشوار آید و از آن رنجور کردد و اکر بیند
که بانک مکس همی شنید دلیل کند که از مردمان غوغا و سخنان بیهوده شنود کرمانی
کوید که مکس در خواب مردم فرومایهٔ حاسد بود و اکر کسی بیند که مکسی در دهان
وی در شد دلیل کند که وی را چیزی پیش آید که از آن کراهیت دارد و اکر بیند که
پیرامن وی مکسان جمع شدند دلیل کند که با مردمان حاسد وی را شغل افتد و اکر بیند
که بسیار مکس در خانهٔ وی میکشت دلیل کند که مردمان سخن وی کویند و اکر بیند که
مکسان تن وی را همی کزیدند دلیل کند که مردمان دون بر خویشان و اهل بیت وی حسد
برند جابر مغربی کوید اکر مکسان را همی کشت دلیل کند که حاسدان را قهر کند و اکر

بیند که مکسان را همی خورد دلیل کند که بر قدر آن از مال دشمن بکراهیت بستاند
و هزینه کند و اکر بیند که مکسان در بینی وی همی شدند و مغز وی همی خوردند دلیل
کند که حاسدان وی از مالی که نهان کرده بود بر قدر آن بستانند و هزینه کنند و وی را
مضرت رسد **مکس انکبین** ابن سیرین کوید که مکس انکبین در خواب مردم فراخ روزی
و کسب کننده و با خیر و منفعت بود اکر بیند که کروهی را از مکس انکبین فرا کرفت یا کسی
بدو داد دلیل کند که بر قدر آن وی را غنیمت برنج و تعب حاصل شود و همچنین انکبین
غنیمت و مال الحلال بود جابر مغربی کوید اکر کسی بیند مکسان انکبین بر وی جمع
شدند و وی را همی کزیدند دلیل کند که برنج و تعب مالی حلال حاصل کند و اکر بخلاف
این بود دلیل کند که برنج و تعب و مالی و نعمتی بسیار وی را حاصل کردد و اکر بیند و اکر
بیند که مکسان انکبین را همی خورد دلیل کند که مالی را که حاصل کرده باشد بر فرزندان
خویش هزینه کند و اکر بیند که مکسان انکبین را همی کشت دلیل کند که بر قدر
وی را مضرت باشد و اکر بیند که بانک مکسان همی شنید دلیل کند که از مردمانی
که در و خیر و منفعت باشد سخنها شنود که از آن وی را خیر و فایده رسد **مکه**
ابن سیرین کوید اکر کسی بیند که او در مکه است دلیل کند که بزیارت کعبه شود و اکر بیند که او
در مکه است و مردکان وی را همی پرسند دلیل کند که شهید میرد و اکر بیند که بمکه از
بهر تجارت رفته است نه از بهر حج دلیل کند که میل او بحرص و مال دنیا بود و در راه دین
ضعیف باشد جابر مغربی کوید اکر کسی بیند که در راه مکه بود دلیل کند که خدا تعالی
وی را حج روزی کند و اکر بیند که در مکه بصلاح و زهد و عبادت مشغول بود دلیل کند
که منفعت دینی یابد و اکر بیند که بشر و فساد مشغول تاویلش بخلاف آن بود و اکر
بیند که بمکه از بهر تجارت و شغل دنیا مشغول بود دلیل کند که مال و نعمت یابد اسمعیل
اشعث کوید اکر کسی بیند که در مکه بود و مکه پرمال و نعمت بود و مال و آبادان دلیل
کند که خیر و منفعت و نعمت و مال یابد و اکر مکه را جز این دید یا در قحط و شکی و
بلا دید تاویلش بخلاف این بود که یاد کرده شد **ملخ** ابن سیرین کوید که ملخ زنده لشکر

بود وملخ پخته درم ودینار بود واگر ملخ مجهول بیند پادشاه بود واگر بیند که ملخ در شهری
یا در جایگاهی پدید آمد ودر انجا یکه گزند رساند دلیل کند که بر قدر آن ملخ لشکر در انجا حاصل
شود واهل آن موضع را گزند وبلا رساند کرمانی گوید که ملخ لشکر است از لشکر خدای تعالی
اگر بیند که ملخ همیخورد دلیل کند که ویرا بر قدر آن خیر ومنفعت رسد از لشکر خدای تعالی
وبعضی از معبران گفته اند که بر قدر آن که ملخ خورده بود از مردی عالم منفعت یابد جابر مغربی
گوید اگر کسی ملخان بسیار همی جمع کرد ودر سبوئی همیکرد دلیل کند که مالی که جمع کند بکاوین
زن دهد واگر بیند که ملخ بی قیاس در جای جمع شد وجمله نعمت ونبات آن زمین بتمامی
بخوردند دلیل کند که لشکری بی قیاس در انجا جمع شوند وجملگی آن دیار را بتاراج ببرند وهمه
را خراب کنند **منادی** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در میان مردمان منادی است
وکلامش موافق علم وحکمت وشریعت است وبنفس خود صالح وپارسا است دلیل کند بر
خیر وبشارت یا جایگاه مسجد یا حرم کعبه است این جمله دلیل کند که خیر وصلاح آن
جهانی یابد واگر ندای وی بخیر وصلاح دنیائی بود دلیل کند که صلاح وکام ومراد این جهانی
یابد واگر بیند که ندای وی بشر وفساد بود دلیل کند که از خیر وصلاح هر دو جهانی بی بهره ماند
خاصه که بنفس خود او نیز مفسد باشد **مناره** ابن سیرین گوید مناره در خواب بر
مردی بود که مردمان را براه دین خواند اگر بیند که مناره را بنا کرد دلیل کند که کار خیر کند وجماعتی
را از اهل اسلام بهم جمع آرد واگر بیند که مناره را بکند وخراب کرد دلیل کند که کار بد کند
که از سبب آن جماعتی را از اهل اسلام متفرق کرداند واگر بیند که بی سبب مناره بیفتاد و
خراب شد دلیل کند که اهل آن موضع از هم متفرق وپراکنده کردند وبعضی از معبران گفته اند
که مؤذن آن مناره از دنیا رحلت کند کرمانی گوید که مناره در خواب پادشاه بود یا مردی
بزرگوار بر قدر بلندی مناره اگر کوچک مناره بیند دلیل کند که مهتری بدان کوچکی بر
بر قدر بلندی مناره اگر مناره از گچ وخشت پخته دید دلیل کند که آن مهتر سلطانی
بود واگر مناره از گل وخشت خام دید دلیل کند که آن مهتر از رعیت بود ودیندار
ومتواضع باشد واگر مناره از سنگ وآهک دید دلیل کند که آن مهتر پادشاه بزرگ

وستکر

وستمکر ومتکبر باشد واگر آن مناره از چوب دید دلیل کند که آن مهتر سفله ودون همت
باشد واگر مناره بر در مسجد دید دلیل کند که آن مهتر عالم وفاضل بود وخلق را بکارهای
خیر خواند واهل دین را قوت دهد واگر مناره مسجد افتاده دید دلیل کند که کسی از بزرگان
دین هلاک شود واگر کسی مناره مسجد جامع را افتاده دید دلیل کند که پادشاه آن دیار را
عمر برسد یا امام مسجد جامع را در میان مردمان تشویش وآشوب افتد واگر بیند که در
میان شهر مناره بلند بود دلیل بر پادشاه کند واگر بیند که آن مناره از روی یا از مس یا برنج
بود دلیل کند که پادشاه ظالم وستمکر باشد واگر بیند که سر آن مناره از زر بود دلیل کند که پادشاه
ستمکر بود واگر بیند که سر وی از چوب بود دلیل کند که پادشاه دروغ زن وبی قول وفعل باشد
واگر بیند که سر مناره از خشت پخته بود دلیل کند که پادشاه متکبر وگردنکش باشد واگر خویشتن
را بر سر آن چنین مناره دید دلیل کند که مقرب خاص پادشاه شود وکارش بنظام گردد و
اگر بیند که بر سر مناره طعامها نهاده بود دلیل کند که در آن دیار پادشاهی عادل ومبارک
منظر پدید آید جابر مغربی گوید اگر بیند که در مناره که در میان شهر بود بانگ نماز گفتی
دلیل کند که پادشاه خلق را وعده نیکو دهد واگر بیند که در مناره مسجد جامع بانگ
نماز همیداد دلیل کند که بحج شود **قوله تعالی** وَأَذِّن فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ واگر بیند که بر مناره
قامت داد دلیل کند که عمره کند واگر بیند که مناره بجنبید دلیل کند که پادشاه بیمار
شود یا مهتری بزرگ واگر بیند که باد مناره را بیفکند دلیل کند که سلطان نو بیاید و
پادشاه آن دیار را قهر کند وولایت از وی بستاند حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام گوید که دیدن مناره در خواب بر چهار وجه بود یکی پادشاه بود دوم مردی
بزرگوار سیوم امام چهارم مؤذن باشد **منبر** ابن سیرین گوید که منبر در خواب
سلطان اهل اسلام بود وهر خیر وشری که بر منبر بیند تاویل آن بروی کند واگر بیند که
بر منبر شد وبروی علم وحکمت گفت یا خطبه همیخواند واو از اهل علم باشد دلیل
کند که از سلطان بزرگی وشرف یابد واگر اهل علم نباشد دلیل کند که پدرش یا کسی
از خویشان یا از همسایگان او که اهل علم بود شرف وبزرگی یابد واگر بیند که بر منبر

شعر همیخواند یا سخنها که خلاف راه دین بود همیگفت دلیل کند که در میان اهل اسلام
ببد دینی وراه بدعت رسوا شود وبعضی از معبران گفته اند که ویرا بردار کنند واگر پادشاهی
بیند که او بر منبر بود واو از منبر بیفتاد یا منبر بشکست دلیل کند که او از پادشاهی معزول
گردد واگر بمرگ بود واگر بزندگی کرمانی گوید اگر کسی بیند که بر منبر شد وخطبه تمام بخواند
واز منبر فرود آمد دلیل کند که از خطابت معزول گردد واگر زنی بیند که بر منبر خطبه همیخواند
یا کلام علم وحکمت همیگفت دلیل کند که در میان مردمان رسوا شود زیرا که زنان را خطبه
خواندن وعلم گفتن میان مردمان بر منبر روا نباشد ونیز مردان را خطبه خواندن
میان زنان هم نیک نباشد واگر بیند که از عالم بود بد باشد زیرا که از حرمت وبزرگی بیفتد
ودر میان مردمان حقیر وخوار گردد واگر بیند که منبر بشکست واز وی بیفتاد دلیل بر زوال
نعمت وشرف وبزرگی وی بود بمرگ یا بزندگانی جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که بر منبر شد
واو عالم ومصلح ودیندار بود دلیل کند که بزرگی وشرف یابد واگر مفسد وجاهل بود دلیل
کند که ویرا بدزدی بگیرند وبردار کنند وهر چند که منبر را بزرگتر وپاکیزه تر بیند دلیل کند
که منزلت وجاه وی بیشتر باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که منبر دیدن
در خواب بر پنج وجه بود یکی پادشاه بود دوم قاضی سیوم امام چهارم خطیب پنجم
مرتبت خداوند خواب بود وزیادت ونقصانی که بر منبر بیند بر این کسان افتد
که بیان کردم **منجم** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که او منجم شد دلیل کند که نزدیک
بزرگان وپادشاهان منزلت وبزرگی یابد وبا ایشان نزدیک شود اما سخن دروغ محال
بسیار گوید خاصه که بیند که در خواب سخن از احکام نجوم میگفت کرمانی گوید اگر کسی
بیند که سخن بعلم نجوم وهیات افلاک همیگفت دلیل کند که نزدیک پادشاهان وبزرگان
وبزرگی وحرمت یابد واگر بیند که سخن در احکام نجوم همیگفت تاویلش بخلاف این
بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که منجم بخواب دیدن مردی بود که دروغ
بسیار گوید وشکر خدای تعالی نگذارد **منجنیق** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که
یا بر شهر یا بر قلعه مسلمانان سنگ منجنیق همیزد دلیل کند که در حق اهل اسلام سخنهای

بدو ناهموار

بدو ناهموار گوید واگر بیند که در شهر یا در قلعه کافران همی انداخت دلیل کند که ایشان را
سخت دشمن دارد وپیوسته سخن بیشان بدی گوید جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که
پیرامن شهری منجنیق نهاده بودند ویا درهای آن شهر را بمنجنیق خراب میکردند دلیل
کند که آن شهر را از دشمنان بیم وخطر باشد واگر بیند که آن منجنیقها بیفتاد ویا آتش
بیفتاد وآن منجنیقها را بسوخت دلیل کند که پادشاه آن شهر بر دشمنان مظفر ومنصور
گردد وایشان قهر کند واهل آن دیار را از ترس وبیم ایمن گردند **مندیل** بدان که
مندیل بتازی دستار بود ابن سیرین گوید که مندیل بخواب خادم بود وهر زیادت
ونقصان که در وی بیند بخادم باز گردد واگر بیند که مندیلی نو داشت یا کسی بدو
داد یا بخرید دلیل کند که خادمی ویرا حاصل شود واگر بیند که مندیل وی بگونه سفید
وپاکیزه بود دلیل کند که خادم وی با امانت ونیکو سیرت باشد واگر بیند که
مندیل وی بگونه سبز بود دلیل کند که خادم وی دیندار وپارسا بود واگر بیند
که بگونه سرخ بود دلیل کند که خادمش معاشر بی شرم وستیزه کش باشد واگر
بیند که بگونه زرد بود دلیل کند که خادمش زرد روی وبیمارگون باشد واگر بیند
که بگونه کبود بود دلیل کند که خادمش اندوهگین ومصیبت زده باشد واگر
بیند که مندیل وی فوطه بود دلیل کند که خادمش سیرت زهد ورای نیک دارد
جابر مغربی گوید اگر بیند که مندیل وی پشمین وکرباسین بود دلیل کند که
خادمش دیندار وبا امانت بود وطلب حلال کند واگر بیند که مندیل وی از
کتان بود هم نیک باشد واگر بیند که مندیل وی ابریشمین یا قزین بود دلیل کند
که خادمش متکبر وبیوفا وحرامخوار باشد واگر بیند که مندیل وی کهن
ودریده وچرکن بود دلیل کند که از آن خادم برخورداری نیابد واگر بیند که
مندیل وی ضایع شد دلیل کند که خادمش از وی بگریزد واگر بیند که مندیل
وی بسوخت دلیل کند که خادمش بمیرد خاصه که بیند تمام بسوخت پس اگر بیند
که برخی از وی بسوخت دلیل کند که خادم وی بیمار شود **منشور** ابن سیرین

کوید اکر بیند که مردی عالم یا زاهد ومصلح منشور بدو داد که دران کلامها نبشته بود
دلیل کند که صلاح دین ونجات آخرت یابد واکر بخلاف این بیند دلیل کند که بد
باشد واکر بیند که پادشاهی منشوری بوی داد دلیل کند که شرف وبزرکی یابد جابر
مغربی کوید اکر کسی بیند که پادشاهی منشوری بوی داد بشهری وولایتی که دران شهر
مردمان اهل صلاح باشند ودر انجا نعمت بسیار بود دلیل کند که از پادشاهی بزرکی و
منزلتی عظیم یابد وکارهای او بنظام شود واکر بیند که منشوری بشهری خراب وولایت
دور تاویلش بخلاف بود که یاد کرده شد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید
اکر کسی بیند که فرشته یا پیغمبری منشوری بخط سبز بدو داد دلیل کند که حق تعالی
ویرا بیامرزد وبرو رحمت کند واز وی خشنود وراضی کردد ودیدار خویش ویرا کرامت
کند واکر بیند که منشور وی سیاه بود دلیل بد باشد **منقار** ابن سیرین کوید اکر
کسی بیند که بسان مرغ ویرا منقار بود دلیل کند که بر قدر بزرکی آن منقار ویرا
نعمت ومال حاصل شود واکر بیند که مرغی بزرک چون آله وکرکس وآنچه بدین ماند
ویرا بمنقار بزد چنانکه ویرا درد کرد وخون از وی روان شد دلیل کند که از پادشاه
ویرا رنجی رسد ومال وی بستاند جابر مغربی کوید اکر کسی بیند که منقار مرغی در
دست داشت دلیل کند بقدر بزرکی وقیمت آن مرغ ویرا از مهتری خیری
ومنفعتی رسد واکر بیند که منقار داشت وبدان منقار مردمانرا همی کزید دلیل
کند که مردمان از وی رنج وکزند رسد **منی** بدانکه آبی بود که ازان فرزند باشد
ابن سیرین کوید که دیدن منی در خواب مالی پایدار بود که بدان شاد شود اکر
بیند که یکسبو آب منی داشت دلیل کند که مال بسیار ویرا حاصل شود واکر کسی
بیند که از قضیب وی یکسبو آب فرود همی آمد دلیل کند که از کسب خویش ویرا
بسیار مال حاصل شود واکر بیند که از قضیبش یک قطره فرود همی آمد دلیل کند که بر قدر
آن ویرا اندک مایه از مال حاصل شود کرمانی کوید اکر بیند که از قضیب وی منی
همیرفت دلیل کند که بر قدر آن از مال وی نقصان شود واکر بیند که منی بیکانه بود که درانجا

همیرفت

همیرفت دلیل کند که بر قدر آن مال بیکانه بدو رسد جابر مغربی کوید اکر کسی بخواب بیند که
منی از وی فرود آمد دلیل کند که ویرا فرزندی آید **قوله عز وجل** إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ
نُطْفَةٍ حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن منی در خواب بر چهار وجه
بود یکی فرزند باشد دوم زیادتی مال سیوم نقصان مال چهارم خواب باشد اما چون خداوند خواب بیند که از وی
منی همی آمد معتبر باید که تاویلش بر زیادتی مال کند واکر بیند که او کفت که منی از من همی رفت
تاویلش بر نقصان مال بود **مهد** ابن سیرین کوید اکر کسی در خواب بیند که در مهد نشسته بود
وخداوند خواب سزاوار مهد بود دلیل کند که راحت وآسانی یابد وعیش وی ناخوش کردد واز
ترس وبیم ایمن شود واکر بیند که از مهد بیفتاد ومهد وی بشکست تاویلش بخلاف این بود کرمانی کوید
اکر کسی در خواب بیند که در مهد نشسته بود دلیل کند که زن مهربان خواهد یا کنیزکی مهربان ویرا
خیر حاصل شود وبعضی از معبران کفته اند که نشستن در مهد جهت آرامکاه عز ومرتبت باشد
کسی را سزای مهد باشد واکر سزای مهد نباشد مهد نشستن ویرا زندان وجای تنک باشد وغم
واندوه ورنج بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن مهد توانکران را بر هشت
وجه بود یکی راحت وآسانی بود دوم عیش سیوم عز وجاه چهارم آرامکاه پنجم مرتبت ششم ایمنی
هفتم زن مهربان هشتم کنیزک مهربان ودیدن مهد درویشان را بر چهار وجه بود یکی زندان باشد
دوم جایکاه تنک سیوم غم واندوه چهارم رنج ومحنت **مهر نهادن** ابن سیرین کوید اکر کسی
بیند که بنکل مهر نهاد دلیل کند که از خداوند انکشتری خیر ومنفعت وبزرکی یابد واکر بیند که
بر نامه مهر نهاد وآن نامه کشاده بود دلیل کند که معاینه چیزی بدو رسد واکر بیند که پادشاهی یا
بزرکی انکشتری خویش بدو داد وفرمودش که بر در خزانه وی مهر نهد اکر سزاوار بود دلیل کند که پادشاه
خزانه ومال خویش همه بدو سپارد واکر سزاوار نبود از خویشان ونزدیکان وی کسی مال خود
بوی سپارد واکر بیند که پادشاه مهر خویش بدو سپرد دلیل کند که از وی بزرکی ومنزلت یابد و
اکر بیند که پادشاه بر نامه وی مهر نهاد چنانکه رسم است دلیل کند که زود ولایت یابد وحاجت وی
روا کردد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که مهر نهادن در خواب بر نامه وکیسه
وآنچه بدین ماند دلیل بر هفت وجه کند یکی بر تمامی عمل وبالا کرفتن کار دوم بر فتوت دین

سیوم ریاست چهارم بر حقیقت اخبار وصلاح دین ودنیا پنجم بر مال ونعمت ششم بر دولت
وبزرکی هفتم بر کامی بر قدر خداوند خواب **مهره** ابن سیرین کوید اکر کسی بیند که مهره
بیافت یا کسی بدو داد دلیل کند که بر قدر وقیمت آن مهره مالی بدو رسد یا از سفر روزی یابد
پس اکر آن مهره از مروارید یا از یاقوت یا از لعل وفیروزه وآنچه بدین ماند بود تاویلش بر
نسبت جوهر آن خیر کند جابر مغربی کوید اکر کسی بیند که مهره بیافت یا بخرید یا کسی بدو داد دلیل
کند که ویرا خدمتکارش دیندار وپارسا وبادیانت باشد واکر مهره بکونه سرخ بود دلیل کند
که خدمتکارش معاشر وستیزه کش بود واکر مهره زرد بود دلیل کند که خدمتکارش بیمار
کون باشد واکر مهره بکونه سیاه بود دلیل کند که خدمتکارش بد دین ودیانت وبدخوی
باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن مهره بخواب بر هفت وجه بود
یکی زن باشد دوم خدمتکار سیوم کنیزک چهارم مال پنجم خواسته وادب وفرهنک ششم فرزند
هفتم غلام خرد وبر زیادت ونقصان که در مهره بیند دلیل بر هفت چیز
کند **مهمانی** ابن سیرین کوید که مهمانی در خواب اجتماع باشد در چیزی اکر بیند
که قومی را بمهمانی خواند دلیل کند که در کاری شود که آن کار از هر شغلی باز دارد ویرا واکر کسی
بیند که ویرا در باغی بمهمانی خواندند که دران باغ میوههای کوناکون بسیار بود وشراب
وجویها وآب روان دلیل کند که کسی اورا بغزا خواند وشهید کردد **قوله تعالی**
فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ وَشَرَابٌ جابر مغربی کوید که مهمانی در خواب دلیل کند بر باز
آمدن غایبی از سفر کرمانی کوید مهمانی دیدن در خواب چون درانجا چنک وچغانه
ونای بود ورقص دلیل بر غم واندوه ومصیبت کند اکر از آنچه صفت کردیم چیزی درانجا
نبود دلیل بر خیر وبرکت ورامش وخرمی کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
کوید اکر کسی بیند که عروسی خواست بنکاح ومهمانی دلیل کند که ویرا غم واندوه رسد
واکر از آنچه کفتیم چیزی بیند دلیل کند بر خیر وبرکت **مورچه** ابن سیرین کوید که
مورچه در خواب انبوهی مردم بود واکر بیند که مورچه بسیار در چیزی شد دلیل کند که آن چیز
بسیار مردم فرا رسد واکر بیند که در خانه وی بسیار مورچه در رفت دلیل کند که اهل وعیال در آنجا

بسیار شود

بسیار شود واکر بیند که موران از سرای بیرون همی آمدند دلیل کند که مردمان سرای ازانجا
بجای دیکر تحویل کنند بزندکانی یا بمرک واکر بیند که موران در خانه بزیادت می شد
دلیل کند که مال ونعمتش بر قدر آن زیادت شود واکر بیند که موران از خانه وی چیزی
بجای دیکر میبردند دلیل کند که کسی ازان خانه با مال خویش بجایکاهی دیکر تحویل کند
واکر بیند که مورچه از جائی بیکانه در خانه وی در شدند دلیل کند که دزد در سرای وی
شود واکر بیند که بر تن وی موران بسیار جمع شدند دلیل کند که خویشان واهل بیت
بروی جمع شوند واکر بیند که موران از دهان وی بیرون آمدند دلیل کند که زود به
هلاک شود جابر مغربی کوید که مورچه در خواب دشمن بسیار باشد ولکن ضعیف
اکر کسی بیند که مورچه بسیار در خانه وی بود دلیل کند که نسلش بسیار باشد واکر بیند که
موران از سرای وی بیرون شدند دلیل کند که نسل وی کم کردد اسمعیل اشعث
کوید که موران خرد سرخ در تعبیر مردمانی باشند ضعیف وسست وموران
سیاه بزرک دودمان واهل بیت باشند واکر بیند که از سرای موران بر آمدند
ودر هوا همی شدند وبر بیدند دلیل کند که بر خویشتن واهل بیت وی بسفر شوند و
اکر بیند که موران باز آمدند دلیل کند که اهل خصمان وی باز آیند از سفر حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن موران بتاویل اهل بیت بیننده خواب
بود از زنان وفرزندان وخویشان واکر بیند که از خانه وی موران بیرون
همی شدند دلیل کند که اهل بیتش ازان خانه پراکنده شوند **مورد** ابن سیرین کوید
که مورد در خواب مردم آزاده ودراز عمر وخوش طبع وخوبروی وکامل عقل باشد
چنانکه دوستی را شاید واکر بیند که مورد داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که با چنین
مردی ویرا صحبت افتد ودوستی واز وخیر ومنفعت یابد کرمانی کوید که مورد
بخواب مردی بود دراز عمر وباجمال واز اهل بیت بزرک چنانکه دوستی را شاید یا زنی
باشد بدین صفت که کفتیم واکر بیند که درخت مورد داشت دلیل کند که ویرا با
چنین مردی صحبت وپیوند باشد واز وخیر ومنفعت یابد واکر بیند که درخت

مورد بشکست یا از جاي برکند دلیل کند که از صحبت چنین کس ویرا مفارقت فتد
جابر مغربي کوید که مورد در خواب مال و نعمت بسیار بود خاصه که مورد را سبز و تازه
بیند و اکر ویرا نند و پژمرده بیند دلیل کند بر بیماري و بعضي از معبران کفتند که مورد
بخواب فرزند صالح و پارسا بود بر قدر آنکه دیده باشد حضرت امام جعفر
صادق علیه السلم کوید که دیدن مورد بخواب بر چهار وجه بود یکي مرد دراز عمر عاقل
و خوش طبع باشد دوم فرزند صالح نیکسیرت سیوم مال بسیار چهارم منفعت
و خوش بودن و اکر زني بیند که دسته مورد بشوهر خود داد دلیل کند که نکاح ایشان
پایدار بود و اکر مردي بیند که دسته مورد بدوستي داد دلیل کند که دوستي ایشان پیوسته
بماند زیرا که مورد پیوسته سبز باشد موز ابن سیرین کوید که دیدن موز در خواب توانکران
را مال و دینداران دین بود و برکش بهترین برکهاي درختان بود و اکر بیند که موز فرا کرفت
یا کسي بدو داد و توانکر بود دلیل کند که بر قدر آن در مال وي زیادت شود و اکر خداوند
دین بود دین بروي زیادت شود و اکر بیند که موز همیخورد دلیل کند که بر قدر آن
منفعت دیني یابد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که دیدن موز در
خواب بر سه وجه بود یکي زیادتي مال دوم زیادتي دین سیوم معیشت و خوشي بود
و روزي حلال و بعضي از معبران کفتند اکر کسي بیند که بوقت خویش موز همیخورد
دلیل کند که زني توانکر با جمال با فرهنک و با زینت را بزني خواهد و از وي خیر و منفعت
یابد موزه دانیال کوید که دیدن موزه بخواب در هنکام زمستان دلیل بر خیر و نیکي کند
و بهنکام تابستان دلیل کند بر غم و اندوه کند و اندر موزه معبران را خلاف بسیار است
ابن سیرین کوید اکر کسي بیند که وي موزه داشت دلیل کند که غم و اندوه بدو رسد خاصه
که موزه در پاي تنک باشد اکر بیند که در پاي موزهٔ ادیم نو داشت دلیل کند که زن
خواهد و اکر بیند که موزه را با شکونه پوشیده بود دلیل کند که غم و اندوه و رنجي سخت
بدو رسد و اکر بیند که موزه را کج پوشیده بود دلیل کند که غم و اندوه از دل وي زایل
شود کرماني کوید اکر بیند که پوست میش موزهاي بسیار بخرید یا کسي بدو داد

دلیل کند که بر قدر آن مال و نعمت بدو رسد و اکر بیند که موزهٔ ساده بخرید دلیل کند که کنیزکي
دوشیزه را بزني خواهد و اکر بیند که زیر موزه اش دریده بود دلیل کند که زن وي بمیرد
و بعضي از معبران کفتند که دلیل بر شادي و یافتن مراد و نعمت کند و اکر بیند که موزه
از پاي بیرون کرد دلیل کند که شادي و خرمي یابد و اکر در زندان بود رسته کردد و اکر بیند
که موزهٔ وي بسوخت دلیل کند که زنش بمیرد و اکر بیند که یکپاي موزه اش کم شده بود دلیل
کند که مالش ضایع شود و بعضي از معبران کفتند اکر بیند که موزهاش ضایع شد دلیل کند
که از غمها و رنج فرج یابد و سر موزه بتاویل همین دلیل کند که موزه را کفتیم جابر مغربي کوید
اکر کسي بیند که موزهاش در چاه افتاد دلیل کند که زن را طلاق دهد و اکر بیند که موزهٔ خویش
بمردي بیکانه فروخت دلیل کند که زن وي بمردي بیکانه آشنا بود و اکر موزهٔ خود را بزر دید دلیل
کند که برنجي مبتلا شود و اکر بیند که شیر یا کرک یا چیزي اندر کان در جست و موزه اش
بدرید دلیل کند که جوانان قصد عیال او کنند حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
کوید که دیدن موزه در خواب چون نرم باشد دلیل کند بر هفت وجه یکي زن باشد
دوم کنیزک سیوم خادم چهارم قوت پنجم عیش ششم ظفر هفتم منفعت باشد
موش ابن سیرین کوید که موش در خواب زني بود که بظاهر مستور نماید و بباطن فاسق
و پلید باشد اکر رنک موش مختلف بود زن نباشد اکر بیند که موش از بهر خویش بکرفت
یا کسي بدو داد دلیل کند که زني بخواهد بدان سیرت که کفتیم و اکر بیند که موش را بتله
بکرفت دلیل کند که زني را بمکر و حیلت بخواهد و اکر بیند که بسیار موشان در خانه
جمع شدند چنانکه جمله یکسان بودند دلیل کند که بعدد آن موشان زنان در خانهٔ وي
جمع شوند و اکر بیند که آن موشان بکونه مختلف بودند چنانکه بعضي از ایشان
سیاه بود و بعضي سفید دلیل کند که آن اختلاف در تاویل شب و روز بود چنانکه
اکر آن موضع درست و محکم باشد دلیل کند که عمر وي دراز بود و حالش بصلاح
بود و اکر بیند که آن موضع سهمکین و خراب و بن چاه بود و بیند که آن موشان برخي
از اندام وي همیخوردند و فرش و دیوار و سقف آن موضع سوراخ همیکنند

دلیل کند که این جمله نقصان بود و در عمر وي بر قدر آن خرابي که موشان در انجا کرده باشند
و در خبر چنان کویند که مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم کفت شب و روز دو موش اند که شاخ درخت
عمر مردم همي برند کرماني کوید اکر کسي بیند که از سوراخ بیني یا از سوراخ قضیب وي موش
بیرون همي آمد دلیل کند که ویرا دختري آید که در ان دختر خیر نباشد و اکر بیند که از کلوي وي
موش بیرون آمد دلیل کند که ویرا پسري آید که در ان پسر خیر نبود و اکر بیند و اکر بیند که
از مقعد وي موش بیرون آمد دلیل کند که ویرا دختري نابکار آید و بعضي از معبران
کفتند که از عیال وي زني نابکار بیرون آید که در وي خیر نباشد جابر مغربي کوید اکر در
خانهٔ وي موشان آید دلیل کند که در انجا زنان نابکار منزل سازند بدانکه تعبیر موشان
در خواب بر کالا و مال زنان بود که تاویل موش بر ایشان افتد یعني زنان نابکار
مفسده و موش خانکي و دشتي در تاویل یکسان بود اسمعیل اشعث کوید اکر کسي بیند
که موشي بکرفت و آن موش دنب نداشت دلیل کند که زني بي اصل و بي نیاد را بزني
بخواهد و اکر بیند که موش در دست وي بمرد دلیل کند که زن ویرا مصیبت رسد و اکر
بیند که موشي بیا بمالید دلیل کند که زني فاسق را از خویشتن جدا کرد و اکر بیند که سنک یا
کلوخ بر موش انداخت دلیل کند که زني را متهم کند بفسادي و اکر بیند که در بستر وي
موش بود دلیل کند که زني مفسده بفساد قصد وي داد و اکر بیند که کوشت همیخورد
دلیل کند که بر قدر آن کالاي زني مفسده بخورد موم ابن سیرین کوید که موم سفید در
خواب نعمت و مال حلال بتجارت حاصل آید و اکر بیند که بخروارها موم داشت دلیل
کند که بر قدر آن ویرا نعمت و مال بود و اکر کسي بیند که موم از وي ضایع شد یا بفروخت
یا بکسي بخشید یا بسوخت و نا چیز شد این جمله دلیل بر نقصان مال و نعمت وي
بود جابر مغربي کوید که موم بهر رنک که باشد دلیل کند بر نعمت و مال ولیکن موم سفید
فاضلتر از دیکر مومها باشد و اکر بیند که موم را همي خایید دلیل کند که با کسي حکایت
کند بقدر خاییدن آن و اکر بیند که موم را با آتش بسوخت دلیل کند بر آنکه پادشاه
بقدر آن مال از وي بستاند و اکر بیند که موم را بشمع همیکرد و بجماعت همیداد دلیل

کند که مال خود را بخیرات اخروي صرف کند و بامردمان جود و احسان کند مومیایي
ابن سیرین کوید اکر کسي بیند مومیایي داشت یا کسي بدو داد دلیل کند که غمکین و
متفکر کردد و اکر بیند که مومیایي همیخورد دلیل کند که غم و اندوه وي از بهر عیالان باشد
و اکر بیند که مومیایي را بکسي بخشید یا از خانه بیرون انداخت دلیل کند که از غم و اندوه فرج
یابد جابر مغربي کوید اکر کسي بیند که بجهت خستکي اندام مومیایي بخورد و از ان
خستکي صحت یافت دلیل کند که کاري کند که از ان کار غم و اندوه یابد و عاقبت خیر
و منفعت از ان کار بیابد و اکر بیند که مومیایي خورد و خستکي وي صحت یافت دلیل
کند که بر خلاف این بود که یاد کرده شد موي دانیال کوید که موي مردان بخواب
غم و اندوه باشد و موي زنان زینت ایشان باشد و موي چهارپایان مال اندک
باشد و اکر بیند که موي بیست دلیل کند که در تن و مال وي زیان افتد اکر صوفي یا
مستودعي در خواب بیند که موي سر وي دراز کشت دلیل کند که بر قدر درازي
و بسیاري را زینت و صلاح باشد و اما اکر صوفي نباشد دلیل بر غم و اندوه کند بر
قدر درازي و بسیاري موي و اکر بیند که قدري از ان موي ببرید و بینداخت دلیل
کند بر نقصان زینت و مرتبت و صلاح وي و اکر صوفي نباشد دلیل بر غم و اندوه
کند که از وي زایل شود بر قدر بریدن موي ابن سیرین کوید اکر کسي ظاهر بیند که
موي سر را بسترد دلیل کند بر صلاح دین و کفارت کناهان وي و اکر در خواب
در ماههاي حرام بیند یعني در ماه رجب و ذو القعده و ذو الحجه دلیل کند که اکر وام دار بود وامش
کزارده شود و اکر غمکین بود و وام دار نباشد دلیل کند که در بروي کشاده کردد یا از کارش
باز دارند و اکر بیند که موي سر را بتمامي سترده باشد دلیل کند که از کار خویش معزول
کردد و اکر زني موي خود را بریده بیند دلیل کند که در میان او و شوهرش خصومت افتد
و اکر زني بیند که موي سر وي بجملکي سفید کشت دلیل کند که شوهرش فاسق و نابکار
باشد کرماني کوید اکر پادشاهي موي سر بخواب بیند ویرا لشکر بود و اکر رعیت
بیند غم و اندوه یابد و زنان را زینت بود و کیسوش سعادت بود و فرزند و موي ابرو

زينت ومال بود واكر بيند كه موي بر سر دراز شد در درازي مال ونعمت وجاه او بيفزايد واكر مال دارد منعم باشد ونيز دليل كند بر خدم وحشم وي واكر درويش بود محنت زده بود ودليل كرده كه آن زيادتي موي تن وي غم واندوه ومحنت وي باشد مكر بيند كه آهك واستره موي از تن خود بستردي كه آن دليل بر خير وراحت كند واكر مردي بيند كه موي سر زني را بسترد دليل كند كه سر وي بردارد وآن زن را رسوا كرداند واكر مردي چون موي سر خود را پراكنده بيند دليل كند بر زيادتي دين وي وليكن مالش نقصان شود واكر موي سر خود را بخته بيند مانند كسي كه كل بود آن دليل غم واندوه وي باشد از جهت مادر و پدر يا از جهت بد مهتري واكر سر خويش را اصلع بيند دليل كند بر زيادتي ~~وليكن مالش نقصان شود~~ ~~[illegible]~~ عيش وعزت وشادماني وي كند واكر خويشتن را دو كيسوي بيند دليل كند كه وي را دو دختر بشود يا كسي را از خويشان وي واكر كسي دو كيسوبسان علويان بيند دليل كند كه مهتري يابد ونيكنام كردد واكر كسي اصل وي پاك بود وبر سر خويش موي بيند دليل كند كه عز وجاه ونيكنامي يابد واكر كسي بيند كه موي خويش را همي كند دليل كند بر نقصان مال وي واكر بيند كه كسان موي سر وي همي كنند دليل كند كه كسان ديكر مال وي تلف كنند واكر بيند كه موي خود را بشانه همي كرد دليل كند كه بر معيشت خود قادر باشد وقوت يابد ومراد وخير ومنفعت جابر مغربي كويد اكر كسي بيند كه بر اندام او موي برست وجائي باشد كه موي نبايد وباز آن موي را جمله بسترد دليل كند كه وام كند وباز آن وام را بكذارد يا از غم فرج يابد واكر بيند كه آن موي بسترد وتاويلش بخلاف اين بود كه ياد كرده شد واما ستردن موي بغل ونها نصلاح دين وي باشد وبعضي از معبران كفتند كه ستردن موي بغل دليل بر يافتن مراد بود قوله تعالى وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ ❊ وناستردن موي بغل دليل كند بر باز داشتن دست خود را از مروت واكر بر سينه خود موي بيند دليل كند كه بر قدر آن موي بروي جمع شود وموي كه بر تن بيند دليل بر مال كند كه حاصل كردد واكر بيند كه موي از خود همي سترد دليل كند كه بر قدر آن موي نقصان در مال

وي آيد واكر اين كس درويش ووامدار بود دليل كند كه بر قدر آن مالش كذارده شود يا از غم واندوه فرج يابد واكر كسي بخواب بيند كه آهك بر خود ماليد وموي از تن خود جمله بسترد دليل كند كه اكر توانكر باشد درويش كردد واكر درويش باشد توانكر كردد اسمعيل اشعث كويد اكر كسي بخواب بيند كه قدري از موي فرو ريخت دليل كند كه اكر توانكر باشد بقدر آن مالي وي بكاهد واكر وامدار بود وامش كزارده شود واكر غمكين بود بيغم كردد واكر بيمار بود بسلامت كردد واكر كسي موي بشك دارد وبخواب بيند كه موي جعد شد دليل كند كه بزركي وشرف يابد واكر بيند كه موي جعد داشت وبشك شد دليل كند كه آنكس سرومايه كردد وآن حال بروي بكردد واكر كسي بخواب بيند كه موي جانب راست مشرق را فرو كرفت وموي جانب چپ او مغرب را فرو كرفت دليل كند كه او را دو پسر باشد كه در مشرق ومغرب نام ايشان مشهور كردد جاحظ معبر كويد كه اكر عالمي بخواب بيند كه موي وي جعد شد دليل بر بدعت وذلت وي كند واكر اين خواب جاهلي بيند دليل بر نعمت ومال وعزت او باشد واكر كسي بخواب بيند كه موي سينه را همي كند دليل كند كه امانتي كه نزد او باشد با خداوند دهد واكر موي زهار خود را بسترد دليل كند كه خير ومنفعتي بدو رسد واكر زني موي سر خويش را سترده بيند دليل كند كه خير ومنفعتي از وي بشويد واكر موي سر خويش بريده بيند دليل كند كه ترس وبيمي عظيم بوي رسد حضرت امام جعفر صادق عليه السلم كويد كه موي ستردن در خواب بر چهار وجه بود يكي حج كردن باشد ❊ دوم سفر كردن ❊ سيوم عز وجاه ❊ چهارم قوله تعالى مُحَلِّقِينَ رُؤُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ ❊ واكر خداوند خواب سپاهي بود وي را بد باشد مكر كه عادت او موي ستردن باشد مي پخته ابن سيرين كويد كه مي پخته بتاويل مال حرام باشد اكر كسي بخواب بيند كه مي پخته را همي خورد دليل كند كه مال حرام خورد اكر بيند كه مي پخته داشت دليل كند كه بر قدر آن مستي جاه ومنزلت يابد واكر بخواب بيند كه بي مي پخته وخمر مست شد دليل كند كه بيم وترسي عظيم بدو رسد قوله تعالى وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَمَا هُم بِسُكَارَى ❊ جابر مغربي كويد كه مستي كه از مي پخته يا از شراب

موبزي بود دليل كند كه مال ونعمت او بقدر خوردن آن شراب كم شود واكر بخواب بيند كه مي پخته تنهائي همي خورد دليل كند كه مال حرام بدست آرد واكر بخواب بيند كه با ديكران همي خورد دليل كند كه با ديكران جنك وخصومت كند اكر بخواب بيند كه آن پاله كروي بدان مي پخته همي خوردند ومي از دستش بستد دليل كند كه بسبب معيشت با كسي خصومت كند واكر بيند كه در ميان مي پخته غرق شد دليل كند كه در ميان خصومت هلاك شود اسمعيل اشعث كويد اكر بيند كه شيره را مي پخته پخت دليل كند كه مال حرام بحرام تبديل كند اكر بيند كه مي پخته را با آب باضافت برد دليل كند كه مالي بدست آرد كه چيزي از آن حلال باشد وبعضي از معبران كفتند كه مالي از زنان بستاند ودر خصومت افتد واكر بيند كه مي پخته همي فروخت دليل كند كه چيزي حرام فروشد ميخ ابن سيرين كويد كه ميخ در خواب برادر بود اكر كسي بخواب بيند كه ميخي بر ديوار زد دليل كند كه برادرش مردي دران خانه يا دران كوچه كه ميخ زد فرا كيرد زيرا كه ديوار در تاويل مرد باشد اكر بيند كه ميخ بر رسني ببست دليل كند كه مادرش با مردي بپيوندد زيرا كه رسن در تاويل هم پيوند بود واكر در خواب بيند كه ميخ در زمين بود دليل كند كه برادرش با زني بپيوندد زيرا كه زمين در تاويل زن بود واكر بيند كه ميخ در پشت خويش زد دليل كند كه از پشت وي فرزندي بديد آيد كه پادشاه شود يا بشرف وبزركي مانند پادشاه بود يا زاهدي بود كه نام زهد وي در عالم منتشر كردد يا عالمي بود كه نام فضل در جمله جهان مشهور كردد كرماني كويد كه ميخ در همه چيزي پابندكي بود كه بدو هر چيزي شرف ودنيا بود واكر بيند كه ميخي در خانه خود بزد دليل كند كه شرف وبزركي يابد واكر بيند كه ميخ را از خانه خود بكند وبينداخت تاويلش بخلاف اين بود كه ياد كرده شد واكر بيند كه ميخي از چوب يا از آهن يا از نقره يا از زر يا از مس يا از استخوان كه ميخ چوب ميزد دليل آن بر دو نوع باشد يا زني بنكاح بستاند يا دوستي طلب كند واكر بيند كه ميخ در جا قرار كرفت دليل كند كه مرادش حاصل شود واكر بيند كه ميخ در ستون يا در چوب ميزد دليل كند كه دوستي با كسي كند كه منافق باشد ودروغ زن واكر بيند كه بر درخت

زد وقرار كرفت بنكرد كه چه درخت بوده است تاويل از آن درخت كند بدوستي يا بنكاح يا بعطا وصلت جابر مغربي كويد اكر ميخ از مس يا از برنج باشد نيك باشد واكر از آهن يا از استخوان بود دليل كند بر قوت ونيكوئي واكر بيند كه در دست وي ميخي آهنين باشد دليل كند كه وي را فرزندي آيد كه لايق پادشاهي بود واكر صاحب خواب اهل فرزند نباشد دليل كند كه وي را از خالق عز وجل علم ودانش كرامت كرداند واكر از اهل علم نباشد دليل كند كه علما وفضلا وي را دوست دارند واكر بيند كه ميخي زرين يا سيمين بر پشت خورد دليل همين كند كه ياد كرديم وبعضي از معبران كفتند اكر كسي بيند كه ميخي از زر يا از سيم در زمين زد دليل كند كه او از كسب وصنعت خود توانكر كردد حضرت امام جعفر صادق عليه السلم كويد كه ميخ در تاويل بر چهار وجه بود يكي برادر باشد ❊ دوم فرزند ❊ سيوم دوست ❊ چهارم زن خواستن ❊ ميش ابن سيرين كويد كه ميش در خواب زني بزركوار وكريم باشد ونرميش مردي بزركوار وزفت بود وشرح وبيان هر دو در حرف كاف بباب كوسفند بتمامي بيان كرديم اما اندرين جاي نيز بوجهي ديكر تاويل هر دو را بيان كنيم تا كتاب كاملتر باشد واكر بيند كه بر پشت نرميش نشسته بود وآن نرميش مطيع وفرمان بردار بود دليل كند كه مردي زفت وبزرك فرمان دار وي باشد ومطيع وي كردد واكر بيند كه با نرميش وي را جنك ونبرد بود وآن نرميش بروي چيره كشت دليل كند كه با مردي زفت وبزرك جنك وخصومت كند وآن مرد بروي چيره شود واكر چنان بيند كه وي بر نرميش چيره كشت بر آن خصم چيره كردد وبروي قادر شود واو را غلبت كند واكر چنان بيند كه شاخهاي آن نرميش دراز وقوي كشت دليل كند كه آن مرد قوي وتوانا كردد واكر بيند كه نرميش فرا كرفت يا كسي بدو داد دليل كند كه با مردي بزركوار صحبت كند واز وي مال ومنفعت يابد واكر بيند كه كاوميش را بكشت واو را بر جاي بكذاشت وهمچنين دليل كند بر آنكه وي بر كسي بزرك ظفر يابد واكر بيند كه پوست آن نرميش را بكند چنانكه از پوست جدا كرد دليل

کند بر آنکه بر آن شخص غالب گردد و مال از وی بستاند و هزیمه کند و اگر بیند که زمیشی را از کشتن برهانید دلیل کند بر آنکه از غم برهد و اگر بیند که نر میشی را بر پشت گرفت دلیل کند که مؤنت مردی بزرگوار بر خود گیرد کرمانی گوید اگر بیند که میشی در جست و با وی جنگ کرد دلیل کند بر آنکه زنی با وی مکر و حیلت کند و اگر بیند که گوشت ماده میش بخرید دلیل کند که زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر بیند که شیر میش میخورد دلیل کند که اندک مایه بیمار شود و اگر بیند که ماده میش کسی بدو بخشید دلیل کند که فرزندش آید و اگر بیند که ماده میشی از خانهٔ وی بیرون آمد و بخانهٔ دیگران شد و با نخانهٔ خود آمد دلیل کند بر آنکه زن وی بفسق مشغول گردد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که ماده میش وی را بگزید دلیل کند بر آنکه عیال او با وی خیانت کند و اگر بیند که ماده میش کسان در آمد و در خانهٔ وی ساکن شد دلیل کند که زنی بیگانه در خانهٔ وی آید و او و نیز ابزنی خواهد و اگر بیند که با ماده میشی مجامعت کرد دلیل کند که بجای کسی کاری کند که ضایع باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن نر میش در خواب بر شش وجه بود یکی امام باشد دوم خلیفه سیوم امیر چهارم رئیس پنجم مال ششم فرزند ❊ **میویز** ابن سیرین گوید که میویز سیاه و سفید و سرخ این هر سه در تاویل خیر و مال و منفعت بود اگر بیند که میویز داشت یا کسی بدو داد و همیخورد دلیل کند که بر قدر آن ویرا خیر و مال رسد و اگر بیند که کسی میویز بدو داد دلیل کند که از کسی خیر و منفعت یابد کرمانی گوید اگر کسی بخواب بیند که از میویز تر آب گرفت و همیخورد دلیل کند که مال حلال یابد و اگر بیند که میویز در خنب کرد و آب از وی جدا کرد و بخورد اگر اهل علم باشد دلیل کند که علمش زیادت گردد و اگر با زرگان بود دلیل کند که مالش زیادت گردد و اگر بیند که میویز آب جوش بیاورد و کف بینداخت دلیل کند که میان عیال و وی خصومت افتد و اگر بیند که خم بشکست دلیل کند که از آن خصومت در میان ایشان جدائی افتد جابر مغربی گوید اگر کسی بخواب بیند که طبقی میویز می خورد دلیل کند که مال زن خود بخورد و اگر بیند که گونه میویز میخورد

دلیل کند

دلیل کند که کالای مردی بخورد یا منفعتی از وی بوی رسد و اگر بیند که بخروارها میویز داشت دلیل کند که از اهل علم و فضل بود علم و فضلش زیادت گردد و اگر با زرگان بود مال و نعمتش زیادت گردد و اگر پیشه کار بود از صنعت خود مال حاصل کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن میویز در خواب بر سه وجه بود یکی مال دوم منفعت سیوم عیش خوش باشد ❊ **میوه** دانیال گوید که از هر میوه که بخواب بیند که آن بوقت خود همیخورد دلیل کند که ویرا بر قدر آن مال جمع آید مگر میوه که آن بد و ناسازگار باشد و اگر میوه نه بوقت خود خورد دلیل کند بر آنکه مالش پراکنده شود چنان دان که هر میوه که آن بد و ناسازگار باشد و اگر میوه نه بوقت خود خورد دلیل کند بر آنکه مالش پراکنده شود چنان دان که هر میوه که باصل درخت باز گردد یعنی اگر نیک بود نیک و اگر بد بود بد و میوهٔ تر دین بود خداوند دین را و مال باشد خداوند مال را و میوهها آنچه برنگ زرد باشد جمله بیماری بود مگر ترنج و به و شق که این هر سه در تاویل زیان ندارد و میوههاء ترش غم و اندوه باشد و بعضی از معبران گفته اند که میوههاء تر چون رسیده و شیرین باشد بخواب دیدن اندر وقت خویش و بیرون از وقت خویش منفعت و مال و روزی حلال باشد که بدو رسد میوهها که ترش و نارسیده و ناخوش بود جمله مال حرام باشد و غم و اندوه و خصومت سخت اگر بیند که میوههاء تابستانی بزمستان همیخورد دلیل کند که بیمار شود ابن سیرین گوید که میوهٔ که تر و شیرین بود دلیل کند بر خیر و منفعت چون بخورند و هر میوه که سخت رسیده و شیرین نباشد در خوردن آن پس خیر و منفعت نباشد و هر میوه که خام بود تاویل خوردنش سخنهای بیهوده و خام باشد و هر میوه که بگونه زرد بود بیماری باشد و آنچه بگونه سیاه بود مثل انگور سیاه و آلو و زیتون و آنچه بدین ماند این جمله اندوه و غم باشد و آنچه بگونه سبز بود بدانکه این جمله نیک باشد چون بطعم شیرین بود اگر بیند که از درخت میوه همی چید دلیل کند که از مردی بزرگوار مال یابد بقدر درخت میوه که چیده باشد و اگر بیند که نشسته بود و از درخت میوه همی برید دلیل کند که آن مال که بدو رسد شایسته بود و اگر بیند که آنگوی دست بدرخت کردی و میوه اندر خت بیفتادی دلیل کند که برنج و

تعب ویرا مال حاصل شود و اگر بیند که میوههای درخت لختی فرا گرفت اگر بوقت میوه باشد باکی نباشد و اگر گمان برد که آن میوه از میوههای بهشت دلیل کند بر علم دین و دانش وی کرمانی گوید که میوهها خوردن بوقت خود روزی حلال باشد و حاضر و اگر بوقت نباشد تاویلش بر خلاف این باشد چنانکه شرح و دلیل هر میوه بموضع خود بیان کرده شد و اگر بیند که از زیر درخت بزرگ میوه جمع همیکرد دلیل کند که با شخصی بزرگ خصومت کند و بر وی ظفر یابد جابر مغربی گوید که چون میوهٔ شیرین بعد در خواب خوردن دلیل بر روزی حلال کند بقدر آنچه خورده باشد و اگر بیوقت خورد دلیل بر غم و اندوه کند و میوههای ترش بوقت خوردن هم دلیل بر غم و اندوه کند و اگر بی وقت وی خورند دلیل بر جنگ و خصومت و عداوت کند و میوههای ترش خام بوقتش خوردن دلیل بر مصیبت کند و اگر بیوقت خورند دلیل کند که مصیبت و اندوه شان صعبتر باشد و میوههای قابض خوردن یعنی میوههای کالو کرا اگر بوقت خورند و اگر بیوقت دلیل بر بستگی کارها کند و تنگی عیش و علی الجمله هر میوهٔ که بگونه سبزتر باشد و بطعم شیرینتر و ببو خوشتر تاویلش در خیر و منفعت بیشتر و باشکوه تر باشد اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند در خواب که میوهها همیفروخت اگر آن میوه باشد که مردمان دوست دارند دلیل کند بشغل مردمان و بزرگان و محتشمان مشغول باشد و اگر زان میوهها ناخوش و ترش باشد یا از آن میوهها که مردمان دوست ندارند دلیل بر غم و اندوه و رنج باشد و اگر بیند که میوه فروشید که آنجماعت آن میوه دوست دارند و آن میوه از کسان باشد دلیل کند بر آنکه وی فرزند کسان دوست دارد و اگر آن میوه از آن او باشد دلیل کند که فرزند خود را دوست دارد و عزیز حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که میوه فروش چون میوههای خوش طعم و خوشبوی و شیرین فروشد دلیل بر صلاح دین و دنیای وی و اگر میوهٔ ترش و ناخوش فروشد دلیل بر شر و مضرت وی کند پس معبر باید که فرق تواند کردن میان نیک و بد و جنس و ناجنس و در تواند یافتن تا بوقت تعبیر کردن خوابها هر چیز بدان گونه قیاس و فرق کند تا بوقت تاویل خطائی

بروی

بروی نیفتد ان شاء الله تعالی **حرف نون از کتاب کامل التعبیر** ۞

نابینائی ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که وی نابینا شد دلیل کند بر آنکه از دین و نهد کم راه شده باشد و اگر بیند که یکچشم وی کور گشت دلیل کند بر آنکه یکنیم دین وی بشود یا گناهی بزرگ کرده باشد یک اندام از آن اندامهای تن پس دلیل کند که مصیبتی بنفس وی رسد یا در رود کار وی و ابنا زوی کرمانی گوید اگر بیند که نابینائی دست گرفته و همیبرد دلیل کند که کسی را در دین رهنمائی کند و اگر بیند که نابینائی را بینا گردانید دلیل کند که گمراهی را در دین رهنما گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که نابینا شد دلیل کند بر آنکه کاری ناخوش بر دست وی بکند و اگر بیند که چشم کسی را کور کرد اینید دلیل کند بر آنکه آنکس را از راه ببرد و اگر بیند که چهارپائی را کور کردانید دلیل کند بر آنکه آنکس که بدان چهارپا منسوب باشد بوی گزند و مضرت رساند از خود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که نابینائی بخواب بر هفت وجه بود یکی درویشی دوم بدحالی سیوم غم و اندوه چهارم نقصان عیش پنجم مصیبت از قبل خویشان ششم نقصان مال هفتم تباهی و نقصان دین ❊ **قوله تعالی** صُمٌّ بُکْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لَا یَرْجِعُونَ ❊ اگر نابینائی بخواب بیند که چشم وی بینا شد دلیل کند که کار دینی وی بروی کشاده گردد و از امیدی که نومید گشته باشد امیدوار گردد و از رحمت خدای عز و جل نصیب یابد **قوله تعالی** لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعًا اِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ ❊ **ناخن** ابن سیرین گوید که ناخنها در خواب دیدن دلیل بر شجاعت و قوت مردم کند و بعضی از معبران گفته اند خداوند سلیح را ناخنها سلیح بود برای جنگ و اگر بیند که ناخنهاء وی بیفتاد دلیل کند بر ضعف و بددلی وی در کارها و اگر بیند که ناخنها را بمقراض ببرید دلیل کند بر آنکه دین وی قوی گردد کرمانی گوید که ناخنها در خواب توانائی و قوت بود در حاصل کردن مال دنیا اگر کسی بخواب بیند که ناخنها روی بشکست دلیل کند که مال حاصل کردن نتواند و اگر بیند که یکناخنش از بن بیفتاد دلیل کند که بقدر آن از مال وی ضایع شد یعنی عشر مال وی تلف گردد و اگر بیند که چون ناخنش بیفتاد دگرباره برست و زیادت

شده دلیل کند که بعد از آنکه مال وی تلف شده باشد مال بسیار بدست آرد و اگر بیند
که ناخنهاش روشن و پاکیزه بود دلیل کند که کار وی با اقبال و سعادت متصل گردد و
منعم شود و اگر بیند که ناخنهاش سیاه گشته بود یا کبود دلیل کند که ویرا مصیبت
رسد و اگر بیند که ناخنهای وی چنان دراز گشته بود که بیم شکستن داشت دلیل
بد باشد و اگر بیند که ناخنهاش از بن بریده بود متغیر شده دلیل کند که کار بر وی
بسته گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که ناخنهاء وی بحد اعتدال بود یعنی نه دراز نه کوتاه
دلیل کند بر صلاح دین و دنیای وی خاصه اندران سال و اگر بیند که ناخنها را همی
پیراست دلیل کند زکوة مال دهد و بدانکه ناخن پایها تاویل هم برین معنی است اما حکم
و دلیلش کمتر از این چیزها بود که یاد کردیم و بعضی از معبران گفته اند که تاویل ناخنهاء
دست دلیل بر حاصل کردن مال بود که بحضر کنند و تاویل ناخنهاء پای تاویل بر
حاصل کردن مال بود در سفر و اگر بیند که ناخنهاء پایش بیفتاد دلیل کند که بر قدر
آن مال او در سفر ضایع گردد حضرة امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن
ناخنها بر شش وجه بود یکی قوت و توانائی در کارها دوم مقدار مردم در دنیا سیوم
دلیری چهارم فرزندان پنجم منفعت ششم بنده نادکان بعضی گفته اند که برادر
نادکان باشد **ناخن پیرای** ابن سیرین گوید که ناخن پیرای در خواب مردی
بود قسمت کننده و اگر بیند که موی سر با ناخن پیرای ببرید یا ناخن جامه خود را
این جمله دلیل نیکو بود و اگر بیند که کسی دو ناخن پیرای بدو داد یا بخرید اگر پسر
داد و پسری دیگر مثال آن پسر ویرا باشد و اگر دختری داد دلیل کند که ویرا
دختری دیگر مثال آن دختر بشود و اگر برادری بیند که برادری دیگر ویرا بشود
و اگر خواهری داد همچنین ویرا خواهری دیگر بشود و اگر ناخن پیرای بدو پاره بیند
همین دلیل کند کرمانی گوید اگر کسی بیند که کسی ناخن پیرای بدو داد یا بخرید
یا بیافت اگر اسپی دارد ویرا اسپی دیگر بیاید و اگر ملکی دارد ملکی دیگر بیابد و اگر
فرزندی دارد همچنین فرزندی دیگر ویرا حاصل شود و آنچه بدین ماند تاویل آن

براین پس باشد از هرچه ویرا باشد مثل یکی دیگر ویرا حاصل شود جابر مغربی گوید که مقراض
بخواب دیدن مردم نیکنام و نیک اصل باشند که با مردم مصادقت کنند و دوستی
ایشان در دین و دنیا زیادت گردد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که
هر که ناخن پیرای بخواب بیند بر سه وجه بود یکی مرد قسمت کننده باشد دوم مردی بود
که خیر و منفعت او بوی رسد سیوم دوست موافق **نادبا** ابن سیرین گوید که نادبا بخواب
خوردن چون شیرین بود و گوشت گوسفند یا بره یا بگوشت مرغان پخته باشد
دلیل کند بر خیر و منفعت کند و اگر بگوشت گاو یا بگوشتی غلیظ پخته باشند دلیل
بر خیر و منفعت کند و اگر مزوره باشد از آنچه گفتیم از منفعت و مضرت دلیل کمتر
کند **نارمشک** بدانکه نارمشک در خواب دیدن دلیل بر نیکی کند ابن سیرین گوید اگر
کسی بیند که در زمینی که ملک وی بود نارمشک رسته بود دلیل کند برانکه نامش بخیر
و خوبی در آنديار منتشر گردد و اگر بیند که نارمشکها را از زمین خویش بر کند تاویلش
بخلاف این بود که یاد کرده شد کرمانی گوید اگر کسی بیند که دسته نارمشک تازه بوقت
خویش بدو داد دلیل کند که برانکه چیزی از آنکس بدو رسد و بعضی از معبران گفته اند که جماعتی
بروی ثناء و آفرین **نادنج** دانیال گوید اگرچه نارنج بگونه زرد است اما بوی خوش دارد
و بدیدار پاکیزه است و از میوهاء بهشت لاجرم دیدن وی بخواب نیکبود ابن سیرین
گوید که نارنج از یکی تا دو تا سه فروند بود و چون از آن بیش بود مال بود بر قدر آن نارنجها
که بخواب دیده باشد و نارنج سبز بهتر از نارنج زرد باشد بتاویل و نیز نارنج بهر
حال که بیند بوقت خویش بهتر باشد کرمانی گوید که بخروارها نارنج داشت دلیل
کند برانکه ویرا بقدر آن مال حاصل شود و خیر و منفعت بدو رسد بر قدر آن خاصه
که نارنج سبز بود و بعضی از معبران گفته اند که خوردن نارنج زرد در خواب دلیل
بر بیماری کند که بدو رسد یا غم و اندوه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید
که دیدن نارنج در خواب بر چهار وجه بود یکی دوست باشد دوم فرزند سیوم
منازعت چهارم منفعت بود از مردمان غریب **ناطف** ابن سیرین گوید

اگر کسی بخواب بیند که اندک ناطف در دهان وی بود دلیل کند که از کسی سخن خوش
شنود و اگر بیند که بسیار ناطف داشت و از وی همی خورد دلیل کند که ویرا بقدر آن
مال و نعمت حلال حاصل گردد و اگر بیند که ناطف همیکرد و بجماعت همیداد دلیل
کند که مالی حلال بدست آرد و بجماعت دهد و خیرات و احسان کند جابر مغربی
گوید که ناطف دلیل بر نعمت و مال بسیار کند و ناطف از دوشاب دلیل مال و نعمت
کند که بدو رسد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن ناطف دلیل
در خواب بر سه وجه بود اول سخن شیرین دوم مال حلال سیوم معیشت خوش
ناف ابن سیرین گوید که ناف زن مرد بود و کنیزکانی که زیر دست وی باشند و اگر
بیند که ناف وی بیفتاد دلیل کند که زن را طلاق دهد یا کنیزک وی بمیرد و بعضی از
معبران گویند که ناف مادر و پدر باشد کرمانی گوید اگر کسی بیند که ناف وی
بریده است دلیل کند که عیال وی بمیرد و همه شغل وی تباه گردد و عیش بر وی تنگ
شود و اگر بیند که ناف وی بزرگ شد دلیل کند که مال و نعمت وی فراخ گردد
و اگر بیند که ناف وی کوچک شد دلیل بخلاف این باشد و اگر بیند که ناف وی
سوراخ بود دلیل کند که کدخدائی وی خلل افتد جابر مغربی گوید اگر بیند که از ناف
تا سینه وی همچون خطی موی بر آمده است دلیل کند که بسنتهای پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
راغب گردد و اگر بیند که اصلا ناف وی بریده بود دلیل کند که از مادر و پدر خود جدا گردد
و اگر بیند که از سر ناف تا سر سینه وی شکافته بود و درون وی شسته دلیل کند که دانا و عالم
شود لیکن مالش بشود اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که ناف کسی ببرید و همیخورد
دلیل کند که بقدر آنکه خورده باشد مال از آنکس بخورد و اگر بیند که ناف وی ریش گشته
بود و خون همی آمد دلیل کند که بر قدر آن از مال وی ضایع گردد حضرت امام
جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن ناف در خواب بر پنج وجه است یکی زن خوبروی
دوم کنیزک سیوم مال و روزی چهارم پسر پنجم مادر و پدر **ناقوس** ابن سیرین گوید
که ناقوس دیدن بخواب مردی باشد منافق و دروغ زن و اندرو هیچ خیری نباشد

و اگر بیند که ناقوس همیزد دلیل کند که ویرا با مردی فاسق و منافق و دروغ زن صحبت
افتد و اگر بیند که آواز ناقوس همی شنید و مستمع میشد دلیل کند که بر باطل و نفاق و سخن
دروغ رضا دهد و اگر بیند که ناقوس بشکست و از دست بینداخت تاویل آن بخلاف
این بود که یاد کرده شد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن ناقوس
در خواب بر سه وجه بود یکی دروغ گفتن باشد دوم منافقی سیوم مهر و وفای اهل
کفر در دل داشتن **نام گردانیدن** ابن سیرین گوید که نام گردانیدن در خواب اگر آن
نام نیک باشد و از نام و لقب او بهتر باشد چنانکه محمد و احمد و سعد و آنچه بدین
ماند دلیل بر خیر و صلاح کند و اگر این نام یا لقبش از نام و لقب اول بود دلیل کند
بر شر و فساد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که نام نیکو یا کنیت نیکو
شنیدن مثل ابو الخیر و ابو الفضل یا ابو سعد یا ابو سعید و ابو البرکات و مانند این
نامها این جمله دلیل بر خیر و صلاح کند و برکت و آنچه بر خلاف این باشد چون
ابو الحکم یا ابو جهل یا ابو لهب و مانند این جمله دلیل بر شر و مضرت چنانکه پیش از این
نامها و کنیتها را از نیک و بد در اول کتاب یاد کردیم تا این قدر معلوم گردد **نامه**
ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که نامه سربسته و پیچیده داشت دلیل کند
که چیزی پوشیده بشنود و اگر بیند که نامه گشاده داشت دلیل کند که خبری فاش بشنود
و اگر بیند که نامه بمهر داشت دلیل بر نام آن خبر باشد که بدو رسد کرمانی گوید اگر
کسی بیند که کسی نامه بدو داد و آن نامه را برخواند دلیل کند که از کسی چیزی بدو
رسد و اگر نامه او را عنوان نباشد دلیل آن غم و اندوه باشد و اگر بیند که نامه را بگشاد
دلیل کند که غم و اندوه از وی زایل شود و اگر بیند که غم و اندوه از وی زایل شود و اگر بیند که نامه را
عنوان نبشته بود و مهر داشت و اما مهر وی نگشاد دلیل کند که ویرا شغلی پیش آید که بظاهر
نیکو نماید و در باطن اقتضا بغم و اندوه کند و اگر کسی بیند که نامه بمهر داشت و عنوان
وی بگشاد و برخواند دلیل کند که کار وی بالا گیرد و کار او بلند گردد و بزرگ و نامور شود
و اگر اهل ولایت باشد عز و جاهش زیادت گردد و اگر آنکس که نامه بخواب دیده

خواننده ونویسنده نباشد امّا چنان دیده باشد که نامه برخوانده است عزّ و دولت
ویرا زیادت کردد وبعضی از معبّران کفته اند که وی را اجل نزدیک رسیده باشد قوله
تعالی اِقْرَأْ کِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا جابر مغربی کوید اکر
کسی بخواب بیند که کسی نامهٔ پادشاه بوی داد واکر نکشاد وبخواند واکر نکشاد
ونخواند دلیل بر غم واندوه کند واکر بکشاید وبنکرد وبخواند که در بطن نامه چه
نوشته بود واکر در خوشی وبشارت وخیر بوده باشد دلیل بر شادکامی وخیر ومنفعت
بود که بوی رسد واکر چنانکه سخنهای زشت باشد وترس وتهدید دلیل کند بر غم واندوه
ومضرّت اکر بیند که نامهٔ مهر کرده بیافت وپادشاه داد دلیل کند بر خیر ومنفعت اسمعیل
اشعث کوید اکر کسی بخواب بیند که نامهٔ از آسمان بدست او آمد دلیل خیر باشد
اکر بیند که شیخی یا ناهدی نامهٔ بدو داد دلیل کند که شیخ وقت کردد حضرت امام جعفر
صادق علیه السّلم کوید که اکر در نامه خیر وسخنهای امیدواری نبشته باشد دلیل کند که به
زودی ویرا کارها برآید بدان حاجتی که خواهد وقوام کارهای او وشادکامی واکر بیند
که سخنهای ناخوش وبد نبشته باشد تاویلش بخلاف این باشد که کفته شد **نان**
دانیال کوید که نانهاء پاکیزه درخواب سخن خوش باشد چون بیند که می خورد واکر
نان پاکیزه نباشد دلیل بر عیشهاء ناخوش کند اکر بیند که نان خرید ودرخانه برد
ودر خانهٔ وی نان بوده باشد دلیل کند بر خیر وبرکت ومنفعت وزیادتی مال الحلال
وفراخی روزی واکر بیند که کسی نان بدو داد دلیل کند که بر قدر آن از وی راحت رسد
واکر بیند که وی نان بکسی داد دلیل کند که بقدر آن از وی آنکس راحت رسد ابن سیرین کوید
اکر کسی بیند که یک نان کرده یا دو نان یا نیم نان بیافت دلیل کند که غم واندوه از وی
زایل کردد وبشادی وراحت یابد واکر بیند که درجایکاهی مجهول نیم نان بیافت دلیل کند
که نیمهٔ عمر وی کذشته باشد واکر اندکی نان یافت وخوردنش نتوانست دلیل کند که اجلش نزدیک
رسیده باشد واکر بیند که نانهای بسیار داشت ونمیخورد دلیل کند که بر قدر آن ویرا مال و
نعمت حاصل کردد واکر بیند که نان کرم همیخورد دلیل کند که اندوهی بوی رسد کرمانی

کویدکه

کوید که نان کرم بخواب دیدن دلیل بر عیش ونعمت کند ونان خشک دلیل بر عیش
ناخوش کند در دین امّا در راه دین پسندیده باشد ونان سبوس خوردن دلیل بر قحط
وتنکی کند ونان نرم وپاکیزه خوردن دلیل بر عیش وانصاف پادشاه کند ونان کاورس
خوردن دلیل کند بر تنکی عیش وپرهیزکاری ونان جوی خوردن دلیل بر زهد وورع ودر
ویشی کند ونان برنجین خوردن دلیل کند بر سختی وبستکی کارها ونان عدس ونان باقلا
خوردن دلیل بر غم واندوه وتنکی جابر مغربی کوید اکر کسی بیند که نان خشک
همی خورد دلیل کند که معیشت بروی تنک کردد واکر بیند که نان تنک همی خورد دلیل کند که
رزق وروزی بروی فراخ کردد وبعضی از معبّران کفتند که خوردن نان تنک درخواب
دلیل کند بر کوتاهی عمر واکر بیند که نان کرده از پیشانی وی در آویخته بود دلیل کند که
نیاز ودرویش کردد اسمعیل اشعث کوید که تاویل نان بمراتب مردمان بود زیرا که یکیان
بخواب دیدن چون مهتر یا سلطان باشد دلیل بر معموری شهری کند از شهرهاء
وی یا دیهی از دیهها وبازرکان ومردم توانکر را دلیل بر مال بسیار کند وصیانه را
صد درم ومردم دون را از یکدرم یا ده درم واین بر قدر بینندهٔ خواب بود ومردمان
دون بخواب دیدن دلیل بر نقصان عیش کند ونان بسیار بخواب دیدن مال بسیار
باشد وبرادران ودوستان را عمر دراز کرده ودانیال کوید که هیچ چیزی بنزدیک من
بهتر وخوبتر از نان بخواب نیست زیرا که مال الحلال ونعمت بود که برنج بدست
آید زیرا که رنجها از نان کسسته باشد بجز خوردن وبی هیچ رنجی دیکر بماند واکر
بیند که نان دون بجماعت همی بخشید دلیل کند که در آن سال نرخها ارزان کردد
وبدانکه نان پختن درخواب کار کردن باشد در طلب معیشت وتغییر کردن از ...
یا فتن بزرکی وحاصل کردن مال باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام کوید
که نان درخواب بر چهار وجه بود یکی عیش خوش دوم مال الحلال که آسان بدست
آید سیوم ولایت شهری باشد چهارم خیر وبرکت باشد وبدانکه نانوا
درخواب کسی بود که طلب مال کند اکر بیند که او نانوا شد دلیل کند که طا

مال بود ومال را حاصل کند امّا از بهر روزی با مردمان جنک وخصومت کند وبعضی
از معبّران کفتند که نانوا دلیل پادشاه عادل باشد **نانخواه** ابن سیرین کوید که دیدن نا
نخواه درخواب دلیل بر غم واندوه کند واکر بیند که نانخواه داشت دلیل کند که بر قدر
آن ویرا غم واندوه رسد واکر بیند که نانخواه همی خورد دلیل کند که غم واندوه وی صعبتر
بود واکر بیند که نانخواه بکسی داد یا از خانه بیرون ریخت دلیل کند که از غم واندوه رسته
کردد وعلی الجمله در دیدن نانخواه هیچ خیر ومنفعتی نباشد جز غم ورنج واندوه **ناودان**
ابن سیرین کوید اکر بیند که پی باران آب از ناودانها بزیر همی آمد دلیل کند که در آن
شهر یا در آن محله جنک وخصومت باشد واز خصومت خون ریختن عظیم
باشد واکر بیند که از باوش وناودان آب همی ریخت دلیل کند که از فضل ورحمت ایزد
تعالی غم واندوه از مردم آن موضع زایل کردد که باران همی بارید ولیکن از ناودانها آب
فرود نمی آمد دلیل کند که مردم آن موضع را از پادشاه رنج ومصادره بود واکر بیند که ابر با ...
بی بارید واز ناودان ها آب بزیر همی آمد دلیل کند که حق تعالی بر اهل آن موضع فضل
ورحمت وعنایت باشد جابر مغربی کوید اکر بیند که ناودانی نو بر بام خویش بنهاد
دلیل کند که از مهتری بزرک ویرا خیر ومنفعت رسد واکر بیند که ناودان وی مسین یا
آهنین بود دلیل کند که نظام کارش بر خیر وبر دوام باشد واکر بیند که از ناودان کسی آب
فرا کرفت دلیل کند بر آنکه بر قدر آن از کسی ویرا خیر ومنفعت رسد حضرت امام جعفر صادق
علیه السّلم کوید که دیدن ناودان درخواب بر سه وجه باشد یکی رئیس شهر بود دوم مرد
بزرکوار باشد سیوم خیر ومنفعت اندک **نای** ابن سیرین کوید که نای زدن درخواب
غم اندوه ومصیبت باشد وشنیدن وی هم غم وتفکّر باشد ونای با چنک بد تر و
صعبتر باشد اکر بیند که نای همیزد دلیل کند که در غم واندوه کرفتار شود وباشد که ویرا
مصیبتی پیدا شود کرمانی کوید که نای زدن بخواب کسی باشد که بدیکران خبر ...
دیکران دهد وبعضی از معبّران کفتند که نای زدن مردم مصیبت زده باشد وعلی
الجمله در نای زدن ونای شنیدن هیچ خیر ومنفعتی نباشد جابر مغربی کوید

اکربیند

اکر بیند که آواز نی شنید دلیل کند که از خبرهای پنهان وسرّ مردمان آکه کردد وآن خبرها
بیشتر دروغ وسخن محال باشد ویا از دوستان غایب سخن مکروه شنود واکر بیند
که آواز چهارپای یا نای همی شنید دلیل کند که خصومت وجنک وغلبت شنود حضرت
امام جعفر صادق علیه السّلم کوید که نای زدن درخواب وآواز نای شنیدن بر سه
وجه بود یکی مصیبت بود دوم غم واندوه بود سیوم جنک وخصومت کردن بود **نبات**
ابن سیرین کوید که هر نباتی که بوقت خویش بیند که او را ساق وشاخ بود دلیل بر روزی وجاه وبزرکی
ونعمت ومال کند بقدر آن سبزی وبلندی وکوتاهی شاخهای وی اکر بیند که بوستان وی نبات
یا کیاه یا درخت برست دلیل کند که بر قدر آن خیر ونعمت بدو رسد وهرچند بیشتر
بیند بهتر باشد ونعمت بروی پاینده تر باشد وچون بر چشم وکوش وزبان وی رسته
باشد واکر بیند که درخانهٔ وی یا در مسجد یکبن نبات یا دو بن رسته بود دلیل کند
که مردی غریب در آنجا فرود آید وبعد از آن انباز وی کردد یا داماد وی کردد و
اکر چنان بیند که در زمینی یا درخانهٔ که ملک او بود نبات سبز رسته است دلیل کند که
ویرا بزرکی وعزّ وجاه زیادت کردد کرمانی کوید که نبات زمین بخواب نعمت و
مال وخواسته بود مردم خاصه را وکیاه مال ونعمت وفراخی بود مردم عام را واکر
بیند که در زمینی که ملک وی بود نبات بسیار وانبوه رسته بود دلیل کند که خداوند
این خواب مسلمان ودیندار باشد خاصه بوقت وی بیند واکر بیند که در زمین
وی سبزه ونبات معروف رسته بود دلیل کند که فضل ودیانت وی زیادت کردد واکر
نبات خود را زرد وپژمرده بیند دلیل کند بر غم واندوه ومضرّت وبیماری وی حضرت
امام جعفر صادق علیه السّلم کوید که نبات درخواب دیدن بر چهار وجه بود یکی مال
ونعمت باشد دوم بزرکی وجاه سیوم معیشت خوش چهارم زیادتی دین والله
اعلم **نبات جلاب** ابن سیرین کوید که چون نبات جلاب کسی اندک
بیند سخن خوش بود وچون بسیار بیند دلیل بر مال ونعمت وخواسته کند اکر بیند
که کسی در دهان وی نبات بود نهاد دلیل کند که از کسی سخنی خوش شنود یا ویرا بوسه

دهد کرمانی کوید اگر بیند که بخروارها نبات داشت دلیل کند که بقدر آن ویرا نعمت مال
و روزی حلال حاصل شود و اگر بیند که خرواری نبات وی در دریا در خانهٔ عظیم غرق شد
چنانکه از وهیچ حاصل نشد دلیل کند بر آنکه ویرا از پادشاه وقت مصادره و زحمت رسد
و مال و نعمتش بستاند حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام کوید که دیدن نبات جلاب
بر پنج وجه بود یکی سخن خوش باشد دوم منفعت و مال بود سیوم منفعت و مال بود
چهارم فرزندان پنجم روزی حلال بر قدر آن که دیده باشد **نباش** بدانکه نباش نه
تازی آن بود که کفن مردکان کند ابن سیرین کوید اگر کسی در خواب بیند که او نباش
شد اگر آن شخص فاضل و اهل علم بود دلیل کند که وی در علمی ژرف فرو شود
و طالب و خواستار علم و دانش کردد و اگر مرد مصلح و دیندار نبود طالب دنیای
باطل باشد و خویشتن را بکلامهای دروغ و محال مشغول کرداند و عمر خویش را بدان
ضایع کند جابر مغربی کوید اگر نباشی بیند که کفن بسیار جمع کرد اگر مرد صالح بود دلیل
کند که بسیار علم و حکمت حاصل کند و اگر مفسد بود بسیار علمهای باطل ویرا حاصل
کردد و بعضی از معبّران کفته‌اند که بسیار مال حرام جمع کند و از مردمان ویرا بسیار ملامت
و سرزنش رسد **نبشتن** دانیال کوید اگر کسی بیند که چیزی نویسد و وی نویسنده
نباشد دلیل کند که بمکر و حیلت مال جماعت بستاند و کارهای نامشروع کند و اگر بیند
که از بهر پادشاه چیزی همی نبشت دلیل کند که از مردمان شفقت و منفعت بسیار
یابد اگر بیند که از بهر مردمان عام نوشت دلیل کند که دلهای مردمان بمکر و حیلت
بخویشتن کرم کند ابن سیرین کوید اگر بیند که از ناکار نویسنده شد دلیل کند که بمکر و
حیلت بسیار کذراند و بحیلت مال بدست آید و اگر مرد عالم بود چنان بیند که
نویسندکی همیکرد دلیل کند که خیر و منفعت بسیار یابد لیکن اگر عمل کند دلیل کند
که از عمل بیفتد و اگر کسی بیند که شعر و غزل و مدح و افسانها و آنچه بدین ماند همی نوشت
دلیل کند که بشغل و عیش دنیا مشغول و فریفته شود و شغل آخرت و راه دین فریفته
شود و اگر بیند که خطبه و جامع قرآن و توحید و دعوات و آنچه بدین ماند همی

نبشت

نبشت دلیل کند که خیر و منفعت آخرتی یابد جابر مغربی کوید اگر بیند که چیزها همی نبشت
که خلاف دین و راه شریعت بود بد باشد و اگر بیند که نامه همی نبشت و مدارش خون
بود دلیل کند که قباله بنویسد که آن ربا باشد اسمعیل اشعث کوید اگر دبیری بخواب بیند
که خط بسبزی می نوشت دلیل کند که اگر صالح باشد دین و دیانت وی زیادت کردد و اگر
فاسق بود دلیل کند که تایب کردد و اگر بیند که بسرخی همی نبشت دلیل کند که بعشرت و
عیش دنیا مشغول باشد و اگر بیند که بزردی همی نبشت دلیل کند که بیمار شود و اگر بیند
که برنگ کبود همی نبشت دلیل کند که ویرا اندوه و مصیبت رسد و اگر بیند که بمشک و
عنبر همی نبشت دلیل کند که نامش بخیر و خوبی منتشر کردد و اگر بیند که بزر یا بسیم همی نبشت
دلیل کند که از پادشاه ویرا منفعتی رسد حضرت امام جعفر صادق علیه السّلم کوید
که نبشتن در خواب بر چهار نوع باشد یکی خیر و منفعت دینی باشد دوم مال و نعمت
دنیا سیوم بمکر و حیلت چیزی حاصل کردن چهارم کسی که در عمل بود معزول کشتن
نبید ابن سیرین کوید که بیند مال حرام بود که بجنگ و خصومت بدست آید
اگر بیند که اندر میان نبید غرق شد دلیل کند که اندر فتنهٔ عظیم افتد و اگر بیند که
نبید همی خورد دلیل کند که بر قدر آن که خورده بود ویرا مال حرام حاصل کردد و اگر بیند
که در خانهٔ خویش نبید بسیار داشت دلیل کند که بقدر آن از دهقانی منفعت
یابد کرمانی کوید اگر بیند که نبید خورد و مست شد دلیل کند که بر قدر مستی ویرا برکی
حاصل شود و اگر بیند که نی خوردن نبید مست شد دلیل کند که ترسی و خوفی
عظیم بوی رسد و اگر بیند که نبید همیخورد دلیل کند که بر قدر آن مال حرام یابد و اگر بیند
که با دیکران همیخورد دلیل کند که بر قدر آن که خورده بود با دیکران جنک و خصومت
کند و اگر بیند که نبید همیخورد دلیل کند که بر قدر آن که خورده بود با دیکران جنک و خصومت
کند و اگر بیند که ندیم بیامد و آن پیاله که نبید در وی بود از وی بستد دلیل کند که بسبب
معیشت دنیوی با کسی جنک و خصومت کند و اگر بیند که جوی از نبید همیرفت و وی
در آن میان شنا همیکرد دلیل کند که در میان فتنهٔ عظیم کرفتار شود جابر مغربی کوید اگر بیند

که نبید با آب آمیخته همیخورد دلیل کند که مال حرام بدست آرد که بوخی از آن از حلال باشد واگر بیند که نبید همیفروخت دلیل کند که وی چیزهای حرام فروشد و دیا دهد و دروی هیچ خیری نباشد و نبید خوردن والی دلیل بر عزل وی کند جعفر صادق علیه السلم گوید که بیند خوردن در خواب بر سه وجه بود یکی تزویج پنهان دوم مال حرام سیوم نعمت این جهانی واگر بیند که نبید همی پالید دلیل کند که بسلطان نزدیک شود و از وی مال و نعمت یابد و بدانکه نبید فروش شخصی بود که وخصومت و پرخاش طلب کند **نخاسی** ابن سیرین گوید اگر بیند که نخاسی همیکرد دلیل کند که سخنهای محال گوید و سوگندهای بدروغ خورد و از گفت وگوی مردمان باک ندارد و بشغل خویش حریص باشد و علی الجمله در نخاسی کردن هیچ خیر و منفعتی نباشد جز رنج و مضرت واگر بیند که با نخاسی دوست شد دلیل کند که با مردی دروغ زن و محال گوی ویرا صحبت افتد و از وی بهیچ کس راحتی نرسد جز مضرت و زیان حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که نخاسی کردن بخواب بر سه وجه بود یکی سخنهای دروغ دوم سوگند بدروغ خوردن بود سیوم زیان مال و نیکی عیش **نخجیربان** ابن سیرین گوید اگر بیند که نخجیران ویرا مطیع و رام گشته بودند دلیل کند که بر قومی که از میان مردمان جدا گشته باشند مهتر شود و بعضی از معبران گفته اند که سالار دزدان شود واگر بیند که نخجیران ویرا مطیع و رام گشته بودند دلیل کند که بر قومی که از میان مردمان جدا گشته باشند مهتر شود و بعضی از معبران گفته اند که سالار دزدان شود واگر بیند که نخجیران ویرا مطیع و فرمان بردار نشده بودند تاویلش بخلاف این باشد واگر بیند که بصورت چون نخجیری شد دلیل کند که بد دین شود و بباطل گروید واگر بیند که بی زخم و جراحتی خون از تن همی رفت دلیل کند که در راه دین ضعیف و سست رای بود جابر مغربی گوید اگر بیند که نخجیری در صحرائی دید و فرا گرفت دلیل کند که بر قدر و قیمت آن نخجیر ویرا از شخصی بیابانی راحت رسد بمکر و حیلت که با وی کند واگر بیند که گوشت همیخورد دلیل کند که بر قدر آن مال از مردی بیابانی هزینه کند واگر بیند که در میان نخجیران مقیم شد و از نخجیران ویرا گزندی نمی رسید دلیل کند که در میان گروهی بیابانی مقام سازد و از ایشان خیر و منفعت

یابد واگر بخلاف این بیند ویرا در میان گروهی بیابانی مضرت رسد واگر بیند که نخجیران با وی در سخن درآمدند و ویرا مطیع و رام گشتند واگر اهل و فاضل بود بسلطانی و بزرگی رسد واگر نخجیر کاری کند که مردمان کار روی عجب دارند **نخود** ابن سیرین گوید نخود در خواب غم و اندوه بود خواه تر و خواه خشک اگر بیند که نخود از کسی فرا گرفت و بخورد دلیل کند که بسبب کسی بر دل وی غم و اندوه گرفتار شود واگر بیند که آن نخودها بکسی بخشید یا بفروخت دلیل کند که غمها یابد و سرانجام کار وی بنظام انجامد واگر چنان بیند که نخود بشوربا و گوشت پخته می خورد دلیل کند که آن غم و اندوه کمتر باشد **نرد** ابن سیرین گوید که نرد باختن در خواب باطل و فریب دنیا باشد اگر بیند که نرد همی باخت و خصم غلبه کرد دلیل کند که بسبب کاری باطل بر شخصی غلبه کند واگر خصم بر وی غالب شد و غلبه کرد تاویلش بر خلاف این باشد واگر بیند که بمکر و از کسی چیزی ببرد دلیل کند که بحیله از کسی چیزی حرام بر قدر آنکه دیده باشد حاصل کرد اندجا بر مغربی گوید که نرد باختن بخواب با زدگانی بود در مال حرام و کعبتین باختن دلیل بر مشغول شدن بحرام و باطل و دروغ و مضرت **نردبان** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر نردبانی می شد که نردبان از گل و خشت کرده بودند دلیل کند که خیر و صلاح دین وی زیادت گردد و خیر و روزی حلال بدو رسد واگر بیند که نردبان از آجر و گچ ساخته بودند دلیل کند بر شر و فساد دین وی واگر آن نردبان از سنگ و آهک بود دلیل کند که بر بیرحمی و سخت دلی وی واگر آن نردبان از چوب دلیل کند بر نفاق و ضعف دین وی کرمانی گوید اگر بیند که از زیر نردبان ببالا می شد اگر اهل نبود دلیل کند که از کسی خیر و منفعت یابد واگر بیند که از نردبان بزیر می آمد دلیل کند که بر خلاف این باشد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که بزیر نردبان آمد و شد همیکرد دلیل کند که شغل مردمان گزارد بی آنکه ویرا خیر و منفعتی بود واگر بیند که از نردبان بیفتاد دلیل کند که از جاه و بزرگی بیفتد بر قدر آنکه ویرا رنج و مضرت رسد و غم و اندوه ویرا حاصل آید حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که نردبان دیدن در

خواب مردم پارسا و مصلح را ظفر بود و بر دشمنان و مردمان فاسق را منافقی بود
در زندگانی **نرگس** دانیال گوید که نرگس بخواب دیدن مردی نیک و خوبروی بود و
لطیف ابن سیرین گوید که نرگس در خواب سخن شیرین باشد اگر مردی بیند که نرگس
تازه فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که ویرا فرزندی خوبروی بیاید و اگر شوهر ندارد شوهری
خوبروی کند و اگر بیند که نرگس تازه از زمین بر کند دلیل کند که زن را طلاق دهد یا فرزندی
بمیرد و اگر مردی بیند که نرگس از درختش بکرو بغلام داد دلیل کند که غلامش بگریزد و اگر زنی
بیند که دسته نرگس بشوهر خویش داد دلیل کند که شوهر ویرا طلاق دهد حضرت امام
جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن نرگس در خواب بر سه وجه بود یکی مردی ظریف
و خوبروی بود دوم فرزند سوم دوستی که دوستی وی دیر بماند و زن را شوهر باشد و اگر
چنان بیند که در زمین وی نرگس بیا مضاعف شد دلیل کند که ویرا عیالان زیادت گردند
و اگر بیند که بر نرگس بوی همی گرفت دلیل کند که نامش در آن طرف بخیر و خوبی و احسان مشهور گردد
نسرین ابن سیرین گوید که دیدن نسرین در خواب بوقت خویش بر درخت خویش
دید دلیل کند که خیری بدو رسد و بعضی از معبران گفتند که ویرا فرزندی آید و چون نسرین
از درخت جدا بیند دلیل بر غم و اندوه کند و اگر بیند که کسی دسته نسرین بدو داد دلیل کند که
درمیان ایشان گفتگوی حاصل شود کرمانی گوید اگر بیند که گل نسرین در دست داشت
یا کسی بدو داد دلیل کند که فرزند طفل وی از دنیا رحلت کند و اگر فرزند ندارد زن از وی جدا
گردد و اگر فرزند ندارد از دوستی جدا گردد و اگر گل نسرین را بر درخت خود بیند دلیل کند
که المی اندک بدو رسد و باشد که از کسی چیزی اندک بدو رسد **نشاسته** ابن سیرین گوید
که نشاسته گندم بخواب دیدن مال حلال بود که برنج بدست آید از تجارت بر قدر آنکه
دیده باشد و اگر بیند که نشاسته خورد دلیل کند اندوهگین شود و بعضی از معبران گفتند
که بیمار گردد و اگر بیند که از نشاسته حلوا کرد و از آن حلوا همی خورد دلیل کند که از مال
و نعمت حلال بدست آرد جابر مغربی گوید اگر بیند که از گندم نشاسته همی کرد دلیل
کند که کار وی صعب افتد و از کسب و کار وی نعمتی برنج حاصل آرد و آن روز کارش

نیک

نیک گردد و اگر بیند که نشاسته همی خورد دلیل کند که غمگین و اندوهناک گردد و بعضی
از معبران گفته اند که بیمار شود **نشستن** ابن سیرین گوید اگر بیند که بر زمین
مقیم شده بود و قرار گرفته دلیل کند که اندر سفر و کار خویش قرار گیرد و اگر بیند که بکتف
بازخفته بود همین دلیل کند و اگر بیند که نشستن وی مقیم نبود تاویلش بخلاف این بود حضرت
امام جعفر صادق علیه السلم گوید که نشستن بر اسب یا بر استر یا بر خر دلیل بر چهار وجه بود
یکی بخت بود دوم دولت سیوم مرتبت چهارم فرمان برداری اگر چنانکه خداوند خواب سزاوار
مهتری بود و اگر نه خیر و منفعت یابد و کارش بنظام شود و نشستن بر باد دلیل بر پادشاهی
چون باد را مطیع خویش بیند کرمانی گوید اگر بیند که با مردمان مصلح همی رفت پس در راه بنشست
و ایشانرا یله کرد دلیل کند که هوادار و مخالف دین بود **قوله تعالی** فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ
و اگر بیند که مردمان مفسد و مخالفین بودند بخلاف این باشد اسمعیل اشعث
گوید اگر بیند که با گروهی مصلحان و پارسایان نشسته بود دلیل کند بر خیر و صلاح دین
وی و اگر بیند که با گروهی مفسدان و فاسقان نشسته بود دلیل کند بر شر و فساد
و کار او **نعل** ابن سیرین گوید که نعل در خواب مال بود که از سببی بدو رسد اگر
چنان بیند که بسیار نعل اسبان داشت دلیل کند بر خیر و منفعت بسیار از پادشاه
یا از حرم پادشاه بدو رسد و اگر نعل استران بیند دلیل کند که بر قدر آن از مهتران
یا از خویشان خود راحت یابد و اگر بیند که نعل خران داشت دلیل کند که بر قدر
آن از بازرگانی مال و نعمت بحاصل آرد و اگر چنان بیند که نعل گری همی کرد دلیل
کند که بر قدر آن از کسب و ورع چیزی بدست آرد و اگر بیند که بیطاری همی کرد
بر چهار پایان نعل می زد دلیل کند که ویرا بسبب مال شکنجه کنند و عذاب او نمایند و اگر
بیند که نعلبندی چهارپایان خود کردی دلیل کند که بسفر شود یا بکار خویش مشغول
گردد و بدانکه نعلبند مردی بود که درمیان مردمان دوستی جوید **نعلین** ابن سیرین
گوید که نعلین پوشیده داشت و بقاصد براهی همی رفت دلیل کند که بسفر شود و اگر
بیند که دوال نعلین وی بگسست دلیل کند که روزگاری بسفر نشود و اگر بیند که

نعلینش سوراخ داشت یا بدرید دلیل کند که بسبب کاری از سفر بازماند کرمانی گوید
اگر بیند که نعلین وی بگونه سیاه بود دلیل کند که سفرش از بهر دین بود و اگر بیند که نعلینش
سرخ بود دلیل کند که سفرش از بهر عیش و شادمانی باشد و اگر بیند که نعلین وی بگونه زرد
دلیل کند که در سفر بیماری رنج کشد و اگر بیند که نعلین وی بگونه سبز بود دلیل کند که سفرش
بجهت آخرت باشد و اگر بیند که نعلین وی ملون بود دلیل کند که در سفر مال و نعمت یابد و
اگر چنان بیند که نعلین نداشت و بدان سبب از سفر باز ایستاد دلیل کند که کنیزکی خرد
جابر مغربی گوید اگر بیند که نعلین نو بخرید یا کسی بدو داد دلیل کند که زنی در نکاح آرد و اگر بیند
که نعلین نو بخرید و در پای کرد دلیل کند که کنیزکی دوشیزه بخرد و اگر بیند که نعلین در
پای کرد یا کسی بدو داد دلیل کند که زنی بیوه بخواهد و اگر بیند که آن نعلین بگونه سیاه
بود دلیل کند که مال دار و اگر چنان بیند که نعلین بگونه سبز بود دلیل کند که آن زن
که بخواهد پارسا و دیندار بود و ستیره و لایت دار و اگر بیند که نعلین وی بگونه سرخ
بود دلیل کند که آن زن طرب انگیز و معاشر بود و عشرت دوست و اگر بیند که
آن نعلین بگونه سفید بود دلیل کند که آن نعلین بگونه سفید بود دلیل کند که آن زن
را از این صفتها که یاد کرده اند از هر نوعی برخی در وی موجود باشد و اگر بیند که آن
نعلین از پوست گاو بود دلیل کند که آن زن را اصل از عجم باشد و اگر چنان بیند که
آن نعلین از پوست اسب بود دلیل کند که آن زن که خواهد با اصل از عجم نباشد بلکه
از عرب و اگر بیند که نعلین از پوست اشتر بود دلیل کند که آن زن با اصل از پدر
عرب باشد و از مادر عجمی و اگر بیند که بوقت رفتن نعلین از پای بیفتاد و او
بیکپای نعلین همی رفت دلیل کند که وی از عیال برادر و خواهر بازماند بزندگانی
یا بمرگ اگر چنان بیند که نعلین از پای وی بیفتاد و نعلین ضایع شد بهبیند که
آن نعلین از چه بوده است اگر چنانکه از پوست اشتر باشد دلیل کند که زنش
بیمار شود و سرانجام شفا یابد یا کاری بد کند و بدان کار پشیمان گردد اسمعیل
اشعث گوید اگر بیند که نعلین وی را کسی بدزدید یا کسی بپوشید سخت بد

باشد

باشد و اگر بیند که کسی نعلین از دست وی بکشید چنانکه بدرید دلیل کند که زن
وی بمیرد و اگر نعلینی بود که بدان سفر خواست شدن دلیل کند که آن سفر باطل
گردد و اگر بیند که یکپای نعلین بپوشید و بسفر رفت دلیل کند که سفر ناتمام کند و
اگر بیند که نعلین بر جای بلند بنهاد دلیل کند که با جفت مجامعت کند و اگر بیند که
نعلین وی کسی دیگر برداشت و بجای بنهاد دلیل کند که کسی با زن وی بفساد
جمع شود و جاحظ معتبر گوید اگر کسی بیند که نعلین وی بسوخت دلیل کند که زن وی
بمیرد و اگر بیند که دوال نعلین وی بریده باشد دلیل کند که زن را طلاق دهد حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن نعلین در خواب بر سه وجه بود یکی جفت
باشد دوم زن سیوم کنیزک و بدانکه نعلین که مردی باشد که کارهای پراکنده مردمان
جمع کند و بیارایند چنانکه دلال **نعناع** ابن سیرین گوید که نعناع دیدن بخواب
دلیل کند بر غم و اندوه و اگر بیند که در زمینی که ملک وی بود نعناع بسیار داشت دلیل
کند که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بیند که نعناع همیخورد دلیل کند که غم و اندوهش صعب‌تر
باشد و اگر بیند که نعناع در زمین دیگران بود دلیل کند که خداوندان زمین در غم و اندوه
گرفتار شوند و اگر بیند که از زمین خویش جمله نعناع کند و بیرون انداخت دلیل کند
از غم و اندوه خلاص یابد **نفط** ابن سیرین گوید که نفط در خواب زن نابکار بود
و اگر بیند که نفط بر خویشتن همی مالید دلیل کند که زنی نابکار در حکم خود آورد و اگر بیند
که نفط بخورد دلیل کند که با زنی نابکار مجامعت کند و بعضی از معبران گفته اند که چیزی
حرام خورد و اگر بیند که نفط بسیار داشت دلیل کند که مال حرام جمع کند جابر مغربی
گوید که نفط اندر خواب دلیل بر غمز کردن مردمان بود و عوانی و اگر بیند که نفط بسیار کسی
بدو داد دلیل کند که با مردی غماز و عوان وی را صحبت افتد و اگر بیند که نفط همیخورد
دلیل کند که از مردی عوان بر قدر آن وی را مال حرام حاصل شود و باشد که آن مال
بر عیال خویش هزینه کند و بدانکه نفط در خواب مردی غماز و عوان و رخره باشد
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن نفط در خواب بر سه بود یکی

زن باشد نابکار؛ دوم مرد غمّاز؛ سیوم مال حرام؛ **نفرین** ابن سیرین گوید اگر
بیند که ظالمی را نفرین همیکرد و او مظلوم باشد دلیل کند که ویرا بران ظالم ظفر باشد و اگر بیند
که ظالم وستم کند اگر بیند که خلق بسیار ظالمی را نفرین همیکردند دلیل کند که آن ظالم
زود هلاک شود و کار وی تباه گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که مردم را بناحق نفرین
همیکرد دلیل کند که احوال وی بد گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل کند که احوال وی
بد باشد و بعضی از معبّران گفتند که نفرین کردن بناحق بد بود ازان سبب
که تاویل نفرین بعضد او در خواب باز گردد و نفرین چون بحکم کنند تاویلش
بر آنکس باشد که ویرا نفرین کنند و بهمه حال نفرین مردم مصلح را زودتر ازان رسد
که نفرین مردم مفسد را چون نفرین بحق کنند و اگر بناحق کنند بخصم باز گردد؛
نقّاد بدانکه نقّاد بتازی نقد کننده بود و او در تاویل حاکم و دانا و عالم بود زیرا که
اختیار کننده هر چیز است که بهتر باشد ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که نقّاد شد و او
مصلح و دیندار باشد دلیل کند که از بهر نفس خویش علم دین و قرآن حاصل کرداند
و اگر محب و خواستار دنیا باشد دلیل کند که از بهر نفس خویش مشرف و بزرگی و
مال و نعمت دنیا اختیار کند جابر مغربی گوید که نقّاد در تاویل عامل و متمیز باشد
میان چیزهای نیک و بد و میان مردم عالم و جاهل و مفسد و مصلح و آنچه بدین
ماند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که نقّادی در تاویل بر چهار وجه
بود یکی مردم دنیا بود؛ دوم حکیم؛ سیوم خردمند؛ چهارم داننده کارهای نیک و بد؛
و آنچه بدین ماند **نقره** بدانکه نقره بتازی سیم گداخته باشد و او دلیل بر زن آزاد
کند ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که نقره از کان خود فرا گرفت دلیل کند که از آن
موضع که ولایت او بوده باشد زن آزاد بزنی کند زیرا که نقره جوهر زنان باشد و اگر
بیند که دران مغاک که معدن وی بوده باشد بیرون شد و از آنجا نقره فرا گرفت دلیل
کند که کسی بروی مکر و حیلت کند و اگر بیند که بقیاس از آنجا پارهای نقره فرا گرفت
دلیل کند که بر قدر آن ویرا مال و نعمت حاصل شود کرمانی گوید اگر بیند که بسیار پارهای

نقره داشت

نقره داشت دلیل کند که بر قدر آن مال یابد و اگر بیند که نقرهٔ سفید داشت دلیل کند
که ویرا فرزند آید حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن نقره بر چهار وجه بود
یکی زن باشد؛ دوم فرزند؛ سیوم گنج و مال؛ چهارم معیشت خوش باشد؛ **نقصان**
بدانکه نقصان بتازی کم شده باشد ابن سیرین گوید اگر کسی در تن خویش نقصان بیند
دلیل کند که بر قدر آن از مال و نعمت وی نقصان شود مگر نقصان زبان که در وی صلاح
بود چنانکه در باب زبان در حرف زا یاد کرده شد کرمانی گوید اگر کسی بیند که از مال خواستهٔ
وی چیزی نقصان شد دلیل کند که بر قدر آن وی را غم و اندوه رسد اگر بیند که از
خانهٔ وی چیزی نقصان شد دلیل کند که اندکی متفکر شود ولیکن هیچ مضرّتی بوی نرسد
نگارگری ابن سیرین گوید اگر بیند که نگارگری همیکرد و بر سقف و دیوارهای خانه وغیره
دلیل کند که مردی بود دوست دار دنیا و مغرور گشتهٔ جهان و فریفتهٔ دنیا پس بزرق و حیلت
کسب همی کند و بآرایش دنیا مردمان را همی فرماید و اگر بیند که نگارگری از بهر
کسی دیگر همی کرد دلیل کند که ویرا گذاشته بود تا وی بحیلت شغل همی کند و کسب از وی به
حاصل کند کرمانی گوید که نگارگر مردی بود که کارهای این جهانی همیشه اندو نگارگری و
صورتگری این هر دو بخواب کاری بود باطل و ناحق **قوله تعالی** مَا هٰذِهِ
التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ؛ جابر مغربی گوید که نگارگر کسی بود که خود را و
دیگران را بدنیا فریفته باشد و راه دین و هدی گذاشته و کار باطل و فریب طلب کند
و از راه دین حق دور شده باشد اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که دستهای خویش
را بسیاهی یا بخضاب بکار همیکرد و یا بکسی نگار میداد کردن دلیل کند که خداوند
مکر و حیل باشد در کسب کردن دنیا و عمل خویش حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
گوید که نگارگری در خواب بر چهار وجه بود یکی آرایش دنیا؛ دوم کار باطل؛ سیوم
مکر و حیلت؛ چهارم فریب و دروغ؛ **نگین** ابن سیرین گوید که نگین انگشتری در
خواب شرف و بزرگی باشد و مال و نعمت و بعضی از معبّران گفتند که فرزند باشد
اگر بیند که نگین انگشتری وی ضایع شد دلیل کند که بزرگی و مال و نعمت وی نقصان

خواری رسد و اگر چنان بیند که نماز همیکرد و انگبین همی خورد دلیل کند که نزدیکی کند
با عیال خود و آن شخص صاحب خواب روزه دارد و اگر بیند که در نماز نشسته بود دلیل
کند که از غمها فرج یابد و حاجتش روا شود و اگر بیند که سلام نماز بر دست چپ داد بعد
ازان بر دست راست دلیل کند که آن شخص را کار و احوال شوریده گردد و اگر چنان بیند که
نماز را نشسته همیکرد دلیل کند که اندر پای وی دردی افتد و بعضی از معبّران گفتند که عذری
آرد که از وی نپذیرند و اگر بیند که در نماز خویشتن را دعائی همیکرد دلیل کند که ویرا فرزندی
آید **قوله تعالی** إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا؛ و اگر بیند که در تاریکی نماز همیکرد
دلیل کند که از غمها فرج یابد و اگر بیند که نماز شب همیگذارد دلیل کند که از بیم ترس
و بیم ایمن گردد و راحت و روح و مال و نعمت و بزرگی و فرمان روائی یابد و حاجتهاش
جمله میسر گردد از حق سبحانه و تعالی و اگر بیند که نماز بر پهلو همیکرد دلیل کند که بیمار گردد و اگر
بیند که نماز جمعه همیگذارد دلیل کند که بسفر شود و روزی حلال یابد و اگر بیند که در بیت المقدس
نماز همیکرد دلیل کند که میراث یابد و کار و احوال صاحب خواب بنظام گردد و در روزی بر
وی گشاده شود و اگر بیند که در کعبه نماز همیکرد دلیل کند که راه دین پیش گیرد زیرا که خلق
جهان روی بکعبه دارند بنماز کردن از هر سوئی و چون بر بام کعبه نماز همیکند روی از
کعبه بیکسوی افتاده باشد جاحظ معبّر گوید که نماز کردن در خواب بر سه وجه بود یکی فریضه؛
دوم سنّت؛ سیوم تطوّع؛ اگر بیند که نماز فرض همیگذارد دلیل کند که ایزد تعالی ویرا حج
روزی کند و از فواحش و کارهای منکر و شبهت نگاه دارد **قوله تعالی** إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ
عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ اگر بیند که نماز سنّت میگذارد دلیل کند بر پاکدینی و صبر کردن
بر دشواریها و آشکارا شدن نام نیکو و شفقت بر خلق خدای تعالی و اگر بیند که نماز تطوّع
همیگذارد دلیل کند بر گرامی داشتن عیال و سعی کردن در حق دوستان و همسایگان و مروّت
کردن با هر کسی و اگر بیند که بر ستون نماز همیکرد دلیل کند که ویرا بیمی عظیم رسد و اگر بیند
که در باغ نماز همیکرد دلیل کند که وام گزارده شود و اگر بیند که در خانه یا در دکان نماز
همیکرد دلیل کند که وامش گزارده شود و اگر بیند که در خانه یا در دکان نماز همیکرد دلیل کند

که حق

که حق سبحانه و تعالی در کسب و کار وی خیر و برکت دهد و در روزی بروی گشاده گردد و
اگر بیند که نماز از وی قوّت گشت و جایگاهی نیافت که در آنجا نماز کند دلیل کند بر دشواری
حال و یافتن مرادها و کامها و اگر بیند که نماز آدینه همیکرد دلیل کند که کارهای وی خوب گردد
و بعضی از معبّران گفتند که کاری کند که پندارد که نیکست عاقبت پشیمان شود از کردن
آن کار خالد اصفهانی گوید که رکوع و سجود کردن قریب باشد بخدای تعالی چنانکه
در کلام قدیم خویش یاد کرده است **قوله تعالی** وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ؛ و رکوع و سجود
ناکردن دوری باشد از باری تعالی و بعضی از معبّران گفتند اگر کسی بیند که نماز اندر
رکوع نکرد دلیل کند که زکوة ندهد و اگر بیند که سجود نکرد دلیل کند که از معصیت و گناه توبه
کند و عمرش کوتاه بود و اگر بیند که نماز تمام بکمال بجای آورد چنانکه هیچ از وی فرو نگذاشت دلیل
کند که ایزد تعالی نماز و عبادتهای او را پذیرفته باشد و گناهانش عفو کرده اند و دعایش مستجاب
کند و بروی رحمت کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید که نماز کردن در خواب
بر هفت وجه بود یکی ایمنی باشد؛ دوم شادمانی؛ سیوم عزّ و جاه؛ چهارم مرتبت؛
پنجم رستگاری؛ ششم مراد یافتن؛ هفتم قضا حاجت؛ هم او گوید که رکوع و سجود کردن
در خواب بر پنج وجه بود یکی مراد یافتن؛ دوم دولت؛ سیوم نصرت؛ چهارم ظفر
یافتن؛ پنجم بجای آوردن امر خدای عزّ و جل چنانکه در کلام مجید یاد فرمود **قوله
تعالی** يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ
تُفْلِحُونَ؛ و بدانکه نماز کردن بر مرده دعا بود اگر بیند که نماز بر مرده تمام دلیل کند
که ویرا دعا و ثنا کنند و اگر بیند که نماز وی تمام نکرد و تعبیرش بخلاف این بود
که یاد کرده شد **نمد** ابن سیرین گوید که نمد در خواب مال حلال بود
اگر بیند که نمد نو سپید پاکیزه نرم داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که بر قدر بزرگی
و فراخی آن مال حلال حاصل کند و اگر بیند که نمد سیاه و چرکین و درشت بود دران بس
منفعتی نباشد و اگر بیند که بسیار نمد داشت دلیل کند که از کسب خویش بر قدر آن مال
جمع کند و اگر بیند که نمدها را همیسوخت دلیل که مال خویش بفساد هزینه کند کرمانی گوید

آید واندوه هکین کردد واکر بیند که نکین انکشتری بشکست همین دلیل کند اکر بیند
که نکینی ناکاه بر انکشتری وی پیدا آمد دلیل کند که بقدر و قیمت وقدر آن ویرا مال و
نعمت حاصل شود یا فرزندش پیدا شود جابر مغربی کوید که نکین باج پادشاهان را ولایت
باشد و زنان را شوهر و مردمان را عزت و نیکوئی بود و هر زیادت و نقصان که در انکین
تاویل برین جمله بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن انکشتری بر
هشت وجه بود یکی فرزند دوم مال سیوم ولایت چهارم عیش کردن باشد پنجم
مهتری ششم بزرکی هفتم زینت هشتم سر عمل بود **نماز** ابن سیرین کوید اکر کسی
بیند که نماز را از جانب مشرق میکرد و خدا وند خواب مستور بود دلیل کند که بحج
رود و اکر مستور نباشد دلیل کند که میلش بر کیش ترسایان بود و در دل هوای ایشان
دارد و اکر بیند که بجانب مغرب نماز همیکرد میلش بکیش جهودان بود و در دل
هوای ایشان دارد و اکر بیند که بجانب شمال همیکرد دلیل کند که دین و اسلام را بر
سوی پشت انداخته بود و سوکند بدروغ خورد و اکر بیند که بر راه نماز همیکرد
و پشت سوی قبله داشت دلیل کند که ویرا اجل نزدیک آمده باشد ویرا توبه باید
کردن از کناهها و اکر بیند که نماز کرد و نمیدانست که قبله از کدام جانب است دلیل
کند که وی در راه دین متحیر باشد و بشك در راه دین خود و اکر بیند که نماز سوی
قبله همیکرد دلیل کند که در راه دین مستقیم باشد کرمانی کوید اکر بیند که قومی را امامی
همیکرد دلیل کند که بر قدر آن جماعت که وی امامی ایشان کرده باشد سروری و مهتری
کند و اکر بیند که در بازار خطبه میخواند و امامی همیکرد اکر آن شخص لایق امامی و خطیبی
نباشد دلیل کند که آن شخص در غم و اندوه کرفتار شود و مردمان بروی افسوس کنند
و اکر چنان بیند که ویرا نماز از وقت درکذشت و جای پاکیزه نیافت که نماز بکذارد
دلیل کند که کار وی بدشواری بر آید دینی و دنیائی و اکر چنان بیند که مردی یا زنی نماز همی
دادند و بر دو بعد از آن امامی کردند و قومی را دلیل کند که آن هر دو از دنیا رحلت کنند
و اکر چنان بیند که نماز برید و تمام نکرد یا نماز بی وضو کذارد دلیل کند که در طلب کاری باشد و

آن کار وی تمام نشود و اکر بیند که کروهی را در مسجد یا در مدرسه امامی میکرد چنانکه شرط
امامی باشد دلیل کند که پادشاه آن دیار ویرا مطیع شود و اکر بخلاف این بیند دلیل آن بخلاف
این بیند دلیل کند که او را اطاعت نکنند و اکر بیند که در نماز رکوع و سجود بجای می آورد و
درنك میکرد و در رکوع و سجود درکند که کارهای دین و دنیائی وی نیک شود جابر مغربی
کوید اکر کسی بخواب بیند که نماز پیشین میکذارد بوقت و آسمان روشن و پاکیزه بود دلیل کند
که بر رفع درجات او بحضرت حق تعالی و اکر آسمان تیره و تاریك بود دلیل کند که ویرا غم
رسد و اکر بیند که فریضهٔ نماز دیکر همیکذارد دلیل کند که امیدهائی که دارد بر آید و اکر بیند که فریضهٔ
نماز شام میکذارد دلیل کند که وامی که از وام دارد بکذارد و اکر بیند که نماز خفتن همیکذارد دلیل
کند که معاملتی کند که با اهل و عیال خود که از آن خرم و شادمان شود و اکر بیند که فریضهٔ نماز
صبح میکذارد دلیل کند که کاری کند که ویرا کسب و مال حلال حاصل شود و اکر بیند که از نماز
برنخی همیکذارد دلیل کند که بسفر شود و اکر این خواب زنی بیند دلیل کند که آن زن حایض شود
و اکر بیند که بی وضو نماز همیکرد دلیل کند که بیمار شود و اکر بیند که در باغی نماز همیکرد دلیل کند
که از کناه توبه و اکر بیند که در کشت زاری نماز همیکرد دلیل کند که از کناه توبه کند و وامی که
دارد بکذارد و اکر بیند که نماز همیکذارد بجایکاهی که نه جای نماز بود دلیل کند که مفسد و بدکار
باشد و اکر بیند که نماز وی از وقت درکذشت و جائی نیافت که قضای نماز بکذارد
دلیل کند بر قضا و کار دنا یا فتن مراد وی و اکر بیند که نماز کرد و روی بصحرا نهاد و بیرون آمد
دلیل کند که تربت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را دریابد و زیارت کند و اکر بیند که در کعبه
نماز میکرد دلیل کند که از خلیفه کارش بنظام و مراد کردد چنانکه خاطر وی خواهد
و اکر بیند که نماز بکشاد بقصد دلیل کند که مفسد و ناپاك بود بر امانت و خیانت کار
و اختلاف کند در راه دین و شریعت و سنت رسول صلی الله علیه و آله و سلم اسمعیل
اشعث کوید اکر بیند که بعد از نماز سجده کرد دلیل کند که بر مردی بزرکوار و محتشم ظفر یابد
و بروی مسلط کردد و اکر بیند که جز خدای کسی را سجده کرد دلیل کند که کار و مرادش حاصل
نشود و اکر بیند که بر سر دیواری سجده کرد دلیل کند که ویرا از بزرکان و محتشمان رنج و

اکر بیند که بر تن جامهٔ سپید نمدین داشت دلیل کند که از کسب مالی حاصل کند و اکر بیند
که بستری از نمد سپید پاکیزه بخرید دلیل کند که زنی توانکر بخواهد یا کنیزکی دوشیزه
بخرد که از و خیر و منفعت یابد و اکر بیند که نمدش از پشم اشتر بود دلیل کند که میراث
یابد یا خیر و منفعتی از بزرکی بدو رسد جابر مغربی کوید اکر بیند نمدی داشت و از
وی ضایع شد یا بسوخت دلیل کند که بقدر آن از مال وی نقصان شود و اکر بیند
که از پشم شتر نمدی میکرد دلیل کند که از کسب خویش ویرا مال وافر حاصل شود و
بدانکه نمدکر بخواب مردی بود که بحلال کراید و از حرام بپرهیزد و هرکز از وی بکسی بدی
نرسد **نمك** ابن سیرین کوید که نمك سپید درخواب درم نقد بود جابر مغربی
کوید نمك خوش کرده درم دون باشد و نیز در روی غم و اندوه و سخنهای تلخ بود
اکر بیند که نمك سپید فرا کرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که بر قدر آن ویرا درم نقد
حاصل شود کرمانی کوید که نمك سپید درخواب دید خیر باشد اکر بیند که نمك همیخورد
دلیل کند که راه زهد ورزد و کارهای خیر کند و نمك سیاه چرکن دلیل دلیل بر شغب
و خصومت و بیماری کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن نمك
درخواب درخواب بر پنج وجه بود یکی درم نقد دوم آب روی سیوم نیکوئی
کردن چهارم مال بسیار پنجم خادم نیك و نمك خوش بخواب دیدن بر چهار وجه بود
یکی درم بنبهره باشد دوم سخنهای ناخوش سیوم غم و اندوه چهارم خرسندی و بدانکه
نمکدان درخواب خادمی بود پاکیزه که همه چیز را نمك بدو رسد **نمکسود** ابن سیرین
کوید نمکسود کوسفندی از جمله کوشتها بهتر باشد خاصه که فربه بود اکر بیند که نمکسود
کوشت کوسفند همیخورد دلیل کند که بروی نعمت و روزی پس از مصیبت باشد
و میراث یابد و اکر نمکسود لاغر بیند دلیل کند که زیانی بدو رسد و هرچند شود
تر و لاغرتر باشد مضرت آن بیشتر بود و کوشت قدید خوردن دلیل بر غیبت
کردن مردمان کند جابر مغربی کوید اکر بیند که نمکسود از کوشت اشتر لاغر همی
خورد دلیل کند که ویرا از مهتر بزرکی مضرت و زیان رسد و اکر بیند که نمکسود

از کوشت اسب لاغر همی خورد دلیل کند که از مردم پادشاه ویرا اندوه و زیان
رسد و اکر نمکسود از کوشت کاو لاغر همیخورد دلیل کند که اندران سال ویرا از تنکی
و قحط زیان رسد و اکر بیند که نمکسود از کوشت چهارپایان دشتی همی خورد دلیل
کند که ویرا از مردمان بیابانی مضرت و زیان رسد و علی الجمله در خوردن نمکسود
خیر و منفعتی نبود خاصه که لاغر باشد و اکر فربه بود مضرت کمتر بود **نهنك**
ابن سیرین کوید که نهنك درخواب دیدن دزد و ستیهنده بود اکر کسی بیند که نهنك ویرا
سوی آب همی کشید و سرانجام ویرا در آن آب غرق کردانید و اندران آب بمرد دلیل کند
که در آب غرق کردد یا کسی که دشمن او باشد از وی ویرا کاری صعب رسد و عاقبت
از آن کار سلامت یابد و اکر بیند که نهنك ویرا کرفت و اندامی از اندامهای وی
بخورد دلیل کند که در آن ویرا کاری صعب رسد و عاقبت از آن کار سلامت یابد
و اکر بیند که نهنك ویرا کرفت و اندامی از اندامهای وی بخورد دلیل کند که در آن
ویرا از دشمن آفت و بلائی رسد و اکر بیند که نهنك ویرا با آب فرو برد دلیل کند
که ماهی ویرا هلاك کند و اکر بیند که با نهنك جنك و نبرد همیکرد و بر نهنك غالب
شد دلیل کند که بر دشمن چیره شود و او را قهر کند و اکر بیند که نهنك بروی غالب
شد دلیل کند که دشمن بروی ظفر یابد و قهرش کند و اکر بیند که از کوشت نهنك
همیخورد دلیل کند که بر قدر آن از مال دشمن بخورد و اکر بیند که کوشت نهنك یا استخوان
داشت دلیل کند که از دشمن بر وی بلا و مضرت رسد جابر مغربی کوید اکر بیند که نهنك
ویرا در آب کشید دلیل کند که اجل وی بر دست دشمن وی نزدیك آمده باشد
و امید بود که از ین جهان شهید بیرون شود **نو** ابن سیرین کوید که هر چیزی که در
نوی پسندیده بود دلیلش در تعبیر بخیر و خوبی باشد و کهنش بد و ناپسندیده بود
و آنچه در نوی پسندیده نباشد کهن وی در تعبیر خیر و خوبی باشد بخلاف نخستین
و تاویل چیزهای نو و کهن را از نیك و بد هر چیزی در موضعش باول حرف
وی بیان کردیم تا اینقدر معلوم باشد **نوحه کردن** ابن سیرین کوید اکر کسی در

خواب بیند که نوحه همیکرد دلیل کند که رنجی بدو رسد و در دینش فساد بود و اگر بیند
که از جایگاهی نوحه همیکردند دلیل کند که دران جایگه کاری شوم باشد که بسبب آن
شومی مردمان ازان موضع متفرق کردند و اگر بیند که والی شهر مرد و مردمان برو نوحه
همیکردند دلیل کند که از داد و عدل والی ایشان را رنج و بلا رسد خاصه که نوحه گریستن
باشد و بعضی از معبران گفتند که از داد والی خرم و شادمانه باشند و اگر بیند که با نوحه همی
گریستند دلیل کند که والی بر ایشان بیداد و ستم کنند و اگر بیداد وی غمگین و مستمند
شوند کرمانی گوید اگر بخواب بیند که نوحه همیکرد و فغان همیداشت و جامه بر خویشتن
همی درید دلیل کند که ویرا اندوه و مصیبت رسد و اگر بیند که همیگریست و آهسته
نوحه همیکرد دلیل کند که خرم و شادمانه شود و اگر بیند که با زنان و مردمان بسیار نوحه
ببانگ همیکرد دلیل کند که بدان موضع غم و اندوه بزرگ رسد از سبب پادشاه یا
بمرگ کسی غمگین شود **نوشادر** ابن سیرین گوید که نوشادر دیدن در خواب
غم و اندوه بود اگر بیند که نوشادر داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که غمگین و متفکر
شود و اگر بیند که نوشادر همی خورد دلیل کند که غم و اندوهش صعبتر بود و علی الجمله
در دیدن نوشادر خیر نبود جز اندوه و مضرت **نیام** بدانکه نیام بپارسی غلاف بود
و تاویل وی در حرف غین بیان کردیم تا اینقدر معلوم باشد **نیزه** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که نیزه و مندتر ازان شد
که در بیداری بود دلیل کند که قوت و حال وی خوب شود در دنیا و آخرت چون کردارش در
دنیا عمل صالح بود و اگر کردارش بد بود تاویلش بخلاف این بود که یاد کرده شد **نیزه**
ابن سیرین گوید اگر بیند که با سلیح دیگر نیزه در دست داشت دلیل کند که بزرگی و کامرانی
یابد چنانکه فرمانش بر جایها روان بود و اگر بیند که با نیزه هیچ سلیح پوشیده نداشت
دلیل کند که ویرا فرزندی آید یا برادری و اگر بیند که نیزه وی بشکست دلیل کند
که فرزند یا برادرش اجل فرا رسد و اگر بیند که نیزه ویرا کسی بدزدید دلیل کند که کار بر
وی شوریده گردد و شغلش بنظام نیاید و اگر بیند که کسی را بنیزه زخم زد دلیل کند که
غیبت مردمان گوید چنانکه بمثل گویند که فلان فلان را طعنه زد کرمانی گوید که نیزه

بخواب قوت باشد و ظفر یافتن بر دشمن. اگر بیند که در دست نیزه داشت دلیل
کند که قوت یابد و بر دشمن چیره گردد و نیم نیزه دیدن در خواب مردی غریب بود که ویرا
کاری نیکو پدید آید و از نو خیر و منفعت یابد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید.
گوید نیزه در خواب بر هشت وجه بود یکی قوت باشد دوم سفر سیوم ولایت
چهارم زن پنجم فرزند ششم ایمنی هفتم توانائی هشتم ریاست بمقدار نیزه
و بدانکه نیزه گر بخواب کسی بود که مردمان را یاری کند و از وی هر کس قوت و نیکی رسد
نی ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از بهر نبشتن نی فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل کند
که دانش بیاموزد و اگر بیند که به نی چیزی همی نبشت اگر آن چیز خیر و صلاح نبشت
دلیل بر خیر و صلاح کند و اگر شر و فساد نبشت دلیل بر شر و فساد کند و اگر بیند
که بسیار نی داشت دلیل کند که رنج اندک مایه چیزی بدست آید **نیشکر**
ابن سیرین گوید اگر بیند که نیشکر را همی مکید دلیل کند که بکاری مشغول شود
که ازان کار گفتگو و خصومت پدید آید بر قدر مکیدن نیشکر و اگر بیند که
آن را بفروخت یا بکسی بخشید دلیل کند که از گفتگوی و خصومت باز رهد
و اگر بیند که نیشکر داشت و از وی همی خورد دلیل کند که ویرا خصومت و گفتگو
کمتر بود و بعضی از معبران گفته اند که بر قدر آن چیزی که پنهان کرده باشد
بیابد **نیکی کردن** ابن سیرین گوید که نیکی کردن در خواب بزرگواری و قوت
باشد در دین بر قدر آن نیکی که کند و رستگاری بود از عذاب آخرت خاصه
که با مردم مؤمن و پارسا کند بهتر باشد کرمانی گوید اگر بیند که کسی با وی نیکی
همیکرد و آنکس را خوار همیداشت دلیل کند که او بهمه کارها ناسپاس بود
قوله تعالی وَلَا تَنْسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ و اگر بیند که نیکی با اهل کفر و شرک
همی کند دلیل کند که مال خویش هرچه برکسانی کند که ازان ویرا ازین جهانی
و آن جهانی حاصل شود **نیل** ابن سیرین گوید که نیل دیدن در خواب دلیل
بر غم و اندوه کند اگر بیند که نیل داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که بر قدر

آن ویرا غم و اندوه رسد و اگر بیند که نیل را بکسی بخشید یا از وی ضایع شد
دلیل کند که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که جامه خویش را بنیل رنگ کرد
دلیل کند که ویرا مصیبت رسد بسبب مرگ کسی از خویشان و دوستان
و اگر بیند که نیل را همی خورد دلیل کند که بیمار گردد یا آفتی بدو رسد **نیلوفر**
ابن سیرین گوید چون نیلوفر بر درخت خود بیند دلیل کند که از زنی یا از کروهی
یا از کنیزکی خیر بدو رسد یا فرزندی ویرا حاصل شود و چون ویرا از درخت
جدا کند دلیل بر غم و اندوه کند کرمانی گوید اگر زنی بیند که نیلوفر از درختش
بکسست و بغلام خویش داد دلیل کند که غلام وی بگریزد و اگر بیند که کسی دسته
نیلوفر بدو داد دلیل کند که درمیانشان جدائی افتد دانیال گوید که درخت نیلوفر
در خواب کنیزکی بود بخوی ناسازگار **حرف واو از کتاب کامل
التعبیر** **واشه** بدانکه واشه بتازی واسق بود ابن سیرین گوید که چون
واشه را فرمان بر و مطیع بیند چنانکه اگر از دست بپرد چون بانگش کند باز آید
و بر دست بنشیند چون بدیفان بود دلیل کند که بر قدر جاه و منزلت خدا و ندش
اگر بیند که واشه سپید و نیکو بر دستش نشسته بود و مطیع و فرمان بروی بود
دلیل کند که از مردی بزرگوار قدر و جاه و منزلت یابد و اگر بیند که واشه در دست وی
بپرید و رشته با پرش در دست وی بماند دلیل کند که قدر و جاه وی زایل گردد و اندک
مال بروی بماند جابر مغربی گوید که دیدن واشه پادشاهان را ملک و روزی و منفعت
بود و توانگران را هم منفعت و مال باشد و درویشان را فرزند بود و اگر بیند که از دست
وی بیفتاد و برفت اگر بیننده خواب پادشاه بود دلیل کند که از ملک معزول گردد
و اگر امیر و یا سردار بود از قدر و جاه و منزلت بیفتد و اگر توانگر بود بدرویشی و بیچارگی افتد
و اگر درویش بود فرزندش بمیرد و بعضی از معبران گفتند که واشه مرد را عیال و پسر و مرد
بود اگر بیند که گوشت واشه همی خورد دلیل کند کسی بر قدر آن از مال دشمن بخورد و اگر بیند
که بجایگاهی واشه بسیار جمع آمده بود دلیل کند که بهمان جایگاه شوند حضرت امام

جعفر صادق علیه السلام گوید که دیدن واشه در خواب بر چهار وجه بود یکی قدر و جاه بود دوم
فرمان روائی سیوم مال چهارم فرزند **ولی** بدانکه والی بتازی فرمان روا بود اگر کار داری
بیند که از تخت بیفتاد یا تخت وی بشکست یا شمشیر وی بشکست یا شمشیر از وی
بستد یا سرای وی خراب شد یا در راهی گرفتار شد یا چهار پائی ویرا بسر و بزد و بیفتاد
یا کسی ویرا بیفکند این جمله دلیل کند بر آنکه از بزرگی و شرف و شغل معزول گردد ابن
سیرین گوید اگر کارداری بیند که دستارش با دستار دیگری بپوست دلیل کند که بزرگی
شرف وی پاینده بماند و اگر بیند که کارداری مرده که نخست در انجا بود زنده شد
دلیل کند که سیرت مرد بر جای نمانده بود و نیز دلیل کند که کسی از خویشان آن مرده
کاردار آن موضع و اگر کارداری بیند که گروهی ویرا از مجلس بیرون همیکشیدند یا بر
وی غلبت میکردند دلیل کند که بر نقصان بزرگی و شرف وی جابر مغربی گوید اگر کسی
بیند که کاردار شد و در عمل خویش منصف و دادگر شد چنانکه مردمان از وی خشنود
بود دلیل کند که خیر و صلاح دینی بیابد خاصه چون بیننده خواب مفسد و ناپارسا باشد
وحوش بدانکه وحوش بتازی چهارپایان دشتی باشند و هرچه از ایشان
نر بود دلیل بر مردان کند و هرچه ماده بود دلیل بر زنان کند ابن سیرین گوید اگر بیند
که در خواب وحوش را صید همیکرد یا کسی از برای او صید همیکرد و بدو میداد این
همه غنیمت و مال باشد و بدانکه گوشت و پوست وحوش همه منفعت و مال باشد
و شیر ایشان مال بود کرمانی گوید که وحوش تابع و فرمان بر او شده بود همچنانکه
چنانکه سلیمان علیه السلام دلیل کند که گروهی مردم که در مسلمانی ایشان خلل
باشد ویرا مطیع و فرمان بر شوند و متابع او گردند خاصه که بیننده خواب مستور
باشد و شرح تاویل هر یکی را از وحوش در اول حرف نامش بتمامی بیان کردیم
تا اینقدر معلوم باشد **ودج** بدانکه ودج بتازی پیمانه بود و شرح تاویلش را در حرف
سین بیان کردیم تا اینقدر معلوم باشد **ودنه** ابن سیرین گوید که ودنه و بتر که نان
در خواب دو انباز اند یکی مشفق و دیگر سخت دل که فرق کند میان حق و باطل

اکر بیند که درخواب ورده وبترك نان داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که این دم
انبازکه کفته شد ویرا حاصل شود جابر مغربی کوید اکر بیند که ورده داشت دلیل کند
که باکسی ویرا صحبت افتد که اورا بحق راه نماید واز باطل اورا منع کند واکر بیند که ورده
او بشکست یا ضایع شد دلیل کند که از صحبت آنکس ویرا مفارقت افتد حضرت
امام جعفر صادق علیه السلم کوید که دیدن ورده درخواب بر سه وجه بود یکی دوستی بر کارهای
دنیائی دوم انبازی که طالب معیشت بود سیوم کار دشوار بروی آسان کردد **ورده**
ابن سیرین کوید اکر کسی بیند در دست دشمن ورده شده است سخت بد بود و رنج
وافتی بدو رسد وصعبتر از آن باشد که در دست کافر خود را ورده بیند واکر بیند
که دشمن در دست وی ورده بود دلیل کند که بر دشمن غالب شود وقهر کند کرمانی کوید
اکر کسی بیند که ورده را همی فروخت از غلام وکنیزك دلیل کند که ویرا خیر ومنفعت
رسد چون بیند که ورده انکافران فرا کرفت واکر بیند که ورده همی خرید بد باشد
جابر مغربی کوید اکر ورده غلام خرد بد باشد واکر غلام فروشد نیکباشد واکر ورده
کنیزك خریده بود نیکباشد واکر بفروشد بد باشد بد باشد بخلاف غلام واکر بیند
که غلام با ریش بخرید دلیل کند که بر دشمن ظفر یابد واکر ورده که داشت از وی
بکریخت اکر غلام کریخت نیکباشد واکر کنیزك کریخت بد باشد ودلیل بر نقصان
مال کند وبدانکه ورده فروش صاحب خیر باشد وبعضی از معبران کفته‌اند
که ورده دیدن درخواب مردی بود که اخبار مردمان جوید **ورشان** بدانکه ورشان
بتازی مرغی بود که بخراسان ویرا کبوتر بپا خوانند ودیدن وی بخواب زن بود یا
کنیزك ابن سیرین کوید اکر کسی بیند که ورشانرا بکرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که زن
خواهد اکر بیند که ورشان بخرید دلیل کند که زن خواهد یا کنیزك خرد واکر بیند
که ورشان از دست وی بپرید دلیل کند که زن را طلاق دهد یا کنیزك فروشد کرمانی
کوید اکر بیند که ورشان را بکشت وکوشت وی بخورد دلیل کند که بقدر آن از مال
زن بستاند وهزینه کند واکر بیند که ورشان بمرد دلیل کند که زن یا کنیزك وی بمیرد و

اکر بیند که ورشان بسیار داشت دلیل کند که بقدر آن ویرا زنان وکنیزکان بود واکر
بیند که بچهٔ ورشان داشت دلیل کند که کنیزك ناده ویرا حاصل شود وبعضی از معبران
کفته‌اند که ویرا فرزند آید **ورغنت** بدانکه ورغنت بتازی ویرا قنابری خوانند حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام کوید که دیدن ورغنت درخواب بر سه وجه است یکی
منفعت باشد دوم معیشت باشد اندك سیوم غم واندوه **وزغ** ابن سیرین کوید
که وزغ درخواب مردی باشد زاهد وعابد در آن شغل که او بود اکر بیند وزغی فرا
کرفت دلیل کند که با مردی بدان صفت که کفتیم ویرا مصاحبت افتد واکر بیند که با وزغ
جنك ونبرد کرد وبد نك همی کوید دلیل کند که در آن موضع عذاب خدای تعالی فرا رسد
واکر غلبه نکشد دلیل کند که مردمان در آن جایکاه بایکدیکر عذاب فساد وتمامی همی کنند
جابر مغربی کوید اکر کسی بکزند دلیل کند که از مردی زاهد ویرا رنج رسد واکر بیند که
وزغی را از آب بر کرفت وبر زمین انداخت دلیل کند که زاهدی را از کار ومعیشت
وی باز دارد وبدو مضرت رسد **وزیر** ابن سیرین کوید اکر کسی وزیر پادشاه را بنشان
نیکو بیند دلیل کند که کار آن وزیر بهتر شود ودوامش زیادت کردد واکر بنشان بد بیند
تاویلش بخلاف این بود که یاد کرده شد واکر بیند که او نیز وزیر شد ودر وزارت
منصف وداد کر بود دلیل کند که شرف وبزرکی یابد بر قدر عدل وانصاف خویش
واکر بیند که وزیر بساطی فراخ بکسترد دلیل کند که جاه ونعمت ومال بروی فراخ
وعمرش دراز بود واکر بیند که وزیر ویرا خلعت نیکو کلاه داد دلیل کند که ویرا بر
دار کنند واکر بیند که وزیر بر سرای وی آمد که به بیداری در آمدن آنجا ممکن بود
دلیل کند که ویرا غم واندوهی رسد از سبب پادشاه واکر در آمدن در آنجا به بیداری
ممکن نبود هیچ رنج ومضرتی ویرا نباشد کرمانی کوید اکر کسی بیند که بر وزیر بر
مائده طعام همی خورد دلیل کند که شرف وبزرکی یابد واکر بیند که سرای وزیر بیفتاد
یا ویرا بیمار دید یا دید که پادشاه ویرا معزول کرد یا از جائی بیفتاد یا اسپ ویرا
بیفکند یا لکد زند یا کاوی ویرا بسر وبزد یا دوات ویرا کسی از وی بستد این

جمله دلیل کند بر معزولی وی از وزارت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
کوید که چهار چیزاست که آن چهار بینندهٔ خواب را دلیل بر وزارت کند یکی آنکه
بیند چشم وی ماه کشته بود دوم آنکه بیند که چشم وی دجلهٔ بغداد کشته بود سیوم
آنکه بیند که پادشاهی کمری درمیان وی بست چهارم آنکه بیند که از چهار یار پیغمبر
یکی تاج بر سر وی نهاده بود این چهار علامت که کفته شد دلیل بر یافتن وزارت
کند تا اینقدر معلوم باشد **وسمه** ابن سیرین کوید که دیدن وسمه درخواب
دلیل بر غم واندوه کند اکر بیند که زمینی داشت واندر آن بسیار وسمه رسته بود دلیل
کند که در غم واندوه کرفتار شود واکر بیند که آن وسمها از زمین بر کند ودور بینداخت
دلیل کند که از غم واندوه رسته شود واکر بیند که وسمه همی خورد دلیل کند که از سبب
عیال درد رنج وتعب افتد واکر بیند که دستهٔ وسمه کسی بدو داد دلیل کند که درمیان ایشان
خصومت افتد جابر مغربی کوید اکر بیند که دستهٔ وسمه بدست عیال خویش داد
دلیل کند که درمیان ایشان جدائی وخصومت افتد وعلی الجمله دیدن وسمه هیچ خیری
نبود تا اینقدر معلوم باشد **وشه** بدانکه وشه وشق بود بتازی ابن سیرین کوید که دیدن
او دلیل درخواب غم واندوه بود اکر بیند که وشه داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که
غمکین ومتفکر کردد واکر بیند که وشه همی خورد دلیل کند که از سبب عیال ویرا غم واندوه
رسد واکر بیند که بخروار وشه داشت دلیل کند که در غم واندوه کرفتار شود واکر بیند
که وشه را بکسی داد دلیل کند که از غم واندوه رسته شود جابر مغربی کوید اکر بیند که چیزی
را بوشه بچسپانید دلیل کند که کار پراکنده را بهم جمع آرد واکر بیند که وشه همی خوایید
دلیل کند که غیبت وبدی مردمان کوید **وضو** بدانکه وضو بتازی دست وروی شستن
بود ابن سیرین کوید اکر بیند که دست وروی بآب صافی چنانکه شرطست تمام بشست
دلیل کند که کاری که جوید تمام بیابد ومقصودهاش حاصل شود اکر بیند که دست
وروی بآب پلید همی شست ونیز تمام بشست تاویلش بخلاف این بود کرمانی کوید
اکر بیند که بچشمهٔ آب صافی دست وروی تمام بشست دلیل کند که اکر غمکین بود

از غمها فرج یابد واکر ترسنده بود ایمن شود واکر وام دارد وامش کزارده شود واکر بیمار
بود شفا یابد واکر کناه کار بود کناهش عفو شود واکر زندانی یا اسیر بود رهائی یابد جابر
مغربی کوید اکر بیند که بهر دو دست وروی خویش همی شست دلیل کند که از دوستان
وتیار خویش یاری بخواهد بشغلی از بهر حرمت وجاه خویش واکر بیند که دست وروی
شسته بود وویرا حدیثی پدید آید که دست وروی وی باطل شد دلیل کند که بر کسب وکار
خویش بیچاره کردد واکر بیند که دیکر باره دست وروی بشست دلیل کند که مراد وی حاصل شود
واز شر دشمنان ایمن کردد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید اکر بیند
که کسی دست وروی همی شست واو با وی بدرانکس نکاه همی کرد دلیل کند که او بر دست
کسی توبه کند **وکیل** ابن سیرین کوید اکر کسی بیند که وکیل پادشاه شد ودر شغل خویش
منصف وداد کر دلیل کند که خیر واقبال دینی یابد واکر بیند که وکیل قاضی شد همین دلیل
کند واکر بیند که در شغل وکالت منصف وداد کر نبود تاویلش بخلاف این بود که یاد کرده شد
واکر وکیل پادشاه را بخواب بیند واو وکیل پادشاه را بخواب بیند واو وکیل وداد کر
ومنصف باشد دلیل کند که شکار رفته باز وی آید جابر مغربی کوید اکر کسی وکیل پادشاه
بخواب بیند که ویرا بنواخت وبا وی سخن بلطف کفت وخرم وکشاده روی بود وبدو
چیزی بخشید ویا ویرا خلعت داد دلیل کند که از آن وکیل ویرا بقدر جاه وخیر ومنفعت رسد
واکر بخلاف این بیند دلیل کند که ویرا از و رنج وبیحرمتی رسد **وادی** بدانکه وادی
بتازی علت جذام بود ودیدنش درخواب چیزی باشد که خداوندش را بر سد تا
که بیند که وادی آماسیده بود ابن سیرین کوید اکر بیند که وادی بر تنش بسیار بود دلیل
کند که بر قدر آن ویرا مال وخواسته برنج حاصل شود واکر بیند که بر تن وی را انکرك بود
دلیل کند که در کاری زشت افتد که از آن کار بیزاری جوید وبعضی از معبران کفته‌اند
که بکاری زشت ویرا معروف کنند حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کوید که دیدن وادی
بر تن خویش مردم درویش را توانکری ونعمت بود ومردم توانکر را باز ایستادن از کناه واکر بیند
که وادی چنان شد که جمله بدستان وی افتاده بود دلیل کند که نمازها نکند وباشد

ابن سیرین گوید

که فرزندان برادرش از دنیا رحلت کنند **ویرانی** ابن سیرین گوید که ویرانی خانه و دکان
و آنچه بدین ماند جمله گمراهی بود در دنیا و اگر بیند که چیزی آبادان را ویران همیکرد دلیل کند که در
شغل دنیا گمراه بود و راه صلاح را بگذارد و اگر بیند که چیزی ویران آبادان همیکرد تاویلش بخلاف
این بود که یاد کرده شد کرمانی گوید اگر بیند که جایگاه آبادان ویران شد و سپید دلیل کند که اهل
آن جایگاه را بلا و مصیبت رسد و اگر بیند که ویران کهن را آبادان همیکرد دلیل کند بر صلاح
کارهای خداوندش و از گمراهی براه صلاح آید جابر مغربی گوید اگر بیند که ویرانی سرایش
از کردار مخلوقست دلیل کند بر مصیبت و اندوه و اگر بیند که ویرانی از کردار خالقست
دلیل کند که در انجام آلست و آن مال روزی وی بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
گوید اگر بیند که مسجد یا مدرسه یا صومعه را ویران کرد دلیل کند بر نقصان دین وی
حرف ها از کتاب کامل التعبیر **هاون** ابن سیرین گوید که هاون و دسته
هاون دو شریکند که ایشان را از یکدیگر ناچار است و چون هر دو بهم باشند کار کنند و فائده
بخداوندش بازدهند اگر از ایشان یکی بیند هیچ فائده ندهد اگر بیند که هاونی داشت یا کسی
بوی داد دلیل کند که بر قدر بزرگی و کوچکی آن هاون ویرا اندو شریک خیر و فائده رسد و اگر بیند
که در هاون چیزی را خرد همیکرد و اگر آن چیز از خوردنیها بود دلیل کند که بر قدر و قیمت آن
چیز برنج و سختی ویرا خیر و منفعتی حاصل شود و اگر آن چیز از داروها بود تاویلش بر سه
وجه بود اگر اسهال دارد دلیل بر نقصان مال کند و اگر از داروها امساك بود دلیل بر زیادتی
مال بود و اگر از برای چشم بود دلیل کند بر زیادتی دین جابر مغربی گوید اگر بیند که آنچه به
هاون همی کوفت و آن بطعم شیرین بود دلیل بر منفعت کند که برنج و سختی بدست
آرد و اگر تلخ بود دلیل بر مضرت و غم کند و اگر بیند که چیزی از جوا بر در هاون همی سود
دلیل کند که بقدر آن چیز از مال خویش بدست خویش تلف کند **هبا** بدانکه هبا بتازی گرد و
ذره آفتاب بود ابن سیرین گوید که هبا دیدن بخواب باطل باشد و از سخنها و کارهای
بی اکنده که اندران هیچ خیر و منفعت بود چنانکه خدای تعالی در قرآن مجید یاد کرده است
قوله تعالی فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا اگر بیند که هبا پدید آمد دلیل کند که از این چیزها

کرگفته

کرگفته شد در آن دیار ظاهر شود بر قدر آن هبا که دیده باشد که در هوا هبا پدید آمد اگر آن
هبا بگونه سرخ بود دلیل کند که اندران دیار جنگ و نبرد و فتنه و خون ریختن بسیار بود و اگر
بگونه زرد بود دلیل بر بیماری بسیار کند و اگر بگونه سیاه بود دلیل بر مصیبت بسیار کند و اگر بگونه
سپید بود دلیل کند که از آن فتنه و رنجها که گفتیم در آنجا اندك مایه ظاهر شود **هدهد** بدانکه
هدهد بپارسی بوبو گویند و بنزدیك اهل عجم هدهد معروف تر است از این سبب
تاویل ویرا بحرف ها بیان نکردیم ابن سیرین گوید که هدهد در خواب مردی بود زیرك
و دانا از کارهای نهانی مردم را خبر دهد اما زشت نام زیرا که هدهد بوی ناخوش دارد
اگر بیند که هدهدی فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که با مردی زیرك و دانا بدان
صفت که گفتیم ویرا صحبت افتد و از و دانش و فرهنگ حاصل کند و اگر هدهد را
بکشت دلیل کند که بر مردی زیرك و دانا ظفر یابد و او را قهر کند و اگر بیند که
از گوشت وی بخورد دلیل کند که بر قدر آن از مال آن مرد یا از علمش حاصل شود
ولیکن مال از راه دین مکروه بود کرمانی گوید که هدهد بخواب صاحب
خبر باشد یا رسول نیك اگر بیند که هدهد با وی سخن گفت دلیل کند که از
چیزهای نیك و بد جهان ویرا خبر بود و اگر بیند هدهد را بکشت دلیل کند که
بر اهل علم قهر کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن هدهد
در خواب بر وجه بود یکی خبر ناخوش باشد که بشنود چنانکه بشگفت بماند دوم
بزرگی یابد سیوم بر دشمنان ظفر شود چهارم اندران کار که باشد زیرك
و دانا بود **قوله تعالی** فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَإٍ
يَقِينٍ **هدیه** بدانکه هدیه بتازی چیزی بود که بکسی دهند اگر بیند که بکسی چیزی
هدیه داد نگاه کند اگر دلیل نوع آن چیز از تاویل نیك و پسندیده باشد دلیل
کند که هر دو را از یکدیگر خیر و صلاح رسد و هر دو را مقصود از یکدیگر حاصل شود
و اگر آن چیز را تاویل مکروه و ناپسندیده بود دلیل کند که هر دو را از یکدیگر شر و فساد
رسد ابن سیرین گوید اگر بیند که کسی چیزی ویرا هدیه داد که آن چیز را دوست دارد

دلیل بر خیر و صلاح کند و اگر آن چیز را دشمن دارد دلیل بر شر و فساد کند و اگر بیند
که مردی پیر یا زنی پیر ویرا هدیه داد دلیل کند که خیر و منفعتی بدو رسد و اگر مردی جوان
یا زنی جوان دهد تاویلش بخلاف این بود که یاد کرده شد **هریسه** ابن سیرین گوید اگر
بیند که در خواب هریسه همیخورد دلیل کند که بر قدر آن خیر و منفعت بدو رسد و حاجت
وی روا شود و بعضی از معبران گفته اند که دلیل کند که ویرا فرزندی آید که چشم وی
بدان فرزند روشن گردد زیرا که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم هریسه را از طعامهای بهشت
گفته است قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم الْهَرِيسَةُ مِنْ أَطْعِمَةِ الْجَنَّةِ جابر مغربی گوید که
هریسه خوردن در خواب دلیل کند بر اندیشه و کراهیت از جهت عمال حضرة امام
جعفر صادق علیه السلم گوید که هریسه خوردن در خواب چون بگوشتهاء لطیف
پخته بود دلیل کند که بر قدر خوردن وی خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که بگوشتها
غلیظ پخته بود بطعم ناخوش بر قدر خوردن آن مضرت و زیان رسد یا اندوه
گین شود **هزار دستان** ابن سیرین گوید که هزار دستان بخواب دیدن فرزند
خوش آواز بود و چون سخن گوید خوب بود لیکن ضعیف حال باشد و خداوند
علم و ادب و فرهنگ بود و بنزدیك مردمان محبوب اگر بیند که کسی ویرا
هزار دستان عطا داد دلیل کند که او را فرزندی آید بدین صفت که یاد کرده شد
و اگر بیند که هزار دستان بباغ بگرفت دلیل کند که با مردمان توانگر و نیکو سخن و نیك
محضر ویرا پیوستگی بود کرمانی گوید که هزار دستان بخواب زن خوش آواز بود اگر
بیند که هزار دستان را گرفت دلیل کند که زنی خوش آواز را بزنی کند و اگر بیند که هزار
دستان بخرید دلیل کند که کنیزکی خوش آواز یا مطربه بخرد و اگر بیند که هزار دستان
از دست وی بپرید دلیل کند که زن را طلاق دهد یا کنیزك وی بگریزد جابر مغربی
گوید که هزار دستان فرزند غلام کوچك باشد و شنیدن آواز او شنیدن کلام
خوش و سخن شیرین بود حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن
هزار دستان در خواب بر پنج بود یکی زن خوش آواز دوم فرزند غلام سیوم مردی

خوش خوان

خوش خوان چهارم حکیم خوش طبع نیکو سخن پنجم عالم متکلم بود **هلیله** ابن سیرین
گوید که هلیله کابلی بخواب دیدن دلیل بر غم و اندوه کند و هلیله سیاه دلیل بر مصیبت
کند اگر بیند که یکنوع ازین هلیلها همی خورد دلیل کند که آنچه گفته شد ویرا بتر و صعبتر باشد
و اگر بیند که هر سه هلیله همی خورد دلیل کند که بر قدر آن که خورده بود و برخی ازین آفتها
که گفته شد ویرا حاصل شود و اگر بیند که هلیله با شکر یا انگبین همیخورد دلیل کند که
آنچه گفته شد ویرا اندکی حاصل شود و علی الجمله در خوردن هلیلها جز رنج و مضرت
و بیماری نباشد **همای** ابن سیرین گوید که دیدن همای دلیل بر عز و دولت و بزرگی و
ظفر کند اگر بیند که همای داشت که بر قدر شرف همای عز و بزرگی یابد و اگر بیند که
همای از دست وی بپرید یا بمرد دلیل که بزرگی از وی زایل شود کرمانی گوید که همای
در خواب پادشاه یا رئیس مردم بزرگوار بود اگر بیند که همای را فرا گرفت یا کسی بدو داد
دلیل کند که پیش پادشاه خاص و مقرب شود و یا با مردی بزرگوار بپیوندد و از آن منفعت
یابد و اگر بیند که همای را بکشت و از گوشت وی همیخورد دلیل کند که مردی بزرگوار
را قهر کند و از مال وی بر قدر آن بخورد منفعت یابد و اگر بیند که پر همای در دست
داشت دلیل کند که از اینکسان که گفته شد بر قدر آن ویرا خیر و منفعتی رسد و اگر بیند
که همای را بتیر یا بسنگ بزد دلیل کند که بر پس اینکسان که گفتیم سخن بگوید و اگر
بیند که همای ویرا بزد و بخراشید دلیل کند که از اینکسان که گفتیم ویرا مضرت رسد
حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گوید که دیدن همای در خواب بر هفت وجه
بود یکی پادشاه باشد دوم رئیس سیوم مرد بزرگوار چهارم دولت پنجم بزرگی از پادشاه
ششم فرمان روایی هفتم اقبال و عز بود **هوا** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که هوا روشن
و صافی بود دلیل کند که مردم آن دیار را شادی و معیشت نیکو و ایمنی و راحت
بود و علما و اهل حکمت را دولت و اقبال زیادت گردد و اگر بیند که هوا تیره و تاریك
بود دلیل کند که اهل آن دیار را غم و اندوه رسد و اگر بیند که هوا سرخ بود دلیل کند
که در آن دیار جنگ بسیار پدید آید و اگر بیند که هوا زرد شد دلیل کند که

دران دیار رنج و بیماری بسیار ظاهر شود و اگر بیند که هوا سبز شد دران دیار کشت
و غله و نبات زمین بسیار بود و اهل دین را اندران سال احوال نیکو باشد و اگر بیند که
هوا پاکیزه سپید شد دلیل کند که اهل آن دیار را نعمت و فراخی و کسب معیشت بسیار بود
کرمانی گوید اگر بیند که هوا گرد آلود بود و باد سخت همی جست دلیل کند که پادشاه
بیگانه دران دیار را بیم و رنج و محنت و بلا نماید و اگر بیند که برخی از هوا بر فراز شهری
یا در محله روشن و صافی در آمد دلیل کند که اندران سال بر اهل آن موضع خیر و منفعت
فراخ گردد و اگر بیند که هوا تلون بود دلیل کند که اهل آن دیار را اندران سال احوال سخت مختلف
و بد باشد یعنی سم رطحشان بود و هم محنت و اگر بیند که هوا هر زمان گونا گون بر نگیسا
مختلف و متغیر شد تاویلش همین بود که یاد کرده شد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
گوید که دیدن هوا در خواب بر پنج وجه بود یکی بزرگی باشد دوم شهادت سیوم شده ستی
چهارم ایمنی پنجم معیشت نیکو و این پنج وجه دلیل بر هوای روشن و صافی کند و
الله اعلم **هوام** بدانکه هوام بتازی جنندکان بی زهر باشد ابن سیرین گوید که تاویل
هوام دشمنان باشد بقدر قوتشان و سلاحشان و آرامگاهشان زیرا که هرچه از ایشان
فروتر بود دلیلش از علم تعبیر دشمن قوی تر باشد و هرچه از ایشان ضعیف تر بود دلیلش
از تعبیر دشمن ضعیف تر باشد و چنانکه جنندگان که زهر دارند دلیل تاویلشان بهر حال
صعبتر و قوی تر از دلیل جنندگان بی زهر باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
گوید که دیدن هوام زمین در خواب تهدید وانی باشد که بازگشت آن بدشمنان
و حاسدان بود تا بقدر معلوم باشد **هیزم** گویند که هیزم تر و خشک در خواب
جنگ و خصومت و سخن چینی کردن بود و هیزم کشی این هر دو مردم سخن چین باشند
اگر کسی بیند که هیزم در خانه خویش آورد دلیل کند که بر قدر آن هیزم ویرا دران خانه
خصومت و گفتگوی بود و اگر بیند که هیزم کسی بیگانه بدو بخشید دلیل کند که ویرا با مردم
بیگانه جنگ و خصومت افتد بر قدر هیزم کرمانی گوید اگر کسی بیند که از بیشه یا از
صحرا یا از هر گونه هیزم جمع میکرد و بر پشت میبرد دلیل کند که اینکس بدگو دارو ...

غماز و

غماز و حاسد و سخن چین بود لیکن زود گرفتار شود **قوله تعالی حَمَّالَةَ الْحَطَبِ**
فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ و اگر بیند که از درختان هیزم جمع همیکرد دلیل کند
که ویرا در میان محتشمان و بزرگان آزمون کنند و سخنهای بیحاصل گوید و اگر
بیند که از درختان که هیزم جمع همیکرد و میوه دار بودند دلیل کند که در میان مر
دمان بزرگ همت و محتشم باشد که ویرا آزمون کنند و علی الجمله در دیدن
هیزم خشک در خواب منافقی و سخن چینی کردن بود و هیزم تر جنگ و خصومت
کردن و گفتگوی باشد و بهر حال تر و خشک دیدن در خواب هر دو را تاویل بد
باشد **حرف یا از کتاب کامل التعبیر** **یاره** بدانکه یاره بتازی از دست
او رنجن بود اگر مردی بیند که یاره زرین در دست داشت دلیل کند که مکروهی
بدو رسد و اگر یاره سیمین داشت دلیل کند که غم و اندوه کمتر بود و جمله پیرایه زنان
مردان نیکو نباشد مگر طوق و گوشواره و غیره مال و زینت پادشاه دینی باشد
و زنان را شوهر باشد بر قدر و قیمت آنکه دیده باشد و مردان غم و اندوه بود و
شرح تاویل هر یکی از پیرایها در اول حرفش پیش ازین بیان کردیم **یاسمین**
ابن سیرین گوید اگر بیند که کسی دسته یاسمین بوی داد دلیل کند که در میانشان گفت
و گوی و مفارقت افتد و اگر زنی یاسمین از درخت وی بگسست و بشوهر خویش داد
شوهرش ویرا طلاق دهد و اگر مردی یاسمین بغلام خویش داد غلامش بگریزد اسمعیل
اشعث گوید که درخت در خواب زنی توانگر بود و بدخو و سفله و حاسد اما اگر یاسمین
سپید بود آن زن خوبروی باشد و اگر یاسمین زرد بود آن زن زرد بیمار شد و بیمار دو
اگر یاسمین و خوشبوی باشد آن زن دران دیار بجود و احسان نام دار باشد و اگر بوی
خوش ندارد تاویلش بخلاف این بود **یافتن چیزی** ابن سیرین گوید اگر کسی
بیند که چیزی یافت از یکجنس اگر خداوند خواب مستور باشد دلیل کند که چیزی
بیابد و اگر مستور نبود دلیل کند بر غم و اندوه که بدو رسد و اگر پنج چیز یابد از یکجنس
دلیل کند که پنج نماز پیوسته بجای آرد و گویند که مامون خلیفه بخواب دید که

ملک الموت پنج انگشتان در روی دراز کرده بودی معبران را پرسید تعبیر ندانستند
گروهی گفتند تا پنج روز بمیرد و گروهی گفتند تا پنج سال دیگر بمیرد ابن سیرین گفت آنچه شما می
گوئید دروغ است تعبیر این آن است که ایزد عز و جل میفرماید **قوله تعالی إِنَّ**
اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ مَا ذَا تَكْسِبُ غَدًا
وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ایزد تعالی اندرین پنج سال
چیز غیبت خویش بکس نداد امیر المؤمنین شاد شد کرمانی گوید اگر بیند بخواب که
دو خیر یافت هر دو از یکجنس دلیل کند که حج و عمره کند و مراد یابد و اگر بیند
که ده چیز یافت که آن هر ده از یکجنس بودند دلیل بر یافتن خیر و منفعت کند و
تنا و دیگر را هم برین قیاس کنند هر چند بیشتر بود بهتر باشد اما اگر آنچه یافت نه از یک
جنس باشد تاویلش نیک نبود و اگر بعدد جفت یافت بهتر از فرد باشد **یافتن**
کان ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که کوه بکند و کان زر یافت دلیل کند که اندر خود
ولایت یابد و اگر بیننده خواب مصلح و پارسا و اهل دین بود دلیل کند که ایزد تعالی
ویرا علم و حکمت ارزانی دارد و اگر پیشه کار بود از کسب مال را جمع کند و اگر بیند که کان
سیم یافت دلیل کند که زنی از بزرگان بخواهد که مال دار بود و هم جمال و هم حسب
و بعضی از معبران گفتند که ویرا فرزندی آید مبارک که از و چیزها بیند و اگر بیند
که کان مس یا برنج یافت دلیل کند که ویرا با مهتری بدکردار و بیرحمت صحبت افتد
و اگر سرب یافت دلیل کند که ویرا مهتری ستمکاره و بی انصاف مصاحبت
شود و اگر کان ارزیز یافت زنی خوبروی را بزنی کند و اگر کان آهن یافت با
مهتری قوی ویرا صحبت افتد و از و مال یابد و اگر کان بلور یافت دلیل کند که از
پادشاه یا از زن پادشاه ویرا خیر و منفعت رسد و اگر کان زبرجد یافت صاحب دولت
شود و مال وی بیابد و اگر یاقوت یافت عز و جاه و مالش زیادت شود و اگر کان
فیروزه یافت دولت و ظفر یابد و دشمنان را قهر کند و اگر کان عقیق یافت
از پادشاه منفعت یابد و اگر کان شبه یافت با مهتری ویرا سخن رود و مقصودش

حاصل نشود

حاصل نشود و اگر کان لعل یافت بزرگی و جاه یابد و اگر کان مروارید یافت کام دل یابد
و اگر کان سیماب یافت از مردی نیک معاملت و خواسته یابد و اگر کان نوشادر یافت
یا بوده اندوهگین شود و اگر کان گوگرد یافت ویرا رنج و اندوه و زیان مال رسد و اگر کان نفط
یافت میان مردمان زشت و رسوا شود و اگر کان نمک یافت از مهتری بزرگ خیر و منفعت
یابد و اگر کان سرمه یافت یا کان زاک سیاه هرچه سیاه بود ویرا غم و اندوه رسد و اگر کان
زاک سپید یافت منفعت یابد و اگر کان زاک سرخ یافت ویرا با مردی صحبت افتد که
سپاهی بود و اگر کان زرد یافت بیمار شود و اگر کان مقناطیس یافت دلیل کند که ویرا
با مردی مهتر و قوی و طامع و سفله صحبت افتد **یاقوت** ابن سیرین گوید که دیدن یاقوت
بخواب زن بود یا کنیزک اگر بیند که یاقوتی سرخ یا سبز فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل کند
زنی پاکیزه بخواهد یا کنیزکی بخرد یا ویرا دختری آید خوبروی و اگر یاقوت دزدیده و
معیوب کسی بدو داد دلیل کند که آن زن یا کنیزک بروی حرام باشد یا کسی بخانه وی
خیانت کرده باشد کرمانی گوید اگر بیند که یاقوت بقفیز همی پیمود یا بجوال یاقوت
داشت دلیل کند که بر قدر آن ویرا امالی مکروه بود در دین و اگر بیند که یاقوت همی
فروخت دلیل کند که دلالی همی کند و اگر بیند که یاقوت یافت سخن وی روا گردد
جابر مغربی گوید اگر بیند که یاقوت سبز یا کبود داشت دلیل کند که زنی اصیل بخواهد
و اگر زن ندارد فرزندش آید اگر یاقوت مغشوش بود فرزندی ناپاک و مفسد
باشد و اگر یاقوت سرخ و آبدار بود فرزندش پارسا و نعمت دار باشد و اگر یاقوت
بی عیب و نیکو باشد مال وی حلال بود و اگر معیوب بود آن مال وی حرام بود اسمعیل
اشعث گوید اگر در خواب یاقوت سرخ یافت آن زن با جمال و توانگر بود که بخواهد
و اگر یاقوت زرد یافت آن زن زرد روی باشد و اگر آن یاقوت کبود بود آن زن اندوه
گین باشد و اگر یاقوت سپید یافت آن زن پارسا و ستیره بود حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام گوید که دیدن یاقوت بر شش وجه بود یکی مال باشد دوم فرهنگ
سیوم علم چهارم پسر پنجم مردمک نیل خطر ششم زن دوشیزه **یبروج** بدانکه یبروج

هو الله العالی بعلمه

را بپارسی ابو صنم خوانند واو نباتی بود که بصورت مردم ماند ابن سیرین گوید اگر
کسی بیند که ابو صنم داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که در خدمت مردی دون و فرو
مایه مشغول گردد واز وی رنج یابد واگر بیند که بیروج همی خورد دلیل کند که بر قدر آن از مال مردی
بدان صفت که گفتیم هزینه کند و در دیدن بیروج جز رنج ومضرت واندوه نباشد
یخ دانیال گوید که دیدن یخ در خواب غم واندوه واندیشه باشد خاصه که بوقت خویش
بیند اگر بیند که یخ همی خورد یا خویشتن را در یخ دان دید فراخی بود که آنکه بسیار و بی
اندازه بیند واگر بیند که بوقت خویش یخ صافی می ستد و بخانه همی برد دلیل کند که بر قدر
آن مال را جمع آورد کرمانی گوید اگر بتابستان یخ جمع همی کرد مال حلال جمع کند خاصه که صافی
بود واگر از آب تیره و تلخ و ناخوش بود مالی که جمع آورد حرام خواهد بود واگر یخ بزمستان
بیند عیش خوش بود واز مهتری منفعت یابد جابر مغربی گوید که یخ را بخواب دیدن در
سردسیر خیر و نعمت بود و در گرمسیر غم و قحط بود وبعضی از معبّران گفته اند
که یخ بخواب دیدن در سردسیر فراخی بود و در گرمسیر بخلاف باشد و خوردنش
هم بزمستان بهتر بود که بیند آنکه بتابستان اسمعیل اشعث گوید که برف و یخ دیدن
در خواب دلیل بر فراخی کند و در دیار گرمسیر دلیل کند بر تنگی ومضرت حضرت
امام جعفر صادق علیه السلم گوید که یخ در خواب دیدن بر شش وجه بود یکی روزی فراخ
دوم زندگانی سوم مال چهارم نرخ ارزان پنجم غم واندوه ششم قحط و تنگی
یشم ابن سیرین گوید که یشم در خواب زنی بی اصل بود واگر کسی بیند که یشم داشت
یا کسی بدو داد دلیل کند که بر قدر آن از سبب زنان منفعت بدو رسد یل
بدانکه یل بپارسی مبارز بود ابن سیرین گوید اگر پادشاهی بیند که او مبارز شده
بود دلیل کند که در پادشاهی قوت یابد اگر عالمی بیند که در علم قوی و یگانه
شد و در مناظره خصم را قهر کرد واگر بازرگانی بیند که مبارز شد در تجارت
منفعت و مال یابد واگر سپاهی بیند بر دشمن ظفر یابد واگر درویشی بیند
احوال وی خوب گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که با کسی مبارزت همی کرد

دلیل کند